

از دواج و تربیه در فکر معاصر اسلامی

فضل غنی مجددی



مشخصات کتاب

اسم کتاب : ازدواج و تربیه در فکر معاصر اسلامی
مؤلف : فضل غنی مجددی
سال چاپ : ۲۰۱۸ میلادی
محل چاپ : کلیفورنیا، ایالات متحده امریکا

آدرس نشرات فقه اسلامی
Fazl Ghani Mogaddedi
201 Washington Blvd.#104
Fremont, California 94539
USA
Tel +(510) 979-9489
E-mail: fazlghanimogaddedi@yahoo.com
www.Islaminfo.One

اهداء

این تحقیق متواضع را به جوانان عزیز افغانستان
که می‌خواهند ازدواج کنند تقدیم می‌دارم.

سپاس

من لا یشکر الناس لا یشکر الله

کسیکه شکر مردم را نکند شکر خدا را نمی کند

با کمال احترام و تقدیر از تمام برادران و خواهران گرامی که بنده را از سالیان متمادی کمک معنوی و مادی نمودند تشکر می نمائیم و اگر کمک های شما نمی بود بنده قادر به نشر مجله فقه اسلامی و رساله های تحقیقی و کتب نمی بودم. از برادر گرامی جناب محترم سلیم یوسفی و جناب داکتر محبوب احمد مجددی و جناب محترم محمد ناصر جان مجددی و محترم فضل محمود جان مجددی که در طبع این تحقیق متواضع کمک نمودند تشکر می نمائیم و از خداوند سبحانه و تعالی برای شان و خانواده گرامی شان اجر دارین را میخواهم.

از همسر عزیزه ام ملالی جان مجددی که فضائی آرام را برای من آماده کرده تا مشغول تحقیقات باشم تشکر می کنم. و همچنان از اعضای انجمن دعوت اسلامی افغانان مقیم امریکا (آمو) و انجمن های اسلامی افغانها در سویدن ، سوئیس ، کانادا ، جرمنی ، دنمارک ، ناروی و جناب پروفیسور داکتر عبدالستار سیرت و محترم سید عزیز سادات صمیمانه تشکر می نمائیم. خداوند شما خواهران و برادران را که در نشر فرهنگ و ثقافت اسلامی زحمت می کشید اجر دارین نصیب کند.

فهرست مطالب

9	مقدمه
13	تغییرات... و اثر آن در تدوین قوانین معاصر:
17	تمهید
17	احوال شخصیه:
20	سوابق تاریخی تدوین احوال شخصیه در کشور های اسلامی:
26	فصل اول : ضرورت تشکیل خانواده.....
28	تعریف خانواده و اقسام آن:
30	معنی الأسرة ، خانواده در ادبیات زبان:
33	اقسام خانواده:
35	اهمیت خانواده:
37	مهمترین وظیفه خانواده:
37	مهمترین وظیفه خانواده عبارت است از:
38	مشکلات معاصر خانواده:
44	مریضی های اخلاقی و اثر آن بالای نظام خانواده:
49	فصل دوم : انتخاب شریک زندگی
49	انتخاب شریک زندگی:
53	انتخاب قبل از نامزدی:
55	روش انتخاب شریک زندگی:
63	حدود دیدن:
65	صلاحیت پدر در انتخاب شریک زندگی برای دخترش:

68	فصل سوم : نامزدی و قوانین آن
68	خواستگاری:
70	الخطبة:
70	مشروعیت نامزدی:
71	شروط نامزدی: نامزدی دو شرط دارد:
71	حکمت از نامزدی:
72	اجراءات قانونی نامزدی:
72	خطری تفاوتی و عدم احترام حدود شریعت در مرحله نامزدی:
73	بحث و مناقشه آزاد برای آینده زوجیت:
75	معاینات طبی:
80	قوانین مرحله نامزدی:
83	الغای نامزدی و نتایج قانونی آن:
84	تعویض یا جبران خساره:
91	فصل چهارم : عقد نکاح
92	برسمیت شناختن ازدواج:
93	عقد:
94	مقومات عقد:
94	عقد ازدواج:
97	شروط تنفیذ عقد:
99	أهلیت ازدواج:
100	كفو:
101	مهر:

- 105..... پیشنهادات:
- 106..... تبصره:
- 107..... وقت و زمان عقد ازدواج:
- 108..... ازدواج صغیره:
- 109..... آیا ازدواج نصیب و قسمت است؟
- 110..... در مورد حکم شیرخواریگی و عقد ازدواج:
- 112..... ازدواج از طریق انترنت و وسائل جمعی:
- 112..... پیشنهاد به مراکز اسلامی و انجمن های اجتماعی:
- 114 **فصل پنجم: آغاز زندگی زوجیت**
- 118..... حقوق زن بالای شوهر:
- 118..... اول- حقوق دینی و مذهبی زن:
- 121..... دوم- حقوق مدنی:
- 123..... سوم- حقوق سیاسی زن:
- 126..... چهارم- حقوق اقتصادی:
- 130..... پنجم- حقوق معنوی:
- 139..... دوم- حقوق شوهر:
- 140..... اول- حق قوامه:
- 144..... دوم- عدم پذیرائی نا محرم بدون اجازه شوهر:
- 145..... دوم- اطاعت از شوهر:
- 148..... سوم- حفظ شرف و ثروت:
- 150..... چهارم- خدمت:
- 151..... پنجم- حفظ اسرار:
- 153..... ششم- حق نصیحت:

- 153.....سوم- حق مشترک بین زن و شوهر:
- فصل ششم: رسیدن به سعادت و نزول به شقاوت 163**
- 165.....معنی و مفهوم سعادت:
- 165.....تعریف سعادت:
- 167.....سعادت از منظور و مفهوم اسلامی:
- 168.....رسیدن به سعادت.....
- 169.....سعادت خانواده:
- 173.....رابطه عاشقانه و دوستی در ایجاد سعادت:
- 176.....صحت جنسی:
- 178.....زندگی جنسی معلولین:
- 179.....علامات خطر برای سعادت زوجیت:
- 180.....نقش زن در آوردن سعادت:
- 183.....نقش مرد در حفظ سعادت:
- 184.....مشوره برای زن و شوهر:
- 185.....مشکلات خانوادگی و راه حل آن:
- 188.....مشکلات دائمی بین زن و شوهر:
- 190.....روش اصلاح بین زن و شوهر:
- 191.....صلح در قانون خانواده:
- فصل هفتم: انحلال زوجیت 195**
- 196.....تعریف طلاق:
- 197.....مشروعیت طلاق:
- 197.....حکم طلاق:

198.....	فرق بین طلاق و خلع:
200.....	فسخ به سبب ضرر و شقاق:
200.....	حکم شرعی دربارهٔ خانمی که شوهرش مفقود شده باشد
204.....	فسخ به علت صحی:
204.....	فسخ به علت تعدد زوجات:
205.....	اقسام طلاق:
205.....	آداب طلاق:
209.....	مشکلات طلاق در کشورهای غربی:
210.....	وثیقهٔ طلاق
210.....	شهادت
212	فصل هشتم : ثقافت جنسی
214.....	اهداف مسائل جنسی در اسلام:
214.....	تربیت جنسی:
216.....	موقف اسلام از رابطه بین تربیت جنسی و علاقهٔ به جنس:
217.....	مفردات جنس در قرآن کریم:
219.....	مفهوم جنس:
219.....	نقش مؤسسات تربیوی در تربیهٔ جنسی:
221.....	تربیت جنسی در کتب ثقافت اسلامی:
221.....	ثقافت جنسی بین زن و شوهر:
222.....	رابطه جنسی در اسلام عبادت است:
224.....	آرایش و زینت زن برای شوهر و شوهر برای زن:
224.....	ثقافت مباشرت جنسی:
226.....	مسائل جنسی در وقت حیض و نفاس:

- 230..... مباشرت جنسی و جماع در وقت حامله گی :
231..... عدم نشر اسرار مباشرت جنسی :
232..... غسل یا وضوء کردن بین دو جماع :
232..... مدت یکجا شدن با زن :
233..... خطرهای اجتماعی و صحی مباشرت غیر شرعی :
236 **فصل نهم : تنظیم نسل**
241..... تنظیم نسل :
241..... حق زن و شوهر برای اولاد :
242..... دیدگاه فقهاء و دانشمندان معاصر از تحدید و تنظیم نسل :
244..... نتایج تحدید نسل :
245..... وسائل تنظیم نسل :
247..... عزل :
250..... سقط جنین :
252..... داشتن اولاد :
260..... نقش مادر و پدر در جنسیت طفل :
263 **فصل دهم: اصول تربیه**
264..... تعریف تربیه :
266..... اهداف تربیه :
267..... اصول تربیه :
268..... مراحل تاریخی اصول تربیه :
270..... تربیه در نظام اسلامی :
272..... تعریف تربیه اسلامی :

- 273..... مراحل تربیه اسلامی :
275..... اهمیت تربیه در اسلام:
275..... خصوصیت های تربیه اسلامی :
280..... مفهوم اصطلاح عصر :
297..... اصول و روش تربیه در فرهنگ اسلام :
298..... اول- تربیه ایمانی و عقائدی :
303..... شعب ایمان یا شعبه های ایمان :
307..... رابطه ایمان با عمل :
310..... دوم- تربیه عملی ارکان اسلام :
314..... ادب با قرآن کریم :
314..... ادب با سنت :
316..... تربیه آداب اجتماعی :
317..... اول- آداب سلام دادن :
318..... دوم- تربیه خوردن غذاء و نوشیدن :
319..... سوم- آداب اجازه گرفتن :
320..... چهارم- آداب لباس :
322..... پنجم- آداب مجلس :
323..... مسئولیت تربیه نفسانی و روانی طفل :
324..... تربیه اخلاقی :
331..... اول- حسد و حسادات :
332..... دوم- صدق :
334..... سوم- خیانت :
335..... چهارم- نفاق :

- 336.....پنجم - حس تخریب:
- 337.....ششم - اسراف:
- 338.....هفتم - تفرقه:
- 340.....تربیه اجتماعی:
- 346.....اصلاح فرهنگ و ثقافت:
- 349 **مراجع**

مقدمه

الحمد لله حمداً كثيراً طیباً مبارکاً و نصلی و نسلم علی عبدک و رسولک و صفوتک من خلقتک ، و أمینک علی و حیک ، محمد بن عبدالله ، الذی أرسلته رحمة للعالمین .
و بعد:

یگانه قانون اسلامی که تا هنوز ثابت و عملاً در جامعه اسلامی تطبیق میشود قانون خانواده است که در فرهنگ حقوقی اسلام، عربی و غیر عربی، باصطلاح « قانون احوال شخصیه » یاد می شود .

متأسفانه اکثر قوانین اسلامی در جهان اسلام تطبیق عملی ندارد و در ادبیات و اصطلاح قانون هر قانونیکه برای مدت طولانی تطبیق نشود با اینکه در جمله قوانین است اما بنام قانون مرده حساب میشود. در فرانسه قوانین است که تعدیل و حذف نشده اما از مدتها باین طرف تطبیق عملی ندارد و در اصطلاح حقوقی این نوع قوانین در فرانسه بنام قوانین مرده یاد می شود. در بین قوانین اسلامی قوانین است که در جوامع اسلامی عملاً تطبیق نمی گردد با اینکه مسلمانان به آن معتقد اند و اما از تطبیق آن ابا می ورزند لذا میتوان این نوع قوانین را در جمله قوانین مرده شمرد و امید است زمان آن برسد تا مسلمانان قوانین اسلامی را همانطوریکه به آن اعتقاد دارند احیاء و در زندگی تطبیق عملی نمایند.

قوانین خانواده یا احوال شخصیه در جهان اسلام به اساس مذهب حنفی تدوین شده و در اکثر محاکم اسلامی با تفاوتهای مذهبی در مسائل خانوادگی مانند نکاح ، طلاق ، میراث ، نفقه ، نسب و غیره مسائل خانوادگی با اساس همین مذهب حکم می شود . در این اواخر در بعض کشور های اسلامی از آن جمله افغانستان برای پیروان غیر مذاهب اهل سنت و جماعت اجازه داده شده تا در احوال شخصیه مطابق مذهب خود عمل نمایند و در افغانستان قانون احوال شخصیه اهل تشیع به فرمان رئیس جمهور حامد کرزی تدوین شد که در این تحقیق از مواد آن استفاده و مشکلاتی که دارد در مورد آن بحث می شود.

از نیمه قرن بیستم در قوانین خانوادگی تجدید نظر صورت گرفت. علماء و فقهاء و قانون دانان معاصر باین نتیجه رسیدند که یک مذهب به تنهایی قادر به حل مشکلات معاصر مسلمانان و خصوصاً مشکلات خانواده نیست و اما مذاهب اسلامی بصورت کل و جمع میتوانند مشکلات جامعه اسلامی را حل و فصل نمایند و باساس این نظریه علمای اسلام و قانون دانان در جوامع اسلامی دعوت به تجدید قوانین خانوادگی نمودند و در مواد قوانین خانواده تجدید نظر و در آن اضافات نمودند و باین ترتیب قوانین خانواده را تجدید و در عصر حاضر قابل تطبیق ساختند. قابل تذکر است که در تدوین قوانین فرعی در فرهنگ حقوقی اسلام مانع در تجدید و اضافات در مواد آن جهت حل مشکلات جدید و معاصر نیست و در آینده اگر شرایط زمان و مکان و تغییر در حالت زندگی مردم پیش آید فقهاء و قانون دانان حق اضافات را در قانون دارند اما قابل یاد آوری است که فرد یا افراد غیر متخصص در ساحت قانون و یا جهت غیر مسئول حق و صلاحیت ندارد تا به خواهش و اراده خود قانون را تدوین و مردم را به اطاعت آن مجبور سازند و این روش در جهان اسلام و غیر اسلام قابل قبول نیست.

جوامع اسلامی بطور کل و جامعه افغانی بصورت خاص از یک قرن باین طرف در اکثر مسائل اجتماعی و سیاسی و حتی مذهبی تغییر کرده و در روش زندگی مسلمانان تغییرات فوق العاده پیش آمده است. مهاجرت مسلمانان به غرب و اشغال بعض کشور های اسلامی توسط غرب و میدیای الکترونی و تبلیغات مفکرین غرب سبب شد تا تغییرات مهم در ساحت قوانین و روش فکر مسلمانان معاصر بوجود آید. مسلمانان در تدوین قوانین از قانون اروپا خصوصاً فرانسه استفاده نمودند و این روش در تدوین قوانین بصورت کل و تا یک حد در مواد قوانین خانواده نیز تأثیر وارد کرد.¹

علماء معاصر اسلامی برای حل مشکلات خانوادگی اجتهاد نمودند و اجتهادات شان فقه خانواده را از حالت جمود و خمود بیرون ساخت. در اجتهادات جدید علماء با استفاده از نصوص ثابت و نظریات فقهای گذشته شرایط عصر را نیز مدار اعتبار

1. عبدالعال عطوه « فقه اسلامی در تقنین امروزی » ترجمه دکتور عبدالستار سیرت. از نشرات فقه

دانستند و در مسائل شیرخوره گی و طلاق و میراث از دائره مذهب حنفی بیرون و برای حل مشکلات خانوادگی به مذاهب چهارگانه اهل سنت و جماعت رجوع کردند و در طلاق دو شاهد را از مذهب جعفری گرفتند. علماء افغانستان و خصوصاً قانون دانان در تدوین قوانین خانوادگی از روش معاصر استفاده و تعدیلات مهم را در قانونین خانواده بوجود آوردند که در این بحث از آن استفاده می شود.

چند سال قبل چانس یافتیم تا در مسائل خانواده بحث نمائیم و کتاب خود را بنام «خانواده در اسلام» در سال 2002 میلادی، تقدیم جامعه افغانی نمودم و اکثر محققین و دانشمندان تحقیق جدید را پذیرفتند و عدّه آنرا نقد کردند. کتاب خانواده در اسلام به روش جدید و بزبان و ادبیات معاصر ترتیب یافته بود و جناب قاضی صاحب بهاالدین بهاء آنرا مراجعه و تصحیح کرده بود. از این کتاب تقریباً شانزده سال گذشت و در وقت حاضر ضرورت احساس می شود تا تحقیق جدید در روشنی تغییرات جامعه صورت گیرد و نظریات اجتهادی معاصر که برای حل مشکلات خانواده و تربیه اولاد به طبع رسیده مطالعه و بزبان دری معاصر به خدمت هموطنان عزیز پیشکش شود. در این تحقیق شرایط اجتماعی معاصر و تغییر فتوا نظر به تغییرات اجتماعی مد نظر میباشد و امید است این تحقیق متواضع را دانشمندان افغانی بصفه یک مقدمه مفید برای یک بحث مفصل و جامع برای آینده قبول فرمایند.

نقطه مهم در بحث این است که در افغانستان عدّه از هموطنان گرامی در مسائل ازدواج و مسائل خانواده گی از فقه حنفی و عدّه از فقه جعفری استفاده میکنند و بین این دو مدرسه فقهی بعض تفاوتها وجود دارد و بهترین راه و روش برای برداشتن این اختلافات فقهی آن است که هر کدام یکدیگر را در مسائل مربوط به فقه خانواده آزاد بگذارند و مانع در تطبیق قوانین فقهی نشوند و اما اگر ازدواج بین پسر و دختر از دو مذهب متفاوت صورت می گیرد در این حالت مسأله قدری تفاوت میکند و بحث بیشتر را می خواهد که در این بحث در حل این مشکل نیز اشاره می شود.

مشکل بزرگ مسلمانان افغانستان در این است که پیروان هر دو مذهب « حنفی و جعفری » نه تنها اینکه مذهب خود را بصورت صحیح نمی دانند از مذاهب اسلامی بطور عموم بی خبر اند. عدم معرفت به مذهب که پیروی میشود و عدم معرفت به

مذاهب اسلامی در مشکلات اجتماعی مسلمانان افغانستان افزوده است. عصر حاضر از تمام پیروان مذاهب می‌خواهد تا مطالعات ابتدائی از مذاهب اسلامی داشته باشند و جای شک نیست که معرفت به مذاهب اسلامی با عدم تعصب حل بسیاری از مشکلات اجتماعی جامعه می‌باشد.²

در این تحقیق کوشش بعمل آمده تا در مسائل قانونی زیادتر بحث شود و مواد قانون خانواده بصورت مفصلتر معرفی گردد و همچنان در امور و مسائل اجتهادی، اجتهادات و فیصله‌هایی مراکز علمی معاصر مورد توجه بیشتر می‌باشد و عموماً آن اجتهادات مورد استفاده قرار می‌گیرد که با مذاهب اهل سنت و جماعت توافق دارد.

در جریان مطالعات و بررسی در امور اجتماعی و در ساحة نظام خانواده و مطالعه مشکلات خانواده و عدم رسیدن به حل منازعات خانواده‌گی که در بسا اوقات به طلاق می‌رسد و مراکز و مساجد افغانی در خارج افغانستان در موضوع مشکلات خانواده‌گی و طلاق که یکی از راه‌هایی حل است بیطرفی را اختیار می‌کنند. عدم مشارکت مراکز اسلامی اسباب مشکلات خانواده‌های افغانی را بیشتر ساخته است. اکثر مشکلات خانواده‌گی و آنچه به مسایل جنسی ارتباط دارد در نتیجه عدم فهم و ادراک علمی هموطنان و عدم توجه به ثقافت جنسی و صحت جنسی بصورت علمی در برنامه‌های تعلیمی و همچنان حالات روانی و نفسانی و عدم مراعات حقوق و وجایب در ازدیاد مشکلات بین زن و شوهر افزوده است.

اکثراً ملاحظه می‌شود که عدۀ مردان با اقارب و دوستان لطیف و خوش اخلاق و بر عکس با همسر و اولادها با محبت و لطف معامله ندارند و همچنان دیده شده که بعضی زنان با دوستان و اقارب شان با محبت تر نسبت به شوهران شان استند و علت اصلی این معضله عدم فهم صحیح از زندگی مشترک و عدم احترام حقوق و وجایب مشترک است و راه حل این مشکل تعلیم و تربیه جوانان به امور خانواده و مسائل جنسی و صحت جنسی و حقوق و وجایب بین طرفین می‌باشد و عصر حاضر از ما می‌خواهد تا آزادانه در این موارد بحث نمائیم.

². فضل غنی مجددی «مطالعه تمهدی فقه حنفی و جعفری- توافق و تفاوت»- طبع سوم، از نشرات فقه اسلامی، امریکا 2015م.

مهمترین مورد در این تحقیق مراعات تغییرات در ناحیه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی که در جامعه اسلامی رخ داده و افغانستان نیز مانند باقی کشورهای شرقی و اسلامی از تأثیرات خارجی و فرهنگ اجتماعی غرب در امان نمانده است می باشد. تغییرات اجتماعی از محقق می خواهد تا در مواد قوانین تجدید نظر کند. بعضی مواد قانون در گذشته قابل تطبیق بود در حالیکه امروز قابل تطبیق عملی نیست مثلاً حق پدر در عقد نکاح دخترش بدون رضایت او تا چند قرن قبل قابل قبول و منطقی بود و در آن زمان دختران آزادی هایی که امروز دارند نداشتند و همچنان چانس معرفت بین جوانان مانند امروز نبود لذا انتخاب شریک زندگی برای دختر از حق پدر بود و دلیل هم این بود که پدر انسان مناسب را برای دختر خود انتخاب می کند و پدر به مصلحت دخترش نسبت به هر کس دیگر دانا تر است اما امروز این فکر قابل تطبیق و قبول نیست و دختران آزادی را در انتخاب شریک زندگی مانند مردان دارند.

تغییرات در ساحات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و اثر آن در تدوین قوانین

معاصر:

تغییر و تبدیل بعضی مواد قوانین اجتماعی معنی آن عدم صلاحیت قوانین گذشته نیست. قوانین که در گذشته وضع شده بود برای زمان و شرایط اجتماعی آنوقت مناسب و قابل قبول و تطبیق بود و نقد قوانین گذشته به عقلیت و فهم معاصر از عدالت نیست. قانون گذاران در سابق با استفاده از نصوص و اجتهادات وقت شان برای حل مشکلات مردم قوانین را وضع کردند و در زمان شان نصوص و روایت وجود داشت که ضعیف پنداشته می شد و بعداً دلائل و اسناد زیاد بدست آمد که نصوص و روایت ضعیف را قوت بخشید و آنرا قابل استفاده ساخت.

در بین این قوانین بطور مثال حق پدر و ولی دختر بدون رضایت او برای عقد نکاح بود. دادن حق انتخاب شریک زندگی برای دختر توسط پدر در زمان اش یک قانون مناسب و پسندیده و قابل قبول برای جامعه بود در حالیکه امروز غیر قابل تطبیق و قبول است.

در نصوص قدیم و نزد امام ابو حنیفه رحمه الله انتخاب شریک زندگی حق خاص دختر جوان بود و این حق از پدر سلب شده بود در حالیکه نزد امام مالک و شافعی و امام حنبل ولی دختر این حق را داشت. فقهاء مذهب حنفی برای اثبات قول خود و حق دختر

را برای انتخاب شریک زندگی و همچنان حق او را به عقد نکاح اش این حدیث مبارک را می آورند:

«إن البکر تستأذن و إذنها صمتها» دختر جوان و غیر ازدواج شده در عقد نکاح اش باید اجازه اش گرفته شود و خاموشی اش معنی رضایت او است. در عصر حاضر خاموشی تنها کافی نیست زیرا دختر میتواند بصراحت نظر خود را ابراز نماید. در عصر حاضر قانون گذار در تدوین قوانین به آن نصوص اعتماد می داشته باشد که قابل تطبیق عملی باشد و مشکلات را حل نماید.³

مسائل مهم که در مقدمه از آن ذکر شد مهمترین موضوعات است که در این تحقیق روی آن بحث میشود و مشکلات معاصر در روشنی حقایق معاصر بحث و راه های حل قانونی آن پیشنهاد می گردد. تحقیق شامل تمهید و ده فصل و خاتمه است.

تمهید مراحل احوال شخصیه را بحث تاریخی و تغییرات که در آن نظر به شرایط محیط و جامعه و عصر پیش شده توضیح می دهد تا خواننده قبل از آغاز به مطالعه فصول کتاب معلومات ابتدائی در مورد احوال شخصیه داشته باشد.

فصل اول خانواده را از نظر فرهنگ اسلامی تعریف و تفاوت بین خانواده در فرهنگ اسلام و فرهنگ غیر اسلامی را به بحث می گیرد و همچنان اهمیت و ضرورت تشکیل خانواد را از نظر فرهنگ اسلام بررسی و تحقیق می کند. همچنان در این فصل مشکلات معاصر و مریضی های که خانواده معاصر اسلامی به آن مبتلاء شده به بحث گرفته شده است.

در فصل دوم قوانین انتخاب شریک زندگی قبل از نامزدی بحث می شود. معرفت بین دختران و پسران در عصر حاضر نسبت به قرن های گذشته تفاوت کلی دارد و دختران و پسران با آزادی کامل در مکاتب و پوهنتونها و ادارات دولتی و مؤسسات غیر دولتی یکدیگر را می بینند و ملاقات می کنند و از اخلاق و روش سیاسی و اجتماعی و شکل ظاهری و سویه اقتصادی یکدیگر معلومات کافی می داشته باشند و در روشنی تغییرات که در جامعه پیش آمده مسأله وکیل و ولی در انتخاب شریک زندگی و در عقد نکاح تفاوت نموده و در عصر حاضر دختر ضرورت ندارد که اولی امرش در مورد پسری که میخواهد با او نامزد شود بحث و تصمیم یک جانبه بگیرد به

³. دکتور یوسف القرضاوی «الاجتهاد الانتقائی» سایت القرضاوی 2012/4/11

دلیل اینکه دختران نسبت به اولیاء امور در مورد شخصی که با او نامزد می شوند معلومات بیشتر دارند. زنان در مملکت عربستان سعودی کوشش دارند تا قانون ولایت مرد بالای زن را لغو سازند و در این راستا فعالیت دارند. در عربیّه که چهارده هزار زن عنوانی پادشاه سعودی تقدیم کردند خواهان لغو قانون ولایت مرد بالای زن بعد از سن بیست و یک شدند. این درخواست دروازه مناقشه و بحث اکادمی و علمی را باز خواهد کرد و دیده شود که دانشمندان چه نوع نظریات را می آورند.⁴

در هر قانون استثناء و حالت اضطراری مد نظر میباشد در مورد ولی در نکاح و انتخاب شریک زندگی در مناطقی که دختر قادر به مطالعه و جمع معلومات از جوان که برای نامزدی او پیش می شود نباشند در این حالت بهترین و نزدیک ترین شخص که میتواند برای دختر تصمیم گیرد پدر و یا برادر میباشد و جای شک نیست که هر پدر و هر برادر مصلحت دختر و خواهر را نسبت به دیگران بهتر می داند.

واقعیت های زندگی معاصر نسبت به گذشته کاملاً متفاوت است. دانشمندان و فقهاء معاصر عموماً و علامه دکتور یوسف القرضاوی خصوصاً فقه واقعی را تدوین و تأسیس نمودند. فقه موازنه و فقه واقعی در مسائل خانواده گی و قوانین جدید اجتماعی ممد واقع شد و در این بحث فقه واقعی و فقه موازنه و فقه مصلحت مد نظر میباشد.⁵

فصل سوم موانع شرعی و طبی برای عقد ازدواج و موافقه دختر و پسر برای ازدواج که در فقه ازدواج بنام ایجاب و قبول یاد می شود بحث می نماید. در این فصل معاینات طبی و لابرتواری خصوصاً خون، شرایط دختر و پسر برای ازدواج و قبول طرفین به مقدار مهر و مناقشه آزاد برای آینده زوجیت و ازدواج مؤقت که در بعضی مذاهب شیعه است بحث می شود.

فصل چهارم آغاز زندگی زوجیت و عقد نکاح را به بحث می گیرد و در مورد اهلیت ازدواج و صلاحیت پدر در عقد نکاح دخترش و تعیین مهر معلومات فقهی و حقوقی تقدیم می شود.

⁴ بی بی سی، 26 سپتمبر 2016

⁵ برای معلومات بیشتر از فقه واقعی و فقه موازنه به ویب سایت islaminfo.one مراجعه شود.

در فصل پنجم آغاز زندگی زوجیت و حقوق زن بالای شوهر و حقوق شوهر بالای زن و حق مشترک بحث می شود.

فصل ششم در موضوع سعادت و شقاوت در زندگی زوجیت است در این فصل معنی سعادت و شقاوت و رابطه عاشقانه و دوستی در ایجاد سعادت و همچنان علامات خطر برای سعادت و صحت جنسی و زندگی جنسی معلولین و نقش زن و شوهر در ایجاد سعادت بحث می شود و همچنان مشکلات خانواده و راه حل آن و صلح در قانون خانواده را شامل می باشد.

فصل هفتم در مورد انحلال زوجیت و تعریف و اقسام طلاق است. در این فصل حق زن در طلاق و مشکلات طلاق که بین افغانهای مهاجر در غرب موجود است بحث و راه حل آن جستجو می شود. در این فصل تجربه های که با خانواده ها صورت گرفته با دیگران شریک ساخته می شود و مشکل بحث طلاق در جامعه ای افغانی برای محقق این است که خانواده های افغانی اجازه نشر و بحث مشکلات طلاق را بصورت علنی نمی دهند.

فصل هشتم در مورد ثقافت جنسی و اهداف مسائل جنسی در اسلام و تربیت جنسی و نقش مؤسسات تربیوی در تربیه جنسی است.

فصل نهم در مورد تنظیم و تحدید نسل میباشد در این فصل دیدگاه فقها و دانشمندان معاصر اسلام در مورد تنظیم نسل و تحدید نسل بررسی می شود.

فصل دهم اصول تربیه را به بحث می گیرد. در این فصل تربیه و اهداف آن در نظام اسلامی و تفاوت بین روش تربیه در گذشته و عصر حاضر بررسی می شود و خصوصیت های تربیه اسلامی شرح مفصل می شود. همچنان تربیه ایمان و اخلاقی و تربیه عملی ارکان اسلام و اصلاح فرهنگ و ثقافت نا معقول میراثی به بحث گرفته می شود. تحقیق به نتیجه گیری خاتمه می یابد.

قبل از آغاز به فصل اول لازم دیده می شود تا جهت معرفت بیشتر جوانان عزیز اصطلاح قانونی و حقوقی احوال شخصیه را شرح مختصر داد تا محققین جوان کشور اصطلاح احوال شخصیه را از نظر علم حقوق و قانون بیشتر بدانند.

تمهید

احوال شخصیه:

احوال در لغت به دو معنی به کار می رود: یکی به معنای سالها و دیگری به معنای حالها. در عصر حاضر و در ادبیات قانون و حقوق معنی اول قابل استفاده نیست و متروک و غیر قابل استفاده میباشد و معنی دوم «حال» قابل استفاده است.

برخی صاحب نظران و دانشمندان معتقدند که «احوال شخصیه» تعریف واضح و روشن ندارد، اما حقوق دانان کوشیده اند با ذکر مصادیق و نمونه هایی آنرا تعریف نمایند، تعریفی که از احوال شخصیه ارائه داده اند عبارت است از این که: احوال شخصیه یا احوال شخصی در اصطلاح حقوقی به معنای اوضاع و خصوصیات است که وضع و هویت شخصی و حقوقی و تکلیف فرد را در خانواده و جامعه معین میکند.

علامه محمد ابو ذره احوال شخصیه را اینطور تعریف می کند: احوال شخصیه یا احوال شخصی، اصطلاح حقوقی به معنی مجموع اوصاف و خصوصیات که وضع و هویت شخص و حقوق و تکالیف او را در خانواده و اجتماع معین می کند.⁶

این تعریف مورد قبول حقوق دانان بسیاری از کشورها می باشد و دیوان عالی مصر احوال شخصیه را این گونه تعریف نموده است:

« احوال شخصیه مجموعه ای از صفات طبیعی یا خانوادگی است که موجب تمییز شخص از غیرش شده و قانون بر آن ترتیب اثر می دهد، مثل این که شخص مرد است یا زن، مجرد است یا متأهل یا مطلق، یا مثل این که ولد مشروع است یا نا مشروع، اهلیت دارد یا به دلیل صغر، جنون و سفه فاقد اهلیت مطلق است».⁷

همچنین گفته اند که احوال شخصیه مجموع صفات انسان که به اعتبار آن ها یک شخص در جامعه دارای حقوق شده و آن حقوق را اجرا نماید. بعضی نیز گفته اند که

⁶. ابو ذره محمد «الأحوال الشخصية» القاهرة 1369/1950م.

⁷. معوض عبدالنواب «موسوعة الأحوال الشخصية جلد 1، ص 26» www.neelwafurat.com

احوال شخصیه مجموعه صفات طبیعی یا خانوادگی است که از ممیزات انسان از غیرش می باشد که معمولاً در اسناد سجلی و اوراق هویت آورده می شود.⁸

در ماده نهم قانون احوال شخصیه اهل تشیع افغانستان در مورد اهلیت آمده: اهلیت عبارت است از صلاحیت ذاتی انسان برای دارا شدن حق و تکلیف و اجرای آنها که با تولد او آغاز و با مرگ او پایان می پذیرد.⁹

در احوال شخصیه نکته مسلم است که ویژگیهای احوال شخصیه یکی این است که قابل تقویم و مبادله با پول نمی باشد و وابستگی به وضعیت شغل و کار و موقعیت اجتماعی فرد ندارد. از دیدگاه تحلیل حقوقی اصطلاح احوال شخصیه در دو معنا به کار رفته است: یکی به معنای اعم و دیگری به معنای اخص از وضعیت و اهلیت یعنی فقط وضعیت شامل اهلیت نمی گردد.

برای توضیح بیشتر مطلب وضعیت و اهلیت قدری بیشتر بررسی می شود:

وضعیت: عبارت است از کیفیتی که اشخاص از نظر قوانین جاری یک کشور می باشد، به عبارت دیگر مجموع اوصاف حقوقی انسان مثل نکاح، طلاق، سن، حجر... و غیره میباشد.

وضعیت منشأ حقوق و تکالیف است و اموری را شامل می شود که قانون بر آن ها آثار حقوق بار می کند، مثل عقد نکاح که برای زن و شوهر حق به وجود می آورد و هم تکلیف را.

اهلیت: به زبان فارسی اهلیت به سزاواری و شایستگی تعبیر میشود و در علم حقوق عبارت است از صلاحیت قانونی برای دارا بودن حق (اهلیت استحقاق) و اعمال حق (اهلیت استیفا اعمال حق) است و فقدان اهلیت را حجر می گویند.

اهلیت استحقاق عبارت است از صلاحیت دارا شدن حق، مثلاً شخص حقیقی می تواند حق نکاح داشته باشد اما شخص حقوقی اهلیت آنرا ندارد.

⁸. احوال شخصیه در فقه و حقوق، rasekloon.net

⁹. www.hazara.net/downloads/shia-law-original.pdf

بین اهلیت و وضعیت رابطه نزدیک وجود دارد، ولی این به آن معنی نیست که آن دو هیچ تفاوتی با هم ندارند و به عنوان مثال سن که از مصادیق وضعیت است در اهلیت نیز اثر می‌گذارد و اهلیت تا حدی تابع وضعیت است زیرا صغیر چون حالت صغردارد فاقد اهلیت است از طرف دیگر گاهی اهلیت در وضعیت تأثیر می‌کند، مثلاً برای بعضی از امور نکاح وجود اهلیت لازم است لذا وضعیت طفل تابع اهلیت اوست. اهلیت استحقاق چون ملازمه با شخصیت انسان دارد سلب آن به منزله سلب زندگی است و عدّه از دانشمندان باین عقیده اند که: رمزی است که خداوند در طبیعت انسان به ودیعت گذاشته است و با مرگش نابود می‌شود.¹⁰

مهمترین موضوعات احوال شخصیه عبارتند از: ازدواج، وضع اموال زن و شوهر، طلاق، افتراق، جهیز، مهر، ابوت، نسب، فرزند خواندگی، اهلیت، قیمومت، میراث، وصیت، ترکه، حجر و غیره.

شخصیت نیز مصدر جعلی از (شخص) است و شخص عضو اجتماعی است که بتواند در جامعه صاحب حق و تکلیف شود و شخصیت نیز شایستگی شخص برای دارا شدن حق و تکلیف اطلاق می‌گردد. در فقه از شخص به مکلف تعبیر می‌شود از احوال مربوط به شخص حقیقی بحث می‌شود.¹¹

اصطلاح احوال شخصیه در فقه اسلامی سابقه ندارد و در قرون اخیر از حقوق کشور های غربی در حقوق کشورهای اسلامی راه یافته است. با ورود این اصطلاح به حوزه حقوق کشورهای اسلامی و ضرورت تدوین قوانین مربوط به آن، در این موضوع به طور مستقل مورد بحث فقهاء و حقوقدانان اسلامی قرار گرفت. این به این معنی نیست که موضوعات احوال شخصیه مورد بحث فقهاء و حقوقدانان اسلامی قرار نداشت، بلکه موضوعاتی چون نکاح و طلاق و حجر و اهلیت و دیگر امور مربوط به احوال شخصیه از اهم موضوعات فقه اسلامی است.

علامه محمد ابو ذره در اصل احوال شخصیه می‌نویسد: احوال شخصیه از اصطلاحات حقوق معاصر و اقتباس شده از حقوق فرانسه است که نویسندگان قانون

¹⁰. عبدالله شفایی «احوال شخصیه در فقه و حقوق»،

[www.rasekhoon.net/articles/show/186306\(i\)](http://www.rasekhoon.net/articles/show/186306(i))

¹¹. بانک مقالات حقوقی، نشر عدالت، www.nashreedalat.ir

یا مجموعه قوانین فرانسه با وضع آن تحولی در حقوق فرانسه و سایر کشورها به وجود آوردند.¹²

سوابق تاریخی تدوین احوال شخصیه در کشورهای اسلامی :

سابقه تدوین قوانین در امپراطوری عثمانی به 1836م برمیگردد. در این سال دفتر مفتی بزرگ گشایش یافت و بعد از آن در 1836م شورای قضا تشکیل شد. در سال 1840 و 1850م قانون جزاء و تجارت تدوین شد و «خط همایون» که برابری همه اتباع امپراطوری را پیش بینی می کرد، در سال 1856م انتشار یافت و قوانین تجارت در 1861 و 1863م به تصویب رسید. در فاصله سالهای 1869 و 1876م مجموعه قوانین تازه ای به نام مجله در شانزده جلد تدوین گشت که اعتبار خود را تا سال 1926م حفظ کرد و این مجموعه قوانین که احمد جودت باشا (1822-1898) تاریخ نویس و حقوق دان عثمانی بیش از هر کس دیگر در تدوین آن تلاش کرده بود، بر احکام فقه حنفی استوار بود، لیکن این قانون و قوانین سابق بر آن از نظر پرداختن به مسائل احوال شخصیه ناقص بود. به همین دلیل در سال 1917م نخستین قانون خانواده در حکومت عثمانی به تصویب رسید، اگرچه موضوعات احوال شخصیه را در بر نمی گرفت، ولی تا حدودی نقص و خلاء مجله را کاهش می داد. این قانون مخصوص مسلمانان نبود، بلکه شامل طوایف مختلف مسیحی و یهودی نیز می شد و در قسمت مربوط به مسلمانان نیز تنها بر اساس فقه حنفی استوار نبود، بلکه از دیگر مذاهب اهل سنت نیز بهره برده بود و از همین تاریخ نظریات فقهی غیر مذهب حنفی در قوانین سرزمین های که تابع خلافت عثمانی بود داخل شد و قانون دانان و فقهاء نظر به مشکلات جدید و معاصر آن زمان احساس نمودند که تنها فقه حنفی جوابگوی مشکلات جامعه بوده نمی تواند. قوانین احوال شخصیه عثمانی در کشورهای های که از خلافت عثمانی جدا شدند تا مدت مدید قابل اجراء بود.¹³

به مرور زمان و حدوث مشکلات جدید در قانون احوال شخصیه تعدیلات و اضافات پیش شد تا بتواند مشکلات معاصر را در شئون خانواده حل و فصل نماید. قانون دانان مصری در تعدیل و اضافات مواد قانون احوال شخصیه نسبت به دیگران نقش

12. ابو ذره محمد «موسوعة الفقه الإسلامی» القاهرة 1385/1965.

13. فضل غنی مجددی «مطالعة تمهیدی فقه حنفی و جعفری، تفاوت و توافق» فصل قوانین.

مهم را داشتند و سائر کشورهایی اسلامی و افغانستان از قانون احوال شخصیه که در مصر تدوین شده بود استفاده اعظمی کردند.

در 1915 م گروهی از علمای مذاهب اربعه دست به تدوین قوانینی در این خصوص زدند، اما اعتراضات فراوان از یک طرف و شروع جنگ جهانی اول از طرف دیگر، این تلاش را عقیم گذارد. در 1930 م قانونی در 13 ماده به تصویب رسید که بر اساس فقه مالکی استوار بود و این اولین بار بود که فقه مالکی داخل قانون احوال شخصیه شد. در اکتوبر 1926 م گروهی از علمای مصر که در میان آنان شاگردان امام محمد عبده نیز حضور داشتند، قانون راجع به ازدواج و طلاق تدوین کردند که در آن برخی شروط ضمن عقد، چون شرط خود داری از ازدواج دوم پیش بینی شده بود. این قانون بر اساس فقه مذاهب اربعه و برخی فتاواهای امام ابن تیمیه و امام ابن قیم بنا شده بود که در ضمن، نظرات فقهی محمد عبده را نیز در بر داشت، لیکن در 1929 م تغییراتی یافت و احکام آن تنها بر مبنای آراء فقهای مذاهب اربعه اصلاح گردید. تازه ترین و مهمترین ماده در قانون جدید محدود ساختن ازدواج دوم و حق زن در طلاق بود. در 1936 م قانون دیگری به تصویب رسید که در آن احکامی ناظر بر روابط اعضای خانواده و تنظیم امور مالی آنان پیش بینی شده بود. در سال 1946 - 1952 م قوانین راجع به میراث و وصیت وضع گردید، تا اینکه در 1956 م تغییرات عمده ای در حقوق مصر از جمله مقررات مربوط به احوال شخصیه رخ داد.¹⁴

به همین منوال سیر قوانین احوال شخصیه ادامه یافت و در هر زمان فقهاء و قانون دانان در مواد آن اضافات نمودند و قانون احوال شخصیه را حفظ و قابل اجراء ساختند و در این اواخر از قوانین غربی خصوصاً قانون فرانسه نیز استفاده شده است. قانون دانان افغانستان با استفاده از تعدیلات در قانون احوال شخصیه توسط علماء و دانشمندان مصری تعدیلات زیاد را در قانون احوال شخصیه آوردند و قانون احوال شخصیه را با شرایط معاصر یکسان کردند و دانشمندان و قانون دانان افغانستان در

¹⁴ بدران، بدران ابوالعینین «الفقه المقارن للأحوال الشخصية» جلد 1، صفحات 4-5، بیروت، دارالنهضة العربية و شلبی محمد مصطفی «احکام الأسرة فی الإسلام» جلد 1، ص 20، بیروت
www.neelwafurat.comT www.read.com/book/show/9134711، 1977/1397 م

تدوین قانون احوال شخصیه از فقه مالکی و اجتهادات ، مجتهدین معاصر استفاده بیشتر نمودند .

با تمام تعدیلات و نوآوری در قانون خانواده تا هنوز مشکلات و خلاء قانونی در این ساحه در جامعه ای اسلامی موجود است . یکی از صفات اسلام این استکه در آن تجدید یک امر قبول شده و روش پسندیده میباشد و مسلمانان در پرتو ارشادات اسلام میتوانند در مسائل قانونی نظر به شرایط محیط و زمان تجدید نظر و اجتهاد نمایند .

فقیه معاصر علامه مصطفی أحمد الزرقا با همکاری عدّه از قانون دانان مصری و سوری مسوده قانون خانواده را بنام « مشروع قانون الأحوال الشخصية الموحد » به جامعه ای اسلامی تقدیم کرد . در ترتیب و تدوین این قانون علمای بزرگ قانون مثل : شیخ حسن مأمون مفتی مصر و دکتور عبدالحکیم عبدالحمید فراج ، و استاذ محمود عبدالقادر عضو کمیته قانون وزارت عدلیه مصر بریاست علامه الزرقا بودند . مسوده قانون خانواده در سال 1996 میلادی ، 1416 هجری به طبع رسید و در این تحقیق از مواد آن استفاده اعظمی شده است .

علامه دکتور یوسف القرضاوی که از مجتهدین قرن بیست و یکم در جامعه اسلامی شناخته شده است دعوت به اصلاح قوانین خانواده و تجدید و نوآوری را در مواد آن نظر به شرایط جدید یک امر حتمی و قبول شده می داند . او در برنامه الجزیره به عنوان « مفهوم الأسرة فی الإسلام » قانون دانان را به تجدید و اصلاح قوانین خانواده دعوت میکند و می گوید :

« ضرور است تا در مورد قوانین خانواده تجدید نظر کرد و برای تجدید آن بهترین روش استفاده از بهترین احکام شریعت از فقه اسلامی است که در آن وسعت نظر باشد و مقید به یک مذهب نباشد . در مصر قوانین خانواده به دلیل اینکه مصر زیر اداره خلافت عثمانی بود و عثمانی ها قوانین را از مذهب حنفی استنباط می کردند ، قوانین خانواده نیز به اساس این مذهب تدوین شده بود اما بعداً در قوانین خانواده تغییرات رخ داد و فقهاء برای تنظیم قانون خانواده از مذاهب اسلامی بصورت کل استفاده کردند و در بین نظریات فقهی آسانترین آنرا انتخاب نمودند . این روش ادامه کرد تا اینکه شیخ جامع الازهر علامه المراغی از اجتهادات امام ابن تیمیه در قوانین

خانواده استفاده کرد و در قوانین جدید آراء و نظریات ابن تیمیه را بهتر و مناسب تر دانست خصوصاً در موضوع طلاق و قسم یاد کردن به طلاق و لغو قسم به طلاق ، مثلاً اگر شخصی به طلاق قسم یاد کند معنی طلاق را نمی دهد».¹⁵

این روش در افغانستان نیز تعقیب شد و قانون دانان افغانستان نیز در قوانین خانواده از مذهب حنفی تا یک اندازه خارج شدند و قبول کردند تا برای حل مشکلات خانواده از مذاهب اهل سنت غیر مذهب حنفی نیز استفاده نمایند بطور مثال در مورد مفقود شدن زن که در قانون افغانستان باساس مذهب حنفی بود و مدت آن فوق العاده زیاد بود و به ضرر زن تمام میشد به مذهب امام مالک رجوع کردند و در این مورد از مذهب مالکی استفاده کردند.¹⁶

در این اواخر انجمن های حقوقی و مدافعین از حقوق و آزادی های شخصی تعدیل اکثر مواد قانون احوال شخصیه را مطالبه می کنند و دعوت به الغای قوانین شرعی از قانون احوال شخصیه و تبدیل آن به قوانین غربی که مطابقت به آزادی های فردی دارد می نمایند. دعوت به الغای شریعت از قانون احوال شخصیه از حمایت انجمن های حقوقی و مدافع حقوق انسان در غرب برخوردار است . بطور مثال در جولای 2018 میلادی انجمن دفاع از آزادی های فردی در تونس پیشنهاد تعدیل مواد قانون احوال شخصیه را به رئیس جمهور تونس آقای السبسی نمودند و پیشنهادات شان شامل فقره های ذیل میباشد.

انجمن دفاع از حقوق مدنی تونس ادعا دارد که جهان تغییر کرده و قوانین بین المللی که در نتیجه رسیدن مردم به آزادی های مدنی تدوین شده برای مسلمانان بهتر از قوانین شرعی است و مسلمانان باید تغییرات جدید را بپذیرند. در مسأله قانون احوال شخصیه پیشنهاد شده که مهر یک مسأله اختیاری در نکاح باشد تا در آینده الغا شود . مفهوم ولایت مرد بالای زن ملغی گردد و ریاست خانواده بین مرد و زن مساوی شناخته شود . اطفال بعد از سن رشد حق داشته باشند تا لقب مادر را در پهلوی لقب پدر بدست آورند. میراث بین زن و مرد مساوی شناخته شود و برای کسیکه بخواهد در زندگی خود آنرا مطابق شریعت تقسیم کند حق داده شود.

¹⁵ www.aljazeera.net/13/1/2005

¹⁶ فضل غنی مجددی ، خانواده در اسلام ، صفحات 154-155-156.

قانون عقوبت جزاء البغاء لغو شود به دلیل اینکه مخالف آزادی های شخصی است.

البغا در فرهنگ اسلامی و در قرآن کریم به معنی خدمات جنسی آمده به عبارت دیگر خدمت جنسی در مقابل پول یا تجارت جنس. اسلام تجارت جنس را منع و از جمله محرمات می داند و برای آن عقوبات تعیین کرده است.¹⁷

مخالفین تغییر قوانین احوال شخصیه در تونس می گویند که این مواد، مواد قانونی نیست که تبدیل و تغییر در آن آورده شود و ممکن نیست عقوبت البغاء لغو گردد و نص قرآن کریم نایده گرفته شود.¹⁸

دعوت به تغییر قانون احوال شخصیه در این اواخر در همه کشور های اسلامی بیشتر شده است و انجمن های مدنی و خصوصاً انجمن های نسائی با حمایت از مؤسسات بین المللی کوشش دارند تا در مواد قانون احوال شخصیه تغییرات را بیاورند. برای حل وسط بهتر و مناسب است تا فقهای معاصر و حقوق دانان مسلمان قانون احوال شخصیه را در روشنی تغییرات جامعه اسلامی بحث نمایند و مانع نیست که در بعض مواد آن تغییر وارد شود خصوصاً موادی که ارتباط به اجتهاد دارد و در آن نص ثابت نیست و اگر دانشمندان مسلمان حاضر به روش تجدیدی نشوند انجمن های مدنی و نسائی با حمایت قوای خارجی تغییرات را در قانون احوال شخصیه می آورند و هدف از اشغال نظامی کشور های اسلامی تغییر قوانین اسلامی به قوانین غربی و به عبارت دیگر جدا ساختن مسلمانان از قانون اسلام است. متأسفانه ضعف و ناتوانی علمای اسلام و موجودیت سلطه سیاسی وابسته به نظام غرب و روش اجتماعی نامناسب و دور از اسلام بنام اسلام و بی عدالتی و ظلم اجتماعی خصوصاً در حق طبقه نسوان، زمینه تغییرات را آماده کرده است. این تحقیق میتواند با تعدیلات و اصلاحات در مضمون آن اساس تغییرات مثبت در قوانین خانواده باشد و مشکلات معاصر مسلمانان را تا یک حد حل و فصل کند.

با وجود قانون احوال شخصیه در جوامع اسلامی مشکلات خانوادگی تا هنوز بجا است و در این اواخر مشکلات خانوادگی و مشکلات بین زن و شوهر در افغانستان

¹⁷. دعارة / www.ar.wikipedia.org/wiki

¹⁸. www.alaraby.oc.uk/opinion/2018/7/5/1

نسبت به گذشته بیشتر شده است و هر روز شنیده می شود که زنی به قتل رسیده و محاکم زیادتر اوقات شان به مسأله طلاق سپری می شود.

واقعات روزمره به اثبات میرساند که تدوین قوانین به تنهایی در هیچ زمان و مکان ضامن سعادت و آرامش در جامعه نمی تواند باشد. تربیه ایمانی و بلند رفتن فرهنگ و ثقافت اسلامی در پهلوی قوانین جامعه را با سعادت می سازد. دانشمندان معاصر فکر اسلامی تربیت ایمانی و اخلاقی را مقدمتر از تدوین و اجراء قوانین می دانند. شوهری که پابندی به اسلام داشته باشد و زنی که به اساس اخلاق ایمانی و عقیده اسلامی تربیت شده باشد مشترکاً میتوانند زندگی خوش و با سعادت را بسازند و اگر در زندگی موفق و کامیاب نباشند با تمام احترام از یکدیگر جدا می شوند.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در انتخاب شریک زندگی دینداری و اخلاق را مقدمتر از همه امور دیگر میدانند و می فرمایند که اگر جوانی به خواستگاری دخترتان آمد و دارای اخلاق و دیندار بود دخترتان را برایش بدهید و اگر این کار را نکنید فتنه و فساد در زمین بیشتر میشود. در جای دیگر می فرمایند که شوهر دیندار اگر زن خود را دوست هم نداشته باشد برایش احترام می گذارد.

برای تطبیق عملی قوانین خانوادگی اصلاح اخلاق افراد جامعه اهمیت فوق العاده دارد و قوانین بالای جامعه به واسطه فشار و قوای پولیس و امنیت قابل تطبیق و اجراء نیست. تا زمانی که روش فکری مسلمانان اصلاح نشود و فرهنگ و ثقافت میراثی که از اصل اسلام فاصله دارد به فرهنگ اصیل اسلامی تبدیل نشود مشکلات خانواده در جهان اسلام حل و فصل نخواهد شد.¹⁹

امید است این تحقیق بعد از طبع و اصلاح و نقد برای جوانان عزیز افغانستان که در ساحة قانون احوال شخصیه کار میکنند مفید و ممد واقع شود.

¹⁹. فضل غنی مجددی «روش فکر معاصر اسلامی» فصل فرهنگ و ثقافت.

فصل اول

ضرورت تشکیل خانواده

از سنن الهی (روش های خداوند) در خلقت انسان اجتماعی بودن است. خداوند سبحانه و تعالی زمانیکه آدم را خلق نمود در جوار آن حواء را خلق کرد تا آدم در پهلوی حواء و حواء در جوار آدم زندگی مشترک داشته و از نسل شان جامعه انسانی تشکیل شود.

در روش، منهج یا سنت های الهی در کائنات که انسان جزء آن را می سازد تغییر و تبدیل نیست و روش های خداوند در خلقت ثابت و غیر قابل تغییر است. قرآن کریم می گوید که در روش خداوند تغییر و تبدیل راه ندارد و روش خداوند ثابت است. « فلن تجد لسنة الله تبديلا ولن تجد لسنة الله تحويلا ». مسأله اجتماعی بودن انسان که تأسیس و تشکیل خانواده اساس اول آن است از جمله سنت های الهی است که تا قیامت تغییر نمی کند و انسان مکلف به تشکیل خانواده می باشد و ازدواج و تشکیل خانواده معنی آن ادامه و بقاء نسل بشر و ساختار اجتماعی جامعه است.²⁰

خانواده را عده عبارت از زن و شوهر و اقارب نزدیک می دانند. در فرهنگ غرب خانواده همین تعریف را دارد و متأسفانه نسل جوان مسلمان نیز به همین تعریف قناعت دارد. تعریفات غربی معنی و مفهوم خانواده را در جوامع اسلامی نیز تغییر داده است و مفهوم اسلامی از خانواده فراموش عده از نسل جوان شده است. در فرهنگ اسلام خانواده گروه و جماعتی هستند که زیر بنای جامعه را می سازد و در دایره کوچک خلاصه نمی شود. مفهوم لغوی و شرعی خانواده شامل معنی حمایت، نصرت و وجود روابط و تفاهم و همکاری مبنی بر اساس نژاد، خون، نسبی، سببی می باشد.²¹

20. فضل غنی مجددی، روش فکر معاصر اسلامی، جلد اول، طبع اول، امریکا 2016، صفحات 99-

100-

21. دکتور وهبة زحیلی، « فقه خانواده در جهان معاصر » ترجمه عبدالعزیز سلیمی، ص 29.

خانواده عبارت از مؤسسه‌ای اجتماعی است که از رابطه‌ی زوجیت یعنی ازدواج مرد با زن ساخته می‌شود و تهداب اول جامعه می‌باشد. اساس این رابطه در مؤسسه‌ی خانواده محبت، عشق، همکاری مشترک، فداکاری، مودت، سکون و آرامش، رابطه و علاقه‌ای روحی و معنوی و ارتباط جسدی است و این روابط با هم پیوسته و غیر قابل جدائی می‌باشد و اگر یکی از این رابطه‌ها در مؤسسه نباشد، خانواده زندگی با سعادت نخواهد داشت.

تاریخ بشری از آغاز خلقت بشکل مؤسسه بنا یافته و حضرت آدم و حواء با رابطه‌ای زوجیت بنیاد گذاران مؤسسه خانواده بودند. از طریق ازدواج روابط فامیلی بوجود می‌آید و قرآن کریم این رابطه را اینطور بیان می‌کند: «الذی خلق من الماء بشرا فجعله نسبا و صهرا» (الفرقان: 54). و اوست آنکه آفرید از آب آدمی را پس ساخت آن را خویشاوند و نسب.

علمای اجتماع باین نظر اند که خانواده اولین و قدیمترین مؤسسه در بین مؤسسات انسانی است و مؤسسه خانوادگی سبب حمایت و حفاظت نسل بشری و ادامه حیات در کره زمین می‌باشد. مؤسسه‌ی خانواده از آغاز تأسیس آن تا امروز معهد تربیت و تعلیم و تعمیر کره زمین می‌باشد و رسالت اول این مؤسسه را قرآن کریم تعمیر زمین و ادامه نسل بشر معرفی می‌کند.

در فرهنگ و ثقافت و منهج اسلام خانواده در ابتداء از زن و شوهر تشکیل و با ایجاد روابط بین اقارب زن و شوهر بزرگتر و با مسئولیت‌تر و روابط قرابت و نسبی بوجود می‌آید و اسلام حمایت و تقویت این رابطه را به صله رحم تعبیر می‌کند و قاطع صله رحم را از رحمت و بخشش خداوند در قیامت محروم می‌سازد به عبارت دیگر اسلام رابطه بین اعضای مؤسسه خانواده را رابطه مقدس می‌داند و در تقویت و حمایت آن انسان را امر و توصیه می‌نماید.

فرهنگ اسلامی اهتمام زیاد به مؤسسه‌ی خانواده دارد. فقهاء و دانشمندان اسلامی نظریات مفید و با ارزش را به جامعه اسلامی پیشکش کردند بطور مثال علامه السرخسی صاحب کتاب معروف بنام «المبسوط» در مورد مؤسسه‌ی خانواده می‌نویسد: هدف و مقصد از تشکیل خانواده و ازدواج رفع شهوت جنسی نیست بلکه

هدف و مقصد از ازدواج مصلحت اجتماعی است و رفع شهوت جنسی نیز یکی از مصلحت‌های اجتماعی می‌باشد.

علامه بزرگ مذهب حنفی ابن‌الهمام بین جهاد و تشکیل مؤسسه خانواده که بعد از عقد شرعی بوجود می‌آید مقارنه میکند و می‌گوید تشکیل خانواده و تأسیس مؤسسه خانواده گوی مقام و منزلت بالاتر را نسبت به جهاد دارد به دلیل اینکه عقد ازدواج باعث ازدیاد نسل می‌شود و بدون ادامه نسل بشری جهاد ادامه نمی‌داشته باشد. او اضافه می‌کند که هدف اجتماعی ازدواج تقویت روابط اجتماعی و مؤسسات خانواده‌گی است.²²

خانواده و اقسام آن در ادبیات و فرهنگ زبان و همچنان بین ادبیات و فرهنگ اسلامی و شرقی و غربی تا یک اندازه متفاوت است و حتی دانشمندان شرق اسلامی نیز خانواده را تعاریفات متفاوت می‌کنند. در این قسمت لازم دیده می‌شود تا مؤسسه خانواده را تعریف و اقسام آنرا بررسی نمائیم تا خوانندگان گرامی معلومات ابتدائی از تعریف خانواده داشته باشند تا در روشنی آن قوانین احوال شخصیه بهتر درک شود.

تعریف خانواده و اقسام آن:

علماء و دانشمندان و زبان‌شناسان از خانواده تعاریفات متفاوت دارند و علت تفاوت بین تعاریفات و نظریات دانشمندان، تفاوت‌های فرهنگی و دینی و تاریخی است و هر دانشمند در دائره‌ای دانش فرهنگی و معتقدات دینی خود خانواده را تعریف می‌کند.

در تاریخ ادبیات زبان و همچنان در فرهنگ زبان‌شناسی تعاریفات متفاوت و متعدد را برای خانواده داریم و این تفاوتها کار محقق را مشکل می‌سازد تا از بین تعاریفات متعدد تعریف واحد را انتخاب کند. به همین ترتیب در مورد وظایف و نقش اجتماعی و قوانین مربوط به خانواده تعاریفات متعدد است و مفاهیم اجتماعی و قوانین مربوط به خانواده نظر به تفاوت‌های دینی و فرهنگی و رسم و رواج‌های اجتماعی و منطوقی و قوانین بین‌المللی تفاوت دارد بطور مثال تعریف خانواده بین قوانین و نظام خانواده

²². المكتبة الإسلامية ، Library.islamweb.net و همچنان: احمد بن عبدالحلیم بن عبد السلام بن تیمیه الحرانی أبو العباس تقی الدین، دار الکتب العلمیة 1988 این تحقیق را نیز از آدرس فوق بدست آورده می‌توانید.

در مؤسسات بین المللی مثل ملل متحد و یونسکو و بطور عمومی در قوانین غرب و بین فرهنگ و ثقافت دینی شرق اسلامی متفاوت است و از طرف دیگر مفهوم و تعریف خانواده در قرن بیست و یکم با مقارنهٔ قرن هژده و نوزدهم و حتی قرن بیستم تفاوت می کند. این تغییرات تنها در غرب بوجود نیامده بلکه شرق اسلامی نیز این تغییرات را درک و تا حد زیاد قبول نموده است و دانشمندان و مفکرین اسلامی نیز در معانی و مفاهیم خانواده نظریات جدید و معاصر را ارائه می کنند و نظریات جدید تا اندازهٔ با نظریات قدیم متفاوت است و دلیل تفاوت تغییرات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در شرق اسلامی میباشد.

تکنالوجی جدید و تغییر زندگانی از روش زراعتی به صنعتی و خارج شدن زن برای کار از خانه سبب شد تا مسلمانان در تعریف و وظیفه خانواده تجدید نظر کنند و به واقعیت های جدید زندگی اعتراف و مشکلات جدید را بررسی و در روشنی واقعیت های معاصر خانواده و مسئولیتهای آنها تعریف کنند.

در فرهنگ اسلامی خانواده بنام «الأسرة» یاد می شود و مشکل محققین مسلمان در تعریف خانواده از همین کلمه شروع می شود و عدهٔ باین عقیده و باور اند که کلمهٔ الأسرة که معنی آن خانواده است در قرآن کریم و سنت نبوی بصورت مستقل ذکر نیافته است و همچنان فقهاء و قانون دانان قرن های اول اسلامی در نوشته های خود کلمهٔ الأسرة را ذکر نکرده اند.

عدم ذکر کلمهٔ «الأسرة» در قرآن کریم و سنت نبوی صلی الله علیه و سلم و عدم استفادۀ ای فقهاء و قانون دانان از این کلمه معنی آن عدم اهتمام اسلام به خانواده نیست و بر عکس قرآن کریم و سنت نبوی موضوعات مربوط به خانواده را با تفصیل بیشتر ذکر کرده اند و اصطلاح «عائلة و اهل» که در فرهنگ اسلامی آمده مرادف به کلمهٔ الأسرة است. اهل و عائلة در قرآن کریم و سنت نبوی و کتب قانون و فقه به تفصیل و تکرار ذکر یافته. در قرآن کریم می خوانیم: «فلما قضی موسى الأجل و سار بأهله» و قول خداوند سبحانه و تعالی: «و اجعل لی وزیرا من أهلی هارون أخی».

قرآن کریم از زن و شوهر و دختران و پسران و نواسه ها که خانواده از جمع شان تشکیل می شود یاد میکند و در قرآن کریم میخوانیم: «و الله جعل لکم من أنفسکم ازواجاً و جعل لکم من أزواجکم بنین و حفدة و رزقکم من الطیبات». خانواده یا الأسرة در قرآن

کریم به پیمان یا میثاق غلیظ و محکم آمده . « و من آیاته أن خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتسکنوا إليها و جعل بینکم مودة و رحمة إن فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون» .
با استفاده از کلمهٔ أهل و عائله که مرادف به خانواده است و شامل زن و شوهر و اطفال و اقارب می شود میتوانیم تعریف اسلامی خانواده را آورد.

معنی الأسرة ، خانواده در ادبیات زبان :

با استفاده از فرهنگ زبان باین نتیجه میرسیم که خانواده یا الأسرة اشتقاق شده از اصل «الأسر» یعنی قید و اسیر و باصطلاح دیگر به اسارت آمدن و اسیر شدن.

در قرآن کریم می خوانیم: «نحن خلقناهم و شددنا أسرهم» . ابن فارس می گوید: «همزه و سین و راء» اصل واحد است و معنی آن حبس و زندان است. خانواده در فرهنگ زبان عربی نوع از انواع اسارت اختیاری میباشد باین معنی که انسان در نتیجهٔ ازدواج و تشکیل مؤسسهٔ خانواده گی خود را در قلعهٔ مستحکم و با امنیت حفاظت می کند و مصلحت و منفعت اش تأمین می گردد و انسان می داند که منافع و مصلحت هایش به تنهایی تحقق نمی یابد و زمانی انسان به اهداف عالی و امنیت میرسد که وابسته و اسیر خانواده باشد.

در عرف و اصطلاح مردم خانواده به معنی جماعت یا گروه است که بین افراد آن رابطهٔ قوی و مستحکم میباشد و اصطلاح خانواده به انجمن ها مثل انجمن تعلیم و تربیت ، هنرمندان و ادباء نیز اطلاق می شود.

(عائله) مرادف به کلمهٔ خانواده است . عیال شخص یعنی کسانی که تحت رعایت او هستند و او از تمام شئون زندگی شان مثل منزل ، لباس ، غذا و غیره ما یحتاج مسئولیت دارد.

از تعریف خانواده از باب زبان باین نتیجه میرسیم که خانواده قلعهٔ مستحکم است که انسان را از هر نوع تهاجم و اعتداء خارجی حفظ می کند و همچنان از تعریف اصطلاح خانواده باین معنی می رسیم که خانواده عبارت از واحد اجتماعی است که از اتحاد زن و شوهر تشکیل می شود و مجموع از احکام و قوانین ، حقوق و وجایب آنرا تنظیم می کند و خانواده یک واحد یا مجموع قانونی است که اولادها بصفت قانونی به آن اضافه می گردند. در فرهنگ اسلامی خانواده تنها به واحد اجتماعی خلاصه نمی

گردد بلکه خانواده مدرسه ای اخلاق و روش اجتماعی و معهد تربیت نسل های آینده میباشد و این تعریف مسئولیت و وظیفه خانواده را در ازدیاد نسل و بقای آن خلاصه نکرده بلکه شامل تربیت و تعلیم و امور اجتماعی می سازد.

استاد عبدالعزیز در مورد خانواده می نویسد: خانواده از نظر اسلام واحد اجتماعی است که از زن و شوهر و اولادها تشکیل می شود و اصل تکوین بشری که شامل عاطفه و رابطه جنسی قانونی است در آن مراعات می شود. به مقارنه با تعاریفات غیر اسلامی از خانواده، خانواده در فرهنگ اسلام به زن و شوهر و اولادها خلاصه نمی گردد و دائره آن وسعت بیشتری دارد که شامل پدر کلان ها و مادر کلان ها و کاکا ها و ماماها و خاله ها و عمه ها و اولادهای شان و همچنان خانواده های که بوسیله ازدواج با هم یکجا میشوند است.

امام شیخ محمد ابو زهره در تعریف خانواده اسلامی می نویسد: خانواده در مفهوم اسلامی شامل زن و شوهر و اولادها که در نتیجه ازدواج قانونی تولد می شوند و با اشخاصیکه در شجره خانواده گی هستند که شامل اجداد و نسل برادران و خواهران و کاکاها و عمه ها و ماماها و خاله ها می شوند است.

دکتور محمد عقله خانواده را از روش فکری و معنی و مفهوم اسلامی اینطور تعریف می کند: خانواده از ایجاد رابطه ای اجتماعی بین زن و شوهر و اولادها و پدر بزرگان و مادر کلان ها و اقارب که با هم زندگی مشترک دارند تشکیل می شود. محمد عقله در تعریف خود از خانواده زندگی مشترک را در زیر یک سقف می آورد باین معنی که خانواده در مصارف زندگی و مسئولیت های اجتماعی با هم مشترک اند.²³

از مطالعه تعاریفات علمای اسلامی در مورد خانواده باین نتیجه میرسیم که خانواده ای اسلامی دارای خصوصیت های خاص است مثلاً:

1. خانواده، واحد و مرکز اجتماعی است که فرد یا افراد مهربانی و ترحم و عطوفت را در داخل آن می آموزند.
2. زن و مرد غریزه شهبانی را به طریقه قانونی انجام میدهند.
3. زن و شوهر مسئولیت مشترک را در اداره و تربیت اولادها می داشته باشند.

4. خانه و خانواده قلعه امنیت و راحت معنوی و روحی برای افراد آن است.
5. افراد خانواده مسئولیت مشترک را در پیشبرد امور خانه و حمایت جامعه دارند. در ویکی پدیا ، دانشنامه خانواده ، تعریف خانواده را باین معانی می خوانیم:

در جوامع انسانی ، خانواده به گروهی از افراد اطلاق می شود که با یکدیگرشان از طریق هم خونی ، تمایل نسبی ، یا مکان زندگی مشترک وابستگی دارند. خانواده در بیشتر جوامع ، نهاد اصلی جامعه پذیری کودکان است. سازمان ملل متحد (1994) نیز در آمار جمعیتی خود ، خانواده را چنین تعریف میکند:

« خانواده یا خانوار به گروه دو یا چند نفره ای اطلاق می شود که با هم زندگی می کنند ، در آمد مشترک برای غذا و دیگر ضروریات زندگی دارند و از طریق خون ، فرزند خواندگی یا ازدواج ، باهم نسبت دارند ، در یک خانواده ممکن است یک یا چند خانواده زندگی کنند ، تمام خانوارها هم خانواده نیستند.²⁴

انسان شناسان به طور کلی نهاد خانواده را اینطور طبقه بندی می کنند:

« مادر و فرزندان او ، زنا شویی ، زن و شوهر ، که خانواده هسته ای نیز خوانده می شوند ، و خانواده گسترده (Consam guinal) با هم خونی که در آن پدر و مادر و فرزندان با دیگران مثلا خویشاوندان در مکان مشترک زندگی می کنند. » همچنان در برخی جوامع مفاهیم دیگری از خانواده وجود دارد که روابط سنتی خانواده را کنار گذاشته اند. خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی جامعه پذیری ، در جامعه شناسی خانواده مورد بررسی قرار می گیرد. تبار شناسی رشته ای است که دودمان های خانوادگی را در تاریخ مطالعه می کند. همچنین اقتصاد خانواده در علم اقتصاد بررسی می شوند. اهداف خانواده و اقتضای تأسیس آن ایجاب می کند که بانیان آن یعنی زن و شوهر ، در تحکیم و پایداری این بناء نهایت سعی خود را بکنند و با همان انگیزه که بر تشکیل آن اقدام کردند ، بردوام آن اصرار ورزند تا وحدت و پویایی این نهاد مقدس تا پایان حفظ شود. در خانواده نقش های مختلفی وجود دارد که هر کدام با توجه به ویژگیشان توسط یک یا چند نفر از اعضای خانواده انجام می شوند. به عنوان مثال وظیفه امرامعاش خانواده بر عهده پدر خانواده می باشد. یکی از وظایف

بسیار مهم در خانواده تربیت فرزند است که به عهده پدر و مادر می باشد ولی به خاطر ارتباط بیشتر مادر به فرزند تأثیر بیشتر از طرف مادر بر فرزند صورت می پذیرد.²⁵

اقسام خانواده :

دکتور وهبه زحیلی خانواده را به سه قسم تقسیم می کند:

اول: خانواده کوچک که بزن و شوهر و فرزندان محدود می شود.

دوم: خانواده متوسط: شامل اقوام و خویشاوندان مانند: پدر، مادر، پدر بزرگ، مادر بزرگ، برادر، خواهر؛ عمو، عمه، ماما، خاله و دیگران می شود که در اصطلاح فقهی بنام «صله رحم» یاد می شوند و هر کس با صله رحم خود قطع کند خداوند با او قطع میکند.

سوم: خانواده بزرگ: عبارت از جامعه اسلامی که شامل: همسایگان دوستان و دیگران می شود که در اصطلاح اسلامی «اخوت» است.²⁶

میتوان در تقسیمات سه گانه فوق تقسیم چهارم را نیز اضافه کرد و آن اینکه تمام انسانها بایکدیگر خانواده واحد را می سازند و انسانها با تفاوتهای رنگ و زبان و مذهب و دین در اصل انسانی با هم مشترک اند و همه انسانها از اولاده آدم و حواء میباشند و انسانها در مجموع خانواده ای بزرگ را تشکیل می دهند. در قرآن کریم راجع به خانواده بزرگ انسانی می خوانیم: «یا ایها الناس إنا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا» (الحجرات: 13).

«ای مردم! ما شما را از مرد و زنی آفریده ایم و شما را به صورت قبیله و عشیره در آورده ایم، تا همدیگر را بشناسید (و با هم در ارتباط باشید).

خانواده کوچک و اولی: این خانواده از زن و شوهر و اولادها تشکیل می شود و در مجموع هسته اول جامعه را می سازد و این نوع خانواده در اکثر کشورهای صنعتی در غرب وجود دارد. در خانواده ای کوچک بین افراد آن روابط بسیار قوی موجود است و این نوع خانواده در امور زندگی استقلال بیشتر دارد و خانواده کوچک بصفت

²⁵. اعزازی، شهلا، جامعه شناسی خانواده، با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان 1385.

²⁶. دکتور وهبه زحیلی، نفس مرجع، صفحات 29-30-31.

واحد اجتماعی برای یک وقت معین و مؤقت میباشد که بعد از وفات والدین اولادها از حالت انفرادی جدا و داخل زندگی در جامعه می شوند.

خانواده ممتد: این نوع خانواده از اتحاد چند واحد خانوادگی تشکیل و افراد آن با هم زندگی مشترک می داشته باشند که قرابت خون ایشانرا با هم یکجا می سازد. این نوع خانواده در گذشته خصوصاً در قریه جات و دهات و مناطق زراعتی بیشتر بود و اما به سبب انقلاب صنعتی و تأسیس شهرها آهسته آهسته از هم متلاشی و ضعیف شد و در مرور زمان هر فرد خانواده لقب خاص و جداگانه برای خود انتخاب کرد.

خانواده مشترک: این نوع خانواده واحد بزرگتر را تشکیل میدهد در این نوع خانواده پدر، مادر، خواهران و برادران در یک محل و منزل زندگی مشترک دارند و در مکلفیت های اجتماعی و خانوادگی و اقتصادی همه سهم مشترک می داشته باشند.

عائله: عبارت از واحدهای متعدد اند که در مجموع عائله را می سازند. عائله در یک محله بشکل مشترک زندگی دارند و اساس رابطه بین افراد این خانواده رابطه خون و مصلحت مشترک است و افراد آن در مراسم و مناسبت ها باهم دید و بازدید دارند.

خانواده در روش اجتماعی و زندگی به دو نوع تقسیم می شود:

1. خانواده معتقد به دیموکراسی: این نوع خانواده عموماً در جوامع صنعتی و پیشرفته جهان است و افراد آن بصورت مساوی از حقوق برخوردار میباشند و عموماً زن و شوهر در تمام شئون زندگی حق متساوی دارند و تسلط مرد بالای زن نیست.

2. خانواده مستبد: در این نوع خانواده پدر تسلط کامل دارد و اولادها و زن دارای شخصیت مستقل نمی باشند و تصمیم گیری از حق بزرگ خانه که عموماً پدر است می باشد.

اسلام بین این دو نوع خانواده جمع نمود و خانواده را تأسیس کرد که افراد آن زندگی مشترک با احترام رأی داشته باشند و اصطلاح تسلط را به مسئولیت تبدیل کرد. در این بحث مقصد از خانواده، خانواده است که اسلام آنرا می خواهد.

از مطالعه معنی و اصطلاح خانواده و سیر تاریخی خانواده باین نتیجه میرسیم که خانواده در جریان تاریخ انسانی به مراحل متعدد ارتقاء نمود. در قرن های گذشته خانواده بسیار بزرگ بود و عموماً افراد یک خانواده در یک منزل زندگی داشتند و

در عدم امکانیات و ضیق شدن جایگاه کوشش می شد تا در یک کوچه و محله زندگی داشته باشند و خانواده ای که من به آن شرف انتساب را دارم همین مراحل را گذشتانده است و با بزرگ شدن افراد خانواده از شوربازار به نقاط مختلف شهر کابل انتقال یافتند و رشته ای قوی و مستحکم که بین افراد خانواده بود نظر به شرایط جدید ضعیفتر شد. در گذشته بزرگ خانواده بصفت رئیس خانواده همه افراد خانواده را کنترل می کرد و صاحب امتیازات بیشتر می بود و در مراسم رسمی بنام خانواده حرف میزد و در راه حل مشکلات حرف آخر از او بود.

أهمیت خانواده:

خانواده مدرسه اولیه برای تربیت نسل و همچنان ضامن ادامه نسل بشری میباشد. خانواده مدرسه اول تربیت جسمی و روحی و فکری برای نسلهای آینده است و طفل که در دامن خانواده بزرگ و تربیت می شود قدرت حمل مسئولیت های اخلاقی و اجتماعی را میداشته باشد و تجربه ثابت ساخته طفل که در دامن خانواده بزرگ نشود مریضی های روانی و مشکلات فکری و تعصبات اجتماعی می داشته باشد. در سایه خانواده طفل مسئولیت و ارزش های اجتماعی و دینی و اخلاقی را می آموزد و در مرحله جوانی معانی فضیلت و زندگی حقیقی را در جامعه بزرگ تطبیق عملی می نماید.

خانواده مسلمان با خانواده های غیر مسلمان تفاوت های زیاد دارد و این تفاوتها عموماً در مسائل عقیده تی و اخلاقی و اجتماعی و حس مسئولیت های فردی و اجتماعی است. افراد خانواده ای مسلمان پابند قوانین الهی بوده و برای خیر و منافع جامعه کوشش می کنند و هدف از خلقت را خدمت جهان و جهانیان و آبادی زمین می دانند.

خانواده ای مسلمان کوشش و سعی می کند تا زندگی خود و مردم را سالم و خوب بسازد و در ترقی و سعادت جهانیان سهم فعال داشته باشد و در عملی نمودن مسئولیت های دینی و اخلاقی بیطرف و تماش کننده نباشد. رابطه در بین افراد خانواده ای مسلمان بر اساس اعتبارات انسانی و ارزش های دینی و اخلاقی استوار است و افراد خانواده خصوصاً زن و شوهر که ستون فقرات خانواده را می سازند در مسائل زندگی با مشوره و اشتراک مساعی و بدون تبعیض همکاری میداشته باشند و

تفاوت بین زن و شوهر در امور اداره خانه و خانواده نیست و معیار روابط مشترک باساس عدالت و احترام متقابل و معرفت و حل مشکلات و احترام معتقدات دینی و سیاسی میباشد. رابطه بین زن و شوهر و افراد خانواده در فرهنگ اجتماعی اسلام رابطه با مراعات اصول ثابت و متغیر است باین معنی که ارزش های قاطع و ثابت اسلام و آنچه بنام ضروریات اسلام معرفی و قبول شده همه بآن بدون تبعیض و تعصب احترام میداشته باشند و در آنچه از امور غیر ثابت و از ضروریات دین نیست هر کدام نظر خاص خود را میداشته باشد و احترام متقابل شرط اول حفظ و حمایت خانواده است.

متأسفانه بعض خانواده ها اساسات اولیه و ثابت اسلام را با فروعات تفاوت کرده نمی توانند و عدم معرفت به اساسات اولیه و ثوابت دین و فروعات آن اسباب مشکلات خانوادگی را بار می آورد و جنجال عادی در مرور ایام به مشکلات عمیق تبدیل می گردد و در اثر و نتیجه آن فضای محبت خانواده به عداوت و دشمنی تبدیل می گردد.

ساختار خانواده شامل ساختار مادی و معنوی است و یکی از خصوصیت های خانواده ای مسلمان این است که افراد آن در فضائی امنیت و آرامش معنوی و مادی زندگی می داشته باشند و منزل که در زبان عربی بنام «مسکن» یاد می شود جایگاه و محل سکونت یعنی محل آرامش روحی و روانی و خانواده میباشد. در خانواده که در داخل جدران آن آرامش معنوی و روانی و مادی نباشد نمی توان آنرا خانواده اسلامی گفت به دلیل اینکه اسلام آمد تا صلح و آرامش روانی و معنوی را به جهانیان بیاورد. خانواده مسلمان، خانواده صادق و امین و وفاء دار است و با تعصبات زبانی و نژادی و قومی کار ندارد و تقوی اساس برتری را در خانواده مسلمان می سازد. افراد خانواده مسلمان در مسائل اجتماعی و اقتصادی و اداره خانه با هم مشوره می کنند و مشوره را اصل از اصول اولیه اسلام می دانند. در مؤسسه خانواده سلطان و حاکم وجود ندارد و هر فرد از افراد خانواده باندازه ای سن و قدرت مادی و فکری خود مسئول است و مسئولیت در اداره ای خانه مشترک میباشد.

حیاء و شرم و زبان نیکو و قلب سلیم از اموری است که باید خانواده مسلمان داشته باشد. در خانواده مسلمان کبر، غرور، غیبت، نمیمه، حسادت، فحشات و منکرات راه ندارد و فضیلت های اخلاقی و روش نیکو در خانه حاکمیت مطلق دارد.

هر جا که انسان است بعض مشکلات نیز همراه آن میباشد و در هر خانه و خانواده نوعی از انواع مشکلات نیز همراه است. عده از این مشکلات قابل حل است و عده دیگر ضرورت و احتیاج به مداخله دیگران دارد. مشکلات خانواده های مسلمان در عصر حاضر نسبت به عصر های گذشته متفاوت است. فرهنگ و ارداتی و ثقافت غیر اسلامی که در جهان اسلام توسط میدیا و یا مستقیماً توسط قوای اشغالگر غرب نشر یافته تهداب و اساسات خانواده را متضرر ساخته است و روش قدیم در اصلاح مشکلات معاصر بسیار بسنده و مفید نیست. انقلاب صنعتی، کار کردن زنان خارج از منزل، تعلیم و تربیت معاصر و نظام دیموکراسی های غربی که سبب انحرافات اخلاقی شده در مجموع افراد خانواده را مستقل از یکدیگر ساخته است و نفوذ و سلطه پدر بحیث رئیس خانواده متضرر شده است. در اینجا لازم دیده می شود تا بصورت بسیار فشرده مشکلات معاصر خانواده بحث و بررسی علمی شود و راه حل مشکلات نیز پیشنهاد و بررسی گردد.

مهمترین وظیفه خانواده :

وظایف خانواده معاصر نسبت به گذشته تغییر نموده و آنچه در گذشته اهمیت اولیه داشت امروز شاید نداشته باشد و آنچه دیروز در مقدمه وظایف نبود ممکن است امروز در مقدمه وظایف قرار داشته باشد و برای فهم و ادراک تغییرات محیطی و ارزش های اجتماعی و تأثیرات خارجی لازم است تا قائمین در امور تنظیم خانواده کورس های تعلیمی گرفته و در سمینارها و کنفرانس ها اشتراک نمایند تا از تجربه های علمی و مثبت و منفی دیگران استفاده و اشتباهات دیگران تکرار نشود. در این تحقیق در مورد وظایف خانواده بحث مفصل خواهیم داشت و در فصل تربیت اولاد در مورد آن بحث بیشتر میداشته باشیم.

مهمترین وظیفه خانواده عبارت است از:

1. وظیفه بیولوژیکی: آماده نمودن رعایت صحی، جسمی برای اطفال و آماده ساختن غذاء صحی تا جسم طفل نموی سالم نماید.

2. وظیفه اقتصادی: در گذشته اکثر خانواده‌ها به آنچه ضرورت داشتند در داخل خانه آماده می‌کردند و درآمدها را با هم‌کاری مشترک افراد خانواده حتمی و ضروری بود. این روش در عصر حاضر در مناطق زراعتی تا اندازه‌ی رواج دارد و حتی در دهات و مناطق زراعتی نظر به مهاجرت جوانان از قریه به شهرها این روش زندگی نیز تفاوت کرده است لذا وظیفه اقتصادی خانواده معاصر نسبت به گذشته کاملاً متفاوت است.
3. وظیفه اجتماعی و فرهنگی: کار کردن برای بلند بردن سوییۀ علمی و فرهنگی افراد خانواده و تشویق برای کارهای رضا کارانه و خدمات مجانی در جامعه معاصر مهمترین وظیفه اجتماعی خانواده به حساب می‌آید.
4. وظیفه روانی و روحی و نفسانی: ایجاد فضائی راحت در خانه و عدم مجادله و مناقشه در حضور اطفال و نشر محبت و صلح بین افراد خانواده تا هر فرد احساس آرامش را در داخل دیوارهای خانه نماید و بودن در خانه را بهتر از خارج خانه بداند.
5. وظیفه دینی: نشر عقاید صحیح دین و عملی کردن ارکان اسلام در خانه و مراعات حلال و حرام در خوردن و نوشیدن و تکلم کردن به آداب اسلامی و وسیله خوب برای تربیت نسل جوان است.
6. وظیفه سیاسی: تشویق اطفال به مطالعات و تعلیم و آشنائی به سیاست‌های معتدل اسلامی و نشر و عی سیاسی و توجه افراد خانواده به سیاست‌های استعماری معاصر و عدم همکاری با نظام‌های استبدادی و تحت حمایت خارجی و مقاطعه انتخاب اگر به ضرر کشور و ملت باشد و حمایت از ارگانهای سیاسی معتدل و خوب و همکاری با احزاب و انجمن‌های سیاسی که به نفع مردم و کشور باشد.²⁷

مشکلات معاصر خانواده:

مشکلات خانواده یعنی وجود روابط غیر سلیم و محکم بین افراد خانواده. ممکن است مشکل نتیجه روش و سلوک یک فرد باشد و یا بین زن و شوهر مشاجره صورت

27. الحیاة الأسیریة، منتدیات: ستار تایمز، ارشیف.

گیرد و یا بین والدین و اولادها واقع شود، در هر حالت مشکلات سبب عدم آرامش و استحکام خانواده شده و خانواده احترام و مقام عالی خود را از دست میدهد.

هیچ خانواده نیست که نوعی از انواع مشکلات را نداشته باشد و ممکن است مشکلات بین زن و شوهر و بین والدین و اطفال پیش شود و سبب اساسی آن عدم فهم صحیح از طبیعت رابطه بین مرد و زن و اختلاف در روش فکری و خواهشات زندگی و اصرار داشتن به موضوعی که برای هر کدام اهمیت بیشتر دارد باشد.²⁸

مشکلات خانواده‌های معاصر در بسا موارد با مشکلات که در گذشته بود شباهت دارد اما مشکلات معاصر در معانی اش نسبت به گذشته تفاوت میکند. با تغییرات در اوضاع کنونی نظام خانواده با پاره‌ای از مشکلات و ناهنجاریها رو به روست که گاهی آن را دچار لرزش و فروپاشی می‌نماید و گاهی هم این مشکلات به خاطر اوضاع و محیط اجتماعی یا جهانی و گاهی عامل آنها به ساختار شخصیتی مرد یا زن و یا دخالت‌های ناروای خویشاوندان یا دوستان و همسایگان بر می‌گردد.

گاهی فقر اقتصادی خانواده زمینه انحراف زن و گاهی هم ثروت و تمکن مالی موجب به بیراهه رفتن مرد می‌گردد و نسبت به خانه، زن، فرزندان بی توجهی می‌نماید. عامل محوری و اساسی همه آن مشکلات و ناهنجاریهای دیگر به عدم آشنایی یکی از آنان یا هر دو از آداب، قوانین و احکام اسلامی مربوط به حقوق و مسئولیتهای اعضای خانواده بر می‌گردد.²⁹

مشکلات در بعض خانواده‌ها قابل حل نمی‌باشد و یا اعضای خانواده خصوصاً زن و شوهر قدرت حل آنرا ندارند و ریشه مشکلات را خوب نمی‌دانند و یا دیگران در عوض کمک به حل در ازدیاد مشکلات کوشش می‌کنند و در مجموع سبب لرزش و فروپاشی خانواده را آماده می‌سازند.

²⁸. حسن مصطفی عبدالمعطی، الاضطرابات النفسية في الطفولة و المرأة، القاهرة، ص 13. همچنان دیده شود: دکتر ریخلف رفیقه، المشكلات الأسرية و أثرها على تنشئة الطفل، جامعة حسية بن بو علی.

²⁹. دکتر وهبة زحیلی، فقه خانواده، ترجمه عبد العزیز سلیمی، صفحات 32-33.

عوامل متعدد و گوناگون سبب فروپاشی و از بین رفتن روابط قوی در یک خانواده می باشد و مهمترین این عوامل عبارتند از:

اول: عامل اجتماعی و تأثیرات محیطی: جامعه و محیط زیست تأثیر بزرگ و فشار قوی بالای روش زندگی خانواده دارد. جامعه خوب و صالح در تکوین خانواده ای خوب و صالح کمک میکند و در مقابل جامعه فاسد خانواده را فاسد می سازد. در جامعه ای منحرف اخلاقی و ضعف دینی موضوع حلال و حرام و مفهوم خوب و زشت از بین رفته و مردم به مبادی اخلاق پابندی نمی داشته باشند.

تغییرات اجتماعی در خارج از ساحه خانواده بسرعت واقع می شود و اولادها به تغییرات اجتماعی متأثر می گردند و افکار و مبادی غیر مبادی و افکار والدین و بزرگسالان را می آموزند و حتماً افکار جدید با افکار قدیم و میراثی خانواده در تضاد واقع می گردد و از اینجا مشکلات بوجود می آید و بزرگان خانواده در بسا اوقات حاضر نمی باشند تغییرات معاصر و جدید را بپذیرند.

کارکردن والدین در خارج از منزل و عدم توجه به تربیت اولاد و استقلال اقتصادی زن از شوهر و اولادها از والدین عامل مهم اجتماعی است که بالای تربیت خانواده تأثیر منفی وارد می نماید. فشار منفی جامعه بالای خانواده خصوصاً جوانان و تفاوت بین نظام داخلی خانواده و نظام خارج از خانه باندازه قوی است که اطفال در بین دو روش متفاوت اصالت را فراموش می کنند. در پهلوی تأثیرات منفی جامعه، میدیا و وسائل اجتماعی ناقص و تبلیغات غیر اخلاقی میدیای خارجی و آزادی های جنسی اسباب ازدیاد مشکلات خانواده های معاصر است.

فشار رسم و روجهای نامناسب و کهنه و فرهنگ میراثی و ثقافت غیر سلیم از یکطرف و روش معاصر غرب در جوامع اسلامی و عدم برنامه های تعلیمی مناسب برای جامعه شرق اسلامی و ناتوانی مدارس و مساجد در تربیه معاصر نسل جوان تأثیرات نامناسب و منفی را در نظام خانواده ها بجا گذاشته است.

در عالم مهاجرت خانواده های مسلمان و افغان مشکلات زیادتر را مواجه اند. تفاوت های محیطی و فاصله بین بزرگان و جوانان و اطفال و عدم فهم صحیح نسل جوان به زبان والدین و عدم فهم بزرگان از محیط جدید و عدم درک تغییر زمان و مکان

و روابط نا مشروع جوانان با یکدیگر و ازدواج های نا مناسب مهمترین مشکلات خانواده ها به حساب می آید.

دوم: عامل اقتصادی: وضعیت اقتصادی منطقه و جهان تأثیرات منفی بالای زندگی اقتصادی خانواده دارد و عامل داخلی و خارجی سبب مشکلات اقتصادی خانواده و جامعه می گردد.

ناتوانی و ضعف اقتصادی عامل مهم مشکلات اجتماعی خانواده ها می باشد. فقر اقتصادی زمینه انحراف اخلاقی را کمک و محیاء می سازد. اسلام با فقر مبارزه میکند و فقر را عامل بی دینی و منکرات می داند. حضرت عمر رضی الله عنه می گوید: اگر فقر انسان می بود او را اعدام می کردم. حقد و حسادت و نشر فحشات و رشوت و خیانت که همه از مریضی های اخلاقی در فرهنگ اسلام به حساب می آیند نتیجه آن فقر اقتصادی است. بعض اوقات سرمایه و ثروت بی حد و اندازه موجب بیراهه رفتن مردم می گردد. پدری که فقط ب فکر جمع سرمایه از راه حلال و حرام باشد و وقت مناسب و کافی را برای خانواده خود نداشته باشد و نسبت به زن و فرزندانش بی توجه باشد قادر به تربیه سلیم برای اولاد خود بوده نمی تواند و همچنان یک الگو و مثال برزنده در بین خانواده نمی باشد. ثروت و سرمایه از نعمت های زندگی است اگر بصورت صحیح و حلال بدست آید و به راه مناسب و حلال به مصرف برسد. متأسفانه در کشور ما و کشورهای ثروتمند اسلامی سرمایه حرام نتایج بسیار منفی را بجا گذاشته است. جوانان مشغول لهو و لعب شده اند و از جاده صواب بیرون و اخلاقیات را فراموش کرده اند و تا حد از دین فاصله گرفته اند.

در خارج از افغانستان خصوصاً در سالهای اول مهاجرت ضعف اقتصادی خانواده ها سبب مشکلات خانوادگی و اجتماعی گردید. مهاجرین افغان در آغاز مشکلات اقتصادی زیاد داشتند و مشکلات اقتصادی سبب شد که عده از خانواده برای بدست آوردن کمک به مؤسسات دولتی مراجعه نمایند. زندگی در مناطق فقیر نشین و در خانه های دولتی تأثیرات منفی را بالای فرزندان افغانستان بجا گذاشت و عموماً در امریکا و جوامع غربی مناطق فقیر نشین مشکلات زیاد دارد که مهمترین آن مواد مخدره است و اکثر جوانان که زندانی هستند در همین مناطق بزرگ شده اند. مهاجرین

اول معلومات کافی از جامعه جدید نداشتند و از جانب دیگر فقر اقتصادی برای شان اجازه نمی داد تا آزادانه جای که مناسب است برای زندگی انتخاب نمایند.

در کشورهای غربی و در فرهنگ غرب، سرمایه و ثروت قیمت والدین خصوصاً پدر را تعیین میکند و قیمت خانواده مربوط به اقتصاد است و پدر فقیر اهمیت خود را در خانواده از دست می دهد و از جانب دیگر زنان مجبور به کار کردن می شوند و با کار کردن خارج از منزل زنان استقلال اقتصادی یافتند و عده که ثقافت و فرهنگ اسلامی داشتند با شوهران خود کمک کردند و زندگی خانواده را بصورت خوب پیش بردند اما عده دیگر مشکلات را خلق نمودند تا اندازه که منجر به جدائی گردید و در وضعیت جدائی نظام خانواده برهم خورد.

مهاجرت در کشورهای همسایه با فقر همراه بود و همسایه های افغانستان خصوصاً ایران و عده از کشورهای اسلامی به مهاجرین افغان به بی حرمتی نظر انداختند و این روش نامناسب حقد و حسادت را در قلب های اطفال افغانستان بوجود آورد و بازگشته گان یا عودت کنندگان بوطن با انواع عداوت و حسادت همراه بودند و این وضعیت نتایج نامناسب را بالای نظام خانواده ها بجا گذاشت.

سوم: مشکلات روانی و معنوی: مسائل روانی و معنوی تأثیرات منفی را در تشکیل و بناء خانواده دارد و خانواده که اعضای آن همراه با امراض روانی و معنوی بزرگ شوند قادر به حمل مسئولیت نمی باشند و افراد خانواده محبت و الفت را فی ما بین خود نمی دانند و خشونت و زشتی جای محبت و الفت را می گیرد. مشکلات روانی سبب عصبانی شدن فوری می شود و انسان در حالت عصبانیت و مریضی های روانی علیه محیط زیست خود قیام میکند و در روابط اجتماعی و خانواده گی بی تفاوت می شود. دواء که داکتران برای آرامش عصاب و مشکلات روانی میدهند انسان را در مسائل زندگی اجتماعی بی تفاوت می سازد و محبت را نسبت به اولاده و نواسه ها از بین بر می دارد.

جنگ و اشغال و استبداد سیاسی و فساد اداری امراض روانی و معنوی را سبب می شود. در کشورهای غربی که اکثر مهاجرین افغان را قشر تعلیم یافته تشکیل میداد و قبل از اشغال شوری و وظائف مناسب و اکادمی در کشور داشتند یکبار به پائین ترین مقام اجتماعی رسیدند. از دست دادن کار مناسب و مقام عالی اجتماعی و سیاسی

بدون شک اثر منفی را در نظام زندگی اجتماعی جامعه مهاجر افغانستان بجا گذاشت.

طبقهٔ تعلیم یافته و دانشمند افغان به آینده نا امید شدند و ضعف روانی سبب ضعف روابط بین افراد خانواده شد. امروز اکثر خانواده ها با هم روابط نیک ندارند و علت عمدهٔ آن مشکلات روانی است و افراد یک خانواده از اندک ترین مسأله که قابل حل هم است به غضب آمده و با یکدیگر قطع رابطه می کنند. قطع رابطه بین افراد خانوادهٔ واحد و قبول نکردن زندگی حتی در یک محل و یک شهر روش اجتماعی عمدهٔ از خانواده ها را می سازد و اکثراً شنیده می شود که بعضی خانواده باین عقیده و باور اند تا در شهری زندگی کنند که در آنجا افغان و خانواده نباشد این تغییر در روش اجتماعی قابل تشویش و نگرانی است.

چهارم: مسائل قومی و نژادی و مذهبی: مشکلات قومی و نژادی و مذهبی در جامعه قبل از اشغال اول یعنی اشغال شوروی در افغانستان بود ام احساس نمی شد و خانواده ها در فضای صلح و آرامش زندگی داشتند اما در جریان اشغال شوروی و بعداً در جریان اشغال دوم یعنی اشغال توسط امریکا و ناتو مسائل قومی و نژادی و مذهبی بیشتر شد. مشکلات مذهبی و نژادی و قومی اساسات متین خانواده را برهم زد و در بسا موارد سبب خشونت فزیکمی شد و به طلاق خاتمه یافت. جوانان دست به خشونت زدند. متأسفانه جرائد و مجلات و تلویزیونهای افغانی مشکلات قومی و نژادی و مذهبی را بیشتر ساختند و خانواده ها از هم فاصله گرفتند و عداوت و کینه جای محبت و الفت را گرفت.

جهل به خصوصیت های مراحل سن و عمر: هر مرحله از عمر خصوصیت ها و خواہشات خاص بخود دارد که باید مطابق آن معامله و برخورد شود. عدم فهم و دانش صحیح از خصوصیت های سن و عمر و شکل معامله و برخورد به آن مشکلات را خلق می کند و اختلافات و مشکلات بالای روش و سلوکیات افراد خانواده تأثیر وارد می کند.

مشکلات صحی: مثل مریضی های مزمن و امراض غیر قابل علاج و معلول شدن سبب مشکلات خانواده می گردد و خانواده های زیاد وجود دارند که قادر به حل این نوع مشکلات نمی باشند و کوشش میکنند از رعایت فرد از افراد خانواده که به

مریضی دچار شده فرار کنند و فرار از مسئولیت های اخلاقی اسباب نا آرامی و جدائی و عداوت را بوجود می آورد.

اختلاف فکری و عاطفی: زندگی بین زن و مرد بعد از ازدواج شکل دیگر را بخود می گیرد و ماه عسل خاتمه می یابد و عشق و سعادت معانی دیگر را بخود می گیرد. در این حالت اگر توجه به زندگی جدید نشود تفاوت های فکری و عاطفی و فرهنگی ظاهر می شود و مسافه بین زن و شوهر و افراد خانواده بوجود می آید و مشکلات ظاهر می شود. خلق مشکلات تأثیرات منفی را بالای تربیه اولاد و معامله بین افراد خانواده بجا می گذارد.³⁰ در صفحات بعدی راه های حل این مشکلات را بحث خواهیم کرد و در حل مشکلات از تجربه های عملی و نظریات متخصصین استفاده می شود.

مریضی های اخلاقی و اثر آن بالای نظام خانواده :

نفاق: دانشمندان نفاق را اینطور تعریف می کنند: نفاق یعنی ظاهر و باطن و سر و علانیت انسان با هم متفاوت باشد و قول و عمل منافق از هم تفاوت میکند و به اصطلاح دیگر دارای چند زبان و دو روی میباشد. نفاق یک مشکل عقیده تی است و در نتیجه ضعف ایمان داری انسان منافق می شود. نفاق بزرگترین خطر برای خانواده و جامعه میباشد و متأسفانه در جوامع اسلامی و افغانی مرض نفاق هر روز بیشتر از گذشته می شود. نفاق و موجودیت منافقین خانواده های افغانی را صدمه زیاد داده است. منافقین نظام خانواده و جامعه را فاسد می سازند و مرض نفاق یکی از امراض بسیار خطرناک و مضر است.

در سوره النساء آیه 142 در مورد منافقین می خوانیم: «إن المنافقین یخادعون الله و هو خادعهم و إذا قاموا إلى الصلاة قاموا کسالی یراءون الناس و لا یذکرون الله إلا قلیلاً».

(همانا منافقان با خدا از در مکر و فریب پیش آیند } بزعم باطل شان فکر میکنند خداوند را فریب میدهند } منافقان } برای نماز بر خیزند سست و بی میل ایستاده می شوند و با مردم ریا { خود نمائی خلاف واقع } میکنند و خدا را یاد نمی نمایند مگر اندکی { آن هم بمنظور ریا }). در آیه مبارکه مکر و فریب علامه از منافقین است و فریب

30. دکتر عبدالکریم بکار، دلیل التریبیه الأسریة، طبع اول 2001، اردن، صفحات 157-158.

و مکر اسلحه منافق میباشد و باین اسلحه منافق خانواده و جامعه را به نابوی می کشاند و شیرازه خانوادگی را ضعیف می سازد .

رسول اکرم صلی الله علیه و سلم اصول نفاق و روش منافق را برای امت معرفی نمودند و فرمودند: دروغ یا کذب در گفتار، خیانت در امانت، غدر در عهد و پیمان، تخلف در وعده و خیانت در خصومت به عبارت دیگر منافق با کسانی که دشمنی می داشته باشد از حق به باطل رجوع می کند.³¹

نفاق تا حدی برای جامعه و خانواده مضر است که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در دعای خود می فرمودند: «اللهم انی أعودبک من الشقاق و النفاق و سوء الأخلاق» (روایت کرده ابوداود در الصلاة - 1571 . ، النسائی فی الاستعاذة - 5471).

خداوند به تو پناه می برم از شقاق یعنی جدائی و نفاق و سوء اخلاق رسول اکرم صلی الله علیه و سلم بین شقاق و اخلاق بد و نفاق جمع را می آورند که این خود دلیل مهم برای مذمت از نفاق است.

بدون شک و تردید نفاق در جامعه اسلامی بسیار شده است و منافقین جامعه اسلامی را به بدبختی رسانیده اند و خانواده ها را با هم دشمن ساخته اند و بطور عموم نفاق سبب مشکلات فرد و خانواده و جامعه اسلامی است.

1. نیمه یعنی سخن چینی: نیمه عامل بدبختی خانواده و جامعه است. در فرهنگ دینی ما نیمه زشت ترین اعمال به حساب می آید تا جای که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: «لا یدخل الجنة قتات» و در روایت دیگر «نمام» یعنی سخن چین داخل جنت نمی گردد. نمام کسی است که قصه و اخبار را که می شنود فوراً بطرف مقابل به نیت تخریب انتقال یا میرساند و هدف از نمام تخریب روابط خانوادگی و برادری و در نهایت تخریب نظام اجتماعی است.

2. سوء ظن یعنی بد گمانی نتیجه آن بستن تهمت بحق دیگران است و کسی که سوء ظن دارد کوشش میکند تا تهمت بدون دلیل و بدون سبب را به دیگران بسته

³¹ در فهم بیشتر از اصول پنچگانه نفاق به: سایت علامه یوسف القرضاوی، زیر عنوان مقالات، تاریخ 16 جمادی الاول 1435 هجری مطابق 16 مارچ 2014 مراجعه فرماید.

کند تا درجه که بالای زنان پاکدامن و مردان پاکدامن تهمت زنا بسته می کنند. خداوند سبحانه و تعالی در مورد سوء ظن می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا كثيرا من الظن إن بعض الظن إثم» (الحجرات: 12). ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیار بدگمانی اجتناب یا دوری کنید که بعضی بدگمانی ها گناه است. با عینک سیاه به دیگران دیدن و خوبی و حسنات مردم را نا دیده گرفتن و زشتی و بدی های کوچک مردم را بزرگ نشان دادن از علامات سوء ظن است.

سوء ظن از غرور و عجب بخود و دیگران را حقیر شمردن تغذیه می شود و خود پرستی و عجب به نفس سبب گناهی قلبی که بخشش ندارد است. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم مسلمانان را از گمان بد هشدار میدهد و می فرماید: «وایاکم و الظن، فإن الظن أكذب الحديث» (متفق علیه). متوجه باشید و دوری کنید از سوء ظن، سوء ظن کذب ترین حدیث یا سخن است. سوء ظن یکی از مهمترین عامل خلق مشکلات برای خانواده ها و تخریب زندگی اجتماعی است.

3. تجسس، یعنی بحث و جستجو از عیوب مردم و حاسد شخصی که تجسس میکند و زوال نعمت را از دیگران میخواهد. این صفات زشت و غیر اسلامی متأسفانه در جامعه هر روز بیشتر شده می رود و علت آن ضعف ایمان و نتیجه آن خلق مشکلات در بین خانواده ها و جامعه میباشد.

4. تفرقه و اختلاف: تفرقه و اختلاف از جمله مریضی های است که خانواده ها و امت اسلامی از آن رنج می برند و متأسفانه تفرقه و اختلاف بین خانواده ها و مسلمانان باندازه رسیده که مسلمانان و خانواده ها در مقابل یکدیگر قرار گرفتند و خونهای یکدیگر را بر زمین ریختند و گروه با دشمنان وطن و دین و امت اسلامی علیه برادر مسلمان خود متحد شدند.

قرآن کریم مسلمانان را از مرض تفرقه و اختلاف هوشدار میدهد و برای پند و درس قصه امت های گذشته را می آورد. در قرآن کریم می خوانیم: «لا تکنوا کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البینات و أولئک لهم عذاب عظیم یوم تبیض و جوه و تسود و جوه» (آل عمران: 105).

(و مانند کسانی نشوید که میان همدیگر متفرق شدند و اختلاف ورزیدند بعد از آنکه نشانه های روشنی (از جانب خداوند) به آنان رسید و ایشانرا است عذابی بزرگ). حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم مسلمانان را هوشدار میدهد و

می فرماید: «لاتختلفوا ، فإن من كان قبلکم اختلفوا فهلکوا» اختلاف نکنید ، کسانی که قبل از شما بودند اختلاف کردن و به هلاکت رسیدند. (روایت کرده البخاری در الخصومات - 2410- از ابن مسعود). مشکلات خانواده ها و امت اسلامی بطور عموم چنانکه رسول اکرم صلی الله علیه و سلم هوشدار داده بودند به سبب تفرقه و اختلاف است و ما نمونه آنرا در کشور خود و عراق و سوریه به چشم مشاهده می نمائیم .

تفرقه و اختلاف معانی برادری ، محبت ، همکاری ، عفو ، اتحاد را از بین برداشته و در مقابل دشمنی و عدم همکاری را در جامعه می آورد.

5. تخریب: تخریب یکی دیگر از مریضی ها است که خانواده ها و امت اسلامی به آن مبتلاء می باشد. مخرب کوشش دارد تا جامعه را تخریب کند و هر عمل که به نفع مردم و جامعه اسلامی و غیر اسلامی انجام شود آنرا با وسائل متعدد تخریب میکنند و بطور عموم انسانی که فکر تخریبی دارد کوشش دارد تا در مقابل هر دانشمند ایستادگی نماید و به وسائل مختلف او را بد نام سازد تا مردم از او دوری اختیار نمایند.

غیبت یکی از مهمترین وسیله و اسلحه برای تخریب خانواده و جامعه بدست مخرب است. غیبت را رسول اکرم صلی الله علیه و سلم اینطور تعریف کردند: یاد کردن برادرت به آنچه او آنرا زشت میداند و به آن کراهیت دارد. اسلام غیبت را حرام ساخته و قرآن کریم غیبت را به خوردن گوشت برادر مرده تشبیه می کند.

6. خیانت: خیانت ضد امانت است. در فرهنگ اسلام خیانت ریع نفاق است و خیانت مثل دروغ یکی از ارکان نفاق می باشد. همانطوریکه امانت از خصوصیت ایمان است خیانت از خصوصیت های نفاق و عامل فروپاشی خانواده ها و ملت است. قرآن کریم امانت را به صیغه جمع می آورد مثلاً: «إن الله یأمرکم أن تودوا الامانات إلی أهلها و إذا حکمتم بین الناس أن تحکموا بالعدل» (النساء: 58). (به تحقیق خداوند ، بشما امر میفرماید که امانت ها را به اهل آن بسپارید ، و هنگامیکه میان مردم حکم نمودید {در مقام حاکم قرار داشتید} به عدالت حکم کنید). قرآن

کریم هر زمانیکه یک امر مهم را ذکر میکند آنرا به صیغه جمع میآورد مانند عقل و تفکر و غیره.³²

رسول اکرم صلی الله علیه و سلم نشر خیانت را از علامات قیامت میدانند و در این مورد می فرمایند: «إذا ضيعت الأمانة فانتظر الساعة». اگر امانت ضایع شود انتظار قیامت را داشته باشید.³³

خائن مکروب بزرگ و کشنده در جامعه است و جامعه و خانواده را از داخل تخریب میکند و خیانت در فرهنگ اسلام به انواع مختلف معرفی شده: خیانت در مال، خیانت در منصب و وظیفه و مسئولیت، خیانت در علم و تحقیقات، خیانت برای خانواده مانند خیانت برای زن و اطفال و برای شوهر و والدین و خواهران و برادران و بالآخره خیانت بوطن و ملت.

اگر خیانت در خانواده و جامعه بوجود آید امانت از بین میرود. و قومی که امانت نداشته باشد مردم فاسد و غدار را به زعامت خود انتخاب میکنند و در نتیجه آن حکومت های وحدت فساد روی کار آمده نظام اساسی خانواده و جامعه برهم می خورد.

صفحات فوق مهمترین عوامل که اسباب مشکلات خانواده را بجا می آورد معرفی می کند و صفحات آینده این شاء الله راه های حل و علاج این مشکلات را بحث و بررسی میکند. اگر خانواده کوچک در آغاز باساس قوانین اسلامی و تعلیمات اسلام و توصیاتهای رسول اکرم صلی الله علیه و سلم تشکیل شود و جوانان عزیز ما قبل از انتخاب شریک زندگی قوانین و مقررات شریعت را در مسائل خانوادگی خوب بدانند و اولیاء امور با اولادهای شان همکاری مشترک و مخلصانه نمایند و همه افراد جامعه حدود شریعت را حفظ کنند یقین است که مشکلات اصلاً بوجود نمی آید و اگر بعض مشکلات ساده و حتی بزرگ در خانواده پیش شود با عزم راسخ و نیت صادق حل و فصل می شود.

³². فضل غنی مجددی « روش فکر معاصر اسلامی » فصل آزادی فکر و عقل ، طبع اول ، امریکا 2016م.

³³. سایت القرضاوی ، موضوع الخیانة ، شنبه ششم محرم 1435 هجری مطابق 2013/11/9 م.

فصل دوم

انتخاب شریک زندگی

انتخاب شریک زندگی :

قرآن کریم مقصد و هدف ازدواج را راحت روحی و معنوی و روانی و جسمی میداند. در سوره الروم می خوانیم: «و من آیاته أن خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتسکنوا إليها و جعل بینکم مودة و رحمة إن فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون» (الروم: 21).

از نشانه های (دال بر عظمت و حکمت) خداوند این است که از جنس خودتان همسرانی را برایتان آفرید، تا در کنار آنان بیارامید و در میان شما و ایشان مهر و محبت قرار داد. بدون شک در این (امور) نشانه ها و دلائلی است برای کسانی که می اندیشند.

قرآن کریم مهمترین هدف ازدواج را سکون و آرامش در زندگی انسان معرفی میکند، مرد و زن زمانی این آرامش را بدست می آورند که با هم ازدواج نمایند و در پهلوی یکدیگر لذت های دنیا را احساس کنند.

دانشمندان و فقهاء با استفاده از نصوص اسلامی در پهلوی آرامش و سکون چند هدف دیگر را نیز علاوه می کنند :

- عفت نفس و تکمیل دین و استماع جنسی به نیت اجر و ثواب.
- ادامه نسل بشر و تربیت نسل جدید به هدف ادامه زندگی در زمین.
- همکاری مشترک بین زن و شوهر جهت تحقق بحشیدن امنیت و مبارزه با مشکلات زندگی.
- بلوغ کمال انسانی و ایجاد تعاون و همکاری برای ادامه زندگی خوب و با سعادت.

سکون و آرامش زمانی بوجود می آید که انسان در انتخاب شریک زندگی دقت و مطالعه دقیق کرده باشد و هر ازدواج خصوصاً در عصر حاضر که بدون مطالعه و

تحقیق صورت گیرد نتیجه آن خوب نخواهد بود و آرامش که هدف از ازدواج است زمانی تحقق می یابد که مرد و زن با هم در تمام امور زندگی، مادی و معنوی و فرهنگی توافق کلی داشته باشند. دانشمندان فکر اسلامی می گویند هر ازدواج که بدون مطالعه و تحقیق صحیح و بدون دیدن باشد آخرش پشیمانی است. ازدواج تأسیس مؤسسه است که بعد از عقد یا معاهده بین پسر و دختر بوجود می آید. در تأسیس مؤسسه اگر به اهداف و وسیله رسیدن به آن و مشخص نبودن مشارکت بین مؤسسان و تعاون و همکاری و مدیریت سالم صحیح فکر نشود یقین است که مؤسسه موفق نخواهد بود و بزودی ورشکست شده دروازه آن بسته می شود.

قانون دانان و دانشمندان و جامعه شناسان مسلمان مرحله نامزدی را بنام مرحله شناسائی می شناسند و این مرحله را فرصت خوب برای دختر و پسر میدانند تا یکدیگر را بشناسند و برای این مرحله قوانین شرعی را وضع کرده اند که در مورد آن بیشتر بحث خواهیم داشت. قوانین نظر به شرایط زمان و مکان قابل تجدید است و قوانین خانواده در طول تاریخ چندین بار تجدید و باز نویسی شده است و در مسیر تاریخ ممکن چندین بار دیگر در مواد آن تجدید نظر شود و مقصد و هدف از بازرسی قوانین مراعات زمان و رسم و روجهای محیط و عرف جامعه است و تجدید و بازرسی مهمترین صفت در تدوین قوانین اجتماعی در ساحة قانون گذاری اسلامی میباشد و تجدید است که قانون را قابل تطبیق می سازد.

بررسی و مطالعه برای انتخاب شریک زندگی اولین مرحله و نیت برای ازدواج است. به عقب بر نمی گردیم و به عصری که زندگی داریم و به آینده متوجه هستیم و با کمال احترام تغییرات که در ساحة سیاسی و اجتماعی و فرهنگی در جهان اسلام و افغانستان رخ داده به آن احترام می گذاریم و در روشنی تغییرات در ساحت مختلف قوانین را مطالعه و تغییراتی که لازم باشد پیشنهاد می نمایم.

در صدر اول اسلام و چهار قرن اول اسلامی که به شهادت تاریخ عصر طلایی برای مسلمانان بود، انتخاب شریک زندگی بسیار ساده و آسان بود و در انتخاب شریک زندگی اولیای امور بسیار نقش برارنده را نداشتند و دختر و پسر آزادانه یکدیگر را انتخاب می کردند، ولی متأسفانه بعد از آن در نتیجه فکر عقب گرائی و تسلط مردان در جامعه و استبداد سیاسی و سکوت علماء و نشر فساد و فتنه در جوامع اسلامی

چانس و فرصت انتخاب آزاد برای دختران و پسران خصوصاً دختران جوان محدود شد و انتخاب شریک زندگی که حق مسلم و ثابت دختر و پسر در اسلام است به پدر و بزرگان خانواده انتقال یافت و رضایت دختر و پسر و حق انتخاب آزاد از جوانان سلب شد و بدین ترتیب اصالت اسلامی نادیده گرفته شد.

علت اصلی سلب اراده و انتخاب شریک زندگی از دختران جوان عدم حضور زنان در جامعه اسلامی است. اگر بتاریخ سیر حرکت نسوان و زندگی زن در جامعه از قدیم زمان تا عصر حاضر دقت شود باین نتیجه میرسیم که زنان محکوم به نظریه مردان بودند و زن در حیات اجتماعی و دعوت اسلامی و وظایف عمومی اشتراک نداشت و با اینکه تغییرات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی در جوامع اسلامی زیاد رخ داد اما تا هنوز این مردان هستند که برای زنان برنامه می سازند و این مردان اند که برای خواهران و دختران شان شریک زندگی را انتخاب می کنند.

در عصر رسالت و قرنهای اول اسلامی زنان نقش مهم را در پهلوی مردان بازی میکردند و زنان و مردان زیر یک سقف نماز می خواندند و در یک مجلس با هم حرف میزدند. زنان و مردان هر دو می دانستند که قرآن کریم نقش و مسئولیت های شانرا در جامعه مساویانه تقسیم نموده و زنان معنی آیه کریمه «المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یؤمنون بالله» را خوب درک و به آن عمل می نمودند. زنان میدانستند که در پهلوی مردان مسئولیت دعوت و امر به خوبی و نهی از زشتی را دارند و این وظیفه زمانی تحقق می یابد که زن مانند مرد در جامعه حضور داشته باشد.

در عصر رسالت زنان آزادی بیشتر نسبت به امروز داشتند و به عقب رسول اکرم صلی الله علیه و سلم با حضور مردان نماز اداء می کردند و در درس با مردان حضور می داشتند. زنان در ساحة نظامی، سیاسی و کارهای اجتماعی دوش با دوش مردان کار می کردند و در مراسم دینی و ادبی و هنری حضور می داشتند و این حضور برای زنان و مردان فرصت خوب برای انتخاب شریک زندگی بود. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم زنان و مردان را از هم جدا نساخت و جامعه را با اساس اخلاق بنا نمود و در جامعه که اخلاق حاکم باشد یکجا بودن زن و مرد با ادب اسلامی مشکل ایجاد نمی کند. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می دانست که در بین مسلمانان کسانی

هستند که بطرف زنان نظر می اندازند با آنهم زنان را از حضور در مسجد و تجلیل از روزهای عید منع فرمودند و برای زنان امر کردند که در وقت مریضی زنانه حتماً در روزهای تجلیل از دو عید با مردان و اطفال حضور داشته باشند.³⁴

زنان با مردان در مجلس رسول اکرم صلی الله علیه و سلم حضور می یافتند و از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم سؤال می کردند و مشکل خود را بیان می نمودند. مسلم بن عبید می گوید: اسماء بنت یزید انصاری به حضور رسول اکرم آمد و در جمع از صحابه برای نبی الله گفت: یا رسول الله من به نمایندگی زنان آمده ام، خداوند شما را برای زنان و مردان مبعوث کرده، ما به شما و کتاب شما و خدای شما ایمان آوردیم و ما زنان اساس خانه های شما هستیم و شهوت شما را آرام می سازیم و اولادهای شما را حمل می نمایم..... تا آخر، آیا در مسائل خیر با شما شرکت نداشته باشیم؟ رسول الله صلی الله علیه و سلم بطرف صحابه دیدند و فرمودند شنید آنچه زن از مسأله خود و در امور دین بصورت پسندیده گفت، گفتند: یا رسول الله ما خیال و تصور نمی کردیم که یک زن باین هدایت رسیده باشد.³⁵ دو مثال فوق آزادی بیان و اشتراک زنان را با مردان در عصر رسول اکرم صلی الله علیه و سلم نشان میدهد و در جریان بحث مثال های زیادی خواهم داشت که ادعای ما را به اثبات می رساند. در جامعه که آزادی در چوکات ایمان و اخلاق و تربیت اسلامی باشد انتخاب شریک زندگی آسانتر و برای جوانان فرصت بیشتر محیا می باشد.³⁶

متأسفانه این چانس و فرصت بعد از آغاز عقب ماندن مسلمانان در ساحات مختلف و تسلط فکر عقب گرائی و ضعف اخلاقی و فرهنگی و ثقافتی از دختران و پسران گرفته شد. در عصر حاضر جامعه بسوی آزادی های اجتماعی در حرکت است و دختران و پسران یکجا در پوهنتون درس می خوانند و در یک دفتر کار میکنند و فرصت و چانس بیشتر را برای انتخاب شریک زندگی با آزادی دارند. نمی توانیم این حقیقت

³⁴. برای تحقیق بیشتر از نقش زنان در عصر رسالت به ویب سایت: المجلس الاوربی للأفتاء مراجعه فرماید.. European Council For Fatwa and Research, www.e-cfr.org.

³⁵. ابن کثیر، اسد الغابة جزء 5 ص 398 و همچنان: الدكتور طاهر مهدی البلیلی، دور المرأة فی الدعوة و اصلاح المجتمع.

³⁶. برای معلومات بیشتر از عصر رسالت مراجعه فرماید به: فضل غنی مجددی، مطالعه تمهیدی عصر رسالت و خلافت راشده، طبع امریکا، 2016.

را انکار نمائیم که عصر حاضر با گذشته تفاوت کلی دارد و جامعه بسوی آزادی‌ها در حرکت است و زنان در جوامع اسلامی نقش مهم را دارند و به مناصب عالی در دولت و مقام‌های علمی رسیده‌اند و با مردان مشترکاً کار می‌کنند. با در نظر گرفتن تغییرات در ساحات مختلف در جامعه‌ای اسلامی خواستم عنوان جدید را در قانون خانواده بنام «انتخاب شریک زندگی قبل از نامزدی» پیشنهاد کنم تا در مورد آن بحث شود و حدود و سرحدات آنرا جوانان عزیز ما بدانند و خصوصاً دختران جوان مسلمان متوجه این مرحله از زندگی خود باشند تا نشود ضرب‌المثل «چشم عاشق کور است» در حیات جوانان عزیز ما خصوصاً دختران جوان تکرار شود. در زیر این عنوان مطالعه می‌نمائیم که اسلام عزیز تا چه اندازه خصوصیت‌های بشری را مراعات نموده و انسان را انسان میداند و مسأله دوستی و عاطفه و شعور انسانی که در قلب هر انسان است آنرا نادیده نگرفته و رابطه بین دختر و پسر را در دایره‌ای اخلاق اسلامی تنظیم می‌کند.

انتخاب قبل از نامزدی :

انتخاب برای شریک زندگی حق هر دختر و پسر جوان است و شریعت اسلامی این حق را برای دختر و پسر تثبیت و سلطه سیاسی و خانواده را از مداخله در این امر مهم حیاتی منع می‌کند. در قانون ازدواج اسلامی نامزدی مرحله اول انتخاب شریک زندگی است و در این مرحله دختر و پسر در دایره قانون و احترام حلال و حرام چانس و فرصت شناخت و مطالعه را دارند و الغای نامزدی مسئولیت قانونی ندارد و به عبارت دیگر دختری یا پسر حق دارد نامزدی را فسخ نماید و طلاق و قضاء و محکمه در این امر نیست.

از اواسط قرن بیستم جامعه اسلامی بصورت عموم و جامعه افغانی بصورت خاص تغییر نمود. آزادی زنان، افتتاح مدارس دختران و یکجا بودن محصلین و محصلات در پوهنتونها و انستیتوت‌ها و کار کردن زنان با مردان در یک دفتر و مؤسسه و وزارتخانه فضائی معرفت و آشنائی را بین دختران و پسران آماده ساخت و دختران و پسران با یکدیگر آشنا و دوست و همکار شدند. در اواخر سالهای شست و اوائل هفتاد میلادی که من محصل پوهنتون کابل بودم بعض نامزدی‌ها بعد از یک مرحله آشنائی در ساحه پوهنتون صورت می‌گرفت و همصنفان با یکدیگر نامزد می‌شدند و خانواده‌های دانستند که طلبگاران حتماً از ارتباط دختر با پسر اطلاع دارند.

در اوائل قرن بیست و یکم ساحهٔ معرفت و آشنائی از ساحهٔ کار و درس به وسایل الکترونی و وسائل دستجمعی رسید ، فیسبوک و تویتر و ایمیل و تیلیفون و غیره وسیله های فعال بصورت خوب و زشت برای معرفت بین دختران و پسران شد و عدهٔ از این وسایل استفاده هایی سوء کردند و ما نتایج زشت و تباه کننده آنها در جامعه اسلامی و افغانی مشاهده می کنیم. در افغانستان و سائر کشورهای اسلامی عدهٔ از جوانان از مطبوعات آزاد و وسائل اطلاع رسانی دستجمعی نظر به عدم تجربه های کافی استفاده خوب نکردند و تحقیقات نشان میدهد که عدهٔ زیاد از دختران جوان قربانی انتخاب نادرست از طریق وسائل دستجمعی شدند.³⁷

مهمترین موضوع در یکجا بودن دختر با پسر موضوع محرم بودن است و در این مورد عدهٔ از مسلمانان در اصل «خلوت» در اشتباه اند. گروهی که مخالف یکجا بودن دختر جوان با پسرنا محرم اند دلیل خود را این حدیث مبارک می دانند. امام جابر رضی الله عنه روایت میکند که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر فلا یخلون بأمرأة لیس معها ذو محرم فإن ثالثهما الشیطان». هر کس راست می گوید که به خداوند و دنیای پس از مرگ ایمان دارد ، با هیچ زنی که محرمی همراه او نیست ، خلوت نکند ، زیرا سومین آنها شیطان خواهد بود.³⁸

این حدیث شریف که منع از یکجا بودن زن با مرد غیر محرم است صحیح و در صحت آن اختلاف نظر نیست اما مشکل در فهم صحیح از خلوت است. آیا بودن دختر و پسر در پوهنتون و اداره و کافتریا و بازار خلوت است؟ و آیا در این جاها و امکان عمومی باید با دختر جوان برادر و یا پدرش که محرم او اند حاضر باشند؟ آیا با زنی که وزیر و رئیس است در دفتر کارش حتماً شوهر یا برادرش موجود باشد؟ آیا خانمی که در پوهنتون مردان را درس میدهد و همه نا محرم اند شوهرش نیز با او باشد؟ تفکر به سؤالات فوق انسان را به اصل خلوت نزدیک می سازد و تفاوت بین امکان عمومی و خلوت بیشتر درک می گردد.

در مورد خلوت در کتب فقه اسلامی در باب حق زن برای دریافت مهر بعد از عقد ازدواج آمده است:

37. فضل غنی مجددی ، روش فکر معاصر اسلامی ، صفحات 348-353.

38. عبدالله ناصح علوان ، تربیه الاولاد فی الإسلام ، طبع سوم ، بیروت 1980 .

الخلوة الصالحة: خلوت صحیح آن است که زن و شوهر بعد از عقد صحیح در یک جای که در آنجا بتوانند زنا شوئی کنند و مکان با امن برای این عمل باشد و در آن محل یا مکان مانع طبیعی (وجود یک شخص دیگر) نباشد³⁹

خلوت صحیح آن است که دختر و پسر به تنهایی در یک محل خاص مثلاً در یک اتاق در هتل و یا در منزل بدون اینکه اشخاص دیگر در آنجا حضور داشته باشند و دروازه بسته و تنها صحبت داشته باشند. این عمل شرعاً حرام مطلق است خصوصاً برای دختر و پسر که محرم و یا زن و شوهر نباشند و در قانون اسلامی یک عمل خلاف آداب و اخلاق اسلامی است و حدود شریعت در این مورد احترام نمی شود و اما اگر دختر و پسر در یک صنف درسی و یا کتابخانه و کافتیریا و یا در یک دفتر که اشخاص زیاد حضور می داشته باشند یکجا باشند خلوت گفته نمیشود و موضوع به حرام و حلال نمی رسد و همچنان در امکان عمومی لازم است تا دختران و پسران جوان اخلاق اسلامی را احترام و حدود شریعت را مراعات نمایند.

روش انتخاب شریک زندگی :

توجه به زندگی زوجیت در لحظه تفکر به ازدواج انسان را به تحقیق، مطالعه و نتیجه گیری برای انتخاب مناسب کمک میکند و از اشتباهات و خطاها تا حد زیاد جلوگیری میشود. مهمترین سبب در عدم موفقیت و ادامه زندگی زوجیت و رسیدن به طلاق عدم تفکر صحیح و سرعت تصمیم گیری در انتخاب شریک زندگی است و ممکن است سرعت در انتخاب از جانب دختر باشد و یا از طرف پسر و یا از جانب هر دو. اسلام برای ادامه زندگی مشترک جوانان را رهنمائی می کند که نباید زیر شعور و عاطفه و شکل ظاهری فوراً تصمیم گیرند.

تصمیم بعد از مطالعه و تدقیق در زندگی انسان اولین قدم موفقیت است اما در هر امر از امور زندگی برای گرفتن تصمیم و انتخاب تفاوتها موجود است و نمی توان در تمام امور زندگی یک نوع تصمیم را گرفت. گرفتن تصمیم برای عملی نمودن یک امر از امور زندگی احتیاج و ضرورت به وقت کافی و مطالعه و مشوره دارد و تصمیم و انتخاب در زندگی مراحل متفاوت و نتیجه های متفاوت دارد بطور مثال:

³⁹. وهبة الزحیلی، الوجیز فی الفقه الإسلامی، جزء سوم، تاریخ طبع 2006 ص 103.

- تصمیم و انتخاب عاجل و فوری ، مثلاً به کدام رستوران برای صرف غذا رفت و یا کدام لباس را امروز پوشید و به دیدن کی رفت و غیره امور عاجل. پشیمان شدن از این نوع تصمیم و انتخاب بسیار سنگین تمام نمی شود و اصلاح آن آسان است . تصمیم و انتخاب فوری و عاجل را میتوان انتخاب قصیرالمدت نام گذاشت.
- تصمیم و انتخاب متوسط‌المدت ، این نوع تصمیم و انتخاب مطالعه بیشتر و دقت زیادتر را می خواهد مثلاً انتخاب اپارتمان برای کرایه و انتخاب شهر و محل برای زندگی . اگر در این نوع تصمیم و انتخاب اشتباه باشد علاج آن ممکن است و قابل اصلاح میباشد البته با تحمل خساره مالی و وقت .
- تصمیم و انتخاب طویل‌المدت ، ازدواج در زندگی برای یک وقت مؤقت نیست و انتخاب شریک زندگی برای ادامه زندگی است لذا در انتخاب شریک زندگی مطالعه و دقت و بررسی و مشوره های بیشتر ضرورت است و سرعت انتخاب در این امر مهم حیاتی سنگین تمام می شود. مشوره با خانواده و دوستان با تجربه با همکاران در دفتر و در صورت لزوم مشوره با متخصصین در شئون خانوادگی زیرا عدم دقت و سرعت در اتخاذ این نوع تصمیم گیری بسیار قیمت و گران تمام می شود و علاج آن مشکل است.

انتخاب شریک زندگی باید در روشنی و اهداف ازدواج باشد و جوانان عزیز که در فکر انتخاب شریک برای زندگی خود می باشند اهداف ازدواج را که در مقدمه معرفی شد نا دیده نگیرند زیرا دانستن اهداف ازدواج و مقاصد آن انسان را متوجه بیشتر می کند و انسان با استفاده از عقل و تفکر و اندیشه تصمیم می گیرد نه با ساس عاطفه و محبت و عشق.

اسلام جوانان را متوجه حسن انتخاب و اختیار می نماید و اصول اولیه انتخاب را معرفی میکند و از ادارت تعلیم و تربیت می خواهد تا در برنامه های معارف خصوصاً در مرحله پوهنتون مضمون انتخاب شریک زندگی و مواصفات آنرا تدریس نمایند و از نظر فرهنگ اسلامی انتخاب شریک زندگی با اینکه حق مسلم مرد و زن است هنر و فرهنگ نیز است و رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در ارشادات و تعلیمات شان این موضوع را فراموش نکردند و امت را فرهنگ و هنر انتخاب را تدریس کردند.

قرآن کریم در انتخاب شریک زندگی مسلمانان را اینطور رهنمائی میکند: «وأنکحوا الأيامی منکم والصالحین من عبادکم» (النور: 32).

آیه کریمه در انتخاب شریک زندگی صلاح یعنی اخلاق و دین و عفت را مقایس می داند و جاه و جلال و نسب و نام خانواده را ارزش نمی دهد.

رسول اکرم صلی الله علیه و سلم برای انتخاب شریک زندگی اینطور می فرماید: « تنکح المرأة لأربع: لمالها ، و لحسبها ، و لدینها ، و لجمالها ، فاطفر بذات الدین تربت یداک ». پیامبر صلی الله علیه و سلم برای انتخاب شریک زندگی چهار عنصر را اهمیت می دهد: سرمایه ، حسب ، دین و جمال یعنی زیبایی و در بین همه صفات دینداری را اهمیت بیشتر میدهند.

زیبائی و جمال ظاهری و باطنی در انتخاب بسیار مهم است و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم این خصوصیت انسانی را میدانست زیرا انسان بود و برای جوانی که می خواست ازدواج کند مشوره داد تا بطرف دختر خوب نظر اندازد زیرا نظر کردن و انتخاب کردن بعد از دیدن در ادامه حیات زوجیت کمک میکند. واقعاً عناصر فوق الذکر در انتخاب شریک زندگی کمک میکند خصوصاً دینداری زیرا ممکن است زیبایی و سرمایه به دلایل مختلف از بین رود و یا تلف شود اما دین و دینداری در همه حالات باقی می ماند و مرد دیندار اگر همسر خود را دوست هم نداشته باشد بلایش ظلم نمی کند و احترامش را بجا می آورد و زن متدینه مال و شرف و عزت شوهر را در حضور و غیاب او حفظ می نماید.

مرد باید در انسانیت ، دین ، اخلاق ، عفت ، ثقافت ، فرهنگ و عقل سلیم و جمال دختر توجه داشته باشد و به همین ترتیب دختر نیز به عناصر مهم در وجود یک جوان توجه داشته باشد. مطالعه و بررسی حسب و نسب معنی آن فکر طبقاتی و امتیازات مادی نیست و بهتر است دختر و پسر قبل از تفکر به درجه تعلیم ، ثروت ، وظیفه و سویه علمی که همه آنها در زندگی اهمیت فوق العاده دارد ، به منزلی که انسان مورد علاقه اش تربیت یافته توجه داشته باشد و حسب و نسب معنی آن تربیت و شرف یک خانواده است.⁴⁰ اختیار و انتخاب سالم بعد از مطالعه و دیدن و صحبت کردن و بحث

⁴⁰. دکتور محمد ذکی شافعی ، الأزومات الزوجية و علاجها ، صفحات 72-73 .

از اخلاق و روش اجتماعی و سویه ای علمی باشد و نباید عشق و عاشقی سبب شود که تمام مواصفات یک پسر و دختر نادیده گرفته شود.⁴¹

برای توضیح بیشتر از مطالب فوق و تقدیم معلومات بیشتر برای نوجوانان عزیز که قصد ازدواج دارند چند اصل مهم که در انتخاب شریک زندگی آنها را کمک می کند معرفی می شود:

اول: اصالت و معدن شخص: رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می فرمایند: «الناس معادن كمعادن الذهب و الفضة، خيارهم فی الجاهلیة خیارهم فی الإسلام إذا فقهوا». انسان ها معادن اند مانند معدن طلا و نقره، بهترین شان در جاهلیت بهترین شان در اسلام اند، اگر در امور دین دانش داشته باشند.

اگر به اطراف خود بدقت نظر اندازیم انسانها را مختلف می بینیم و کمتر اتفاق می افتد که دو شخص در تمام صفات فیزیکی و بیولوژیکی با هم مساوی باشند. با همان اندازه که اختلاف در شکل ظاهری است به همان اندازه در روش فکری و صفات باطنی اشخاص نیز تفاوتها وجود دارد. شکل ظاهری را میتوان سرعت تشخیص داد در حالیکه معرفت یافتن به دانش و روش فکری و صفات باطنی یعنی معدن شخص به مطالعه و دقت بیشتر احتیاج دارد. مطالعه باید در آغاز در صفات انسانی باشد باین معنی که دختر انسانیت مرد و مرد انسانیت دختر را اهمیت بیشتر بدهد و معیار انسانیت مقام اول را داشته باشد و اگر گروهی در معدن یعنی انسانیت با هم مساوی باشند از بین شان چنانکه رسول اکرم صلی الله علیه و سلم اشاره فرمودند دانشمندترین شان انتخاب شود.

دوم: دینداری: دین روش الهی و ربانی به هدف انسان سازی است. دین انسان را با اخلاق، با عفت، صادق، امین و در مجموع به درجات عالی انسانیت و سعادت ارتقاء میدهد و اگر دین با معدن و انسانیت یکجا شود انسان به کمال عالی از انسانیت رسیده و از ملائکه بلند ترمی شود. در عصر حاضر نفاق بیشتر شده لذا درک ایمانداری شخص کار آسان نیست و باید تجربه های زیاد صورت گیرد تا حقیقت دینداری در شخص ظاهر شود و نباید دختران و پسران جوان در ظاهر دینداری توجه داشته باشند و کوشش نمایند تا حقیقت دینداری را در وجود شخص تجربتاً کشف

⁴¹. محمود مهدی الاستانبولی، تحفة العروس، الرياض، ص 46.

نمایند. تجربتاً باین معنی که دختر در پوهنتون و ادارات کار متوجه باشد که شخص مورد نظرش در وقت نماز، نماز می خواند و در معامله با مردم حسن خلق دارد و در صحبت لهو و لعب نمی گوید و با همکاران در بد گوئی و غیبت شریک است یا نه. یا انسان مورد نظرش برای انجام کارهای مردم رشوت می خواهد؟ آیا مردم را به حمایت دولت فاسد و اشغال تشویق و دعوت می کند؟ این همه صفات دینداری است که ممکن است در نتیجه تجربه حاصل شود و بهمین ترتیب پسر می تواند دختر مورد نظرش را در امور دینداری مطالعه کند. حجاب برای زن مسلمان بسیار مهم است اما مرد باید به حجاب اخلاقی و باطنی دختر بیشتر توجه داشته باشد زیرا حجاب سر و ظاهری زمانی پایدار و متین است که با حجاب داخلی و ایمان قلبی یکجا باشد.

اسلام دختران و اولیاء امور را متوجه دینداری و اخلاق می نماید و اجازه نمی دهد که پدر و یا بزرگ خانواده دختر شانرا به انسان که دین ندارد و فاسق است به عقد نکاح در آورند. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می فرمایند: «من زوج کریمته من فاسق فقد قطع رحمها». کسیکه دختر خود را به فاسق به ازدواج می دهد رحم او را قطع میکند. امام ابن تیمیه می گوید: کسیکه اصرار به ادامه فسق دارد نباید برایش دختر داده شود. امام حسن بن علی در جواب سؤال مردی که دختر خود را میخواست به عقد در آورد گفت: او را به کسی به ازدواج در آور که با تقوی باشد، اگر دختر را دوست داشته باشد به او احترام می داشته باشد و اگر دوست نداشته باشد بلایش ظلم روا نمی دارد.⁴²

سوم: جمال و زیبایی: در حدیث صحیح رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در مورد جمال می فرمایند: «إن الله جمیل یحب الجمال»، خداوند جمیل است و جمال را دوست دارد، زیبایی و جمال نعمت الهی است و در انتخاب شریک زندگی ممکن نیست این اصل را نادیده گرفت. جمال و زیبایی از جمله صفاتی است که دختر و پسر در انتخاب به آن اهمیت فوق العاده میدهند و با اینکه زیبایی در جمله صفات ظاهری به حساب می آید اما اهمیت فوق العاده دارد. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم امر به دیدن می نمایند و مقصد و هدف از دیدن زیبایی و جمال ظاهری است و هر دیدن که به نیت انتخاب باشد شرعاً ممنوع نیست. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم «جویره بنت الحارث» را به

⁴². السید سابق، فقه السنة جلد دوم، ص 18.

خاطر زیبایی که داشت برای خود انتخاب کرد و با او ازدواج نمود. اما زیبایی و جمال یگانه دلیل برای انتخاب نباشد زیرا بعد از ازدواج زندگی حقیقی شروع و صفات دیگر نسبت به زیبایی مقدمتر می گردد.⁴³ زیبایی یک امر طبیعی و ظاهری است که قابل اهمیت میباشد و اسلام دینداری، امانت، صداقت را نیز در جمله زیبایی ها می آورد.

رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در مورد زن صالحه جمال و زیبایی را نیز ذکر می کنند و می فرمایند: «خیر النساء من إذا نظرت إلیها سرتک» تا آخر حدیث. بهترین زنان آن زن است که اگر بطرف اش نظر اندازی ترا مسرور سازد.⁴⁴

چهارم: معرفت بعد نفسانی و روانی: از کدام طریق و وسیله میتوان بعد روانی و نفسانی را مطالعه نمود. معرفت نفسانی و روانی از روش و کردار و رفتار اخلاقی شخص فهمیده میشود. صحبت کردن با شخص و سؤال کردن از تصرفات او از طریق دوستان و اقارب و همصنفان و همکاران انسان را کمک میکند. بعد نفسانی و روحی و روانی در زندگی زوجیت قابل ارزش است و باید در مورد آن بحث و تحقیق شود. در مطالعه و تحقیق بعد روانی و نفسانی باید خاطر نشان کرد که انسان به طبیعت بشری که دارد کامل نیست و این امور باید نسبی باشد.⁴⁵

پنجم: عشق و محبت: عده از جوانان به عشق و عاشقی نسبت به همه صفات دیگر اهمیت بیشتر میدهند و عشق برای شان کلید انتخاب شریک زندگی است. عشق و عاشقی در مرحله جوانی و بلوغ معنی دیگر دارد و عموماً با اشباع غریزه جنسی یکجا می باشد و بزودی به زوال میرسد. عشق حقیقی عموماً بعد از ازدواج و معاشرت به کمال میرسد و در ساحة زندگی زوجیت نمو می کند. عشق و عاشقی مانند نهالی است که بعد از ازدواج به ثمر می رسد و عقلانی و باساس مصلحت و منافع مشترک میباشد.

⁴³ . الزوج فی ظل الإسلام ، فصل : کیف تختار شریک الحیاة

<https://islamhouse.com/ar/books/387359> .

⁴⁴ . سید سابق ، فقه السنة ، جلد دوم ، ص 17.

⁴⁵ . الحیاة الزوجیة ، forum.z.com/f98.html

عشق و عاطفه و محبت از جمله امور قلبی است و نباید از وجود آن در قلب انسان انکار کرد و انسان به طبیعت بشری که دارد تسلط و حاکمیت را بالای قلب خود ندارد. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم که بهترین مخلوقات الهی بودند می گفتند ای خداوند آنچه مربوط به من است آنرا انجام میدهم و آنچه ارتباط به قلب دارد من بالای قلب خود تسلط ندارم. خداوند در پهلوی قلب انسان را عقل و درایت داده و عقل و درایت قلب انسان را رهنمائی می کند و انسان عاقل از تجربه های خود و دیگران می آموزد و تجربه های ناکام دیگران را تکرار نمی کند. علامه دکتور یوسف القرضاوی در مورد نقش عشق و عاشقی در انتخاب شریک زندگی جوانان را اینطور رهنمائی می کند:

مسأله عشق و عاطفه در این روزها زیاد شده است. درامه ها و قصه ها و فلمهای عاشقانه تأثیرات خود را بالای نسل جوان بجا گذاشته است و دختران به این امور توجه بیشتر پیدا کرده اند و من ترس دارم که دختران جوان زیر تأثیر عشق و محبت فریب خورند و جوانان از عاطفه و قلب پاک و خالی دختران استفاده ای نادرست کنند و با سخنان شیرین و عاشقانه داخل قلب پاک و خالی دختران شوند. متأسفانه تعداد از پسران هستند که برای لذت بردن از دروازه عشق با دختران رابطه می گیرند و در مجلس های خصوصی خود از اینکه تا حال با چند دختر ارتباط دارند صحبت می کنند.

نصیحتیم برای دختران این است که به کلمات عاشقانه زیاد توجه نداشته باشند و به نصیحت و رهنمائی پدران و خانواده های خود توجه بیشتر داشته باشند و به مجرد عشق و عاطفه داخل زندگی زوجیت نشوند و امور را به میزان عقل میزان و اندازه نمایند⁴⁶

تعداد از جوانان که اقدام به انتخاب شریک زندگی می کنند باین عقیده و باوراند که ازدواج یک عمل و تصمیم شخصی است و قانون ازدواج برای هر انسان این حق را داده است. درست و صحیح است که انتخاب شریک زندگی یک عمل شخصی و فردی است و این دختر و پسر هستند که بعد از انتخاب ازدواج میکنند و باهم زندگی را می سازند و همچنان این درست و صحیح است که اولیاء امور حق منع و مداخله را در

⁴⁶. الزواج و الحب، ویپ سایت علامه دکتور یوسف القرضاوی، شنبه 10 دسامبر 2011م.

انتخاب دختران و پسران خود ندارند اما اگر انتخاب تنها در نتیجه عشق رومانی باشد و با اساس حاکمیت عقل نباشد ممکن است نهایت آن خوب برای زن و شوهر و خانواده هر دو جانب تمام نشود پس در این حالت انتخاب و ازدواج یک امر شخصی نیست به دلیل اینکه انتخاب شریک زندگی و بعداً ازدواج برای ساختار جامعه است و اگر جامعه با اساس عشق و رومانیک بنا شود پایه های آن ثابت نمی باشد و بزودی در نتیجه یک زلزله و توفان سقوط می کند.

ششم: ثروت: ثروت و سرمایه مادی عنصر مهم در زندگی است و یکی از شرط های ازدواج قدرت شوهر در اداء مسئولیت های زندگی بقدرت استطاعت میباشد و در قانون ازدواج نفقه و به آنچه یک زن و خانواده ضرورت دارند از وظایف و مسئولیت های مالی مرد است. اما شرایط عصر حاضر این مفاهیم را تغییر داده و در حالت اوضاع اقتصادی معاصر اگر زنان با شوهران شان در مصارف زندگی کمک نکنند زندگی به مشکل پیش میرود.

متأسفانه ثروت و سرمایه در عصر حاضر مفهوم دیگر را بخود گرفته و اکثر مردم در انتخاب شریک زندگی به آن اهمیت می دهند. توجه داشتن به ثروت و سرمایه در انتخاب شریک زندگی عیب نیست اما باید بصورت منطقی و عادلانه باشد و دختر مسلمان نباید تمام توجه و اهتمام اش ثروت و سرمایه باشد زیرا ممکن است شخص مورد نظرش سرمایه و ثروت را از راه حرام جمع کرده باشد. دین اسلام دین وسط و اعتدال است و در مورد ثروت و سرمایه نیز جوانان ما به اعتدال و وسط بودن توجه داشته باشند.

ممکن است ثروت و سرمایه سبب انحراف اخلاقی و سرکشی مرد شود و برخی از مردان زنان و دختران خانواده های مشهور و ثروتمند را برمی گزینند، که این هم ممکن است سبب تکبر و خود خواهی همسر و همچنین زمینه ای برای نا موفق بودن ازدواج شود.⁴⁷ اما به هر حال ثروت و سرمایه بدست مرد مؤمن و زن مؤمنه از فضل خداوند است و ثروتمندی عیب و نقص نیست و دختران جوان حق دارند در این مورد فکر کنند و پسر جوان همچنین حق دارد به ثروت دختر تفکر کند، ثروت و سرمایه بی بی خدیجه رضی الله عنها بعد از ازدواج اش با رسول اکرم صلی الله علیه و سلم

47. دکتر وهبة زحیلی، فقه خانواده در جهان معاصر، ترجمه: عبدالعزیز سلیمی، ص 79.

مهمترین حمایت کننده برای دعوت اسلام شد و رسول اکرم صلی الله علیه می فرمودند که سرمایه و ثروت خدیجه برای دعوت من مفید تمام شد.

تحقیق و مطالعه و مشوره در مورد انسانی که مورد توجه واقع شده باشد در یک وقت و زمان ضرورت به مشوره و سؤال کردن از دیگران را نیز دارد و متأسفانه در جامعه افغانی عده معلومات صحیح و دقیق نسبت به شخص معین نمی دهند و در جوابات به سؤالات از افراط و تفریط کار می گیرند. پرس و پال و سؤال کردن در مورد یک انسان باید از اشخاص امین باشد و کسانی که پابند دین و دارای اخلاق عالی و امانتداری نیستند نباید از آنها در مورد شخص مورد نظر سؤال شود. امام الغزالی می گوید که از اخلاق و جمال دختر از مردم صادق که به ظاهر امر و باطن آن علم دارند و در جوابات خود از افراط و تفریط کار نمی گیرند پرسیده شود.

حدود دیدن :

در مورد دیدن و ملاقات کردن به نیت اختیار و انتخاب شریک زندگی نظریات متعدد و متفاوت در جامعه افغانی وجود دارد ، عده باین نظریه اند که دختر و پسر جوان حق دیدن و حرف زدن را با هم ندارند و این عمل از نظر شان غیر شرعی است و این گروه هیچ دلیل برای نظریه خود ندارند و عموماً زیر تأثیر فرهنگ میراثی اند.

در فقه ازدواج دیدن و ملاقات کردن بین دختر و پسر به نیت انتخاب شریک زندگی یک عمل و فعل قبول شده است و دختر و پسر حق دارد تا جمال و زیبایی یکدیگر را ببینند اما بشرطیکه به نیت شهوانی نباشد و به غرض انتخاب برای ازدواج باشد. در فرهنگ اسلامی دیدن و ملاقات کردن و حرف زدن مجاز است اما در حدود شرعی. دانشمندان و علمای اسلام در حدود شرعی دیدن با هم اختلاف نظر دارند نه در اصل دیدن و ملاقات کردن.

برای دیدن حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم روش مخصوص را معرفی کردند و جوانان مسلمان باید از آن پیروی کنند. حضرت عبدالله بن جابر رضی الله عنه روایت میکند که رسول اکرم صلی الله علیه فرمودند: «إِذَا خُطِبَ أَحَدُكُمْ الْمَرْأَةَ ، فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ يَنْظُرَ مِنْهَا إِلَى مَا يَدْعُو إِلَيْ نِكَاحِهَا فَلْيَفْعَلْ» . هر گاه به خواستگاری خانمی رفتید و توانستید به اندازه ای که سبب تصمیم به ازدواج با او بشود ، او را ببیند ، این کار را انجام دهد . جابر رضی الله عنه میگوید با دختری که نیت ازدواج داشتیم در حالی او

را دیدم که متوجه نبود. امام سید سابق در مورد سخنان جابر تبصره کرده و می نویسد: جابر در حالتی دختر را دید که او اطلاع نداشت و این دیدن بدون اجازه قبلی دختر صورت گرفته بود. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم جوانی که اراده داشت با دختری از مردم انصار «مردم مدینه منوره» ازدواج کند برایش گفت: «انظر إلیها فإن فی أعین الأنصار شیئاً» بطرف اش نظر انداز زیرا در چشم انصار چیزی است.⁴⁸ پیامبر صلی الله علیه وسلم جوان را متوجه چشمان دختر ساخت زیرا چشمان دختران انصار تنگ بود از این روایت استنباط می شود که در عصر رسالت جوانان حق داشتند تا چشمان دختران را ببینند و دختران این اجازه و حق را برای شان می دادند. از موسی بن عبدالله و او هم از ابو حمید روایت کرده که: رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرموده است: «هر گاه خواستید از خانمی خواستگاری نمایید، مانعی ندارد که او را ببیند و به او نگاه کنید، به شرطی که قصد ازدواج با او داشته باشید، هر چند خود او متوجه موضوع نباشد».⁴⁹

روایات زیاد در مورد دیدن و مطالعه برای انتخاب شریک زندگی است و همه دلیل برین است که قبل از ازدواج دیدن و مطالعه خصوصیت های طرفین برای ادامه زندگی با سعادت زوجیت حتمی و ضروری و مفید است.

در عصر حاضر دختران و پسران فرصت و چانس بیشتر را برای مطالعه و تصمیم گیری برای انتخاب شریک زندگی نسبت به گذشته دارند و باید از این فرصت و چانس استفاده در حدود قانون شود. دختران و پسران مرحله مطالعه و تحقیق را نباید مرحله خوشگزرانی و شهوت رانی بدانند بلکه با کمال ادب و حیاء و صراحت لهجه مطالعه و مناقشه نمایند و جوانان ما باید ایمان داشته باشند که تخطی از حدود شریعت گناه بزرگ است و نباید اسرار یکدیگر را نشر نمایند و در صورت عدم موافقه هر کدام یک دیگر خود را احترام داشته باشند.

دختران با اینکه قانون برای شان اجازه انتخاب شریک زندگی را میدهد و اولیای امور حق منع را در انتخاب شان ندارند اما بهتر و پسندیده است تا موضوع را از پدران و مادران خود پنهان نسازند و مشوره پدر و مادر بسیار مفید است. هر پدر و

48. سید سابق، مرجع سابق، ص 19.

49. دکتور وهبه زحیلی، فقه خانواده در جهان معاصر، ترجمه: عبدالعزیز سلیمی، ص 76.

مادر خوبی و سعادت را برای اولادهای شان می خواهند و حتی بدترین پدر سعادت دختر و پسر برایش از هر چیز دیگری با ارزش تر است. در جامعه افغانی مشکل در اینجا است که بزرگان در خانواده تصور و خیال دارند که دخترشان حق انتخاب را ندارد و این حق از پدر و بزرگ خانواده است و رسم و رواجهای نامناسب افغانی برای دختر عیب می بیند تا شریک زندگی خود را خودش انتخاب کند و با جوانی که می خواهد زندگی کند او را مورد مطالعه و تحقیق قرار دهد. در این قسمت لازم است تا در مورد نقش و صلاحیت های والدین در موضوع انتخاب شریک زندگی دختران و پسران شان نظر علمای اسلام آورده شود تا والدین و خصوصاً پدر و بزرگ خانواده حدود صلاحیت های خود را درک نمایند و از حدود آن تجاوز نکنند و همچنان دختران و پسران به نظریه و مشوره های بزرگان خانواده خصوصاً والدین احترام داشته باشند در غیر آن خانواده به بی نظمی مواجه شده و ارکان آن صدمه می بیند.

صلاحیت پدر در انتخاب شریک زندگی برای دخترش:

در جامعه افغانی و اکثر جوامع شرق اسلامی پدر و بزرگان خانواده نقش مهم را در انتخاب شریک زندگی برای دختر دارند و این نقش و رول باندازه بزرگ و مهم است که مسلمانان تصور و خیال کرده اند که اسلام این حق را به پدر و بزرگان خانواده داده است و دختر فاقد صلاحیت و اختیار برای انتخاب شریک زندگی خود است. در بعضی نقاط کشور پدر و مادر و بزرگان خانواده شریک زندگی پسر را نیز بدون رضایت اش انتخاب می کنند.

فقهاء و قانون گذاران در مورد حق پدر و بزرگان خانواده در انتخاب شریک زندگی برای دختر با هم اختلاف نظر دارند و سبب اختلاف بین شان اختلاف در آراء و نظریات امامان مذاهب است. علماء و فقهای مذهب شافعی و مالکی و یک تعداد از علمای مذهب حنبلی باین نظر اند که پدر حق دارد دختر جوان و باکره و رشید خود را بدون اجازه اش و حتی اگر مخالفت هم داشته باشد به نکاح شخصی در آورد و دلیل این گروه از علماء این است که پدر مصلحت و سعادت دخترش را نسبت به دیگران بهتر می داند.

این نظریات بدون شک در زمانیکه برای دختر مشکل بود تا شریک زندگی خود را قبلاً ببیند و شخص را که می خواهد به رضایت و آزادی انتخاب کند مفید و صحیح

بود و در آن شرایط پدر و یا برادر می توانست در مورد شخص مورد نظر مطالعه و تحقیق نماید. اما در عصر حاضر خصوصاً که جوامع شرق اسلامی کاملاً تفاوت نموده نظریات گذشته قابل تجدید است و قانون ساز باید در تدوین قانون شرایط عصر را مراعات کند و از بین نظریات آن نظریه را انتخاب نماید که در عصر حاضر قابل تطبیق و اجراء باشد. در نزد امام ابو حنیفه و فقهای مذهب حنفی انتخاب شریک زندگی از جانب دختر و به آزادی مطلق اصل قبول شده است و در این مذهب دختر بالغ و عاقل خودش مصلحت خود را بهتر از دیگران می داند و علمای معاصر در روشنی تغییرات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در تدوین قانون خانواده نظریه و آراء علمای حنفی را اعتبار میدهند و برای پدر و بزرگ خانواده حق انتخاب شریک زندگی را برای دختر جوان و عاقل نمی دهند و نقش بزرگان خانواده و پدر را فقط برای مشوره می پذیرند.

علامه دکتور یوسف القرضاوی در کتاب اش بنام «مرکز المرأة فی الحیاة الإسلامیة» در مورد حق پدر در انتخاب شریک زندگی برای دخترش می نویسد: تسلط و سلطه پدر بالای دختر فقط در تربیت و رعایت و تعلیم و ترغیب و تشویق او به نماز و اداء شعائر دین است. و وظیفه پدر است تا اطاق خواب دختر را از برادرانش بعد از سن ده سالگی جدا سازد و دختر را امر به مراعات حجاب و آداب اسلامی نماید و در این موارد بین دختر و پسر تفاوت نیست و پدر عین و وظیفه و مسئولیت را در مقابل پسرش نیز دارد.

نفقه و مصارف دختر بالای پدر واجب است و پدر این تسلط را ندارد که دختر خود را بیک مرد بفروشد زیرا دختر غلام نیست و اسلام این نوع معامله را باطل نموده است. اگر دختر از خود سرمایه و ثروت داشته باشد پدر حق تصرف آنرا ندارد و وظیفه پدر حمایت و رعایت سرمایه دخترش البته به اجازه او است. پدر حق ندارد دختر خود را به نکاح مردی عقد کند و در بدل او دختری یا خواهر آنمرد را به عقد خود درآورد و اسلام این روش را منع می کند.

پدر حق ندارد دختر جوان خود را بدون اجازه اش به عقد کسی آورد و دختر حق دارد انتخاب پدر را رد کند. از امام ابو حنیفه و اصحاب او روایت است که دختر حق دارد نکاح خود را عقد کند اگر اجازه و رضایت پدر نیز برای آن نباشد بشرطیکه شوهر کفو او باشد و امامان مذهب حنفی حدیث که اگر دختر بدون رضایت ولی اش نکاح

کند، نکاحش باطل است نمی گیرند و دلیل امامان مذهب حنفی آیات از قرآن کریم مانند: «فلا تعضلوهن أن ينكحن أزواجهن» (البقرة: 232) و «حتى تنكح زوجا غيره» (البقرة: 230) و قول خداوند: «فلا جناح عليكم فيما فعلن في أنفسهن بالمعروف» (البقرة: 234).

پس آنها را از نکاح شوهران شان منع نکنید. تا آنکه شوهر دیگر کند. پس از انقضای این مدت بر شما گناهی نیست در آنچه که ایشان راجع به نفس خود به وجه پسندیده (در حدود شرعی) تصمیم میگیرند. این آیات و آیات دیگر برای زنان و منع نکردن ایشان از نکاح است به خاطر اینکه نکاح حق خاص زن است و نکاح او صحت دارد یا صحیح است. امام ابو حنیفه در حالت عدم کفو برای اولیاء امور دختر حق اعتراض را میدهد.

وظیفه پدر است تا برای دخترش مرد صالح را انتخاب و کاندید کند تا دختر بعد از ازدواج با او به سعادت برسد. پدر نباید مانع انتخاب شریک زندگی دخترش شود در صورتیکه کفو او باشد. اسلام پدر را درس می دهد که دخترش قبل از هر چیز انسان است و یک انسان مانند خود را انتخاب میکند و دختر برای خرید و فروش نیست تا هر کس پول زیاد در بدل او بدهد می تواند او را بگیرد و بعض پدرها این خصوصیت را دارند.⁵⁰

بعد از مطالعه و انتخاب مرحله نامزدی رسماً اعلان می شود و دختر و پسر رسماً کاندید برای ازدواج می شوند و مرحله نامزدی کاندید شدن برای ازدواج است نه ازدواج. مرحله نامزدی، برای معرفت بیشتر بین دختر و پسر است و در این مرحله دو خانواده نیز با یکدیگر آشنائی و معرفت حاصل می کنند. نامزدی قوانین خاص بخود دارد که بصورت خلاصه در فصل بعدی در مورد آن بحث می شود.

⁵⁰ دکتر یوسف القرضاوی، سلطان الأب علی ابنته، ویب سایت القرضاوی، چهارشنبه 18 ربیع الأول 1428 هجری.

فصل سوم

نامزدی و قوانین آن

در صفحات گذشته در مورد انتخاب و مطالعه شریک زندگی قبل از نامزدی در حدود شریعت و در دائره ای اخلاق اسلامی به نیت انتخاب شریک زندگی صحبت داشتیم و ممکن است عدّه زیاد از دختران و پسران در دوران تحصیلات و کار در مورد شریک زندگی شان تصمیم و حتی فکر نکرده باشند لذا برای این گروه از جوانان نامزدی مرحله مطالعه و بررسی است و در این مرحله دختر و پسر فرصت بیشتر برای شناخت یکدیگر دارند و همچنان مرحله نامزدی برای خانواده ها نیز مرحله شناخت است. مرحله نامزدی در قانون ازدواج اسلامی قوانین منظم دارد و فقهاء و قانون گذاران برای این مرحله مواد قانونی را تدوین کرده اند و جامعه اسلامی از این قوانین پیروی می کند. در این فصل قوانین مرحله نامزدی و حدود شرعی رابطه بین دختر و پسر و همچنان انحلال نامزدی و نتایج آنرا به بحث می گیریم.

خواستگاری: از قدیم الزمان عادت برین بوده که پیش از ازدواج از طرف خانواده پسر به خواستگاری دختر می رفتند و این فرهنگ مورد تأیید شریعت اسلام است.

در ماده 143 قانون احوال شخصیه اهل تشیع افغانستان در مورد خواستگاری آمده: خواستگاری عبارت است از تقاضای ازدواج از سوی یکی از زن و مرد از دیگری. در ماده 146 این قانون آمده: نامزدی قرار داد جایزی است که به موجب آن زن و مردی توافق می کنند تا با هم ازدواج نمایند.

خواستگاری و پاسخ مثبت خانواده دختر و رضایت او، صرفاً یک وعده برای ازدواج است نه عقد شرعی. در کشور های اسلامی غیر افغانستان ولی دختر و پسر دست راست یکدیگر را گرفته سوره فاتحه را می خوانند و به همین ترتیب نامزدی اعلان می شود و اما در افغانستان وضعیت و عرف برای نامزدی چیز دیگری است و بعد از طلبگاری محفل بزرگ بنام شربینی خوری ترتیب می گردد و در آن محفل از موافقه

دختر و پسر و خانواده‌ها برای نامزدی دو جوان برای دوستان و اقارب اطلاع داده میشود.⁵¹

در فرهنگ معاصر اسلامی طلبگاری از جانب خانواده پسر صورت می‌گیرد در حالیکه در فرهنگ ازدواج عصر رسالت و خلافت راشد پسر و ولی دختر برای پسر و خانواده او پیشنهاد ازدواج با دختر شانرا می‌نمودند و جستجوی شوهر برای دختر برای اولیای امور مسئولیت اخلاقی بود و این روش عیب پنداشته نمی‌شد بطور مثال حضرت عمر برای حضرات ابوبکر و عثمان رضی الله عنهما پیشنهاد کرد تا با دخترش حفصه رضی الله عنها ازدواج کنند و هر دو صحابی این پیشنهاد را رد کردند و اما حضرت رسول اکرم صلی الله درخواست حضرت عمر را پذیرفت و همچنان چند خانم برای رسول اکرم صلی الله علیه پیشنهاد ازدواج کردند و در تاریخ ثابت است که بی بی خدیجه رضی الله عنها برای حضرت محمد صلی الله علیه وسلم پیشنهاد ازدواج داد.

در سورة القصص آیات 23 تا 28 ، قصه ازدواج حضرت موسی علیه و السلام را می‌خوانیم. حضرت شعیب علیه السلام برای حضرت موسی پیشنهاد می‌کند تا با یکی از دخترانش ازدواج کند و این پیشنهاد برایش عیب نبود. عبد الله بن اُبی وداعه می‌گوید: در مجلس سعید بن المسیب می‌نشستم ، چند روز مرا ندیدو زمانیکه به مجلس آمدم از غیابم پرسید ، جواب دادم مشغول دفن خانم بودم. پرسید آیا در مورد ازدواج فکر کردید؟ گفتم کی حاضر است به شخص مثل من که یک دینار ندارد دختر بدهد. فرمود من برایت دختر خود را می‌دهم.⁵²

ای کاش دختران مسلمان و جوان و خانواده‌های محترم افغانستان قادر شوند این سنت و روش عصر رسالت و قرنهای اول اسلامی را در جامعه ای افغانی احیاء و تجدید نمایند. متأسفانه این روش پسندیده از جامعه اسلامی نه تنها برداشته شد بلکه عیب پنداشته شد و پدران و برادران برای دختران و خواهران شان شریک زندگی را انتخاب نکردند و در نتیجه تعداد از دختران جوان بدون شوهر باقی ماندند و امید است مسلمانان معاصر برای احیاء این فرهنگ خوب توجه و آنرا تجدید کنند.

⁵¹. دکتر وهبة زحیلی ، فقه خانواده در جهان معاصر ، ترجمه: عبدالعزیز سلیمی ، ص 75.

⁵². محمد مهدی الإستانبولی ، تحفة العروس ، صفحات 73-74.

الخطبة: نامزدی در فرهنگ و قانون ازدواج اسلامی و در کتب فقه بنام «الخطبه» آمده.

معنی خطبه: خطبه به کسره ای (خ) باین معنی آمده که مرد از دختر درخواست ازدواج می نماید و نامزدی در فقه ازدواج اسلامی مشروعیت دارد و مرحله معرفت و شناسائی برای دختر و پسر میباشد.⁵³ خطبه باین اصطلاح نیز آمده: اظهار رغبت و خواهش برای ازدواج یک زن معین و رسانیدن این مطلب برای آن زن یا ولی او از طرف طلب کننده یعنی مرد و خانواده او و اگر زن و خانواده اش موافقت به نامزدی کردند نامزدی صورت می گیرد و در نتیجه قبول زن از طلب مرد مسائل قانونی بوجود می آید.⁵⁴

مشروعیت نامزدی: نامزدی مشروعیت دارد برای کسانی که اراده کامل به ازدواج داشته باشند و دلیل مشروعیت آن را دانشمندان آیه از سوره البقرة را می آورند که خداوند می فرماید: «ولا جناح علیکم فیما عرضتم به من خطبة النساء أو أکنتنم فی نفسکم علم الله أنکم ستذکرنهن و لکن لا تواعدوهن سراً إلا أن تقولوا قولاً معروفاً و لا تعزموا عقدة النکاح حتی یبلغ الکتاب أجله و اعلموا أن الله یعلم ما فی أنفسکم فاحذروه و اعلموا أن الله غفور رحیم» (البقرة: 235).

و باکی نیست بر شما که به خواستگاری آن زنان اشارت نمائید و یا نیت ازدواج با آنها را در دل پنهان دارید، خداوند دانا است که شما بزودی ایشان را یاد می کنید (نیت خود را اظهار میدارید) و لیکن با آنها وعده پنهانی نگذارید مگر سخنی که در چار چوب شرع (به رمز و اشاره) بگوئید، و عزم عقد نکاح نه نمائید تا آنکه میعاد (عده) بسررسد و بدانید که خداوند آنچه را در دل دارید میداند. پس از او بترسید و بدانید که خداوند آمرزنده بردبار است.

در سنت ثابت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم با بی بی عائشه رضی الله عنها و همچنان با بی بی حفصه نامزد شد.⁵⁵

⁵³. مختار الصحاح و المصباح المنیر مادة (خطب).

⁵⁴. الدكتور وهبة الزحیلی، الوجیز فی الفقه الإسلامی، الجزء الثالث، ص 17.

⁵⁵. البخاری (النکاح) 4793 و 4830.

شروط نامزدی : نامزدی دو شرط دارد:

- دختر برای پسر حلال باشد به معنی دیگر مانع شرعی برای نامزدی نباشد.
- دختر با شخص دیگر نامزد نباشد.⁵⁶

اگر موانع شرعی مؤقت و دائمی باشد و یا دختر با شخص دیگر نامزد باشد در این دو حالت نامزدی صورت نمی گیرد. و همچنان اگر طلبگاری در جریان باشد و طرفین به نتیجه نرسیده باشند طرف ثالث حق طلبگاری را ندارد و حرمت دارد که مرد نامزد مرد دیگر را طلبگاری کند و با او نامزد شود و این عمل اعتداء بحق دیگران است.⁵⁷ فقهاء با دو مواد فوق چند مواد دیگر را نیز اضافه می کنند:

- خانمی که شوهرش وفات کرده باشد تا ختم مدت عدت که چهار ماه و ده روز است نباید طلبگاری و نامزدی صورت گیرد.
- خانمی که طلاق شده باشد ، تا عدت طلاق تکمیل نشود نباید طلبگاری و نامزدی صورت گیرد.

حکمت از نامزدی : حکمت از نامزدی تحقق معرفت بین مرد و زن است تا بین طرفین آرامش معنوی و روحی و نفسانی جهت تحمل مسئولیت و امانت بوجود آید. نامزدی اهمیت بزرگ را برای کسانی که نیت به ازدواج دارند دارد و این مرحله در حیات زوجیت فوق العاده مهم و اساسی است و لازم است تا دختر و پسر اهمیت آنرا درک نمایند و از این مرحله استفاده مفید در حدود شریعت نمایند. مهمترین حکمت نامزدی را میتوان اینطور خلاصه کرد:

اول: دختر و خانواده اش به وقت اضافی ضرورت دارند تا سؤالات شانرا را برای نامزد (مرد) مطرح کنند.

دوم: کسب معلومات از اخلاق ، دینداری و رسیدن به اینکه آیا پسر لیاقت دختر را دارد ؟

⁵⁶ . الدكتور أحمد الحجي الكردی ، شبكة الفتاوى الشرعية ، www.islamic

fatwa.com/library/book/8/152.

⁵⁷ . السيد سابق ، مرجع سابق ، ص 23.

سوم: پسر وقت کافی می داشته باشد تا از روش فکری و اخلاق و دینداری دختر معلومات بیشتر بدست آورد.

چهارم: نامزدی مقدمه برای ازدواج است در این مرحله دختر و پسر و خانواده ها وقت کافی برای آمادگی گرفتن محفل عروسی میداشته باشند.⁵⁸

اجراءات قانونی نامزدی : عموماً نامزدی بدون مراسم رسمی انجام می یابد و در کشور های اسلامی رسم و رواج است که ولی دختر و پسر دست یکدیگر را فشرده سوره فاتحه را می خوانند و این عمل معنی قبولی طرفین به نامزدی است این نوع نامزدی اجراءات و آثار قانونی ندارد. در افغانستان نامزدی در جمع از حاضرین صورت می گیرد و خانواده های افغانی برای احتیاط لازم ایجاب و قبول را که از ارکان ازدواج است انجام می دهند و در این حالت نامزدی به عقد میرسد و در نتیجه آن آثار و نتایج قانونی بوجود می آید که دختر و پسر مسئولیت های قانونی را در صورت فسخ نامزدی متحمل می شوند که در مورد آن بحث خواهیم کرد.⁵⁹ در اکثر خانواده ها در خارج و داخل افغانستان ایجاب و قبول در نامزدی به دلیل برداشتن موانع شرعی بین دختر و پسر صورت می گیرد و فقط مهر تعیین نمی شود و این عمل اگر چه به نیت خیر است اما یک مرحله مهم که برای شناخت بیشتر برای دختر و پسر و خانواده ها است از بین برداشته میشود و در صورت عدم استمرار و بوجود آمدن مشکلات و عدم موافقه برای ازدواج مشکلات قانونی را بجا می آورد که حل آن ساده و آسان نیست و بهتر است مرحله نامزدی را حفظ کرد و ایجاب و قبول را در صورت موافقه نهائی برای ازدواج گذاشت.

خطر بی تفاوتی و عدم احترام حدود شریعت در مرحله نامزدی : در جامعه افغانی اکثر خانواده ها احتیاط کافی ندارند و نمی دانند که نامزدی تنها وعده برای ازدواج است نه ازدواج و تصور دارند که نامزدی حتماً به ازدواج خاتمه می یابد و دختر افغان برای اینکه نامزد خود را داشته باشد و از دست ندهد به خواهشات او تسلیم می شود.

mawdoo3.com.⁵⁸

w ww.startimes.com/?t=24001233..⁵⁹

در محفل شربینی خوری که اعلان از نامزدی است خانواده ها مصارف گزاف می نمایند و بعد از آن دختر و پسر بدون حدود با هم رابطه می داشته باشند.

نامزدی در قانون اسلامی وعده برای ازدواج است و در حالت فسخ آن مسأله قانونی نیست و مصارف انگفت در صورت فسخ نامزدی خساره مالی و اقتصادی برای خانواده دختر میباشد و اگر دختر تصمیم به فسخ نامزدی می گیرد تعویض از خساره کرده نمی تواند. در فرهنگ افغانی در نتیجه فسخ نامزدی زیادترین خساره متوجه دختر است لذا دختران جوان باید توجه بیشتر داشته باشند و در مرحله نامزدی از احتیاط بیشتر کار گیرند و کاری را انجام ندهند که علاج آن قیمت تمام شود.

مهمترین موضوع در مرحله نامزدی برای دختر و پسر این است که آداب اسلامی را مراعات نمایند و از حدود شریعت تجاوز نکنند و از مسأله جنسی دوری نمایند زیرا ممکن است نامزدی به ازدواج نرسد و بهتر است از این مرحله برای مطالعه و فهم بیشتر از یکدیگر استفاده شود و در مورد زندگی بعد از عقد ازدواج صحبت شود.

بحث و مناقشه آزاد برای آینده زوجیت: مرحله نامزدی از مراحل بسیار شربین و لذت بخش در زندگی زوجیت است اما متأسفانه دختران شرقی در این مرحله خجالت می کشند تا آزادانه با نامزد شان بحث و گفتگو در مورد آینده نمایند و دختر شرقی مهمترین موضوع برایش حفظ نامزد است و می ترسد که او را از دست ندهد و خیال می نماید که بحث روی موضوعات قبل از نکاح سبب کدورت بین طرفین می شود و این موارد را برای بعد از عقد نکاح می گذارد و موضوعات مهم حیاتی را با شریک زندگی خود در میان نمی گذارد در حالیکه مناقشه و بحث روی موضوعات مهم حیاتی برای ادامه ای زندگی زوجیت اهمیت فوق العاده دارد و بهترین وقت آن مرحله نامزدی است و اگر در موضوعات خانوادگی کدام مشکل باشد بهتر است در این مرحله حل و فصل شود و طرفین بیک اتفاق برسند.

دکتوره (Jane Gree) در این مورد کتاب بسیار مفید را به طبع رسانده است که مطالعه آن برای نامزدان بسیار مفید است. او سه مورد را برای مناقشه در مرحله نامزدی بین جوانان مفید و حتمی می داند و توصیه می کند که بهتر است این موضوعات حتی قبل از نامزدی بحث شود و نباید بحث موضوعات مهم در زندگی زوجیت به شکل رومانسی و عاشقانه انجام یابد بلکه باید بصورت جدی و با صراحت

بحث صورت گیرد. موضوعاتی که دکتوره «جین گری» برای بحث و مناقشه در مرحله نامزدی مطرح می کند عبارت اند از:

1. به یاد داشته باشید اگر نظریات و آراء شما (دختر و پسر) در مورد آینده تفاوت زیاد داشت و توافق بین شما نبود و در جریان بحث و مناقشه معلوم شد که یکطرف به نظریه و رأی خود و تطبیق عملی آن در آینده اصرار دارد و یا آماده تغییر در روش زندگی در روشنی واقعات و حوادث زندگی است ، در حالت دوم امید واری به خیر است و باین علامه خوب باید بیشتر توجه داشت زیرا انسانی که رأی و نظریه اش قابل مناقشه نباشد و حاضر به قبول رأی و نظریه طرف مقابل با اینکه صحیح و مفید و مثبت هم باشد نباشد در این حالت ادامه زندگی مشکل می باشد و بهتر است قبل از دخول و عقد نکاح در مورد زندگی زوجیت تصمیم گرفته شود.
2. در مورد طفل و تربیت او باید مناقشه شود. در موضوع حمل و منع حمل و تعداد اولاد که می خواهند باید تصمیم گرفته شود. بطور مثال اگر مرد از زن بخواهد عقیم شود به دلیل اینکه نمی خواهد اولاد داشته باشد و اولاد را تربیت کند این موضوع یعنی حمل و عدم حمل در زندگی خانواده بسیار مهم است و باید در مرحله نامزدی و قبل از نکاح در مورد آن بحث آزادانه صورت گیرد و حل وسط و مناسب انتخاب شود و طرفین به حل مناسب و معتدل و وسط احترام داشته باشند.
3. در مورد انتخاب زندگی ، آیا دختر با خانواده شوهر زندگی مشترک می داشته باشد ، در کدام شهر زندگی می نمایند ، آیا در اپارتمان کرائی و یا خانه شخصی زندگی می نمایند و هم در مورد وسائل خانه و تهیه آن بحث صورت گیرد و این امور نباید برای بعد از عقد نکاح گذاشته شود و نباید به این عقیده بود که این همه موضوعات بعد از ازدواج حل و فصل می شود.⁶⁰ میتوان نقطه چهارم را با پیشنهادات دکتوره جین اضافه نمود.
4. در مسائل مهم اقتصادی باید نامزدان بصراحت بحث نمایند و به سؤالات مربوط به حیات اقتصادی جواب بدهند مثلاً: آیا شوهر برای خانم خود اجازه

⁶⁰ Jane Greer " What about Me? Stop Sifishness from Ruining Four Relationship" ,

ای کار کردن را می دهد؟ آیا شوهر به تنهایی قادر به حل مشکلات اقتصادی و تحمل مسئولیت زندگی است؟ آیا زن آماده است تا از سرمایه شخصی خود در زندگی با شوهر کمک کند؟ آیا در مصارف زندگی هر دو مشترکاً سهیم می باشند؟ مقدار مهر باید مناقشه شود و طرفین به مقدار مهر بیک نتیجه برسند و بهمین ترتیب مطرح کردن ده ها سؤال مربوط به مسائل اقتصادی و مالی در مرحله نامزدی و رسیدن به موافقه به امور مالی و اجتماعی قبل از عقد نکاح.

معاینات طبی :

در افغانستان و سائر کشور های شرقی معاینه طبی و لابرتواری قبل از ازدواج با ارزش و قابل اهمیت نیست و جوانان و خانواده ها به این موضوع اهتمام ندارند و مسلمانان تصور و خیال میکنند که اسلام این موضوع حیاتی را نادیده گرفته است. معاینات طبی خصوصاً آنچه به مسائل جنسی و امراض قابل انتشار و آینده طفل ارتباط دارد نه تنها مفید بلکه از ضروریات دین و زندگی میباشد.

احادیث زیاد روایت شده که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرار از مرض و دوری از مناطق که در آنجا مریضی ساری است امر نموده اند. در گذشته خصوصاً در صدر اول اسلامی وسائل معاینات طبی نبود و اگر می بود رسول اکرم صلی الله علیه و سلم مسلمانان را امر به اجراءات طبی می کردند و امر شدن به دوری از مناطق که در آنجا امراض ساری است و دور بودن از اشخاصیکه مریض اند معنی آن مراقبت حفظ الصحه است و می توان از ارشادات نبوی در عصر حاضر استفاده علمی کرد و از ارشادات رسول اکرم صلی الله در مورد معاینه طبی برای ازدواج قیاس نمود.

معاینه مرض شکر ، کلسترول ، مجرای بول و جهاز تناسلی برای حفظ و حمایت و وقایت زن و شوهر و آینده اطفال بسیار مهم است. نتیجه معاینات صحی مانع ازدواج نمی شود زیرا بسیاری از مریضی ها است که قابل علاج میباشد و بهتر است در مرحله نامزدی و قبل از ازدواج در فکر معالجه آن شد و بعد از صحت یافتن عقد صورت گیرد.⁶¹

فقهاء و دانشمندان فکر اسلامی این دو حدیث شریف را اصل اول برای معاینات طبی قبل از ازدواج می‌دانند: «فر من المجذوم فرارک من الأسد» و «لایوردن ممرض علی مصحح». فرارات از مجذوم یعنی مرض جذام مثل فرارات از شیر باشد و مریض را با صحتمند یکجا نگذارید.

از نظر دانشمندان و فقهاء این دو حدیث صحیح هوشدار دادن از نزدیک نشدن به مرض و مریض است. حکومت‌های معاصر خصوصاً در غرب معاینات طبی را قبل از ازدواج حتمی می‌دانند و برای این منظور قوانین وضع کرده‌اند در حالیکه اسلام و مسلمانان قرن‌ها قبل متوجه این امر مهم در زندگی زوجیت بودند. متأسفانه از معاینات طبی داکتران و نامزدان فرار می‌کنند و عدم توجه به معاینات طبی و صحی نتایج منفی را در صحت طفل و رابطه جنسی بعد از ازدواج بجا می‌گذارد و از واجبات دینی است که زن و یا مرد مریض اقدام به ازدواج ننماید مگر بعد از تأکد یافتن به صحتمندی و رفع مرض.

دکتور وجیه‌زین العابدین در تحقیق‌اش بنام «الإسلام و التریبۃ الجنسیة» می‌نویسد: از احادیث مبارک استنباط می‌شود که ضرر رساندن و ضرر قبول کردن صحیح نیست و چون مریضی زن سبب ضرر به مرد و مریضی مرد سبب اذیت و ضرر به زن است لذا معاینات طبی قبل از ازدواج یک امر ضروری و از تعلیمات اسلام است. قدرت جنسی نزد مرد و صحت بودن زن برای بار آوردن از جمله امور مهم در زندگی زوجیت است.⁶²

بعض معاینات حتمی و ضروری می‌باشد مثلاً معاینات خون و در خون چند احتمال موجود است :

احتمال اول: ممکن گروپ خون زن و مرد مثبت باشد.

احتمال دوم: ممکن است گروپ خون مرد و زن منفی باشد.

احتمال سوم: ممکن گروپ خون مرد مثبت و از زن منفی باشد.

و در بین این احتمالات ممکن است گروپ خون هر دو با هم یکی باشد.

احتمال چهارم: اگر گروپ خون زن منفی و از مرد مثبت باشد، در این حالت عدم توافق بین گروپ خون هر دو می باشد و خوشبختانه این نوع بسیار نادر و کمیاب است و اگر نتیجه احتمال چهارم در بین باشد آثار منفی آن در طفل اول کمتر و در طفل دوم و سوم بیشتر مشاهده می شود.

معاینه آب مرد و تخم - مبیض - زن در زندگی زوجیت و حمل و عدم حمل کمک می کند و اگر مقدار فیصدی در آب مرد کم باشد قابل تشویش نیست و امروز برای رفع آن دواء و علاج طبی متوفر است و بهتر است قبل از ازدواج این مشکلات کشف و علاج شود. معاینه پروستات ضروری است زیرا مشکل پروستات سبب التهاب در رحم زن می شود.⁶³

معاینات مرض ایدز، شش و مریضی های که ساری است از جمله ضرورت های زندگی است و نباید نامزدان از اجرای معاینات ترس داشته باشند زیرا کشف مریضی قبل از ازدواج سبب علاج گردیده و خطر انتشار مرض از بین می رود و سلامت زن و شوهر حفظ می شود.

گروهی در افغانستان دعوت به کشف بکارت زن قبل از ازدواج می کنند و برای این منظور و هدف تا حال چهل کلینیک ساخته شده است. فقدان بکارت عوامل مختلف و متعدد دارد و تنها عامل آن جماع نیست و ممکن به سبب از اسباب دختر بکارت را از دست بدهد و در بسا حالات در هنگام ولادت دختر غیر باکره تولد می شود و فقدان بکارت معنی عدم شرف و عزت دختر نیست. موضوع بکارت در جامعه افغانی حساسیت و اهمیت فوق العاده دارد و در نتیجه آن تعداد زیادی از دختران جوان قربانی این روش شده اند و هر روز ما شاهد قربانی های بیشتر هستیم. برای توضیح بیشتر این مسأله نظر و رأی دانشمندان بزرگ اسلامی را می آوریم.

نظر مجمع فقهاء شریعت در امریکا

آیا شوهر حق دارد از شریک زندگی خود راجع به رابطه اش با دیگران قبل از ازدواج سؤال کند؟ آیا زن نسبت به رابطه اش با دیگران قبل از ازدواج می تواند سکوت کند

⁶³ محمود مهدی الإستانبولی، همان مرجع، نقل از «مجلة طبيبك الخاص»، صفحات 54-55 و همچنان دیده شود: البهی الخولی، المرأة بین البيت و المجتمع.

و حتی راست نگوید؟ آیا شوهر حق دارد از زندگی خصوصی زن قبل از ازدواج سؤال کند؟

اصل در آن است آنچه از اعمال زشت و بد صورت گرفته باشد، باید ستر شود یعنی در مورد آن حرف زده نشود. شوهر نباید راجع به زندگی خصوصی زن قبل از ازدواج سؤالات کند و اگر هم سؤال کند برای زن مانع نیست که انکار کند و حقیقت را نگوید و این نوع دروغ بنام دروغ مندوب یاد می شود. از خداوند ستر و توبه را برای همه می خواهیم.

فقدان باکره و ازدواج

سؤال: در سن قبل از بلوغ یعنی قبل از جوانی شخصی به شرفم تجاوز کرد و بخداوند قسم که بعد از سن بلوغ به عمل فحشات نزدیک نشده ام و از خجالت این موضوع را به والدین خود حکایت نکردم و اما جوانی به خواستگاری من آمده، آیا موضوع را برایش حکایت کنم یا پنهان داشته باشم؟

نظر و رأی ما این است که والدین خود را از موضوع با خبر سازید تا مشترکاً با شما راه حل را جستجو نمایند و بعد از آن نزد داکتر متخصص رفته و در مورد باکره بودن خود مشوره نمایید و اجازه بدهید تا شما را معاینه کند و اگر بعد از معاینه معلوم شد که مشکل در میان نیست لازم نیست در این مورد با نامزد خود حرف بزنید و اگر داکتر گفت که مشکلی است در این صورت می توانید معالجه کنید و بصفت یک دختر باکره و عقیفه ازدواج نماید.⁶⁴

سؤال: دختری که بکارت او در نتیجه فشار ذایل شده باشد و قبل از ازدواج یعنی در مرحله نامزدی این مشکل را با خواستگار خود در میان گذاشته باشد و او وضعیت را قبول کرده باشد و ضمناً عده شهادت داده باشند که دختر باکره است در این صورت آیا عقد صحیح است؟

پاسخ: وقتی که شهادت داده اند که دختر قبلاً ازدواج نکرده، این امر فریب برای شوهر نیست به دلیل اینکه شوهر از حالت و وضعیت او قبلاً با خبر است. مناسب است که (باید که) از دختر مذکور با ادب استنطاق شود. علماء در این امر با یکدیگر اختلاف

⁶⁴. فضل غنی مجددی، بحث های دینی و فتوای های فقهی، جلد اول، طبع چهارم، امریکا، ص 398.

دارند که: آیا اجازه خواستن از او در صورتیکه بکارت وی به زنا ذایل شده خاموش است و یا نطق بکند. اول مذهب امام شافعی و امام احمد است و به همین ترتیب است یاران امام ابوحنیفه و در نزد امام ابوحنیفه و مالک اجازه خواستن وی همان خاموشی وی است درست مانند زنی که بکارت وی ذیل نشده باشد.⁶⁵

خواهری که در یکی از کشورهای عربی زندگانی داشت با من تماس تلفونی گرفت و مشکل خود را اینطور مطرح ساخت: در مرحله طفولیت و نرسیدن به سن بلوغ یکی از اقاربم در پشاور با من نزدیک شد و من این قضیه را تا حال از خانواده ام کتمان کرده ام. در این روزها جوانی از اقارب ما برای خواستگاری من آمده و پدرم اصرار دارد که با او ازدواج کنم. در خانواده ما رواج است که اگر دختر باکره نباشد به قتل میرسد. من چه باید کنم؟

با اینکه دختر جوان را نمی شناختم و تا امروز نیز او را نمی شناسم اما مسئولیت خود می دانستم که برایش کمک نمائیم. با خانم داکتر متخصص امراض نسائی تماس گرفتم و برای دختر موعد گرفتم و دختر را نزد او فرستادم و در جریان معاینات تلفونی بین دختر و داکتر ترجمه کردم. در نهایت داکتر خانم اطمینان داد که دختر می تواند ازدواج کند و ضرورت ندارد تا موضوعی که از آن چندین سال گذشته حکایت کند و دختر با نام نیک عروسی کرد. این بهترین تجربه در زندگی من است و از آن بسیار راضی هستم و امید دارم تا مؤسسات اسلامی و انجمن های اجتماعی افغانی از این تجربه استفاده کنند.

مهمترین درس در این موضوع عبارت است از:

1. ادب در معامله نمودن با دختران (یعنی دخترانیکه باکره نیستند با ایشان با ادب رفتار شود).
2. عزت و حرمت زن باید حفظ شود به عبارت دیگر کرامت زنان باید در این مسائل احترام و حفظ شود.
3. در مورد عدم بکارت نباید از زنان خارج از دایره ادب سؤالات شود و خاموشی زن در این مسأله دلالت برین دارد که مانند دختر باکره است.

⁶⁵ ابن تیمیه، مجلد 32، کتاب نکاح، ص 42. این مورد را استاد سمندر غوریانی برای مجله فقه اسلامی ترجمه نمود اند و نخواستیم در نص تغییر بیاوریم.

4. عدم باکره بودن نباید زنا شمرده شود زیرا زنا قانون و مجازات واضح در فقه اسلامی دارد.
5. کلینیک های کشف بکارت فقط در حالات تجاوز جنسی و مسائل جنائی است و در حالات عادی و بدون رضایت زن دولت حق کشف طبی را برای اثبات بکارت را ندارد.
6. مردان با ایمان باید مشکل زنان را حفظ کنند و نباید اسرار زندگی یک دختر نشر شود.
7. زنان نباید از روابط شوهران شان با زنان دیگر که قبل از ازدواج بود سؤال نمایند به دلیل اینکه هر انسان (مرد ، زن) خطاً می کند و خطاً کاری در طبیعت انسان است و به همین خاطر رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می فرماید: هر اولاد آدم خطاً می کند و بهترین خطاً کنندگان توبه کنندگان اند.

قوانین مرحله نامزدی :

مرحله نامزدی ، یک مرحله بی قید و شرط نیست و در این مرحله نامزدان در داخل حدود قانون زندگی میداشته باشند به دلیل اینکه نامزدی ازدواج و عقد نیست بلکه نامزدی وعده برای ازدواج است. عده باین عقیده اند که انسان مؤمن به وعده خود عمل میکند و وعده خلافی نمونه از نفاق است. این صحیح است که مسلمان به وعده ای که میدهد عمل میکند اما وعده برای ازدواج در مرحله نامزدی از این قبیل وعده ها نیست بلکه مشروط به شروط میباشد. در این قسمت قوانین نامزدی را به بررسی می گیریم تا جوانان عزیز و خانواده ها به مواد آن آشنائی بیشتر داشته باشند. قابل تذکر است که تنها قانون و تدوین آن جامعه اصلاح را نمی سازد بلکه تربیه ایمانی است که افراد جامعه را تابع قانون می کند و برای تطبیق قانون خصوصاً قانون ازدواج تربیه و دانش اسلامی و ایمانداری و تقوی لازم است. حضرت بی بی عائشه رضی الله عنها در مورد قوانین اسلامی خصوصاً قوانین جزاء که در قرآن کریم آمده می گوید که اگر قوانین حرام و حلال و جزاء قبل از تربیه ایمانی نازل می شد هیچیک از مردم مکه به اسلام ایمان نمی آوردند. بلی این صحیح است و باید اولاً جامعه با ایمان را ساخت و بعداً قانون را تطبیق کرد.

در قانون خانواده و در فقه اسلامی اصل اول از اصول نامزدی این است:

ماده ای دوم:

الف: نامزدی وعده برای ازدواج است ، خواندن سوره فاتحه ، گرفتن مهر و قبول هدیه ازدواج نیست.

ب: نامزدان هر کدام به تنهایی حق گذاشتن از نامزدی را دارند.

(توضیحات) : این ماده یعنی ماده دوم می گوید که نامزدی خواهش و طلب ازدواج است نه ازدواج لذا در نامزدی احکام ازدواج تطبیق نمی شود و یکی از طریفین حق دارد از نامزدی عدول یعنی صرف نظر نماید.

در قانون ازدواج برای عدول نامزدی جزاء نیست به دلیل اینکه نامزدی ازدواج نیست. اما مهم در نامزدی این است که نامزدان برای یکدیگر خود محرم شرعی نیستند و باید در این مرحله حدود شریعت احترام شود.

امام حسنین مخلوف مفتی سابق مصر در مورد نامزدی و نتایج آن می نویسد: نامزدی عقد ازدواج نیست تقدیم مهر و هدیه و چوری و چله در وقت نامزدی دلیل بر ازدواج نیست. ازدواج به ایجاب و قبول و به شروط شرعی صورت می گیرد و در مرحله نامزدی هر دو نامزد حق مساوی را در الغای نامزدی دارند. امام مخلوف ادامه داده می نویسد: دختر و پسر در این مرحله محرم شرعی برای یکدیگر نیستند لذا نباید خلوت کنند و آنچه را نکاح مباح می سازد نامزدی مباح نمی کند و مسلمانان باید حدود خداوند را حفظ کنند و از آن تجاوز ننمایند.⁶⁶

گفته شد که نامزدی وعده برای ازدواج و مرحله شناخت و معرفت برای دختر و پسر است به عبارت دیگر مرحله تحقیق و بحث و مناقشه در امور زندگی بین طرفین میباشد و به این ترتیب نامزدی به دو نتیجه خاتمه می یابد:

عدول یا صرف نظر کردن از نامزدی و یا ازدواج و بستن عقد. عدول از نامزدی و ازدواج هر کدام برای خود قوانین خاص دارند.

اول عدول و نتیجه آن.

ماده ای سوم:

⁶⁶. حسنین محمد مخلوف ، فتاوی شرعیة بحوث اسلامیة ، صفحات 55 - 56 .

الف: اگر یکی از طرفین اراده به عدم ادامه ای نامزدی بکند و اگر دختر مهر را گرفته باشد لازم است مسترد کند و اگر مهر نقد نبود قیمت آن به اساس قیمت وقت گرفتن آن مسترد می شود.

ب: اگر دختر در وقت نامزدی به مقدار ارزش مهر خود سامان منزل شرط گذاشته باشد و مرد نامزدی را فسخ کند در این حالت دختر بین اعادت مهر و یا تسلیم قیمت فرش را در وقت خریداری آن دارد.

(توضیحات): اگر یکی از طرفین از نامزدی صرف نظر کند دختر اگر مهر را دریافت کرده باشد باید به پسر مسترد کند زیرا مهر به خاطر ازدواج داده شده بود و ازدواج صورت نگرفت.

ماده ای چهارم:

الف: اگر پسر از نامزدی صرف نظر کند، حق مطالبه اهدایاء را که برای نامزد خود داده ندارد.

ب: اگر دختر نامزدی را فسخ کند، لازم است هدیه ها را اگر تلف نشده باشد و بصورت حقیقی و اولی خود باقی مانده باشد برای پسر مسترد کند و اگر تلف شده باشد قیمت آنرا به اساس قیمت که در وقت خریداری آن بود بپردازد.⁶⁷

مرحوم شیخ عبدالحمید کشک در کتاب خود بنام «بناء الأسرة المسلمة» می نویسد: در مرحله نامزدی دختر و پسر محرم یکدیگر نیستند و نامزدی به اظهار یک جمله و نطق به یک کلمه به پایان میرسد. الغاء و عدول از نامزدی مسأله قانونی نیست یعنی قانون بر آن حاکمیت ندارد بلکه یک امر اخلاقی است و در روشنی اخلاق نباید در حالت عادی و بدون دلیل قوی نامزدی ملغی شود.⁶⁸

عدول از نامزدی در دائره اخلاق بحث می شود و یک موضوع اخلاقی میباشد که توسط اخلاق و روش و سلوک اخلاقی کنترل می شود نه در دائره قانون وضعی و برای عدول از نامزدی باید دلیل قوی نزد طرفین یا یکطرف باشد و هر دو طرف در عدول از نامزدی حق مساوی را دارند و در عدول نامزدی مثلیکه طلاق بعد از عقد

67. مشروع قانون الاحوال الشخصية الموحد، صفحات 47-48.

68. فضل غنی مجددی، خانواده در اسلام، طبع دوم، امریکا، 2002 م صفحات 29-30.

نکاح است مسأله قانون و محکمه در میان نیست و عدول نامزدی عیب برای دختر و پسر نمی باشد.

در جامعه ای افغانی الغا و عدول از نامزدی عیب بزرگ است و دختر صدمه بیشتر را می بیند. یکی از علت های شرم در آن است که در روش و رسم و رواج های افغانی دختر و پسر در مرحله نامزدی آزادی های بیشتر را میداشته باشند و ب فکر بعد از مرحله نامزدی نمی باشند و اگر پسر و دختر حدود شریعت را در این مرحله حفظ کنند الغای نامزدی عیب و شرم برای دختر و پسر نمی باشد و امید است خانواده های افغانستان عدول از نامزدی را به لکه بد نامی برای دختر و پسر حساب نکنند زیرا نامزدی مرحله شناسائی و مطالعه برای انتخاب شریک زندگی است. عده الغای نامزدی را به دلیل اینکه مخالف به وعده است رد می کنند، اما در قانون ازدواج نامزدی عقد ملزم یعنی لازمی و قابل اجراء نیست و به این نوع وعده و جایب و حقوق برای طرفین واجب نمی گردد و در نتیجه عدول از نامزدی هیچ طرف محکوم شناخته نشده و عقوبت مالی و معنوی در میان نیست.

الغای نامزدی و نتایج قانونی آن :

عرف و رواج است که در شب نامزدی خانواده پسر هدیه های قیمتی و جواهرات با ارزش را برای دختر میدهند و در بعض مناطق مهر نیز در وقت نامزدی تقدیم میشود. در قانون ازدواج و کتب فقه آمده که اگر دختر نامزدی را فسخ میکند باید هدیه ها را به خانواده پسر مسترد کند به دلیل اینکه دادن هدیه در شب نامزدی به هدف ازدواج است که در حالت عدول از نامزدی ازدواج تحقق نمی یابد.

هدیه دو نوع است: الف- هدیه ای نقدی. ب: هدیه ای جنسی.

هدیه نقدی عموماً در وقت فرستادن ظرف که در آن شربینی بود برای خانواده دختر فرستاده می شود. اهدای دیگر که عبارت از جواهرات است مانند پول نقد می باشد. این نوع هدیه ها باید در صورت الغای نامزدی برای خانواده ای پسر مسترد شود. اما هدیه های جنسی مثل لباس که پوشیده شده و یا غذاء که خورده شده قابل استرداد نیست. در مورد اهدای که خانواده دختر تقدیم می کند و هم مصارف که در شب شربینی خوری می شود قوانین افغانستان در مورد آن سکوت کرده است و مسأله جبران خساره مالی و ادبی و معنوی که در ادبیات قانون شرعی بنام (تعویض) یاد شده

در قوانین خانوادگی در افغانستان چیزی را سراغ نداریم لذا لازم است در این مورد نظریات و آراء فقهاء بررسی شود تا موضوع تعویض روشن و داخل قانون خانواده شود.

تعویض یا جبران خساره:

در قوانین ازدواج دیانت عیسوی عدول از نامزدی تعویض (جبران خساره) دارد، باین معنی که طرف که نامزدی را الغاء می کند باید در مقابل ضرر که بطرف دومی یا طرف مقابل رسیده جبران خساره بپردازد به دلیل اینکه در دین عیسویت عقد ازدواج، عقد دینی است و رجال الدین آنرا بسته می کنند.

اگر قانون احوال شخصیه غیر مسلمانان در مصر و لبنان مطالعه شود ملاحظه می شود که در این قوانین الغای نامزدی کار مشکل و موانع زیاد دارد و الغای نامزدی در ده ماده میباشد.⁶⁹ و اما قانون احوال شخصیه اسلامی قانون گذاران و فقهاء باین نظریه مخالفت دارند و صرف نظر کردن از نامزدی را حق هر دو نامزد می دانند و این موضوع را به قانون ارتباط نمی دهند.

در قانون احوال شخصیه عدول از نامزدی جواز دارد و دلیل فقهاء برای عدول می آورند این است: حضرت عبداللّه بن عمر رضی اللّه عنه روایت می کند رسول اکرم صلی اللّه علیه فرمودند: «أن لا یبیع بعضکم علی بیع بعض، و لا یخطب الرجل علی خطبة أخیه حتی یتترک الخاطب قبله أو یأذن له الخاطب». بالای فروش یکدیگر نفروشید و یکی از شما نامزد برادر خود را تا او نامزد خود را ترک نکند و یا برای او اجازه ندهد طلبگاری نکنید. به عبارت دیگر که اگر یک مسلمان یک متاع را به فروش می رساند مسلمان دیگر کوشش نکند که متاع خود را در بدل آن بفروشد تا خریدار منصرف نشود و همچنان تا مرد نامزدی خود را لغو نکند شخص دیگر به طلبگاری آن دختر نرود.

حتی یتترک الخاطب قبله أو یأذن له الخاطب رسول اکرم صلی اللّه علیه وسلم برای نامزد حق ترک کردن نامزد یعنی عدول از نامزدی را بدون سبب می دهد.

⁶⁹. قانون الأحوال الشخصية لغير المسلمين في مصر و لبنان، صفحات 103 تا 108.

رای ترجیح در این مسأله قول و نظر فقهای حنبلی است. علمای مذهب حنبلی باین عقیده اند که عدول از نامزدی باید به دلیل و سبب باشد و کراهیت داشتن به نامزد یکی از اسباب آن است به دلیل اینکه حضرت علی نامزدی خود را با دختری جهل به سبب کراهیت لغو نمود. در حدیث شریف علت و سبب ذکر نشده و عدول بصورت عام ذکر یافته است باین معنی که برای لغای نامزدی سبب و دلیل ضرورت نیست. عدول از نامزدی ارتباط به اخلاق فرد و جامعه دارد. در قانون احوال شخصیه مملکت اردن هاشمی در ماده ای چهارم آن آمده: نامزدان (دختر و پسر) هر کدام مستقلانه حق عدول از نامزدی را دارند.

حکم پول و هدیه و مهر که برای دختر از طرف مرد پرداخته شده است:

الف: حکم پول نقد: اگر از طرف مرد برای دختر مهر در وقت نامزدی داده شده باشد چه مهر نقد باشد و یا غیر نقد در وقت عدول و یا وفات مرد در مذهب حنفی آمده که: اگر مهر نقد بوده باشد مسترد می شود یعنی برای مرد برمی گردد و اگر جنس بوده باشد و تلف شده باشد عوض آن برگردانیده می شود.⁷⁰ با این رای حنفی ها امامان مذاهب دیگر اتفاق ندارند و دلیل شان این است که مهر در وقت نکاح پرداخته می شود و چون نامزدی عقد ازدواج نیست و اگر مهر در وقت نامزدی تقدیم شده باشد لازم است خانواده دختر آنرا حفظ کنند تا اینکه عقد صورت گیرد.

ب: حکم هدیه: هدیه حکم الهبة را دارد. اگر عدول از طرف مرد باشد در این حالت حق ندارد هدیه را مطالبه کند، اما اگر عدول از جانب دختر باشد باید هدیه را مسترد کند و در حکم مسترد کردن هدیه عرف و شرط قابل اعتبار است.⁷¹

در ماده ای 65 قانون احوال شخصیه مملکت اردن هاشمی در مورد هدیه آمده: اشیاء که بطور هدیه از طرف یک جانب به جانب دیگر داده شده بنام «الهبة» یاد می شود و بالای آن احکام هبه اجراء می شود. در قانون دولت امارات عربی در مورد الهبة آمده: فقهاء با هم اتفاق دارند که الهبة به صاحب آن بر نمی گردد و همچنان آمده: جواز دارد

⁷⁰. صافی، التعليقات المرضیة، مادة 110، ص 36.

⁷¹. الدسوقی، محمد عرفة، حاشیة الدسوقی علی الشرح الكبير، دارالکتب العلمیة، بیروت 1417

رجوع یعنی بازگشتاندن الهبه به رضایت جانبین. بازگشتاندن الهبه باعث عداوت و کینه می شود پس شرعا جواز ندارد.⁷²

برای توضیح بیشتر از قانون هدیه و حکم فقهی آن لازم دیده می شود تا در مورد الهبه معلومات ابتدائی تقدیم شود. فقهاء باین نظر اند که هدیه جواز ندارد باز داده شود و حکم هدیه را گرفته اند از حکم الهبه.⁷³

الهبه عبارت از عقد یا معامله است که به قبول و ایجاب بین دهنده و گیرنده صورت می گیرد و از اعمال تصرف است باین معنی که دهنده برای گیرنده حق ملکیت و حق استفاده آنها میدهد و ممکن است دهنده برای گیرنده شرط معنوی را بگذارد لیکن هدیه قابل بدل و عوض نمی باشد. در الهبه سه شرط لازم است: دهنده و گیرنده و سوم که دهنده صاحب آنچه می دهد باشد.⁷⁴

الهبه و صدقه و هدیه معنی متقارب دارند و همه به معنی ملکیت یعنی صاحب شدن است و غیر قابل عوض میباشد.⁷⁵

محکمه ابتدائی شرعی «طنطا» در مصر به تاریخ 13 جون 1933 در موضوع هدیه و استرداد آن این حکم را صادر نمود: آنچه پسر برای دختر هدیه داده باشد اگر بنام مهر نباشد هدیه گفته می شود و در تطبیق آن حکم هدیه قابل اجراء می باشد. هدیه در حکم و معنی آن بخشش - تحفه - است. بخشش و تحفه حق کسی است که برایش عطاء شده است و کسیکه آنها گرفته حق ملکیت و خرید و فروش آنها نیز میداشته باشد.⁷⁶ از بین رفتن هدیه و استعمال آن مانع دوباره دادن آن است.

نتیجه: از نظریات و آراء فقهاء باین نتیجه میرسیم که هدیه قابل بازگشت نیست یعنی آنچه مرد در وقت نامزدی برای دختر داده باشد در حالت عدول از نامزدی به مرد بازگشتانده نمی شود.

⁷² . دكتور على ابوالبصل ، الرجوع فى الهبة فى الفقه الإسلامى
www.alukah.net/sharia/0/98047/ , and also : Fatwa.islmweb.net ,

⁷³ . السيد سابق ، همان مرجع ، ص 27.

⁷⁴ . الدكتور محمد راتب النابلسى ، 7/26/1997 www.nablsi.com

⁷⁵ www.djelfa.info

⁷⁶ . فضل غنى مجددي ، بحث های دینی و فتوا های فقهی ، جلد اول ، ص 383.

اما از هدیه‌ها مثل طلا و جواهرات قیمتی در وقت عدول نامزدی، ممکن طرف مقابل ادعا کند که همه آنها هدیه بود و برای حل آن در عرف راه حل نیست و لیکن در قانون ذکر شده که جواهرات اگر ضمن مهر باشد حکم مهر را دارد - یعنی مسترد می‌شود -.

مسأله تعویض «جبران خساره»: ممکن است عدول از نامزدی بیک طرف ضرر وارد کند چه ضرر مادی باشد یا معنوی. مثال ضرر مادی: ممکن دختر وظیفه خود را نظر به خواهش مرد از دست داده باشد و یا اینکه خانواده ای دختر جهاز دختر را خریده باشند و یا خانواده ای دختر در وقت شریین دادن و اعلان نامزدی مصارف زیاد کرده باشند.

مثال ضرر معنوی: به نام و عزت دختر صدمه رسیده باشد و مرد در حق او سخنان نامناسب گفته باشد، خصوصاً اگر مدت نامزدی طولانی بوده باشد و دختر با نامزد خود بیرون از خانه رفته باشد و مردم آنها را دیده باشند.

در کتب قدیم و در قوانین گذشته در این مورد چیزی نیامده و سبب آن ممکن عدم ضرورت باشد به دلیل اینکه مدت نامزدی بسیار کوتاه بود و زندگی مردم بسیار پیچیده نبود و زنان بیرون از منزل کار نمی‌کردند و بیرون رفتن پسر و دختر محدود بود بطور عمومی روش زندگی مردم زندگی اسلامی و اخلاقی بود لیکن امروز زندگی صورت و شکل دیگر دارد و ضرر معنوی در پهلوی ضرر مادی بسیار بزرگ است مثلاً عکسهای مشترک و فلم‌های نامزدی و ماندن عکس‌ها در فیسبوک همه سبب ضرر معنوی برای دختر است و باید قانون این مشکل را حل و فصل کند و متأسفانه در قوانین خانواده در کشورهای اسلامی و خصوصاً افغانستان این مسائل بحث نشده است.

فقه‌های معاصر در مورد ضرر مادی و معنوی که در نتیجه عدول از نامزدی پیش می‌شود نظریات متفاوت دارند.

رای اول:

1. عدول از نامزدی شرعاً جواز دارد، و جواز بودن آن منافی ضمانت ضرر است.

2. نامزدی عقد ازدواج نیست بلکه وعده برای عقد است و کسیکه از نامزدی می‌گذرد از حق قانونی خود استفاده می‌کند و در استفاده از حق تعویض نیست.⁷⁷

3. عدول از نامزدی تجاوز به حق طرف مقابل نیست که لازم به تعویض باشد.⁷⁸

4. مجبور ساختن پسر به دادن تعویض (خساره) برای دختر ممکن است او را وادار به ازدواج کند و در این حالت رکن مهم از ارکان ازدواج که رضایت است از بین می‌رود.⁷⁹

رأی دوم:

تعویض مطلقاً است و این رأی شیخ محمود شلتوت است.

قاعده ای فقهی «لا ضرر و لا ضرار» نه ضرر رساندن و نه قبول ضرر. یعنی عمل کرد به ضرر و ضرر رساندن در دین ما، یعنی شرعاً جواز ندارد که یک نفر برای نفر دیگر ضرر برساند و این حدیث را ابن ماجه و الدارقطنی و دیگران از ابی سعید و ابن عباس و عبادة بن الصامت رضی الله تعالی عنهم آورده اند و امام مالک در الموطأ آنرا ثبت کرده است.⁸⁰

ابن الأشقر نظر دارد که برای جبران و برداشتن ضرر راه صحیح نیست مگر تعویض مالی (جبران خساره مالی).⁸¹

مرد برای دختر در عدم وفاء به وعده ای خود ضرر می‌رساند و در این حالت تعویض به مقدار و اندازه ضرر است.⁸²

در همین مورد امام شیخ محمد ابو زهره می‌گوید: تعویض از ضرر مادی است نه از ضرر معنوی.⁸³

⁷⁷. الصابونی: شرح قانون الأحوال الشخصية السوری، 47/1.

⁷⁸. الصابونی، همان مرجع.

⁷⁹. الأشقر: أحكام الزواج فی ضوء الكتاب و السنة، ص 78.

⁸⁰. مصطفى احمد الزرقا، شرح القواعد الفقهية، طبع دوم، دمشق، ص 165.

⁸¹. الأشقر (الابن) مستجدات فقهية، ص 397.

⁸². القرافی، احمد بن ادریس، الفروق، دار الکتب العلمیة 4/55.

⁸³. ابو زهره محمد بن ادریس، محاضرات فی عقد الزواج و آثاره، دار الفكر العربی ص 74.

علامه مصطفی السباعی برای ضرر مادی و معنوی سه شرط را می آورد:

1. ثابت باشد که سبب عدول دختر نیست.
 2. ثابت باشد که عدول برای دختر ضرر مادی و معنوی غیر از مسائل جنسی رسانیده باشد.
 3. مرد تصمیم برای ازدواج داشته باشد و تصمیم خود را برای دختر ابلاغ کرده باشد.⁸⁴
- از مطالعه نظریات موافق و مخالف از تعویض اینطور نتیجه گیری می شود که اکثریت باین نظر اند که در حالت عدول از نامزدی تعویض نیست.⁸⁵
- میتوان نظریات و آراء فقهاء را به نقاط ذیل خلاصه کرد:

- نامزدی خواهش مرد از زن برای ازدواج است.
- نامزدی یک عمل مستحب یعنی پسندیده و غیر ملزم-الزامی یا اجباری-به ازدواج است.
- عدول از نامزدی جواز است و اما بدون دلیل کراهیت دارد.
- در صورت عدول از نامزدی ، مهر و پول نقد که برای دختر داده شده است دوباره به مرد تسلیم داده می شود.
- هدیه حکم هبه را دارد .
- جواهرات تحت حکم عرف می آید.
- در صورتیکه دختر از نامزدی عدول نماید تعویض مادی و معنوی نیست.⁸⁶

مشکلات که عدول نامزدی امروز بجا می گذارد نسبت به گذشته بسیار زیاد است و کمیته تدوین قوانین نظریه فقهاء عصر های گذشته را در مورد تعویض در نتیجه عدول از نامزدی بحث جامع تحقیقی و نقدی نمایند و به نظریه و آراء فقهای معاصر در این مسأله توجه داشته باشند زیرا بعض فقهاء معاصر این موضوع را بحث کرده

⁸⁴. الصابونی ، همان مرجع .

⁸⁵. دارالافتاء ، اثر العدول عن الخطبة ، www.aliftaa.jo

⁸⁶. <https://www.islamic-fatwa.com/library/book/15/256>

اند و مشروعیت تعویض (جبران خساره) را به اثبات رسانیده اند و دلیل شان همان حدیث مبارک: لا ضرر ولا ضرار، که قبلاً آورده شد میباشد. قانون مصر حکم به تعویض می کند و تعویض را مسئولیت مقصر بودن یعنی خطاً که سبب ضرر رسیدن به دیگری شده است می دانند.⁸⁷

در ماده 149 قانون احوال شخصیه اهل تشیع افغانستان در موضوع تعویض آمده: اگر یکی از نامزدان، قرارداد نامزدی را بدون دلیل قانونی و با عذر موجه، به تشخیص قاضی، فسخ کند ضامن مخارج ضروری می باشد که جانب مقابل به اعتماد وقوع ازدواج متحمل شده است.

در قانون ازدواج و خانواده در عصر حاضر مسأله ای تعویض فوق العاده مهم است و توجه بیشتر را از قانون دانان می خواهد تا حق طرفین بعد از عدول نامزدی تلف نشود. راه حل دیگر این مشکل این است که خانواده ها در مرحله نامزدی مصارف بیجا نکنند و قبول کنند که مرحله نامزدی، مرحله مطالعه و بررسی برای انتخاب شریک زندگی است و قبول کنند که دختر یا پسر حق دارد از نامزدی به هر دلیل که باشد بگذرد و خانواده ها کوشش نکنند این مرحله را به دلیل اینکه دختر و پسر آزادی های پیشتر داشته باشند و بتوانند با هم خلوت کنند و به هر جا که میخواهند بروند و ظاهراً برای این منظور یعنی دست یافتن به آزادی بیشتر در مرحله نامزدی ایجاب و قبول را در حضور شاهدان به نمایش می گذارند. ممکن است نامزدی را در جمع بسیار کوچک از خانواده برگزار کرد و اما بشرطیکه همسایه ها و دوستان بدانند که دختر و پسر با هم نامزد اند تا اشخاص دیگر به طلبگاری تشریف نیاورند و از جانب دیگر زمانی که پسر به منزل دختر می آید دلیل آمدن اش را همسایه ها و اقارب بدانند. و برای تعویض راه دیگر آن است که در وقت شربینی دادن و برگزاری محفل شرط گذاشته شود که در صورت عدول از نامزدی از جانب پسر دختر حق تعویض را دارد.

بعد از مرحله نامزدی و توافق بین دختر و پسر و موافقه خانواده ها برای عقد نکاح فصل جدید در زندگی زوجیت آغاز می شود و صفحه جدید قوانین خاص برای خود دارد که در فصل بعدی روی آن بحث می شود.

⁸⁷. الدكتور وهبة الزحيلي، الوجيز في الفقه الإسلامي، الجزء الثالث، ص 25.

فصل چهارم

عقد نکاح

بعد از بررسی و مطالعه دقیق در جریان مرحله نامزدی دختر و پسر باین نتیجه میرسند که در مجلس عقد نکاح با خانواده و دوستان شان حاضر و عقد را امضاء و برای ازدواج نام رسمی انتخاب و قانونی بودن آنرا تکمیل نمایند.

زوجیت آغاز مرحله جدید در زندگی است که با عقد و شروط خاص شروع می شود و عقد که در مورد آن صحبت خواهیم کرد آنچه قبلا بین دختر و پسر حرمت داشت آنرا از بین بر می دارد. عقد ازدواج در فرهنگ اسلامی اهمیت فوق العاده دارد و بنام «میثاق غلیظ» یعنی پیمان محکم یاد شده. پیمان عقد مثل قرار داد های اجتماعی نیست که بزودی لغو و یا در مواد آن تجدید نظر شود لذا در وقت ایجاب و قبول امضاء عقد طرفین باید تصمیم نهائی را بدون اکراه و فشار گرفته و در مرحله ما قبل عقد دختر و پسر بحث و تحقیق صحیح کرده باشند و انتخاب شان درست و عاقلانه بوده و مشکلات زندگی را فهمیده و در راه حل آن به توافق رسیده باشند.

در شریعت اسلامی عقد ازدواج تنها یک امر و موضوع دنیوی نبوده بلکه رابطه و علاقه به آخرت نیز دارد اما رابطه آن با دنیا قویتر و مستحکمتر است. از منظور اسلامی ازدواج طاعت و نزدیکی به خداوند و رکن از ارکان دین به حساب می آید که بواسطه آن کرامت و عزت انسان حفظ و رابطه اجتماعی بوجود می آید و نسل بشری ادامه می یابد. عقد مانند قلعه مستحکم است که انسان در داخل آن با امنیت زندگی می نماید و جامعه بشری از سقوط در هاویه حفظ می شود.⁸⁸

در مورد ارتباط ازدواج به مسائل معنوی و روحانی و تزکیه نفس که از مقاصد دین اسلام است امام الغزالی رحمه الله در احیاء می گوید: آنچه راحت قلب به آن تحقق می

⁸⁸ عبد الله الحمد الجلالی ، العلاقات الاجتماعية فی القرآن ، مکتبه دار السلام ، الرياض 1415

یابد و نفس تازه می‌گردد عبارت از مجلس خانوادگی و نظر انداختن و بازی کردن (با همسر) است و مجالس خانوادگی تقوی و عبادت است و آرامش نفسانی آثار عظیم در تزکیه نفس انسان صالح که وجایب خود را اداء میکند تحقق می‌یابد.⁸⁹

علامه سید قطب در تفسیر آیه مبارکه «هن لباس لکم و انتم لباس لهن» (البقرة: 187) می‌نویسد: لباس ستر و وقایت است و همچنان رابطه بین زن و شوهر که یکدیگر شان را می‌پوشانند و اسلام در حقیقت انسان را بصفت یک موجود واقعی می‌شناسد، دست‌اش را گرفته او را مدارج عالی می‌رساند.⁹⁰ سید قطب باین معنی ازدواج و زوجیت را وسیله از وسائل ارتقاء نفس انسان به مدارج عالی می‌داند و به معنی دیگر زوجیت را بعد عقیده‌تی و معنوی می‌دهد.

علامت سکون و آرامش نفسانی و معنوی و روحی ازدواج در اسلام همکاری و تعاون بین زن و شوهر برای اطاعت خالق است در حالیکه ازدواج در فرهنگ و ثقافت‌های غیر اسلامی هدف و معنی آن رسیدن به اطاعت خالق و ارتباط دنیا به دین و آخرت نمی‌باشد و تنها اهداف دنیوی دارد و رابطه بین زن و شوهر رابطه باساس مادی و منافع دنیوی مؤقت است و شواهد طبی نشان میدهد که اکثر زنان و شوهران مشکلات نفسانی و روانی دارند و زندگی زوجیت برایشان سنگین و دشوار و در بسا اوقات آزار دهنده است. در عصر حاضر اکثر مشکلات خانواده‌ها در عدم فهم معنوی و روحی از ازدواج است و فرهنگ و ثقافت غربی تأثیرات مستقیم را بالای روش زندگی مسلمانان گذاشته است و رابطه زوجیت نیز به فرهنگ و ثقافت غربی متأثر شده است و اثرات منفی فرهنگ غیر اسلامی و احیاء فرهنگ‌های میراثی فاسد را در فصل سعادت خانواده و زوجیت بحث خواهیم کرد.

برسمیت شناختن ازدواج :

ازدواج یا زوجیت زمانی رسمیت می‌یابد که طرفین (زن و مرد) عقد را به امضاء رسانند. از نظر قانون ازدواج اسلامی عقد ازدواج پیمانی است که به موجب آن روابط زناشویی میان مرد و زنی که با هم بیگانه بودند یعنی غیر محرم بودند محرم شرعی

⁸⁹. الغزالی أبو حامد، إحياء علوم الدين، 2/30 و همچنان دیده شود: دكتور محمد شيخ عبد الله، الأسرة المسلمة والتحديات الغربية المعاصرة، ص 35.

⁹⁰. السيد قطب، في ظلال القرآن، جلد پنجم، ص 2763.

می شوند و موانع که قبلاً در میان هر دو بود از بین برداشته میشود بشرطیکه موانعی مانند: خویشاوندی، رضاع و روابط نسبی میان آنها وجود نداشته باشد، مشروعیت پیدا می کند. پس مرحله اول و اساسی برسمیت یافتن ازدواج بستن عقد میان طرفین میباشد و بدون امضای عقد زن و مرد برای یکدیگر محرم شرعی نمی باشند به معنی دیگر بستن عقد آثار قانونی را به وجود می آورد و رابطه بین زن و مرد را قانونیت می بخشد. لازم است خوانندگان عزیز و محصلین پوهنچی های شریعات و حقوق و دانشمندان که نکاح را عقد می کنند معنی لغوی و مفهوم حقوقی عقد را بدانند. همچنان در عصر حاضر دائر نمودن سمینار یکروزه یا بیشتر برای نامزدان قبل از حضور در مراسم عقد ازدواج ضروری است تا دختر و پسر قبل از امضاء عقد معنی و مفهوم عقد را بدانند و خصوصاً اگر دختر شرایط خاص دارد آنرا در وثیقه جداگانه ضمن وثیقه عقد تهیه و آماده داشته باشد زیرا ملاحظه می شود که دختران جوان در مراسم رسمی عقد ازدواج حقوق و جایب خود را صحیح نمی دانند و همچنان بعض دختران مسلمان و جایب را می دانند لیکن از حقوق معلومات کافی ندارند و نمی دانند که و جایب زمانی بالای شان تثبیت می شود که شوهر حقوق شانرا بدهد و مهر از جمله حقوق ثابت دختر در وقت نکاح است و باید به آن توجه داشته باشد.

عقد:

عقد ازدواج و نکاح در ادبیات زبان به معنی جمع و یکجا شدن و زنا شویی است. الزمخشری الحنفی می گوید: در کتاب خداوند لفظ نکاح به معنی «الوطء» یعنی جماع نیامده، قول خداوند: «حتی تنکح زوجاً» (البقرة: 230/2). تا آنکه شوهر دیگر کند.⁹¹

در باب مقدمات الزواج در ماده ای اول آمده: ازدواج عقد بین مرد و زن است که شرعاً بین شان رابطه زندگی مشترک و نسل بوجود می آید. در توضیح این ماده ذکر شده: در قانون به منهج قرآن و سنت مقصد از ازدواج تأسیس و انشاء رابطه زندگی مشترک و نسل است و باساس این اصل عدول (صرف نظر کردن) از قول فقهاء در تعریف عقد که عبارت از متعه با زن است میباشد به دلیل اینکه زن یک طرف از عقد است نه محل عقد (بالای زن عقد نمی شود) و هدف از ازدواج تنها حلال شدن متعه جنسی نیست

⁹¹. الدكتور وهبة الزحيلي، الوجيز في الفقه الإسلامي، الجزء الثالث، ص 26.

بلکه هدف از ازدواج مقاصد بزرگ دیگر مانند بناء جامعه و تأسیس زندگی مشترک که در ساحة آن آرامش و مودت و رحمت است و قرآن کریم به این اهداف اشاره صریح دارد.⁹²

مقومات عقد:

عقد قسمی که گفته شد سبب از اسباب شرعی است که باسناد آن احکام بوجود می آید. و از تعریف عقد استناد می شود که عقد عمل ارادی یعنی به اراده مشترک و به اساس رضایت بین طرفین با احکام شریعت می باشد، و احکام عبارت است از حقوق و وجایب که در نتیجه عقد و در موضوع معین بوجود می آید.

مقومات عقد و یا اساسات عقد چهار است:

1. طرفین عقد. (دختر و پسر)
2. محل عقد، که بنام: المعقود علیه، یعنی عقد در مورد آن صورت می گیرد.
3. موضوع عقد.
4. ارکان عقد.

طرفین عقد: زن و شوهر. محل و موضوع عقد: محل عقد متعه ای جنسی مشترک بین زن و شوهر. ارکان عقد: در نکاح نامه اشاره خواهد یافت.⁹³

عقد ازدواج:

رکن اساسی و حقیقت ازدواج رضایت طرفین، و موافقه ایشان به اراده آزاد به هدف رابطه زوجیت است و چون رضایت و موافقه و اراده از جمله امور نفسانی است که کسی از آن اطلاع نمی داشته باشد لذا لازم و ضروری است که از تصمیم انشاء رابطه به کلمات تعبیر شود و این تعبیر به ایجاب و قبول صورت می گیرد و یا به نمایش گذاشته می شود.

عقد ازدواج در فرهنگ اجتماعی اسلام مطلقاً مدنی است و مانند عقد در عقیده عیسویت نیست که باید در کلیسا و توسط قسبیس «کشیش» کلیسا صورت گیرد. در قانون ازدواج اسلامی لازم و حتمی نیست که عقد در محکمه ای شرعی و توسط

⁹². مشروع قانون الأحوال الشخصية الموحد، صفحات 45-46.

⁹³. مصطفی أحمد الزرقاء، المدخل الفقهي العام، الجزء الاول، صفحات 312-313.

قاضی باشد و یا در مسجد و توسط ملا صاحب و عالم دین و شخص روحانی انعقاد یابد لذا هر انسان حق دارد که عقد دو نفر را بسته کند بشرطیکه ارکان عقد مکمل باشد و قانون ازدواج ارکان عقد را توضیح داده که در اینجا به آن اشاره می شود.

در فصل دوم مشروع قانون ازدواج در باب رکن ازدواج آمده:

ماده ای پنجم:

ازدواج به ایجاب از طرف یکی از طرفین و قبول طرف دیگر انعقاد می یابد.

ماده ای ششم:

ایجاب و قبول در ازدواج به الفاظ و کلماتی باشد که معنی لغوی ازدواج را افاده کند. توضیح: مقصد از زبان و لغت یعنی بزبانی باشد که طرفین عقد معنی و مفهوم آنرا بدانند در این حالت کسانی که بزبان عربی نطق نمی کنند بزبان که صحبت می کنند ایجاب و قبول را اظهار کنند و زبان عربی برای عقد ازدواج برای عجم یعنی غیر عرب حتمی و ضروری نیست. در صورتیکه یکی از طرفین و یا هر دو طرف عقد «گنگ» باشد و کلمات ایجاب و قبول را شنیده نتواند و جواب ایجاب را به قبول داده نتواند اشاره که دلالت به ایجاب و قبول باشد صحیح است و یا اینکه تحریری نوشته شود اما در شرایط امروزی ترجمان ضرورت است و ترجمانان زیاد هستند که به اشاره برای گنگ ترجمه می کنند و مطلب را می رسانند.

در فصل اول مشروع قانون الاحوال الشخصیة، ماده ای پنجم آمده: در حالت عاجز بودن شخص از نطق به ایجاب و قبول نوشتن صحیح است و اگر نوشتن ممکن نبود اشاره صحیح و کافی میباشد.

فقهاء ایجاب و قبول را بنام ارکان ازدواج می دانند.

شروط ایجاب و قبول «شروط انعقاد»:

عقد تحقق نمی یابد و آثار زوجیت یا ازدواج تکمیل نمی شود تا اینکه شروط ذیل تکمیل نباشد:

1. طرفین عقد معنی و مفهوم عقد را بدانند. اگر یکی از طرفین مجنون یا صغیر باشد و مفهوم را تمیز کرده نتواند عقد صورت نمی گیرد.

2. اتحاد مجلس ایجاب و قبول ، باین معنی که بین ایجاب و قبول فاصله نباشد یعنی در یک مجلس واقع شود.
3. قبول مخالف ایجاب نباشد.
4. طرفین عقد کلمات یکدیگر را بشوند و معنی آنرا بفهمند و بدانند که مقصد از گفتار عقد ازدواج است. برای تحقق این منظور به هر زبان که طرفین عقد تکلم دارند ایجاب و قبول صورت گیرد و اگر طرفین به دو زبان متفاوت تکلم می کنند مقصد و هدف از ایجاب و قبول به همان زبان باشد که هر کدام می دانند.⁹⁴

در ماده ای هفتم شرایط عقد ازدواج آمده: برای ایجاب و قبول شرط است:

الف: ازدواج انعقاد نمی یابد اگر معلق (مربوط) به یک شرط غیر قابل تحقق باشد ، و ازدواج معلق به آینده نباشد ، ازدواج به نیت مؤقت نباشد.

ب: موافقه قبول و ایجاب بصراحت باشد.

ج: اتحاد مجلس شرط است.

د: اصل در عقد این است که قبول فوراً بعد از ایجاب صورت گیرد.

ر: حضور دو شاهد: دو شاهد عاقل و بالغ ، دو مرد و یا یک مرد و دو زن و یا چهار زن بشرطیکه سخنان طرفین را استماع کنند و مقصد از عقد را بدانند در جمله شرط انعقاد عقد است.

اگر زن و شوهر هر دو مسلمان باشند شرط است که هر دو شاهد مسلمان باشند. و اما اگر ازدواج بین پسر مسلمان و دختر اهل کتاب باشد شهادت اهل کتاب صحت دارد نظر به قول امام ابو حنیفه و ابی یوسف به دلیل اینکه شهادت در عقد نکاح از نظر فقهاء مذهب حنفی اعلان از عقد ازدواج است نه اثبات آن.⁹⁵

شهود معرفت باید از جمله کسانی باشند که رشته قرابت بین دختر و پسر را بدانند و در مورد موانع شرعی که مانع عقد بین طرفین می شود معلومات کافی داشته باشند و قبلاً نام ها و نمبر تذکره های شان درج و ثبوت نکاح شده باشد به دلیل اینکه زیاده تر

⁹⁴. السید سابق ، همان مرجع ، صفحات 30-31.

⁹⁵. مشروع قانون الأحوال الشخصية الموحد ، صفحات 51-52-53.

اوقات اتفاق می افتد که از بین حاضرین مجلس که هیچ اطلاع در مورد رابطه بین و دختر پسر ندارند دو شاهد انتخاب می شوند. در عصر حاضر حضور مهمانان در مجلس عقد و عکس و فیدویو شاهد نکاح شده می تواند و در صورت اختلاف بین زن و شوهر دلیل اثبات ازدواج در محاکم است اما برای عقد صحیح نکاح موجودیت دو شاهد لازم است.

ممکن است عقد در محلی صورت گیرد که حضور دو شاهد ناممکن باشد و یا در محاکم و ادارات بلدیّه در کشورهایی غربی عقد ثبت و امضاء شود در این حالت موجودیت مامورین و عکس و فلمبرداری می تواند شاهد حساب شود و در این حالت عقد صحیح است و نکاح باطل گفته نمی شود. هدف و مقصد از شاهدان اعلان از عقد است و نکاح نباید سراً عقد گردد تا مردم بدانند که فلان دختر همسر قانونی فلان مرد است و عموماً در عصر حاضر مجلس نکاح و فوتوها را در فیسبوک می گذارند و همه دوستان از عقد نکاح مطلع می شوند.⁹⁶

بکدام زبان عقد صورت می گیرد، و آیا حتمی است بزبان عربی باشد:

فقهاء اتفاق نظر دارند که الفاظ و کلمات عقد به هر زبان که طرفین عقد تکلم می کنند و آنرا می دانند صحیح است و لازم نیست که بغیر از ناطقین بزبان عربی ایجاب و قبول بزبان عربی باشد و خصوصاً در حالت موجوده افغانها که ازدواج با غیر افغان یک واقعیت گردیده بهمان زبان عقد صورت گیرد که دختر و پسر می دانند و اگر شخصیکه نکاح را عقد می نماید بزبان پسر و دختر آشنائی نداشته باشد موجودیت ترجمان حتمی و ضروری است.⁹⁷

شروط تنفیذ عقد:

1. طرفین عقد اهلیت کامل داشته باشند یعنی عاقل و بالغ و آزاد باشند.

2. طرفین عقد دارای صفاتی باشند که حق مباشرت عقد را دریابند.

گذاشتن شرط در عقد:

ماده ای شست و هفتم:

⁹⁶ مجله المنتدی، الحیاة الزوجية، forum.z4ar.com/fl40/t464341.htm.

⁹⁷ فضل غنی مجددی، خانواده در اسلام، ص 39.

الف: اگر در عقد شروط گذاشته شود که منافی نظام شریعت و مقاصد آن باشد و یا حقوق دیگران را در برگیرد، شرط باطل و عقد صحیح است.

ب: اگر شرط باشد که یکی از طرفین را ملزم (مکلف) به مصلحت سازد و در شرع مانع در آن نباشد، و حقوق دیگران را مقید نسازد و آزادی کسیکه به آن ملزم است مقید نشود، شرط صحیح است.

ج: اگر یکی از طرفین بالای طرف دیگر عقد، صفت و مشخصات معین را شرط بگذارد مثلاً دختر باکره باشد و یا مرد داکتر باشد، اگر صفات که در شرط آمده صدق نکند، طرفی که شرط را گذاشته حق مطالبه را برای فسخ ازدواج دارد.

در گذاشتن شروط در وقت نکاح دکتور زهیر الأعرجی، متخصص در امور خانواده می نویسد: زن حق کامل دارد تا شروط خود را در وقت نکاح بگذارد بغیر از شرط که حلال را حرام و حرام را حلال سازد و شوهر مکلف به وفاء به شروط زن میباشد و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم یکی از صفات مؤمنان را وفاء به شروط می داند «المؤمنون عند شروطهم».⁹⁸

از شروط عقد ازدواج است که طرفین عقد دارای عقل، بلوغ، رشد فکری و جسمی بوده و ایجاب و قبول را بدانند. حق زن به دلیل عیوب مثل: عیب جنسی و عقلی و عدم قدرت به تفکر و تعقل و مرض جنون (مریضی های روانی) در مرد به فسخ ازدواج است و همچنان حق مطالبه زن به فسخ به دلیل عدم وفاء شوهر به شروط قبول شده میباشد. در موضوع شروط در عقد نکاح بین مذاهب اسلامی بعض تفاوتها است که قابل دقت می باشد و دانشمندان معاصر و خصوصاً گروه که مشغول مطالعه ای قوانین اند لازم است تا اختلاف نظر بین فقهاء و علماء را مطالعه نمایند و به آن آشنا شوند. قانون خانواده در اکثر کشور های اسلامی که مردم آن از مذاهب مختلف اسلامی پیروی می کنند به اساس مذهب حنفی تدوین یافته و در افغانستان نیز اکثر مواد قانون خانواده با اساس مذهب حنفی است لیکن شرایط معاصر و مشکلات

⁹⁸. الدکتور زهیر الاعرجی، النظام العائلی و دور الأسرة فی البناء الاجتماعی الإسلامی، ص 67

زندگی از قانون دانان می خواهد تا نظریات مختلف را مطالعه و از بین نظریات متفاوت آن نظر را انتخاب نمایند که در عصر حاضر قابل تطبیق باشد.⁹⁹

أهلیت ازدواج :

تعریف أهلیت: أهلیت از خصوصیات انسان است و در ادبیات زبان به معنی صلاحیت و کفایت آمده یعنی شخص در امری از امور صلاحیت و کفایت داشته باشد، مثلاً: فلان شخص أهلیت ریاست دولت را دارد، به این معنی که شخص صلاحیت و کفایت این امر را دارد. أهلیت اشخاص یعنی صفات تکاملی جسمی و عقلی انسان و انسان به تکامل تدریجی صفات عقلی و جسمی صاحب حقوق می گردد و همچنان بر او و جایب فرض می شود. در امور عبادات أهلیت جسمی نسبت به أهلیت عقلی مهم است به این معنی نباید برداشت شود که أهلیت فکری در عبادات قیمت و مقام ندارد، اما در بحث ما در مورد نکاح أهلیت فکری نسبت به أهلیت جسمی اعتبار بیشتر دارد. أهلیت با مراحل حیات انسان نشوء و نمو میکند. أهلیت از بوجود آمدن انسان در رحم مادر شروع و به مرحله طفولیت و جوانی و شیخوت می رسد و تا انسان در قید حیات است دارای أهلیت میباشد.¹⁰⁰ فقهاء و علمای قانون برای أهلیت شخص در وقت نکاح شرایط خاص را وضع نموده اند که در این جا به آن اشاره می شود.

ماده ای بیستم:

الف: شرط در أهلیت ازدواج عبارت است از: عقل، بلوغ، پس ازدواج مرد نا بالغ و زن نا بالغ و مجنون صحیح نیست.

ب: اگر راپورداکتران و متخصصین به اثبات برسانند که ازدواج مجنون برای صحت یافتن اومفید است در این مورد رأی و اجازه محکمه حتمی است.

ماده ای بیست و یکم:

الف: برای کمال أهلیت ازدواج شرط است که دختر شانزده ساله باساس سال قمری و پسر هژده ساله باشد.

⁹⁹ در مورد اختلاف بین مذاهب در موضوع شروط مراجعه شود به: الدكتور عمر سلیمان الاشقر، أحكام الزواج فی ضوء الكتاب و السنة، باب شروط نکاح، ص 122.

¹⁰⁰ مصطفى أحمد الزرقاء، المدخل الفقهي العام، الجزء الثاني، صفحات 736-737.

ب: اگر ازدواج که مخالف به سن تعیین شده عقد شود ، کسیکه آنرا عقد نموده و شاهدان که شهادت داده اند به جزاء مالی محکوم می شوند.

ج: دعوی زن و شوهر که عقد شان قبل از بلوغ باشد شنیده نمی شود.

توضیحات: امام ابن شبرمة می گوید: جواز نیست که پدر دختر صغیره خود را به ازدواج آورد مگر به اجازه ای او. ابن حزم می گوید: پدر اجازه ندارد صغیره را به ازدواج در آورد و اگر این عمل را انجام دهد منسوخ است و صغیره را که پدر ندارد هیچکس حق ندارد او را به ازدواج بدهد نه به دلیل ضرورت و یا غیر ضرورت. ابن نجیم در (البحر الرائق) در اول کتاب نکاح می گوید: نباید دختر جوان را به مرد سالخورده به ازدواج داد.¹⁰¹

سن ازدواج از یک کشور تا کشور دیگر و از یک اقلیم تا اقلیم دیگر تفاوت دارد و در قانون اهلیت در مورد سن قانون دانان باید شرایط محیط و کشور و شرایط اجتماعی را مطالعه و در روشنی آن سن ازدواج را تعیین کنند.

کفو: کفو در ادبیات زبان به معنی مساوی و هم مانند بودن است. در حدیث شریف کلمه کفو باین معنی آمده: «المسلمون تتكافأ دماءهم» مسلمانان خون های شان با هم مساوی است.¹⁰²

حکم فقهی کفو: در مذاهب اهل سنت و جماعت کفو از لوازم ازدواج است نه شرط ازدواج باین معنی که اگر دختر با مرد غیر کفو ازدواج کند عقد صحت دارد. دانشمندان و فقهاء معاصر باین نظر اند که عرف در عصر حاضر کاملاً تغییر نموده و در شرایط عصر حاضر کفو شرط در ازدواج نیست.¹⁰³ در قانون ازدواج اسلامی مواد مهم در مورد کفو آمده که ذیلاً معرفی می گردد.

ماده بیست و پنجم:

الف: از شرط ازدواج است که مرد کفو زن در وقت عقد باشد.

¹⁰¹. مشروع قانون الأحوال الشخصية ، ص 68.

¹⁰². الدكتور وهبة الزحيلي ، الوجيز في الفقه الإسلامي ، الجزء الثالث ، ص 88.

¹⁰³. الدكتور وهبة الزحيلي ، همان مرجع ، صفحه 89.

ب: از بین رفتن کفوء بعد از عقد در اصل عقد تأثیر ندارد.

ج: کفوء نظر به عرف منطقه تعیین می شود. عدالت و دینداری اصل در تمام عرف ها است لذا مرد غیر عقیف کفوء دختر عقیفه نیست.

در عصر حاضر تعلیمات، روش فکری، وظیفه، روابط اجتماعی، اخلاق، دینداری، سویه اقتصادی، روش مذهبی، اصل نژادی و قومی و زبانی در جمله اموری است که نباید در مسأله کفوء نادیده گرفته شود زیرا تجربه ها نشان میدهد که در عدم توافق بین دختر و پسر در موارد فوق ادامه ای زندگی مشکل است و بعض اوقات به جدائی میرسد. کفوء عموماً نسبت به مرد دارد یعنی مرد باید کفوء زن باشد نه اینکه زن کفوء مرد به عبارت دیگر کفوء به مصلحت و فائده دختر است.

مهر:

ماده ای سی و یکم:

به مجرد عقد ازدواج صحیح مهر واجب می شود. مهر حق مالی زن بالای شوهر است.

ماده ای سی و دوهم:

الف: مهر حد اقل و اکثر ندارد.

ب: صحیح است اگر مهر نقد باشد یا غیر نقد یعنی جنس.

ماده ای سی و سوم:

الف: اگر مهر در عقد با اسم ذکر شود صحیح است و از حق زن میباشد.

ب: اگر مهر در وقت عقد با اسم ذکر نشود زن مهر بالمثل را صاحب می شود.

ماده ای سی و ششم: شوهر صلاحیت دارد تا در مقدار مهر بعد از ازدواج اضافه نماید.

ماده ای سی و چهارم:

جواز است که مهر همه اش معجل یا مؤجل و یا جزء آن معجل و جزء آن مؤجل باشد، و در عدم نص عرف مراعات می شود.

توضیح: معجل و مؤجل در مهر، از حیث وقت و کمیت را شریعت به اتفاق طرفین گذاشته. به این معنی که در مقدار مهر و جنسیت آن دختر و پسر تصمیم می گیرند و هر تصمیم که گرفته میشود قابل اعتبار است.

ماده ای سی و هشتم:

نظر به ماده فوق الذکر زن مستحق گرفتن تمام مهر می شود:

الف: به دخول (مباشرت جنسی) و زفاف دلیل به دخول است مگر اینکه ثابت شود که دختر باکره است.

ب: به مرگ یکی از طرفین عقد قبل از دخول با مراعات حکم ماده ذکر شده.

ماده ای سی و نهم:

اگر زن شوهر خود را به قتل برساند از او نه میراث میگیرد و نه هم مهر.

ماده چهل دوم:

مهر و متعه: اگر جدائی قبل از دخول صحیح از طرف زن باشد، حق گرفتن مهر از زن ساقط می گردد.

پیشنهاد: مناسب و بهتر خواهد بود که طرفین عقد در مقدار مهر قبل از انعقاد مجلس عقد اتفاق نمایند و بیک نتیجه برسند و در نکاح نامه مقدار مهر ثبت شود و لازم نیست در مجلس عمومی مقدار آن بیان شود و حاضرین از مقدار آن بدانند. شخصیکه نکاح را عقد می نماید در مورد مقدار مهر اعلان کند: مهر همان مقدار است که طرفین قبلاً به آن اتفاق کرده اند.

داکتر عبدالستار سیرت در مورد عقد و مهر می نویسد:

مهر در عقد نکاح:

حق مهر در احکام مربوط بحقوق فامیل در اسلام بحیث یک رمز تقدیر و تکریم به مقام زن در عقد نکاح بر ذمه شوهر و به نفع زن واجب می گردد.

دلایل وجوب این حق برای زن و بر ذمه شوهر در آیات قرآن کریم و احادیث قولی و فعلی رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بصورت متعدد وارد شده است، چنانچه

خداوند (عزوجل) در سورة النساء فرموده است: «وأتوا النساء صدقاتهن نحلة» و مهر های زنان را با رضایت خاطر و بحیث هدیه خالصانه بپردازید. و در قسمتی از آیه 24 همین سوره نساء خداوند می فرماید: «فما استمتعتم به منهن فاتوهن أجورهن فريضة.....». و قتیکه با آنها ازدواج نمودید و از آنها بهره مند شدید در آنصورت مهرشان را که وجیبه شرعی است کامل بپردازید.

پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه وسلم در هر عقد نکاح اگر از خود شان می بود و یا از اصحاب کرام شان به لزوم مهر تأکید میفرمودند و حتی بر فقیرترین صحابی که میخواست ازدواج کند و چیزی برای مهر نداشت فرمودند: (ببین و لو که انگشتر از آهن باشد) ، آن شخص که توان انگشتر از آهن را نداشت ، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم حفظ چند سوره از قرآن کریم را بحیث مهر از طرف صحابی فقیر قبول فرمودند.

مهر قیمت نکاح یا قیمت زن نیست بلکه مهر رمز احترام و تقدیر از علاقه مودت و محبت و اشتراک زندگی است که میان زن و شوهر از طریق نکاح برقرار می گردد و چون عاقبت ناگوار از وصلت احیاناً بوسیله طلاق به اراده شوهر تعلق گرفته است آغاز پسندیده این عقد بصورت همیشه با تقدیر و تکریم زن از طرف شوهر بوسیله مهر برای زن بعمل می آید.

در تحدید مقدار مهر شریعت اسلامی حد اکثر را تعیین نه نموده و در مورد حد اقل مذاهب فقهی اسلامی نظریاتی دارند و از جمله مذهب حنفی اقل مهر را ده درهم تعیین می نماید.

یک درهم معادل تقریباً سه گرام نقره وزن دارد و به اینصورت ده درهم در حدود (سی) گرام نقره می شود و قیمت آن در هر وقت به نرخ روز باید تخمین شود ، و البته مهر می تواند به صورت نقد یا جنس و به شکل معجل در حال و یا مؤجل در آینده تادیه شود.

حد اکثر مهر در نظام فامیلی اسلامی شاید برای آن محدود نشده است که جوامع مختلف اسلامی با داشتن عادات و تقالید مختلف اجتماعی و سویه های متفاوت اقتصادی در چنین موارد دست آزاد تر داشته و هر جامعه در چوکات امکانات و ایجابات اجتماعی و اقتصادی خود آنرا تنظیم نماید ، اما چند مطلب درین رابطه قابل تأکید است:

1. مهر حق خالص زن است و برای تقدیر و احترام مقام زن و تسهیل آمادگی وی برای حیات نوین زنا شوهری بر ذمه شوهر واجب شده است و در عین حال نشانه آنست که مسئولیت اقتصادی ناشی از عقد نکاح از طرف مرد (شوهر) می باشد.

2. موضوع مهر نباید مانع عقد نکاح گردد و از همین سبب نکاح بدون ذکر مهر نیز عقد شده می تواند و در آن صورت مهر مثل یعنی مهر زن به مقایسه اقران و امثال وی در فامیل و یا در جامعه تعیین می گردد.

3. شریعت اسلامی در حالیکه حد اکثر مهر را تحدید نمی نماید در مورد تسهیل در تعیین مهر و عدم مبالغه در آن همچنان در لزوم جلوگیری از ایجاد مشکلات در امر ازدواج به صورت مکرر تأکید نموده است.

رسول اکرم صلی الله علیه و سلم هم در ازدواج خود شان و هم در تزویج دختران شان کمال تسهیل در امر ازدواج را عملی فرموده اند و به این طریق به امت شان درس عملی عدم مبالغه در تعیین مهر و مصارف ازدواج را داده اند. هنگامیکه حضرت فاطمه زهراء دختر محبوب رسول خدا صلی الله علیه و سلم به عقد نکاح حضرت علی رضی الله عنه در میامدند ، رسول الله صلی الله علیه و سلم خطاب به علی رضی الله عنه فرمودند:

یک چیزی بوی (فاطمه) بایست پیردازی ، علی رضی الله عنه عرض کردند: هیچ چیزی ندارم ، رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: همان زره (لباس جنگی) ات چه شد؟ حضرت علی رضی الله عنه گفتند: آن نزد من موجود است ، فرمودند: همان درست است برایش پیردازی.

این یک مثال عجیب در امر تسهیل ازدواج است ، داماد و عروسی به آن سویه و مقام باچنان مهری که اصلاً بدرد عروس هم نمی خورد اما چون یک رمز تقدیر و محبت است رسول اکرم صلی الله علیه و سلم خواستند تا آسانترین شکل ازدواج را در محبوب ترین عروس و داماد (فاطمه و علی رضی الله عنهما) مقرر فرمایند تا برای امت شان سرمشق عملی گردد.¹⁰⁴

¹⁰⁴. فضل غنی مجددی ، بحث های دینی و فتواهای فقهی ، جلد اول ، صفحات 390 تا 395.

پیشنهادات :

عقد قانونی و شرعی با مراعات قواعد و قانون ازدواج صورت می گیرد. عقد در اصل شفوی بود و به ایجاب و قبول و حضور دو شاهد و مهر صورت می گرفت. اما چون فتنه و فساد زیاد شد و دینداری ضعیف و حقوق زنان و مردان ضایع شد فقهاء و قانون دانان عقد را از شفوی به تحریری تبدیل کردند و بعداً ثبت نکاح نامه را در دفاتر رسمی حتمی دانستند و در قانون ذکر شد که اگر عقد نکاح ثبت نباشد دعوای زن و شوهر شنیده نمی شود.

در عصر حاضر مشکلات بیشتر شده و اعتماد بین مردم کمتر است لذا در عقد نکاح چند ماده جدید پیشنهاد می شود و پیشنهاد این مواد نتیجه ای تجربه های شخصی خودم است زیرا واقع شده که زن تا هنوز در قید نکاح مرد دیگر است و یا شوهرش وفات نکرده به عقد نکاح شخص دیگر آورده شده است.

1. اگر زن طلاق شده باشد ، طلاق نامه رسمی و یا شهادت دو شخص مؤمن و صالح که دیگران به امانتداری شان شهادت دهند در دست داشته باشد.
2. اگر زن بیوه است یعنی شوهرش وفات کرده ، شهادت وفات رسمی را داشته باشد و یا دو نفر شهادت دهند که شوهرش وفات کرده.
3. در خارج از افغانستان ، عقد نکاح زمانی صورت گیرد که طرفین عقد شانرا قبلاً در دفاتر رسمی شهری که زندگی دارند ثبت کرده باشند و وثیقه نکاح ثبت شده با نکاح نامه ای شرعی یکجا شود. نباید امامان مساجد و انجمن های اسلامی عقد را قبل از عقد رسمی انجام دهند تا حقوق زنان و مردان تلف نشود و در موضوع طلاق مشکلات که از عدم موجودیت عقد رسمی پیش می شود صحبت خواهیم کرد.
4. شروط که دختر و پسر می گذارند باید ثبت دفترهای رسمی در کشوری که زندگی دارند شود و در داخل افغانستان شروط در محکمه ثبت گردد.
5. شروط مخالف قرآن کریم نباشد و اگر باشد باطل است به معنی دیگر شرطی نباشد که حلال را حرام و حرام را حلال سازد. شروط که به مصلحت و منفعت

زن باشد از جمله شروط باطل نیست و بالای شوهر در صورت قبول آن در وقت عقد واجب است تا به مقتضای آن عمل نماید.¹⁰⁵

6. شهرت مکمل شاهدان (اسم ، محل سکونت نمبر تذکره یا ID یا نمبر پاسپورت) ثبت و وثیقه نکاح شود.

آیا عقد عرفی صحت دارد : در مورد عقد نکاح بصورت عرفی علامه شیخ محمد متولی الشعراوی می نویسد: بلی نکاح یا عقد ازدواج و نوشتن آن در ورق « کاغذ » عادی غیر رسمی که بنام عرفی یاد می شود ، اگر ارکان و شروط آن چنانکه در شریعت است صحیح باشد ، صحت دارد. ازدواج در اسلام یک عقد قولی است که به نطق کردن به ایجاب و قبول صحت می یابد و شاهدان باید کلمات ایجاب و قبول را بشنوند و بفهمند و بدانند. بعد از عقد نکاح بشکل عرفی باید نوشته شود و بعداً در دفتر رسمی ثبت شود تا حقوق طرفین عقد خصوصاً حق زن تلف نشود. اگر شروط نکاح در عقد عرفی مراعات نشود در این حالت ازدواج عرفی شرعاً حرام است.¹⁰⁶

تبصره: در افغانستان قانون احوال شخصیه أهل تسنن و أهل تشیع جداگانه و بصورت مستقل تدوین یافته و پیروان هر دو مذهب باساس قانون تدوین شده مسائل خانوادگی را حل و فصل می نمایند. ماده ای سوم این قانون تطبیق قانون را بالای أهل تشیع و کسانیکه خواستار آن باشند می داند. در ماده سوم آمده: این قانون بر أهل تشیع و اشخاصی که خواستار تطبیق آن شوند اجرا می گردد.

مشکل که قانون احوال شخصیه أهل تسنن و أهل تشیع دارد زیاد است مثلاً ماده ای 274 قانون احوال شخصیه أهل تشیع افغانستان متعه یا ازدواج مؤقت را شرعی می داند. در این ماده ذکر شده که: نکاح متعه عبارت است از اینکه مردی با شرایط مقرر در این قانون با زنی بصورت غیردایم ازدواج نماید. و در مقابل قانون احوال أهل تسنن نکاح متعه را حرام و از اعمال زنا می داند.

قانون توضیح نداده که اگر نکاح بین دختر از أهل تسنن و پسر از تشیع و یا برعکس باشد کدام قانون در مورد نکاح و طلاق تطبیق می شود. و آیا مرد از أهل تسنن

¹⁰⁵. در موضوع شروط مراجعه شود به: السید سابق ، فقه السنة الجزء الثاني صفحات 43 تا 48.

¹⁰⁶. فضل غنی مجددی ، مرجع سابق ، صفحات 386-387.

میتواند با دختر از اهل تشیع نکاح مؤقت بسته کند و اگر بین هر دو «زن و شوهر» مشکلات پیش آید به کدام قانون قاضی حکم می نماید.

قانون احوال شخصیه اهل تشیع افغانستان دست قاضی را با قانون بسته نموده و اجتهاد را برای قاضی اجازه نمی دهد. در ماده ای دوم احوال شخصیه اهل تشیع افغانستان آمده: مبنای احکام قانون شریعت اسلام مطابق فقه امام جعفر صادق (ع) است، با وجود حکم این قانون، قاضی نمی تواند به اجتهاد خود عمل نماید، ولی تفسیر قضایی از سوی قاضی معتبر است.

برای توحید قانون احوال شخصیه بهتر است کمیته مشترک انتخاب شود و مشکلات که قانون احوال شخصیه دارد روی آن بحث صورت گیرد و راه حل فقهی آن جستجو شود و بعد از مطالعه و موافقه ای فقهاء معاصر هر دو مذهب در قانون احوال شخصیه اهل تسنن و اهل تشیع تجدید نظر شود و موافقه به توحید بعض مواد قانون صورت گیرد در غیر آن در موجودیت دو قانون در یک کشور اسلامی با تفاوت های زیاد در روش فکری و مذهبی مشکلات بزرگ قانونی را در آینده بوجود خواهد آورد که راه حل آن مشکل میباشد. تا توحید و یافتن راه حل صحیح پیشنهاد می شود که دختر سنی مذهب اگر با پسر شیعه مذهب و یا برعکس ازدواج می کند بهتر است شرایط خود را ضمن وثیقه نکاح ثبت کند و در حالت عدم توافق و ادامه زندگی زوجیت با اساس موادیکه در شرایط آمده محکمه و قاضی حکم صادر کند در این صورت تا یک اندازه مشکلات حل و فصل می شود و حقوق طرفین حفظ می شود.

وقت و زمان عقد ازدواج :

در جامعه ای افغانی بعض عادات و رسم و روجها است که عقد نکاح را در روزهای مخصوص و ماه های مخصوص اجازه نمی دهند و متأسفانه این رسم و روجها در مرور زمان صبغه دینی بخود گرفته و مردم از آن پیروی می کنند. در اینجا لازم دیده می شود در مورد این موضوع نظر دانشمندان و علماء اسلامی را بیاوریم تا قضیه روشن گردد.

نکاح در بین دو عید: در این مورد علامه شیخ حسن بن مخلوف، مفتی دیار مصر سابقاً و رئیس جمعیت النهوض بالدعوة الإسلامية می نویسد:

عدم ازدواج و عقد در ماه های معین از معتقدات مردم عامی است و اصل در دین ندارد و می توان آنرا از جهالت مردم عادی دانست. در فتاوی که قبلاً داده بودم فساد این نوع معتقدات را اصلاح نمودم.

نکاح در ماه محرم: علامه دکتور یوسف القرضاوی در این موضوع می نویسد: این نوع اعتقاد اساس دینی ندارد، در اسلام ماه محرم از جمله چهار ماه حرام است که خداوند سبحانه و تعالی آنها را عظمت داده و درین چهار ماه اسلام جنگ را منع و حرام ساخته و همچنان گناه و تجاوز در این چهار ماه منع شده است.

ماه محرم باین عظمت که دارد مردم باید از آن استقبال کنند و در این ماه ازدواج هم خوب است و باید خود را از خیال و هوام که از سنت فاطمی ها در مصر و از میراث غالی ها شان است خلاص سازیم.¹⁰⁷

ازدواج صغیره:

در شروط عقد نکاح آورده شد که عقد صغیر و صغیره یعنی عقد نکاح در سن طفولیت و قبل از بلوغ جواز ندارد و مرتکب آن به محکمه کشانده میشود اما باین هم تا هنوز در مناطق دور دست افغانستان نکاح صغیره رواج دارد.

ازدواج زیر سن بلوغ یک ظاهره اجتماعی بسیار خطرناک است که مشکلات روانی و اجتماعی را سبب می شود. ازدواج در مرحله طفولیت از میراث و رواجهای دوران جاهلیت است و پدر نادان و دیکتاتور بدون در نظر داشت سن و رغبت دخترش را در مقابل پول به نکاح شخص سالمند می آورد. عقد صغیرات اسباب زیاد دارد بطور مثال:

1. فقر خانواده: فقر اقتصادی سبب عدم رسیدگی به امور اجتماعی مثل مشکلات مسکن، غذاء و تعلیم و تربیت اطفال می شود و خانواده فقیر کوشش می کند تا دختران شانرا در مقابل پول به نکاح در آورند.
2. رسم و رواجهای میراثی: رسم و رواجهای میراثی متأسفانه تا عصر حاضر در جامعه حاکمیت دارد و سبب عقد صغیرات می شود.
3. جهل و عدم دانش به دین و فرهنگ و ثقافت عامل عقد صغیرات است.

4. بی تفاوتی علماء و عدم مسئولیت نظام‌های سیاسی در تعلیم و تربیت دینی و اجتماعی در جامعه.

نتایج ازدواج صغیرات :

اول: نتیجه روانی: مریضی‌های روانی و عدم ثبات فکری و عصبانیت و در بسا موارد خودکشی عامل آن ازدواج در سن طفولیت است.

دوم: نتیجه اجتماعی: دختر خورد سال هویت اجتماعی را از دست می‌دهد و حساس میکند که شخصیت مستقل ندارد و از اندک‌ترین حقوق اجتماعی و کسب تعلیم محروم می‌شود.

بی بی سی در راپور اول جولای 2018 میلادی زیر عنوان «خودکشی دختران جوان در افغانستان» راپور مفصل را به نشر سپرده و در راپور یکی از اسباب خودکشی دختران جوان به نقل از یونسف آمده: ازدواج‌های اجباری و در این نوع ازدواجها سوم حصه دختران افغانستان قبل از سن چهارده به ازدواج داده می‌شوند. مؤسسه آسیا در سال 2017 عامل خودکشی را بین دختران فقرو نبودن چانس برای یافتن کار می‌داند. جمیله دختر هژده ساله ای افغان می‌گوید دست به خودکشی زدم زیرا نامزدم بعد از شش سال نامزدی قبول نکرد با من ازدواج کند. کمیته حقوق انسان افغانستان راپور می‌دهد که در حدود سه هزار زن در افغانستان در یک سال خودکشی می‌کنند و اکثر خودکشی در هرات است. انجمن صحت بین المللی راپور می‌دهد که یک میلیون شخص در افغانستان مبتلا به امراض روانی هستند و مؤسسه صندوق سکان ملل متحد راپور می‌دهد که هشتاد هفت درصد زنان افغان قربانی خشونت هستند و خشونت جسمانی و نفسانی و روانی مهمترین انواع خشونت است.

برای علاج این ظاهره اجتماعی تنها تطبیق و تقنین قوانین علاج نیست. علاج این مشکل در نشر تعلیم و تبلیغ در بین جامعه است و همچنان منع عقد نکاح صغیره و صغیر در غیر محکمه و در عدم حضور قاضی و عقد آن در دفترهای رسمی میتواند ممد واقع شود.

آیا ازدواج نصیب و قسمت است ؟

عده باین عقیده و باوراند که ازدواج و سعادت و شقاوت بدست انسان نیست و انسان در این موارد نقش ندارد و خداوند قبل از خلقت همه امور زندگی را ساخته و به اساس

این عقیده عدهٔ فکری می‌کنند که ازدواج نیز از جمله اموری است که انسان در مورد آن آزادی ندارد و سعادت و عقد و طلاق همه قبلاً تعیین شده است.

مسلمانان به قضاء و قدر خیر آن و شر آن ایمان دارند و عدم ایمان به قضاء و قدر انسانرا از دایره اسلام خارج می‌سازد اما مشکل در فهم و دانش از قضاء و قدر است. قضاء و قدر دو نوع است:

1. قدر ثابت و مطلق که قابل تغییر نیست و خداوند آنرا در لوح محفوظ ثبت نموده.

2. قدر معلق و یا قدر مقید مثل: اجل و رزق و عمر که در لوح محفوظ نوشته شده اما به حسب اعمال انسان قابل تغییر و تبدیل است مثلاً رزق با حفظ صلّهٔ رحم زیاد می‌شود.¹⁰⁸

ازدواج از جمله اموری است که خداوند انسان را به انجام آن امر می‌کند و رسول اکرم صلی الله و علیه و سلم جوانان را تشویق به ازدواج می‌نماید و این انسان است که تصمیم به ازدواج می‌گیرد و بعد از تصمیم کمک را از خداوند می‌خواهد. سعادت و شقاوت در زوجیت نیز ارتباط به روش زن و شوهر تعلق دارد نه اینکه سعادت و شقاوت امر و ارادهٔ خداوند است و غیر قابل تغییر میباشد.

در مورد حکم شیر خواریگی و عقد ازدواج :

در بین موانع شرعی در عقد نکاح فقط موضوع شیر خواریگی را به بحث می‌گیریم به دلیل اینکه جامعه سنتی افغانستان در این مورد شدید ترین حکم را انتخاب نموده است.

امام حسنین مخلوف در مورد سؤال شیر خواریگی می‌نویسد: هر وقت که شوهر خبر خوردن شیر را با زنش با صدق قبول کرد واجب می‌شود جدائی بین طرفین اگر مقدار شیر کم بوده باشد یا زیاد. این حکم در مذهب حنفی آمده. در مذهب شافعی و حنبلی و قول مشهور نزد امام احمد بر این است که زمانی حرمت به سبب شیر خوردن به میان می‌آید که پنج مرتبه در اوقات مختلف و در وقت و مدت شیر خورگی که از روز ولادت تا دو سالگی است اطفال با هم یکجا شیر خورده باشند و اگر پنج بار و در اوقات

مختلف و در سن معین نباشد حرمت بوجود نمی آید و در حالت شک در عدد سبب جدائی نمی شود. « در حالت شک باین معنی است که اگر زن شیر دهند در عدد شیردادن و وقت آن اطمینان کامل نداشته باشد و در شک باشد قولش قابل اعتبار نیست و حکم شیرخوارگی تطبیق نمی شود و حرمت بوجود نمی آید.». این حکم امروز در قوانین خانواده مدار اعتبار است و اکثر خانواده ها را از جدائی حفظ نموده است. بانک شیر:

در عصر حاضر همانطوریکه بانک خون در شفاه خانه موجود است ، بانک شیر مادر نیز موجود است و بعض اطفال را از بانک شیر ، شیر می دهند. در بانک شیر ، شیر مادران را حفظ می کنند. در این مورد مسلمانان توجه بیشتر داشته باشند و برای اداره شفاه خانه بگویند تا برای طفل شان از بانک شیر ، شیر ندهند و شفاه خانه ها این درخواست را احترام و عملی می نمایند. فقهای کنفرانس اسلامی در این مورد این فتوا را می دهند:

مجلس مجمع فقهی تابع کنفرانس اسلامی در دوره دوم خود در جده از تاریخ 10 تا 16 ربیع الثانی 1406 هجری مطابق 22 تا 28 دسمبر 1985 میلادی موضوع بانک شیر را مطالعه کرد و بعد از مطالعه و خواندن تحقیقات علمی و استماع مجلس فقهی طبی برای اعضای مجلس فقهی معلوم شد که:

1. بانک شیر یک تجربه جدید است و در کشورهای غربی بوجود آمده و این تجربه ایجابیات و سلبیات علمی و تخنیکی دارد.
2. اسلام شیر خوردن را مانند نسب دانسته و آنچه به سبب نسب حرام میباشد به اساس شیر خوردن نیز حرام می باشد و مقصد از شریعت حفاظت نسب است و بانک شیر اسباب برهم خوردن این حرمت می شود.
3. روابط اجتماعی در جهان اسلام برای مولود جدید ناقص در وزن (کم بودن وزن) و محتاج به شیر انسان در حالات خاص شیر انسان را بطریقت و صورت طبیعی آن آماده می سازد و ضرورت به بانک شیر نیست.

در روشنی معلومات و تحقیقات طبی مربوط به مجمع فقهای طب ، مجلس فقهی کنفرانس اسلامی این فیصله را صادر کرد:

اول: منع بانک شیر در کشورهای اسلامی.

دوم: تحریم این نوع شیر خوردن (حرمة الرضاع).¹⁰⁹

ازدواج از طریق اینترنت و وسائل جمعی:

نظربه پیشرفت تکنالوجی و وسائل الکترونی جمعی در جوامع اسلامی بعضاً ازدواج و عقد و موافقه از طریق این وسائل صورت می گیرد. خطر بزرگ در این نوع معامله در صحت معلومات است و ممکن مرد و یا زن معلومات غیر صحیح را بیک دیگر بدهند و بعداً معلوم شود که معلومات کاملاً کذب است و واقع شده که دختر عکس دختر دیگر را بجای عکس خود گذاشته است.

علماء باین نظر اند که اگر شرایط ایجاب و قبول و ارکان شرعی ازدواج از این طریق ضمانت شود در اینصورت میتوان عقد را قبول کرد. دکتور البدری در این مورد می نویسد: ایجاب و قبول و حضور دو شاهد اصل اول در انعقاد عقد ازدواج است و عقد به گرفتن و کیل در آن مانع شرعی نیست و اگر تمام این شرایط از طریق اینترنت و وسائل جمعی آماده باشد مانع در عقد نیست.

در عقد از طریق اینترنت بعض امور انجام می یابد که صحت عقد را ناقص می سازد مثلاً عدم معرفت بین طرفین عقد ، عدم وحدت مجلس عقد و همچنان نبودن شاهدان . بسیار واقع شده که یکی از طرفین عقد طرف دیگر را فریب داده و معلومات غیر صحیح تقدیم کرده است. فریب کاری از طریق اینترنت ممکن است و ممکن است بعد از انعقاد عقد این فریب و حيله کشف شود که به مصلحت طرفین نباشد. در عقد از طریق و وسائل جمعی توجه بیشتر باشد.¹¹⁰

پیشنهاد به مراکز اسلامی و انجمن های اجتماعی :

در اکثر مراکز اسلامی و انجمن های اسلامی در امریکا و کانادا دفاتر خاص برای انتخاب شریک زندگی و کمک جوانان برای دریافت شریک زندگی تأسیس شده و انجمن فقه اسلامی در امریکا که بنده مسئولیت آنرا بعهده دارم در این مسأله بیطرف نبود و تا حال چند دختر و پسر از طریق این انجمن ازدواج کرده اند و زندگی با سعادت دارند.

¹⁰⁹ . فضل غنی مجددی ، بحث های دینی و فتوا های فقهی ، صفحات 388-389.

¹¹⁰ . فضل غنی مجددی ، خانواده در اسلام ، صفحات 41-42.

در داخل افغانستان مساجد و مراکز اسلامی و پوهنتونها وظیفه و مسئولیت دارند تا این نوع مراکز را تأسیس نمایند و جوانان را در امر ازدواج کمک نمایند و سمینار و کنفرانسها در موضوع اهمیت ازدواج ترتیب دهند تا جوانان اهداف ازدواج و روش انتخاب شریک زندگی را بیاموزند.

در کشور های غربی مساجد و مراکز اسلامی و انجمن های اجتماعی و فرهنگی افغانی این مسأله را اهمیت نمی دهند و بحث روی این موضوع را عیب می دانند . مراکز اسلامی و مساجد افغانی در امریکا و اروپا برای حل مشکلات خانواده پلان و برنامه ندارند و برای خانواده ها مشوره نمی دهند و همچنان در مورد طلاق کاملاً بیطرف اند و نمی خواهند این مشکل بزرگ اجتماعی را حل نمایند. در عدم همکاری مساجد و مراکز اسلامی افغانی حقوق زنان بطور عموم و بعضاً حقوق مردان بطور خاص مراعات نمی شود خصوصاً اگر نکاح نامه ها در دفاتر رسمی ثبت نشده باشد حق مشروع زنان تلف می گردد و در این مورد مثلهای زیادی موجود است که جهت حفظ نام خانواده ها از ذکر آن معذرت می خواهیم.

امید است بعد از مطالعه این تحقیق مساجد و مراکز اسلامی افغانی در کشور هایی غربی و مساجد و انجمن های اجتماعی در داخل افغانستان متوجه این امر خطیر و مهم در زندگی اجتماعی مردم افغانستان باشند و در هر مسجد و انجمن شعبه خاص بنام «شعبه یا کمیته ازدواج» تأسیس شود و جوانان را رهنمائی نمایند تا ضمیمه ازدواج اسلامی بین جوانان مسلمان آماده گردد.

فصل پنجم

آغاز زندگی زوجیت

با امضاء عقد نکاح و ایجاب و قبول زندگی زوجیت بصورت قانونی آغاز می شود. عقد ازدواج حقوق و وجایب را بوجود می آورد. حق بدون واجب و حقوق بدون وجایب در هیچ قانون و جامعه نیست هر جا حق است در مقابل آن واجب می باشد و طرفین عقد مکلف به احترام حقوق و اداء وجایب می باشند. باید خاطر نشان ساخت که وجایب در صورت بوجود می آید که حقوق مراعات شود به معنی دیگر وجایب زاده و حاصل حقوق است و در صورت عدم احترام و اداء حق واجب بوجود نمی آید.

از آغاز زوجیت زندگی حقیقی شروع و خیال و آرزوها به حقیقت تبدیل و مسئولیت مشترک در زندگی بوجود می آید. سعادت و شقاوت در زندگی ارتباط مستقیم به احترام حقوق و اداء وجایب دارد نه به نصیب و قسمت و خانواده زمانی با سعادت و خوشبخت می باشد که افراد آن حقوق یکدیگر را مراعات و احترام و وجایب شانرا در مقابل یکدیگر اداء نمایند.

خداوند سبحانه و تعالی ازدواج و نظام خانواده را امر شرعی بین زن و شوهر می داند و برای ادامه و بقاء و حمایت خانواده اسلام حقوق و وجایب را بالای زن و شوهر گذاشته و حمایت خانواده را مربوط به مراعات و احترام حقوق و اداء وجایب می داند. حقوق و وجایب رابطه بین زن و شوهر را تقویت و نظام خانواده را از انهدام حفظ و سعادت را بین زن و شوهر بوجود می آورد و درخت سعادت و محبت و مودت و آرامش در دایره ای احترام و اداء حقوق و وجایب نمو و به مرور زمان تقویت می گردد.

نظام خانواده اولین نظام اجتماعی دینی از خلقت آدم علیه السلام و حواء در زمین است. خداوند در این مورد می فرماید: «هو الذی خلقکم من نفس واحدة و جعل منها زوجها لیسکنن الیها» (الأعراف: 189). اوست آنکه پیدا کرد شما را از یک شخص و پیدا کرد از آن یک شخص زنش را تا آرام گیرد با وی.

ربانیت و معنویت رابطه بین زن و شوهر را استحکام می بخشد و حقوق و وجایب را یک امر دینی بالای زن و شوهر واجب می سازد. زندگی زوجیت ثابت و دوام دار نمی باشد مگر به رعایت حقوق و وجایب از جانب طرفین.

رابطه زوجیت از منظور اسلامی قویترین و مستحکم ترین رابطه ای اجتماعی است و اسلام قوت رابطه و استحکام آنرا بین افراد خانواده خصوصاً بین زن و شوهر می خواهد. در فرهنگ اسلام رابطه زوجیت مظهري از مظاهر تکمیل اخلاق و نمو ایمان است. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می فرمایند: «أكمل المؤمنین إیماناً أحسنهم خلقاً و خيارکم خيارکم لئنسائکم». کامل ترین مؤمنان از ناحیه آنان اند که اخلاق شان بهتر باشد و بهترین شما آنهایی هستند که با همسران شان بهترین رفتار را داشته باشند.

در حدیث مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و سلم رابطه بین زن و شوهر را بعد اخلاقی و ایمانی میدهد و در حدیث مبارک دیگر می فرمایند: «خيارکم خيرکم لأهله». بهترین شما ، بهترین تان با خانواده خود است یعنی بهترین مردان آن مرد است که با زن خود بهتر باشد. در حدیث دیگر می فرمایند: بهترین شما آنهایی هستند که با زن و فرزندان خود بهترین رفتار را داشته باشند و من برای خانواده ام از همه شما بهترم. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم زنان را نیز متوجه می سازد و می فرمایند: اگر سجده بغیر از خداوند می بود ، زن را امر می کردم تا به شوهرش سجده کند.

از احادیث نبوی استنباط می شود که رابطه بین زن و شوهر رابطه ربانی و اخلاقی است و این رابطه در دائره ای حقوق و وجایب است و در عدم احترام و مراعات حقوق و اداء وجایب رابطه بین زن و شوهر مستحکم و اخلاقی و ربانی نبوده و بزودی به زوال میرسد.¹¹¹

خداوند از عقد ازدواج به نام «میثاق غلیظ» یعنی تعهد و پیمانی بسیار با اهمیت و مورد احترام یاد فرموده و التزام به مسئولیتهای آنها را واجب گردانیده است و در واقع این پیمان دو طرفه حقوق و مسئولیتهای خاص و مشترکی را برای مرد و زن در پی دارد. هدف از حقوق و واجبات کسب سعادت و استقرار داخل خانه و خانواده

¹¹¹. دکتو محمد شیخ عبدالله، الأسرة المسلمة والتحديات الغربية المعاصرة، ص 47

میباشد. حقوق و مسئولیتهای اعضای خانواده به اساس « عدالت » قرار دارد، عدالتی که همه نظامهای اجتماعی بایستی بر اساس آن استوار گردند.¹¹²

همانطوریکه جامعه ای اسلامی معاصر نظر به جامعه اسلامی چند قرن قبل در تمام شئون زندگی تفاوت نموده بهمان اندازه در ساحت حقوق و واجبات نیز تغییرات رخ داده. حقوق و واجبات در عصر حاضر شاملتر و کاملتر با مقارنه با گذشته است و در اکثر ساحت زندگی حقوق بصورت مساوی بین زن و شوهر شده است و امروز تنها شوهر قادر به تحمل همه مسئولیتهای خانواده شده نمی تواند و در پیشبرد امور زندگی اشتراک زنان حتمی و ضروری است. خارج شدن زن از خانه برای کار و کسب معاش و هم سویه شدن زن در امور تعلیم و تربیت و اقتصاد با شوهر، ازواج با دختران اهل کتاب حقوق و آزادی کار و عبادت را تثبیت نموده و عصر حاضر با مشکلاتی که دارد اثرات مثبت و منفی را در ساحت حقوق و واجبات بجا گذاشته است که در این تحقیق تغییرات جامعه در نظر گرفته شده است.

قبل از اینکه در موضوع حقوق و واجبات زن و شوهر بحث شود لازم دیده می شود تا خطاب اسلام را نسبت به مرد و زن مورد بحث قرار داد. قرآن کریم مرد و زن را به روش مساویانه و عادلانه و بدون تبعیض خطاب می کند و تعصبات و دوگانگی بین زن و مرد را در حقوق و واجبات از روش جاهلیت می داند. اسلام زن و مرد را مشترکاً این طور خطاب می نماید :

اول- انسانیت زن: قرآن کریم در انسانیت (انسان بودن) بین زن و مرد تساوی را اعلان نمود و هر دو را از اصل واحد دانست و در قرآن کریم می خوانیم: «یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بث منهما رجلاً کثیراً و نساء و اتقوا الله الذی تسألون به و الارحام إن الله کان علیم رقیباً» (النساء: 1). ای مردم! از پروردگار خود بترسید، آن پروردگاری که شما را از یک نفس (انسان) بیافرید و از آن (انسان واحد) همسر او را خلق نمود و از آن دو تن مردان و زنان بسیار منتشر فرمود، و بترسید از آن خدائی که به (نام) او از یکدیگر در خواست و همدگر را سوگند میدهید و بترسید از (قطع رشتیّه) ارحام، بی شک که خداوند مراقب (اعمال و احوال) شما است.

¹¹² دکتر وهبه زحیلی، فقه خانواده در جهان معاصر، ترجمه: عبدالعزیز سلیمی، ص 116

دوم- مسئولیت: قرآن کریم زن را مانند مرد مسئول می‌داند و در خلافت خداوند برای آبادی زمین زن را با مرد شریک می‌سازد. «و اذ قال ربک للملائکه اینی جاعل فی الأرض خلیفه، (البقره: 30). و هنگامیکه پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در زمین خلیفه می‌آفرینم. آیه مبارکه از خلافت انسان خبر می‌دهد و خلافت را مربوط به مرد نمی‌داند و آنرا شامل مرد و زن می‌سازد. خداوند مرد و زن را امر به آبادی زمین می‌کند و مسئولیت را بین هر دو مشترک می‌سازد. «هو اُنشاکم من الأرض و استعمرکم فیها» (هود: 61). او شما را از زمین پدید آورد و در آن شما را استقرار داد. کلمه استقرار شامل حال مرد و زن است باین معنی که زن و مرد در آبادی زمین و استفاده از آن حق مساوی را دارند و چون صاحب حق مشترک اند لذا در مسئولیت و اداء واجبات نیز مشترک می‌باشند.

سوم - شخصیت مستقل: زن در اسلام دارای شخصیت مستقل است. قرآن کریم از بیعت نسوان با رسول اکرم صلی الله علیه و سلم به صورت مستقل یاد می‌کند. «یا ایها النبی اذا جاءک المؤمنات ینابیعک علی أن لا یشرکن بالله شیئاً و لا یسرقن و لا یزنین و لا یقتلن اولادهن و لا یأتین ببهتان ینفترینه بین ایدیهن و أرجلهن و لا یعصینک فی معروف فبایعهن و استغفرلهن الله و ان الله غفور رحیماً». (الممتحنه: 12). ای پیامبر، چون زنان با ایمان نزد تو آیند که (با این شرط) با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند، و دزدی نکنند، و زنا نکنند، و فرزندان خود را نکشند و بچه‌های حرامزاده پیش دست و پای خود را با بهتان (و حيله) به شوهر نیندند، و در (کار) نیک از تو نافرمانی کنند، با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه، زیرا خداوند امرزنده و مهربان است.¹¹³

از مطالعه قرآن کریم و سنت نبوی صلی الله علیه و سلم باین نتیجه میرسیم که زن و مرد در مکلفیت‌های دینی و مدنی و حقوقی بصورت عام مستقل اند و بهمین ترتیب در برابر داشتن حق مکلف به اداء واجب نیز می‌باشند. عقد ازدواج با حفظ حقوق مستقل برای زن و شوهر، حقوق مشترک و وجایب مشترک را بوجود می‌آورد زیرا شراکت در زندگی مکلفیت‌ها و حقوق مشترک را می‌خواهد. بعض حقوق مربوط به شوهر و بعض

¹¹³ السید قطب «المرأة فی الظلال القرآن» ترتیب و تنظیم: عکاشة عبدالمنان الطیبی، دار الفضیلة، القاهرة.

حقوق مربوط به زن است و همچنان حقوق مشترک بین زن و شوهر می باشد که طرفین در مقابل حقوق مشترک و جایب مشترک نیز دارند .

حقوق و وجایب سه نوع است:

1. حقوق زن و وجایب او.
2. حقوق شوهر و وجایب او.
3. حقوق و وجایب مشترک بین زن و شوهر.

حقوق زن بالای شوهر:

حقوق زن از منظور اسلامی بالای شوهر واجب است. خداوند می فرماید: «ولهن مثل الذی علیهن بالمعروف» (البقرة: 228) . و زنان را حقوقی است چنانکه بر آنها واجباتی است بوجه پسندیده و مشروع (طوریکه مردان حقوق و مکلفیت دارند زنان نیز دارای حقوق و مکلفیت میباشند).

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در واجب بودن حقوق زنان بالای شوهران می فرماید: «إن لكم من نساءكم حق و لنساءكم علیکم حقاً». شما بالای زنان تان حق دارید و زنان شما بالای شما حق دارند.¹¹⁴

حقوق زن عبارت است از: حقوق دینی و مذهبی، معنوی، سیاسی، مدنی و حقوق مادی.

اول — حقوق دینی و مذهبی زن:

خداوند مرد و زن را به هدف عبادت خلق نموده و در امر عبادت بین زن و مرد در اسلام تفاوت نیست. در قرآن کریم می خوانیم: «و ما خلقت الجن و الأنس إلا لیعبدون» (الذاریات: 56). و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند. قرآن کریم در عبادت و پرستش خداوند مرد و زن را یکجا و بطور مساوی خطاب و هر دو جنس را بنام انسان یاد و آزادی عبادت را اعلان و انسان را دعوت به تعبد کرد.

آزادی عقیده اصل قبول شده در اسلام است. دکتر محمد الزحیلی در مقدمه کتاب اش بنام «الحرية الدينية في الشريعة الإسلامية - ابعادها و ضوابطها» در موضوع

¹¹⁴ . روایت کرده الترمذی در باب: ما جاء فی حق المرأة علی الزوج رقم الحدیث 2141 و صححه السیوطی فی الجامع الصغیر.

آزادی های دینی می نویسد: حریت دینی از اولویات دعوت انبیاء و رسل و شعار اول هر نبی و رسول بود. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم آزادی دینی را اعلان و قرآن کریم در آیات متعدد آزادی عقیده و انتخاب دین را تثبیت نمود.¹¹⁵ متفکرین معاصر اسلامی باین باور و عقیده اند که حریت دینی یکی از مقدس ترین حق انسان است و دین ارتباط به عقیده و ایمان و فکر و قلب دارد. در فرهنگ اسلامی دین جزء فطرت است و با انسان یکجا تولد می شود. استاد سعید کامل معوض حریت اعتقاد و آزادی دینی را مقام ارجمند می دهد و می نویسد: آزادی عقیده مادر تمام آزادی ها است.¹¹⁶

زن بعد از ازدواج آزادی کامل دارد تا قسمیکه می خواهد عبادت کند. خواندن نماز، حاضر شدن به نماز های فرض و جمعه و نماز تراویح در ماه مبارک رمضان در مساجد از حق دینی زن است. رفتن به مسجد حق مشروع زن است و زنان در عصر رسالت و خلافت راشدین با مردان یکجا برای اداء نماز جماعت حاضر می شدند. حضرت عبد الله بن عمر رضی الله عنهما در باب حضور زنان در مسجد این حدیث را روایت می کند: «لا تمنعوا إماء الله مساجد الله». مطالعه این حدیث مبارک برای زنان و مردان بسیار مفید است. حدیث ابن عمر که گفت: عمر را زنی بود که در نماز صبح و خفتن برای جماعت میرفت، کسی برایش گفت: چرا از خانه می برائید و میدانید که عمر (رضی الله عنه) از روی غیرت آنرا مکروه و بد می شمارد؟ آنزن گفت: چه چیز او را وامیدارد که مرا منع نمی کند؟ گفت: او را قول پیامبر صلی الله علیه و سلم مانع میشود که فرموده اند: «کنیزهای خداوند را از مساجد خداوند منع نکنید».¹¹⁷ حتی به مقام امیر المؤمنین عمر بن الخطاب رضی الله عنه حق منع زنان را از رفتن به مساجد نداشت اما متأسفانه امروز شوهر و یا یک عالم عادی این حق را برای خود میدهد که زنان را از رفتن به مساجد منع نمایند و آن هم بنام اسلام. آیا جهالت از این بیشتر می تواند باشد؟ این گروه از مسلمانان احادیث زیادی را در مورد منع زنان از رفتن به مساجد می آورند. ابن حزم احادیث که در موضوع منع زنان از مساجد آمده همه را باطل می داند. امام محمد الغزالی احادیث منع زنان را به مساجد بررسی میکند و می نویسد که این احادیث در صحیح البخاری و مسلم نیست و احادیث منع زنان همه و در مجموع رد و

¹¹⁵. فضل غنی مجددی، روش فکر معاصر اسلامی، ص 377.

¹¹⁶. فضل غنی مجددی، همان مرجع و همان صفحه.

¹¹⁷. لؤلؤ و مرجان، ترجمه: محمد حنیف (حنیف) بلخی، جلد سوم، حدیث نمبر 254.

ترک و منکر است و این نوع احادیث در عصر های عقب گرائی مسلمانان و دوری از سنت صحیح روی کار آمد.¹¹⁸

در شرایط معاصر که اکثریت شوهران و پدران قادر نیستند زنان و دختران شانرا در امور اسلامی کمک کنند و ایشانرا درس دین دهند در این حالت تنها مسجد باقی می ماند که وظیفه دینی و علمی را انجام دهد لذا باید زنان به مسجد حاضر باشند. از حق مرد نیست که زن خود را از رفتن به مسجد منع کند مگر اینکه دلیل قوی موجود باشد ، رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می فرماید: « لا تمنعوا أماء الله مساجد الله » زنان را از رفتن به مساجد خداوند منع نکنید.¹¹⁹

دادن زکات ، گرفتن روزه ماه مبارک رمضان ، رفتن به حج از جمله حقوق ثابت زن در جامعه ای اسلامی است. اجتناب از محرّمات و منکرات برای مرد و زن است و شوهر حق ندارد زنش را وادار و مجبور به عمل منکر یا زشت نماید. شوهر حق ندارد به حریم دینی و عقیده تی زن تجاوز کند و زن را از اداء نماز و داشتن حجاب منع کند و زن را تشویق و امر به رقصیدن و بی حجابی در محافل عمومی سازد و اگر شوهر به حقوق دینی و عقیده تی زن تجاوز نماید اطاعت شوهر بالای زن واجب نیست و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در این مورد می فرماید: طاعت مخلوق در معصیت خالق نیست. اگر شوهر بد اخلاق و فاسق باشد و حدود شریعت را مراعات نکند از حق زن است تا او را نصیحت کند و اگر به عمل منکر ادامه داد از حق زن است تا طلاق را مطالبه کند و قاضی باید طلاق او را بدهد.

در گذشته مشکلات مذهبی در جوامع اسلامی و خصوصاً افغانستان احساس نمی شد اما دستهای خارجی خصوصاً بعد از اشغال عراق و افغانستان و جنگها در یمن و سوریه تعصبات مذهبی و اختلافات مذهبی را بین مسلمانان دامن زدند و افغانها نیز باین مریضی مبتلاء شدند. مسلمانان به دو مذهب تقسیم شده اند: شیعه و سنی. اگر ازدواج بین شیعه و سنی صورت می گیرد هر کدام حق دارد تا مطابق مذهب خود عبادت کند و هیچیک حق فشار و اکراه را در تغییر مذهب طرف دیگر ندارد و باید حق عبادت و پیروی از مذهب معین قبل از عقد نکاح بین دختر و پسر حل شود. مرد

¹¹⁸. الدکتور یوسف القرضاوی ، الشیخ الغزالی کما عرفته ، ص 264.

¹¹⁹. فقه اسلامی ، شماره 240 اپریل 2018م

سنی باید معتقدات زن شیعی خود را احترام داشته باشد و به مقدسات او تعرض نکند و همچنان زن شیعی نباید مقدسات شوهر سنی را توهین کند و به امهات المؤمنین و صحابه توهین نماید. زن و شوهر مسلمان (سنی و شیعی) کوشش کنند تا داخل مشترکات بین دو مذهب زندگی و از اختلافات فقهی دوری نمایند.¹²⁰

زن اهل کتاب یعنی یهودی و نصرانی بعد از ازدواج با مرد مسلمان از حق عبادت محروم نمی شود. مرد مسلمان قبل از ازدواج با دختر اهل کتاب متوجه آینده خود و تربیه اولاد باشد اما بعد از عقد نکاح مجبور و مکلف است تا معتقدات زن را احترام نماید و زن را از رفتن به کلیسا و اگر یهودی باشد از عبادتگاه یهودیان منع نکند.

با چند زن غیر مسلمان از اهل کتاب مباحثه و مناظره داشتم و در جریان مباحثه گفتند: اگر اسلام همین است که شوهران ما به آن عمل می کنند، یک دین خوب و پسندیده نیست. شوهران ما نماز نمی خوانند، قمار می زنند و روزه نمی گیرند و شراب می نوشند و دروغ می گویند و ما را از این اعمال به دلیل اینکه مخالف اسلام است منع می نمایند. خوشبختانه بعد از چند سال یکی از این زنان را که یهودی بود دیدم حجاب دارد و برای مهاجرین افغانستان در امریکا خدمت می کند، از او پرسیدم اسلام را قبول نمودید؟ گفت الحمد لله بعد از اینکه دین اسلام را مطالعه نمودم مسلمان شدم و همانطوریکه پدر و مادر یهودی خود را خدمت می کنم مادر شوهرم را نیز خدمت می کنم و این روش را از اسلام آموختم.¹²¹

دوم — حقوق مدنی :

الف - حفظ نام خانواده: حفظ نام و لقب خانواده از حقوق مدنی زن بعد از ازدواج است و شریعت اسلامی حفظ نام خانوادگی را در جمله حقوق مدنی زن می داند. اگر زن به اراده آزاد نام خانوادگی شوهر را انتخاب می کند این هم از جمله حق مدنی اش است.

¹²⁰ . فضل غنی مجددی ، مطالعه تمهیدی در فقه حنفی و جعفری (توافق و تفاوت) طبع چهارم ، امریکا 2010.

¹²¹ . فضل غنی مجددی ، خانواده در اسلام ، صفحات 107-108.

در حفظ نام خانوادگی مرجع مهم برای محققین جوان تفسیر فی الظلال القرآن اثر شهید علامه سید قطب و همچنان کتاب حقوق انسان تألیف دکتر عبدالواحد مفید است.¹²²

در قانون مدنی اسلامی، زن حق گرفتن طلاق را دارد و حق دارد تا در وقت عقد نکاح شرایط خود را ثبت کند. اگر شوهر نظر به درخواست زن طلاق او را ندهد محکمه اسلامی باید طلاق او را بدهد و در کشوری که محاکم اسلامی نیست مراکز اسلامی و مساجد و انجمن های اسلامی و اجتماعی وظیفه دارند تا از حق مدنی زن در طلاق حمایت و طلاق او را بدون اینکه شوهر رضایت داشته باشد بدهند.

ب- حق شهادت:

شهادت در فرهنگ اسلام امتیاز و فضیلت نیست که انسان آنرا بدست می آورد. شهادت در اسلام مسئولیت بزرگ می باشد که اکثر مرد ها از قبول آن ابا می ورزند. قرآن کریم زن و مرد را در مورد شهادت یکجا مخاطب می نماید و برای شهادت نصاب را تعیین میکند.

شهادت زن در عدم فهم صحیح از نصوص شریعت بیک قضیه بسیار مهم و قابل بحث و جنجال برانگیز تبدیل شده است و اکثر مسلمانان حتی بعض از علماء شهادت زن را کاملاً انکار می نمایند. در قرآن کریم در موضوع شهادت می خوانیم: «و استشهدوا شهدین من رجالکم، فإن لم یكونا رجلین فرجل و أمرأتان ممن ترضون من الشهداء، أن تضل إحداهما فتذكر إحداهما الأخری» (البقرة: 282). و گواه بگیرید دو شاهد از جمله مردان تان و اگر دو مرد نباشد پس یک مرد و دو زن از جمله شاهدانی که به آنها راضی شوید تا اگر یکی از دو زن فراموش کند دیگری بخاطر داشته یکدیگر را یاد دهانی نمایند. قرآن کریم در مورد شهادت نصاب را تعیین می کند نه جنسیت را.

اسلام حق زن را در شهادت تشبیه و اما او را مجبور به این امر نمی سازد اما متأسفانه در فکر دینی نزد عده ای از مسلمانان، زن حق شهادت را اصلاً ندارد و این گروه از مسلمانان شهادت زن را در تمام اموری که در آن شهادت ضرورت است نمی پذیرند خصوصاً در قصاص و شرف و عزت مردم در حالیکه قرآن کریم حق شهادت را برای مرد

¹²². فضل غنی مجددی، در نظام دولت اسلامی، فصل حقوق زن در دولت اسلامی، ص 164.

و زن تشبیت و نصاب را تعیین کرده است. ابن حزم می گوید که عدم قبول شهادت زنان در حدود و قصاص در سنت نبوی اصل ندارد.¹²³

ابن حزم در مورد حق مدنی زن در شهادت می گوید: در امر زنا جواز نیست کمتر از قبول چهار شاهد مرد عادل مسلمان و یا در بدل یک مرد دو زن مسلمان عادل، و در سائر حقوق مانند حدود، قصاص، نکاح و طلاق شهادت دو مرد مسلمان و عادل و یا در بدل یک مرد دو زن عادل و مسلمان است.¹²⁴

از زبیر بن الخریث روایت شده که مرد نشه زن خود را سه مرتبه طلاق داد و چهار زن در حضور عمر رضی الله عنه شهادت دادند و عمر شهادت شانرا پذیرفت. سفیان بن عیینه می گوید: علی بن ابی طالب رضی الله عنه شهادت چهار زن را در قتل پذیرفت. امام زهری می گوید: روایت که از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و حضرات ابوبکر و عمر رضی الله عنهما شده که شهادت زن در نکاح و طلاق و حدود صحت ندارد، این روایت را اسماعیل بن عیاش روایت کرده و روایت او صحت ندارد و ضعیف است.¹²⁵

محمد الغزالی می گوید: قرآن کریم و سنت نبوی نصاب شهادت را مربوط به جنسیت (زن و مرد) نساخته و نصاب در شهادت در دین اسلام ثابت و از مصلحت اسلام نیست که نظریه فقهی که برای اسلام ضرر می رساند آنرا گرفت.¹²⁶

از مطالعه نصوص شرعی باین نتیجه میرسیم که شهادت از حقوق مدنی زن است و زنان مسلمان باید برای دفاع از این حق مدنی خود مبارزه نمایند.

سوم — حقوق سیاسی زن:

زن بعد از ازدواج از حق سیاسی و تولی مناصب عالی در دولت و عضویت مجلس شورای ملی محروم نمی شود و شوهر باید حق سیاسی و معتقدات سیاسی زنش را احترام نماید. مخالفین حق سیاسی زن و تولی اش به مناصب عالی دولت دلیل شانرا از حدیث که امام بخاری از ابوبکره رضی الله عنه روایت نموده اند می گیرند. امام محمد الغزالی و علامه شیخ القرضاوی در مورد این حدیث مبارک می گویند: «لن

¹²³ محمد الغزالی، السنة النبویة بین أهل الفقه.. وأهل الحدیث، صفحات 66-67.

¹²⁴ محمد الغزالی، همان مرجع و همان صفحه.

¹²⁵ فضل غنی مجددی، روش فکر معاصر اسلامی، صفحه 455.

¹²⁶ محمد الغزالی، همان مرجع، صفحات 68-69.

یفلح قوم و لو أمرهم امرأة» فلاح و کامیابی نیست برای قومیکه زن ولایت شان را داشته باشد. ولایت معنی آن ریاست دولت است و اما بعض امور است که در آن ولایت زن ممانعت نشده مثل ولایت در فتوا، اجتهاد، تعلیم و روایت احادیث و اداره دولت و این ولایت ها به اجماع برای زن جواز دارد و امام ابو حنیفه منصب قضا (قاضی) را برای زن جواز میدهد یعنی زن می تواند قاضی باشد.

امام محمد الغزالی در مورد حدیث شریف در باب ولایت زن که سبب فلاح نیست می نویسد: جواز ندارد که اسباب ورود حدیث و مورد خاص آنرا نادیده گرفت و مضمون آنرا بصفت مطلق و عام شمرد و این روش کاملاً مخالف مقصد شارع یعنی قانون گذار است. الغزالی ادامه داده می گوید: علماء اصول در این قضیه با هم اختلاف دارند: آیا عبرت به عموم لفظ است و یا به خصوص سبب؟ و جمهور عبرت به عموم لفظ را رجحت می دهند.¹²⁷ امام الغزالی سبب را در مورد ورود حدیث می گوید: حدیث در مورد امپراطوره فارس است که بعد از وفات امپراطور دخترش پوران بنت کسری ریاست دولت را بدست گرفت و حدیث در موضوع خاص و موقعیت خاص می باشد.¹²⁸ ابن حزم می گوید: اسلام برای زن تولی هیچ منصب را مانع نشده است، فقط خلافت بزرگ را مانع گردیده.

امام محمد الغزالی از زنان غیر مسلمان مثال می آورد و می گوید صدر اعظم دولت نام نهاد اسرائیل در جنگ شش روزه بزرگترین جنرال ها و مارشال های مسلمان را که از طبقه مردان بودند شکست داد و بهترین خدمت را برای ملت خود انجام داد در حالیکه زن بود. اندرا گاندی یک زن بود مارشال یحیی خان را شکست داد و بنگدیش را از پاکستان جدا ساخت.

عده معنی و مفهوم «قوامه» را صحیح نفهمیده اند و تصور کرده اند که شوهر در دفتر کار زن نیز باید تسلط داشته باشد. الغزالی ادامه میدهد و می گوید: اگر زن طیب باشد و در شفاخانه کار کند شوهر حق مداخله در کارش را ندارد.¹²⁹

¹²⁷. الدكتور يوسف القرضاوی، الشيخ الغزالی كما عرفته، طبع اول 2001 م ص 202.

¹²⁸. فضل غنی مجددی، روش فکر معاصر اسلامی، ص 473.

¹²⁹. محمد الغزالی، السنة النبوية بين أهل فقه وأهل حدیث، صفحات 55-56-57.

در عصر حاضر زنان مانند مردان در ادارات دولتی کار می کنند و به وظایف بزرگ رسیده اند و در مسائل سیاسی نظریات معین دارند و ممکن است نظریات سیاسی زن با نظریات سیاسی شوهر متفاوت باشد و ممکن است شوهر در حزب سیاسی و زن در حزب سیاسی دیگر باشد در این حالت زن حق دارد از حزب خود دفاع کند و به کاندید حزب خود رأی دهد در این مسائل تسلط مرد بالای زن قابل بحث نیست و این حق قانونی زن است.

بروز دو شنبه 2 جولای 2018 میلادی خانم سعاد عبدالرحیم بحیث رئیس بلدیة شهر تونس، پایتخت تونس انتخاب شد. خانم سعاد در رشته فارسی دکتوراه دارد و در اول انتخابات بعد از پیروزی مردم تونس علیه حکومت استبدادی بن علی عضویت حرکت نهضت اسلامی تونس را بدست آورد و در سپتمبر 2017 عضویت دفتر مرکزی نهضت اسلامی را بدست آورد. حرکت نهضت اسلامی تونس شاخه از اخوان المسلمین جهانی است. خانم سعاد حجاب ندارد و در تونس مشهور به پوشیدن لباسهای قشنگ اروپائی است. اتحادیه احزاب مخالف مارشال سیسی که اخوان المسلمین اکثریت آنها می سازد یک خانم را بحیث رئیس اتحادیه احزاب مخالف کودتای مصر انتخاب کردند. در حرکات های اسلامی یا اسلام سیاسی زنان مواقف سیاسی مهم را در عصر حاضر بدست دارند. در امریکا دختران جوان مسلمان در اکثر انجمن های سیاسی و انجمن های غیر انتفاعی و میدیا نقش بیشتر را نسبت به مردان دارند و در انجمن دعوت اسلامی افغانان مقیم امریکا (آمو) اکثریت را دختران دارند و تقریباً تمام رؤساء شعبه های آمو را دختران جوان رهبری می کنند.

در اسلام امر به معروف و نهی از منکر که یک عمل اداری و دعوتی و سیاسی است و بالای زن و مرد واجب است و این امر مخصوص مردان نیست. در قرآن کریم میخوانیم: «المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولیاء بعض یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یقیمون الصلوة و یؤتون الزکاة و یطیعون الله و رسوله أولئک سیرحمهم الله إن الله عزیز حکیم» (التوبة: 71). و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده و امی دارند، و از کارهای ناپسند باز می دارند، و نماز را برپا می کنند و زکات می دهند، و از خدا و پیامبرش فرمان می برند، آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد، که خدا توانا و حکیم است.

زن مسلمان حق اشتراک در احزاب سیاسی و کارهای دولتی را دارد و در مقابل این حق از وجایب زن مسلمان است که با احزاب ضد اسلامی و با ایدلوژی های منفی ایدلوژی اسلامی و با نظام های سیاسی فاسد و استبداد عسکری و تحت اشغال خارجی همکاری نداشته باشد و همچنان در کارکردن خارج از منزل مصلحت خانه و اولاد را مقدمتر بداند و کاری انجام ندهد که منافع علیای خانواده متضرر شود و مشوره با شوهر در اداره خانه و تربیه اولاد معنی آن از دست دادن حقوق مدنی و سیاسی زن نیست و مشوره با شوهر در امور زندگی از وجایب زن میباشد.¹³⁰

چهارم — حقوق اقتصادی :

زن در اسلام حقوق مالی و اقتصادی زیاد دارد و در شریعت اسلام زن حق تصرف کامل سرمایه و اموال خود را دارد. پدر حق مداخله را در سرمایه دخترش ندارد و شوهر حق مداخله به سرمایه زنش را بدون اجازه او ندارند. امام ابن القیم میگوید: زن عاقله و بالغه حق کامل را در اداره شئون مالی خود دارد و پدرش حق ندارد در سرمایه و ثروت دخترش بدون اجازه اش مداخله کند.¹³¹

امام ابو حنیفه و امام شافعی باین باور اند که زن حق دارد تمام سرمایه و ثروت خود را صدقه کند و یا برای کسی ببخشد و شوهر حق مداخله را در این مورد ندارد و در فقه اسلامی شوهر حق تصرف سرمایه زن خود را بدون اجازه اش ندارد.¹³²

اگر زن شوهر خود را در امور اقتصادی معاونت می کند این معاونت در جمله صدقه حساب می شود نه حق شوهر. زینب بن الثقفیه همسر عبدالله بن مسعود رضی الله عنه سرمایه داشت و عبدالله بسیار فقیر و ناتوان بود. زینب با زنی از انصار به منزل رسول اکرم صلی الله علیه و سلم رفت و برای بلال گفت: از رسول اکرم صلی الله سؤال کن که آیا زن میتواند برای شوهر خود صدقه بدهد؟ او از بلال خواست تا برای رسول اکرم بگوید کی این سؤال را دارد. همسر عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می گوید: رسول

¹³⁰ www.ar.wikipedia.org/wili

¹³¹ القیم الجوزی، زاد المعاد، طبع مؤسسة الرسالة، بیروت 1407 هجری 97/5.

¹³² فضل غنی مجددی، روش فکر معاصر اسلامی، ص 416.

اللّٰهُ صلی اللّٰهُ علیہ وسلم جواب دادند: «لَهُمَا أَجْرَانِ: أَجْرُ الْقَرَابَةِ، وَ أَجْرُ الصَّدَقَةِ» برای شان دو اجر است: اجر قرابت و اجر صدقه.¹³³

در شرایط معاصر معاونت زن در مسائل اقتصادی برای بقاء خانواده ضروری است و بدون مشارکت زن، شوهر به تنهایی قادر به پیشبرد زندگی نیست مگر شوهران که سرمایه دار باشند.

حقوق مالی و اقتصادی زن عبارت است از:

الف- مهریه: مهریه مالی است که به محض عقد و معاشرت بر عهده مرد قرار می گیرد و زن استحقاق آن را پیدا می نماید. مهر قیمت زن نیست که شوهر در مقابل نکاح برایش می پردازد و هدف از تقدیم مهریه اظهار اهمیت عقد ازدواج و تکریم زن و تثبیت حق مادی او است. مهر مقدار ثابت ندارد و زن در وقت نکاح مقدار آن را تعیین می کند که بعد از قبول مرد ثبت نکاح نامه می گردد. در شرایط معاصر که فتنه و فساد زیاد شده برای تثبیت حق زن بهتر است مقدار مهر ثبت دفترهای رسمی شود.

ب- نفقه: نفقه عبارت از احتیاجات و ضروریات زندگی روزمره است مثل طعام، منزل نشیمن، مصارف صحی. نفقه بالای شوهر به حکم قرآن و سنت واجب است. در قرآن کریم در مورد نفقه می خوانیم: «و علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف لا تکلف نفس إلا وسعها» (البقرة: 233). و بر عهده ی پدر مولود است تا خوراک و لباس زنان شیرده را به نحو پسندیده تادیه نماید، هیچکس جز به اندازه طاق و وی مکلف نگردد. علامه ابن کثیر در تفسیر این آیه می گوید: بالای پدر طفل نفقه مادرش و لباس به روش پسندیده یعنی به روش و عادت مردم (عرف) بدون اسراف واجب است.¹³⁴

علامه السید سابق در تفسیر آیه مذکور می نویسد: المولود له: یعنی پدر. و الرزق: یعنی طعام کافی. الکسوة: یعنی لباس. و المعروف: یعنی متعارف در عرف مردم بدون افراط و تفریط.¹³⁵

¹³³ محمد مهدی الاستانبولی، تحفة العروس، ص 213.

¹³⁴ تفسیر ابن کثیر، دارالسلام 1413 هجری 1/304.

¹³⁵ السید سابق، الفقه السنة، جلد دوم، ص 147.

نفقه به اساس قدرت اقتصادی شوهر تعیین می شود باین معنی که زن مسلمان نباید از قدرت مالی شوهرش زیادتر را مطالبه کند. در ماده 16 قانون نمبر 25 سال 1929 آمده است: نفقه ای زن بالای شوهر به اساس قدرت مالی شوهر تعیین می شود، و در تعیین نفقه حالت زن قابل بحث نیست. به این معنی که اگر شوهر پولدار باشد نفقه باندازه سرمایه اش تعیین می گردد و اگر فقیر باشد به اندازه فقرش تعیین می گردد.¹³⁶

امروز بعض شوهران از محل که زنان شان زندگی دارند دور زندگی می کنند. من در امریکا و اروپا شاهد هستم که عده از شوهران حق مالی زن را که نفقه یکی از آن است نمی پردازند. برای اینکه حق مالی زن تلف نشود در قانون احوال شخصیه: قانون نمبر (25) سال 1920 ماده (5) آمده: اگر شوهر غائب باشد یعنی حاضر نباشد و سرمایه داشته باشد محکمه از مالش حکم به نفقه می کند و اگر شوهر مال یعنی سرمایه علنی نداشته باشد قاضی برایش مدت معین را تعیین می کند و اگر در مدت تعیین شده حاضر به پرداخت نفقه نشد و یا اینکه خود را پنهان ساخت و یا اینکه مفقود شد و ثابت شد که سرمایه ندارد قاضی طلاق زن را می دهد.¹³⁷

امام بخاری و مسلم روایت می کنند که هند همسر ابی سفیان -رضی الله عنهما- به حضور رسول اکرم صلی الله علیه و سلم حاضر شد و گفت: ای رسول الله! ابو سفیان شخص بخیل است و برای من و پسرانم آن مقدر که ضرورت داریم نمی دهد، مگر که من از مال او بغير از اینکه بدانم یعنی خیرشود بگیرم، آیا برای من این عمل صحیح است؟ رسول اکرم جواب دادند: «خدی من ماله بالمعروف ما یکفیک و یکفی بنیک» از مال او به معروف یعنی بوجه حسن آن مقدار بگیر که برای تو و اولادت کفایت کند.¹³⁸

در شرایط عصر حاضر اکثر شوهران قدرت مصارف منزل و خانواده را به تنهایی ندارند و اشتراک زنان در مصارف خانواده اگر سرمایه و یا وظیفه مناسب داشته باشند ضرور است. از واجب زن است تا شوهر خود را کمک کند. در قانون زکات آمده

¹³⁶ در موضوع احکام نفقه مراجعه شود به: مشروع قانون احوال الشخصیه، فصل سوم.

¹³⁷ السید سابق، همان مرجع، ص 159.

¹³⁸ بخاری (5364) فی النفقات، مسلم (1714) فی الأفضیه: باب قضیه هند.

که شوهر برای زنش زکات داده نمی تواند به دلیل اینکه نفقه زن و مصارف زندگی خانواده بالای شوهر واجب است اما زن ثروتمند می تواند زکات مال خود را برای شوهر فقیر اش بدهد. امام ابو حنیفه و امامان مذهب حنفی باین باور اند که زن به نیت زکات نمی تواند برای شوهر بدهد زیرا شوهر و زن یک عنصر واحد را تشکیل میدهند و زن از شوهر و شوهر از زن است. نظر امامان مذهب حنفی در شرایط عصر حاضر قابل تطبیق و اجراء است و زن مسلمان از واجبات اش است تا در مصارف منزل با شوهر همکاری نماید.¹³⁹

ج- حق کار: اسلام کار و کسب را برای زن و مرد به هدف اقتصاد بهتر جواز می داند. رزق حلال و امنیت غذایی سبب حفظ کرامت انسان است و کرامت و عزت و رزق حلال وسیله آن کار است و کسیکه کار و کسب ندارد مورد احترام خانواده و جامعه نمی باشد. قرآن کریم مسلمانان (زن و مرد) را امر به حاضر شدن برای نماز جمعه می کند و در وقت نماز خرید و فروش را منع می نماید و در ادامه آیت مبارک خداوند مسلمانان را امر به کار میکند. استقلال اقتصادی خصوصاً برای زنان عزت و افتخار است و زن ثروتمند میتواند شوهر و اولادهای خود را مساعدت کند و در اعمال خیریه سهم فعال داشته باشد.

اقتصاد خانواده ارتباط مستقیم به کار دارد و قوانین خانواده حق کار را برای زن تثبیت کرد. باساس قوانین احوال شخصیه شوهر مانع کار زن شده نمی تواند مگر اینکه ضرورت مبرم خانوادگی باشد و زن و شوهر هر دو در تصمیم عدم کار موافقه نمایند. در ماده 64 فقرة (ب) قانون احوال شخصیه در مورد کار زن آمده: خارج شدن زن از منزل برای کار در صورتیکه در عقد هر دو طرف (زن و شوهر) موافقه کرده باشند بی امری شوهر (نشوز) از طرف زن حساب نمی شود و اگر در عقد شرط کار ذکر نشده باشد و طرفین بعد از عقد به آن راضی باشند در این صورت نیز نشوز از طرف زن حساب نمی شود.¹⁴⁰

¹³⁹ دکتر یوسف القرضاوی، فقه الزکاة، ترجمه: فضل غنی مجددی، امریکا 2007 ص 34. در این رساله فقط نظر فقه حنفی در مورد زکات ترجمه شده است.

¹⁴⁰ مشروع قانون الاحوال الشخصية، فصل: احکام المسکن و المتابعة اليه، صفحات 111 - 112.

باساس قانون احوال شخصیه زن حق کار کردن را ثبت و آنرا یکی از شروط نکاح سازد. در قانون اضافه شده که اگر در عقد هم ذکر نشده باشد و بعد از ازدواج زن برای کار از منزل خارج شود و شوهر مانع نشود مثل این است که در عقد ذکر یافته و کار کردن زن خارج از خانه معنی آن بی اطاعتی و طغیان علیه شوهر نیست.

یک تعداد باین عقیده اند که اسلام زن را از خارج شدن از منزل منع کرده و از نظر این گروه از مسلمانان زن از منزل یکبار برای ازدواج و بار دوم برای دفن شدن خارج شده می تواند و برای قول خود حدیث را می آورند. امام محمد الغزالی در مورد این نظریه می نویسد: این گروه برای اثبات قول شان حدیثی را روایت می کنند که اصل ندارد و در صحاح نیامده است و از حدیث صحیح «إن الله أذن لکن أن تخرجن فی حوائجکن» خداوند برای زنان اجازه داده تا برای رفع ضروریات شان خارج شوند انکار می کنند. این گروه اسلام را بصفت زندان برای زنان می دانند¹⁴¹

پنجم — حقوق معنوی :

حقوق معنوی در عصر حاضر مهمترین حق زن در زندگی زوجیت است که متأسفانه یک تعداد مردان در اداء این حق عاجز و ناتوان هستند و اکثر زنان تا هنوز حقوق معنوی خود را بدست نیآورده اند. حقوق معنوی در کتب قدیم و نزد اکثر دانشمندان معاصر تنها به رفتار نیکو خلاصه می شود در حالیکه حقوق معنوی شعبه های مختلف دارد که در این قسمت بطور خلاصه معرفی می شود.

الف - معاشرت و رفتار نیکو :

زنان موهبتی خدایی اند که نزد شوهرانشان به امانت گذاشته شده اند و حسن معاشرت و برخورد لفظی و عملی صحیح و محترمانه شوهر با او واجب است. در قرآن کریم در مورد حسن معاشرت می خوانیم: «و عاشروهن بالمعروف فإن کرهتموهن فعیسی أن تکرها شیئاً و یجعل الله فیہ خیر کثیرا» (النساء: 19). و با زنان روش پسندیده داشته باشید، و اگر از آنها کراهیت داشتید (تحمل کنید و با عجله تصمیم جدائی نگیرید) چه بسا از چیزی بدتان بیاید و خداوند در آن خیر زیادی گذاشته باشد.

¹⁴¹ محمد الغزالی، السنة النبویة بین أهل الفقه.. و أهل الحدیث، ص 51.

در همین مورد رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: «هیچ مردی نباید با همسرش دشمنی کند و او را آزار دهد، اگر یکی از اخلاق او را نپسندد، ممکن است از اخلاق دیگر او راضی باشد.

همچنین رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد حسن رفتار با زنان تأکید نموده و فرموده اند: «مؤمنانی ایمانشان کاملتر است که اخلاقشان بهتر باشد و بهترین شما آنهایی هستند که با همسران خود بهترین رفتار را داشته باشند».¹⁴²

حسن معاشرت کلمه بسیار جامع است که تمام حقوق به آن ارتباط می گیرد و اگر تنها حسن معاشرت که حق قانونی زن است مراعات شود باقی حقوق خود بخود عملی می گردد. مقصد و مراد از حسن معاشرت احسان و دوری کردن از اذیت و احترام به حقوق زن و اظهار سرور و خوشی در زندگی با همسر است. خداوند سبحانه و تعالی می فرماید: «و عاشروهن بالمعروف».

حسن معاشرت یعنی با زنان با مهربانی رفتار کردن و عدم ضرر رساندن و عدم توهین و اهانت به مقام همسر که زن است می باشد. معاشرت و رفتار پسندیده و خوب این است که مرد در رفتار با همسرش از بهترین کلمات و پسندیده ترین کردار استفاده کند و به هیچوجه با گفتار و رفتار خود او را مورد اذیت و آزار قرار ندهد و به کرامت و شخصیت و منزلت او بی احترامی ننماید. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بلند کردن دست بالای زن را عدم احترام به کرامت زن می داند و مسلمانان را از این عمل قبیح منع می فرمایند.¹⁴³

مولانا مودودی رحمه الله در باب حسن معاشرت و معامله نیکو با زن می نویسد: این محض توصیه ها و سفارش های اخلاقی نیست، بلکه شریعت حکم می کند که اگر مردی با استفاده از قدرت بر زن ظلم کند، زن حق دارد علیه شوهر به محکمه مراجعه کند.¹⁴⁴

¹⁴² دکتر وهبه زحیلی، فقه خانواده در جهان معاصر، ترجمه: عبدالعزیز سلیمی، صفحات 139-140.

¹⁴³ دکتر صالح بن غانم السدلان، فقه الزواج، ص 127.

¹⁴⁴ فضل غنی مجددی، خانواده در اسلام، ص 110.

معامله‌ای خوب و حسن معاشرت چنانکه علامه مودودی می‌گوید توصیه و نصیحت‌ها نیست بلکه حق ثابت زن است و حق همیشه ثابت و غیر قابل تغییر می‌باشد و انسان به هر مقام و منزلت باشد صلاحیت ندارد حق را باطل سازد.

ب- حفظ عاطفه و شعور زن:

حفظ شعور و عاطفه زن از جمله حقوق معنوی زن است که شوهر آنرا احترام و مراعات کند. عده‌ای از شوهران هستند که در مجالس خانواده گی و در بین دوستان عاطفه و شعور باطنی زنان شانرا صدمه می‌زنند بطور مثال: مادرم و خواهرانم نسبت به تو غذائی خوب تر می‌پزند، خواهرانم لباسهای شیک و مقبولتر از تو انتخاب می‌کنند یا در هر کار که انجام می‌دهی باید اجازه مادرم را بدست آوری، یا دلم می‌خواهد یک زن مقبول تر از تو داشته باشم.

این جملات و کلمات شعور و عاطفه زن را متضرر می‌سازد و هیچ‌زن در دنیا نیست که این نوع کلمات و جملات را در حق خود قبول داشته باشد. شوهر همیشه در حضور مردم و خانواده از زن خود تعریف کند و محبت و عاطفه قلبی خود را نسبت به همسرش در حضور دیگران پنهان نسازد و طوری با زن خود رفتار داشته باشد که زن خیال و تصور نماید که او نزدیکترین و محبوب‌ترین مخلوقات برای شوهرش است و این وظیفه‌ای شوهر دانشمند و با حساس است که عاطفه و شعور زن را تحسین کند.

ج- حفظ شرف و کرامت همسر:

از حق زن بالای شوهر است تا نام نیک و شرف و عزت او را از زبان مردم و خصوصاً خانواده حفظ کند. از حق زن است که نباید شوهرش نسبت به او سوء ظن یا بدگمان باشد. در جامعه افغانی عادت است که شوهر از غیرت زیاد زمانیکه همسرش در تلفن و یا در مجلس حرف می‌زند فوراً به غضب آمده و تصور غلط نسبت به زن می‌نمایند و در مقابل همسرش بدگمان می‌شود. سوء ظن در مرور زمان مشکلات خانوادگی را بار می‌آورد. شوهر باید در قضاوت‌های خود عادل باشد و نباید زن خود را مانند ادارات جاسوسی تعقیب کند.

شوهر مسلمان معنی آیه کریمه‌ای «لقد کرمتا بنی آدم» (الاسراء: 17). ما فرزندان آدم را محترم و گرامی گردانیده‌ایم خوب درک نماید و معنی کرامت و عزت را بداند. مرد مکلف و مجبور است همسرش را احترام کند و از هر گونه سخنان و کردار که سبب

ناراحتی او شود پرهیز نماید زیرا زنان مانند مردان انسانهایی با حرمت و با کرامت اند.

در قانون احوال شخصیه در باب حفظ کرامت زن از طرف شوهر آمده:

ماده ای 63 - اگر شوهر به زبان و یا عمل فزیکتی بالای همسرش حمله کند چه این عمل زبانی و یا فزیکتی قبل از دخول و یا بعد از دخول باشد، محکمه به اساس درخواست زن برای مدت شش ماه زن و شوهر را از هم جدا می سازد.

در ماده ای 58 فقره (الف) آمده: از حق زن بالای شوهر است که او را در منزل به سویه همقطرانش جا دهد.

در ماده ای 59 فقره (الف) آمده: از حق شوهر نیست که دوزنش را در یک منزل جا دهد مگر به اجازه زن اولی.

فقره (ب) خانه مستقل برای زن به اساس حالت شوهر و عرف شهر انتخاب می شود.

فقهای مذهب حنفی در حفظ کرامت زن نظریات مهم را دارند و می گویند: اگر شوهر همسرش را بصورت خفیف و بدون حق بزند قاضی بالای شوهر حکم تعزیری می نماید.¹⁴⁵ تعزیر حکمی را می گویند که قاضی به اساس فهم خود صادر میکند ممکن است جریمه نقدی و یا حبس باشد. در حفظ کرامت و عزت زن اسلام توجه خاص دارد و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم برای مرد اجازه نمی دهد تا دست بروی زنش بلند کند و دست بالا کردن و زدن بروی زن را مطلقاً منع می فرمایند.¹⁴⁶

د - حق مشوره:

بعض مسلمانان که معلومات دینی شان محدود و ناقص است باین عقیده میباشند که اسلام مشوره با زن را اهمیت نمی دهد و به روایتی که اصل ندارد استنباط می کنند. در روایت آمده: با زنان مشوره کنید اما به مشوره ایشان عمل ننمایید. مشوره اساس اول تصمیم هر عمل در اسلام است. قرآن کریم در صفات مؤمنین می گوید که امرشان

¹⁴⁵ مشروع الاحوال الشخصیة، صفحات 112-113.

¹⁴⁶ مسلم حدیث 1218.

همه مشوره است و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در هر مورد که امر خداوند در آن نمی بود با صحابه مشوره می کردند و در بسا موارد از رأی خود می گذشتند.

در کتب سنت می خوانیم که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم با زنان شان مشوره می کردند و مشوره با زنان تنها در امور اداره خانه نبود بلکه در مسائل مهم کشور و روابط با مسلمانان و غیر مسلمانان بود. بطور مثال رسول اکرم صلی الله علیه و سلم بعد از اولین نزول وحی با همسرش بی بی خدیجه مشوره کردند و بی بی خدیجه گفتند: ترا خدا شرمنده نمی سازد به دلیل اینکه صله رحم را وصل می نمائی و دست فقیر و بیچاره را می گیری. مشکل که بعد از صلح حدیبیه پیش شد و مسلمانان قبول نکردند از حرام خارج شوند. موقف رسول خدا صلی الله علیه و سلم در این وقت بسیار عجیب و مشکل بود زیرا بی امری رسول الله سبب غضب خداوند بالای امت بود. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم با أم المؤمنین أم سلمه مشوره کردند. أم سلمه متوجه بودند و می دیدند که در بین مسلمانان فتنه در جریان است و می دانستند که این فتنه اگر خاموش نشود اسلام در صحراء عرب دفن می شود و غضب خداوند بالای امت اسلام مثلیکه بالای امت های گذشته نازل شده بود نازل می شود. أم سلمه رضی الله عنها برای حل مشکل و خاموش ساختن فتنه و حمایت اسلام و مسلمانان به رسول اکرم صلی الله علیه و سلم این طور مشوره دادند: رسول خدا بالای شتری ایستاده شود و موهایی خود را بتراشد و از حرام بیرون شود و چون مسلمانان فعل رسول الله را ببینند این عمل را انجام میدهند. علمای اسلام باین عقیده و باور هستند که مشوره أم سلمه رضی الله عنها امت اسلامی را از نابودی نجات داد. در مورد ازدواج دختر آمده که پدران در مورد دختران شان با مادران شان یعنی همسران خود مشوره کنند زیرا مادر نسبت به خواهرش دخترش از پدر بیشتر می داند.

متأسفانه بعض از مسلمانان با همسرانشان مشوره نمی کنند زیرا نمی دانند که مشوره با همسر از حقوق او در زندگی زوجیت است و زن بهترین مشاور برای شوهر میباشد.

ر- حق تعلیم:

قرآن کریم و سنت نبوی شریف حق تعلیم و آموختن علم را برای مرد و زن واجب شرعی می داند و در آموختن و تعلیم بین زن و مرد در عقیده اسلامی تفاوت نیست و هر دو

جنس مسئول اند تا پیاموزند و حق مساوی را در تعلیم و تربیه دارند و زن بعد از ازدواج از حق تعلیم محروم نمی شود و بعد از ازدواج مسئولیت شوهر است تا همسرش را در تعلیم علوم معاصر حمایت و همکاری کند و اگر نمی کند نزد خداوند مسئول و در اداء حق مقصر دانسته می شود.

رسول اکرم صلی الله علیه و سلم برای صحابی امر کرد که برای زنش مهر بدهد. صحابی عرض کرد که چیزی ندارد که بحیث مهر بدهد. آنحضرت صلی الله علیه و سلم سؤال کردند، آیا چیزی از قرآن را یاد داری؟ گفت: بلی. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند آن را برای زنت تدریس کن. از این قصه تنها حق مهر برای زن استفاده نمیشود و همچنان حق تعلیم زن نیز استنباط می گردد و حق زن را برای کسب و آموختن تعلیم و مسئولیت شوهر را برای آموختن تعلیم و علوم برای زن نشان میدهد.

امام غزالی در احیاء علوم الدین می گوید: از وجایب شوهر است تا زنش را تعلیم دین و احکام اسلام را بدهد و تعلیم دین انسان را از آتش دوزخ نجات میدهد و دلیل که امام غزالی می آورد این آیه کریمه است: «یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم ناراً و قودها الناس و الحجارة» (التحریم: 6). ای مسلمانان نگاهدارید خویشان را و أهل خانه خود را از آتشی که هیزم آن مردمان باشند و سنگ ها. نجات از آتش دوزخ به آموختن دین و تعلیم است.

در عصر حاضر اکثر زنان تعلیمات ابتدائی و عدة تعلیمات عالی را قبل از ازدواج دارند. بعد از ازدواج از حقوق زن است تا تعلیمات بیشتر را در تخصصات مختلف بدست آورد و نباید شوهر همسرش را از ادامه تعلیم منع کند. عصر اول اسلامی، عصر مدنیت و تعلیم برای زنان و مردان بود و مسجد مدرسه اولیه برای تعلیم هر دو جنس بود اما مسلمانان در عصرهای عقب گرائی و فاصله گرفتن از مدنیت اسلام بالای زن ظلم بزرگ کردند و زن را از تعلیم و رفتن به مدرسه و مسجد منع کردند که در نتیجه آن نصف جامعه ای اسلامی بدون تعلیم ماند.

امام محمد الغزالی مشکل تعلیم و تربیت زن مسلمان را بررسی نموده می گوید: زن قربانی رسم و روجهای میراثی که از عصر عقب گرائی و انحطاط مدنیت اسلامی میراث ماندشد و تعلیم صحیح جای خود را به اوهام و خرافات داد. و از طرف

دیگر رسم و روجهای غربی که در نتیجهٔ تهاجم فکری استعمار جامعهٔ اسلامی را تهدید کرد. باین معنی که زن مسلمان بین جهل مسلمانان و عقب‌گرائی شان و تهاجم فکری غرب قربانی شد.¹⁴⁷

زن مسلمان در آموختن تعلیم و علوم معاصر باید متوجه احتیاجات و ضروریات جامعه باشد و آن علوم را بیاموزد که به نفع مردم و خصوصاً به نفع نسلان باشد و در انتخاب رشته و تخصص بهتر است با شوهر و مؤسسات مشورتی، مشوره شود. در آموختن علوم، علمی را زن انتخاب کند که مردان از انجام آن عاجز میباشند مثل تخصص در طب نسائی و ولادی و معلمی و تربیه اطفال و غیره.

ز- حق آزادی فکری و روابط اجتماعی:

در عصر حاضر و در نتیجهٔ انقلاب تکنالوجی اکثر زنان دسترسی به وسائل جمعی مانند تلفن دستی و شخصی و ایمیل و فیسبوک و تویتر دارند و این حق شخصی یک زن است که داشته باشد و شوهر نباید به ساحت خصوصی همسرش بدون اجازه اش داخل شود. بعضی شوهران می‌خواهند در ساحت خصوصی همسران شان داخل شوند مثلاً ایمیل همسر را مطالعه و مکالمات تلفنی اش را ثبت نمایند که این عمل غیر قانونی و تجسس و مداخله به حرم خصوصی به حساب می‌آید و خلاف آداب و روش اسلامی می‌باشد. حل این معضله با تفاهم و حسن نیت و مشوره ممکن است. احترام به ساحت خصوصی توافق و احترام و اطمینان را بین زن و شوهر تقویت می‌کند. در این مورد بحث بیشتر در فصل سعادت زوجیت داریم.

صلهٔ رحم در جملهٔ روابط اجتماعی است که قطع آن از طرف مرد و زن گناه عظیم به حساب می‌آید. از حق زن است که بعد از ازدواج اقارب خود را زیارت کند و بدیدن والدین و اقارب نزدیک خود برود و از دوستان و همکاران خود خبرگیرد و شوهر حق ممانعت را ندارد مگر اینکه در این رابطه اساسات دین زیر پا شود و بطور عموم خارج شدن زن از منزل برای زیارت اقارب و ضروریات زندگی مانع در آن نیست.

¹⁴⁷. الدكتور یوسف القرضاوی، الشیخ الغزالی کما عرفته، ص 259-260.

در ماده ای 64 قانون خانواده در فقرة (الف) آمده: جواز است برای زن که برای اجراء ضرورت ها از منزل خارج شود و از حق زن است که برای دیدن مشروع (یعنی غیر منکر) برود و این عمل زن سبب اخلال در امر شوهر به حساب نمی آید.

فقهای مذهب حنفی می گویند که زن حق دارد به زیارت والدین خود برود و شوهر حق ندارد او را از این زیارت منع کند. و همچنان می گویند اگر پدر زن مریض باشد از حق¹⁴⁸ مشروع دخترش است که به کمک او برود اگر پدراش غیر مسلمان هم باشد.

نتیجه: باساس قانون خانواده زن حق دیدن اقارب و دوستان خود را دارد اما بیک شرط که در این دیدار عمل غیر اسلامی صورت نگیرد به معنی دیگر در مجالس که اعمال غیر اسلامی صورت می گیرد، شوهر حق دارد همسر خود را ممانعت کند و زن نباید از امر شوهر در این حالت سرکشی کند و همانطوریکه اطاعت شوهر در خلاف شریعت نیست اما در منع از مجالس که در آن فسق و فجور باشد اطاعت شوهر بالای زن واجب می گردد.

د- حق مطالبه به حکمیت در حالت اختلاف و حق مطالبه به طلاق:

خداوند در باب حکمیت در موضوع اختلاف بین زن و شوهر می فرماید: «وإن خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکما من أهله و حکما من أهلها...» (النساء: 35). و اگر بیم داشتید که اختلاف میان زن و شوهر موجب جدائی میان آنان گردد، پس حکمی از خانواده شوهر و حکمی از وابستگان همسر بفرستید. امام محمد الغزالی در مورد آیه مبارکه می نویسد: تطبیق این حکم رنگ بالای کاغذ است یعنی تطبیق عملی ندارد و اضافه می کند که مقام زن بحدی پایان آمده که برای حل مشکلات اش مجلس صلح دائر نمی شود و گناه مرد قابل بخشش و گناه زن قیمت آن خون او است.¹⁴⁹

از حق زن است که در حالت بوجود آمدن اختلاف با شوهر شخص را به مجلس حکمیت معرفی کند و همچنان از حق زن است که در حالت عدم رسیدن به حل معقول مطالبه به طلاق نماید که در این مورد در فصل طلاق بحث بیشتر خواهیم داشت.

¹⁴⁸. مشروع قانون الاحوال الشخصية، صفحات 111-113.

¹⁴⁹. محمد الغزالی، السنة النبویة بین أهل الفقه.. و أهل الحديث، ص 54.

ذ- حق اظهار رأی و بیان: اظهار رأی و نظر و بیان از حقوق ثابت زن قبل از ازدواج و بعد از آن است و شوهر حق اظهار نظر و بیان همسرش را در صورتیکه منافی عقیده اسلامی و اساسات اولیه اسلام نباشد ندارد. حق نشر و سخنرانی در کنفرانسها و اشتراک در برنامه های تلویزیونی از حقوق ثابت زن است. متأسفانه مرد شرقی مانع حق زن در اظهار رأی است و نمی خواهد زن در مسائل اجتماعی و سیاسی نظر مستقل داشته باشد و مرد شرقی تصور دارد که وظیفه اصلی زن تنظیم امور داخل خانه است و این یک فکر عقب گراء و خلاف اصل اسلام و قابل اصلاح میباشد.¹⁵⁰

زن مسلمان برای دریافت و رسیدن به حقوق اش بعد از ازدواج کوشش کند تا از طریق اسلام و قوانین دین حقوق ثابت خود را بدست آورد و کوشش نکند از راه و روش غرب و مؤسسات غربی به حقوق خود برسد. مشکل اکثر زنان در جامعه اسلامی عدم فهم و دانش به مسائل حقوقی اسلام است و اکثر زنان تصور دارند که اسلام در مورد حقوق زنان قبل از ازدواج و بعد از ازدواج سکوت کرده لذا به دامن مؤسسات غربی برای رسیدن به حقوق شان پناه می برند.

در اسلام زن مانند مرد حق زندگی، تعلیم، کار، فعالیت های سیاسی و اجتماعی را دارد و اسلام تمام حقوق زن را تثبیت و احترام زن را در جامعه واجب می سازد. در صدر اسلام زنان با مردان در حقوق مساوی بودند و بر عکس مردان در اداء و جایب و خدمت نسبت به زنان مسئولیت بیشتر را دارند و متأسفانه بعد از عصر عقب گرایی طبقه زنان اکثر حقوق شانرا از دست دادند.

جامعه اسلامی باید به حقوق زن احترام و ارج بگذارد و مردان با زنان با لطف و مهربانی رفتار داشته باشند. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم مردان را متوجه می سازند و می فرمایند: «رفقا بالقوارین». زنان لطیف و مهربان هستند و در معامله به لطف و مهربانی ضرورت دارند و زنان از ساده ترین و کمترین لطف شوهران لذت می برند و زن هرگز دست به خشونت نمی زند و همیشه با مرد لطیف و مهربان میباشد.¹⁵¹

اسلام رابطه و معامله بین زن و مرد را تنظیم عقلانی و واقعی نمود و زن را سبب آرامش و برکت و عزت برای مرد دانست و مرد را مسئول حمایت و حفاظت شرف زن

¹⁵⁰ حقوق المرأة، www.ar.wikipedia.org/wili

¹⁵¹ حقوق المرأة / mawdoo3.com

ساخت. از واجبات مرد مسلمان است تا حقوق زن را احترام و حقوق اساسی که خداوند برایش داده سلب نکند. در فصل سعادت و شقاوت زوجیت خواهیم دید که اکثر مشکلات خانواده به سبب عدم احترام و مراعات حقوق بین زن و شوهر است و خانواده های که حقوق یکدیگر را احترام دارند با سعادت ترین خانواده ها در جامعه میباشند.

دوم — حقوق شوهر

حقوق عبارت از وسائل و اشیاء است که فرد برای ضمانت و اطمینان و حمایت در زندگی به آن ضرورت دارد و در مقابل حقوق واجبات است که به طرف مقابل تحمیل می گردد. روابط انسان را با طرف و یا اطراف دیگر حقوق تعیین می نماید. روابط حقوقی بین افراد تفاوت دارد مثلاً حقوق پدر بالای اولاد و حقوق اولاد بالای والدین از حقوق شوهر بالای زن و حقوق زن بالای شوهر تفاوت میکند. حقوق بین زن و شوهر برای ایجاد و ساختن زندگی با سعادت و حمایت خانواده از متلاشی شدن است.

حقوق با سیر تکاملی جامعه تکامل می یابد و جامعه نظر به شرایط خاص اجتماعی و سیاسی و اقتصادی حقوق افراد را تنظیم می نماید. حقوق زن و شوهر و بطور عموم و حقوق و مسئولیت های افراد خانواده در عصر حاضر با مقارنه با عصر های گذشته متفاوت است و فقه اسلامی سیر تکامل و تفاوت های عصر و زندگی مرد را در ساختن حقوق نادیده نگرفته و برای قانون گذاران در تدوین قوانین و انتخاب منابع فقهی استقلال را داده است تا مطابق شرایط محیط و تغییرات در ساحت زندگی اجتماعی مردم قوانین را بسازند اما بشرطیکه از اصل و مبادی ثابت اسلام خارج نشوند مثلاً حلال را حرام و حرام را حلال نسازند.

در عصر حاضر در ساحت حقوق و وجایب خانواده و مواردی که مربوط به حقوق و مسئولیت های زن و شوهر است باید در بنود آن تغییر آورده شود، مثلاً در شرایط بین المللی و معاصر شوهر قدرت آوردن فشار و عمل فیزیکی را علیه همسرش ندارد و پدر بدون اجازه نمی تواند دخترش را عروس کند و شوهر نمی تواند اسرار نماید که طلاق زنش را نمی دهد به دلیل اینکه طلاق از حقوق ثابت مرد است. قانون گذار در عصر حاضر برای تدوین قوانین خانواده کوشش نماید تا از مصادر فقه اسلامی آن مصدر و منبع و از نظریات فقهی آن نظریه را انتخاب نماید که در شرایط عصر حاضر قابل

اجراء و تطبیق باشد در غیر آن فقه اسلامی منجمد شده و مسلمانان به قوانین غربی مراجعه می نمایند. در این بحث به مهمترین حقوق شوهر اشاره می شود.

اول - حق قوامه :

اسلام قوامه را حق ثابت شوهر می داند اما عده از مسلمانان که فهم و دانش شان از نصوص شریعت و قواعد زبان عربی ناقص است مشکل در تعریف قوامه دارند و قوامه را ظلم و استبداد از طرف شوهر بالای زن می دانند و می گویند قوامه شمشیری است بدست شوهر که بواسطه ای آن زن را تهدید می کند ، این گروه از مسلمانان که در بین شان عده از محققین نیز شامل اند متأسفانه در تعریف زبان و اصطلاح فقهی قوامه دچار اشتباه شده اند .

قوامه که در قرآن کریم ذکر شده خاص برای شوهر نیست و نباید یک امر عام را خاص ساخت . در قرآن کریم می خوانیم : « الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهن علی بعض و بما انفقوا من أموالهم » (النساء: 34) . مردان بر زنان حمایت و سرپرستی دارند بخاطر آنکه خداوند بعضی را بر بعضی برتری بخشیده است و بخاطر آنکه مردان از اموال شان (برای نفقه زن و مصارف خانواده) خرج می کنند .

برای توضیح و تفسیر مطلب قوامه سؤالات ذیل را مطرح می نمائیم :

1. آیا قوامه تسلط مطلق مردان بالای زنان است ؟
2. آیا قوامه فضیلت دادن مردان نسبت به زنان از جانب خداوند است ؟
3. قوامه که در قرآن کریم آمده چه را افاده می کند ؟
4. آیا قوامه تحمل مسئولیت و مشکلات است یا فرار از مسئولیت و خلق

مشکلات ؟

اگر بدقت و بدون تعصب به آیه مبارکه که نظر اندازیم ملاحظه می کنیم که موضوع آیه مبارکه مردان و زنان است به عبارت دیگر بصیغه جمع آمده و مخصوص برای زن و شوهر نیست یعنی حکم آن عام است باین معنی که پدرمسئول دختران اش و برادر مسئول خواهرانش و شوهر مسئولیت همسرش را دارد .

معنی ادبی و زبانی قوامه: در ادبیات زبان عربی قوامه به معنی قائم بودن بیک امر ، باین معنی که شخص برای اجرائی یک امر و جهت محافظت مصالح و منافع شخص دیگر بصورت دائم و بدون توقف آماده و حاضر میباشد و قوامه در مورد زن و شوهر

باین معنی است که شوهر برای آماده کردن وسائل راحت زنش قائم یعنی بطور دائم آماده می باشد.¹⁵²

قوامه در اسلام مجرد یک اصطلاح نیست که بخوانیم و از آن بگذریم، قوامه ضمن احکام شریعت است که ضوابط و اساس قانونی و رابطه بین دو جنس (زن و مرد) می سازد.

قوام به وزن فعال مبالغه برای قیام است به عبارت دیگر قوام صیغه مبالغه قیام است، مثلاً اگر گفته شود که فلان شخص قائم بامر فلان شخص است، یعنی شخص هرگز جلوس نمی کند و همیشه برای حفظ مصالح فلان شخص ایستاده است به معنی دیگر شخص قائم مسئولیت رعایت و حفاظت کاری را دارد که به آن مأمور شده است. به معنی دیگر شخص قائم به امر همیشه آماده ای خدمت میباید و شخص دیگر آرام و آسوده خاطر می باشد. شیخ البغوی می گوید: القوام والقیم واحد است و معنی آن قائم بودن به مصالح و اداره و تأدیب است و در اصطلاح قوامه به معنی ولی امر است و فقهاء قوامه یا ولایت را بالای انسان قاصر و برای حفاظت اوقاف و همچنان زن استفاده کرده اند. قوام بودن مرد بالای زن یعنی مرد رعایت و محافظت زن را متحمل میباید و قوامه در ساحة خانوادگی به معنی مکلفیت مرد برای آماده کردن آنچه زن ضرورت دارد است و در نهایت تشرف و عزت و ارج گذاشتن به مقام زن است.¹⁵³

« قوامون علی النساء » باین معنی که مرد همیشه و بطور دائم برای خدمت زن که نشسته و آسوده می باشد حاضر و آماده است. در اینجا قوامه یعنی مرد مکلف به رعایت مصالح و منافع و خدمت زن است به عبارت دیگر قوامه یعنی مکلفیت. پس قوامه تکلیف و مسئولیت برای مرد است نه امتیاز و تسلط بالای زن.

در تفسیر معنی قوامه بعض دانشمندان به ظاهر توجه بیشتر کرده اند و از نقش زن و مقام عالی که خداوند برایش عطا کرده و زن را مانند مرد بصفت انسان کامل خلق کرده دقت زیاد نکرده اند. در این بحث تفسیرات قوامه بررسی می شود و امید است به حقیقت نزدیک تر شویم.

¹⁵². ابن منظور، لسان عرب، دار صادر، بیروت، جلد 12، ص 502 و همچنان: مختار الصحاح، ترتیب محمود خاطر، دارنهضة مصر للطباعة والنشر، الفجالة، القاهرة ص 233.

¹⁵³. mawdoo3.com, and, <https://islamqa.info/ar/269847>.

در ادامه آیه مبارکه می خوانیم: « بما فضل الله بعضهم علی بعض » که جزء همین آیه مبارکه است به معنی فضیلت دادن از جانب خداوند برای مرد بالای زن نیست و این جزء از آیه معنی آن این است که قوامه احتیاج و ضرورت به فضل جهد و کوشش و حرکت و زحمت کشی مرد دارد تا وسائل آرامش و آسایش زن و خانواده را آماده سازد. برای توضیح بیشتر فضیلت را در آیه مبارک دیگر اینطور می خوانیم: « ولا تتمنوا ما فضل الله به بعضکم علی بعض » (النساء: 32). آرزوی چیزی (از روی حسد) نکنید که خداوند به آن برخی از شما را بر بعضی دیگر برتری داده است. آیه مبارک زن یا مرد را مخاطب نمی سازد بلکه همه انسانها را مخاطب قرار میدهد و آیه مبارکه برتری مرد بر زن و یا برتری شوهر بر همسر را نشان نمی دهد بلکه برتری بعض انسانها را بالای بعض دیگر شان نشان میدهد و ما این برتری را عملاً در بین انسانها ملاحظه می نمائیم و نباید نسبت به برتری یکدیگر حسد و کینه در دال داشته باشیم. ممکن است یک زن مواصفات خاص داشته باشد و خداوند برای او امتیازات بیشتر نسبت به یک مرد داده باشد و خداوند هر که را بخواهد فضیلت می دهد.¹⁵⁴

علامه شیخ الشعراوی در معنی و مفهوم قوامه در تفسیر خود اضافه می کند که قوامه وجه تفضیل یعنی سعی و کوشش بی حساب از جانب مرد برای زن و حاضر بودن مرد در هر وقت بخدمت زن است. مبالغه در خدمت زنان (خواهران و مادران و دختران و همسران).

علامه شهید سید قطب در تفسیر قوامه می نویسد: قوامه به معنی رخصت و اجازه برای مرد نیست که زن را اذیت کند. قوامه معنی آن الغای شخصیت زن در منزل و جامعه ای انسانی نیست و قوامه معنی آن الغای حق مدنی زن نیست. قوامه وظیفه از وظائف داخل مؤسسه خطرناک خانوادگی است، این وظیفه عبارت از حفظ و حمایت مبادی و قیم داخل مؤسسه خانواده است و قوامه در نظام خانوادگی شخصیت دیگران و حقوق شرکاء را لغو نمی سازد و اسلام صفت قوامه را در وجود مرد عطف و

¹⁵⁴. الشیخ محمد متولی الشعراوی، الفقه الإسلامی المیسر، ص 1421 و همچنان تفسیر سورة النساء از شیخ الشعراوی.

مهربانی و حفاظت و حمایت و رعایت برای زن می‌داند و مرد را مکلف به آداب و روش پسندیده با زن و اولادها می‌نماید.¹⁵⁵

فضیلت مرد در زحمت و سعی برای بهبود زندگی خانواده و فضیلت زن در تربیه اولاد و مهربانی با شوهر و راحت روانی و نفسانی برای شریک زندگی است. شریعت اسلام و سنت نبوی شریف مرد را امر می‌کند تا با زن در امور منزل کمک کند. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم با تمام و ظایف بزرگ که داشت در منزل با زنان شان همکاری می‌نمودند. در فرهنگ اسلام زنان با بهترین جنس که انسان است کار دارند یعنی انسان را می‌سازند و بزرگان را برای جامعه تربیه می‌کنند در حالیکه مردان با خشت و چوب و سنگ و زراعت و صناعت مشغول استند.

از مطالعه قوامه و تفسیر آیات قرآن کریم باین نتیجه میرسیم که: قوامه در اصل حق و امتیاز برای زن است نه فضیلت برای مرد. بعض مفکرین و دانشمندان اسلامی و در بین شان دکتور و مفکر اسلامی بسام جرار، قوامه را تفسیر کاملاً مغایر از تفسیرات دیگران می‌کند. دکتور بسام در مورد قوامه می‌گوید: قوامه حق و عزت و شرف برای زن است نه فضیلت و برتری برای مرد به دلیل اینکه در قرآن کریم می‌خوانیم: «بما فضلهم علیهن». نص قرآن کریم واضح است «بما فضل الله بعضهم علی بعض» یعنی مرد با فضیلت و زن با فضیلت است و فضیلت و فضل در ادبیات زبان معانی زیاد دارد.

اگر به دائره المعارف زبان مراجعه نمائیم، قوامه معنی آن اداء و اجبات مرد در مقابل زن است به معنی دیگر قوامه حق زن بالای مرد است. حق قوامه تا زمانی از حقوق شوهر میباشد که او به واجبات اش قسمیکه قرآن کریم ذکر نموده پردازد و اگر شوهر به واجباتش نمی‌پردازد حق قوامه از او سلب می‌شود. قوامه تنها ارتباط به مصارف مادی زندگی ندارد بلکه شامل معنویات نیز است. اکرام زن مسلمان و تعظیم از

¹⁵⁵ . سید قطب، فی ظلال القرآن، طبع 17 سال 1992م دارالشروق، القاہرة جلد 2 ص 652. و همچنان:

مقامش بصفه انسان نیز ضمن قوامه است و در نهایت قوامه صفت و امتیاز برای زن است نه تقلیل از مقام او.¹⁵⁶

در فرهنگ اسلام فکر تسلط گرائی بین زن و مرد نیست و در منهج و روش اسلامی زن و مرد برای بدست آوردن تسلط بالای یکدیگر کوشش نمی کنند و مرد حق تهاجم بالای زن و زن حق انقلاب علیه مرد را ندارد و زن و مرد یکدیگر شان را تکمیل می کنند. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می فرماید: «النساء شقائق الرجال» زنان یک شق از مردان اند.

دوم - عدم پذیرائی نا محرم بدون اجازه شوهر:

از حق شوهر است تا همسرش زنان و مردان که او حضور و موجودیت شانرا در غیب خود در خانه نمیخواهد پذیرائی کند و زن قبل از پذیرائی و دعوت اجازه شوهر را بگیرد.

ابو هریره رضی الله عنه روایت می کند که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: «لا یحل للمرأة أن تصوم و زوجها شاهد إلا بإذنه ، و تأذن فی بینه إلا بإذنه»¹⁵⁷. برای زن اجازه نیست اگر شوهرش حاضر باشد روزه بگیرد (روزه نفل) مگر به اجازه او ، و کسی را اجازه دخول به منزل ندهد مگر به اجازه شوهر.

اگر شوهر از همسرش بخواهد تا اشخاص معین را در غیب اش به خانه دعوت نکند ، زن باید این خواهش شوهر را بپذیرد و این حق شوهر است تا بداند کی به خانه اش داخل میشود . همچنان اگر زن اراده می نماید که تعداد از اقارب و دوستان را به منزل دعوت می کند لازم است با شوهر مشوره کند و اجازه ای او را بگیرد. مشوره کردن و اجازه گرفتن در این مورد ظلم بالای زن نیست و برای تنظیم امور خانوادگی و عدم بی نظمی یک امر ثابت و پسندیده است.

بعض زنان از اینکه شوهر ایشان در منزل هستند یا نیستند مهمانان مردانه را پذیرائی می کنند و شوهر زمانیکه به خانه بر می گردد ملاحظه می کند که همسرش با مرد نا محرم نشستته چای می نوشد و مشغول خنده و قصه است این وضعیت نا مناسب است

¹⁵⁶ . القوامه حق - للمرأة - لیست - تفضیلة - للرجل ، <https://meemmagazine.net/2017/11/25>

¹⁵⁷ . البخاری 4899 و مسلم 1026 .

اگر چه مرد نا محرم پسر کاکا و خاله زن باشد . مرد نا محرم اصلاً بدون گرفتن وقت نباید به خانه اقارب خود برای دیدار برود و اگر می رود و شوهر زن در خانه نیست لازم نیست داخل شود. این عمل سبب می شود تا نظام خانواده برهم خورد و مشکلات بین زن و شوهر پیش شود. زن کوشش کند حق شوهر را در این مورد احترام نماید به حدود و حق شوهر تجاوز نکند .

دوم - اطاعت از شوهر:

زندگی مشترک احترام متقابل را می خواهد ، اطاعت معنی آن تسلیمی و ذلت نیست بلکه اطاعت برای حفظ مصالح و اهداف بزرگ خانواده میباشد. اطاعت زن از شوهر از جمله حقوق ثابت شوهر است.

اطاعت شوهر و فرمانبرداری زن از شوهر حق مشروع شوهر است و اطاعت در اسلام در معروف و حق و خیر است. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در باب اطاعت می فرمایند: « از هیچ مخلوق نباید به گونه ای اطاعت کرد که موجب نارضایتی خالق بشود». اساس اطاعت و فرمانبرداری مشروع به قوامیتی بر می گردد که خداوند آن را برای مرد در نظام خانواده عطا نموده .

اطاعت زن از شوهر را آنحضرت صلی الله علیه و سلم به جهاد مساوی می داند. عبد الله بن عباس رضی الله عنهما روایت می کند که روزی نماینده زنان به حضور رسول الله صلی الله علیه و سلم حاضر شد و گفت: زنان می گویند که اگر شخصی در جهاد شهید شود زنده بوده نزد الله رزق دارد. آیا این جهاد تنها بالای مردان فرض شده است؟ ما زنان می خواهیم در جهاد اشتراک داشته باشیم ، جای ما در جهاد چیست؟ رسول اکرم صلی الله علیه و سلم جواب دادند: برای زنان بگویند که اطاعت شوهر و اعتراف به حق او مساوی به جهاد است و کمتر از شما اعتراف به حق شوهران تان می کنید.¹⁵⁸ طاعة أزواجهن و المعرفة بحقوقهن ، و قليل منكن يفعله.

امام احمد و الطبرانی روایت می کنند که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در اطاعت شوهر فرمودند: « إذا صلت المرأة خمسها ، و صامت شهرها ، و حفظت فرجها ، و أطاعت زوجها ، دخلت جنة ربها». اگر زن نماز های پنجگانه را اداء کند ، و روزه ماه

¹⁵⁸. فضل غنی مجددی ، خانواده در اسلام ، ص 117.

رمضان را بگیرد، و شرمگاه خود را حفاظت کند و اطاعت شوهر خود را نماید، برایش گفته می شود داخل شو به جنت خداوندت.

اسلام حق اطاعت شوهر را اساس و بنیاد نظام خانواده می داند و بدون اطاعت بنیاد و اساس خانواده استحکام نمی یابد. رسول الله صلی الله علیه وسلم حق شوهر را بالای زن به حق خداوند بالای بنده مساوی میداند و می فرماید: «لو كنت أمرا احداً أن يسجد، لأمرت أن تسجد لزوجها، و الذي نفسى بيده لا تؤدى المرأة حق ربها حتى تؤدى حق زوجها». اگر کسی را امر به سجده می کردم، زن را امر می کردم تا برای شوهرش سجده کند، قسم بذات که نفس من بدست او است زن حق خداوند را بجا آورده نمی تواند تا حق شوهر را بجا نیاورد.¹⁵⁹

در مورد سجده که در حدیث مبارک آمده علما می گویند که سجده عبارت از سجده عرفان و تقدیر و احترام است نه سجده که برای خداوند می شود و معنی سجده برای شوهر شکر و تقدیر و احترام از مقام شوهر است و شکر و تقدیر و احترام یک امر قلبی است یعنی زن در قلب اش شوهرش را احترام و تقدیر کند و در حدود شریعت اطاعت شوهر را داشته باشد.¹⁶⁰

اطاعت زن از شوهر حق مسلم او است و زن نباید بدون اجازه شوهر از منزل خارج شود. عده در خارج شدن زن از منزل بصورت مطلق در اشتباه رفته اند و آیه مبارکه «و قرن فی بیوتکن و لا تبرجن تبرج الجاهلیه الأولى» (الأحزاب: 33). را که برای زنان رسول اکرم صلی الله علیه و سلم است حکم آن را بالای تمام زنان عام می سازند و برای زن اجازه خارج شدن از منزل را نمی دهند. متأسفانه یک عده که معلومات شان از نصوص شریعت کم است از این آیه مبارکه باین نتیجه رسیده اند که دنیا برای زنان زندان مستحکم است و اسلام برای زن بیرون شدن از منزل را نمیدهد در حالیکه زن می تواند از منزل برای رفع احتیاجات لازمه خارج شود و اگر وظیفه دارد حق دارد بوقت آن از منزل خارج شود اما چون خانواده یک مؤسسه اجتماعی است و در نظام مؤسسه اجازه گرفتن اصل از اصول اولیه است و گرفتن اجازه معنی آن ذلت و عبودیت نیست.

¹⁵⁹ دکتور محمد شیخ عبدالله، الأسرة المسلمة و التحديات المعاصرة، ص 61.

¹⁶⁰ محمود مهدی الإستانبولی، تحفة العروس، ص 202.

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت می کند: زنی بحضور رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: «یا رسول الله، ما حق الزوج علی زوجته؟ قال: حقه علیها ألا تخرج من بیتها إلا بأذنه.....» یا رسول الله، حق شوهر بالای زنش چیست؟ رسول الله جواب داد: حق اش این است که زن بدون اجازه اش از منزل خارج نشود.¹⁶¹

قضیه اطاعت زن از شوهر برای زنانیکه به روش مدنیت غربی تفکر می کنند نوع از انواع استبداد و ظلم به حق زن حساب می شود و اما اگر از منظور اسلامی و نظام خانواده در اسلام موضوع بحث و تفکر شود یقین است که زن مسلمان این حق را برای شوهر میدهد و از طبیعت زن مؤمنه و صالحه اطاعت شوهر یک امر طبیعی و قبول شده است و زن صالحه و مؤمنه اطاعت شوهر و اجازه گرفتن را برای بیرون رفتن از منزل امر الهی می داند و با آن مخالفت نمی کند. خارج شدن از منزل حق زن و اجازه گرفتن از حق شوهر است و زن مسلمان در بیرون رفتن حجاب اسلامی را باید مراعات کند و حرکت های را انجام ندهد که به شرف و عزت خانواده ضرر برسد و به امکانی که برای یک زن مناسب نیست و خطر متوجه می باشد و به مجالس که در آن حدود شریعت مراعات نمی شود اصلاً نباید داخل شود و در هر حالت اطاعت شوهر در خارج شدن از منزل یک امر اسلامی است و این حق در دایره اسلام و در خانواده ای مسلمان قابل قبول و تطبیق عملی می باشد.¹⁶²

خارج شدن زن برای تعلیم و کار معنی بی امری و بی اطاعتی شوهر حساب نمیشود و زن حق دارد در وقت نکاح این شرط را بگذارد. مفتی سابق مصر شیخ جاد الحق بتاریخ 12 نوامبر 1981م در جواب سؤال عدّه از زنان می گوید: شرط خارج شدن برای تکمیل تعلیم را قانون 44 سال 1997 که با اساس مذهب امام احمد بن حنبل است، جواز می داند و خارج شدن زن در این حالت بی اطاعتی (نشوز) حساب نمیشود.¹⁶³ اگر چه این فتوا در مورد حق دختر در وقت نکاح برای گذاشتن شرط است اما می توان به اساس آن قیاس کرد و گفت که خارج شدن زن برای کار و تعلیم و زیارت اقارب خلاف شریعت نیست و بی حرمتی و بی اطاعتی از شوهر حساب نمی شود.

161. الدكتور وهبة الزحيلي، الوجيز في الفقه الإسلامي، الجزء الثالث، ص 117.

162. عكاشة عبد المنان الطيبي، المرأة في ظلال القرآن، ص 27.

163. محمد متولى الشعراوى، مرجع سابق، ص 1582.

در قانون ازدواج قسمیکه در قسمت حقوق زن بالای شوهر از آن استفاده شد آمده که خارج شدن زن از منزل برای ضرورت و زیارت اقارب و أهل معنی عدم اطاعت از شوهر نیست و فقهاء مذهب حنفی باین نظر اند که شوهر حق ممانعت زن را برای زیارت والدین اش ندارد.¹⁶⁴

در عصر حاضر و پیشرفت تکنالوجی اجازه گرفتن بسیار آسان و ساده است و زن می تواند با استفاده از وسائل جدید شوهرش را از بیرون رفتن و سبب آن با خبر سازد. اطاعت و اجازه گرفتن توهین و اهانت به مقام زن و تسلط و دیکتاتوری از طرف مرد نمی باشد. اطاعت و اجازه یک موضوع اخلاقی و ادبی است و زنی که تربیت سلیم و اخلاق خوب داشته باشد از اجازه گرفتن و اطاعت کردن از شوهر خجالت نمی کشد و اجازه و اطاعت را یک امر قبول شده و مفید برای اداره و نظام خانواده می داند.

سوم - حفظ شرف و ثروت :

از حق شوهر است تا همسرش در حفظ شرف و ثروت اش امین باشد و خیانت نکند. زنی که شرف و عزت خود را محافظه می کند به این معنی است که شرف و عزت شوهر را حفاظت می نماید به معنی دیگر عزت و شرف مرد در عزت و شرف زن است. یکی از مهمترین وظیفه زن محافظت حرمت منزل خانوادگی و در غیاب شوهر محافظت ثروت و ناموس و شرف او می باشد به عبارت دیگر پاسداری ثروت و زندگی شوهر مسئولیت زن در حضور و غیاب او است. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می فرمایند: «زنان نگهبان خانه شوهرشان هستند و در محافظت از آن دارای مسئولیت هستند»¹⁶⁵

از حق شوهر بالای زن است که در عدم حضورش مردان نا محرم را به منزل دعوت نکند و در عدم حضور شوهر از داخل شدن مردان نا محرم معذرت بخواهد که متأسفانه این حق شوهر در اکثر خانواده ها در عصر حاضر احترام و مراعات نمی شود.

قرآن کریم در مورد حفظ شرف و عزت می گوید: «و الحافظین فروجهم و الحافظات» باین معنی که یکی از صفات زن و مرد مسلمان آن است تا خود را از نا محرم حفظ کند. از صفات و واجبات زن مسلمان و مؤمنه و از طبیعت زن مؤمنه است که رابطه ای

¹⁶⁴. مشروع قانون الاحوال الشخصية، ص 113.

¹⁶⁵. دکتور وهبه زحیلی، فقه خانواده در جهان معاصر، ص 126.

مقدس زوجیت را در حضور شوهر و عدم حضورش حفظ می کند. حفظ شرف و عزت شوهر یک امر عادی و انسانی نیست بلکه حکم قرآنی می باشد. در قرآن کریم می خوانیم: «فالسالحات قانتات حافظات للغیب بما حفظ الله» (النساء: 34). زنان شایسته و نیکو آنانی هستند که از ته دل مطیع (او امر خداوند و حقوق شوهران) و حافظ (آبرو و اموال و اسرار شوهران در همه احوال) در غیاب شان باشند بخاطر آنکه خداوند (ایشانرا) حفظ نموده است. قرآن کریم حفظ شرف و عزت را در غیاب و حضور شوهر از طبیعت زن صالحه و از مقتضای خوبی او می داند و حفظ شرف و عزت شوهر که حفظ و عزت زن نیز است جامعه را از انحرافات اخلاقی و طلاق حمایت می کند.¹⁶⁶

قرآن کریم کلمه غیب را در حفظ شرف و ناموس و عزت و مال شوهر می آورد. در حضور شوهر خطر گمراهی و اسراف در ثروت کمتر میسر است، اما در غیاب او این امر به تقوی زن ارتباط دارد. زن مسلمان از وظایف عمده اش است تا در عدم حضور یا غیاب شوهر شرف و نام نیک و ثروت اش را حفظ کند.

فقهاء در موضوع عدم دعوت مهمانان بدون اجازه شوهر باین نظر اند: امام النووی می گوید: کسانی که شوهر به داخل شدن شان به منزل رضایت ندارد نباید زن ایشانرا به منزل بدون اجازه اش دعوت کند. اما کسانی که شوهر به موجودیت شان به منزل ممانعت نداشته باشد برای زن حرج نیست که ایشانرا دعوت کند، چه شوهر حاضر باشد یا غائب و دعوت این نوع اشخاص اجازه نمی خواهد.¹⁶⁷

حجاب نه تنها فرض بالای زن است بلکه حق شوهر نیز در ستر جسم زنش می باشد. خداوند مردان را از دیدن زنان نامحرم به نیت شهوت رانی منع می کند و همچنان زنان را به ستر و عدم اظهار زینت شان برای مردان غیر محرم منع می نماید. در قرآن کریم می خوانیم: «و قل للمؤمنات یغضضن من أبصارهن و یحفظن فروجهن و لا یتبدین زینتهن إلا ما ظهر منها...» (النور: 30). و بگو زنان مسلمان را که پیوشند چشم خود را نگاه دارند شرمگاه خود را و آشکارا نکنند آرایش. مواضع زینت. خود را مگر آنچه ظاهر است. پوشانیدن چشم و قایه از گناه و نزدیک نشدن به گناه بزرگتر است و اولین

¹⁶⁶ عکاشة عبد المنان الطیبی، همان مرجع، ص 27-28.

¹⁶⁷ الدكتور صالح بن غافر السدلان، فقه الزواج فی ضوء الكتاب و السنة، طبع دوم 1416 هجری،

قدم انحراف اخلاقی برای زن و مرد از دیدن نا مناسب و شهوانی شروع می شود و بی تفاوتی زن در امر خداوند سبب نشر فساد بزرگ در جامعه می باشد و زن میتواند جامعه را اصلاح و یا منحرف سازد.

اما زینت که در آیه مبارکه آمده معنی آن حرمت زینت برای زن نیست و زینت برای زن حلال است و هر زن می خواهد با جمال و جمیل و زیبا باشد و رغبت داشتن به جمال و زیبایی از فطرت طبیعی زن است که به آن خلق شده است. اسلام این خواهش و رغبت روانی و روحی و نفسانی و فطری زنان را احترام می نماید و لیکن آنرا تنظیم می کند. از حق شوهر است که همسرش همیشه با جمال باشد و اما مردان نا محرم از جمال و زیبایی او لذت نبرند.¹⁶⁸

حجاب اسلامی زن را از چشمان مردان بیگانه و شریر حفظ و خانواده را از امراض نفسانی و روانی و گناه و انحرافات اخلاقی مصئون می دارد و از حق شوهر است تا زنش را به حجاب دعوت کند و از او بخواهد تا حجاب اسلامی را مراعات کند.

حفظ ثروت و دارائی حق مشروع شوهر است. زن امانت دار و نگهدار اموال خانواده است و بدون اجازه و مشوره شوهر نباید در آن تصرف کند. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در مورد محافظت از ثروت شوهر می فرماید: « زن نباید بدون اجازه شوهرش چیزی از اموال او را به دیگران ببخشد. » از وظیفه و مسئولیت زن است تا دخل و خرج خانواده را تنظیم نماید و در بخشش و کمک به دیگران از سرمایه شوهر باید اجازه او را بگیرد.¹⁶⁹ از صفات زن مسلمان است تا مال و ثروت شوهر را با تمام امانتداری حفظ و در مصارف منزل از روش اعتدال کار گیرد.

چهارم - خدمت :

خدمت شوهر بالای زن واجب و از امور اخلاقی به حساب می آید. خدمت شوهر و تنظیم امور منزل عیب و ستم و ظلم از جانب شوهر برای زن نیست و تنظیم و وظائف در نظام خانواده ضرورت اجتماعی میباشد.¹⁷⁰

¹⁶⁸. عکاشة عبد المنان الطیبی ، همان مرجع ، صفحات 66-67.

¹⁶⁹. دکتور وهبه زحیلی ، مرجع سابق ، 127.

¹⁷⁰. <https://islamqa.info/ar/10680>.

تهیه غذا، نظافت منزل، شستن لباسها در صورتیکه زن توانایی آنها داشته باشد از وظایف اش است و در صورت عدم توانایی به سبب مریضی و یا کار کردن در خارج منزل، شوهر باید با او همکاری کند و یا خدمتگار استخدام نماید. زن به هر مقام اجتماعی و علمی و اقتصادی باشد خدمت شوهر بر او واجب است. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در حکمیت شان در مورد دخترش فاطمه و حضرت علی و زینب را بین هر دو اینطور تقسیم نمود: وظیفه فاطمه خدمت منزل و وظیفه علی کار و کسب. حکایت است که بی بی فاطمه رضی الله عنها از مشکلات خود برای پدر شکایت کرد و درخواست خدمتگار نمود. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در جواب به او گفت: وظیفه تو خدمت است.¹⁷¹

در انجام کار منزل و پخت و پز غذا اکثر علما و فقهاء به این نظر هستند که در قضاوت شرعی از مکلفیت های زن خانه نیست. ابن قدامه مقدسی می گوید: امام احمد بر این باور است که زن مجبور نیست کارهایی مانند آشپزی و پخت نان و امثال آن را انجام بدهد.¹⁷² خدمت زن برای شوهر از باب معروف است همانطوریکه معامله زن بالای شوهر باساس معروف و حسن معاشرت است خدمت شوهر و اداره منزل نیز باساس معروف و حسن معاشرت میباشد و لیکن به این معنی نیست که شوهر در عمل منزلی با زنتش همکاری نداشته باشد. أم المؤمنین بی بی عائشه رضی الله عنها می گوید: «کان یكون فی مهنة أهله - تعنی خدمة أهله - فإذا حضرت الصلاة خرج إلى الصلاة»¹⁷³. رسول الله صلی الله علیه و سلم خدمت أهل خود را می کردند و زمانیکه وقت نماز میرسید به نماز میرفتند.

پنجم - حفظ اسرار:

از حق شوهر بالای زن است تا اسرار خانه را حفظ کند و از روش و خصوصیت های شوهر برای خانواده و دوستان شکایت ننماید. زن یگانه پناهگاه برای شوهر است و در فرهنگ اسلامی زن بنام «صندوق اسرار» شوهر یاد شده.¹⁷⁴

171. nabulsi.com/blue/ar/art.php

172. دکتور وهبه زحیلی، مرجع سابق، ص 128.

173. البخاری (676) فی الأذان: باب من كان فی حاجة أهله فأقیمت الصلاة فخرج

174. mawdoo3.com، حقوق الزوج.

اسرار عبارت از قول و لفظ و فعل یعنی عمل است که بین زن و شوهر پیش می شود و ممکن است خوب و یا زشت باشد و در هر دو حالت زن اجازه ندارد خارج از دایره منزل اسرار خانواده را حکایت کند. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می فرمایند: شیرین ترین مردم در روز قیامت نزد خداوند کسانی اند که اسرار خصوصی شانرا حکایت می کنند یا بیرون می سازند.¹⁷⁵

در عصر حاضر و سائل جمعی مانند ایمل، توئیتر و فیسبوک ساحه نشر اسرار خانواده ها و افراد شده است و اکثر مشکلات خانوادگی و حتی طلاق به سبب استفاده سوء و نشر اخبار داخل منزل میباشد. علماء افشاء اسرار زوجیت را حرام می دانند و می گویند نشر اسرار سبب از بین رفتن رابطه خانواده و جامعه است. دکتر احمد عمر هاشم عضو کبار هیئت علمای جامعه الازهر می گوید: نشر اسرار خصوصاً اسرار بین زن و شوهر حرام است و اضافه می کند که رابطه بین زن و شوهر رابطه خصوصی است و نباید دیگران از آن اطلاع داشته باشند.¹⁷⁶

حفظ اسرار بین زن و شوهر از آداب و اخلاق اسلامی است و سوره النساء مهمترین صفت زن را کتمان اسرار خانه می داند.¹⁷⁷ حجت الاسلام و المسلمین امام غزالی روایت می کند که مرد صالح اراده نمود تا زنش را طلاق بدهد از او پرسیده شد به چه دلیل؟ جواب داد: عاقل اسرار زنش را افشاء نمی کند. در فرهنگ اسلام نشر اسرار در جمله خیانت بزرگ است و در بین اسرار، اسرار رابطه ای جنسی بین زن و شوهر مهمترین سر است که نباید برای دیگران حکایت شود. متأسفانه بعض زنان و مردان در مجالس شان در مورد این سر حرف می زنند. امام النووی می گوید: نشر اسرار بین زن و شوهر خصوصاً آنچه تعلق به بستر خواب دارد حرمت دارد.¹⁷⁸

¹⁷⁵ .www.denana.com

¹⁷⁶ .الاهرام، /www.ahram.org.eg/news/1007/41/243157/

¹⁷⁷ .النساء:34.

¹⁷⁸ .fatwa.islamweb.net

در بعض حالات خاص کشف اسرار یک ضرورت میباشد مثلاً در وقت ضرورت طبی و نظر خواهی اما بقدر ضرورت و در دائره کوچک و یاد کردن از خوبی و صفات شوهر از صفات زن صالحه است.¹⁷⁹

ششم - حق نصیحت :

در کتب قدیم حق نصیحت بنام حق تأدیب آمده . از حق شوهر است تا همسرش را اگر بی فرمانی و عصیان کند نصیحت نماید و به روش خوب و حسنه زن را درس ادب دهد . شوهر اجازه ندارد از این حق سوء استفاده کند و با روش نامناسب و غضبناک با زن رفتار نماید . شوهر تنها با زن نافرمان و سرکش حق تأدیب را دارد زیرا زن صالحه و با ادب ضرورت به نصیحت و تأدیب ندارد . خداوند می فرماید: «فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلِيهِنَّ سَبِيلاً» (النساء: 34). پس اگر از شما اطاعت نمودند ، راهی دیگر برای تنبیه شان نجوئید (و بر آنها ظلم نکنید و بدانید که) همانا خداوند بلند مرتبه (و بزرگ است .

سوم - حق مشترک بین زن و شوهر :

حق مشترک آن حق است که زن و شوهر بصورت مساوی دارند و هیچکدام به تنهایی نمی تواند از آن استفاده کند . در عصرهای گذشته حقوق زن و شوهر بصورت مستقل بحث می شد اما در عصر حاضر اکثر حقوق زن و شوهر مشترک شده و در شرایط زندگی معاصر فصل بین حقوق زن و مرد مشکلات اجتماعی و اقتصادی را بوجود می آورد . حقوق مشترک بین زن و شوهر در فقه خانواده اسلامی باین ترتیب آمده :

اول : معامله حسنه یا حسن معاشرت حق مشترک بین زن و شوهر است باین معنی که هر کدام یکدیگر شانرا به لطف و محبت معامله کند . مقصد از حسن معاشرت صحبت کردن با لطف ، عدم ضرر رساندن ، احترام حقوق یکدیگر ، احترام و ارج گذاشتن به خانواده های یکدیگر است.¹⁸⁰

دوم: حق مباشرت جنسی: حق مباشرت جنسی حق مشترک بین زن و شوهر است و طرفین در مسائل جنسی حق مشترک دارند و هیچ طرف به تنهایی حق استفاده جنسی را از طرف دیگر ندارد.

زن و شوهر حق بهره گرفتن و لذت را از یکدیگر با توجه به نیازهای بشری دارند، مگر اینکه موانعی مانند: بیماری یا عادت ماهیانه وجود داشته باشد. اقدام به عمل زناشویی از نظر شرعی و اخلاقی در راستای حفظ حرمت و عفت همسر در حد توان بر مرد لازم است.¹⁸¹

بعض زنان بدون دلیل و موانع طبی شوهر را از مسائل جنسی منع می کنند و بدین صورت به حق مشروع و ثابت شوهر در مهمترین امور زندگی ظلم می شود. همچنان مردانی هستند که برای انتقام از زن از مسائل جنسی دوری می نمایند و هدف شان ضرر رساندن به شعور و عاطفه جنسی زن است. خانمی برای مجمع فقهاء شریعت در امریکا این سؤال را مطرح می کند: من شوهر خود را دوست دارم و از او اولاد هم دارم، اما با من نزدیک نمی شود مگر یکبار و یا دو بار، کوشش کردم تا چند بار این موضوع را برایش خاطر نشان سازم اما نتیجه نداد. مجمع فقهاء شریعت در امریکا این جواب را میدهد:

عفت یکی از بزرگترین مقصد نکاح است، مسائل جنسی حق مشروع زن و شوهر میباشد. باین معنی «الإیلاء» یعنی قسم یاد کردن مرد که با زنش نزدیک نمی شود از موجبات طلاق است و اگر شوهر مدت که شریعت تعیین کرده (چهار ماه) قسم یاد کند که با زن خود نزدیک نمی شود و اگر بعد از مدت سپری شده با زنش نزدیک نشود طلاق صورت می گیرد. در قرآن کریم می خوانیم: آنانکه از مباشرت زنان شان سوگند نمایند چهار ماه انتظار کشند و اگر باز گشتند (از سوگند) پس بدون شک خداوند آمرزگار مهربان است* و اگر قصد طلاق نمودند پس به تحقیق خداوند شنوا، دانا است» (البقرة: 226-227).¹⁸² در عصر نبوت زنی از ضعف قدرت شوهر خود به رسول اکرم صلی الله علیه وسلم شکایت نمود و آنحضرت شوهرش را احضار کرد و

¹⁸¹ دکتر وهبه زحیلی، فقه خانواده در جهان معاصر، صفحات 154-155.

¹⁸² فضل غنی مجددی، بحث های دینی و فتواهای فقهی، ص 407.

مشکل زنش را به وی گفت و برای مرد مدت معیین را جهت تداوی تعیین کرد و زن را حق گرفتن طلاق داد. این روایت تثبیت از حق جنسی مشترک می کند.

زن و شوهر در مسائل جنسی تقسیم اوقات معین را ترتیب نمایند و با اینکه مسائل جنسی حق مشترک است اما زن و شوهر شرایط روانی و فیزیکی و معنوی یکدیگر را در مسائل جنسی درک و احترام داشته باشند و مسائل جنسی با استفاده از فشار و تهدید نباشد. شوهر و زن برای عمل جنسی یکدیگر را آماده سازند و بدون آماده شدن یکطرف لذت جنسی را چشیده و طرف دیگر نه تنها اینکه لذت را احساس نمی کند کراهیت و کدورت را در مقابل شریک زندگی خود احساس می کند و اگر این روش ادامه یابد زندگی زوجیت تلخ و به طلاق می رسد.

مطالعات و تحقیقات در حق استفاده مشترک جنسی در افغانستان تا حال صورت نگرفته است اما حکایت های که شنیده می شود و همچنان راپور های که داکتران ولادت و نسائی به نشر می رسانند اکثراً زنان لذت جنسی را با شوهران شان احساس نمی کنند و این سبب می شود که زن حامله نشود و یا به امراض روانی مبتلا گردد. مؤسسات اجتماعی و وزارت امور زنان از کار های شان است که در مورد مسائل جنسی سمینار ها و کنفرانسها تشکیل دهند و برای دختران و پسران که تازه ازدواج می کنند فرهنگ و ثقافت مسائل جنسی را درس داده و توضیحات علمی تقدیم نمایند.¹⁸³

مرد در صورت مشکلات صحتی و عدم قدرت به عمل جنسی لازم است نزد داکتر متخصص رفته مشکل خود را در میان بگذارد. امروز طب در این ساحه پیشرفت های زیاد نموده و حل مشکل قدرت جنسی بسیار ساده و آسان است.

سوم: آرایش و زینت: آرایش و زینت معنی آن نظافت و جمال ظاهری است و جمال و نظافت لباس و بدن تنها مربوط به زن نیست و مرد نیز مسئولیت آنرا دارد. شوهر حق دارد از زنش بخواهد که چه نوع لباس را در منزل بر تن داشته باشد و چه نوع لباس را در اطاق خواب بپوشد. زن دانشمند آرایش و زیبائی و استفاده از عطر های شبانه را در حیات زوجیت نباید فراموش کند زیرا یکی از حقوق شوهر است و مرد نیز زیبائی و استفاده از عطر که همسرش پسند دارد فراموش نسازد. در فرهنگ و ثقافت اسلام

¹⁸³. فضل غنی مجددی، خانواده در اسلام، فصل: مسائل جنسی.

تبرج یعنی لباس برهنه پوشیدن برای زن در حضور مردان نا محرم حرمت دارد و شوهر حق دارد زنش را از پوشیدن این طرز لباسها منع نماید. و همچنان در فرهنگ و ثقافت اسلامی آمده که زن با حجاب در حضور شوهر و در داخل منزل، زن پسندیده نیست به عبارت دیگر زن در داخل منزل و در حضور شوهر لباسهای بسیار قشنگ و آزاد بپوشد تا چشمان شوهر از دیدن زنان نا محرم و بیگانه حفظ شود.

اسلام در تعلیمات اش در مورد آرایش و زیبایی زن برای شوهر و شوهر برای زن سکوت نکرده است. در حدیثی که امام مسلم و بخاری و امام احمد از جابر رضی الله عنه روایت نموده اند، آمده است که: « جابر گفته است: در یکی از غزوه ها ما در حضور رسول خدا صلی الله علیه و سلم بودیم و پس از بازگشت در نزدیکهای مدینه رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود: پیش از رفتن به منزل موهایتان را شانه کنید و آن را روغن بزنیید و موهای زائد بدن را بردارید.» و همچنان گفته شد، مرد نیز باید به خواست و علاقه همسرش حد اقل در محیط خانه خود را بیاراید و لباس و آراستگی مورد نظر او را مراعات کند، ابن عباس رضی الله عنه می فرماید: «همچنان که همسر من خود را برای من آرایش می کند، من نیز برای او همین کار را می کنم، زیرا خداوند سرچشمه زیباییهاست و زیبایی را دوست می دارد.¹⁸⁴

اسلام برای مرد توصیه میکند که در بازگشت از سفر بدون اطلاع قبلی به منزل و نزد همسرش داخل نشود و قبل از رسیدن اطلاع بدهد تا همسرش آماده پذیرائی او باشد و سر و صورت خود را منظم کند یعنی آرایش کند و از شوهر با کمال زیبایی و جمال استقبال نماید.

در کتاب فقه السنه تألیف علامه سید سابق در مورد آرایش و زینت زن برای شوهر آمده: بهتر است زن برای شوهرش زینت کند، سرمه، حناء، عطر و مشابه این چیزها را زن در زینت و آرایش خود استفاده کند. امام احمد از کریمه بنت همام روایت می کند: برای ام المؤمنین بی بی عائشه رضی الله عنها گفتم: ای ام المؤمنین راجع به حناء چه می گوید: گفت: دوستم (حبیبی) صلی الله علیه و سلم رنگ حناء را خوش داشت و اما

از بوی آن کراهیت داشت، برای شما حرام نیست بین دو حیض و یا بعد از هر حیض، یعنی استعمال حناء برای شما زنان حرمت ندارد.¹⁸⁵

موادی که برای آرایش در عصر اول اسلام استفاده می شد عبارت از سرمه و روغن موی و عطرهای همان زمان بود ولی استفاده از این مواد امروز قابل قبول نیست، مرد و زن از تازه ترین مواد آرایش در منزل استفاده کنند و عیب نیست که در مورد آرایش کتابهای که نوشته شده مطالعه شود و همچنان مؤسسات و انجمن های نسوان سمینارها برای نمایش لباس و زینت و آرایش برای زنان ترتیب دهند به دلیل اینکه آرایش زن برای شوهر باعث تقویت رابطه زوجیت و بیشتر شدن محبت و الفت می شود.

در امریکا بین زن و شوهر افغان مشکلات پیش آمد و شوهر به زندان رفت. سارنوال پیشنهاد کرد که اگر گروه از افغانان بین زن و شوهر توافق را بیاورند شوهر از زندان رهایی می یابد. من ضمن هئیت بودم. خانم در حضور شوهر شکایت اش را به این جملات آغاز نمود: شوهرم در ورکشاپ موتر کار میکند و بعد از کار غسل نمی کند و لباسهای پاک نمی پوشد و از عطر خوشبو استفاده نمی کند و مثل حیوانات با من که از بوی زشت او کراهیت دارم پیش می شود. اگر شوهرم تعهد می کند که در نظافت بدن و لباس خود توجه میکند من از شکایت خود می گذازم در غیر آن محکمه تصمیم می گیرد. این یک مثل از صدها مثال بود که در مورد زینت و متوجه ساختن شوهران آورده شد.

چهارم: حق داشتن اولاد، تنظیم نسل، سقط جنین و تربیه اولاد از جمله حقوق مشترک بین زن و شوهر است. تصمیم گرفتن برای داشتن اولاد و تعداد آن، تصمیم گرفتن برای تنظیم نسل و جلوگیری از حمل و در حالات ضروری سقط جنین از جمله تصمیمی است که زن و شوهر مشترکاً اتخاذ می نمایند. زن حق ندارد بدون اجازه ای شوهر و بصورت پنهانی دواء منع حمل را استفاده کند و شوهر باید برای استفاده این نوع دواء موافقه داشته باشد. شوهر حق ندارد آب خود را بدون رضایت زنش خارج رحم و یا بیرون از آن اندازد زیرا این عمل سبب اذیت جنسی زن شده و زن از حق داشتن اولاد محروم میشود.

سقط جنین بدون رضایت زن و شوهر اجازه نیست و قوانین اسلام برای سقط جنین قوانین ثابت دارد که در این تحقیق در مورد آن بحث صورت می گیرد. تربیه اولاد حق مشترک است و در تربیه دینی و مذهبی و اخلاقی اطفال هر دو طرف باید تصمیم گیرند.

تعقیم که در نتیجه آن زن بطور دائم حمل گرفته نمی تواند بدون اجازه شوهر و موافقه دکتران متخصص و به دلیل طبی ممنوع است زیرا حق شوهر از داشتن اولاد ساقط می شود. علامه شیخ متولی الشعراوی در مورد تعقیم می گوید: تعقیم به هر سبب که باشد حرام، حرام است.¹⁸⁶

در استفاده از حق مشترک و راه حل آن بهترین روش، مشوره و تصمیم گیری مشترک بین زن و شوهر است، زن و شوهر با روش سالم و دور از تعصب و برای مصلحت زندگی شان باید فکر کنند و بعداً تصمیم اتخاذ نموده و در عملی کردن آن جهد مشترک نمایند.

در جریان مطالعه و بحث در مورد حق زن و مرد و حقوق مشترک زوجیت باین نتیجه میرسیم که بین فرهنگ و ثقافت اصیل اسلامی و فرهنگ و ثقافت مردم در عصر حاضر تفاوت و مسافه بوجود آمده. محققین جوان کشور در بحث های شان در موضوعات خانواده مکلفیت دارند تا شرایط زمان و مکان و تغییرات مهم که در ساحات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی جامعه رخ داده در نظر داشته و از منابع شریعت اسلامی و اجتهادات معاصر در مسائل قوانین خانواده استفاده نمایند در غیر آن قوانین اجتماعی جامد و عملکرد به آن برای جامعه مشکلات فرهنگی و اجتماعی را بار می آورد و جامعه اسلامی از تقدم و پیشرفت عقب می ماند.

حقوق زن و شوهر از دیدگاه و نظر ثقافت و فرهنگ، عبارت از تصورات و خیال های است که در فکر افراد جامعه اسلامی جهت ساختار اجتماعی و نظام خانواده و حقوق انسان بطور عموم جمع شده و زیر عنوان «ثقافت اسلامی» مورد بحث قرار دارد.

در قانون اسلام حقوق و واجبات زن و شوهر را نصوص وحی و سنت صحیح می سازد. در فهم و ادراک نصوص انسانها متفاوت اند به همین دلیل تفسیرات متفاوت را می

بینیم و انسان در تفسیرات و برداشت های خود متأثر به شرایط محیط و روابط بین افراد جامعه می باشد و به همین دلیل قوانین اجتماعی از یک عصر تا عصر دیگر و از یک منطقه تا منطقه دیگر تفاوت میکند و به همین دلیل بود که امام شافعی بعد از مطالعه زندگی مردم مصر تجدید در روش فقهی خود آورد و در فقه اسلامی معروف است « فقه شافعی قدیم و فقه شافعی جدید ». نصوص شریعت و اجتهادات دانشمندان و قبول تغییر در ساحات اجتماعی در مجموع دیدگاه مسلمانان را در مورد حقوق انسان می سازد.

انسان بعد از خلقت و رسیدن به تکامل و رشد فکری و عقلی و دریافت اهلیت و با استفاده از وحی آسمانی و ارشادات انبیاء علیهم السلام و خصوصاً فرمایشات و ارشادات رسول اکرم صلی الله علیه و سلم به مفاهیم حقوقی دست یافت. اسلام بر خلاف ادیان دیگر برای رسیدن به اهداف عالی انسانی در پهلوی نصوص شریعت و ارشادات نبوی صلی الله علیه و سلم اجتهاد را یک امر قبول شده دانست و انسان را مکلف به تفکر و استفاده از عقل ساخت.¹⁸⁷

فرهنگ اصیل اسلامی روش تطور و تغییر را در تشکیل مؤسسات جامعه که مؤسسه خانواده یکی از مهمترین آن است قبول و در تدوین قوانین اجتماعی بصورت عام و قوانین خانواده بصورت خاص متخصصین در ساحه حقوق را مکلف به بررسی و تحقیق در اوضاع اجتماعی معاصر می سازد تا با استفاده از نصوص ثابت اسلامی و اجتهادات معاصر و ضرورت های موجوده قوانین اجتماعی را تدوین نمایند در غیر آن سیر حرکت جامعه متوقف شده حقوق و وجایب قابل تطبیق عملی نمی باشد. برای توضیح و روشنی بیشتر به موضوعات حقوق خانواده به نقاط ذیل توجه شود:

1. حقوق خانواده در عصر رسالت و نزول قرآن کریم: حقوق دائماً و همیشه زیر تأثیر نظام اجتماعی حاکم بر جامعه قرار دارد و متأثر به روش فکری و فرهنگ و ثقافت میراثی میباشد.
2. نظام اجتماعی را در عصر اول اسلام عوامل متعدد می ساخت مثل: نظام قبیلوی و طبقاتی، غلامی و کنیزی و در این نوع نظام اجتماعی استقلال و آزادی های فردی وجود نداشت و فرد تابع جامعه بود و بزرگ خانواده یا قبیله

¹⁸⁷. فضل غنی مجددی، روش فکر معاصر اسلامی، فصل آزادی فکری.

صاحب سلطه مطلق بود و نسبت به سرنوشت افراد خانواده به تنهایی تصمیم می گرفت و تصمیم او نهائی بود. نظام خانواده و حقوق بین زن و شوهر و حق انتخاب شریک زندگی در نظام قبیلوی و طبقاتی همه از صلاحیت های رئیس قوم و زعیم قبیله میباشند و در تحت شرایط اجتماعی آن زمان نه شوهر و نه هم زن صاحب حقوق مستقل بودند.

3. در جوامع قبیلوی اکثرأ طبقه نسوان از تعلیم و حقوق اقتصادی و حق انتخاب شریک زندگی محروم است و اطاعت شوهر به دلیل حمایت او از زن در ساحات امنیتی و اقتصادی و اجتماعی واجب است و در بسا موارد مردان برای مطیع ساختن زنان از فشار فزیکمی استفاده می کنند و در این نوع نظام مرد حق نکاح و طلاق را به سبب و بدون سبب دارد و زن صاحب حق نمی باشد.

4. قوانین اسلامی برای جامعه اسلامی است که در آن اسلام حاکم باشد و عدالت اجتماعی و امنیت مالی و جسمی تأمین شود در حالیکه اکثر کشور های اسلامی با اینکه بنام اسلامی میباشند از تطبیق عدالت اجتماعی و آوردن امنیت مالی و جسمانی عاجز اند.

در روشنی حقایق فوق الذکر میتوانیم موضوع حقوق زن و مرد را به دو دسته یا دو فقره تقسیم کرد: خطاب قرآنی در مورد حقوق زن و شوهر و تفسیر فقهی از خطاب قرآنی. از بررسی خطاب قرآنی و تفسیر فقهی می توانیم وجود اختلاف بین حقوق زن و شوهر را بین دیدگاه اسلام و ثقافت و فرهنگ جامعه ای اسلامی اینطور بررسی و مطالعه نمود:

اول- خطاب قرآنی: قرآن کریم مبدأ مساوات بین زن و مرد را تأکید و تثبیت می نماید و در مورد تکالیف و تحمل مسئولیت و امانت قرآن کریم می فرماید:

- «فاستجاب لهم ربهم أنى لا أضيع أجر عمل منكهم و من ذكر أو أنثى.»
پروردگار شان به آنها پاسخ دادند که کار کارگر شما مرد یا زن را ضایع نمی سازد.

- «و من يعمل من الصالحات من ذكر أو أنثى و هو مؤمن فأولئك یدخلون الجنة.» و کسانی که اعمال نیک از مرد و زن انجام می دهند و مؤمن هستند و کسانی که به بهشت می روند.

- «إنا عرضنا الأمانة على السموات والأرض والجبال فأبين أن يحملنها و أشفقن منها، و حملها الإنسان.» هر آئینه ما آوردیم امانت را (یعنی استعداد و تکلیف به اوامر و نواهی) بر آسمان ها و بر زمین آن را و ترسیدند از آن و برداشت آنرا آدمی هر آئینه وی هست ستمگار نادان.

دوم- مشارکت در اداره و رهنمائی جامعه بطرف خیر و فضیلت:

- «المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر و یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة و یطیعون الله و رسوله ، أولئک سیرحهم الله إن الله عزیز حکیم.» و مردان مسلمان و زنان مسلمانان بعض ایشان دوستان بعض اندمی فرمایند بکار پسندیده و منع می کنند از کار ناپسندیده و برپا می دارند نماز را و می دهند زکات را و فرمانبرداری می کنند خدا و رسول او را این جماعت رحم خواهد کرد برایشان خدا هر آئینه خدا غالب درست کار است.

سوم- اهلیت فطری برای اداء تکالیف و قبول مسئولیت: برای انجام تکالیف و مسئولیت خداوند انسان را اهلیت داد.

- «خلق الإنسان و علمه البیان». آفرید آدمی را و آموختش سخن گفتن.
- «ألم نجعل له عینین و لسانا و شفقتین و هدیناه النجدین.» آیا برای او دو چشم نیافریده؟ و یک زبان و دو لب؟ و دو راه پیش پایش ننهادیم؟
- «الذی علم بالقلم ، علم الإنسان ما لم یعلم.» آنکه علم آموخت بوسیله قلم ، آموخت آدمی را آنچه نمی دانست.

چهارم- بدست آوردن تجربه جهت اداره و حمایت مصلحت و عملی کردن حقوق. قرآن کریم در این امور مهم زن و مرد را مساوی خطاب می کند و رسیدن به اهلیت قانونی و اداره شئون زندگی را ارتباط به جنسیت نمی دهد بلکه ارتباط به اهلیت و تجربه در امور زندگی می داند و رشد عقلی و فکری را اساس اهلیت مدنی برای زن و مرد می داند و در حقوق مدنی هر دو را مساوی می سازد.

رابطه بین زن و شوهر را قرآن کریم به اساس (معروف) تعیین می کند و معروف در قرآن کریم بیست و چهار مرتبه ذکر یافته و ذکر معروف باین اندازه در قرآن کریم معنی آن تأکید در تطبیق عملی و اظهار اهمیت آن است. تجاوز به حق زن و ظلم روا داشتن به حق او در اصطلاح قرآن کریم ظلم است و اسلام ظلم و تجاوز را منع می کند.

در بعضی جوامع فکرتسلط و مبارزه برای گرفتن قدرت بین زن و مرد سبب شد تا مردان برای حفظ تسلط و رسیدن به قدرت و تحکیم بالای زنان مبارزه نمایند و در طرف دیگر زنان علیه مردان و نظام اجتماعی انقلاب نمایند. در روش و منهج اسلام جای برای مبارزه و رسیدن به قدرت در نظام خانواده بین زن و شوهر نیست. مرد حق داشتن تسلط و زن حق انقلاب را ندارد و رابطه زوجیت در فرهنگ اسلام اساس آن احترام و عدالت و روش حسنه است و مرد و زن یکدیگر را تکمیل می کنند و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم رابطه تکمیلی را باین جمله توضیح دادند: «النساء شقائق الرجال». زنان یک شق از مردان اند.¹⁸⁸

در نهایت این فصل به این نتیجه میرسیم که:

1. آغاز و ادامه رابطه زوجیت و نهایت و ختم آن به مبدأ المعروف استوار است.
2. مبدأ المعروف را حدود خداوند می سازد و تجاوز از حدود خداوند به حکم قرآن ممنوع میباشد.
3. تجاوز به حق زن و شوهر، تجاوز به حدود خداوند و ظلم و تعدی است.¹⁸⁹
4. استبداد و تسلط نظام خانواده و جامعه را برهم میزند و تجربه به اثبات میرساند که فکر تسلط خواهی و عدم مراعات حقوق از جانب طرفین سبب انهیاری نظام خانواده میشود و معروف و حسن معاشرت و همکاری و احترام متقابل بین زن و شوهر ثمره ای آن تأسیس جامعه خوب و مفید است.

¹⁸⁸. ابو داود (236).

¹⁸⁹. www.edhh.org.

فصل ششم

رسیدن به سعادت و نزول به شقاوت

«فمن أتبع هداى فلا يضل ولا يشقى» (طه: 123)

قرآن کریم تشکیل خانواده و ازدواج را منبع سعادت و آرامش برای انسان میدانند و در قرآن کریم می خوانیم: «و من آیاته أن خلق لكم من أنفسكم أزواجا لتسكنوا إليها و جعل بینكم مودة و رحمة إن فی ذلك لآیات لقوم یتفکرون» (الروم: 21). و بازیکی از آیات (لطف) او آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد، درین نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در مورد سعادت و رابطه ای آن با زوجیت می فرماید: «من سعاده ابن آدم: المرأة الصالحة، و المسکن الصالح، و المركب الصالح». سعادت برای اولاد آدم عبارت است از: زن صالحه، منزل صالح و مرکب (وسیله نقلیه) خوب. در حقیقت سعادت نیست مگر به بوجود زن خوب.

عده از مسلمانان که معنی و مفهوم قضاء و قدر و جبر را صحیح درک نکرده اند باین عقیده اند که سعادت و رسیدن به آن نیست مگر اینکه خداوند انسان را به آن برساند و یا خداوند سبحانه و تعالی بخواهد و عده هم باین عقیده اند که سعادت و شقاوت برای هر انسان قبل از ولادت نوشته شده. این گروه از مسلمانان به حدیث که متناً و نصاً صحیح است استنباط می کنند در حدیث مبارک سعادت و شقاوت باین عبارت آمده است: «الشقی من شقی فی بطن أمه و السعید من سعد فی بطن أمه» شقی کسی است که در رحم مادرش شقی پیدا شده، و سعید کسی است که در رحم مادرش سعید خلق شده. شیخ محمد صالح المنجد می نویسد: لفظ سعادت و شقاوت که در حدیث مبارک که حضرت عبد الله بن مسعود روایت کرده مقصد از آن «اسلام و کفر» است و سعادت و شقاوت دو راه است که یکی بطرف جنت و دیگری بطرف دوزخ می رود.

امام احمد رحمه الله می گوید: از سفیان بن عیینه شنیدم که می گفت: «کسیکه خیر کشت کند ، حاصل آنرا بدست می آورد و کسیکه شر زرع کند حاصل آن ندامت و پشیمانی است که بدست می آورد ، اعمال زشت را انجام میدهند و انتظار جزاء خیر را دارند.¹⁹⁰ به اصطلاح افغانستان اگر جو کشت کنید ، جو حاصل می کنید و اگر گندم کشت کنید ، گندم حاصل می کنید.

سعادت و شقاوت از اموری است که انسان در دوران زندگی آنرا بدست می آورد و با انسان در وقت ولادت خلق نمی شود به عبارت دیگر از صفات ذاتی انسان نیست و انسان عاقل نمی گوید که در وقت ولادت با سعادت تولد شده است و یا در وقت ولادت شقی تولد یافته بلکه سعادت و شقاوت نتیجه عمل انسان است و عوامل متعدد دارد. از حضرت علی کرم الله وجهه روایت شده که فرمودند: حقیقت سعادت آن است که انسان عمل خود را با سعادت خاتمه میدهد و حقیقت شقاوت آن است که انسان عمل اش را به شقاوت به پایان میرساند به این معنی که انسان با عمل خود میتواند سعید و یا یاشقی باشد.

گروه از مسلمانان نقش انسان را در کسب سعادت و رسیدن به مقام عالی و افتادن به اسفل سافلین نفی میکنند در حالیکه خداوند سبحانه و تعالی انسان را صاحب اختیار خلق کرده و اگر انسان صاحب اختیار نمی بود و مانند ملائکه خلق می شد که اختیار ندارند ، پس سؤال و جواب در آخرت نمی بود. اگر انسان در یافتن سعادت نقش نمی داشت شریعت اسلامی قوانین مفصل و جامع را برای تشکیل خانواده و انتخاب آزاد برای شریک زندگی وضع نمی کرد. سعادت و رسیدن به آن هنر و علم و تجربه است و انسان عاقل با استفاده از علوم و تجربه های انسانی و هنری می تواند به سعادت برسد و در عدم استفاده از علوم و تجربه های انسانی انسان به شقاوت و اسفل سافلین سقوط می کند. این یک حقیقت دینی است که خداوند انسانرا به سعادت نزدیک و از شقاوت و عذاب نجات میدهد و قرآن کریم در عطاء الهی شرط اول را سعی و کوشش انسان برای نزدیکی به خداوند می داند . خداوند می فرماید که اگر بنده یک وجه به من نزدیک شود من یک گز به او نزدیک می شوم. در نزدیکی به خداوند و رسیدن به سعادت از جانب او انسان باید سعی نماید و از اوامر خداوند

اطاعت و از معاصی اجتناب نماید به معنی دیگر این انسان است که خودش را به خداوند نزدیک می سازد و طلب سعادت میکند.

این فصل رسیدن به سعادت را مورد مطالعه قرار می دهد و در رسیدن به مقام سعادت و جلوگیری از سقوط به شقاوت نظریات دانشمندان و تجربه های کامیاب و ناکام انسانی را تحلیل و تجزیه می نمائیم.

معنی و مفهوم سعادت:

سعادت چیست؟ این سؤال از قدیم الزمان تا امروز مورد بحث است و هر مدرسه فکری و فلسفی و مدارس دینی و عقائدی و مدارس تصوفی هر کدام سعادت را نظر به فکر و روش خود تعریف می کنند. مفهوم و منظور سعادت از یک فرد تا فرد دیگر تفاوت می کند و اما در اصل سعادت و رسیدن به آن همه انسانها نظر مشترک دارند. سعادت گمشده ای نیست که انسان به آن رسیده نتواند. یکی سعادت را ثروت و دیگری سعادت را کامیابی و کشف حقائق علمی می داند. سعادت شعور نسبی است و نظر به قدرت و امکانات هر فرد تفاوت می کند.¹⁹¹

تعریف سعادت :

سعادت در ادبیات زبان: کلمه سعادت مشتق یافته از فعل «سعد و أسعد». ابن منظور صاحب لسان عرب می گوید که سعید ضد شقی است و سعد با سعادت و جمع آن سعداء میباشد. در المعجم الوسیط شقی یعنی غیر سعید و به معنی غیر هدایت شده آمده و نوشته شده که شقی: غیر سعید و گرفته شده از آیه پنجم سوره هود.¹⁹²

از تعریف ابن منظور از سعادت باین نتیجه میرسیم که: سعادت نقیض یا عکس شقاوت است. مشکل است که معنی واحد و کلی را برای مفهوم سعادت بیاوریم به دلیل اینکه سعادت در علوم مختلف معانی مختلف دارد. مثلا در علم نفس و سیکالوجی و سیاست سعادت تعاریفات مختلف شده است.¹⁹³

¹⁹¹ . سعید عبدالفتاح ، سعاده كما يراها المفكرون ، لبنان: مؤسسه عزالدين للطباعة والنشر ، صفحات 15-17-19.

¹⁹² . fatwa.islamweb.net.

¹⁹³ . ابن منظور ، لسان اللسان ، تهذيب اللسان ، الجزء الأول ، دار الكتب العلمية ، بيروت ، لبنان ، طبع الاول 1993 ص 599.

تعریف فلسفی سعادت: فلاسفه قدیم یونان قبل از افلاطون و در بین ایشان فیلسوف رواقی «ابیقور» سعادت را اینطور تعریف میکند: سعادت اعتدال و دوام صحت است و اضافه می کند که سعادت حقیقی آن است که دائمی باشد و نظر میدهد که انسان برای دریافت و رسیدن به سعادت راه و روش اعتدال و زهد را انتخاب کند.

افلاطون سعادت را به فضائل و اخلاق مثل حکمت و شجاعت و عدالت و عفت تعریف می کند. ارسطو سعادت را هدیه خداوند می داند و آنرا به پنج شعبه تقسیم میکند: صحت جسمی، حصول ثروت و حسن اداره و استفاده از آن، تحقیق اهداف و موفقیت علمی، سلامت عقل و عقیده و نام نیک و سیرت خوب بین مردم.

فلاسفه عصر تنویر و از بین شان «ایمانویل کانت» در مورد سعادت باین نظر است که انسان زمانی به سعادت می رسد که وظیفه و واجبات انسانی خود را به آزادی کامل اداء کند و اضافه می کند که انسان آزاد و مسئول احساس خوب به سعادت میداشته باشد و شعور و احساس می کند که با آزادی مطلق زندگی را قسمیکه خودش می خواهد تنظیم می کند.¹⁹⁴

متفکرین و دانشمندان مسلمان سعادت را اینطور تعریف می نمایند: سعادت رسیدن فرد به حالت که تحقق یابد ضرورت های جسم و روح و بین خواهشات فرد و خواهشات جامعه که فرد در آن زندگی دارد و بین زندگی دنیا و آخرت و عمل کرد به آن و اضافه می کنند که سعادت دنیوی سعادت زود گذر و ناقص است و سعادت حقیقی سعادت ابدی در آخرت و رسیدن به جنت است. نزد این گروه از دانشمندان مسلمان سعادت دو مرحله دارد: سعادت دنیوی در پرتو احکام و ضوابط شرعی، سعادت اخروی یعنی داخل شدن به جنت و اصلاح فرد و رسیدن به تقوی در دنیا.¹⁹⁵

سعادت جسم، سعادت عقل، یا سعادت قلب؟ عده باین عقیده اند که سعادت حقیقی اشباع غرائز جسمی و شهوانی است که شامل نوشیدن و خوردن و رفع شهوت جنسی است به عبارت دیگر سعادت مادی محض است.

www.mawdoo3.com .¹⁹⁴

www.saaaid.net ، حقیقت السعادة ،¹⁹⁵

در مورد سعادت جسم، فیلسوف معروف اسلام احمد بن مسکویه (320-421 هجری) می گوید آنانکه معتقد به معانی و اهداف سعادت مادی اند مانند حیوانات هستند.

سعادت عقل: فلاسفه اسلامی به این نظر هستند که سعادت حقیقی در لذت عقل و اشباع ذهن به علوم و معارف و هنر است. این نظریه را فیلسوف بزرگ «کندی و فارابی و ابن مسکویه و ابن رشد» می آورند و می گویند که سعادت حقیقی به طلب فلسفه و حکمت و بحث علوم منطقی و نظری و رسیدن به حقیقت برهانی یقینی صادق است و از نظر این گروه از فلاسفه سعادت عقل بهتر از سعادت جسد است.

أهل تصوف سعادت را تعریف مختلف می کنند. ابن عربی، ابن سینا و سهروردی سعادت را روح و پاکی نفس می دانند و از نظر متصوفین سعادت ذات طابع فردی است.¹⁹⁶

سعادت از منظور و مفهوم اسلامی :

سعادت مهمترین موضوع است که فکر اسلامی را به طرف عقل و نقل و ظاهر و باطن و توافق بین فلسفه و خلق عالم و حشر و علم خداوند به کلیات و جزئیات مشغول ساخته است. بحث موضوع سعادت خاص به فکر اسلامی نیست و قبل از اسلام فلاسفه یونان در مورد سعادت و رسیدن به آن بحث های مفید و جالب را آغاز کرده بودند. سعادت از منظور و مفهوم اسلامی، صفاء نفس و اطمینان و آرامش قلب است. این نوع سعادت زمانی تحقق می یابد که بین خواهشات جسم و روح و بین راحت شخص و راحت دیگران و بین آبادی دنیا و آخرت توازن و توافق به میان آید و اگر سعادت تنها دنیوی باشد سعادت کامل نیست.

سعادت شعور و حساس داخلی است که انسان به بوجود آن آرامش نفس، اطمینان قلبی و شرح صدر و راحت ضمیر را احساس می کند و در نهایت استقامت روش ظاهری و باطن و وسیله قوت ایمان می گردد. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «فمن أتبع هدای فلا یضل و لا یشقی* و من أعرض عن ذکری فإن له معیشة ضنکا» (طه: 123-124). پس هر که پیروی هدایت من کند گمراه نشود و رنج نکشد و هر که روگردان شود از یاد کردن من پس او را بود زندگی تنگ. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در مورد

¹⁹⁶ . دکتور جمیل حمداوی ، مفهوم السعادة فی الفكر الإسلامی ،

سعادت می فرمایند: «من سعادة بن آدم: المرأة الصالحة، و المسكن الصالح، و المركب الصالح». از سعادت اولاد آدم: زن خوب، مسکن مناسب و خوب و وسیله نقلیه خوب یا راحت است. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم زن خوب و پسندیده را عامل رسیدن مرد به سعادت می داند.

سعادت رابطه مستقیم با روح و اسرار آن دارد و شعور داخلی و روحی است و تنها ارتباط به جسد ندارد. سعادت جمال و زیبایی است که روح انسان را جمیل و زیبا می سازد و در عقیده مسلمانان خداوند منبع و مصدر جمال است.

رسیدن به سعادت:

اگر انسان اراده داشته باشد تا به سعادت دنیوی و آخروی نایل گردد باید سعی و کوشش برای رسیدن به آن نماید زیرا هیچ کس نمی تواند شخص دیگر را به رسیدن سعادت کمک کند تا اینکه خودش عزم و اراده به رسیدن و کسب سعادت نداشته باشد. سعادت هدیه خداوند است و ممکن نیست انسان به این هدیه برسد مگر با کوشش و سعی و نزدیک شدن به خداوند. نزدیک شدن به خداوند واسطه نمی خواهد و بسیار آسان است و راه آن اطاعت از او امر الهی و اجتناب از آنچه خداوند منع نموده است.¹⁹⁷

اگر انسان به نقاط ذیل توجه بیشتر داشته باشد به سعادت نزدیکتر می شود:

1. اطمینان به نفس و تقدیر و احترام ذات.
2. احساس به داشتن امکانات برای تسلط و تحکم در شئون زندگی.
3. عمل نمودن به اعمال مهم و مفید و دوامدار برای خود و جامعه.
4. اهتمام و توجه به راحت نفسانی و جسمانی.
5. توجه و دقت به امور صحی (صحت بدن، صحت نفس، صحت جنسی و صحت عقل).
6. ایمان کامل و اخلاق فاضله و عمل صالح و ذکر خداوند.¹⁹⁸

¹⁹⁷ <https://ar.islmway.net/artical/26075>

¹⁹⁸ .الدكتور عبد الرحمن بن معلا اللويحق،

سعادت خانواده :

گفته شد که رسیدن به سعادت و خوشبختی بدست انسان است و در زندگی زوجیت و خانوادگی ، زن و شوهر و افراد خانواده در آوردن سعادت نقش اساسی و اولیه را دارند. در نظام اجتماعی سه قسم خانواده وجود دارد : خانواده ای با سعادت ، خانواده با شقاوت و خانواده بین سعادت و شقاوت. درین بحث عوامل رسیدن به سعادت و افتادن به شقاوت بررسی می شود و امید است خانواده های که ضرورت و احتیاج به معلومات علمی دارند و می خواهند از نظریات علماء و از تجربه های کامیاب و ناکام خانواده ها استفاده کنند و تجربه های ناکام را امتحان و در زندگی تکرار نکنند مفید و قابل استفاده باشد.

سعادت در زندگی زوجیت یکی از مهمترین اهداف ازدواج است و اگر ازدواج به سعادت و آرامش نرسد جای آنرا شقاوت می گیرد و بالآخره به جدائی و انهیار خاتمه می یابد.

در اول مرحله زندگی زن و شوهر زیاد تر به جنس و شهوت و اشباع غریزه جنسی متوجه میباشند اما بعد از ماه عسل و مرور وقت و کبر سن رابطه جنسی و شهوانی اهمیت اولیه اش را به اشیاء مهم دیگر در زندگی می دهد که مهمترین آن سعادت و آرامش و حفظ آن میباشد و زن و شوهر عاقل و با فهم و با تجربه می خواهند سعادت را در داخل خانه بوجود آورند اما عده هستند که روش و طریق رسیدن به سعادت را نمی دانند و ضرورت به رهنمائی و تعلیم دارند.

یقیناً حمایت خانواده و ادامه محبت و همکاری مشترک جهت اداره نظام خانواده و رسیدن به سعادت و جلوگیری از شقاوت مهمترین هدف و آرزوی زن و شوهر است ، اما سؤال در این است که از کدام راه و روش میتوان این رابطه را ثابت و مستحکم نگهداشت؟ بعضی امور است که می تواند زندگی زوجیت را به موفقیت برساند اما بشرطیکه زن و شوهر اسرار این امور را بدانند و در مورد آن مطالعه داشته باشند و از اشتباهات دیگران و اشتباهات خود در زندگی بیاموزند و اشتباهات را تکرار ننمایند.

روش ذیل میتواند رهنما برای سعادت باشد:

رابطه سالم جنسی، بوجود آوردن فضائی محبت و شراکت در زندگی، بوجود آوردن اطمینان و صراحت در امور زندگی، حل مشکلات بصورت مشترک و برنامه های طویل المدت برای دوران کهولت.¹⁹⁹

حاصل کردن سعادت و یا رسیدن به سعادت از امور نا ممکن نیست اما تا رسم و رواجهای میراثی نا مناسب و فرهنگ نا معقول میراثی در خانواده حاکمیت داشته باشد رسیدن به سعادت مشکل است. در بعض خانواده ها و حتی در بین یک عده از زنان و شوهران سعادت نقاب، ستار یا پرده ای است که در عقب آن خود را پنهان می سازند در حالیکه شقاوت در خانه و بین زن و شوهر حاکم است و زن و شوهر در حضور اقارب و دوستان نشان می دهند که با سعادت اند در حالیکه در خفاء با مشکلات مواجه میباشند.

سعادت در حیات زوجیت نتیجه و ثمره ای محبت و دوستی و تفاهم حقیقی بین زن و شوهر است. دلائل و علامه های در زندگی است که دلالت به سعادت می کند مثلاً:

- حفاظت عشق و مودت: ادامه زندگی با سعادت ارتباط مستقیم به حفاظت و حمایت و نگهداری مودت و عشق از طرف زن و شوهر و تقویت آن دارد. برای اظهار مودت و عشق عوامل زیاد است و طرفین کوشش نمایند تا آنها را کشف و در جهت عملی نمودن آنها در زندگی اقدام نمایند. میتوان تقدیم هدایا، رفتن به هواء خوری، رفتن به دیدن اقارب و دوستان، اشتراک در کنفرانسهای علمی و سمینارها، مجالس ادبی و هنری، رفتن به رستوران و در صورت امکانات اقتصادی سفر به خارج کشور این عوامل در مجموع و یا انفرادی سبب ازدیاد مودت و مهربانی و عشق و ادامه آن می باشد.
- انتخاب وقت مناسب برای استراحت روحی و معنوی و بدنی. برای اختیار وقت مناسب مشوره و اتفاق نظر مفید است و زن و شوهر با تفاهم تاریخ و مدت سفر و یا خارج شدن از منزل که برای استراحت مفید است انتخاب کنند زیرا انتخاب از جانب یکطرف در عصر حاضر نوع از انواع دیکتاتوری به حساب می آید.

- متخصصین در شئون روابط خانوادگی و اجتماعی باین عقیده هستند که محبت و روش نیکو بین زن و شوهر اصل اول برای ادامه زندگی با سعادت است و زن و شوهر مشترکاً وظیفه دارند تا این اصل مشترک را در زندگی فراموش نسازند.

سعادت میراثی نیست که از والدین به اولاد برسد و ارتباط به طالع و بخت هم ندارد. سعادت هنر در بین هنرهای زیبا و علم در بین علوم است که با تعلیم و استفاده از تجربه های شخصی و تجربه های دیگران بدست می آید. تحقیقات معاصر نشان میدهد که عموماً زن نسبت به مرد در آوردن سعادت نقش مهمتر را دارد و زن عاقل در آوردن سعادت از ذکاوت و زیبایی های اخلاقی و جمال ظاهری خود می تواند استفاده خوب کند.

مطالعات و تحقیقات نشان میدهد که زن با لطافت و زیبایی های که خداوند برایش داده در آوردن سعادت نقش مهمتر را میتواند بازی کند اما به این معنی نباید تعبیر شود که مرد در آوردن سعادت و حفظ و ادامه ای آن نقش و رول نمیداشته باشد به عبارت دیگر با تناسب متفاوت زن و شوهر در حفظ و آوردن سعادت مسئولیت مشترک دارند. دانشمندان علوم اجتماعی و خانوادگی نقاط ذیل را برای زن و شوهر جهت رسیدن به سعادت به ترتیب ذیل معرفی می کنند:

1. توافق فکری یا همفکر بودن: توافق در مسائل فکری، اجتماعی، مذهبی، دینی و فرهنگی در حیات زوجیت کلید سعادت است و بالمقابل قیودات و محدودیت های اجتماعی و خانوادگی و تسلط شوهر بالای زن و مداخلات افراد خانواده در امور خاص بین زن و شوهر سعادت را صدمه می زند و یا مانع رسیدن به سعادت می شود.
2. اطمینان و باور داشتن: زن و شوهر لازم است در تمام مسائل زندگی بالای یکدیگرشان اطمینان و باور داشته باشند. جوانان که تازه ازدواج می کنند وظیفه دارند تا باور و اطمینان را بین شان خلق کنند و از اموری که مانع بوجود آمدن اطمینان می شود اجتناب و دوری نمایند.

3. مثبت فکر کردن و مثبت دیدن: زن و شوهر نباید با عینک سیاه و ذره بین به نقاط منفی یکدیگر ببینند و این روش مانع سعادت است. زن و شوهر کوشش کنند در نقاط مثبت و مشترک که در وجود هر یک شان است فکر کنند و با کمال احترام و تقدیر و محبت از نقاط منفی و ضعف یکدیگر بگذرند و سعی نمایند تا در مشترکات که بین شان است فکر نمایند.
4. مناقشه و مناظره به روش علمی و اخلاقی: زن و شوهر در امور زندگی با روش فرهنگی و اخلاقی مناظره و مناقشه نمایند. فرهنگ اعتدال در فکر کردن و گفتار و معامله و قبول نظریات مخالف و شنیدن نظریه یکدیگر با ادب، سعادت و محبت را بیشتر می سازد و از طرف دیگر انسان با کلتور و با ثقافت برای دیگران اجازه ای مداخله را در شئون زندگی خصوصی خود نمی دهد.
5. حسن استماع یا روش نیکو برای شنیدن: زن و شوهر کوشش کنند تا سخنان یکدیگر شان را با دقت و احترام بشنوند و هیچ طرف نباید کوشش کند تا فرصت و چانس شنیدن طرف دیگر را از دست بدهد زیرا ممکن است فرصت و چانس بار دیگر میسر نباشد. نخست اقوال و سخنان را شنید و بعداً در مورد آن تفکر کرد و قبل از شنیدن و تفکر نمودن قضاوت سالم نمی باشد. جواب دادن بسرعت و غیر عقلانی مشکلات را بیشتر و سعادت را صدمه می زند.
6. صداقت: صداقت دروازه یا کلید رسیدن به سعادت است. صداقت رکن مهم از ارکان ازدواج و دلیل موفقیت آن به حساب می آید. خانواده ای با سعادت آن خانواده است که در بین شان صداقت موجود باشد و برای تقویت صداقت زن و شوهر مسئولیت مشترک دارند.
7. عدم ذکر خاطرت زشت: بعض شوهران مانند صندوق حفاظت بانک خطاً و اشتباهات کوچک همسران شان را حفظ و ذخیره و در اوقات اختلاف آنرا باز می کنند. این روش نوع از انواع مریضی های اخلاقی است و نتیجه آن سعادت به شقاوت میرسد. زن و شوهر کوشش کنند صندوق را همیشه بسته

داشته باشند و بطور دائم خوبی‌ها و خاطرات خوش و روزه‌های شریک که در زندگی داشتند یاد کنند خصوصاً خاطرات دوره‌ی نامزدی.²⁰⁰

بقاء و ادامه سعادت ضرورت به دانش و فهم و ادراک به امور زندگی و شناخت صحیح از شریک زندگی و جامعه دارد. در بسا مواقع و موارد ضرورتها و احتیاجات زن نسبت به مرد تفاوت میکند. مهمترین اشیاء و امور که زن از مرد و مرد از زن انتظار دارد و عملی کردن آن سبب تقویت روابط خوب و همکاری مشترک و در نهایت خلق سعادت میشود عبارت اند از:

1. زن می‌خواهد تا شوهرش شخصیت مستقل داشته باشد باین معنی که در امور زندگی مستقلانه تفکر کند و در روابطش با همسر و اداره‌ی منزل از دیگران دستور نگیرد. همچنان زن از شوهر انتظار دارد تا در مسائل مربوط به خانواده وجود او را نادیده نگرفته و در تمام امورات با او مشوره کند و یقین داشته باشد که زن شریک او در تمام امور زندگی است و شراکت را احترام داشته باشد.
2. مرد علاقه دارد تا همسرش در اتخاذ مواقف شجاع باشد و ایمان داشته باشد که جزء لایتجزاء از وجود شوهر است. همچنان شوهر از همسر خود می‌خواهد تا صداقت و صراحت داشته باشد و به سؤالات شوهر با صراحت و با صداقت جوابگو باشد.
3. شوهر زیبایی و جمال را در وجود همسرش جستجو میکند لذا زن باید در منزل و در حضور شوهر همیشه زیبا بوده و از بهترین وسایل زیبایی استفاده نماید. همچنان زن آرزو دارد تا شوهرش زیبا و با سلیقه در انتخاب لباس‌های خود باشد.

رابطه‌ی عاشقانه و دوستی در ایجاد سعادت:

در فرهنگ و ثقافت اسلامی حب و دوستی تفسیرات متعدد دارد مثلاً: دیدن زن بطرف مرد در مرحله اول با تعجب و غیر دقیق و نامطمئن میباشد اما بعد از اینکه حب داخل قلب گردد نظر انداختن با معنی می‌باشد. طفل از پدر و مادر که دو موجود اند تولد میشود در تولدی طفل شخص سوم نیست به همین معنی حب حقیقی طرف

سوم را نمی‌شناسد. زمین و آسمان به حق خلق و به حب قائم است. حب بدون اخلاص بی‌نظمی را بوجود می‌آورد. حب ایمان صغیر و ایمان حب کبیر است. دوستی به حب جمال شروع و به جمال حب ادامه دارد. حب عاطفه است و اگر از عقل جدا شود به جنون تبدیل می‌شود.²⁰¹

خداوند در قلب زن رحمت و محبت را جا داده، زن مادر است که در دامانش طفل با ناز و محبت و عشق پرورش می‌یابد و محبت و عشق و عاطفه مهمترین خصوصیت زن است که خداوند برایش عطا نموده و عموماً طبقهٔ ذکور این خصوصیت‌ها را کمتر در وجود خود دارند و مردان نسبت به زنان با خشونت‌اند.

زن قدرت اظهار عشق و محبت و مهربانی را نسبت به مرد بیشتر دارد و مرد با اینکه همسرش را بسیار دوست دارد اما در اکثر اوقات قدرت اظهار آنرا نمی‌داشته باشد و اکثر زنان میدانند که شوهران‌شان آنها را دوست دارند اما دوستی خود را کتمان یا پنهان می‌نمایند.

سعادت در زندگی مشترک زوجیت ادامه و استقرار نمی‌داشته باشد مگر به موجودیت دو رکن اساسی: مودت و رحمت. مودت شعور و حساس قلبی است و رحمت روش و سلوک است که مودت را به نمایش می‌گذارد به عبارت دیگر رحمت ترجمان مودت است. همانطور که غنچه گل به هواء تازه و آب ضرورت دارد تا بوی عطر را اهداء کند، زن نیز به مودت و رحمت احتیاج دارد تا همیشه تازه باشد و به شوهرش عشق اهداء نماید. زن مانند گل زیبا است که به رعایت ضرورت دارد و بهمین ترتیب زن به محبت و دوستی و عشق شوهر محتاج است اما بشرطیکه حب شوهر نسبت به همسر حب حقیقی و از اعماق قلب باشد. عشق حقیقی شوهر به زن سبب می‌شود که زن از تمام حقوق و امتیازات خود بگذرد و زندگی زوجیت را با سعادت سازد. در فرهنگ زوجیت آمده: زن + شوهر = عشق، محبت و دوستی.²⁰²

کلمهٔ شریین و جملهٔ لطیف و مهربانه و نظر انداختن عاشقانه‌ای شوهر بطرف زن دنیا زن است در حالیکه کلمهٔ زشت و استبداد در رأی عاطفه و شعور داخلی زن را مجروح می‌سازد. عدهٔ باین عقیده‌اند که کلمات رومانسی معنی آن اظهار عشق است،

²⁰¹. مصطفی‌الرافعی، کلمه و کلیمة، جمع و عنایة: حسن السماحی سویدان، دار ابن کثیر، دمشق.

²⁰². www.webteb.com/articlies/10318.

ممکن است اینطور باشد اما قبل از ازدواج و بعد از ازدواج کلمات رومانسی بسیار مفید نخواهد بود. بعد از ازدواج لبخند شریین، معامله خوب و شریک بودن به خوشی و غم سعادت را تقویت می کند. زن بیک کلمه خوب و شریین برابر به دنیا خوشحال می شود و شوهر ذکی باید کلمات زیبا را خلق و در اوقات مناسب بزبان بیاورد.

زن می گوید: بگو برایم: ترا دوست دارم، تا سعادت بیشتر شود. شوهر عزیزم این کلمه (دوست دارم) بسیار برایم با ارزش است و تو به گفتن آن زحمت نمی بینی لیکن من خوشحال می شوم. این جمله از دو کلمه تشکیل می شود میخوام از زبان تو بشنوم تا با سعادت ترین زن دنیا باشم و (دوست دارم) بهترین جمله است که هر زن در دنیا آرزوی شنیدن آنرا از زبان شوهر خود دارد. عشق و محبت بین زن و شوهر با کلمات شریین عمیقتر و با جملات زشت مکدر می شود. کلمه شریین و خوب دلیل مودت و رحمت است و بهترین کلمه که زن را با سعادت می سازد (ترا دوست دارم) دارم.²⁰³

محبت، عشق، دوستی، صراحت، صداقت و مناقشه آزاد وسیله برای ساختار زندگی با سعادت است. زندگی زوجیت مانند گل است که انسان میتواند آنرا به هر شکل که بخواهد شکل میدهد و این زن و شوهر هستند که می توانند سعادت و یا شقاوت را در زندگی انتخاب کنند. زنان برای رسیدن به سعادت نظریات متفاوت دارند مثلاً:

خانم..... که بیست سال از ازدواج اش سپری شده می گوید: سعادت زوجیت تکمیل نمی شود مگر به دوستی و محبت بین زن و شوهر. زن و شوهر خواهشات و حقوق یکدیگر را بدانند و در مقابل یکدیگر احترام داشته باشند تا با سعادت باشند.

خانم..... که پانزده سال از ازدواج اش سپری شده می گوید: احترام مهمترین چیز در زندگی زوجیت است و احترام دوستی و محبت را بین زن و شوهر بوجود می آورد. به هر اندازه که شوهر برای زن و زن برای شوهر احترام کند محبت و دوستی و سعادت بیشتر می شود و احترام نسبت به محبت مقدمتر است.

دکتر «تغرید سمان» در مورد عشق و محبت و احترام بعد از تحقیق و بررسی نظریات زنان باین نتیجه میرسد که زندگی و رابطه زوجیت از تمام روابط انسانی

دیگر متفاوت است. اگر به کتابها آسمانی دقت شود دیده میشود که همه کتابهای آسمانی رابطه زوجیت را مقدس و همراه با امنیت و مودت و محبت و تفاهم و همفکری و راحت روح و جسم تعریف می کنند. احترام شعور، عاطفه و عشق اگر همراه با کلمات و با نظر انداختن و لمس کردن با محبت باشد متین تر می شود. احترام بین زن و شوهر باید از آغاز زندگی زوجیت باشد و در فرهنگ اسلام احترام زبان انسانیت در بین افراد جامعه است. دوستی و محبت و حب، غریزه ای فطری است که با انسان تولد میشود.

مرد باید حساس کند که همسرش خانواده ای خود را ترک و به خانه شوهر انتقال می نماید لذا به احترام و محبت از جانب شوهر بیشتر ضرورت دارد. شوهر درک داشته باشد که احترام و رفتار مؤدبانه کلید سعادت است. احترام و اخلاق هنری در بین هنر های زیبا است و ارتباط به تربیت و تعلیم و فرهنگ سلیم دارد. اخلاق زشت و عصبانیت بی جاه شوهر سعادت و خوشبختی را صدمه می زند.²⁰⁴

در زندگی بطور عموم و در حیات زوجیت عشق و حب بصورت مطلق و ثابت نیست و احتیاج به تجدید دارد. جهت حفظ و ادامه سعادت زوجیت زن و مرد کوشش و سعی نمایند تا عشق و حب را همیشه در زندگی شان تجدید نمایند. زن قدرت و امکانات بیشتر نسبت به مرد در تجدید عشق دارد و اسلحه زن قویتر از دفاع مرد است. شوهر نیز باید کشف کند که از کدام راه و روش می تواند عشق و محبت خود را به نمایش بگذارد، عمل جنسی مناسب، اشتراک در کارهای منزل، احترام از مقام زن در حضور اقارب و مهمانان، مشوره در مسائل اقتصادی و روابط اجتماعی، عدم ذکر عیوب زن در حضور مردم در مجموع و مسائل خوب برای حفظ و تجدید عشق و محبت و در نهایت رسیدن به کمال سعادت است.²⁰⁵

صحت جنسی:

صحت جنسی در رابطه با سعادت زیاد در جوامع شرقی مورد دقت و بحث نیست در حالیکه مسائل جنسی و صحت جنسی برای زن و مرد اهمیت فوق العاده دارد و صحت

²⁰⁴ . www.alukah.net/social/0/1506/ ، الحب و الاحترام فی رباط الزوجية.

²⁰⁵ . www.stob5.com/733920.html

جنسی زندگی را با سعادت می سازد و از نظر عاطفی و شعور نفسانی و لذت جسمانی مسائل جنسی در ارتباط به سعادت زوجیت قابل ارزش است.

رسیدن به حیات جنسی صحیح و با سعادت کار ساده نیست و فوراً بدست نمی آید. عمل جنسی و رسیدن به مدارج عالی عاطفه و سعادت به تفکر ضرورت دارد. در جامعه عقب مانده شرقی مانند افغانستان حرف زدن حتی بین زن و شوهر در مورد صحت جنسی عیب و بی حیائی است در حالیکه صحت جنسی و ارتباط آن با سعادت خانواده از امور مهم در زندگی زوجیت است.

عده باین عقیده و باور هستند که نشاط جنسی به هدف آرام ساختن جسد است که در نتیجه جماع حاصل می شود، ممکن است این فریضه برای مردان تا اندازه صحیح باشد اما نسبت به زنان قدری پیچیده تر است خصوصاً برای زنانیکه سن چهل را تجاوز کرده و به مرحله یأس رسیده باشند. در این سن و سال شهوت جنسی و جماع نزد اکثر زنان برای راضی ساختن و خاموش کردن غریزه شهوانی شوهر است و زن می خواهد حتی در سن یأس که لذت جنسی را احساس نمی کند برای شوهر محبت و علاقه خود را نشان بدهد.

ممکن زن آرامش و راحت را در مسائل جنسی احساس نکند اما باید درک کند که شوهر مشکل او را بدون اینکه خودش اظهار کند درک نمی کند و این وظیفه زن است تا مشکل خود را با شوهر در میان بگذارد و مناقشه در این مورد سعادت و راحت را بین زن و شوهر بیشتر می سازد.

از نظر علمی، نزدیکی عاطفی بین زن و شوهر اهمیت بیشتر را نسبت به عمل جنسی دارد. نزدیکی عاطفی شامل ضرورت های نفسانی و روحی و جسمانی است نه تنها اشباع غریزه جنسی زود گذر. اگر مشکلات جنسی بدرجه باشد که سعادت و عاطفه را متضرر سازد در این حالت باید زن و شوهر با داکتر متخصص مشوره کنند و مشکل شانرا اظهار نمایند. عدم توجه به صحت جنسی و بی تفاوتی شوهر خصوصاً در این مسأله مسافه را بین زن و شوهر زیاد می سازد و یا هر دو طرف و یا یک طرف لذت سعادت زندگی مشترک را احساس نمی کند.

زندگی جنسی معلولین :

در جوامع شرقی معلولین از صحت جنسی محروم اند و نظر به شرایط محیطی معلول حق ندارد در مسائل جنسی و احتیاج داشتن به آن اظهار نظر نماید و از جانب دیگر جامعه باین نظر و فکر است که زن یا مرد معلول حساس به مسائل جنسی ندارند ، این یک نظر غیر علمی است. جامعه و خانواده متوجه این موضوع مهم باشند زیرا ارتباط مستقیم به سعادت زوجیت دارد.

بی بی سی در 15 دسامبر 2017 در مورد مشکلات جنسی معلولین در ایران تحقیق و آنرا به نشر سپرد. این راپور بزبان عربی است و بخدمت خوانندگان عزیز قسمتی از آن نظر به اهمیت موضوع ترجمه می شود با توجه به اینکه بین زندگی زوجیت و خانوادگی توافق زیاد بین جامعه ایران و افغانستان است.

(النساء ذوات الاحتياجات الخاصة الهن احتياجاتهن الجنسية أيضاً)

زنانیکه احتیاجات خاص دارند (معلول هستند) احتیاجات جنسی نیز دارند به عبارت دیگر زنانیکه مریض اند و برای زندگی خصوصی شان احتیاج به کمک دارند به همین ترتیب احتیاج و ضرورت به مسائل جنسی نیز دارند.

در ایران زیادتر از ده میلیون زن احتیاجات خاص دارند یعنی ضرورت به کمک میباشند ، این گروه در جامعه محافظه کار در مورد مسائل جنسی بحث کرده نمی توانند زیرا مسائل جنسی در جمله امور محرمات است.

فیراناکا آمیدی نویسنده شئون زنان در بی بی سی در شرق دور می نویسد:

در این مورد میترا فراز اندا که چهل و یک سال عمر دارد و از جمله زنان محتاج است و در قریه کوچک در شمال ایران زندگی دارد تجربه خود را اینطور بیان می کند:

فراز اندا می گوید: معلول هستم لیکن با معلولیت ام یک زن هستم و مانند زنان دیگر احتیاجات دارم و اما ضرورت ها و احتیاجات و عاطفه و شعور اکثر زنان معلول خصوصاً ضرورت عاطفی و جنسی شان مورد تهاجم جامعه قرار می گیرد. او اضافه میکند و می گوید: در بسا اوقات شعور و طاقت جنسی زنان معلول نسبت به سائر زنان بیشتر است و عدم اشباع غریزه جنسی نزد معلولین زن نتایج بسیار خراب کننده را دارد.

این راپورت‌تکان دهنده است و در افغانستان هزارها مرد و زن در نتیجه جنگهای طویل المدت معلول شده اند و متأسفانه جامعه شرقی افغانستان در مورد ضرورت و احتیاجات جنسی این گروه توجه و دقت ندارد. در افغانستان گنگ و کرو فاقد چشم از مسائل جنسی محروم می شوند و در دولت و نظام سیاسی اداره مخصوص برای علاج این معضله مهم انسانی وجود ندارد و در برنامه های وزارت شئون اسلامی و اجتماعی و در برنامه های تعلیمی پوهنتونها مشکل جنسی معلولین بحث و مناقشه و تحقیق نمی شود و امید است بعد از مطالعه و نشر این تحقیق در این مورد بحث آغاز و راه علاج آن نیز جستجو شود و دولت مسئولیت های اخلاقی و اجتماعی خود را درک و اداء کند.

علامات خطر برای سعادت زوجیت :

زن و شوهر خصوصاً جوانانکه تازه به زندگی زوجیت آغاز کرده اند متوجه علامات خطر باشند و اگر علامه ای را در زندگی دریافتند که سبب فقدان سعادت می شود فوراً به علاج آن اقدام نمایند تا در مرور زمان بزرگ نشود و آرامش را صدمه نزنند. مهمربین علامات که ممکن است سعادت خانواده را متضرر سازد عبارت است از:

1. سکوت و خاموشی: سکوت و خاموشی و عدم دیالوگ و مناقشه و قصه و حرف زدن بین زن و شوهر علامه خطر است. عدم مناقشه در امور زندگی و مشوره و عدم تبادل نظر موافق و مخالف در جریان روز و شب را نباید زن و شوهر مسأله ساده و عادی تصور کنند و کوشش نمایند تا سکوت و خاموشی را در زندگی روزمره پایان بخشند و هر دو طرف و یا یکطرف آغاز به گفتگو و دیالوگ نمایند و در مورد زندگی مناقشه صورت گیرد تا پل روابط قطع نشود.

2. ملل و خستگی: عدم لذت بردن در زندگی زوجیت و حساس مسرت و خوشی نکردن از حضور یکدیگر به دلیل خستگی و ملالت علامه ای خطر است. برای رفع این خطر زن و شوهر کوشش نمایند موضوعات جدید و دلچسپ را برای بحث آماده سازند و دوستان جدید پیدا کنند. داشتن دوستان جدید موضوعات جدید را برای بحث آماده می سازد در حالیکه دوستان قدیم و خصوصاً اعضای خانواده همیشه به گذشته فکر می کنند و موضوعات کهنه و گذشته را یاد می نمایند. ارتباط با دوستان جدید ملل و

خستگی را تا اندازه زیاد از میان بر میدارد و تجربه آنرا به اثبات رسانیده و زن و شوهر این تجربه جدید را در زندگی شان امتحان کنند. زن با جمال و ذکاوت و جذابیت که خداوند برایش عطاء نموده قدرت بیشتر را نسبت به مرد در رفع افسردگی و ملالت دارد.²⁰⁶

3. چانس خراب و طالع بد: اگر زن و شوهر معتقد به طالع خراب و چانس بد شدند بدون شک این اعتقاد علامه خطر است. اعتقاد داشتن به طالع خراب و چانس بد سعادت را به شقاوت می رساند. زن و شوهر کوشش نمایند تا اعتماد به نفس داشته باشند و برای بلند بردن معنویات به حقیقت زندگی فکر و از جادو و تومار برای آوردن طالع خود داری نمایند.

4. رابطه قوی بین زن و شوهر: عدم رابطه قوی و مستحکم بین زن و شوهر علامه خطر است. در زندگی زوجیت قسمیکه گفته شد رابطه ای قوی و مستحکم تهداب و اساس سعادت است. برای ایجاد رابطه ای قوی و سایل و راه های مختلف موجود است مثل درک مشکلات و راه علاج آن و عدم تصمیم گیری مستقلانه.

5. فقدان اطمینان: شک و عدم اطمینان زندگی را به مشکلات مواجه می سازد و در عدم اطمینان آرامش و امنیت که عناصر مهم در زندگی زوجیت است از بین برداشته می شود. عدم اطمینان شک و سوء ظن را بین زن و شوهر خلق میکند و زن به شوهر و شوهر به زن سوء ظن میداشته باشد. عدم اعتماد و اطمینان زنگ خطر بسیار خطرناک برای ادامه زندگی مشترک همراه با سعادت است و عموماً یا به طلاق و یا به شقاوت خاتمه می یابد.²⁰⁷

نقش زن در آوردن سعادت:

زن کلید سعادت است و نقش بسیار با ارزش و ارزنده را در ساختار خانواده ای با سعادت دارد. خداوند زن را با قلب مهربان و چهره بشاش و زبان شیرین که قدرت توجه دیگران را بخود جلب می کند خلق نموده است. زن با دانش و عاقل میتواند شوهر زشت و نا مهربان را وابسته و عاشق خود سازد. زن دانشمندان و فهمیده و هوشیار

²⁰⁶ www.tahirah.com الحياة الزوجية في الإسلام.

²⁰⁷ fashion.azyya.com/56599/html.

قدرت آنرا دارد تا مردی را که همه از وجودش در دولت خوف و ترس میداشته باشند تابع خواهشات خود سازد.

زن لازم است تا اسرار سعادت زندگی را جستجو و روش علمی را برای سعادت خانوادگی بیاموزد. بعضی زنان هستند که بصورت طبیعی و ذاتی وسیله رسیدن به سعادت را می دانند و ضرورت به کسب تعلیم ندارند اما عده هم هستند که ضرورت به تعلیم و احتیاج به تجربه میداشته باشند. زن خانه مسئولیت بزرگ را در بناء و تأسیس خانواده دارد که اساس آن مودت و رحمت است. دکتوره اِجلال حلمی استاذ علوم اجتماعیات نصائح با ارزش را برای دختر خانم های جوان که تازه ازدواج نموده اند تقدیم میکند و می نویسد: انتخاب صحیح در بناء و تأسیس خانواده با سعادت ارزش مهم دارد، برای دختر واجب است تا شوهر مناسب را از ناحیه دینی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی انتخاب کند تا قدرت و توان حمل مسئولیت را داشته باشد.

قبل از ازدواج لازم است طبیعت، رسم و رواجهای که جوان از آن پیروی می کند دانست زیرا تغییر روش اخلاقی و طبیعت انسانی بعد از ازدواج مشکل است. دکتوره اِجلال دختران را نصیحت می کند تا قبل از رفتن به خانه ای شوهر تنظیم خانه و پخت و پزرا بیاموزند. خواهشات زیاد و سخاوت در مصارف که زیاده تر از طاقت و توان شوهر باشد سعادت را متأثر می سازد.

دکتوره محمد عبدالمنعم البری استاد دعوت می گوید: هر دختری که اقدام به ازدواج میکند باید معنی آیت 21 سورة الروم را بداند زیرا این آیه مبارکه زندگی را معانی میدهد و خطاب آیه مبارکه مودت و رحمت بین زن و شوهر یعنی سعادت است و این زن است که رحمت و مودت و شفقت را در داخل چهار دیواری منزل تحقق می بخشد و زندگی را با سعادت می سازد.

دکتوره میرفت انور متخصص امراض نفسانی و ولادت می گوید که دختران قبل از تفکر به ازدواج معلومات ابتدائی به حفظ صحت دارند. او اضافه می کند که دختران قبل از ازدواج کتاب های علمی که در مورد ازدواج و آوردن طفل است مطالعه نمایند تا معلومات علمی در مورد زندگی زوجیت داشته باشند. توجه زنان به نظافت بعد از

مریضی زنان که ممکن سبب التهاب که بنام «Hony Mool Infiction» یاد می شود بسیار مهم است و در صورت مشکلات صحی باید با داکتر متخصص مشوره کند.²⁰⁸ بعد از تقدیم این معلومات توجه زنان را به نقاط مهم دیگر که ارتباط به سعادت زوجیت دارد و از وظایف زن میباشد معطوف می سازیم:

1. مقام شوهر را به نظر بلند داشتن و در حضور شوهر به لباسهای قشنگ و آرایش مقبول و موهای پاک و منظم حاضر شدن.
2. صبح آغاز زندگی جدید است، زن کوشش کند صبح را با گفتار شریین و لبان خندان افتتاح کند. آماده کردن سفره ای قشنگ برای تناول افطار، در وقت خارج شدن شوهر از منزل و بوسیدن با محبت و خدا حافظی دوستانه و گفتن «به انتظار دیدنت» سعادت را در قلب شوهر می آورد و نباید دختران جوان این امر را نادیده بگیرند. در عصر حاضر و دست یافتن به تکنالوجی جدید بهتر است زن ایمل به عبارت مقبول نثار شوهر نماید و همینکه شوهر به دفتر کار میرسد و اولین نامه ای عاشقانه را از طرف همسر خود می خواند تا رسیدن به منزل بیاد او می باشد.
3. در بازگشت شوهر از کار با خستگی و نارامی، زن خود را آماده استقبال نماید و با لبان خندان و کلمات زیبا از او پذیرائی کند.
4. عدم شکایت از کار منزل و مشکلات اولاد تا اینکه شوهر راحت شود.
5. بعضی زنان بعد از سپری شدن مدت ازدواج به نظافت منزل توجه ندارند. توجه به نظافت منزل و پاکی خانه ارتباط مستقیم به سعادت زوجیت دارد و نباید شوهر حساس کند که به مسافر خانه آمده است.
6. عدم توجه داشتن به امور کوچک که ارزش زیاد در زندگی ندارد مثلاً اگر شوهر بوقت معین به خانه برنگردد و یا وعده داده باشد که به دیدن دوستان می روند و یا فراموش کند ضروریات خانه را با خود بیاورد، این همه از جمله اموری است که نباید در مورد آن مجادله و مناقشه صورت گیرد و معذرت شوهر پذیرفته شود.²⁰⁹

²⁰⁸. أسرار الزوجية السعيدة، /www.alukah.net/social/0/305/

²⁰⁹. www.alaraby.co.uk/portal منتديات سيدتي.

نقش مرد در حفظ سعادت :

شوهر نقش مهم را در حفظ و ایجاد سعادت زوجیت دارد و از مسئولیت های اخلاقی و خانوادگی او آماده ساختن فضاء آرام و با سعادت برای خانواده است. مردان قبل از ازدواج در سمینار خانوادگی اشتراک نمایند و کتابهای که مربوط به علاقه و ذوق زنان است مطالعه نمایند. موضوعات ذیل شوهران را در حفظ و ایجاد سعادت زوجیت کمک می کند:

1. شوهر قدسیت رابطه زوجیت را احترام داشته باشد و ایمان داشته باشد که زوجیت به حکم قرآن کریم و سنت نبوی قدسیت دارد.
2. شوهر طبیعت فزینگی و بیولوژیکی زن را مطالعه کند و باساس آن بازن رفتار نماید.
3. شوهر نباید از ارتباط گذشته اش با زنان دیگر پرده بردارد زیرا این عمل سبب رنجش همسرش می شود.
4. با تمام مشکلات زندگی در مقابل همسر خوشحال باشد.
5. غیرت بی جا و شک در اعمال زن سبب مشکلات گردیده سعادت را صدمه می زند.
6. نباید در پیامد هر مشکل زن را ملامت ساخت.
7. دادن هدیه در مناسبات مهم رابطه محبت و عاشقانه بین زن و شوهر را تقویت می کند. در تهیه هدیه شوهر باید بداند که همسرش کدام نوع هدیه را بیشتر دوست دارد.
8. اشتراک در کار های منزل و مشوره در تمام امور خانه و سپردن مسئولیت های مالی برای زن سبب اعتماد بیشتر میان زن و شوهر میشود.
9. در عودت به منزل اگر امکان باشد یک دسته گل مقبول به زن تقدیم کردن سبب خوشی و سعادت زن می شود.
10. بعد از رسیدن به دفتر کار، اطلاع دادن زن بسیار مهم است و این روش زن را از پربیشانی خلاص و احساس می کند که اهمیت زیاد نزد شوهر دارد.
11. اشتراک کردن در انتخاب لباس و رنگ امانه باندازه که شخصیت زن را نفی کرد.

12. باز کردن دروازهٔ موتر و انتظار کشیدن تا زن اول داخل منزل شود از اموری است که زنان به آن بسیار علاقه دارند و لذت می‌برند و در حضور دوستان افتخار می‌کنند.

جملات و کلمات که زنان دوست دارند از شوهران‌شان استماع کنند:

- صفت از ذکاوت و روش فکری و دانش زن.
- یاد کردن زیبایی و جذاب بودن سبب خوشحالی و سعادت زنان می‌شود.
- گفتن ، تو حیات من هستی ، تو بهترین و قشنگ ترین هدیه خداوند در زندگی من هستی .
- زن به هر سن و سال که باشد خوش دارد تا به نام کوچک و با ناز و نوازش خطاب شود و اکثر زنان خوش ندارند بنام مادر احمد یاد شوند.²¹⁰

مشوره برای زن و شوهر :

سعادت تاج طلائی در سر زن و شوهر است و خانوادهٔ قیمت آنرا می‌داند که از آن محروم باشد. از دست دادن سعادت مانند از دست دادن صحت است و انسان قیمت صحت را زمانی می‌داند که به مرض مبتلاء گردد. سعادت ارتباط زیاد به ثروت ندارد و هستند خانواده‌های ثروتمند که با سعادت نیستند و در مقابل بسیار خانواده‌های فقیر موجود اند که بسیار قانع و با سعادت می‌باشند. رسیدن به سعادت و حفظ آن ارتباط به عمل مشترک و مسئولیت مشترک و فهم و ادراک علمی دارد و امید است نفاذ ذیل برای رسیدن به سعادت خانواده‌ها را کمک کند:

1. عدم مقایسه با دیگران ، رزق ، ثروت ، جمال از جمله اموری است که تقسیم آن بدست انسان نیست و مقایسه با دیگران سبب مشکلات خانواده می‌شود.
2. زن و شوهر انتظار اشتباه و خطا را از یکدیگر داشته باشند زیرا انسان به طبیعت بشری که دارد خطا می‌کند.
3. احترام حدود و ساحت شخصی : مهمترین خطا و اشتباه عدم احترام حدود شخصی است. مرد و زن هر کدام در زندگی شخصی چیزهای دارند که نمی

²¹⁰ www.eltnmyaelbshria.com/2015/03/Happy-married-life_21.html همچنان دیده شود:

دکتر صلاح عبدالکریم ، : <https://drsalihsad.com/dr/items/show/439> and

<http://www.ana7waa.com>.

خواهند دیگران بدانند مثلاً زن نمی خواهد شوهرش راجع به خواهران و برادران اش چیز بداند. نه شوهر نه زن و کوشش کنند نامه هایی شخصی یکدیگر را مطالعه نمایند و تجسس در امور شخصی مشکلات زیاد را بوجود می آورد و راه حل این معضله خلق و بوجود آوردن اطمینان بین طرفین است. شنیدن مکالمات تیلیفونی و ثبت آواز خلاف آداب اجتماعی میباشد و در فرهنگ اسلام بنام «سوء الظن» و تجسس یاد می شود.

4. عدم مراقبت و عدم رفتن به دفتر کار برای اطلاع گرفتن از روابط اجتماعی و کاری یکدیگر .

5. داشتن فیسبوک مشترک ، حساب بانکی مشترک بسا مواقع مشکلات را کمتر می سازد ولی باین هم جستجو برای دریافت از حسابات شخصی و خواندن ایمل و فیسبوک و تویتر و دیدن تیلیفون شخصی سبب میشود تا آرامش و استقرار از بین رفته و زن از شوهر و شوهر از زن مسائل را پنهان سازد این روش عواقب خوب ندارد.

مشکلات خانوادگی و راه حل آن:

خانواده ، جامعه کوچک است و هیچ جامعه در دنیا نیست که بدون اختلاف و مشکلات باشد. اختلاف بین دو شریک زندگی یک امر طبیعی است و عموماً واقع میشود اما مردم در حل آن بعض اوقات عاجز می باشند و خانواده ها اکثراً از مراکز اسلامی ، انجمن های اجتماعی و دانشمندان مشوره نمی گیرند و می خواهند مشکلات شان را پنهان داشته باشند و این روش در بدل حل مشکلات در ازدیاد مشکلات می افزاید.

زن و مرد در مجموع اولاد آدم هستند و انسان به طبیعت انسانی که دارد یکرز با سعادت و خوش و یک روز خفه و غمگین میباشد. خداوند سبحانه و تعالی طبیعت انسان را میداند و به همین سبب روابط بین زن و شوهر را به حسن معاشرت و رفتار نیکوهدایت فرموده و از خشونت و رفتار زشت در روابط اجتماعی عموماً و روابط خانوادگی منع کرده است.

مشکلات انواع مختلف دارد مثل مشکلات اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و مذهبی و غیره. قرآن کریم از انواع مشکلات خبر میدهد. آیات اول سورة التحريم و

الأحزاب حکایت از مشکلات داخل منزل رسول اکرم صلی الله علیه و سلم خبر میدهد. سبب مشکلات در حرم رسول الله صلی الله علیه و سلم اقتصادی بود و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم قدرت مصارف زیاد را برای خانواده خود نداشتند و زنان مصارف خانه را از آنحضرت مطالبه می کردند. خداوند برای حل این معضله دو راه را برای زنان رسول الله صلی الله علیه و سلم پیش کرد: راضی بودن و انتخاب خدا و رسول او ، گرفتن طلاق. زنان رسول اکرم صلی الله علیه و سلم خدا و رسولش را انتخاب کردند.

أمهات مؤمنین انسان بودند و در صفت انسانی با دیگر زنان تفاوت نداشتند همان خواهشات را در زندگی داشتند که دیگر زنان در وقت شان داشتند و همچنان معصوم نبودند. موقف أم المؤمنین بی بی عائشه رضی الله عنها بعد از نزول آیات سوره التحريم موقف یک زن بود. برای رسول اکرم صلی الله علیه و سلم گفت: من خدا و رسول او را انتخاب کردم اما خواهش می کنم از انتخاب من به زنان دیگر تان خبر ندهید. به این معنی که ممکن است دیگر زنان طلاق را انتخاب کنند موقف یک زن همینطور میباشد. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم تبسم کردند و به جواب بی بی عائشه گفتند رسول خدا نمی تواند حقیقت را کتمان کند.

یک مثال دیگر از زندگی رسول اکرم صلی الله علیه و سلم با بی بی عائشه رضی الله عنها. بی بی عائشه یک زن جوان و نازدانه بود و بعض اوقات با رسول اکرم قهر میکرد. روزی رسول اکرم برایش گفت: عائشه من میدانم که چه وقت خوش هستی و کدام وقت خفه. پرسید از کجا می دانید؟ رسول الله صلی الله علیه و سلم گفتند: اگر خوش باشی می گوئی قسم برب محمد و اگر خفه باشی می گوئی قسم برب ابراهیم. گفت: صحیح است یا رسول الله.²¹¹

روش زندگی اجتماعی و رابطه بین زنان و شوهران در مکه و مدینه تفاوت داشت ، در مکه مرد خانه صاحب امر و نهی بود و فیصله او نهائی بود اما در مدینه زنان آزادی های بیشتر داشتند و می توانستند برای شوهران شان نی بگویند. یک روز حضرت عمر رضی الله عنه برای همسر خود امر کرد ولی همسر شان جواب داد نه خیر و اضافه کرد که اینجا مکه نیست که شما هر چه بخواهید همان شود و حتی زنان رسول الله با آنحضرت خفه می شوند.

حضرت عمر رضی الله عنه فوراً متوجه دختر شان بی بی حفصه که همسر رسول الله صلی الله علیه وسلم بود شد و فوراً بخانه دخترش رفت و از او راجع به رابطه اش با رسول اکرم صلی الله علیه وسلم پرسید. بی بی حفصه جواب داد: ای پدر رابطه من با رسول الله رابطه زن با شوهرش است و من دیروز از صبح تا شام با آنحضرت حرف نزدم. حضرت عمر نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفت و از تغییر روش زنان حکایت نمود و رسول الله با تبسم مقبول که داشتند بطرف عمر دیدند.

از آوردن این حکایت باین نتیجه میرسیم که رابطه بین زن و شوهر همیشه بیک حال نیست و ممکن است یکروز زن و یکروز شوهر خفه باشد و یا برای چند روز با هم حرف نزنند. این قهر و خفه بودن معنی کدورت و جدائی را نمی دهد بلکه بعد از هر صلح محبت و دوستی بیشتر می گردد.

مجادله و مناقشه بین زن و شوهر یک امر قبول شده است و بعض اوقات مشاجره و اختلاف در امور زندگی مفید تمام می شود. در یک زمان ممکن است مشاجره و اختلاف با شدت همراه باشد و اما بزودی به صلح و آرامش برسد و زن و شوهر بعد از آرامش در مسائل زندگی با هم همکاری بیشتر نمایند. اما اگر مشاجره و اختلاف مؤقتی و سطحی نبود و ادامه یافت خطر آن بالای زندگی مشترک بسیار است و ممکن به جدائی برسد. مشکل اختلافات و مشاجره زبانی در این است که محبت و عشق بین زن و شوهر صدمه می بیند و انسان در وقت غضب از عقل و درایت کار نمی گیرد و عاطفه و شعور بالای عقل تسلط می یابد. زن و شوهر در وقت غضب از کلمات مناسب و دوری و از طعنه گفتن استفاده نکنند و در آن موارد که بین شان اختلاف است بحث نمایند و گذشته های تلخ را یاد نکنند. دانشمندان در امور خانوادگی نقاط ذیل را برای زن و شوهر در وقت اختلاف و مشاجره پیشنهاد می نمایند:

- در صورت بوجود آمدن مشکلات و اختلاف نباید درگیر شوید و بهتر است مشاجره را برای روز دیگر بگذارید و برای آرامش عصاب استراحت و رفتن به بستر مناسب است و حل مشکلات را به فردا و یا بیک وقت دیگر واگذار شوید و بعد از آرامش و راحت در حل مشکلات مشترکاً کار نمایید.
- طرفین مسئولیت افعال و اقوال شانرا بپذیرند ، قبول مسئولیت از گفتار سبب آرامش بیشتر شده و راه حل مناسب سراغ می گردد.

- عدم استفاده از کلمات توهین آمیز و طعنه دادن و استفاده از عبارت خوب و مهربانه و عدم متهم ساختن یکطرف در قضیه در حل مشکلات کمک می کند.
- کلمه « لیکن » آغاز مشاجره و مجادله است و نباید در آغاز و پیامد یک مشکل این کلمه را بزبان آورد. گفتن: تو در حق یا حق با تو است در آرامش بسیار کمک می کند و برای رسیدن به حل و وسط نباید کلمه لیکن تکرار شود.
- زن و شوهر در وقت مجادله و مشاجره و اختلاف در امور زندگی به رابطه زوجیت تفکر کنند، تفکر به رابطه زوجیت برای حل اختلافات کمک می کند و رابطه مقدس زوجیت هر دو طرف را متوجه مسئولیت های مشترک می سازد.

مشکلات دائمی بین زن و شوهر:

زن نقش مهم و اولیه را در آوردن سعادت و آرامش نسبت به مرد دارد، اما عده از زنان تجربه شخصی و مطالعات در مورد زندگی زوجیت ندارند و با گفتار و حرکات نامناسب بدون قصد آرامش را برهم و مشکلات را بیشتر می سازند. بعد از مطالعه و بررسی مشکلات خانوادگی مشوره های ذیل به خواهران تقدیم می شود:

1. رابطه با خانواده شوهر: عدم داشتن رابطه قوی و خوب با خانواده شوهر عامل مهم مشکلات بین زن و شوهر می باشد. زن خانه متوجه این موضوع بوده کوشش کند تا رابطه خوب با خانواده شوهر داشته باشد و ضمناً در مشکلات داخلی خانواده شوهر مداخله نکند و بیطرف باشد زیرا رابطه بین خواهران و برادر شوهر به مرور وقت حل و فصل می شود اما مداخله خانم برادر هرگز فراموش نمی شود و خانواده شوهر در پی انتقام می باشند.
2. مشکلات روزمره زندگی: در عصر حاضر مشکلات زندگی مسافه بین زن و شوهر و اطفال را زیاد ساخته و زن و شوهر وقت کافی برای راحت جسمانی و روانی ندارند. اختصاص دادن وقت مناسب برای لذت بردن خصوصاً در آغاز زندگی بسیار با اهمیت است.
3. اشتراک در کار منزل: اگر انجام تمام کارهای خانه را از وظیفه یک نفر در عصر حاضر حساب کرد سبب خستگی گردیده مشکلات را باور می آورد و

- برای حل این مشکل بهتر است کار منزل عادلانه تقسیم شود خصوصاً اگر زن مانند مرد خارج از منزل کار میکند.
4. دعوت نمودن خانواده شوهر و استقبال نیک از ایشان مشکلات دائمی را حل میکند.
5. عدم سهم گرفتن در مصارف منزل و گذاشتن تمام مسئولیت های اقتصادی بالای شوهر به سبب اینکه نفقه بالای شوهر فرض است سبب مشکلات دائمی می گردد لذا اگر زن ثروت دارد و یا کار میکند در مصارف منزل شرکت داشته باشد و مصارف منزل را با شوهر تقسیم نماید.²¹²
6. مبارزه بین زن و شوهر: اگر اختلاف عادی و بسیط به مبارزه میان زن و شوهر تبدیل شود مشکلات دائمی بوجود می آید در این حالت هر طرف کوشش می نماید تا صاحب قدرت بیشتر و تسلط بالای نظام خانواده داشته باشد. مبارزه برای رسیدن به قدرت و تسلیم کردن طرف مقابل مشکلات دائمی را سبب می شود. برای رفع این مشکل قبول امر واقع و احترام متقابل و مراعات حقوق یکدیگر است.
7. مسائل فکری و مذهبی: اگر موضوعات فکری و مذهبی بدرجه برسد که یک طرف خود را در حق و طرف دیگر را باطل حساب کند مشکلات دائمی غیر قابل حل بوجود می آید. برای حل این مشکل بزرگ احترام رأی و عقائد مذهبی میباشد. زن و شوهر برای حل مشکلات دائمی با واقعیت های عینی فکر نمایند و برای آینده درخشان زندگی تجدید در مسائل فکری و مذهبی را قبول کنند و سعی نمایند تا روش فکر معاصر اسلامی را مطالعه و روش غیر واقعی فکری خود را اصلاح سازند. ممکن است یک نوع طرز تفکر در یک زمان مفید باشد و در عصر و زمان دیگر برای ادامه محبت و ایجاد سعادت مفید نباشد و زندگی با سعادت زوجیت را متضرر سازد.²¹³

212. المرأة ، : and , almraah.net/f46/ www.aljamaa.net/ar/2012/09/27 جماعة العدل و

الإحسان.

213. Difficulties Married Face'usccb.org "Marrige" "Britannice.com" Finding Help .

When Your Marriage Is in Trouble" foryourmarrige.org"

روش اصلاح بین زن و شوهر:

اول: از نظر قرآن کریم: قرآن کریم برنامه و روش اصلاح بین زن و شوهر را معرفی میکند. اگر زن به مرحله نشوز برسد از نظر قرآن کریم شوهر اجازه توهین و حقارت او را ندارد. قرآن کریم مراحل اصلاح را اینطور تقسیم میکند:

1. نصیحت به روش مناسب و کلمات روشن و زیبا بدون تهدید. نصیحت در حضور اقارب در قرآن کریم توهین است.
2. فاصله گرفتن از زن و جدا کردن بستر خواب اما بشرطیکه اطفال و دیگر اعضای خانواده ندانند.
3. تهدید رمزی فزیکه بشرطیکه صدمه به زن نرسد.
4. تعیین دو حکم از اهل شوهر و زن به هدف اصلاح. شرط انتخاب دو حکم معرفت شان در حل مشکلات خانوادگی است نه سن و سال و بزرگ در خانواده. وظیفه دو حکم اصلاح است و در صورت عدم اصلاح پیشنهاد طلاق. در قرآن کریم می خوانیم «و این خفتم شقاق بینهما فابعثوا حکما من أهله و حکما من أهلها».

دکتوره سعاد صالح فقهی ازهری در مورد آیه مبارکه می نویسد: خوف: یعنی علم... خطاب برای اولیاء امور و مصلحان. شقاق: یعنی به میان آمدن اختلاف بین زن و شوهر و خلاف بنام شقاق یاد شده به عبارت دیگر زن و شوهر دو شق شده اند و به دو طرف قرار گرفته اند و وصلت بین شان از بین رفته است. این خطاب برای مسلمانان است تا اگر شقاق و اختلاف بین زن و شوهر پیش آمد در حل آن بکوشند و مانع ظلم از طرف ظالم شوند.

آیا هر دو حکم حق دادن طلاق را دارند یا خیر؟ وظیفه ای هر دو حکم آوردن توافق و اصلاح است. از صیغه آیه مبارک استنباط می شود که وظیفه حکمین اصلاح است. اگر حکمین در وظیفه شان که اصلاح است موفق نشوند آیا حق دادن طلاق را دارند یا خیر؟ در مورد طلاق از طرف حکمین دو نظریه است:

اول: هر دو حکم بدون اجازه زن و شوهر حق دادن طلاق را دارند.

دوم: فقهاء مذهب حنفی باین باور اند که حکمین بدون اجازه و موافقه زن و شوهر حق دادن طلاق را ندارند و در عدم رسیدن به اصلاح وظیفه شان خاتمه می یابد.

دکتره عبلة الکحلاوی استاد شریعت اسلامی در پوهنتون ازهر در مورد عقاب برای علاج نشوز زن می نویسد: اگر شوهر وظیفه خود را به خوبی انجام داده باشد حق عقاب را دارد و اما اگر در وظیفه اش تقصیر کرده باشد این حق را ندارد و نمی تواند از همسرش حساب بگیرد. اگر شوهر در عدم انجام وظیفه اش بخواهد زن را تهدید کند و زن خود را اذیت کند این عمل او استبداد و دیکتاتوری و تجاوز از صلاحیت او است.

مسئولیت زن برای اصلاح شوهر: از حق زن است تا با اشخاص صالح از خانواده شوهر تماس گیرد و از آنها دعوت برای اصلاح شوهر کند و اگر شوهر اصلاح نشد و به نشوز خود ادامه داد و تمام کوشش های زن برای اصلاح او فایده نکرد، زن حق گرفتن طلاق را دارد. زن حق جدا کردن بستر خواب را ندارد اما حق دارد تا شوهر زشت را که نشوز کرده بزند و از خود دفاع کند و عمل زن مانند عمل شوهر باشد تا اینکه شوهر اصلاح شود و به راه مستقیم هدایت گردد.

حل وسط: اگر زن و شوهر اولاد داشته باشند و زن به فکر شوهر دیگر نباشد در این صورت یک مدت دوری و جدائی برای زن و شوهر مفید است تا هر دو طرف با آرامی تفکر کنند. در این حالت قوامه بودن شوهر معنی ندارد.²¹⁴

صلح در قانون خانواده:

احکام صلح در قانون خانواده (مطلب اول).

تعریف صلح: صلح کوشش اولیه قبل از دعوی طلاق است که قاضی به صلاحیت و کوشش اش برای قناعت دو طرف انجام می دهد و در این حالت صلح به رضایت و موافقه هر دو طرف صورت می گیرد.

ماده دوم: طلاق ثابت نمی شود مگر بعد از کوشش برای اصلاح. در ماده 49 قانون خانواده در مورد کوشش قاضی برای صلح آمده که مدت این کوشش نباید از سه ماه بیشتر باشد.

²¹⁴ یکشنبه 22 رجب 1439 هجری ، 8 اپریل 2018 ، خطة قرآنیة للإصلاح بین الزوجین ،

تعیین دو حکم: در ماده 56 قانون خانواده در الجزائر آمده: اگر خصومت و مشکلات بین زن و شوهر بوجود آید و ثابت باشد که ضرر در این خصومت نیست قاضی از بین خانواده ای هر دو طرف دو حکم را انتخاب میکند و هر دو حکم در مدت دو ماه نتیجه کار خود را به قاضی تسلیم می نمایند یا می سپارند.

در همین ماده آمده که اگر شقاق بین زن و شوهر بوجود آید و یک طرف، طرف دیگر را ضرر برساند و زندگی مشترک بین شان ناممکن باشد، محکمه دو حکم را از بین خانواده زن و شوهر انتخاب می کند و شرط انتخاب دو حکم این است:

الف: دو مرد مسلمان از خانواده زن و شوهر.

ب: هر دو حکم اصل و ریشه مشکلات و شقاق را بدانند.

ج: کوشش کنند تا صلح را بین طرفین بیاورند.

تبصره: در قانون ذکر شده که تحکیم توسط دو حکم صورت می گیرد، اما صلح از وظیفه قاضی است. قاضی زن و شوهر را به محکمه احضار نموده و در مورد صلح با ایشان صحبت و فائده های آنرا برای زندگی زوجیت و تربیه اولاد شرح می دهد. تحکیم وظیفه ای دو حکم است و فیصله و نتیجه آن الزامی (اجباری) نیست در حالیکه صلح توسط قاضی و محکمه صورت می گیرد و اجراء آن اجباری است.²¹⁵

صلح و اصلاح باید از طرف مراجع قانونی صورت گیرد. در کشورهای اسلامی محاکم شرعی و خانوادگی این وظیفه را دارند اما متأسفانه در اکثر کشورهای اسلامی اداره مخصوص بنام (اداره اصلاح و صلح خانواده) موجود نیست. وظیفه این اداره حل مشکلات و حمایت نظام خانواده است و در کشورهای که این اداره تأسیس شده است تعداد طلاق تا چهل فیصد کمتر گردیده است.

در کشورهای غیر اسلامی مساجد و انجمن های اجتماعی وظیفه اصلاح و صلح و مشوره را دارند و امید است مساجد و مراکز اسلامی قادر به تأسیس اداره اصلاح و صلح و مشوره به خانواده های مهاجر افغانستان شوند. در صورتیکه صلح به نتیجه

نرسد طلاق با اینکه برای زندگی زوجیت وسیلهٔ پسندیده نیست اما برای حل نهائی یگانه وسیله میباشد.

مؤسسات بین المللی که در افغانستان مشکلات خانوادگی و راه حل های آنرا بررسی می کنند با روش صلح سنتی که در جامعه افغانستان رواج دارد مخالفت دارند و روش سنتی افغانی و روش صلح اسلامی را نمی پذیرند و از مداخله محکمه و حکومت در صلح که هدف آن حمایت زنان باشد دفاع می کنند و نظام سیاسی افغانستان را در حمایت حقوق زنان ناکام می دانند.

سازمان ملل متحد باین عقیده است که «فرهنگ میانجی گری» مانع دسترسی زنان افغان به عدالت شده. دفتر نمایندگی سیاسی سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) اعلام کرد که استفاده از فرهنگ «پا در میانی / میانجی گری» در قضایای خشونت علیه زنان در این کشور مانع دسترسی آنها به عدالت شده است.

در گزارش تازه این نهاد زیر نام «بی عدالتی و معافیت» که به نشر رسیده آمده: با وجود آنکه از سال 2009 میلادی تا کنون قانون «محو خشونت علیه زنان» در افغانستان نفاذ است، اما دسترسی زنان افغان به عدالت هنوز هم به شدت ناکافی است.

این گزارش بر اساس تجربه های فردی زنان افغان و نجات یافته گان از خشونت در سراسر افغانستان از ماه اگست / اوت سال 2015 تا دسامبر سال 2017 مستند سازی شده است.

سازمان ملل افزوده که در این بررسی ها پیامد های حقوق بشری استفاده گسترده از فرهنگ «در میانی / میانجی گری» در قضایای خشونت علیه زنان به چشم می خورد و این موضوع مانع درک درست زنان از حقوق اساسی آنان شده است.

این نهاد فزوده که روش های سنتی نباید برای حل جرایم جنایی علیه زنان به شمول قتل، قتل های ناموسی و جرایمی که در ماده های 18 تا 22 قانون محو خشونت علیه زنان آمده است، استفاده شود.²¹⁶

حکومت‌های اسلامی وظیفه مهم را در ایجاد صلح بین خانواده‌ها دارند اما متأسفانه در افغانستان نظام سیاسی فاقد این ارزش است. انجمن‌های مدنی و فعالان سیاسی و حتی احزاب سیاسی در برنامه‌های شان موضوعات مربوط به خانواده گنجانیده نشده است و احزاب سیاسی افغانستان فاقد برنامه‌های اجتماعی می‌باشند. مشکلات خانوادگی ضرورت و احتیاج به برنامه‌های وسیع اجتماعی دارد. انعقاد سمینارها و کنفرانس و ایجاد کورسها برای جوان قبل از ازدواج و نشر فرهنگ زوجیت و داخل ساختن فرهنگ زوجیت در برنامه‌های تعلیمی پوهنتونها و تربیه جنسی در مدارس میتواند از ایجاد مشکلات تا یک حد و اندازه جلوگیری نماید. عدم ثقافت خانوادگی و عدم فهم زن و شوهر در مسائل زناشوی و اعتراف و احترام به حقوق یکدیگر اسباب و وسیله اختلافات را آماده می‌سازد.

مردم افغانستان به فرهنگ و ثقافت و روش حل اسلامی اعتقاد بیشتر دارند و وظیفه علمای کرام است تا وظیفه فرهنگی خود را به صورت صحیح در جامعه ایفا نمایند و این وظیفه را زمانی می‌توانند بصورت پسندیده انجام دهند که اولاً خود علماء روش معاصر اسلامی را در ساحت تربیه و تعلیم بیاموزند و دوره‌های تربیوی را تعقیب کنند. برای ارتقاء فکر علماء در عصر حاضر دولت مسئولیت بزرگ را دارد. نبودن برنامه‌هایی تعلیمی و کورسها قبل از ازدواج و انجمن‌های حل مشکلات خانوادگی در افغانستان و اکثر کشورهای اسلامی سبب می‌شود تا مشکلات خانوادگی بزودی حل نشود و میزان طلاق بیشتر شود. امید است این تحقیق متواضع بتواند در حل مشکلات خانواده‌ها و بلند بردن بردن فرهنگ و ثقافت اسلامی جوانان عزیز کشور ما در امور خانواده کمک نماید.

فصل هفتم

انحلال زوجیت

در قانون احوال شخصیه و در کتب فقه اسلامی طلاق موضوع بزرگ و مستقل است که نمی توان تمام جوانب آنرا در این تحقیق کوچک و متواضع مورد بحث و بررسی قرار داد. در این تحقیق به آن موضوعات مربوط به طلاق بحث می شود تا مشکلات جامعه افغانی از ناحیه طلاق تا اندازه حل و خانواده ها مفهوم و معنی طلاق را خوبتر بدانند زیرا اکثراً دیده میشود که جوانان عزیز معنی و مفهوم طلاق را از ناحیه اسلامی نمی دانند و در عدم فهم صحیح مرتکب اشتباهات می شوند که در نهایت امر موضوع به طلاق بدون فهم از آن میرسد. متأسفانه طلاق که آخرین حل مشکلات زوجیت است به مشکل بزرگتر تبدیل و نتایج منفی را در جامعه بجا گذاشته است و در بعض نقاط افغانستان به تصادم فیزیکی و قطع رابطه اجتماعی و صلّه رحم می رسیده است.

طلاق در فرهنگ اسلامی حلال غیر پسندیده است به دلیل اینکه طلاق روابط اجتماعی را برهم می زند و نتایج منفی را برای زن و شوهر و آینده اولاد بجا می گذارد و ضمناً سبب امراض روانی و نفسانی و انحراف اخلاقی می شود.

رابطه بین زن و شوهر، رابطه محکم و اخلاقی است و طلاق این رابطه مقدس را از بین برمی دارد و همچنان رابطه صلّه رحم که از جمله روابط مقدس اجتماعی است صدمه می بیند.

از منظور اجتماعی طلاق یگانه علاج و بدیل برای انحلال زوجیت شمرده می شود و عدّه مردم باین باور اند که طلاق در حالت ضرورت بسیاری از مشکلات خانوادگی و اجتماعی را حل میکند. عدم فهم صحیح از نظام اجتماعی اسلام و ضعف عقیده سبب ازدیاد طلاق در جامعه شده است. تغییرات در ساحة اجتماعی و استقلال اقتصادی زنان از مردان، انقلاب فرهنگی و تأثیر میدیا خارجی سبب شده تا مردم در نتیجه طلاق فکر نکنند و طلاق را یک امر ساده تصور نمایند.

عادت داشتن عده از مردان به نطق کلمه طلاق و عدم فهم از نتیجه آن سبب طلاق و ختم زوجیت شده است. جنگ، اشغال نظامی، مهاجرت، فقر، انتحار، اختلافات مذهبی و زبانی و نژادی در مجموع سبب نا آرامی عصاب و مریضی های روانی گردیده و این امراض همه در ازدیاد طلاق از طرف مرد و درخواست طلاق از طرف زن شده است. در کشورهای غربی که مسلمانان اقلیت را می سازند و افغانستان در جمع اقلیت ها یک اقلیت اند در مورد طلاق دو مشکل وجود دارد:

اول: عدم موجودیت نکاح نامه رسمی و ثبت شده در دفاتر رسمی.

دوم: ضعف دینداری و انکار زوج به ازدواج.

مشکل دیگر که در مورد طلاق جامعه افغانی به آن روبرو است، مفقود و زندانی شدن شوهر است و در حالت مفقود و زندانی شدن شوهر عموماً زن به مشکلات طلاق اگر بخواهد روبرو می شود.

در نتیجه عوامل متعدد که ذکر شد، علماء و مجتهدین معاصر در موضوع طلاق تجدید نظر کردند و در دادن طلاق از طرف شوهر و درخواست طلاق از جانب زوجه در روشنی احکام طلاق اجتهاد نمودند تا مشکلات طلاق حل و نظام خانواده از سقوط حفظ شود. در این تحقیق از نظریات و اجتهادات علمای معاصر در موضوع طلاق بیشتر استفاده می شود.

تعریف طلاق:

طلاق عبارت است از برداشتن عقد نکاح و پایان دادن آن از طریق مرد و یا به درخواست زن و یا از طریق قاضی و حکم قضاء. در ادبیات زبان، طلاق از فعل طلق به معنی تنازل و آزاد شدن است و اما در شریعت به معنی آزاد شدن از قید نکاح (عقد ازدواج) بین زن و شوهر و به عبارت دیگر جدائی یا انفصال بین زن و شوهر.²¹⁷

ختم ازدواج از طریق شرعی صورت میگیرد، حکم قضائی و فسخ که سبب طلاق می شود باید اسباب شرعی داشته باشد این اصل در مواد 119-120 قانون حقوق خانواده

²¹⁷. الموسوعة الفقهية الكويتية، وزارة الاوقاف والشئون الإسلامية، الكويت.

عثمانی در فصل انحلال ازدواج ذکر شده. در قانون احوال شخصیه آمده: طلاق الغای عقد در نظر شریعت نیست، بل انحلال و نهایت عقد ازدواج است.²¹⁸

در ماده 68 انحلال ازدواج، طلاق اینطور تعریف شده: عقد ازدواج به طلاق یا فسخ یا وفات خاتمه می یابد.

در ماده 69 قانون احوال شخصیه آمده: طلاق یعنی حل رابطه زوجیت صحیح به اراده شوهر و یا کسیکه به مقام او باشد.²¹⁹

مشروعیت طلاق: طلاق نظر به آیه مبارکه «الطلاق مرتان فامساک بمعروف أو تسريح بإحسان» (البقرة: 229). طلاق (با داشتن حق مراجعت) دوبار است سپس یا رجوع به زن و نگهداری آن به وجه پسندیده و یا رها نمودن به نیکی است. با اینکه طلاق در اسلام مشروعیت دارد لیکن اکثر فقهاء باین عقیده و نظریه هستند که اگر طلاق به اساس ضرورت زیاد نباشد حرام است زیرا عقد نکاح، عقد مقدس است که باید حفظ شود. در قرآن کریم می خوانیم: «کیف تأخذونه و قد أفضی بعضکم إلى بعض و أخذن منکم میثاقاً غلیظاً» (النساء: 21). و چگونه آنرا میگیرید در حالیکه به همدیگر پیوند آمیزش داشته اید و ایشان از شما (بوسیله عقد نکاح) پیمان محکم گرفته اند. همچنان «لا جناح علیکم إن طلقتم النساء» (البقرة: 236). باکی نیست بر شما اگر طلاق دهید زنانی را که با آنان مباشرت نکرده اید. و «فطلقوهن لعدتهن». (اطلاق: 1). زنان را در حالت پاکی طلاق دهید.

حکم طلاق:

نزد جمهور «اکثریت»: طلاق مباح است و در اصل خلاف اول است، زیرا طلاق سبب قطع الفت می شود.

حرام است: مثل طلاق بدعت (در وقت حیض و نفاس).

مکروه است: اگر ضرورت نباشد.

²¹⁸. مصطفی احمد الزرقاء، المدخل الفقہی العام، الجزء الأول، ص 576

²¹⁹. مشروع قانون الاحوال الشخصية الموحد، ص 123.

واجب است: اگر ادامه زندگی ناممکن باشد و انسان به یک حرام افتد. مندوب است: اگر زن بد زبان باشد و واجبات دینی را بجا نیاورد و یا اینکه غیر عقیفه باشد و سبب مشکلات خانوادگی شود و یا اینکه زن از طرف شوهر ضرر ببیند.²²⁰

طلاق به عملیات جراحی شبهات دارد و عملیات جراحی زمانی صورت میگیرد که داکتران از معالجه آن عاجز باشند و به جزء عملیات جراحی راه دیگری برای علاج مریض نباشد. علامه دکتور یوسف القرضاوی می گوید: عده از متفکرین طلاق را مباح می دانند لیکن من (القرضاوی) آنرا ممنوع می دانم مگر در حالات ضروری و قول صحیح در مورد طلاق ممانعت است.

اگر زن با انسان غیر مناسب و بد اخلاق زندگی داشته باشد و حق (خلع) یعنی جدائی را نداشته باشد در عذاب دائمی باید زندگی کند و این ظلم است و اسلام ظلم را قبول ندارد و متأسفانه قاضی و محکمه در حکم خلع وقت زیاد را میگیرند در حالیکه امیر المؤمنین عمر وقتیکه زنی نزد اش آمد و گفت یا امیر المؤمنین من او را نمی خواهم فوراً فیصله کرد که در بدل خلع، مهر را مسترد کند و اما اگر زن کراهیت داشت از زندگی با مرد لازم نیست چیزی در مقابل خلع بدهد و این ظلم است.²²¹

فرق بین طلاق و خلع: خلع فسخ است، نه طلاق و این است قول جماعت از علماء مانند عبد الله بن عباس که ابن عبد البر آنرا در «التمهید» آورده و همچنان قول احمد و اسحاق و داود و امام باقر و یکی از اقوال امام شافعی. جمهور باین نظر اند که فسخ در حالت حیض صحت دارد. در خلع و فسخ برای زن عدت است. روایت شده که زن ثابت بن قیس در عهد رسول اکرم صلی الله علیه و سلم خلع شد و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم او را امر به عدت کرد.²²²

در دادن طلاق از طرف مرد شرط است که مرد عاقل باشد و به امراض روانی و عقلی مبتلا نباشد و اگر به این امراض مبتلاء باشد نطق کردن به لفظ طلاق از طرف او معنی

²²⁰. وهبة الزحیلی، الوجیز فی الفقه الإسلامی، الجزء الثالث، صفحات 128-129.

²²¹ www.aljazeera.net/2004/6/3

²²². الامام الشریف صدیق حسن القنوجی البخاری، فتاوی، ص 763.

ندارد و طلاق واقع نمی شود و همچنان رسیدن به سن رشد (رشد جسمی و عقلی و فکری) و داشتن آزادی به دلیل اینکه آزاد بودن از ارکان طلاق است.²²³

امراض روانی و افسردگی جامعه افغانی را بشدت تهدید میکند. در برنامه «گفتگو، تلویزیون طلوع» استادان پوهنتون و داکتران روانشناسی و سخنگوی وزارت صحت اشتراک داشتند و احصائیه های که در مورد مرض افسردگی نشان دادند تکان دهنده بود. احصائیه ها نشان می دهد که 59 تا 70٪ مردم افغانستان به مرض افسردگی مبتلاء اند و یک میلیون زن و 3.5 میلیون مرد به مواد مخدره مبتلاء میباشند. در شرایط موجوده از مصلحت خانواده ها و از مقاصد شریعت است که موضوع طلاق را شدید نگرفت و شرایط صحی، اقتصادی و اجتماعی جامعه در مورد طلاق باید مراعات شود در غیر آن اکثر خانواده ها متضرر می شوند.²²⁴

در ماده 75 قانون احوال شخصیه در مورد الفاظ طلاق آمده: طلاق واقع میشود به الفاظ صریح که در عرف باشد، و طلاق به الفاظ کنایه واقع نمی شود مگر اینکه متکلم نیت طلاق را داشته باشد، و نیت ثابت نمی شود مگر به اعتراف طلاق دهنده. طلاق واقع نمی شود اگر شخص در تلفظ کردن به کلمه طلاق اشتباه کرده باشد مثلاً قصد گفتن یک چیز را داشته باشد اما طلاق بگوید. در اصطلاح قانون بنام طلاق مخطئی یاد می شود.

طلاق در حالت نشه: در مورد طلاق در حالت نشه دو رأی است:

اول: در حالت نشه طلاق واقع نمیشود به دلیل اینکه در این حالت انسان نمی داند چه می گوید.

دوم: طلاق واقع می شود به دلیل اینکه شخص به اراده آزاد خود را نشه کرده است.

در مشروع قانون احوال شخصیه در مورد این دو نظریه آمده: طلاق مصیبت بزرگ است و سبب تشتت یا پراستگی خانواده می شود لذا کمیته ای قانون گذاران رأی اول را در قانون طلاق انتخاب نمودند و آن اینکه در حالت نشه طلاق واقع نمی شود. دلیل که در این مورد می آورند حفظ مصلحت و مقاصد شریعت است و عمر بن عبدالعزیز

www.nabulsi.com .223

224. طلوع، برنامه: گفتمان، دوم می 2018.

و القاسم و طاووس و ربیعہ و الیث و ابو ثور و المزنی و ابن حزم و از مذهب حنفی الطحاوی و الکرخی باین نظر اند.²²⁵

فسخ به سبب ضرر و شقاق :

در ماده 96 ، زن و شوهر حق مساوی دارند تا از محکمه جدائی را به سبب ضرر و مشکلات در زندگی مشترک بخواهند.

فسخ به دلیل مفقود شدن و حبس شوهر:

ماده 104 ، اگر شوهر یک سال شمسی بدون عذر قابل قبول از زنش دور باشد و این غیاب به زن ضرر برساند ، زن حق دارد از محکمه طلاق را بخواهد. و اگر شوهر محکوم به زندان شود زن حق خواستن طلاق را دارد.

اگر غیاب شوهر سبب ضرر مادی و معنوی برای زن شود ، زن اجازه دارد به محاکم شرعی مراجع کند و قاضی حکم فسخ را صادر کند و اما اگر ضرر به سبب نفقه و مصارف باشد ، قاضی از سرمایه شوهر حق زن را اعاده کند و اگر از شوهر ثروت و سرمایه نباشد در این حالت آزاد ساختن زن از قید نکاح به دلیل رفع ضرر حتمی است.²²⁶

مفقود شدن شوهر در زندگی معاصر جامعه افغانی نظر به مهاجرت ها و جنگهای داخلی بیک مشکل بزرگ رسیده و تعداد از دختران جوان سالها است که به انتظار شوهران شان هستند. در موضوع مفقود شدن در قانون خانواده در افغانستان تعدیلات زیاد تا امروز رخ داده است و بهترین تحقیق از پروفیسور محمد هاشم المجددی در این مورد است که برای استفاده هموطنان نص آنرا می آوریم.

حکم شرعی درباره خانمی که شوهرش مفقود شده باشد

در قرن چهارم که بدون شک از لحاظ انکشاف و توسعه علوم فقهی می توان آنرا بهترین قرون دانست، علما احناف در قسمت مدت انتظار خانمی که شوهرش مفقود گردیده به مذهب مالکی فتوا صادر نموده اند که عبارت از چهار سال است. علامه شامی متقی نقل نموده که « قهستانی » (تولد 353 هجری) که از جمله علمای شهیر

²²⁵. مشروع قانون الاحوال الشخصية ، ص 151.

²²⁶. الامام الشریف صدیق حسن القنوجی البخاری ، فتاوی ، ص 757.

مذهب بشمار میرود این فتوا را صادر و مرور چهار سال را از زمان مفقود شدن شوهر برای تفریق خانم او کافی دانسته است. و دلیل فتوا را همانا ظهور فتنه و فساد تلقی کرده است، در حالیکه واضحاً فتنه و فساد در آنزمان نسبت به زمانی که ما در آن حیات بسر میبریم به مراتب کمتر و ناچیز بود است، و حالا این دلیل بیشتر از وقت دیگر متباز است.

مگر قبلاً باید مطالب آتی قبل از حکم به تفریق و فسخ نکاح خانم مفقود در نظر گرفته شود:

1. تقاضای تفریق از طرف زنی که شوهرش مفقود شده است.
2. عدم تکافوی نفقه و مصارف و اجبه برای زن اولاد شخص مفقود از دارایی او که بجا مانده است.
3. خوف وقوع در گناه بزرگ (زنا).

بنابر آن در حالیکه زن خود تقاضای تفریق را نکرده و عدم تأمین نفقه خود و اولاد صغارش او را وادار به چنین تقاضا نکند، و او نیز بر نفس خود حاکمیت مطلق داشته و خوف وقوع عمل شنیع بر او مسلط نباشد، حکم به تفریق شده نمی تواند. در غیر آن می تواند به محاکم شرعی در تحت نظام دولت اسلامی مراجعه نموده تقاضای تفریق را نماید، و اگر در محل بود و باش وی نظام اسلامی حاکم نباشد بجای محکمه به نزد سه نفر از مسلمانانی که جمعیت مسلمانان به تقوی و پرهیزگاری و اخلاق نیک او شان اطمینان داشته باشند مراجعه نموده تقاضای تفریق را بنماید و او شان می توانند بعد از اینکه از موجودیت و بقای عقد ازدواج ما بین تقاضا کننده و تفریق و شوهر مفقود وی اطمینان حاصل نموده و مفقودیت شوهر نزد شان باثبات برسد با رعایت شرایط مرور مدت انتظار و گذشتاندن عدت و وفات که عبارت از چهار ماه و ده روز است به تفریق میان زن و شوهر مفقود حکم صادر کنند و سپری شدن چهار سال از مفقود شدن شوهر یا بیشتر آن زن می تواند بعد از سپری شدن مدت عدت و وفات که در بالا ذکر شد و بقول ارجح از تاریخ صدور حکم اعتبار خواهد داشت با شخص دیگری حسب رضایت و رغبت خود ازدواج کند.

اساس و دلیل چنین حکم در اصل حکمی است که از حضرت فاروق رضی الله عنه نقل شده و آن بعداً بعین صورت از طرف حضرات عثمان رضی الله عنه و علی کرم الله وجهه

نیز تطبیق گردیده و باین صورت در بین اصحاب حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم به شهرت رسیده و هیچ کسی بر آن مخالفت نوریده است که این معنی اجماع را افاده می کند.

طوریکه ابن قدامه در معنی این حکم را از روایت الاثر و الجوزجانی با اسناد مربوط از عبید الله بن عمیر نقل می کند که مردی در زمان خلافت حضرت عمر رضی الله عنه مفقود گردید و زنش نزد آنحضرت آمده شکایت نمود. آنحضرت فرمود برو چهار سال انتظار بکش. زن چنین کرد و بعد از مرور چهار سال باز آمد و موضوع را بعرض رساند. حضرت عمر رضی الله عنه فرمود برو برای مدت چهار ماه و ده روز عدت را سپری کن. زن چنین کرد و باز مراجعه نمود. حضرت عمر رضی الله عنه ولی شوهر مفقود شده را احضار نموده و به او امر کرد که این زن را طلاق بده. پس از آن بزنا اجازه داد تا حسب دلخواه خود شوهر دیگری بگیرد. در روایت می افزاید که پس از چندی شوهر اولی حاضر شد و حضرت عمر رضی الله عنه بعد از معلومات از احوال او و علت ناپدید شدنش چون عذر به اسارات در آمدن در دست دشمنان را ارائه نمود به او دستور داد تا بین اعاده خانمش یا اخذ بدل مالی یکی را انتخاب کند. مرد به نسبت اینکه زن از شوهر جدید حاصله شده بود به اخذ عوض مالی، عوض مالی را ترجیح داد.

حتی برخی از علمای غیر احناف بقیاس خانمی که شوهرش عنین باشد به علت عدم استطاعت عملیه زنا شوهری بعد از انتظار یک سال و عدم بهبود و صحت یابی شوهر در طی این مدت و بقیاس زنی که شوهرش نسبت فقر از پرداخت نفقه و اجبه امتناع آورد و بحکم استدان در طول یکسال شوهر قادر به ایفای واجب مالی نفقه شده نتواند مطابق حکم فقهی باید قاضی به تفریق میان آندو یعنی زن و شوهر حکم صادر کند. برای زنی که شوهرش مفقود گردیده و از هر دو حق محروم مانده است، یکسال انتظار را کافی شمرده اند. باید گفت که درین مورد موضوع خوف از وقوع در گناه بیشتر از همه تبارز میکند و از همین جاست که به منظور حفظ اخلاق فساد زمان را بیشتر باید مد نظر داشت.

باید گفت در هر حال قبل از هر اقدامی در اجراء و انجام تفریق، در جستجو و پیگیری از احوال شخص مفقود با تمام وسایل ممکنه دستجمعی و فردی باید پرداخت التبه مصارفی که در این راه لازم می باشد تا جائیکه از دارایی شخص مفقود امکان پذیر

باشد از مدرک مذکور، و الا بالترتیب از دارایی زن یا بیت المال یا تبرعات مسلمانان پرداخته شود.

آنچه در این مورد قابل یادآوری است این است که فقهای کرام تنها سپری شدن مدت یا وفات اقران شخص مفقود را مدار حکم قرار نداده بلکه با منطق عملی بیشتر متکی گردیده و حکم خود را با شرایط اوضاع خاص قضیه منطبق نموده اند، بدین معنی که اگر شخص در احوال مثل جنگ، حالت مریض، وقایع و حوادث اختطاف و ارباب ناپدید شده و یا شخص معروف و مشهوری بوده باشد که احوال او بر مردم پوشیده نمی ماند. در چنین شرایط گذشتن مدت طولانی و انتظار بیش از حد لازم را ضروری نمی دانند، بنابراین برای تشبیت و شناخت چنین احوال موضوع را برای امام و خلیفه مسلمانان واگذاشته اند.

از طرفی جنبه عاطفی و نیاز غریزوی زن را از توجه دور نداشته اند، بهمین لحاظ این حق را هیچ وقت قابل سقوط ندانسته اند، گرچه زن برضا و رغبت خود از این حق منصرف شده باشد رجوع وی ازین انصراف و حق مطالبه او مجدداً مانعی ندارد بر خلاف حقوق مالی که باثر سقوط و انصراف یا رضایت زن اعاده شده نمی تواند.

در برخی از روایات که از امام مالک رحمه الله علیه و امام احمد رحمه الله علیه روایت شده است و در بعضی از احوال صرف یکسال انتظار را کافی شناخته اند، بهمین استدلال در برخی از قوانین احوال شخصی در بعضی کشورهای اسلامی زمان انتظار زوجه مفقود را بهمین یکسال محدود دانسته اند. و در قانون افغانستان نیز روی ملاحظات رفت و رعایت جانب زنان و حفظ اخلاق طوریکه قبلاً توضیح گردید مدت چهار سال را کافی شمرده اند و محبوس را نیز در حکم مفقود قرار داده اند، و این حکم مطابق مذهب مالکی بوده و با آرای احناف مخالفتی ندارد، زیرا به اصول اجتهادی احناف صدور فرمان تقنینی یا اعلام حکم قانونی از طرف خلیفه مسلمانان در مسائل مختلف فیه اجتهادی اختلاف را بر طرف ساخته همان حکم جای حکم مذهبی را می گیرد و دیانتاً واجب العمل است.

فقهای کرام در مورد زوجه مفقود که شوهرش بعد از حکم تفریق برگردد چنین حکم می نمایند:

1. هرگاه شوهر گم شده قبل از انقضای عدت باز گردد، زوجه بدون هیچ مشکلی از اینکه هنوز در قید حقوق شوهر است، بحیث زوجه منکوحه او شناخته میشود و حکم تفریق بی اعتبار تلقی می گردد.
 2. هرگاه زوج مفقود بعد از انقضای عدت و قبل از ازدواج با زوج دیگر باز گردد، می تواند به موافقت یکدیگر با تجدید نکاح بزندگی زنا شوهری خود ادامه بدهند.
 3. هرگاه زوج بعد از انقضای عدت و عقد ازدواج زن با شوهر جدید و قبل از مباشرت شرعی زنا شوهری با شوهر جدید باز گردد، شوهر سابق میتواند با موافقه زن، فسخ نکاح جدید و اعاده او را به شوهر سابق مطالبه نموده و با عقد جدید در حبله شوهر سابق بر گردد.
 4. در صورتیکه شوهر مفقود بعد از عقد نکاح جدید و انجام مباشرت زنا شوهری با شوهر جدید باز گردد، حق مطالبه زوجه اش را کاملاً از دست می دهد و زن در عقد نکاح شوهر جدید باقی می ماند.
- البته درین موضوع اطلاق حکم مالکیت زن از طرف شوهر درست نیست بلکه باید گفته شود که زن در حباله نکاح مرد دیگری است و تا زن طلاق یا نکاح فسخ نشود با شخص دیگری عقد نمی گردد.²²⁷

فسخ به علت صحی :

ماده 106، اگر زن یا شوهر علتی را در یکدیگر ببینند که سبب ضرر شود مثل جنون، جذام و عدم حصول متعه جنسی حق فسخ را از محکمه دارند. محکمه به دعوی زن و شوهر در این حالت جلسه سری میداشته باشد.

فسخ به علت تعدد زوجات :

ماده 108:

الف: اگر مرد زن دوم را بگیرد و زن اول به زن دوم شوهر راضی نباشد حق درخواست فسخ را دارد.

²²⁷ فضل غنی مجددی، خانواده در اسلام، صفحات 154-158. و هفته نامه امید شماره 276، چاپ امریکا.

ب: اگر زن دوم یا زن جدید خبر نداشته باشد که مرد زن دارد، حق دارد فسخ ازدواج را مطالبه کند.

نوت: فسخ به علت مفقود بودن، حبس، علت صحی، ضرر و شقاق و تعدد زوجات به درخواست و خواهش زن صورت می‌گیرد و اگر زن در همه این حالات موافق و راضی باشد او را کسی مجبور به فسخ ساخته نمی‌تواند.

اقسام طلاق:

طلاق سه قسم است:

اول: ماده 111، طلاق رجعی که اصل زوجیت را زایل نمی‌سازد و شوهر حق مراجعه را در خلال عدت به قول و فعل دارد.

ب: طلاق بائن: ماده 112، بائن بغیر از طلاق سه‌گانه است در این حالت به عقد جدید و مهر جدید در جریان عدت و بعد از آن زن و شوهر می‌توانند یکجا شوند.

ج: ماده 113، طلاق مکمل سه بار، طلاق نهائی است و تا زن شوهر دیگر نکند و از شوهر دوم طلاق نشود نمی‌تواند با شوهر اول عقد نماید.²²⁸

آداب طلاق: اگر روش اصلاح بین زن و شوهر نتیجه نداد و ادامه زندگی زوجیت ناممکن شد در این حالت طلاق یگانه و سیله و طریق مناسب برای حل مشکلات خانواده است و اگر طلاق مشروعیت نمی‌داشت زن مجبور و مکلف می‌بود تا با شوهری که او را نمی‌خواهد تا آخر حیات باشد و رنج و عذاب را تحمل کند و بهمین ترتیب مرد نیز در عذاب باشد.

ادامه زندگی همراه با عذاب و ستم ظلم است و معنی و مفهوم ندارد و باید خاتمه یابد. اسلام برای طلاق آداب و اخلاق پسندیده را گذاشته است که از طرف مرد و زن مراعات شود. اخلاق و آداب طلاق عبارت است از:

1. طلاق رجعی باشد باین معنی که شوهر بتواند به همسرش رجوع کند.
2. در وقت پاکی زن باشد و اگر مرد نیت طلاق را داشت باید صبر کند تا زن از مریضی پاک شود به دلیل اینکه زن در وقت مریضی حالت خوب نمی‌داشته

باشد و همچنان شوهر نمی تواند در این وقت با زنش عمل جنسی را انجام دهد.

3. کلمات طلاق باید به روش ادبانه و دور از توهین باشد و هر دو طرف برای یکدیگر زندگی بهتر را بخواهند.

4. شوهر همسرش را تا تکمیل عدت از منزل مجبور به خارج شدن نسازد.

5. نباید حقوق زن در وقت دادن طلاق تلف گردد.

6. شوهر بعد از طلاق همسرش را با کلمات زشت یاد نکند و در بد نامی او سعی نداشته باشد.

7. شوهر حق ندارد اسرار زنش را بعد از طلاق به مردم بگوید.²²⁹

مسلمانان خصوصاً طبقه عامه و بی تعلیم مشکلات زیاد در مورد طلاق دارند و در عصر حاضر عده از جوانان مسلمان که ثقافت اسلامی شان محدود است در مورد طلاق بی تفاوت هستند و نمی دانند که گفتن طلاق و یا قسم یاد کردن به طلاق عواقب وخیم دارد و منجر به جدائی میشود در حالیکه قصد و نیت شان طلاق نیست. در این مورد نظریات علمای معاصر را جهت معلومات بیشتر جوانان عزیز و به هدف و قصد حمایت خانواده ها از تفرقه و جدائی می آوریم.

اول - قسم یاد کردن به طلاق: تعداد زیاد از مردم عادت کرده اند که در هر مورد به طلاق قسم یاد میکنند، مثلاً می گویند اگر این کار را انجام ندادم زخم طلاق، اگر این کار را کردم زخم طلاق.

علامه حسنین محمد مخلوف عضو جمعیت علمای بزرگ جامع الازهر و مفتی سابق مصر در این مورد می گوید: معنی این طلاق، طلاق معلق است یعنی تعلق دارد به اجراء و عدم اجراء یک عمل و طلاق صریح نیست و در نزد علمای حنفی اگر شرط تحقق یابد طلاق صریح می باشد.

قانون نمبر 25 سال 1929 م که مطابق آن محاکم شرعی عمل می نمایند در ماده دوم آن آمده که طلاق واقع نمیشود اگر قصد انجام دادن و یا عدم انجام دادن یک عمل

باشد. این قانون جهت حفظ خانواده و حمایت زنان از روش زشت شوهران شان است که در هر مورد به طلاق قسم یاد میکنند.²³⁰

دوم - حکم طلاق در حالت غضب: باید غضب اندازه شود که به کدام درجه است. بی بی عائشه حدیث شریف را روایت می کند که در غضب طلاق نیست « لا طلاق فی إغلاق ». امام ابن تیمیّه إغلاق را حالتی می داند که انسان نمی داند چه می گوید. در این حالت طلاق واقع نمی شود.

در مورد طلاق در حالت غضب علامه دکتور یوسف القرضاوی می نویسد: در مورد حکم طلاق در حالت غضب بین فقهاء اختلاف است و نظریات و آراء فقهی نظر به مدرسه که بنظر وسعت می بیند و مدرسه که به مدرسه ضیق می بیند تفاوت میکند.

علامه ابن القیم در مسأله غضب می گوید: غضب چند قسم است:

اول: در این نوع غضب انسان میداند که چه می گوید و عقل و ذهن اش بجا است و مقصد از کلمات و گفتار خود را درک میکند، در این حالت بدون تردید طلاق واقع می شود.

دوم: غضب به درجه نهائی میرسد، در این وضعیت انسان اراده نمی داشته باشد و نمی داند که چه می گوید و آنچه می گوید بآن اراده ندارد، در این حالت همه اتفاق دارند که طلاق واقع نمی شود.

به نظر من (القرضاوی) آنچه ابن عابدین مقیاس و ضوابط سلیم را در موضوع غضب ذکر نموده قابل قبول است. غضب که سبب طلاق نمیشود آن است که انسان توازن را در گفتار و تصرفات را از دست بدهد و نداند آنچه می گوید و آنچه می کند و حرکات و گفتارش خلاف عادت اش در حالت آرامی باشد.

می توانیم علامه دیگر را در مورد غضب که علامه ابن القیم در « الزاد » آورده اضافه کرد و آن اینکه در وقت آرامش انسان از آنچه گفته و کرده بود نادم باشد و نادم شدن بعد از زوال غضب دلالت بر این میکند که مقصد طلاق نبود.²³¹

²³⁰. حسنین محمد مخلوف، فتاوی شرعیة و بحوث إسلامیة، ص 77.

²³¹. الدکتور یوسف القرضاوی، فتاوی معاصرة، الجزء الأول، صفحات 557 تا 563.

طلاق در حالت نشه» طلاق السكران: نظریه متشددین این است که طلاق در حالت نشه واقع میشود. اما نظریه اعتدال به عدم وقوع طلاق است. امام بخاری صاحب «صحیح البخاری» در «جامعه» باب مخصوص به موضوع طلاق دارد و در این باب می گوید: باب الطلاق فی الإغلاق: در حالت-اکراه- و نشه و جنون طلاق واقع نمیشود و دلائل اش این است:

1. حدیث «إنما الأعمال بالنیات و إنما لكل امرئ ما نوى» اعمال مربوط به نیت است..... مجنون و نشه و- حالات شبهه به آن- نیت شان طلاق نیست.
2. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم حمزه را وقتیکه نشه بود در گفتار و کردارش محاسبه نکرد.
3. حضرت عثمان گفت: «لیس لمجنون و لا السكران طلاق» از مجنون و نشه طلاق نیست.

شیخ الاسلام ابن تیمیه استدلال می کند که نشه تصرفاتش صحت ندارد و طلاق از طرف او واقع نمی شود.²³²

علامه شیخ سید سابق صاحب کتاب «فقه السنة» در مورد طلاق در حالت نشه می نویسد: جمهور فقهاء می گویند طلاق شخص نشه واقع می شود به دلیل اینکه به اراده آزاد عقل خود را فاسد ساخته است. و عده دیگر باین نظر اند که نشه مانند جنون است و هر دو فاقد عقل میباشد و کسیکه فاقد عقل باشد تکالیف دینی بالایش نیست، خداوند سبحانه می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لا تقربوا الصلاة و أنتم سکاری حتی تعلموا ما تقولون» (النساء: 43). ای مؤمنان! به نماز نزدیک نشوید در حالیکه مست هستید تا آنگاه که بدانید چه می گوئید. خداوند نشه را به کسی تشبیه می کند که نمی داند چه می گوید.

از حضرت عثمان ثابت است که طلاق نشه را طلاق حساب نمی کرد و أهل علم باین باور هستند که هیچیک از صحابه بانظر عثمان مخالف نبودند.²³³

²³². الدكتور یوسف القرضاوی، همان مرجع، صفحات 550 556.

²³³. السید سابق، فقه السنة، الجزء الثانی، ص 212.

سوم- سه بار گفتن طلاق در یک وقت و یک مجلس: با اساس قانون محاکم شرعی نمبر 25 سال 1937 م یک طلاق حساب می شود و شوهر میتواند مراجعت کند یعنی با زنش یکجا شود اگر قبلاً طلاق نداده باشد.²³⁴

مشکلات طلاق در کشورهای غربی :

طلاق یکی از پروبلم های بزرگ در جامعه افغانی در کشورهای غربی است و اکثر مهاجرین افغان در امریکا و اروپا و استرالیا و کانادا نکاح نامه ای رسمی ندارند. همچنان عدّه که در مساجد و مراکز اسلامی افغانی در کشورهای غربی نکاح کرده اند ، عقد نکاح شان در ادارات دولتی ثبت نیست. عدم ثبت نکاح نامه از یک طرف و عدم موافقه زوج برای طلاق زوجه اش از طرف دیگر مشکل بزرگ اجتماعی را بوجود آورده است و اکثرآ خانم ها صدمه می بینند. مراکز اسلامی غیر افغانی برای عقد نکاح اسلامی شرط دارند که اولاً زن و شوهر عقد نکاح شانرا در دفاتر رسمی کشوری که زندگی دارند ثبت کنند و اگر عقد نکاح رسمی بدست نداشته باشند مراکز اسلامی عقد نکاح را بسته نمی کنند اما مراکز اسلامی و مساجد مربوط به افغانها این شرط را در عقد نکاح نمی گذارند و این یک اشتباه بزرگ است.

زنان افغان برای گرفتن طلاق به مساجد و مراکز اسلامی افغانی مراجعه می نمایند اما مسئولان این مراکز بدرخواست شان جواب نمی دهند و نمی خواهند خود را به مشکلات مواجه سازند و برای خانواده آدرس و ایمل بنده را می دهند. در چند سال گذشته 23 قضیه طلاق به من رسیده است که بعض آن حل و بعض دیگر یا حل نشده و یا در راه حل است. مشکل در اینجا است که مرد افغان حاضر به طلاق نمی شود و عدّه از مردان که به افغانستان برگشته اند نه طلاق میدهند و نه هم نفقه زن را به فکر اینکه طلاق برای مرد افغان عیب و خجالت است و نفقه را مؤسسات اجتماعی دولتی میدهد و این نوع مردان به مشکل شهبانی زنان اهمیت نمی دهند.

در امریکا انجمن نشرات فقه اسلامی که بنده مؤسس و مسئول آن هستم و ثیقۀ نکاح را ترتیب داده است و ممکن بصورت نمونه برای مراکز اسلامی افغانی در غرب مفید و قابل استفاده باشد.

وثیقه طلاق

اسم زوج..... ولد..... تاریخ تولد..... محل تولد..... نمبر تذکره.....

اسم زوجه..... بنت..... تاریخ تولد..... محل تولد..... نمبر تذکره.....

تاریخ عقد نکاح..... محل عقد نکاح.....

تاریخ طلاق..... امضاء زوج.....

شهرت مکمله شهادان

1 2

اینجانب بدرخواست محترمه باسناد شریعت طلاق صادر کرده و از تاریخ امضاء وثیقه طلاق ، محترمه در قید نکاح بنده نمیباشد و باسناد موافقه که بین ما صورت گرفته طرفین دعوای قانونی علیه یکدیگر نداریم.

محل امضاء شوهر تصدیق مرکز اسلامی ، یا امضاء سه نفر از افغانان مقیم در کشور.

شهادت

شهادت میدهم که محترمه..... بنت..... که در قید نکاح محترم..... ولد..... است ، چندبار درخواست طلاق نمود و مابین درخواست او را توسط ایمل ، نامه ، تیلیفون ، شخصی به محترم..... ولد..... رسانیدیم اما جناب شان به درخواست محترمه و نامه های ما جواب ندادند.

نظر به فتوا علمای کرام و مطابق قانون ازدواج اسلامی زن حق خلع را دارد و در کشورهای غربی نظر به فتوا علمای کرام مراکز اسلامی و یا سه نفر از مسلمانانی که به نیک نامی و تقوی و عدالت نزد مردم شهرت داشته باشند حق خلع و فسخ عقد ازدواج را دارند.

طلاق از طرف زن درخواست شده لذا زن حق مطالبه به مهر را ندارد. چون زوج حاضر نیست طلاق را صادر کند لذا ما طلاق زوجه را صادر نمودیم تا از حق شرعی اش محروم نشود و زن بعد از عدت شرعی حق ازدواج را دارد.

تصدیق مرکز اسلامی

یا امضاء سه تن از مسلمانان.

فصل هشتم

ثقافت جنسی

بحث در مسائل جنسی در جوامع اسلامی خط سرخ است و کسی حق ندارد از خط سرخ تجاوز نماید و همچنان مسائل جنسی در روش فکر عده‌ای از مسلمانان حتی در قرن بیست و یکم دعوت به فحشات و منکرات و بی حیائی است.

موضوعات جنسی در عهد نبوت و چند قرن اول اسلامی یکی از موضوعات مهم اجتماعی به حساب می‌آمد و مسلمانان در مجامع علمی روی آن بحث می‌کردند اما در قرنهای اخیر در نتیجه ضعف علمی و عقب ماندن از کاروان مدنیت مسلمانان از اصل تحقیقات اسلامی مسافه گرفتند و بحث و تحقیق روی مسائل جنسی را با استفاده از علوم معاصر به جامعه غربی گذاشتند و حالت مسلمانان بجای رسید که معلومات علمی را از منابع غربی با خوبی‌ها و زشتی‌های آن اقتباس نمایند.

تحقیقات معاصر نشان می‌دهد که اکثر مشکلات خانوادگی خصوصاً بین زن و شوهر که به طلاق می‌رسد از اطاق خواب شروع می‌شود و علت آن عدم توجه و دقت و ادراک علمی مسلمانان معاصر به اهمیت مسائل جنسی است. میتوان عامل اصلی عدم معرفت مسلمانان را به مسائل مهم زوجیت و خانواده جهل به مسائل علمی و تبلیغات سوء و ارتباط مسائل جنسی به حیا دانست. عدم مراجع علمی باساس فکر اسلامی و عدم استفاده از منابع مهم اسلامی در تحقیقات معاصر سبب شد تا کتابخانه معاصر اسلامی خالی از کتب اجتماعی و صحت جنسی باشد و این نقیصه سبب شد تا جوانان به کتابخانه‌های غربی مراجعه نمایند و از نویسندگان غرب موضوعات جنسی را اقتباس نمایند در حالیکه در تحقیقات غربی در موضوعات جنسی موضوع حلال و حرام بحث و مراعات نمی‌شود.

اسلام قواعد عمومی زندگی جنسی را وضع و رابطه جنسی بین زن و شوهر را تنظیم و برای آن صفت قانونی می‌دهد و زن و مرد را در اداء آن شریک و مسائل جنسی را حق

مشترک می‌داند و آنرا بنام «جماع و معاشرت» یعنی جمع شدن دو جسم با قلب مملوء از عاطفه می‌داند.

تحقیق در موضوع مسائل جنسی دعوت به فحشات و منکرات و بی‌حیائی نیست و مسائل جنسی امروز علم مستقل است و انسانرا رهنمائی می‌کند تا از امراض خطرناک حفظ و لذت جنسی را بصورت صحیح بدست آورد.

از چند سال به این طرف در تمام پوهنچی‌های پوهنتون‌های افغانستان بدون استثناء مضمونی بنام «ثقافت اسلامی» تدریس می‌شود. ریاست پوهنتون سلام مفردات مضمون ثقافت اسلامی را برایم فرستاد و بعد از مطالعه و بررسی دریافتم که ثقافت جنسی در مضمون ثقافت اسلامی داخل نیست. رئیس یکی از پوهنتون‌های خصوصی را در مورد عدم توجه به ثقافت جنسی پرسیدم، ایشان فرمودند که در افغانستان کسی حق ندارد در این مورد صحبت نماید. گفتم بسیار جای افسوس و تعجب است.

اگر تعلیم و تربیت جنسی در برنامه‌های پوهنتون و مکاتب عالی و مساجد و انجمن‌های اجتماعی نباشد، زن و مرد مسلمان از کدام منبع روش صحیح جنسی که حق مشترک بین زن و شوهر است و مهمترین وسیله برای بوجود آمدن سعادت در خانواده میباشد بیاموزند.

اسلام دین فطرت و شامل و کامل است و تنها به عبادات مانند روزه، نماز، حج، زکات خلاصه نمیشود. علامه محمد الغزالی می‌گوید که عبادات در 24 ساعت نیم ساعت از وقت انسان را نمی‌گیرد و 10 درصد از امور زندگی را شامل میباشد در حالیکه هر عمل در زندگی مسلمان عبادت است. قرآن کریم آداب جنسی و سنت نبوی روش اخلاقی جنسی را بین زن و شوهر بیان می‌نمایند و بی‌بی‌عایشه رضی الله عنها بی‌پرده در مسائل جنسی زنان مسلمان را تعلیم می‌دادند و در صفات زنان انصار می‌گفت که زنان انصار با ثقافت بودند و از نبی الله صلی الله علیه و سلم در مورد حیض و نفاس و امور مربوط به زندگی مشترک زوجیت سؤال می‌کردند. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم مفاهیم غلط جنسی که در عصر شان رایج بود آنها را اصلاح کردند و مسلمانان را از عمل جنسی که خلاف فطرت انسانی بود مثل از راه عقب به عقب منع نمودند.

مسائل جنسی از امور مهم در زندگی انسان است و مسلمانان مانند همه بشر در صفات انسانی مشترک اند و اسلام قوانین مربوط به مسائل جنسی را تدوین و فرق بین معامله جنسی بین انسان و حیوان را نشان و روش حلال را معرفی و مسائل جنسی را به مقام عبادت می‌رساند.

اهداف مسائل جنسی در اسلام :

1. حفظ نسل : حفظ نسل بدون ازدواج قانونی و عمل جنسی حلال نا ممکن است.
2. خارج شدن آب از وجود انسان که بقای آن در وجود مضر است.
3. لذت و تمتع و رسیدن به نعمت.
4. داکتران باین نظر هستند که جماع یکی از اسباب حفظ صحت است.²³⁵

تربیت جنسی:

مقصد از تربیت جنسی تقدیم معلومات صحیح مبنی بر علم و تجربه های صحی و روش سالم در امور جنسی است تا جسم انسان نمو و عقل صیقل شود البته در ساحت تعلیمات دینی و معیار های اخلاقی و اجتماعی در جامعه و همچنان تربیت فرد تا خود و شریک زندگی اش را از امراض روانی و نفسانی حفاظت نماید.²³⁶

تربیت جنسی یکی از مهمترین موضوع در برنامه های تربیوی در ثقافت اسلامی است که متأسفانه در کشور ما مقام ارجمند را در بین مسائل تربیوی ندارد. در گذشته کتابهای زیاد در تربیت جنسی به طبع رسیده مثل : مطالعات به عنوان « امراض جنسی: اسباب و علاج آن ، الامراض الجنسیة: اسبابها و علاجها» این تحقیقات جوانان را از مظاهر مدنیت غرب در امور جنسی و خطرات آن آگاهی میدهد.

استاد الحاج فائز محمد علی کتاب خود را بنام « الانحرافات الجنسیة و امراضها» به طبع رسانید و هدف از کتاب متوجه ساختن جوانان از انحرافات جنسی و نتایج منفی آن است. کتاب «الاسلام و المسألة الجنسیة» اثر استاد مروان القیسی است این کتاب معلومات کافی در مسائل جنسی برای مرحله قبل از ازدواج است. کتاب «التربیة

²³⁵ الطب النبوی ، ص 249 ، Rasoy.ahlamontada.net/t49-topic

²³⁶ السید احمد المخزنجی ، التأسیل التربوی للأبناء ، الهیة المصریة العامة للکتاب ، القاهرة ، ص

الجنسیة فی الاسلام للفتیان و الفتیات» اثر استاد عثمان طویل است و این کتاب برای شاگردان مرحله متوسطه و ثانوی ترتیب شده و روش اسلام را در تربیت جنسی شرح می دهد.

مطالعات و تحقیقات معاصر نسبت به گذشته تفاوت دارد، تحقیقات و مطالعات معاصر تربیت جنسی را از منظور اسلامی بشکل متکامل بحث میکند. تحقیقات جدید در مورد خصوصیت ها و اهداف تربیت جنسی و نقش خانواده در تربیت سالم جنسی بین اولاد ها و نقش مساجد و مکاتب و میدیا را برآورده می سازد.²³⁷

تربیت جنسی به معنی جنس (Sex) نیست بلکه علمی است که زن و مرد را از منظور دینی و اخلاقی به مسائل جنسی آشنا می سازد و از روش غیر سلیم که سبب گناه و نشر امراض می شود حفاظت می کند. دین اسلام با مقارنه به دیگر ادیان و فلسفه های انسانی در مسأله جنسی مقدمتر است و این مشکل را از آغاز دعوت خود مد نظر داشت و مسلمانان را روش صحیح جنسی را آموخت. میتوان روش تربیوی اسلام را در مرحله رسیدن طفل به سن بلوغ به نقاط ذیل خلاصه کرد:

1. جدا کردن اطاق خواب دختر و پسر بعد از رسیدن به مرحله بلوغ رسول اکرم صلی الله علیه و سلم میفرماید: «و فرقی بینهم فی المضاجع».
2. آداب استذنان یا اجازه گرفتن. در سورة النور آیه 58 می خوانیم: «ای مسلمانان باید که اجازه طلبند از شما آنانکه مالک ایشان شده است دست های شما و آنانکه نه رسیده اند بحد بلوغ از شما سه نوبت، پیش از نماز فجر و وقتی که فرو می نهید جامه های خود را در نیم روز و پس از نماز عشا این سه وقت خلوتست برای شما. یعنی اگر طفل و یا یکی از اعضای خانواده داخل اطاق خواب زن و شوهر در اوقات قبل از نماز فجر، و نیم روز که هواء گرم می باشد و انسان لباسهای خود بر می دارد و بعد از نماز عشا که وقت استراحت است بدون اجازه گرفتن داخل نشود زیرا در این اوقات زن و شوهر در حالتی قرار میداشته باشند که اطفال نباید وضعیت شانرا مشاهده کنند.
3. حفاظت چشم از دیدن نا محرم: حفاظت چشم و ندیدن به طرف نا محرم بهترین وسیله تربیوی در مسائل جنسی است و دیدن مقدمه برای شهوت است. در

قرآن کریم در سوره النور آیه 30 می خوانیم: بگو به مردان مسلمان که بپوشند چشم های خود را و نگاه دارند شرمگاه های خود را این پاکیزه ترست ایشان را هر آئینه خدا خبردارست بآنچه می کنند. پوشاندن چشم که بنام «غض البصر» در کتب فقه یاد شده مربوط به مردان است باین معنی که مرد ها باید چشمان شانرا از دیدن بطرف زنان نا محرم حفظ کنند نه اینکه زنان روی خود را بپوشانند. قاضی عیاض از علما عصر خود - چنانکه الشوکانی روایت میکند - روایت میکند که زن مجبور و مکلف به پوشاندن روی در وقت گشتن در خیابان ها نیست و این مردان هستند که باید چشمان شانرا با امر خداوند بسته کنند.²³⁸

4. مرحله بلوغ که از سن 10 تا 18 شروع میشود، درین مرحله وظیفه والدین و معلمین است تا توجه به تربیت جنسی داشته باشند و در برنامه های مکاتب در پهلوی تربیت بدنی، تربیت جنسی نیز تدریس شود. اگر تربیت جنسی با اساس اسلامی تدریس نشود ممکن است جوانان به عمل زشت زنا دست زنند و زنا بحکم قرآن کریم عمل زشت است.
5. مرحله بعد از سن 18 مرحله است که در آن معنی ازدواج و رابطه بین زن و شوهر تدریس شود. در این مرحله والدین و علما و معلمین مسئولیت مشترک دارند.

موقف اسلام از رابطه بین تربیت جنسی و علاقه به جنس :

دکتر موریس بوکای در کتاب معروف خود بنام «القرآن الکریم و التوراة و الانجیل و العلم» عنوان مستقل بنام «القرآن و التریبۃ الجنسیة» دارد. او در زیر این عنوان می نویسد: قرآن کریم موضوع جنسی را فراموش نکرده و قبل از چهارده قرن حیات جنسی را به تفصیل به مسلمانان آموزش داده است بطور مثال قرآن کریم برای مرد در روابط جنسی با خانمش شرایط خاص مثل حیض و نفاس و مدت آن و عدم مباشرت جنسی را تعلیم داد. در قرآن کریم می خوانیم: «و یسئلونک عن المحیض قل هو اذی فاعتزلوا النساء فی المحیض و لا تقربواهن حتی یطهرن فإذا تطهرن فأتوهن من حیث أمرکم الله إن الله یحب التوابین و یحب المتطهرین» (البقرة: 222). و می پرسند ترا (ای پیغمبر!)

²³⁸ محمد الغزالی، السنة النبویة بین أهل الفقه... و أهل الحدیث، ص 45.

از حکم عادت ماهوار زنان، بگوآن حالت اذیت و رنج است، در آن حالت از مباشرت زنان دوری جوئید و به ایشان نزدیک نشوید تا اینکه پاک شوند و چون پاک شدند به آنها مقاربت کنید از آنجا که خداوند بشما دستور داده است، به تحقیق خداوند توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست میدارد.

و همچنان می خوانیم: «نساؤکم حرث لکم فأتوا حرثکم أنى شئتم و قدموا لأنفسکم و اتقوا الله و أعلموا أنکم ملقوه و بشر المؤمنین» (البقرة:223). زنان شما مزرعه (نسل) شما اند پس به هر قسمی که خواسته باشید به کشت زار خود آئید (مقاربت نمائید)، و مقدم بفرستید (از اعمال نیک) برای نفس هایتان و از خدا بترسید و بدانید که حتماً به پیشگاه خداوند حاضر خواهید شد، و مزده ده (ای پیغمبر!) مؤمنان را.

اسلام عقوبات (جزاء) شدید را برای جرائم جنسی مانند زنا و لواطت و تجاوز جنسی بخاطر حمایت جامعه و جلوگیری از انتشار امراض تعیین کرده است. جهت حمایت فرد و جامعه و برای جلوگیری از انحرافات اخلاقی اسلام خلوت و یکجا شدن زن و مرد را حرمت داده و زنان را به حجاب امر می کند.²³⁹

در عصر حاضر دانشمندان اسلام قوانین را برای کنترل انترنت و وسائل دستجمعی وضع نمودند و این وسائل جدید با تمام خوبی ها مشکلات اخلاقی را نیز بار آورده و کنترل آن در صلاحیت و امکانیت افراد و خانواده نیست و از وظیفه دولت های اسلامی است که مسائل غیر اخلاقی را که از طریق انترنت و شبکه های اجتماعی پخش می شود کنترل کنند.²⁴⁰

مفردات جنس در قرآن کریم:

قرآن کریم مفردات مربوط به امور جنسی را بصورت واضح ذکر می نماید مثل: نکاح، زنا، فحشات، فرج، منی، مباشرت، لمس و بکارت و غیره.

نکاح که در قرآن کریم ذکر شده دو معنی را افاده میکند: تأسیس خانواده و عمل جنسی.

²³⁹ . www.alukah.net/social/0/8612/

²⁴⁰ . فضل غنی مجددی، روش فکر معاصر اسلامی، صفحات 340 تا 364.

زنا: عمل جنسی خارج از عقد ازدواج است که در اصطلاح قرآن کریم به عمل فحشات یاد شده و برای مرتکب آن جزاء تعیین شده. قرآن کریم در باره زنا می گوید: «الیوم أحل لكم الطيبات و طعام الذین أتوا الكتاب حل لكم و طعامکم حل لهم و المحصنات من المؤمنات و المحصنات من الذین أتوا الكتاب من قبلکم إذا اتیتموهن أجورهن محصنین غیر مسافحین و لا متخذی أخذان و من یکفر بالایمان فقد حبط عمله و هو فی الآخرة من الخاسرین» (مائدة:5). امروز همه چیزهای پاکیزه برای شما حلال شد، و طعام اهل کتاب برای شما و طعام شما برای آنها حلال است، و (نیز) زنان پاکدامن مؤمن و زنان پاکدامن آنانکه پیش از شما به آنها کتاب (آسمانی) داده شده، برای شما حلال است، هنگامیکه مهر آنها را پرداخته باشید، در حالیکه پاکدامن باشید نه آلوده به فحشاء (زنا) و نه دارندگان دوستان پنهانی (بمنظور معاشرت نا مشروع)، و کسیکه به (ارکان) ایمان کفر ورزد، یقیناً عمل او باطل و لغو گردیده و او در آخرت از جمله زیانکاران است.

البغا: عمل جنسی در مقابل پول، این روش را اسلام به صورت تدریجی منع کرد زیرا در جامعه رواج داشت و یک عمل اجتماعی و قبول شده بود. قرآن کریم در مورد البغا می گوید: «و باید که بر پاکدامنی مقید باشند و آنانکه نمی یابند اسباب نکاح تا آنکه توانگر کند ایشان را خدا از فضل خویش و آنانکه می طلبند مکاتبت را از غلامانی که مالک آن شده است دست های شما پس مکاتب کنید آنها را اگر بدانید در ایشان شایستگی و بدهید مکاتبان را از مال خدا که بشما ارزانی داشته است و اجبار مکنید کنیزگان خود را تا بدست آرید متاع زندگی دنیا و هر که اجبار کند ایشان را پس هر آئینه خدا (آن کنیزگان را) بعد اجبار کردن بر ایشان آمرزندهٔ مهربان ست.» (النور:33).

المخاذنة: عمل جنسی سری بین عاشق و معشوق.

المسافحة: ممارست جنسی متعدد به عبارت دیگر اشتراک چند نفر در یک عمل جنسی.

قرآن کریم در سیاق شرح عمل جنسی روش علم بیولوژی را استفاده می کند و زمانی که از مسائل جنسی حرف میزند آنها را با کلمات مملوء از حیاء و عفت و بصورت ایجابی بحث می کند و هدف از مسائل جنسی را تنها رفع غریزه جنسی و شهوانی نمی داند و رابطه جنسی بین زن و شوهر را به مقام عالی ارتقاء می دهد و آنها نزدیک به عبادت

می سازد. قرآن کریم برای عبرت انسان قصه های مردمان که عمل جنسی زشت را انجام میدادند می آورد مثل قوم لوط و خیانت شان در مسائل جنسی و قصه حضرت یوسف علیه السلام.²⁴¹

مفهوم جنس: در فرهنگ زبان جنس که جمع آن اجناس است ، معنی اتصال شهوانی بین مذکر و مونث یا مرد و زن است.²⁴² و در اصطلاح به معنی عاطفه جنسی بین مرد و زن. (Sex) که در ادبیات انگلیسی به اصطلاح ممارست جنسی یاد می شود در فرهنگ اسلامی باین معنی نیآمده و مسائل و مباشرت جنسی در فرهنگ اسلامی غیر از سکس که در فرهنگ غربی است میباشد.²⁴³

خصوصیت های تربیت جنسی در اسلام: تربیت جنسی در اسلام با مفاهیم جنسی در ثقافت غرب متفاوت است و تربیت جنسی در اسلام خصوصیت های ذیل را دارد:

ربانیت ، ضرورت ، واقعیت ، شمولیت ، ادامه ، توازن و تکامل و این خصوصیت ها در مجموع ایمان را در شخصیت مسلمان تقویت می کند و انسان مؤمن را از انحرافات اخلاقی محافظت می کند.

نقش مؤسسات تربیوی در تربیه جنسی:

اول - نقش مؤسسه خانواده: خانواده مدرسه اول برای تربیت طفل است و در دامان خانواده شخصیت طفل ساخته می شود. طفل مبادی حلال و حرام مسائل جنسی را در مرحله اول جوانی در خانواده می آموزد. انتخاب شریک زندگی، آداب معاشرت جنسی را طفل در مرحله بلوغ باید از خانواده بیاموزد و والدین رهنما اطفال شان برای انتخاب شریک زندگی هستند و لازم است تا تجربه های خود را با اطفال شان شریک سازند.

²⁴¹ دکتر عبدالسلام یاسین، تنویر المؤمنات و سعید مولای التاح، الجنس فی الاسلام من خلال مفردات القرآن. www.hespress.com/writers/280127.html

www.wattpad.com/115353 ،

www.alwasatnews.com/news/1026694.html

www.alislal.ma

www.ar.islamway.net

²⁴² انیس ابراهیم و آخرون: المعجم الوسیط، استنبول دار الدعوة 1972 م ص 140

²⁴³ الکرمی، حسن سعید، الهادی إلى لغة العرب، بیروت 1991 جلد 1 ص 375.

والدین می توانند نقش مهم را در تربیت جنسی اولادها داشته باشند و در مسائل و قضیه های جنسی می توانند رهنما باشند. اطفال در مرحله بلوغ نظریات و افکار خاص در موضوع جنس دارند و در این مرحله و طیفه والدین است تا نظریات و افکار اولادها را بشنوند و اگر قابل اصلاح باشد آنها را اصلاح نمایند. در عدم مشارکت والدین در مناقشه موضوعات جنسی جوانان مجبور می شوند به منابع خارجی مراجعه نمایند و از تجربه های ناقص هم سالان شان استفاده نمایند.²⁴⁴

در جهان غرب تعلیمات جنسی از مرحله ابتدائی شروع میشود و در مدارس کشور های غربی مضمونی بنام حمایت از خطر امراض جنسی تدریس و فیدو نیز نشان داده میشود. مسلمانان مقیم در کشورهای غربی اولادهای شانرا اجازه نمی دهند در وقت معلومات جنسی اشتراک نمایند و ادارات تعلیمی به تصمیم والدین احترام و ارج می گذرند و والدین تصور دارند که در منع اطفال شان در حضور به کلاس درسی در وقت مسائل جنسی اطفال شانرا از فحشات و منکرات که ضد دین است حمایت می کنند. این یک تصور ناقص و اشتباه بزرگ است. چرا؟ به دلیل اینکه اکثریت اطفال در اوقات تعلیمات جنسی حاضر میباشند و فقط چند طفل مسلمان یک ساعت را خارج از کلاس درسی سپری می کنند و در وقت تناول غذاء در کافتیریا مدرسه و میدان سپورت، اطفالی که به درس حاضر شده بودند برای هم کلاسان شان موضوع را قصه و شرح میدهند. این شرح به عقلیت طفل میباشد و خطر آن نسبت به حضور یافتن و شنیدن سخنان معلم برای طفل ضرر بیشتر دارد. من طرفدار تعلیمات جنسی برای مرحله ابتدائی و متوسطه نیستم اما طرفدار این هستم که والدین خصوصاً که در جهان غرب زندگی دارند مسائل حلال و حرام جنسی را بشکل قصه که با سویه طفل برابر باشد شرح دهند تا اطفال مسلمان از ضرر و خطر مسائل جنسی مطلع باشند و همچنان برنامه ای تعلیمات جنسی و فیدو را از اداره مکتب بدست آورده مشاهده کنند تا معلومات کافی از مضمون تعلیمات جنسی داشته باشند و در روشنی حقایق علمی با اطفال شان مناقشه نمایند.

دوم - نقش مکتب در تربیه جنسی: در اکثر برنامه های تعلیمی مدارس در جهان غرب و در بعض کشورهای اسلامی تربیت جنسی بصفت یک مضمون مستقل است و هدف

از تدریس تربیت جنسی حفظ صحت جنسی و رابطه جنسی سالم بین دختر و پسر میباشد. در این اواخر در نظام تعلیمی مدارس و پوهنتونهای افغانستان مضمونی بنام ثقافت اسلامی تدریس می شود و بهتر خواهد بود تا در این مضمون فصل تربیت جنسی نیز اضافه شود و هدف از تدریس اهداف ذیل باشد:

1. کمک به شاگردان برای تصمیم گیری خوب به صحت خودشان و صحت دیگران.
2. تقدیم معلومات برای شاگردان در موضوعات مثل جنس، بدن و صحت جنسی.
3. کمک به جوانان برای کسب معرفت به حدود خود شان و احترام به حدود دیگران.

تربیت جنسی در کتب ثقافت اسلامی :

تحقیقات که در موضوعات ثقافت جنسی در کتابهای ثقافت اسلامی معارف مملکت اردن هاشمی انجام یافته نشان میدهد که در جمع موضوعات که برای مرحله ثانوی تدریس می شود 10 درصد آنرا تربیت جنسی می سازد که به مقایسه با جهان غرب بسیار کم است و به همین ترتیب در باقی کشورهای اسلامی در مواد ثقافت اسلامی موضوع تربیت جنسی کمتر از 10 فیصد است و در افغانستان نزدیک به صفر می رسد.

موضوعات که در تربیت جنسی در برنامه های ثقافت اسلامی تدریس می شود عبارت است از: ثقافت جنسی ، احکام و قایت برای کنترل غریزه ای جنسی ، عقوبات و احکام معالجوی برای انحرافات جنسی، ازدواج و تشکیل خانواده و مشکلات زوجیت.²⁴⁵

ثقافت جنسی بین زن و شوهر:

انسان به طبیعت بشری تمایل به رابطه جنسی دارد و غریزه ای جنسی از فطرت ذاتی انسان است و در اسلام راه صحیح برای آرامش غریزه جنسی ازدواج است. اگر رغبت و توجه جنسی در مرد و زن کنترل و اداره نشود و راه صحیح برای آرامش جنسی و شهوانی آماده نشود در این حالت انسان در مسائل جنسی و رفع شهوات بطرف حرام

²⁴⁵ .مجلة رسالة الخليج العربي ، السعودية 2011 م ، عدد 19 و همچنان: jamal-al-khaladi-7pdf

رجوع و نظام اجتماعی و اخلاق دینی برهم می خورد. اسلام عمل جنسی را ارتباط به عبادت و سبب تقویت رابطه معنوی و روحانی بین زن و شوهر می داند و مسائل جنسی را از عمل حیوانی به فرهنگ و ثقافت عالی تبدیل میکند.

مثالهای زیاد در دست است که زن و شوهری که ثقافت جنسی شان کامل نیست و یا اصلاً در فرهنگ و ثقافت جنسی معلومات ندارند مشکلات شان بیشتر می باشد. گذشته مردان برای رفع غریزه جنسی شان زن دوم و سوم و حتی چهارم را می گرفتند و اگر اخلاق دینی نمی داشتند به عمل فحشات هم دست می زدند. در افغانستان مردی که چند زن داشت دیده می شد که قشنگ ترین زن در بین زنان بنام زن بدبخت و بی جمال ترین زن بنام زن خوشبخت بود علت آن دانش زن نیک بخت در مسائل جنسی و خوش نگه داشتن شوهر نسبت به زنان دیگر بود. به همین ترتیب شوهری که فرهنگ و ثقافت جنسی نداشت زنش از زندگی با او رنج می برد و هر روز رنگش زرد و عصباش خراب میشد و خانواده ها تصور می کردند که عروس جوان مریضی سل دارد و در قریجات باین عقیده بودند که شب زیر درخت خوابیده بود و جن او را زده و نه زن و نه شوهر و نه ام خانواده به حقیقت فکر می کردند و در عالم خیال و اوهام زندگی می کردند و مشکل زن مورد توجه نمی بود.

امام محمد الغزالی در مورد عقیده داخل شدن شیطان در جسم انسان بحث جالب دارد و این موضوع را در روشنی آیات قرآن کریم تکذیب میکنند و می گوید کسانی که از داخل شدن شیطان در جسم شان شکایت دارند به مریضی های روانی و عصبی مبتلاء میباشند او اضافه میکند که عمل شیطان و سوسه و بازی دادن است و شیطان بالای انسان سلطان ندارد.²⁴⁶

رابطه جنسی در اسلام عبادت است: در اسلام مباشرت جنسی بین زن و شوهر تنها اشباع غریزه شهوانی نیست بلکه یک عمل عبادتی نیز است. حضرت عباس رضی الله عنه روایت میکند که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «آگاه باشید که اگر یکی از شما چنینیکه با اهل خود نزدیک میشود- بغرض مباشرت و اتصال جنسی- و می گوید: بسم الله، خدایا! مرا از شیطان برکنار نگه دار و شیطان را از آنچه بماروزی

²⁴⁶ محمد الغزالی، السنة النبویة بین أهل الفقه... و أهل الحديث، صفحات 114-115-116-117.

کردی دور بدار، پس آنچه بین شان مقدر شد و یا فرزندی داده شد شیطان هرگز باو ضرر نمی رساند.»²⁴⁷

در حدیث است که برای هر آدم در مقاربت با همسرش اجر و ثواب است. یکی پرسید یا رسول الله او که با این کار نیاز غریزی اش را رفع و بدنبال لذت خودش هست، این دیگر چرا ثواب داشته باشد؟

حضرت فرمودند: اگر همین غریزه و لذت را از راه نامشروع و حرام حاصل می کرد گناه داشت یا خیر؟ عرض کرد چرا، گناه داشت. فرمودند: پس در راه مشروع و حلال عکس آن است باید اجر و ثواب داشته باشد.²⁴⁸

هر عمل در اسلام ارتباط به نیت دارد و بعد از نیت انسان مؤمن باید دعا کند زیرا مباشرت جنسی نوع از انواع عبادت در اسلام است. هنگامیکه تصمیم به مقاربت گرفته شود این دعا خوانده می شود:

« اللهم جنبنا الشیطان و جنب الشیطان ما رزقنا » بنام خدا آغاز می کنم، بار الها خود ما را و فرزندی را که به ما عنایت می کنی از دسترس شیطان دور بدار. و همچنان این دعا « اللهم لا تجعل للشیطان فیما رزقنی نصیباً ». ای الله، فرزندی که به ما عنایت می کنی در او برای شیطان سهمی نگذار.²⁴⁹

در اشباع غریزه جنسی دو لذت است. لذت بدنی و زود گذر، لذت روحی و عبادتی و اگر این دو لذت با هم یکجا شود انسان به بالاترین مقام سعادت ارتقاء میکند.

ادب مباشرت جنسی: در شب زفاف و قبل از مباشرت جنسی خواندن دو رکعت نماز نفل از جمله سنت ها است و بعد از نماز شوهر این دعا را بخواند: اللهم انی أسالک من خیرها و خیر ما جبلتها علیه و أعوذ بک من شرها و شر ما جبلتها علیه. ای خداوند! از تو سؤال می کنم خیر آنرا و آنچه خیر را می آورد و به تو پناه می برم از شر آن و شری که می آورد.

²⁴⁷ لؤلؤ و مرجان، جزء دوم، ترجمه: محمد حنیف بلخی، ص 148 و همچنان دیده شود: السید سابق، فقه السنة جزء دوم، صفحه 108 و عبد الحمید کشک، بناء الأسرة المسلمة، صفحه 108.

²⁴⁸ اشرفعلی تهانوی، ازدواج اسلامی، ترجمه: محمد ابراهیم دامنی، صفحه 312.

²⁴⁹ اشرفعلی تهانوی، همان مرجع، صفحات 316-317.

آرایش و زینت زن برای شوهر و شوهر برای زن: زینت و نظافت و آرایش مناسب و استعمال عطر خوشبو سبب تقویت رابطه بین زن و شوهر می شود. زن و شوهر این امر مهم را در زندگی زوجیت فراموش نکنند. اکثر مشکلات که بین زن و شوهر در عصر حاضر بوجود می آید در عدم توجه به آرایش و لباس شب از طرف خانم ها است و زن افغان خصوصاً در غرب متوجه این امر مهم حیاتی باشد. همچنان زن توجه به پاکی و زینت شوهر دارد و بسیار مردان فکر می کنند که زینت از خصوصیت زن است و این یک اشتباه بزرگ است که عده از مردان مرتکب آن می شوند. امام احمد حدیث اسماء بنت یزید بن السکن را اینطور روایت می کند: «أنی قینت - ای زینت - عائشه لرسول الله صلی الله علیه و سلم». من زینت کردم یعنی آرایش کردم عائشه را برای رسول اکرم صلی الله علیه و سلم.

حضرت عبد الله بن جعفر بن علی رضی الله عنهم دخترش را این طور نصیحت کرد: «و علیک بالکحل فإنه أزین زینة وأطیب الطیب الماء» خود را به سرمه زینت نما که سرمه بهترین زینتها است و آب بهترین پاک کننده ها. باید توجه داشت که در آن عصر وسائل آرایش که امروز است نبود و سرمه یکی از وسائل زینت در آن عصر بشمار میرفت. مادری دخترش را اینطور نصیحت نمود: «نباید چشمان شوهرت بدون اینکه آرایش کرده باشی بتو افتد، و نباید شوهرت بغیر از خشبوی دیگر چیز را از تو تنفس کند.»²⁵⁰

ثقافت مباشرت جنسی: قبل از اینکه در مورد ثقافت مباشرت جنسی حرف داشته باشیم میخوایم در یک موضوع مهم شما را شریک سازم. دختر جوان افغان که تازه ازدواج کرده بود و در شهر واشنگتن، امریکا زندگی دارد سؤالی را مطرح ساخت و از من خواست تا جوابش را بفرستم. او نوشته بود: یکسال شده ازدواج کرده ام و شوهرم از عقب با من مباشرت جنسی میکند و من نمی دانم این نوع مباشرت از نظر اسلام صحیح است یا خیر؟ لطفاً مرا راهنمایی کنید. این حکایت را در آغاز این موضوع به خاطری ذکر نمودم تا هموطنان عزیز و گرامی متوجه باشند که عده از جوانان که فرهنگ و ثقافت اسلامی شان در مسائل جنسی کم است چقدر اشتباه می کنند و این

گروه از جوانان در عدم فهم صحیح از ثقافت جنسی در اسلام از فرهنگ و ثقافت غربی استفاده می کنند.

اسلام دین فطرت است و آزادی جنسی را بین زن و شوهر احترام دارد اما آنچه خلاف فطرت بشری باشد با آن مخالفت می نماید و چون عمل جنسی از راه عقب خلاف فطرت انسان است آنرا حرام می سازد و قرآن کریم هلاکت قوم لوط را به سبب عمل قوم لوط یعنی عمل جنسی بین مرد و مرد می داند و مسلمانان را متوجه نتیجه این عمل شنیع می سازد.

مباشرت جنسی نظر به ثقافت و فرهنگ مردم و منطقه تفاوت دارد. در صدر اسلام در مسائل جنسی بین مردم مکه و مدینه منوره تفاوت بود. جوانی از مردم مکه بعد از هجرت با دختری از اهل مدینه ازدواج کرد و شب زفاف جوان از همسر خود خواست تا بروی خواب کند تا با او مباشرت جنسی نماید. در مکه همین روش بود که شوهر از راه عقب به جلو مباشرت می کرد اما مردم مدینه این فرهنگ را نداشتند و اهل مدینه در مسائل جنسی از فرهنگ و ثقافت جنسی یهودان پیروی می کردند. دختر به دعوت شوهرش لبیک گفت یعنی حاضر نشد به روش مردم مکه عمل جنسی را با شوهرش انجام دهد و فردا آن بحضور رسول اکرم صلی الله علیه و سلم رفت تا مشکل خود را با شوهرش بیان کند اما زمانیکه به مجلس رسول الله صلی الله علیه و سلم داخل می شود از حیاء نتوانست سؤال خود را مطرح کند و بعداً نزد أم المؤمنین بی بی ام سلمه می رود و مشکل خود را مطرح می کند. بی بی سلمه از رسول الله صلی الله علیه و سلم راجع به مشکل دختر جوان پرسید و در این وقت آیه مبارکه «نساؤکم حرث لکم فاتوا حرثکم انی شئتم» زنان شما کشتزار شما هستند هر جا که خواهید به کشتزار خود درآئید. مقصد از کشتزار فرج است. باین معنی که زن و شوهر با هر روش که بخواهند میتوانند مباشرت جنسی نمایند و تنها حق مباشرت از عقب به عقب را ندارند.

در مورد نزول آیه مبارکه حضرت جابر رضی الله عنه روایت می کند: «کانت الیهود تقول: إذا جامعها من ورائها جاء الولد أحول. فنزلت «نساءکم حرث لکم فاتوا حرثکم انی شئتم» (البقرة: 223) حدیث جابر رضی الله عنه که گفت: یهود می گفتند: اگر کسی با زن خود از عقب او جمع شود فرزندش احوال (کج چشم، دو بین) می آید، پس آیه مبارکه نازل شد که {نساؤکم حرث لکم فاتوا حرثکم انی شئتم}. این روایت حکایت از

روش مباشرت جنسی بین یهودان و أهل مدینه می کند و مباشرت جنسی از راه عقب به جلو در ثقافت جنسی مدینه نبود در حالیکه در ثقافت جنسی مکه رایج بود.²⁵¹

امام ابن تیمیّه رحمه الله می گوید که اگر شوهر از زنش عمل جنسی از راه عقب به عقب را تقاضا کرد قبول نکند و اگر شوهر اصرار داشت به محکمه شکایت کند و قاضی به همین دلیل طلاق زن را بدهد.

در کتاب الفتاوی ، جزء اول آمده: مباشرت جنسی از راه عقب به عقب از جمله گناهان کبیره نظر به حدیث رسول الله صلی الله علیه و سلم میباشد و در حدیث مبارک آمده که خداوند بطرف مرد که از عقب به زنش و یا لواطت با مرد نماید نظر نمی کند. کسیکه این عمل را انجام داده است توبه صادقانه کند و عزم نماید که بار دیگر انجام نمی دهد و خداوند وعده مغفرت داده است.

در مباشرت جنسی از راه عقب به عقب کفاره نیست و همچنان زن بر شوهر حرام نمی گردد و زن در قید نکاح مرد باقی می ماند. نباید زن این عمل منکر را قبول کند و اگر شوهر اصرار داشت زن فسخ نکاح را بخواهد.²⁵²

در حدود شرعی رابطه جنسی بین زن و شوهر ، مجمع فقهاء الشریعة در امریکا می گوید: در اصل حلال است معاشرت جنسی بین زن و شوهر بغیر از راه عقب به عقب و در مدت حیض نظر به حدیث شریف « اتق الدبر و الحيضة » یعنی دوری کنید از دبر یعنی از عقب به عقب و در مدت حیض. بغیر از این دو حالت دیگر مسائل جنسی بین زن و شوهر حدود ندارد و حلال است. و الله تعالی أعلى و أعلم.²⁵³

مسائل جنسی در وقت حیض و نفاس :

در وقت حیض و نفاس زن حالت غیر طبیعی دارد و نباید شوهر تقاضای مباشرت جنسی نماید. زن در این وقت ضرورت به استراحت بیشتر دارد و مودت حکم میکند که شوهر با همسرش در امور کار منزل کمک کند. یهودها زن را در وقت حیض و نفاس نجس می دانستند و مرد با زنش در یک اطاق استراحت نمی کرد. اسلام

²⁵¹. لؤلؤ و مرجان ، همان مرجع ، ص 148.

²⁵². فضل غنی مجددی ، بحث های دینی و فتوا های فقهی ، جلد اول ، ص 397.

²⁵³. فضل غنی مجددی ، همان مرجع ، صفحات 397 - 398. برای حکم فقهی موضوع مراجعه شود به: حسنین محمد مخلوف ، فتاوی شرعیة و بحوث اسلامیة ، ص 62.

ثقافت و فرهنگ غیر معقول یهودیت را که در جامعه مدینه حاکمیت داشت اصلاح کرد و مریضی زنانه را یک امر طبیعی دانست و مسلمانان را آموخت که زن در وقت حیض و نفاس پاک است و نباید شوهر بستر خواب و یا اطاق خواب را جدا سازد.

در وقت مریضی زنانه شوهر اجازه دارد با همسرش در یک بستر استراحت کند و بغیر از مباشرت جنسی زن و شوهر آزادی کامل دارند. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم برای اصلاح مفاهیم غلط فرمودند: «... و اصنعوا کل شیء إلا النکاح» هر عملی را انجام دهید بغیر از نکاح. لفظ نکاح در زبان عرب جماع را معنی میدهد و علامه الازهری می گوید که اصل نکاح در زبان عرب جماع و نزدیک شدن به عمل جماع است و بغیر از جماع هر حرکتی که سبب آرامش بین زن و شوهر شود در مدت حیض و نفاس در آن ممانعت نیآمده است.²⁵⁴

در صحیح البخاری و صحیح مسلم در باب «حیض» احادیث زیاد ذکر شده که بطور مثال چند حدیث مبارک را که ارتباط به موضوع عمل جنسی در وقت مریضی زنانه است می آوریم.

حدیث عائشه که گفت: یکی از ما که در حال حیض می بود و پیامبر صلی الله علیه و سلم اراده می نمودند که با او مباشرت (تماس بدون عمل جنسی) نمایند با او امر میدادند که ازار داشته باشد بعداً با او در مباشرت میشدند (أم المؤمنین رضی الله عنها علاوه کرده) گفت: کدام یکی از شما شهوت خود را اداره می تواند طوریکه نبی صلی الله علیه و سلم می توانستند.

حدیث میمونه که گفت: هر گاه پیامبر صلی الله علیه و سلم میخواستند با یکی از همسران شان تماس نمایند او حائض می بود امر می نمودند که ازار بپوشد.

حدیث أم سلمه که گفت: در حالیکه همراه پیامبر صلی الله علیه و سلم زیر یک چادر به پهلو افتاده بودم حیض دیدم، پس با جامه هائی حیض خود را پیچاندم، (آنجناب علیه السلام) فرمودند: «آیا حیض دیدی؟» گفتم: بلی، پس مرا طلب کردند و با آنجناب (علیه السلام) تحت یک چادر رنگه استراحت کردم.²⁵⁵

²⁵⁴. فضل غنی مجددی، خانواده در اسلام، ص 139.

²⁵⁵. البخاری، کتاب الحیض، باب مباشرة الحائض، لؤلؤ و مهرجان، جلد اول، صفحات 162-163.

زندگی خانوادگی رسول اکرم صلی الله علیه و سلم اسرار نبود و منزل رسول الله صلی الله و علیه و سلم مدرسهٔ تعلیم برای امت بود و احادیث مبارک که آورده شد مسائل جنسی را در وقت مریضی حیض و نفاس به مسلمانان درس می‌دهد و زنان رسول الله صلی الله و علیه و سلم با تمام امانتداری روابط جنسی شانرا با رسول اکرم صلی الله علیه و سلم برای امت اسلامی حکایت کردند تا رهنما برای امت باشد.

خداوند سبحانه و تعالی مسلمانان را از مباشرت جنسی در مدت مریضی زنانه منع می‌کند و قرآن کریم بسیار زیبا حالت روانی و نفسانی و روحی زن را در وقت مریضی بیان می‌کند. در قرآن کریم می‌خوانیم: «و یسئلونک عن المحیض قل هو اذی فاعتزلوا النساء فی المحیض و لا تقربوهن حتی یطهرن فإذا تطهرن فأتوهن من حیث أمرکم الله إن الله یحب التوابین و یحب المتطهرین» (البقرة: 222). و می‌پرسند ترا (ای پیغمبر!) از حکم عادت ماهوار زنان، بگو آن حالت اذیت و رنج است، در آن حالت از مباشرت زنان دوری جوئید و به ایشان نزدیک نشوید تا اینکه پاک شوند و چون پاک شدند به آنها مقاربت کنید از آنجا که خداوند بشما دستور داده است، به تحقیق خداوند توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست میدارد. قرآن کریم حالت نفسانی و صحتی زن را در وقت مریضی ماهانه بیان میکند و مردان را از اذیت و رنج که زنان از مباشرت جنسی در وقت مریضی حساس می‌کنند خبر می‌دهد.

بعض اوقات غریزه جنسی و شهوانی سبب می‌شود که انسان خود را کنترل کرده نتواند خصوصاً نسل جوان و عمل جنسی را در وقت حیض و نفاس انجام دهند. علمای کرام و مجتهدین این قضیه را مطالعه و تحقیق نموده باین نتیجه می‌رسند.

حکم اسلامی کسبیکه با زنش در وقت حیض و نفاس مباشرت کند

(کفارة من جامع الحائض)

کسبیکه خود را کنترل کرده نتواند و با زنش در وقت حیض پیش شود، قبل از اینکه زن پاک شود کفارة آن مبلغ نصف پوند انگلیسی و یا ربع پوند است. امام البانی در تعیین مبلغ برای کفاره می‌گوید یک پوند و ربع پوند ارتباط به وضعیت اقتصادی شخص دارد.

فتوای شرعی

اگر در اول خونریزی جماع صورت گرفته باشد به مقدار یک مثقال طلا خالص صدقه شود و اگر در آخر وقت مریمی و آخرین وقت خونریزی جماع شده باشد نصف مثقال طلا خالص صدقه داده شود. اگر شخص با زنش بدون اینکه بداند مریم است پیش شود صدقه نیست و فقط توبه کند زیرا مرتکب گناه نشده است.²⁵⁶

در موضوع حقوق مشترک گفته شد که مسائل جنسی و جماع حق مشترک بین زن و شوهر است و شوهر کوشش نکند تنها و یکطرفه لذت مباشرت جنسی را احساس و زنش را از این لذت محروم سازد و اگر قصداً این عمل را انجام میدهد مرتکب گناه میشود و زن حق دارد به محکمه شکایت کند. برای توضیح بیشتر باین فتوا توجه شود:

دوری شوهر از زن در مسائل جنسی

سؤال: من شوهر خود را دوست دارم و از او اولاد هم دارم، اما او با من نزدیک نمی شود مگر یکبار و یا دو بار، کوشش کردم برایش این موضوع را شرح کنم.

جواب از طرف مجمع فقهاء الشریعة بامریکا

عفت یکی از بزرگترین مقصد نکاح است، مسائل جنسی حق مشروع زن و شوهر میباشد. بدین معنی (الإیلاء) یعنی قسم یاد کرد که با زن نزدیک نمی شوم از موجبات طلاق است و اگر شوهر مدت که شریعت تعیین کرده (چهارماه) بعد از قسم به زنش نزدیک نشود طلاق صورت می گیرد. در قرآن کریم می خوانیم: «آنانکه از مباشرت زنان شان سوگند نمایند چهار ماه انتظار کشند و اگر باز گشتند (از سوگند) پس بدون شک خداوند آمرزگار مهربان است، و اگر قصد طلاق نمودند پس به تحقیق خداوند شنوا، دانا است.» (البقرة: 226-227).

دوری از زن برای مدت طولانی

سؤال: من از زرم سالها است که دور میباشم، حکم در این مورد چیست؟

جواب: اگر دوری بغیر از طلاق بوده باشد شما مرتکب گناهی بزرگ شده اید و در حق زن خود ظلم کرده اید و باید توبه کنید و حق او را مراعات نمایید.

اما اگر بخاطر طلاق بوده باشد در این حالت خانم شما برای شما طلاق شده، اگر طلاق اول و دوم باشد جواز است که با او یکجا شوید البته با عقد جدید و مهر جدید و اگر طلاق سوم باشد برای شما حلال نیست که با او یکجا شوید تا اینکه با شخص دیگر ازدواج نکند.²⁵⁷

مباشرت جنسی و جماع در وقت حامله گی :

اکثر زنان در مورد جماع در مدت حمل تشویش میداشته باشند و فکر می کنند که حمل تأثیر منفی بالای طفل می گذارد و عده باین عقیده و باوراند که حمل خواهش و رغبت جنسی را در بین زنان محدود و کم می سازد.

جماع و مباشرت جنسی هیچ نوع تأثیر بالای جنین در رحم مادر ندارد و یک عده از زنان عدم رغبت شان برای حمل ترس از تغییرات است که در شکل ظاهری شان پیش می شود به عبارت دیگر عدم رغبت عده از زنان برای حمل و جماع و مباشرت جنسی دلیل فیزیکی ندارد اما دلیل روانی میداشته باشد.

مطالعات طبی به اثبات میرساند که طفل در مکان با امن است و حرکت های که به سبب مباشرت جسمی صورت می گیرد تأثیر منفی بالای طفل وارد نمی کند. بعض اوقات در وقت جماع مادر حرکت طفل را حساس می نماید و حرکت طفل ارتباط به جماع و مباشرت جنسی ندارد بلکه ارتباط به حرکت قلب مادر دارد و طفل از حرکت های قلب مادر متأثر می گردد و حرکت قلب مادر در اثناء جماع مریضی نیست بلکه برای لذت و اشباع غریزه جنسی است.²⁵⁸

زن همیشه قابل استفاده برای مقاربت نیست چون ماه های بارداری مخصوصاً ماه های اول جهت حفظ سلامت مادر و بچه اش دوری از مقاربت ضروری است و این وضع تا چند ماه ادامه دارد و زمان زایمان نیز تا مدتی زن از مقاربت با مرد دوری کند. پرهیز از مقاربت در بارداری دستور پزشکی است نه شرعی.²⁵⁹

²⁵⁷. فضل غنی مجددی، بحث های دینی و فتوا های فقهی، جلد اول، صفحات 407-408.

²⁵⁸. منتدی الحیاة الزوجی، دلیل النساء المتزوجات، Forum.z4ar.com/142/1436276.htm

²⁵⁹. اشرفعلی تهنوی، ازدواج اسلامی، ترجمه: محمد ابراهیم دامنی، صفحه 332.

مسائل جنسی امروز به علم مستقل تبدیل شده و تحقیقات زیاد در این مورد به زبانهای مختلف به طبع رسیده است و اکثر جوانان در عصر حاضر دسترسی به وسائل الکترونی دارند و بدون شک مسائل جنسی را مطالعه و مشاهده می کنند و ممکن نیست جلو این موضوعات را گرفت لذا از واجبات علمای کرام است تا در بلند بردن ثقافت جنسی جوانان با استفاده از قوانین اسلامی بکوشند و مؤسسات تعلیمی و مساجد و انجمن های اجتماعی سمینارها با اشتراک علماء اسلام و داکتران نسائی و روانشناسان تشکیل دهند تا جوانان روش صحیح و اخلاقی مسائل جنسی را بدانند در غیر آن نسل جوان به بی بندوباری رسیده حلال و حرام را در مسائل جنسی مراعات نمی کنند و گناه و تقصیر متوجه دانشمندان خواهد بود. امید است این تحقیق بتواند جوانان را به طرف خیر و صلاح رهنما باشد و جوانان از متن آن استفاده نمایند و کوشش نمایند تا دانش و ثقافت اسلامی شانرا بالا برده از علوم معاصر و اجتهادات دانشمندان معاصر اسلامی استفاده نمایند و در بلند بردن فرهنگ و ثقافت جامعه سعی نمایند.

عدم نشر اسرار مباشرت جنسی :

نشر مسائل جنسی و مباشرت از جمله امور خاص بین زن و شوهر است و زن و شوهر حق ندارند از مسائل جنسی شان برای اقارب و دوستان حکایت نمایند. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم مسلمانان را امر به کتمان مسائل جنسی می نمایند و می فرمایند: «إن من أشر الناس عند الله منزلة يوم القيامة الرجل يفضي إلى امرأته و تفضي إليه ، ثم ينشر سرها.» بدترین مردم نزد خداوند در منزلت روز قیامت مردی است که با زنش مباشرت جنسی می نماید و بعداً اسرار آنرا نشر می کند.

متأسفانه در جامعه افغانی عده هستند که این اصل را مراعات نمی کنند و در مجالس خصوصی زنان با یکدیگر شان حکایت از مسائل خصوص جنسی شان می نمایند. رفتن نزد داکتر برای معالجه و کشف اسرار مسائل جنسی برای داکتر جهت معالجه در جمله اسرار نیست و داکتر لازم است از مشکلات جنسی بین زن و شوهر وجود دارد اطلاع حاصل کند با بتواند در علاج مشکل مساعدت نماید.

غسل یا وضوء کردن بین دو جماع :

بسیار واقع می شود که زن و شوهر در یک شب چند بار با هم نزدیک شوند و در نزدیک شدن بین شان مانع شرعی نیست. اسلام در مسائل جنسی به مسأله نظافت توجه زیاد دارد. بعض فقهاء باین نظریه هستند که بین دو جماع بهتر است وضوء کرد و دلیل شان حدیث مبارک است که: «إذا أتى احدکم اهله ثم اراد أن یعود فلیوض (بینهما وضوءاً) کسیکه اراده می کند که با زنش بار دوم پیش شود وضوء کند و عدّه دیگر باین نظریه اند که غسل کند.

علوم معاصر به اثبات می رساند که در مدت جماع انسان عرق میکند و همچنان ممکن است مکروب در بین باشد و وضوء یا غسل مانع انتقال مکروب و عدم کراهیت زن و شوهر از بابت عرق که بوی خراب دارد می شود. طب معاصر این موضوع را توصیه میکند در حالیکه مسلمانان قبل از چهارده قرن متوجه این مسأله بودند.²⁶⁰

مدت یکجا شدن با زن :

در بین مهاجرین افغانستان عادت شده که شوهران برای مدت طولانی برای ترجمانی و خدمت برای قوای خارجی یا خدمت برای نظام و یا هم برای تجارت مدت طولانی از خانه و خانواده شان دور می باشند.

در گذشته رواج بود که اگر شوهر به کار و تعلیم به خارج از افغانستان سفر می کرد خانواده خود را در وطن می گذاشت و همچنان اگر مرد دو زن میداشت ، زن تعلیم یافته و قشنگ را با خود میداشت و زن دهاتی را در وطن می گذاشت و در مورد احتیاج زن به امور جنسی فکر نمی کرد. این عمل ظلم بزرگ بود و کسانی که مرتکب این ظلم شده اند و زنان شان زنده اند معذرت بخواهند و اگر وفات کرده اند توبه صادقانه نمایند.

امام ابن حزم الاندلسی میگوید: بالای شوهر واجب است با زن خود برای مباشرت جنسی حد اقل بعد از پاکی از حیض نزدیک شود ، اگر قدرت جماع را داشته باشد ، و اگر نزدیک نشود گناهکار می شود. دلیل امام ابن حزم این آیه مبارکه است « فإذا

تطهرن فأتوهن من حیث أمرکم الله» (البقرة: 222). و چون پاک شدند به آنها مقاربت کنید از آنجا که خداوند بشما دستور داده است.

امام احمد باین نظریه است که اگر شوهر سفر کند و عذر برای عودت نداشته باشد و اگر تا شش ماه نزد زنش برنگردد، برایش اطلاع داده شود که برگردد و اگر قبول نکرد حاکم حق دارد طلاق زن را اگر بخواهد بدهد.²⁶¹

زن حق ندارد شوهرش را از مباشرت جنسی منع کند و بستر را ترک کند مگر اینکه سبب مهم باشد یعنی اسباب مریضی باشد و زن اگر مشکلات جنسی دارد باید شوهر را با خبر سازد و برای شوهر مشکل خود را توضیح نماید. اگر زن مشکلات داشته باشد و نتواند با شوهر مباشرت جنسی نماید در این حالت میتواند از راه و روش دیگر آرامش را برای شوهر آماده سازد و زن عاقل و دانشمند روش آرامش غریزه جنسی شوهر را میداند و امید است دختران جوان ما از راه های که موافق به تربیه اسلامی برای مسائل جنسی است استفاده نمایند و کوشش کند ثقافت جنسی را مطالعه و در زندگی زوجیت شان آنرا تطبیق عملی نمایند.

خطرهای اجتماعی و صحتی مباشرت غیر شرعی:

مباشرت غیر شرعی خطر بزرگ صحتی و اجتماعی را دارد. در ساحت اجتماعی نظام نسب و نسل برهم می خورد و فحشات و منکرات جامعه سالم را متضرر می سازد. شرف و عزت و ناموس مردم محافظت نمی شود و رابطه زوجیت ضعیف می گردد.

در ساحت صحتی مریضی های متعدد جامعه سالم را ضعیف می سازد و مهمترین ضرر مباشرت جنسی غیر شرعی انتشار مرض ایدز است. مرض ایدز یکی از عوامل مهم آن عامل رابطه غیر مشروع جنسی است و این مرض بسرعت در جوامع اسلامی در حالت انتشار است. در جوامع غربی مباشرت غیر مشروع قانونی است و تن فروشی یک تجارت قبول شده است و در گذشته مرض ایدز جوامع غربی را تهدید میکرد اما ادارات صحتی کوشش کردند تا مردم را متوجه سازند و وسائل وقایت را معرفی کردند و مردم را تعلیمات سالم جنسی دادند. در جهان اسلام مریضی ایدز پنهان نگهداشته می شود و زن و مرد که به این نوع مریضی مبتلاء می شوند از شرم و از

²⁶¹ السید سابق، فقه السنة، جلد دوم، صفحات 162-163 و همچنان: مجلة حضارة الإسلام عدد 5 سال 1385 هجری.

تطبیق عقوبت زنا کوشش دارند مریضی شانرا کتمان نمایند. احصائیات که به نشر سپرده شده مریضی ایدز در جهان اسلام بسرعت در حالت انتشار است.

در بین کشور های اسلامی افغانستان در مقدمه می آید و مریضی ایدز در نتیجه فحشات و زنا و مباشرت غیر شرعی و لواطت در افغانستان بسرعت در حالت انتشار است. عده از مامورین دولت و ارگانهای امنیتی و حتی بعض قضات از زنان پاکدامن در بدل پول رابطه جنسی را می خواهند. راپور که در ماه مارچ 2018 میلادی به نشر رسید زنانیکه شوهران شان در جنگ کشته شده اند و قتیکه برای دریافت معاش شان به وزارت دفاع و داخله مراجعه می نمایند مواجه به موانع می شوند و مسئولین از ایشان می خواهند تا یک شب را با ایشان باشند. بتاریخ 12 می 2018 میلادی سمیناری در کابل در مورد مرض ایدز دائر شد و نام سمینار «تن فروشی از مهمترین عامل ایدز در افغانستان است» بود

در این سمینار وزارت صحت عامه یا بهداشت افغانستان برای مبارزه با بیماری ایدز، برنامه آگاهی دهی را از طریق عالمان دین آغاز کرده است. {تن فروشی} و اعتیاد دو عامل عمده شیوع و یروس ایدز در افغانستان شده است.

برنامه ملی کنترل ایدز وزارت صحت عامه افغانستان بر آورد میکند که 7500 واقعه مثبت اچ آی وی در سال 2017 میلادی در این کشور ثبت شده است. 13 مرکز وقایه و تداوی ایدز در کابل و برخی ولایت های دیگر افغانستان فعال هستند.

فیروزالدین فیروز وزیر صحت عامه افغانستان در مراسم که برای جلوگیری از انتشار مرض ایدز دائر شده بود اعلام کرد که «تن فروشی» و اعتیاد دو عامل عمده شیوع ویروس ایدز در افغانستان است. او گفت: «وقتی ما می خواهیم به کسی که تن فروش است، مراجعه کنیم هم دولت و هم علمای دین مخالفت می کنند اما من مجبور هستم به عنوان یک داکتر و یک مسئول او را به مثابه یک مریض و لوگنا هکار و جنایتکار و بد بخت است لا اقل به او مراجعه کنم، همایش صحبت کنم و مشکلاتش را درک کنم».

او افزود: «این یک مشکل است که در جامعه وجود دارد اما نه عالم دین می ماند و نه دولت که با تن فروش در قسمت دادن آگاهی و در قسمت راه های وقایه کار کنیم. از تن فروشی جلوگیری من نمی توانم، آنها را زندانی هم نمی توانیم. آنها را در جامعه از

بین برده نمی توانیم. دولت می گوید وجود ندارد اما وقتی ببینیم وجود دارد» تعداد روسپی ها یا تن فروشان مشخص نیست.²⁶²

مهمترین عامل تن فروشی در افغانستان فقر و ناتوانی است. اکثر زنان افغانستان که شوهران شان را از دست داده اند و اطفال هم دارند مجبور می شوند برای ادامه زندگی اطفال شان خود را در مقابل پول بفروشند. علمای اسلام تن فروشی را زنا می دانند و به همین لحاظ وزارت صحت عامه نمی تواند در مورد آگاهی دادن و جلوگیری از انتشار مرض کاری انجام دهد. آیا علمای اسلامی در افغانستان نمی دانند که مسئول همه این جنایات نظام فاسد کابل است؟ آیا از نظر شریعت اسلامی ارگ نشینان مسئول تن فروشی نیستند؟ از نظر من زنانی که تن فروشی می کنند مسئولیت ندارند و مسئول اول نظام فاسد و تحت حمایت کفر در افغانستان است و تا عدالت اجتماعی و امنیت غذایی و صحتی نباشد مردم به تن فروشی دست می زنند و مرض ایدز بیشتر میشود. در فرهنگ و ثقافت اسلامی فقر سبب کفر و فحشات است و حضرت عمر رضی الله عنه می گفت اگر فقر انسان می بود او را اعدام میکردم و رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می گفتند عوذ بالله من الفقر، ای خداوند! از فقر بتو پناه می برم.

فصل نهم

تنظیم نسل

حفاظت نسل بشری یکی از مهمترین مقصد در بین مقاصد شریعت است. شریعت اسلام تمام انواع اعتداء را بالای نسل حرام ساخته و در شریعت اسلام هر نفس حق زندگی را در دنیا دارد. اسلام برای حمایت و دوام نسل ازدواج را وسیله می داند و ازدواج در قانون اسلام مستحب است و یکی از مقاصد آن آوردن اولاد برای ادامه و بقای نسل بشر میباشد و اسلام مسلمانان را به تولد و تکاثر تشویق و تولد طفل را مبارک می داند.²⁶³

ازدواج و مباشرت جنسی در فرهنگ اسلام تنها به هدف اشباع غریزه جنسی و خاموش ساختن آن نیست بلکه ازدواج وسیله برای آرامش روحی و جسمی و تولد و ازدیاد نسل است و چون بقای نسل بشری سبب آبادی زمین و بقای آن است لذا تولد در فقه ازدواج اولویت بیشتر را نسبت به غریزه جنسی دارد و میتوان گفت که منع مباشرت جنسی در وقت حیض و نفاس نه تنها به سبب ضرر صحتی و مشکلات روانی برای زن است بلکه هدف از مسائل جنسی که زیادت نسل است نیز برآورده نمیشود.²⁶⁴

تولد و زیادت نسل برای مسلمانان یک امر ضروری در زندگی است و اولاد برکت منزل و نور چشم خانواده میباشد. مسلمانان برای داشتن اولاد دعا می کردند در قرآن کریم می خوانیم: «و الذین یقولون ربنا هب لنا من أزواجنا و ذریاتنا قرۃ أعین و اجعلنا للمتقین إماما» (الفرقان: 74). و آنانکه می گویند ای پروردگار ما به بخش ما را از زنان ما و از فرزندان ما روشنی چشم و قرار ده ما را پیشوای متقیان. خداوند از حضرت زکریا علیه السلام حکایت میکند: «قال رب هب لی من لدنک ذریة طيبة» (آل

²⁶³. دکتر یوسف القرضاوی، حلال و حرام در اسلام، ترجمه، ابوبکر حسن زاده، صفحه 243.

²⁶⁴. سید قطب، المرأة فی ظلال القرآن، تهیه و ترتیب: عکاشه عبدالمنان الطیبی، مراجعه و تقدیم، عبدالله السمان، صفحه 96.

عمران:38). و گفت: پروردگارا! برای من به لطف خویش فرزند پاکیزه ای عنایت فرما.

داشتن اولاد حق طبیعی انسان است اما در بسا مواقع زن و شوهر ضرورت به وقت دارند و نمی توانند طفل داشته باشند و در تحت شرایط خاص اقتصادی و اجتماعی اسلام راه و روش تنظیم نسل را مانع نمیشود.

عده از مسلمانان خصوصاً مردان باین عقیده و نظریه هستند که تنظیم نسل و اداره خانه از وظائف و مسئولیت های زن است و عده قدم جلوتر برداشته باین عقیده و باور اند که سعادت، صحت، عشق، محبت و تربیه اطفال از وظائف زن است در حالیکه تمام این امور مسئولیت مشترک و وظیفه زن و شوهر میباشد و تنظیم نسل نیز از مسئولیت های مشترک در حیات زوجیت به حساب می آید.

تنظیم نسل موضوع جدید برای بحث نیست، انسانها از قرن ها قبل متوجه تنظیم و تحدید و سقط جنین بودند. شواهد تاریخی است که 1550 سال قبل از میلاد مصری ها دواء منع حمل را کشف و تجربه نمودند. دواء منع حمل را در آن زمان از عسل و برگ های گیاهان می ساختند و در رحم زن جابجا می کردند تا مانع رسیدن آب به رحم شود. طب نسائی در 1850 قبل از میلاد در مورد دواء و وسائل منع حمل تحقیقات زیاد نمود. در یونان قدیم از نباتات برای منع حمل استفاده می شد و تاریخ طب نسائی در یونان به قرن هفتم قبل از میلاد می رسد.²⁶⁵

در عصر نبوت مسلمانان فهم و دانش کامل از جلوگیری نسل داشتند و در آن زمان یگانه وسیله منع حمل و تنظیم نسل «عزل» بود. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم عزل را مانع نشدند و عدم ممانعت از طرف رسول اکرم صلی الله علیه و سلم معنی آن تأیید است.

دانشمند انگلیسی (توماس روبرت مالتوس) در سال 1798 میلادی تحقیق مشهور خود را در مبادی علم اجتماع به طبع رسانید و از ازدیاد نفوس بشری و کم بود مواد غذایی جهانیان را هوشدار داد و جوانان را توصیه کرد تا در امر ازدواج تأخیر نمایند و کمتر اولاد داشته باشند. مطالعات و تحقیقات توماس مردم اروپا را متوجه ساخت و انجمن ها و حکومت های اروپائی مردم را تشویق به تنظیم نسل کردند.

نظر به مرگ و میر اطفال در مرحله طفولیت و عدم حفظ الصحه و فکر قبیلوی و قوت قبیله به عدد اعضاء و احتیاج خانواده به کارگر سبب شد تا جلوگیری از نسل نشود و مردم در موضوع تنظیم نسل فکر نکنند. تقدم علمی و انقلاب صنعتی در دو قرن (18 و 19 میلادی) و حل مشکلات غذایی و کنترل امراض و احتیاج به کارگر در فابریکه ها و کمتر شدن مرگ و میر اطفال سبب ازدیاد نفوس شد و علمای اجتماع و اقتصاد متوجه زیادت نفوس و نقص مواد غذایی شدند.

ازدیاد نمو سکانی و ازدیاد ولادت و کم شدن مرگ در آسیا و افریقا و امریکای لاتینی از نصف قرن بیستم سبب شد تا عدد سکان جهان در اوائل قرن بیستم به پنج بلیون برسد و در اواسط قرن بیستم به شش بلیون رسید و احصائیات نشان میدهد که تا 2030 به 10 بلیون خواهد رسید. حکومت ها مردم شانرا تشویق و ترغیب به تنظیم نسل و حتی جلوگیری از آوردن طفل نمودند و برای این منظور برنامه های تعلیمی روی دست گرفته شد.²⁶⁶

تنظیم نسل در عصر حاضر نظر به مشکلات اجتماعی و اقتصادی و کار زنان در خارج از منزل یکی از موضوعات قابل بحث است. عده در مفاهیم تنظیم نسل دچار مشکلات میباشند و تفاوت بین تنظیم نسل و تحدید نسل را نمی دانند و فکر می کنند که تنظیم نسل قتل نفس است در حالیکه تنظیم نسل غیر قتل و تحدید نسل میباشند.

از اواسط قرن بیستم موضوع نسل و ازدیاد آن ارتباط داده شد به مشکلات اجتماعی و کمبود مواد غذایی و دانشمندان علوم اجتماعیات و رجال سیاست و اقتصاد و انجمن های نسائی در مورد تنظیم نسل و جلوگیری از ازدیاد نفوس بشری تحقیقات زیاد نمودند و کنفرانسها و سمینارها دائر شد و هدف از تنظیم و انعقاد فعالیت ها منع حمل بود. علمای اقتصاد و حکومت های ناکام در جهان سوم باین فکر رسیدند که راه علاج مشکلات اقتصادی جلوگیری از نسل است و در عصر حاضر حکومت های کشور های شرقی و اسلامی مشکلات اقتصادی شان را ارتباط به نمو سکانی و ازدیاد نسل می دانند و همچنان مؤسسات تابع ملل متحد و بانک جهانی کمک های اقتصادی شان را به کشور های جهان سوم که مسلمانان اکثریت آنها می سازند ارتباط

به منع حمل و جلوگیری از نسل می‌دهند. در می 2018 میلادی صندوق نقد بین المللی تابع بانک جهانی برای حکومت مصر جهت ادامه قرضه شرط گذاشت تا برنامه تحدید نسل را در مصر تطبیق عملی نماید در غیر آن بانک بین المللی حاضر به دادن قرضه برای مصر نخواهد بود. برای دریافت قرضه مارشال سیسی زعییم کودتای خونین مصر از مردم مصر دعوت کرد تا در آوردن اولاد توجه داشته باشند. علمای سلطه یعنی علمای که در خدمت استبداد سیاسی مصر قرار دارند تحدید نسل را صبغه دینی دادند و در خطبه های جمعه مردم را از آوردن اولاد منع می کنند.²⁶⁷

استفاده از دین اسلام برای جلوگیری از نسل و منع ولادت: در ختم این تحقیق موضوع قابل بحث در مصر در مورد منع حمل صورت گرفت که ارتباط به عنوان تنظیم نسل و منع حمل داشت لذا خواستم تا جهت استفاده هموطنان عزیز خلاصه آنرا در این قسمت نقل کنم.

دکتر محمد مختار جمعه وزیر اوقاف در حکومت کودتاه مارشال سیسی بتاريخ 24 جولای 2018 میلادی فتوا صادر کرد که منع حمل و جلوگیری از نسل وسیله مناسب برای حل مشکلات اقتصادی برای مصر است و تمام امامان مساجد را امر کرد تا موضوع منع حمل را شامل خطبه های نماز جمعه سازند. دانشمندان مصری فتوای داکتر جمعه را انتقاد شدید کردند و گفتند که موضوع منع حمل و جلوگیری از نسل از اختصاصات وزیر صحت است نه از وظیفه وزیر اوقاف.

استاد سامح عبدالحمید می گوید: زیادت نسل ضرور و حتمی نیست که عامل مهم مشکلات اقتصادی و فقر باشد و در دنیا کشورهایی استند که تعداد باشندگان آنها بسیار زیاد است و با تعداد زیاد در جمله کشور های ثروتمند به حساب می آیند و همچنان کشور های است که تعداد نفوس آن فوق العاده کم است لیکن در جمله کشور های فقیر حساب می شود. استاد دکتر ابراهیم عبدالشافی ، استاد شریعت در پوهنتون الازهر می گوید: دعوت به منع حمل مخالف شریعت است و جواز ندارد تا قانون برای تحدید نسل تدوین شود و از نظر شریعت مجبور ساختن مردم به جلوگیری از نسل جواز ندارد.

²⁶⁷. ماده چهارم پیشنهاد بانک جهانی برای اصلاحات اقتصادی برای مصر.

دانشمندان اقتصاد مصری باین نظر هستند که زیادت نسل سبب ضعف و ناتوانی و مشکلات اقتصادی در مصر نیست و زیادت نسل در هیچ وقت سبب مشکلات اقتصادی بوده نمی تواند. مشکلات اقتصادی سبب آن بی توجهی دولت در مصارف و استفاده غیر مشروع از سرمایه های ملی است و نظامهای ناکام همیشه مشکلات شانرا ارتباط به زیادت نسل و تولدی می دهند.²⁶⁸

ملل متحد در پروگرام منع حمل و جلوگیری از نسل سرمایه زیاد را به مصرف میرساند و کورسها و سمینارها برای نسل جوان که ازدواج می کنند دائر می نماید و در بسیاری از کشور های شرقی خصوصاً اسلامی و افریقایی دواء منع حمل مجانی توزیع می شود.

کنفرانس بین المللی قاهره در ماه سپتمبر 1994 میلادی زیر عنوان « International Conferenc On Population And Develoment » در مورد تحدید نسل بود. کنفرانس در جلسه ختامی اش از تمام کشور های جهان سوم دعوت بعمل آورد تا برنامه تحدید نسل را تطبیق نمایند و سقط جنین یکی از مواد فیصله های این کنفرانس بود و متأسفانه تمام زعمای کشورهای اسلامی موافقت خود را از تطبیق مواد کنفرانس قاهره اعلان کردند. علماء و مراکز فرهنگی بزرگ اسلامی مانند الازهر مخالفت شانرا از مواد کنفرانس قاهره اعلان کردند و فیصله های کنفرانس را منافی نظام خانواده در اسلام دانستند و بدیل اسلامی را برای تنظیم خانواده و تنظیم نسل به مسلمانان معرفی کردند و تنظیم نسل را از وظائف دولت ندانستند و خانواده را برای تنظیم نسل آزاد گذاشتند.²⁶⁹

اکثر مؤسسات بین المللی توجه زیاد برای تحدید نسل در کشورهای اسلامی دارند در حالیکه کشورهای اروپائی و امریکا اتباع شانرا در آوردن طفل تشویق می کنند و برای هر طفل جدید دولت معاش تعیین میکند. متفکرین فکر مارکیسی و لیبرالی شدیداً با فکر تحدید نسل مخالف اند و نمو اقتصادی را ارتباط به ازدیاد نفوس می دانند.

²⁶⁸. العربی الجدید ، 24 جولای 2018.

²⁶⁹. فضل غنی مجددی ، خانواده در اسلام ، طبع دوم امریکا ، صفحات 170 - 171.

تنظیم نسل :

تنظیم در فرهنگ ادبیات زبان به معنی تألیف آمده مثلاً نظم نمودن یا تنظیم کردن . تنظیم نسل یعنی تنظیم مدت حمل و تعیین مسافه بین حمل و حمل و نظر به این تعریف تنظیم نسل مرادف است به تنظیم خانواده.

نسل در ادبیات زبان ، ذریه است و مراد از نسل کلمه ذریه میباشد.²⁷⁰

تنظیم نسل در اصطلاح : گرفتن و سیله مشروع بدون ضرر به هدف تعیین مدت حمل که در نتیجه آن عدد ولادت پائین می آید.

تنظیم نسل یعنی فاصله میان تولد دو طفل، به خاطر حفظ توانایی جسمی مادر و داشتن زمان کافی برای تربیه و پرورش فرزند قبلی. این عملکرد از نظر شرعی کاری مقبول و مطلوب است ، زیرا ازدیاد فرزندان مشروط به توانایی و استطاعت مالی و امکانات و سائل تربیتی خانواده است . اما تحدید نسل یعنی قطع نسل از طریق عقیم نمودن مردان و زنان و امثال آن به خاطر ناسازگاری با اهداف دین و شریعت در مورد ازدیاد نسل بشری در حد امکان ، کاری است نامشروع.²⁷¹

حق زن و شوهر برای اولاد:

داشتن اولاد و ازدیاد نسل از اهداف عمده ازدواج است و زن و شوهر علاقه و رغبت مشترک برای ادامه نسل و کسیکه اسم شانرا در آینده حمل کند دارند. اولاد از جمله نعمت های بزرگ است که انسان به داشتن آن باید شکر بجا آورد و قرآن کریم اولاد را زینت برای زن و شوهر میداند. در قرآن کریم می خوانیم: «المال و البنون زینة الحیاة الدنیا» (الکھف:46) . مال و اولاد زینت زندگی دنیا استند.

داشتن اولاد حق مشترک بین زن و شوهر است بهمین ترتیب تنظیم نسل و جلوگیری از نسل نیز حق مشترک است که زن و شوهر به اتفاق کامل در مورد آن تصمیم می گیرند و رضایت زن و شوهر در داشتن اولاد و عدم داشتن اولاد و تنظیم آن در فرهنگ

²⁷⁰ ابن منظور ، لسان عرب جلد 2 صفحه 667 و الفیروز آبادی ، القاموس المحیط جلد 4 ، ص 181.

²⁷¹ دکتر وهبه زحیلی ، فقه خانواده در جهان معاصر ، ترجمه ، عبدالعزیز سلیمی ، ص 304.

اسلام حتمی و ضروری است و اگر یکطرف راضی و طرف دیگر راضی نباشد در این حالت مشکل بین زن و شوهر بوجود می آید و سعادت خانواده برهم می خورد.²⁷²

تنظیم نسل برای خانواده های مسلمان معاصر وسیله خوب برای تربیه اولاد و رفع مشکلات اقتصادی میباشد و اسلام وضعیت صحی و اجتماعی و اقتصادی خانواده را در داشتن اولاد و تنظیم آن احترام و تقدیر میکند و این موضوع را به اراده آزاد زن و شوهر می گذارد و تربیت سالم را حق مسلم طفل می شمارد. از جانب دیگر اسلام تحدید نسل را قبول ندارد و اما در صورت لزوم و ضرر صحی برای مادر توقف حمل را برای یک مدت و وقت معین جواز می داند و نظر داکتر متخصص در این مورد حتمی و قابل احترام است.²⁷³

دیدگاه فقهاء و دانشمندان معاصر اسلامی از تحدید و تنظیم نسل:

امام احمد و دیگران باین باور و نظر هستند که منع حمل مباح است در صورتیکه زن موفق باشد به دلیل اینکه زن حق داشتن اولاد و حق متعه جنسی را دارد و همچنان حضرت عمر رضی الله عنه مردم را از عزل ممانعت نکردند به این شرط که اجازه زن در آن باشد.²⁷⁴

فقهاء مذهب حنفی در مورد عزل باین نظر و باور هستند که عزل اجازه است بشرطیکه زن به آن موافق باشد و اجازه آنرا بدهد به دلیل اینکه زن حق داشتن اولاد را دارد. مدارس فقهی و فقهاء مذهب مالکی نیز به همین نظر اتفاق دارند.²⁷⁵

دکتور یوسف القرضاوی در مورد تنظیم نسل و جلوگیری از نسل بشکل مؤقت موافق است و لیکن شرط می گذارد که زن و شوهر هر دو موافقت داشته باشند و برای زن نیز ضرر نداشته باشد به دلیل اینکه صحابه عزل می کردند و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم ایشان را منع نکردند.²⁷⁶

²⁷² صفاء خالد حامد زین ، تنظیم النسل فی الفقه الإسلامی ، <https://scholar.najah.edu/and> ،

<Http://Wikipedia.org/wiki/and> ، <https://islamqa.info/ar/231777>

²⁷³ ما الفرق بین تحدید النسل و تنظیم النسل ، weziwezi.com ،

²⁷⁴ البوطی ، تحدید النسل وقایة و علاجاً ، ص 46.

²⁷⁵ دکتور یوسف القرضاوی ، الحلال والحرام فی الإسلام ، طبع دوم 1962 ص 141.

²⁷⁶ <https://fatwa.islamonline.net/286> .

مجمع البحوث الإسلامية در مورد تحدید نسل و تنظیم نسل زیرا عنوان «حکم تحدید النسل» می نویسد: از نظر شرع اجازه نیست تا قانون عمومی وضع شود و به مقتضای آن مردم مجبور و مکلف به تحدید نسل باشند. برای تحدید نسل هیچ دلیل وجود ندارد و همچنان سقط جنین و عقیم کردن به خاطر تحدید نسل جواز ندارد.

مجلس هئیت کبار علماء و مجلس مجمع فقهی اسلامی در این مسأله باین نظر اند: تحدید نسل به خاطر ترس از گرسنگی جواز ندارد و خداوند رزاق است و همچنان تحدید نسل خلاف فطرت انسان است.

مجمع بحوث اسلامیة الازهر می گوید: وضع قوانین برای مجبور ساختن مردم جهت تحدید نسل جواز ندارد.²⁷⁷

مجلس رابطه عالم اسلامی در مکه مکرمه تنظیم نسل را به معنی تحدید نسل جواز نمی داند به دلیل اینکه کثرت عدد سبب قوت جامعه اسلامی میباشد و ازدواج هدف آن ادامه نسل بشر در دنیا است.

حجت الإسلام و المسلمین امام الغزالی می گوید: اگر زن از ترس اینکه زیبایی اش را در اثر حمل از دست می دهد از حق اش است که مانع حمل شود. الغزالی اضافه میکند که تولد مباح است نه کراهیت و منع نیست مگر به نص و نص در این مورد نیست.

دکتور محمد سعید رمضان البوطی بعد از بررسی نظریات فوق می نویسد: توجه برای توقف دادن نسل و یا کمتر ساختن آن منافی اصل شریعت است، اما شارع برای زن و شوهر اجازه داده تا بصورت شخصی و انفرادی و جزئی نظر به شرایط و مصلحت خانواده و شخص نسل را تنظیم کنند و اما حکم عمومی و اصل اول در عدم جلوگیری از نسل است.²⁷⁸

شیخ شلتوت می گوید: اگر حمل مشکلات صحی را برای زن داشته باشد و یا امراض وراثی به طفل انتقال کند و یا خانواده مشکلات اقتصادی داشته باشد و دولت ایشان

²⁷⁷ البوطی، همان مرجع، ص 79.

²⁷⁸ البوطی، همان مرجع، ص 621. همچنان دیده شود: عبد الرحیم عبد المنعم: علم السكان الأوس النظرية و الأبعاد الاجتماعية، الاسكندرية، المكتب الجامعی 1985 و صفاء خالد حامد زین: تنظیم النسل فی الفقه الإسلام و: الإسلام و تنظیم الأسرة، الاتحاد العالمی لتنظیم الوالدية.

را کمک و معاونت نکند در این حالت جلوگیری از نسل و تنظیم نسل مباح است بشرطیکه در ساحة خانواده باشد.²⁷⁹

عدم قدرت والدین برای رعایت صحی و تربیه علمی و تکافوء غذائی اطفال عذر معقول برای منع حمل و تنظیم مدت حمل میباشد و اسلام واقعیت های زندگی مردم را مد نظر دارد قوانین اسلام با واقعیت های زندگی مردم توافق دارد با اینکه قوانین اسلام مانع عقیم ساختن است اما برای تنظیم نسل روش قانونی و حفظ صحی را در نظر دارد.

نتایج تحدید نسل :

1. ضعیف شدن نظام خانواده و زوال آن.
2. زیاد شدن طلاق. عدم موجودیت طفل در خانواده طلاق را ساده و آسان می سازد و رابطه بین زن و شوهر ضعیف می گردد و تجربه نشان داده که اطفال سبب تقویت رابطه زوجیت میباشد و وجود اولاد طلاق را محدود می سازد.
3. ضعف اقتصادی خانواده و امت.
4. ضعف قوت نظامی و دفاعی. نبودن نسل جوان و کثرت سالمندان سبب ضعیف شدن قوت نظامی یک کشور است.
5. اضرار صحی. عدم ولادت سبب نا توانی در جسم زن می شود و عموماً افسردگی و عصبانیت و تشویش فکری را بوجود می آورد.
6. ضرر های اجتماعی. نبودن اطفال سبب ضعف رابطه ای اجتماعی و عدم همکاری و مهربانی بین افراد خانواده و در نهایت صدمه برای زن و شوهر است.
7. فناء امت اسلامی. تحدید نسل سبب قلت نسل می گردد و در مرور زمان امت اسلامی به قلت عدد مواجه می گردد مثلیکه نژاد المان امروز به این مشکل دچار است و قانون المان برای هر طفل که تولد می شود مکافات میدهد.²⁸⁰

²⁷⁹. شلتوت ، الفتاوی در اسة لمشكلات المسلم المعاصر فی حیاةه الیومیة العامه ، صفحات 253-

254.

²⁸⁰. منبر الإسلام ، العدد الاول 1385-1965 و همچنان: مودودی ، حركة تحدید النسل صفحات 80-

وسائل تنظیم نسل :

در اغلب حالات برای جلوگیری از حمل و تنظیم نسل و وسائل مختلف استفاده میشود بطورمثال:

1. دواء منع حمل که شامل هرمون ها است و مانع ارتباط تخم با رحم می شود و این وسیله باید هر روز استعمال شود.
2. پیچکاری منع حمل عبارت از دواء طبی است که شامل هرمونات بوده و برای 90 روز کار میکند.
3. کبسول که زیر پوست گذاشته میشود و این روش عملیات جراحی می خواهد و هر زمانیکه زن بخواهد میتواند آنرا از جسم خود دور سازد.
4. گذاشتن قطعه مدنی و پلاستیکی داخل رحم و این وسیله نیز به ساده گی کشیده می شود.
5. گذاشتن غلاف بالای ذکر مرد در وقت جماع.
6. شیر دادن طفل مانع حمل میشود.
7. تنظیم مباشرت جنسی.²⁸¹

تحقیقات علمی که در مورد استفاده از وسائل منع حمل صورت گرفته نشان میدهد زنانیکه از وسائل فوق برای تنظیم و یا تحدید نسل استفاده می کنند غریزه و مباشرت جنسی شان نسبت به زنانیکه از وسائل منع حمل استفاده نمی کنند سه مرتبه بیشتر است. فهمیدن این موضوع در رابطه جنسی بین زن و شوهر اهمیت فوق العاده دارد.²⁸² همچنان تحقیقات علمی به اثبات می رساند که از 100 نفر مردانیکه برای جلوگیری از نسل عزل Withdrawal می کنند 27 زن حمل می گیرد.²⁸³

علمای اسلام در مورد تنظیم و تحدید نسل و وسائل که مانع حمل میشود نظریات شانرا در روشنی فهم شان از نصوص اسلامی اظهار می کنند. نظریات علمای گذشته به اساس پیشرفت عملی زمان شان بود و وسائل منع حمل در گذشته تنها عزل بود و اما علمای معاصر با استفاده از نظریات متقدمین و علوم معاصر و استفاده از تجربه

²⁸¹ .الاتحاد الدولي لتنظيم الأسرة اقليم العالم العرب و همچنان: / mawdoo3.com تعریف تنظیم

النسل

²⁸² . https://lmarabic.com/brith-control/couples-who-contraception-have-sex.

²⁸³ تنظیم النسل ، www.marefa.org

ها و نظریات متخصصین سیانس و در نظر داشتن شرایط معاصر زندگی مسلمانان نظریات جدید را در موضوع تحدید و تنظیم نسل ارائه می کنند و آوردن نظریات علمای معاصر مسلمانان معاصر را در تنظیم نسل کمک بیشتری کند.

کنترول باردار شدن را علمای معاصر در شرایط ذیل قابل قبول می دانند:

1. اگر والدین مریض باشند و ترس انتقال مرض به طفل باشد.
2. اگر مادر مریض باشد و حمل سبب ازدیاد مریضی او شود.
3. اگر وضعیت اقتصادی خانواده خوب نباشد و والدین قدرت تربیه اولاد را نظر به مشکلات اقتصادی نداشته باشند.
4. اگر ثابت باشد که طفل از ناحیه عقلی و جسمانی سالم تولد نمیشود و در آینده سبب مشکلات والدین و خانواده می گردد.
5. تنظیم نسل در ساحة خانواده باشد و نباید قانون عام باشد.
6. به هر وسیله که داکتران منع حمل را توصیه نمایند.
7. اگر خانواده اولادهای زیاد داشته باشند و قادر به قبول اولاد اضافی نباشند.
8. اگر زن از ناحیه صحی ضعیف و مرد از ناحیه اقتصادی فقیر باشد جلوگیری از نسل یک عمل پسندیده است.
9. اگر زن ترس داشته باشد که زیبایی هایش را در نتیجه حمل از دست میدهد حق دارد از حمل جلوگیری کند.
10. منع حمل باید به مشوره داکتر متخصص باشد و داکتر متخصص نظر بدهد که منع حمل برای صحت مادر ضرر ندارد.
11. منع حمل قبل از گرفتن حمل باشد.
12. در تنظیم حمل زن و شوهر متفق النظر باشند.
13. منع حمل نباید سبب عقیم شدن شود.²⁸⁴

²⁸⁴ سید سابق ، فقه السنه جلد دوم ، صفحات 167-168. و حمزة الفقی و ماجد دودین ، أسئلة النساء وأجوبة الفقهاء والعلماء ، جزاول ، صفحه 82 و ، Human Pepsroduction In Islam , first volume , p 291, and : Mohammad Higab , That is Islam(Fath ,Legislation and Good Manners) , p 166

عزل: عزل یعنی گذاشتن آب مرد (منی) خارج رحم زن به قصد جلوگیری از نسل به عبارت دیگر بیرون ریختن منی از محل زن تا از آن فرزند نیاید. عزل در صدر اسلام و عصر رسالت یگانه و سیله برای تنظیم نسل بود و عرب های جزیره العرب قبل از اسلام از این روش برای تنظیم نسل استفاده میکردند و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم با آنکه می دانستند اما مسلمانان را از این روش منع نفرمودند. نظر به روایت صحیح از عدم منع عزل فقهاء باین باور و نظر هستند که عزل در حالات ضروری مانع شرعی ندارد و اگر مانع می داشت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم مسلمانان را از آن منع می کردند. در عدم منع امام بخاری و امام مسلم احادیث از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم روایت کرده اند که منبع و مرجع اصلی برای عزل است.²⁸⁵

فقیه معاصر دکتور وهبه زحیلی در مورد عزل به خاطر تنظیم و جلوگیری از نسل در روشنی احادیث مبارک که امام بخاری و مسلم روایت کرده اند می نویسد:

این احادیث و امثال آن بیانگر این حقیقت است که جلوگیری از بارداری پیش از انعقاد نطفه جایز است، زیرا از آن روایات این گونه فهم می شود که رسول خدا صلی الله علیه و سلم از آن کار با خبر بوده است و اما از آن نهی نمی فرمود و چنانچه کار حرامی می بود از آن نهی می نمود، و با سکوت خویش آن را تأیید نمی کرد. اما این موضوع - همچنان که گفته شد - مشروط به آن است که رسول خدا صلی الله علیه و سلم از آن اطلاع داشته باشد، و این سکوت از نظر اصولی، اگر همراه با آگاهی باشد حکم حدیث مرفوع را دارد و ظاهر موضوع این است که رسول خدا صلی الله علیه و سلم از آن مطلع بوده و اسباب زیادی وجود داشته که اصحاب در مورد احکام از رسول خدا صلی الله علیه و سلم پرسش نمایند.²⁸⁶

بعض مدارس فقهی به استناد از احادیث رسول اکرم صلی الله علیه و سلم عزل را اجازه داده اند و اما فقهای مذهب حنفی عزل را با شرط اجازه میدهند و می گویند عزل به اجازه و رضایت زن جواز دارد و اگر زن اجازه به عزل نداشت شوهر حق عزل را ندارد.²⁸⁷

²⁸⁵. لؤلؤ و مرجان جلد دوم صفحات 149-150.

²⁸⁶. دکتور وهبه زحیلی، همان کتاب، ص 307.

²⁸⁷. دکتور یوسف القرضای، حلال و حرام در اسلام، ترجمه: ابوبکر حسن زاده، صفحات 243-244 و همچنان دیده شود: سید سابق، فقه السنة، صفحات 168-169.

ابن عبدالبر در مورد اجازه و عدم اجازه همسر می گوید: علما اتفاق نظر دارند که بدون اجازه همسر چنین کاری روانیست، زیرا در عمل زناشویی و بچه دار شدن زن، دارای حق اظهار نظر و تصمیم گیری است و ابن هیبره نیز این اجماع را مورد تصدیق قرار می دهد. اما علمای متأخر حنفیه عزل را چنانچه در حالت مسافرت طولانی باشد، یا به خاطر بد اخلاقی همسر و قصد جدایی مرد از او انجام گیرد جایز می شمارند.²⁸⁸

موافقه زن در عزل بخاطری حتمی است که ممکن مرد قبل از اینکه زن اشباع غریزه جنسی شود اشباع شود و در این حالت بالای زن ظلم می شود و مسائل جنسی حق مشترک بین زن و شوهر است. در مورد تنظیم نسل مجامع فقهی و علمای معاصر با استفاده از نصوص شریعت اجتهادات زیاد کرده اند که در این جا به بعضی از آن اشاره می شود:

فیصله نمبر اول

فیصله مجمع البحوث الإسلامية القاهرة

- 1) اسلام ترغیب و تشویق به زیادت نسل می کند و زیادت نسل امت اسلامی را از ناحیه اقتصادی، اجتماعی و قوت نظامی قوت می بخشد.
- 2) اگر یک ضرورت شخصی باشد که تنظیم نسل را ضروری سازد در این حالت زن و شوهر با اساس ضرورت شان عمل نمایند و ضرورت برای جلوگیری نسل ارتباط به دینداری و ضمیر زن و شوهر دارد.
- 3) شرعاً جواز ندارد تا قوانین برای تحدید نسل تدوین شود و مردم مجبور به اطاعت از آن باشند.
- 4) سقط جنین به هدف تحدید نسل و تعقیم اجازه نیست.

فیصله نمبر دوم

فیصله مجلس المجمع الفقهی الإسلام فی الحکم الشرعی فی تحدید نسل

شریعت اسلامی زیادت نسل مسلمین را تشویق می کند و شریعت اسلامی نسل را نعمت و هدیه از جانب خداوند می داند. کسانی که دعوت به تحدید نسل و منع حمل می کنند نیت خوب برای مسلمانان ندارند و استعمار می خواهد امت اسلامی ضعیف و ناتوان باشد.

اگر منع حمل از ترس رزق باشد صحیح نیست و لیکن تأخیر نمودن در حمل و منع آن بصورت انفرادی و جهت رفع ضرر حقیقی مثلاً اگر زن ولادت طبیعی کرده نتواند و احتیاج به عملیات جراحی باشد و یا اینکه حمل ضرر برای مادر داشته باشد و حیات مادر در خطر باشد و داکتران مسلمان باین نظریه نیز باشند در این حالت منع حمل جواز دارد.

مجلس فقهی کنفرانس اسلامی

مجمع فقهی کنفرانس اسلامی در دوره پنجم اش در کویت مؤرخ 1 تا 6 جمادی الأول 1409 هجری مطابق 10 تا 15 دسامبر 1988 میلادی در موضوع تحدید و تنظیم نسل این فیصله را صادر کرد:

مقصد از ازدواج در شریعت اسلامی تولد و حفاظت نوع بشر میباشد و نادیده گرفتن مقصد اسلام از ادامه نسل بشری منافی نصوص شریعت است و حفظ نسل از اصول پنجگانه اسلام است. مجمع فقهی فیصله ذیل را صادر نمود:

اول: جایز نیست اصدار قانون عمومی برای تقید یا مقید ساختن آزادی زن و شوهر برای داشتن اولاد.

دوم: عقیم ساختن زن و مرد تا اینکه ضرورت شرعی نباشد حرام است.

سوم: جلوگیری از آوردن طفل بصورت مؤقت جائز است و همچنان توقف حمل برای مدت معین اگر ضرورت باشد و زن و شوهر به آن رضایت داشته باشند و تعیین فاصله بین ولادت و ولادت مانع در شریعت اسلامی ندارد. و سیله منع حمل مشروع باشد.²⁸⁹

289. دکتر علی أحمد السالوس ، الاقتصاد الإسلامی و القضايا الفقهية المعاصرة جلد اول ، صفحات 65-69.

در مورد عقیم ساختن زن یا شوهر، شیخ محمد متولی الشعراوی می گوید: تعقیم به هر سبب که باشد حرام است.²⁹⁰ تعقیم زن و مرد را برای دائم از آوردن اولاد محروم می سازد و ممکن زن بعد طلاق و یا وفات شوهر بخواهد شوهر دیگر بگیرد و در آن حالت نیز نمی تواند طفل دار شود و شوهر دوم از حق اولاد محروم می شود و شریعت اسلامی تمام حالات زندگی انسان را مد نظر دارد و در عصر حاضر جلوگیری از نسل نسبت به گذشته بسیار ساده و آسان است و ضرورت به عقیم ساختن نیست. در گذشته و در زمان حکومت های استبدادی عقیم کردن مرد نوع از انواع جزاء بود که بالای مخالفین نظام تطبیق می شد.

منع حمل ضرر ندارد و ممانعت در آن نیست اما بشرطیکه زن و شوهر در مورد آن توافق داشته باشند و باید واضح باشد که نباید جلوگیری از نسل ترس از رزق باشد و اما اگر سبب آن صحتی و خطر برای صحت مادر باشد در آن مانع نیست.²⁹¹

سقط جنین :

در مورد سقط جنین دانشمندان از قدیم تا امروز باین عقیده و باور اند که سقط جنین حمله و تجاوز بالای روح انسان است و اما در بسا حالات سقط جنین مانع در آن نیست. در مورد سقط جنین علامه دکتور یوسف القرضاوی می نویسد:

با اینکه اسلام اجازه داده تا به منظور رفع مشکلات و گرفتاریهای ناشی از حاملگی از آن جلوگیری شود ولی به هیچ وجه اجازه نداده است نطفه که به صورت حمل و جنین در آمده از بین برده شود.

تمام فقهای اسلام نظر میدهند که نابود کردن جنین که جان گرفته گناه و جنایت به حق ذیروح تکامل یافته است، پس هیچ مسلمان حق ارتکاب این گناه را ندارد. اگر جنین در حالت سقط زنده باشد و بعداً بمیرد بر شخص واجب می گردد تا دیت یک انسان کامل را بپردازد و اما در حالت مرده مبلغ کمتر از دیه باید پرداخته شود.²⁹²

²⁹⁰. فضل غنی مجددی، بحث های دینی و فتواهای فقهی، جلد اول، صفحه 424.

²⁹¹. فضل غنی مجددی، خانواده در اسلام، صفحه 183.

²⁹². دکتور یوسف القرضاوی، مرجع سابق، صفحه 248.

اسلام شرایط شخص را در هر حکم مورد نظر دارد و در مسأله سقط جنین نیز همین قاعده قابل اعتبار است. در حالت استثناء علمای اسلام در مورد سقط جنین می گویند:

اگر از جهت مورد اعتماد ثابت شود که بقای جنین زنده موجب مرگ مادر می شود در این حالت شریعت با توجه به قانون کلی خود دستور می دهد که هرگاه انسان ناچار به انجام یکی از دو امر باشد لازم است آنچه که ضررش کمتر باشد آنرا انتخاب کند. اگر بقای جنین سبب مرگ مادر باشد در این حالت راه دیگر جز سقط جنین نیست و جنین قربانی مادر می شود چون مادر اصل است و حیات او مقدمتر از حیات جنین است.²⁹³

علامه مصطفی الزرقا در همین مورد می نویسد:

سقط جنین اصل است و جواز آن مقید و استثناء به حدود معین میباشد.

قبل از چهل روز حمل سقط جنین حکم آن بدرجه کراهیت میرسد و بعد از این مدت و تکوین بعضی اعضای جسم طفل بدرجه حرام می رسد و خصوصاً بعد از نفخ روح حرام مطلق است زیرا بعد از نفخ روح حرکت طفل ظاهر می شود و مادر در شکم خود آنرا احساس می کند و سقط جنین قصداً بدون دلیل شرعی در این مرحله جنایت به حق انسان است. اما سقط جنین قبل از چهل روز برای عذر مثل ترس از صحت مادر به سبب حمل و ضعف اقتصاد خانواده و تربیه اولاد و ضرورت برای سفر و یا تکمیل تعلیم مانع در آن نیست.

هر قدر مدت حمل بیشتر شود به همان اندازه سقط جنین دلیل قویتر را می خواهد مثل حمایت صحت مادر در صورتیکه حمل سبب ضرر به صحت مادر باشد، اما بعد از چهار ماه سقط جنین اجازه نیست مگر اینکه زندگی مادر در خطر باشد به دلیل اینکه حمایت حیات مادر واجب تر از حمایت جنین است.²⁹⁴

سقط جنین در نتیجه تجاوز جنسی بالای دختر مسلمان:

²⁹³ . شیخ شلتوت ، فتاوی ، صفحه 464 و همچنان : Human Reproduction In Islam, P169

²⁹⁴ . مصطفی الزرقا ، فتاوی ، صفحه 286 و همچنان: فضل غنی مجددی ، خانواده در اسلام صفحات

این موضوع را دختران جوان مسلمان بوسنیا و هرسک بعد از تجاوز مردم یوگوسلوا یا بالایی شان از علامه شیخ القرضاوی کرده بودند. در جواب آمده:

سقط جنین در اصل منع شده است و انسان قابل احترام میباشد اگر چه در نتیجه زنا محرم جنین ساخته شده باشد. رسول الله صلی الله علیه و سلم برای زنی از مردم الغامدی که اعتراف به زنا نمود گفت تا زمان ولادت طفل حکم بالایش اجراء نشود و وقتی که ولادت صورت گرفت امر کردند تا مدت شیر دادن حکم نافذ نگردد.

حکم سقط جنین در حالات مختلفه تفاوت می کند، اگر به مرحله تکمیل رسیده باشد فقط به ضرورت فوق العاده جواز دارد و این موضوع را داکتران می توانند بدانند و تشخیص کنند.

از حق دختر مسلمان است اگر به این مصیبت گرفتار شده باشد می تواند جنین را در شکم خود حفظ کند و در شریعت برایش حرج در این مورد نیست و مجبور به سقط آن نمی باشد و طفل مسلمان می باشد و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرموده اند که هر مولود به فطرت اسلام تولد می شود و فطرت معنی آن توحید است یعنی اسلام است.²⁹⁵

این حکم در مسائل مشابه آن در افغانستان قابل استفاده است و شنیده می شود که عده از دختران افغان در وقت مهاجرت مورد تجاوز قرار می گیرند و حامله می شوند و همچنان در زندانهای رسمی و غیر رسمی افغانستان نیز این واقعه صورت می گیرد و دختران مسلمان افغانستان حق حفظ جنین و سقط آنرا که در نتیجه تجاوز بالایی شان بوجود آمده دارند و دختران مسلمان باید بدانند که در سقط جنین مرتکب هیچ گناه نمی شوند.

داشتن اولاد:

داشتن اولاد حق طبیعی هر زن و شوهر و خانواده است و ازدواج یکی از اهداف آن تکاثر و ازدیاد نسل میباشد اما در بسا اوقات به دلیل عدم فهم صحیح زن و شوهر از مسائل جنسی و مریضی زن و عدم قدرت مرد حمل صورت نمی گیرد. در این اواخر زنان افغانستان برای معالجه این مشکل به هندوستان سفر می کنند و معالجه نیز

نتیجه داده است و عده‌ای از زنان که قبلاً حمل نمی‌گرفتند حامله شده‌اند. متأسفانه خانواده‌ها در اصل شرعی موضوع بسیار فکر نمی‌کنند و مسأله حرام و حلال را داکتران هندی بخاطر منافع اقتصادی شان توضیح نمی‌دهند و حکومت افغانستان خصوصاً وزارت صحت عامه و انجمن‌های نسائی در این موضع بی تفاوتی باشند.

بعد از ازدواج اگر زن و شوهر خواهش اولاد را داشته باشند میتوانند بشکل طبیعی و در اثر مباشرت جنسی سالم و صحیح صاحب اولاد شوند. جنین از طریق یکجا شدن آب منی مرد و تخم یا مبیض زن اگر مشکلات صحتی نباشد ساخته می‌شود و طفل بصورت طبیعی تولد می‌شود.

در گذشته و در حالت غیر طبیعی داکتران ادویه را توصیه می‌کردند و امروز در نتیجه پیشرفت علوم ساینس علاج مشکل اولاد ساده و آسان شده و علمای معاصر روش‌های مختلف را در حامله شدن زن تجربه و به نتایج مثبت و خوب رسیده‌اند. در قانون اسلام معالجه یک اصل قبول شده است و در آوردن طفل معالجه و مشوره با داکتر و استفاده از وسائل جدید بشرطیکه با اصل اسلام مخالف نباشد حتمی و ضروری میباشد. در عصر حاضر و در نتیجه پیشرفت علوم ساینس و طب داکتران موفق شدند تا این مشکل را از خانواده‌ها بردارند و طفل را به روش و طریقه‌های مختلف بوجود آورند. طفل به روش و طریقه‌های ذیل بوجود می‌آید:

اول: از طریق مباشرت مستقیم بین زن و مرد که در نتیجه مباشرت جنسی سالم آب مرد (منی) با تخم (مبیض) زن یکجا شده نطفه‌ای اولیه طفل ساخته میشود اما بعضی اوقات اتفاق می‌افتد تا نطفه تشکیل نشود و علت آن ممکن عدم تجربه مسائل جنسی بین زن و شوهر و یا سبب طبی باشد. عدم فهم صحیح از مسائل جنسی زمانیکه مرد کارش را تمام می‌کند بدون اینکه متوجه زن باشد از حرکت باز می‌ماند و زن اشباع نشده آب مرد با تخم زن یکجا نشده و القاح صورت نمی‌گیرد و نطفه‌ی مرد می‌میرد و زن حمل نمی‌گیرد برای علاج این مشکل مرد بسیار متوجه باشد.

دوم: در صورتیکه رحم زن قابلیت قبول و ساختن نطفه را نداشته باشد. در این حالت طب جدید آب مرد را با تخم زن خارج از رحم یکجا ساخته و بعد از القاح مصنوعی در خارج از رحم مجدداً آنرا در رحم زن قرار میدهند.

سوم: آب شوهر و زن را در رحم زن دیگر جا بجا می کنند و در این روش زن دومی در رحم خود برای زن و شوهر طفل شانرا پرورش میدهد و زن دومی بنام مادر رضائی یاد می شود.

چهارم: آب مردم بیگانه را در رحم زن شوهر دار جا بجا می کنند.

روش های فوق الذکر عملاً نتایج مثبت داده و تعداد از خانواده به همین طریقه صاحب اولاد شده اند. در سال 2016 میلادی طریقه جدید را علماء تجربه نمودند و این طریقه نتیجه مثبت داد. در این طریقه داکتران با استفاده از آب سه شخص برای تولد طفل استفاده کردند.

بی بی سی به نقل از مجله «نیوساینست» خبر می دهد که طفلی که آب سه شخص را حمل می کند با صحتمندی کامل پنج ماه قبل تولد یافت. داکتران امریکائی موفق شدند تا طفل جدید را از مرض میراثی که اطفال یک خانواده اردنی از مادر شان داشتند محافظت کنند.

این تجربه موفقانه در آینده اطفال را از انواع مرض های میراثی محافظت خواهد کرد. این نوع جدید تکنالوجی را بنام «تبرع المیتوکوندریا» نام گذاری کرده اند.

این بار اول نیست که طفل از جمع بین سه تخم ساخته می شود و این تجربه قبلاً در سالهای 90 میلادی شده بود و اما تجربه جدید با تجربه های سابقه تفاوت کلی دارد.

میتوکوندریا اجزاء کوچک است که در داخل خلیه از خلایا جسم انسان موجود است و وظیفه آن تحویل طعام به طاقت (انرژی) قابل استفاده میباشد. بعضی زنان قابلیت انتقال مشکلات و عیوب وراثی در میتوکوندریا به اطفال شان دارند.

گروه طبی امریکائی بریاست دکتور جون زانگ می گویند که قانون این نوع را منع نمی کند و در این تجربه جدید تخم مادر گرفته شده و با میتوکوندریا سالم زن که رضاکارانه تخم اش را اهداء می کند و این دو تخم یعنی تخم دو زن یکجا با آب مرد می شود.²⁹⁶

تجربه‌های جدید و معاصر در اکثر کشورهای غربی قابل استفاده است و در این اواخر در بعض کشورهای شرقی نیز رواج یافته است. برای مسلمانان واجب است تا نظر اسلام را از این تجربه‌های معاصر بدانند خصوصاً خانواده‌های افغانی که برای علاج مشکل اولاد و حمل به هندوستان سفر می‌کنند و قرار راپورهای که از هند می‌رسد داکتران هندی برای خانواده‌ها اصل موضوع را شرح نمی‌دهند و در این نوع علاج موضوع حلال و حرام قابل بحث نمی‌باشد. برای معلومات بیشتر هموطنان گرامی نظریات و فیصله‌های مجامع فقهی اسلامی را می‌آوریم.

فیصله مجمع فقهی رابطه عالم اسلامی

فیصله دوم

الحمد لله وحده، و الصلاة والسلام على سيدنا محمد صلى الله عليه وسلم وعلى آله وصحبه وسلم وبعد:

مجلس فقهی رابطه عالم اسلامی تحقیق که عضو مجمع فقهی رابطه عالم اسلامی مصطفی الزرقا در مورد القاح مصنوعی و اطفالیکه در خارج از رحم مادر ساخته میشود، استماع نمود و همچنان مجلس آنچه علم طب در موضوع به آن رسیده و در عصر حاضر در تولد اطفال از بنی آدم موفق شده و همچنان علم جدید که موفق به علاج عقیم بودن گردیده بررسی نمود.

برای مجلس روش شد که طریقه‌های طبیعی که در عدم ارتباط جنسی مستقیم بین زن و مرد است دو طریقه میباشد.

اول: طریقه القاح داخلی که نطفه مرد را در مکان مناسب در رحم زن قرار میدهند.

دوم: طریقه القاح خارجی بین نطفه مرد و تخم زن در خارج رحم زن در لابرتوار طبی و بعد از اینکه شکل القاح مصنوعی را بخود گرفت در رحم زن گذاشته می‌شود.

در هر دو حالت - القاح داخلی و خارجی - عورت زن کشف می‌شود و برای مجلس واضح شد که القاح داخلی و خارج هفت شکل مختلف دارد. القاح داخلی دو شکل و القاح خارجی پنج حالت دارد. قبل از اینکه حکم حلال و حرام طریقه‌های هفتگانه داده شود لازم است هر طریقه را شرح مختصر داد.

القاح داخلی:

الف: نطفه شوهر گرفته شده و در جای مخصوص در رحم زن گذاشته می شود تا اینکه نطفه مرد بشکل طبیعی با تخم زن یکجا شده و القاح بین شان در داخل رحم زن به اجازه خداوند صورت گیرد مثلیکه در حالت جماع صورت می گیرد، این طریقه اجراء می شود اگر شوهر مشکل در رسانیدن آب خود به موقع مناسب داشته باشد.

ب: نطفه شوهر و تخم-مبیض-زن را در خارج از رحم در لابرتوار القاح نموده و بعد از القاح در رحم زن که مبیض اش گرفته شده قرار می دهند تا نمو کند و بعد از مدت معین بصورت طبیعی تولد صورت می گیرد یا دختر میباشد یا پسر که این نوع طفل را طفل تولید خارجی یا طفل مصنوعی که علم جدید به آن رسیده می گویند و خداوند آن را آسان ساخته و در دنیا تعداد زیاد اطفال به همین طریقه تولد شده اند.

ج: طریقه دوم را استفاده می کنند در صورتیکه زن عقیم بسبب مسدود بودن راه بین مبیض و رحم باشد.

د: در این طریقه خارجی نطفه شوهر را گرفته با مبیض زن غیر زنش که بنام زن رضا کار یاد میشود در خارج رحم القاح نموده و بعد از القاح به رحم زن اصلی گذاشته میشود.

این طریقه را در صورت مورد استفاده قرار می دهند که مبیض زن سالم نباشد لیکن رحم اش سالم و قابلیت القاح و گرفت طفل را داشته باشد.

ذ: در این نوع طریقه خارجی در لابرتوار نطفه شوهر را با مبیض زن غیر زن نکاحی که بنام زن رضا کار یاد می شود القاح نموده بعداً به رحم زن نکاح شده دیگر زرع می کنند.

این طریقه را زمانی استفاده می کنند که زن عقیم باشد و لیکن رحم اش سالم باشد و همچنان اگر شوهر عقیم باشد و می خواهند طفل داشته باشند.

ر: در این طریقه که بنام القاح خارجی یاد می شود نطفه شوهر و مبیض زنش را در لابرتوار القاح نموده در رحم زن که حاضر به قبول هر دو نطفه باشد می گذارند.

این طریقه ها را زمانی مورد استفاده قرار می دهند که زن قابلیت حمل را نداشته باشد و لیکن مبیض اش سالم باشد و یا اینکه زن می خواهد مشکلات حمل را متحمل نشود و زن دیگر رضا کارانه این خدمت را برایش انجام می دهد.

ز: در این طریقه زن دوم شوهر قبول می کند تا در رحم خود نطفه شوهرش و زن اول او را بگذارد. این طریقه در کشورهای قابل اجراء و عملی است که نظام اجتماعی اش داشتن دو زن را برای یک مرد اجازه می دهد.

حکم شرعی در این مورد:

اول- احکام عمومی:

الف: کشف عورت زن برای کسیکه محرم شرعی اش نباشد جواز ندارد مگر به هدف مشروع که شریعت آنرا اجازه داده است.

ب: احتیاج زن برای علاج از مرض و یا از حالت غیر طبیعی در وجودش که اسباب ناراحتی را برایش بیاورد در نظر شریعت احتیاج و ضرورت به حساب می آید و جواز دارد تا برای علاج مرض کشف عورت صورت گیرد و در این حالت کشف عورت مقید به اندازه ضرورت آن است.

ج: معاینه زن که کشف عورت را لازم دارد برای مردی که شوهرش نباشد برای معالجه جواز دارد و بهتر است در قدم اول داکتر زنانه و مسلمان باشد و در عدم موجودیت داکتر زن مسلمان داکتر غیر مسلمان برای معالجه در شریعت ممانعت ندارد.

دوم: حکم القاح مصنوعی:

1- طریقه اول، که در آن نطفه شوهر گرفته شده و در رحم زنش گذاشته می شود و در طب بنام القاح داخلی یاد می شود، شرعاً جواز دارد در صورتیکه احتیاج زن برای این نوع عملیات ثابت باشد.

2- طریقه سوم که نطفه مرد و میبض زنش را گرفته و در لابرتوار القاح می نمایند و بعد از آن در رحم زن قرار داده میشود از نظر شریعت قابل قبول است لیکن قابل اطمینان نمی باشد و باید در مورد آن بسیار احتیاط صورت گیرد و اگر ضرورت شدید نباشد لازم به اجراء این روش نیست.

3- در طریقه سوم و عدم ممانعت از آن مجلس فیصله نمود که نسب مولود ثابت می شود به زن و شوهر صاحب نطفه و طفل حق میراث را از صاحب نطفه دارد و اما زن

دومی که نطفه زن شوهر دار را قبول می کند چنانچه در طریقه هفتم شرح شد به صفت مادر رضای طفل به حساب می آید زیرا از جسم او طفل تغذیه می کند مثلیکه از شیردهنده استفاده می شود و در این صورت آنچه به سبب نسب حرام می گردد به اساس قبول نطفه نیز حرام می شود.

4- اما طریقه ای که نطفه مرد و میبض زن و شوهر اصلی نیست و زنیکه رضاکارانه نطفه را قبول می کند زن غیر شرعی است در شریعت حکم آن حرمت دارد. در مورد القاح خارج و داخلی و نتایج آن در صورتیکه میبض از زن و آب از مرد بیگانه می باشد اختلاف نظر است و سؤالات زیاد را مطرح می سازد مثل: آیا طفل شرعی است؟ از والدین میراث می برد یا خیر؟ آیا این روش مساوی به زنا است و حکم زن بالای آن تطبیق می گردد؟

شیخ عبد اللطیف عبد الغنی حمزه مفتی مصر در جواب این سؤالات که اگر میبض زن با آب منی مردی که شوهرش نباشد یکجا شود، آیا این عمل زنا است؟ و آیا طفل به قتل برسد؟ نسب طفل به مادر ارتباط می گیرد و یا به شوهر و یا به مردی که آب اش بامیبض زن القاح شده است؟ آیا طفل حق میراث را دارد؟ این جواب را میدهد:

طفل که از آب، غیر آب شوهر بوجود می آید زنا است، لیکن اجازه نیست از بین برده شود و یا به قتل برسد با اینکه در نتیجه عمل زنا تولد شده باشد زیر قتل طفل معنی قتل یک انسان است. طفل نسب اش به مادر تعلق می گیرد به دلیل اینکه طفل که از زنا بوجود می آید نسب مادر را می گیرد نه نسب پدر را زیرا پدرش ثابت نیست و طفل حق میراث را ندارد.²⁹⁷

نظریات مفتی مصر را دانشمندان معاصر مناقشه و آنرا نفی و رد می کنند. علامه مصطفی الزرقا در جواب نظریات مفتی مصر می نویسد:

اول: حکم فضیلت مآب مفتی در موضوع طفلی که بغیر از آب پدر بوجود می آید معنی زنا را افاده نمی کند. حکم القاح در این مسأله به حد عقوبت زنا نمی رسد و القاح مصنوعی به این روش حکم آن تعزیر است و القاح مصنوعی زنا حقیقی نیست.

دوم: قول مفتی که طفل از مادرش میراث نمی برد به دلیل اینکه غیر شرعی است نظر به قانون میراث نظر مفتی قابل نقد و مناقشه است.

الف: میراث اقارب مربوط به ثبوت نسب است و اگر نسب ثابت باشد حق میراث ثابت می شود.

ب: فقهای مذاهب نظر دارند که طفل غیر شرعی نسب اش را قاضی از شوهر جدا و به زن مربوط می سازد و همین فیصله را در مورد طفل که در نتیجه عمل زنا بوجود می آید کرده اند.

چنانکه مفتی نظر می دهد طفل که از مبیض زن و آب مرد غیر شوهر تولد شود مثل طفل زنا است و نسب اش به مادر میرسد و حکم پسر بودن و مادر بودن در حرمت نکاح و حرمت ازدواج و نفقه و میراث تطبیق می گردد و طفل از مادر و مادر از طفل میراث می برد.²⁹⁸

دانشمندان معاصر غرب با نظریات فقهاء اسلام در مورد القاح مصنوعی تا حد زیاد متفق اند و القاح خارجی و داخلی بین نطفه مرد و مبیض زنی که زن اصلی شوهر نباشد و یا نطفه زن با مردی غیر از شوهر را مناسب نمی دانند این موضوع را تلویزیون A B (C) در امریکا با علمای معروف امریکائی به میان گذاشت من جریان برنامه را مشاهده کردم و برایم بسیار آموزنده و مفید بود.

در جریان گفتگو دانشمندان امریکائی ثابت نمودند، طفل که در نتیجه کشت نطفه مرد و مبیض زن غیر زن مرد در رحم زن دیگر گذاشته می شود صاحبان نطفه مادر و پدر بیولوژیکی طفل شناخته می شوند نه زنی که نطفه در رحم اش گذاشته شده است. و اضافه کردند، اطفال که در نتیجه این عمل و روش بوجود می آیند برای زن که نطفه را در رحم خود قبول نموده و بنام طفل فرزندی یاد میشود، از نظر علم وراثت و علم بیولوژی همه اطفال با یکدیگر خواهر و برادر میباشند.

دانشمندان باین باور بودند که ممکن در یک وقت خواهران و برادران با هم بدون اینکه بدانند ازدواج نمایند و به همین دلیل اکثر دانشمندان در امریکا القاح داخلی و خارجی بغیر از زن و شوهر را غیر پسندیده و غیر اخلاقی نمی دانند.²⁹⁹

نقش مادر و پدر در جنسیت طفل :

در جامعه شرقی و افغانستان اکثراً مرد ها خواهان داشتن پسر هستند و از تولد دختر بسیار راضی نمی باشند و علت آن جهالت عده از مردم از اصل علمی موضوع ولادت و عدم فهم صحیح از نصوص اسلامی است. مرد شرقی در عدم تولد فرزند زن را مقصر می داند و عموماً ازدواج دوم و سوم که صورت می گیرد از همین بابت است.

رسول اکرم صلی الله علیه و سلم تولدی دختر را خیر مقدم می دانند و می فرمایند: اگر کسی دو دختر داشته باشد و در تربیه شان کوشش کند اجرش جنت است. این حدیث مبارک اهمیت دختر داشتن را در خانواده نشان میدهد. از نظر علم سیانس مادر نقش مهم و اساسی را در جنسیت طفل ندارد و مرد این نقش را بازی میکند یعنی آب منی مرد سبب دختر بودن و پسر بودن است.

علامه محمد متولی الشعراوی در جواب سؤال: نقش زن در عمل جنسی چیست؟ می گوید: مواد که در خلیه تناسلی در حیوان منی (YX) و مبیض (XX) موجود است، آب زن تحکم و رول در ذکر بودن جنین ندارد و آب مرد (منی) تحکم و رول را در ذکر بودن جنین دارد. خداوند سبحانه و تعالی می فرماید: «فجعل منه الزوجین الذکر و الأُنثی». در این آیه خداوند کلمه (منه) که مقصد از آن مرد است ذکر می کند نه کلمه (منها) که مقصد از آن زن است، آب زن غیر اساسی و مهم در حمل و جنسیت طفل میباشد.³⁰⁰

بعد از ختم این تحقیق راپور جدید را مطالعه کردم و دریافتم که آوردن آن در این قسمت برای والدین که مشکل حمل دارند مفید است. مشکل بزرگ در آوردن طفل عقیم بودن زن و یا مرد است. در کشورهای شرقی مردم باین باور هستند که تنها زن عقیم بوده می تواند و متوجه این مشکل در قسمت مردان زیاد نیستند. راپور که در

ABC, 2/28/2001. ²⁹⁹

³⁰⁰ محمد متولی الشعراوی، فتاوی، صفحات 23-24. برای معلومات بیشتر در این مورد مراجعه شود به: فضل غنی مجددی، خانواده در اسلام، فصل پنجم.

لندن به چاپ رسیده به عنوان: «عقیم بودن در بین مردان در جهان در حالت ازدیاد است» می باشد.

داکتر «پول سرحال» متخصص امراض ولادت در جواب سؤال که آیا ممکن است اصطلاح عقیم از فرهنگ معاصر بیرون شود؟ می گوید: فکر نمی کنم فرهنگ زبان از کلمه عقیم صرف نظر کند و اما پیشرفت بزرگ در چند سال اخیر برای علاج مشکل عقیم بوجود آمده است و برای کسانی که باین مشکل روبرو اند نوع از امیدواری را خلق کرده است. با تمام پیشرفت های که در این ساحه پیش آمده با آنها تا هنوز یک مقدار کوچک بدون حل باقی مانده است و تا هنوز راه طولانی در پیش است تا مشکل عقیم بودن را برای همیشه و برای همگان حل کرد.

در جواب سؤال که آیا تا هنوز نا ممکن است که زن حمل کند؟ داکتر سرحان می گوید: بتأکید زن که به سن یأس برسد زیادترین تخم-مبیض-را از دست می دهد و نا ممکن است کارهای زیاد برای این گروه از زنان صورت گیرد و همچنان برای زنانیکه ولادت بدون رحم می کنند. صحیح است که این یک امر با ندرت یعنی کم است، اما واقع می شود تا یک زن طفل بیاورد به دو مبیض-تخم-بدون رحم و ممکن هم است بعد از کشت رحم زن حمل کند.

کشت رحم کار بسیار مشکل است و فکر می کنم با عمل جراحی این عملیات آسان صورت گیرد و در سالهای اخیر 40 حالت در جهان که اول آن در سویدن بود صورت گرفت و تا امروز یازده طفل باین طریقه تولد شده است و این نوع عملیات بار اول در بریتانیا صورت خواهد گرفت و ممکن است مانند بعض عملیاتها به نتیجه نرسد و ناکام ماند و موفقیت این نوع عملیات مربوط به لیاقت و مهارت طیب جراح است و با گذشت زمان این نوع عملیات بهتر و موفق تر خواهد بود.

عقیم بودن بین مردان در ازدیاد است و این موضوع ارتباط به موقعیت جغرافیوی ندارد و در هر منطقه از دنیا پیش میشود و سبب آن کمبود شدن حیوانات مئویه و نوعیت آن است و مشکل است تا سبب واحد را ذکر کرد و اما خبر خوش در این است که در حالت معالجه این مشکل حل شود و نسبت عالی علاج شده است.³⁰¹

داشتن طفل حق هر زن و شوهر و خانواده است و زیادت نسل از مقاصد شریعت اسلامی نیز میباشد اما داشتن طفل مسئولیت بزرگ و با اهمیت برای خانواده است. داشتن اولاد بدون تربیه سلیم و دانش و فرهنگ معاصر اسلامی و استفاده از تعلیمات علوم معاصر نه برای خانواده و نه هم برای جامعه مفید است. فصل بعدی اهمیت تربیه و تعلیم را شرح مختصر و خصوصیت های تربیه اسلامی را معرفی میکند.

فصل دهم

اصول تربیه

تعلیم و تربیه از آغاز و بدایت زندگی انسان در زمین و احساس و شعور انسان به اعتبارش فردی از افراد جامعه و رابطه اش با خانواده و قبیله و مخلوقات زنده در روی زمین آغاز می شود. انسان در آغاز زندگی اش در زمین احساس نمود که نسبت به دیگر مخلوقات تفاوت و تفوق و برتری دارد و سبب برتری اش عقل و افکار و قدرت ملاحظه ظواهر طبیعی که در محیط آن زندگی دارد می باشد.

معرفت و کسب معلومات و تجربه های بشری در مرور زمان آفاق جدید را برای انسان باز ساخت و محیط که در آن زندگی داشت برایش مدرسه اول بود و در محیط جدید معرفت و آنچه از تعلیمات و معلومات که در زندگی برایش مفید و سودمند بود آموخت و این مرحله در فرهنگ تربیت و تعلیم بنام «تربیه در زندگی و برای زندگی» یاد می شود.³⁰²

تربیه عملیه اجتماعی است که از یک جامعه تا جامعه دیگر و از یک محیط تا محیط دیگر و از یک عصر تا عصر دیگر به اساس طبیعت و ثقافت و مبادی روحی و قیم اخلاقی تفاوت می کند. تربیه از فراغ بوجود نیامده و در عدم موجودیت خانواده و جامعه تطبیق عملی ندارد. تربیه در جامعه به اساس حقائق که انسان در آن زندگی و حیات خود را آغاز می کند تطبیق می شود. تربیه اصول اجتماعی دارد و از علم نفس، علم اجتماع، علم تاریخ، علم سیاست، علم اقتصاد و فلسفه ترکیب می یابد و همچنان تربیه ریشه اجتماعی و فرهنگی و ثقافتی که از علم اجتماع و علم

³⁰² . الدكتور طارق عبدالروف عامر ، أصول التربية الاجتماعية-الثقافية-الاقتصادية /

انثروپولوژی گرفته شده تکوین می شود و در ساحه علم ، تربیه از عمل منفردانه یا فردی به عمل اجتماعی و ثقافتی و فرهنگی ارتقا می نماید.

علوم تربیوی فرع از فروع علوم انسانی است که رابطه انسان را با محیط خارجی مطالعه و بحث می نماید و تربیه برای انسان چه فرد و یا جماعت ضروری و حیاتی است و تربیه وسیله رابطه و اتصال و ارتباط و نموی فرد را با جامعه آماده می کند.

تعلیم و تربیه از اساسات و بنیاد زندگی اجتماعی انسان است و همیشه در زندگی انسان مؤثر میباشد و به هر اندازه و مقدار که فرهنگ و ثقافت جامعه ترقی و تکامل نماید به همان مقدار و اندازه اساسات و پایه های تعلیم و تربیت بهتر و بلند ترمی شود. تعلیم قبل از هر چیز دیگر سپردن دانش به دیگران است و دانش زمانی مفید و سودمند است که به کار آید و از آن استفاده شود و آموزش آنگاه به کار می آید که زمینه های برای پدید آمدن تغییر و تحول در نوآموز گردد چنانکه او را در کارها توانمند سازد.

آموزش و پرورش پدیده های اجتماعی است که از بدو تولد بشر در روی زمین وجود داشته است و اهمیت فوق العاده در زندگی اجتماعی افراد دارد زیرا افراد جامعه برای تأمین نیازمندی های خود و رابطه با دیگران از آموزش و پرورش بی نیاز نیستند.³⁰³

تربیه در نظر بعض عملیه ای است که هدف از آن انتقال میراث فرهنگی و ثقافتی به شاگرد است و عده هم باین باور هستند که تربیه عملیه ای است که هدف از آن آماده ساختن فرد مطابق شرایط محیط زیست است.³⁰⁴

تعریف تربیه:

تربیه در ادبیات زبان به اصطلاح تغذیه و نمو و ثقافت و زیادت و نشأت تعریف شده و در اصطلاح علم عبارت از عملیه دوام دار و مستمر است که تمام حرکات و فعالیت های انسان را شامل می شود. در فرهنگ زبان ریشه تربیه از «ربا ، یربو» گرفته شده و

³⁰³ تعلیم و تربیت / معرفت / marifat.nashriyat.ir/node/562

³⁰⁴ <https://download-children-pdf-ebooks.com/23833-free-book>

معانی ذیل را افاده میکند: زیادت ، نمو ، نشأت ، حفظ شیء ، حسن قیام به طفل تا به مرحله ادراک برسد . تأدیب طفل یعنی با ادب ساختن طفل را معنی می دهد.³⁰⁵

تربیه: مصدر ربی یعنی تربیت اطفال یعنی رعایت و کمک طفل برای نشو و نمو. تربیه سلیم طفل یعنی تهذیب و تعلیم طفل.

تربیه {ربو} پرورش فکری و اخلاقی. تربی: تربیا {ربو} الولد: آن جوان را تربیت کرد. آن جوان با تربیت و با فرهنگ شد.³⁰⁶

تعریف اصطلاح تربیه: تربیه مجموع از حرکات و تصرفات عملی و قولی است که مرشد و رهنما برای طفل به هدف مساعدت و کمک او جهت نمو و پرورش استعداد و توانمندی اش استفاده میکند تا بتواند با استقلال فکری و جسمی فعالیت های را انجام دهد تا او را برای رسیدن به تحقق اهداف اش کمک نماید.³⁰⁷

تربیه از جمله کلمات است که در زندگی خصوصی و عمومی انسانها از قدیم الزمان مورد استفاده قرار دارد و در جمله مفاهیم است که در بین انسانها با تفاوت های عقیده تی و نژادی و زبانی و فکری رایج می باشد. تربیه از ضرورت های زندگی بشر است و هدف از آن تحقق یافتن تکامل و توازن سلوک و روش انسان میباشد. تربیه اکثر جوانب حیات انسان و خواهشات و ضروریات نموی فکری و فرهنگی و جسمی را در مراحل مختلف زندگی تنظیم و ترتیب می کند. تربیه عملیه مستمر و شامل است که تمام نواحی فعالیت و حرکت انسان را در بر می گیرد و تربیه تأثیرات منفی و مثبت را در انسان به اساس تفکر و توجهات اش می گذارد و تربیه از خانواده آغاز می شود.

انسان از قدیم الزمان به کلمه تربیه آشنائی داشت و این کلمه را استعمال می کرد و به همین سبب کلمه تربیه در بین مردم معروف و قابل استفاده بیشتر نسبت به کلمات دیگر است مثلاً می گویند: فلان شخص بی تربیت است و آن دیگر با تربیت و با اخلاق است و تربیه خوب شده است. استفاده از کلمه تربیه باین معنی نیست که هر کس آنرا

³⁰⁵. الفیروز آبادی ، القاموس المحیط ، دالفکر ، بیروت 1415 هجری - 1995 میلادی ، ص 1158. و ابن منظور ، ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرّم ، لسان عرب ، جلد دوم ، ص 401 ، بیروت ، دار الفکر 1410 هجری - 1990 میلادی .

³⁰⁶. قاموس عربی - فارسی / www.almaany.com

³⁰⁷. عبد الرحمن النحلوی ، دراسات فی التربیه الإسلامیة ، ص 13.

استعمال می کند معنی و دلالت های آنرا بصورت صحیح درک می کند. فهم از تربیه نزد اکثر مردم فهم سطحی است و عموماً جانب اخلاقی را افاده می کند و به همین دلیل و منظور تعریف آن نیز نزد اکثر مردم بسیار ساده و آسان است اما فیما بعد مردم درک کردند که تعریف تربیه آسان و ساده نیست و تربیه معانی علمی بزرگ غیر از اینکه مردم عادی تصور کرده اند و در زندگی روزمره خود استعمال می کنند دارد.

اصطلاح تربیه و معانی آن از یک تخصص تا تخصص دیگر در علوم انسانی تفاوت میکند بطور مثال در علوم نفسانی و اجتماعی و دیدگاه این علوم از فرد و جامعه ملاحظه می شود که معانی و اصطلاح تربیه تفاوت دارد. انسان همیشه در تغییر و تحول است و محیط که انسان در آن زندگی دارد نیز ثابت نیست و تحول انسان و تغییر محیط و زمان فکر انسان را در تعریف تربیه معین می کند و به همین دلیل معانی و مفاهیم تربیه از یک منطقه تا منطقه دیگر تفاوت دارد و حتی معنی آن در یک اقلیم واحد متفاوت است مثلاً در قریجات و دهات تربیه معانی و استعمال متفاوت را نسبت شهر دارد و نمی توانیم تربیه را قسمیکه در مناطق عقب مانده تعریف می کنند در مناطق متمدن و پیشرفته نیز تعریف نمائیم.³⁰⁸

در افغانستان اگر قدر به دقت نظر اندازیم ملاحظه می نمائیم که از نیم قرن باین طرف تحولات زیاد اجتماعی و فرهنگی و ثقافتی و سیاسی رخ داده و مفاهیم تربیه نیز تا اندازه تفاوت کرده است و در عالم مهاجرت دیده می شود آنچه در افغانستان بی تربیتی بود در جهان غرب بی تربیتی نیست و به معنی بی تربیتی گرفته نمیشود. مثلاً اگر سالمندی از خانواده در افغانستان چندین بار به اطاق داخل میشد همه باید در حضورش ایستاده می شدند در غیر آن بی تربیتی بود در حالیکه در خانواده های افغانی امروز این عمل بی تربیتی نیست.

اهداف تربیه :

تربیه غریزه ای اساسی است که خداوند سبحانه و تعالی در وجود انسان آمی ، جاهل ، متعلم ، عالم ، مسلمان و کافر گذاشته است و هر انسان در هر دین و مذهب که است برای تربیت اولادش سعی و کوشش می کند . هدف از تربیه آماده ساختن طفل از

طریق تعلیم و فرهنگ و ثقافت و غرس معلومات و معاریف است تا برای ادامه زندگی آماده و قادر باشد.³⁰⁹

اهداف اجتماعی تربیه: اهداف اجتماعی تربیه عبارت است از:

1. حفاظت و حمایت ثقافت و فرهنگ جامعه.
2. تحقق وحدت جامعه و ایجاد اتحاد و همبستگی بین باشندگان آن.
3. آماده نمودن انسان از ناحیه فکری و تخصصی تا قدرت تغییر آوردن را مطابق زمان و مکان برای تقویت زندگی اجتماعی داشته باشد.
4. تکوین شهروند صالح، یعنی تکوین شخص تا به او امر و نواهی و قوانین جامعه به اراده آزاد خود احترام داشته باشد.
5. نمو کامل فرد باین معنی که تربیه صحیح و سالم فرد را آماده می سازد تا از ناحیه جسمی و عقلی و اخلاقی و فعالیت های فیزیکی آماده باشد.
6. بناء شخصیت فرد، تربیه و وظیفه و هدف آن ساختار شخصیت فرد است.
7. تحقق کفایت انتاجی، یعنی رسیدن و آماده ساختن فرد تا احتیاجات و ضروریات خود را با پلان گذاری سالم و موضوعی به هدف زیادت و نمو ثروت حیوانی و صنعتی و تأسیس مدارس تخصصی به هدف بلند بردن حاصلات و اکتفاء ذاتی آماده کند.
8. آماده کردن فرد تا بتواند با جامعه زندگی اجتماعی داشته باشد.³¹⁰

اصول تربیه:

اصول تربیه عبارت از مبادئ و اساسات است که تربیه به آنها در تطبیق عملی قواعد خود چه در منزل و یا مدرسه اعتماد و ضرورت دارد و همچنان اصول تربیه عبارت از مجموع مطالعات است که اهتمام به تربیه و مکونات و مواصفات آن دارد. در تعریف دیگر اصول تربیه آمده: اصول تربیه عبارت است از اساسات و مجموع از حقائق و

³⁰⁹ نور صفی الدین، أسس التربية فی الإسلام / <https://tipyan.com/education-in-islam>

³¹⁰ برای معلومات بیشتر مراجعه شود به: علی خلیل ابو العین و آخرون، تأملات فی علوم التربية و کیف نفهمها، الدار الهندسة القاهرة 2004 و محمد الهادی عقیفی، أصول التربية-الأصول الثقافية للتربية، مكتبة الأنجلو المصرية، القاهرة 1985.

مبادی که به هدف توجیه و آماده کردن افراد در مرحله طفولیت به مجموع از معارف تا طفل قدرت و دانش و تعامل را در زندگی اجتماعی در جامعه داشته باشد.³¹¹

أصول تربیه، فرع از فروع علوم انسانی است که رابطه انسان را با عالم خارجی مطالعه و تحقیق و بررسی می کند و تربیه علمی است که اهتمام به مطالعه و بررسی اصولی دارد که به اساس آن تربیه قابلیت تطبیق به شیوه ای سالم را میداشته باشد. همچنان مقصد از أصول تربیه اساسات و قواعد و مبادئ و فرضیات و مسلمات و حقائق است که به اساس آن نظام تربیوی استوار می باشد.

مبادئ اصول تربیه نشان میدهد که تربیه محرک اصلی و اساس و پایه تعلیم است لذا تربیه نسبت به تعلیم اهمیت بیشتر دارد. تربیه سلوکیات و روش طفل را می سازد و طفل را مجموع مهارت خصوصاً دانش و تجربه را میدهد تا بتواند با محیط زیست و با مردمیکه زندگی می کند تعایش داشته باشد.

علم و اساسات اصول تربیه معاصر در او اخر قرن نهم میلادی پایه گذاری شد و در آن زمان دانشمندان باین نتیجه رسیدند که اصول تربیه احتیاج و ضرورت به تجدید و هم عصر بودن دارد و اصول تربیه قدیم و گذشته در عصر حاضر قابل تطبیق عملی نیست.³¹²

مراحل تاریخی اصول تربیه :

الف- اصول تربیه در جوامع ابتدائی :

در جوامع ابتدائی انسان خواهشات و اهداف و احتیاجات ابتدائی داشت که از خوردن، نوشیدن، لباس و پناه گاه تجاوز نمی کرد. در این نوع جامعه انسان از میراث گذشته گان تقلید می نمود و اصول تربیه نیز ابتدائی و بصورت جامد و تقلیدی بود.

ب- اصول تربیه در عصور قدیم :

³¹¹ مجد خضر، مبادئ أصول التربية / mawdoo3.com

³¹² .الدكتور عثمان عوض السيد محمد، أصول التربية العامة / repository.ous.edu.sd:8080/

جامعه انسانی همیشه در حالت تغییر و تحول است و تغییرات و تحولات که در جامعه رخ میدهد تحولات و تغییرات را در اصول تربیه نیز وارد می‌سازد و اگر جامعه در روش تربیوی تحول و تغییر را در نظر نداشته باشد به یقین که تربیه نتیجه مطلوب نخواهد داشت.

در عصور قدیم، روش زندگی فردی و اجتماعی نسبت به جوامع ابتدائی تفاوت کرد و مشکلات تربیوی جدید را مردم احساس کردند. در جوامع ابتدائی تربیه از وظائف عمده ای خانواده بود اما در عصور قدیم تعلیم و تربیه روش و اسلوب جدیدتر را تقاضا کرد که خانواده به تنهایی قادر به تحمل مسئولیت آن نبود و برای این منظور وظیفه جدید بنام «وظیفه تربیوی» تأسیس شد و روش تربیه از داخل منزل به اماکن عبادات و میدانهای عمومی انتقال یافت و در عصور قدیم مدارس رسمی و نیمه رسمی برای تربیه تأسیس شد.

ج- اصول تربیه در قرن وسطی:

در این عصر دین عیسویت ظهور می‌کند و عیسویت تغییرات مهم را در زندگی اجتماعی و اخلاقی جامعه اروپا بوجود آورد و اصول تربیه یکی از مهمترین هدف تربیوی رجال الدین عیسویت در اروپایی مسیحی شد. هدف از تربیه در اروپایی مسیحی قرون وسطی را عناصر ذیل می‌ساخت:

1. تکوین و ساختن انسان مسیحی به هدف معرفت رب.

2. تهذیب اخلاق و پاکی روح و ارتقاء به مقام انسانیت.

3. اصلاح جامعه از فساد فرهنگ و ثقافت رومانی و یونانی.³¹³

مراحل تاریخی اصول تربیه با تجربه های کامیاب و ناکام آن و با استفاده از روش و طریقه های ابتدائی در وقت اش مهمترین حاصل و نتیجه فکر انسان در زمانش بود. زندگی در عصور قدیم ساده و بسیط بود و هدف از تربیه نیز بسیط و ساده بود و روش تربیوی بهمان اندازه بود که ضرورت ها و احتیاجات انسان را در عصری که زندگی داشت آماده سازد. عصر اسلامی و عصر معاصر از تجربه های عصور سابقه در تربیه

و تعلیم استفاده نمود و از سلیبیات یا نقاط منفی آن اجتناب و ایجابیات یا نقاط مثبت آنرا گرفت.

مدنیت اسلام پایه اصلی و اساسی آن اصول تربیه است و اسلام با استفاده از وحی آسمانی و تجربه های انسانی اصول مهم تربیوی را به جامعه انسانی معرفی کرد و ضمناً دین اسلام مسلمانان را آزادی داد تا مطابق عصری که زندگی دارند اصول و روش معاصر را در تربیه و تعلیم نادیده نگرفته و از تجربه های ملت های دیگر با اینکه مسلمان نیز نباشند استفاده کنند. قبل از اینکه اصول تربیوی اسلام و خصوصیت های آن بررسی شود در چند سطر محدود مفهوم جامعه و نظام اجتماعی تعریف می شود. جامعه عبارت از مجموع مردم است که دارای مشترکات فکری و ثقافتی و نظام و قواعد هستند که در ساختار آن همه افراد جامعه اتفاق کرده اند. جامعه برای بناء و ساختار اجتماعی خود به مجموع از نظم اجتماعی احتیاج و ضرورت دارد تا هر عضو در داخل قواعد و نظام مسئولیت های خود را درک و اداء نماید.

نظامهای اجتماعی عبارت اند از: نظام اقتصادی، ثقافتی، دینی، سیاسی و تربیوی. جامعه خوب آن جامعه را می گویند که بین نظامهای اجتماعی اش رابطه مستحکم و قوی باشد و نظام تربیوی زمانی مفید و با نتیجه می باشد که با سائر نظامهای جامعه رابطه مستحکم داشته باشد و نظام تربیوی مهمترین وظیفه اش تربیه افراد برای گرفتن مسئولیت در پیشبرد نظامهای جامعه است و اگر نظام تربیوی کامل و مفید و مطابق عصر نباشد سائر نظامها موفق به اداء مسئولیت نمی باشد و ما نمونه ای آنرا در نظام سیاسی فاسد کشور خود افغانستان مشاهده می نمائیم.

تربیه در نظام اسلامی:

قبل از اینکه در موضوع تربیه در نظام اسلامی بحث را شروع نمائیم از خوانندگان گرامی دعوت می شود تا در مورد چند سؤال ذیل توجه داشته باشند.

چرا باید تربیه شویم؟ و برای کی تربیه شویم؟ و چطور تربیه شویم؟ و رابطه بین دین اسلام و تربیه چیست؟

بعد از عصر عیسویت که هدف آن اصلاح اخلاق و تهذیب نفس و روح و اصلاح آنچه یهودیت آنرا فاسد ساخته بود اسلام آمد و هدف از آمدن اسلام اصلاح آنچه پیروان

عیسویت و یهودیت فاسد کرده بودند بود. اسلام نسبت به یهودیت و مسیحیت نظر جامع و کامل به انسان و تربیت او دارد و به انسان از جوانب روحی، معنوی و مادی می بیند و بین روحانیت و معنویت و مادیت تفریق را نمی پذیرد و در تربیه معنوی و مادی و روحانی انفصال و جدائی را قبول ندارد. تربیه قبل از اسلام محدود به نوع معین تعلیم بود. مسلمانان با استفاده از تجربه های دیگران و تعلیمات قرآن کریم و سنت نبوی اساسات روش تربیوی خوب را گذشتند و میتود علم تربیه جدید و معاصر را بوجود آوردند.

در نظام تربیوی، اسلام توجه جدی و خاص به تعلیم نمود و مسلمانان را امر و تشویق به آموختن علم کرد. قرآن کریم مردم را متوجه علوم انسانی و طبیعی ساخت و تفاوت و فرق را بین کسانی که میدانند و نمی دانند گذاشت «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون» آیا کسانی که می دانند و نمی دانند با هم مساوی اند. و «قل ربی زدنی علما» و بگو ای پروردگار! در علم من زیادت کن. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در مورد علم می فرمایند: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة» آموختن علم بالای هر مرد و زن مسلمان فرض است. اسلام آموختن علم را ارتباط مستقیم به تربیه داد و آموزش را بالای زن و مرد مسلمان فرض ساخت.

تربیه اسلامی شامل تربیه اخلاق، روح، قوت و صحت جسمی، فضیلت و صفات خوب مثل اخلاص و وفاء و تکریم مهمان و غیره است. اساس و جوهر تربیه در اسلام اقتباس یافته از فلسفه دین اسلام و اسلام در تعریف جامع خود تنها شریعت و دین نیست بلکه فلسفه کامل و شامل و روش برای زندگی و دعوت به تعقل و علم و عملکرد به آن است. تربیه اسلامی متوازن است و به دنیا و آخرت بصورت مساوی توجه دارد. هدف از تربیه و تعلیم علوم به تخصصات مختلف آن در فکر اسلامی تعمیق ایمان به خداوند در نفس های مسلمانان است. اسلام مسلمانان را قسمی تربیه می کند که عبادات را از طریق فهم و دانش انجام دهند و از مطالعه کائنات و نظام ثابت و محکم آن که دلالت به عظمت خالق دارد او تعالی را بشناسند و عبادت نمایند. روش تربیوی اسلام اساس مدنیت معاصر را گذاشت و دانشمندان مسلمان موفق شدند تا نظام تربیوی عصر جاهلیت را اصلاح و از روش تعلیمی و تربیوی روم و یونان استفاده نموده میتود تربیه و تعلیم معاصر را اساس بگذارند.

نظام تربیوی اسلامی اهتمام و توجه به تربیت حیات مسلمان در جوانب مختلف آن دارد مثل: تربیه جانب فکری، عاطفی، جسمانی، اجتماعی و اخلاقی و در مجموع بناء علمی و منهج تربیوی و تنظیم اصول ثابت برای تربیه باسناد تعالیم دین مقدس اسلام. اسلام تربیه شامل را در تمام امور زندگی فرد مسلمان می‌خواهد و از راه تربیه سالم می‌خواهد انسان را از خطر تهاجم فکر خارجی و انحرافات اخلاقی و افکار الحادی حفظ و مسلمان را آماده مشارکت در آبادی زمین سازد.³¹⁴

تعریف تربیه اسلامی:

دانشمندان و اهل تربیه اسلامی تربیه را تعریفات متعدد می‌کنند مثلاً:

تربیه مجموع از تصرفات علمی و قولی و فعلی است که از نصوص قرآن کریم و سنت نبوی و اجتهاد در روشنی کردار و اعمال و افعال که انسان به اراده آزاد خود در مقابل انسان دیگر انجام می‌دهد است. هدف از اعمال و اقوال و کردار کمک و همکاری با انسان دیگر به هدف نمو و ساختار تمام جوانب زندگی است و همچنان هدف از تربیه اسلامی آماده ساختن استعداد انسان و توجیه و رهنمائی قدرت و توانی او تا قادر باشد اعمالی را انجام دهد که به وسیله آن تحقق یابد آنچه را اسلام می‌خواهد.³¹⁵

دکتور عبدالغنی عبود تربیه را اینطور تعریف می‌کند: تربیه عبارت از مجموع مفاهیم است که با یک دیگر در دائره فکری واحد جمع و از مبادی و قیام اسلامی استناد می‌شود. تربیه برنامه سازی می‌کند تا راه های عملی را بوجود آورد تا انسان از آن عبور و سلوکی را تعقیب نماید که با سلوک و عقیده اسلام سازگار باشد.

استاد لطفی برکات احمد در تعریف تربیه اسلامی می‌گوید: تربیه اسلامی زحمت و کوشش است که مقصد و هدف از آن بوجود آوردن تغییر در فکر و زندگی باشندگان یک کشور در ساحه و هدایت شریعت اسلامی و روشنی روح عصر و خواهشات و ضرورت های که عصر آنرا می‌خواهد یا تقضا دارد.

³¹⁴ خالد بن حامد الحازمی، اصول التریبۃ الإسلامیة / <https://www.katub-pdf.com/book> و

همچنان دیده شود: دکتور حسن الحیاری، اصول التریبۃ فی ضوء المدارس الفکریة الإسلامیة و فکریا

و www.rit.net/researches/tarab16.pdf /

www.uobabylon.edu.iq/uobcoleges/lecture.aspx?fid=11&lcid=38935

³¹⁵ مقداد بالجن، جوانب التریبۃ الإسلامیة، ص 25.

استاد صالح دیاب الهندی تربیه اسلامی را باین عبارت تعریف می کند: مقصد از عملیه تربیه اسلامی محافظت فطرت انسانی و آماده ساختن شخصیت انسان در جمیع نواحی زندگی از ولادت تا وفات مطابق احکام اسلامی و توجیهات آن است.³¹⁶

با استفاده از تعاریفات متعدد میتوان تربیه اسلامی را اینطور خلاصه کرد: تربیه اسلامی آماده ساختن فرد مسلمان در تمام نواحی زندگی از آغاز مرحله طفولیت تا وفات به هدف سعادت دنیا و آخرت در ساحه و روشنائی مبادئ و قییم ثابت اسلام و روش معاصر تا فرد مسلمان قادر به زندگی معاصر با حفظ هویت اسلامی باشد و بتواند در مقابل حملات فکری و ایدولوژی و فلسفه های مادی معاصر مقاومت نماید و از پیشرفت علمی جهان معاصر استفاده کند. امتیاز و شمولیت و عمومیت تربیه اسلامی در آن است که تربیه اسلامی شامل تمام جوانب نمو صحتی و عقلی و فکری و اعتقادی و روحی و اخلاقی و حفظ اراده فرد میباشد و مراحل مختلف زندگی انسان را تنظیم می نماید.

مراحل تربیه اسلامی :

تربیه اسلامی مراحل ذیل را سپری نمود تا به مرحله رشد و ارتقاء رسید:

1. مرحله نمو و تأسیس در عهد رسالت.
2. عصر فتوحات و معرفت یافتن به تربیه و تعلیم فارسی و رومانی و یونانی.
3. عصر تکوین مدنیت اسلام و نزدیکی با ثقافت های غیر اسلامی که از عهد اول دوره عباسی آغاز و تا ظهور سلطنت سلاجقه در قرن 11 میلادی میرسد.
4. از عصر ترک های سلجوقی تا سقوط بغداد بدست مغول در قرن 13 میلادی.

مراحل تربیه اسلامی مدت شش قرن از قرن هفتم میلادی در جزیره العرب زمانیکه اسلام انتشار یافت و بسرعت به سرزمین های امپراطوری فارس و روم رسید و تا سال 1258 میلادی که بغداد بدست هولاکو سقوط کرد ادامه داشت و از این تاریخ یعنی از تاریخ سقوط بغداد جهان اسلام وحدت فکری و روحی خود را از دست داد.³¹⁷

³¹⁶ دکتر محمد شیخ عبدالله، الأسرة المسلمة والتحديات الغربية المعاصرة، صفحات 67-77.

³¹⁷ دکتر عبدالعزی و دکتر عبدالطیف، مقدمة فی أصول التربية /

اهداف تربیه اسلامی: مهمترین اهداف تربیه اسلامی عبارت است از:

1. هدف دینی: تربیه انسان مؤمن برای عبادت خداوند و عمل کرد به اوامر خداوند و اجتناب از نواهی و تعلیم قرآن کریم و سنت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم.
 2. هدف دنیوی: هدف دنیوی تربیه اسلامی کمتر از هدف دینی آن نیست و در اهداف دنیوی روش تربیه اسلامی نشر علوم انسانی و علوم کائنات است و تربیه اسلامی توافق را بین هدف دینی و دنیوی بوجود می آورد.
 3. اسلام تعلیم را حق هر انسان می داند و بالای مسلمانان آموختن علوم را واجب می سازد و هدف از تعلیم علم آموزش و رسیدن به اسرار کائنات است. اسلام مساوات و فرصت تعلیم را برای همه انسانها آماده میکند.
 4. تربیه در فرهنگ اسلام محدود به زمان و مکان معین و خاص نبوده در هر زمان و مکان قابل تطبیق می باشد.
 5. هدف روحی: تقویت قییم روحی در انسان.
 6. هدف اخلاقی: تربیه انسان به اساس اخلاق عظیم و پرورش مبادئ و قییم اخلاقی در وجود انسان.
 7. هدف معرفت: پرورش عقل و روش فکری و دعوت به تفکر.
 8. هدف اجتماعی: بناء جامعه ای اسلامی به اساس فکر تعاون و همکاری و تکافل اجتماعی و تقویت روابط اجتماعی.
 9. هدف جهادی: تربیه فرد برای دفاع از عقیده و شرف و عزت و حمایت خاک اسلام.
 10. هدف بدنی: تربیه جسم و طهارت بدن و نظافت جامعه.³¹⁸
- علامه شهید سید قطب در اهداف تربیه اسلامی می گوید که هدف از تربیه در اسلام پرورش فکر انسان، تنظیم روش و سلوک و عاطفه انسان به اساس دین اسلام است و

³¹⁸ التربية الإسلامية // www.arab-ency.com/ar/ و همچنان دیده شود: اصول التربية الإسلامية و أساليبها في البيت و المجتمع، المكتبة الشاملة / shamela.ws/browse.php/book-9969/

مقصد از اهداف تربیوی اسلام آماده کردن فکر و عقل انسان برای تحقق و تفکر در مورد کائنات و رابطه و نقش انسان در آن است.³¹⁹

اهمیت تربیه در اسلام:

تربیه اسلامی اصل و ریشه آن اسلام است و اسلام دو جانب دارد: عقیده و شریعت. عقیده فکر کلی و یقینی کائنات و انسان و زندگی قبل از حیات و بعد از حیات و رابطه بین این دو مرحله را می سازد. اسلام دین انسانی و جهانی می باشد و دعوت آن مخصوص برای یک منطقه و قوم نیست و مهمترین هدف آن اصلاح آنچه قبل از آن توسط پیروان عقائد سماوی فاسد شده بود میباشد به عبارت دیگر اسلام حرکت اصلاحی است و اهداف اصلاحی اسلام را میتوان به نقاط ذیل خلاصه کرد:

1. تحریر یا آزاد ساختن عقل بشر از تقلید و خرافات از راه ایمان به خداوند و توجیه و رهنمائی عقل بسوی دلیل و برهان و تفکر سالم.
2. اصلاح فرد در نواحی نفسانی و اخلاقی و توجیه انسان بسوی خیر و احسان.
3. اصلاح جامعه تا امنیت و عدالت و کرامت انسانی در آن حفظ شود.³²⁰

خصوصیت های تربیه اسلامی: تربیه اسلامی دارای خصوصیت های ذیل میباشد:

اول: تربیه اسلامی تربیه متکامل است به این معنی که شامل تمام جوانب شخصیت انسان می باشد. تربیه اسلامی دو گانگی و ازدواجی را در وجود یک انسان نمی پذیرد و به عبارت دیگر جدائی بین عقل و جسم را قبول ندارد و عقل و جسم را وحدت متکامل می داند و اگر عقل مورد تهاجم قرار گیرد جسم نیز به آن متأثر می شود و هر نقص و خلال که در فکر پیش شود جسم نیز از آن متضرر می شود و در اصطلاح فرهنگ اسلامی عقل سلیم در بدن سالم است.

³¹⁹. سید قطب، خصائص التصور الإسلامی، طبع دوم، صفحات 8-9. و همچنان دیده شود: علی بن نایف الشحود، الخلاصة فی اصول التربية الإسلامیة و أمین مرسی قنديل، أصول التربية و فن التدريس / www.almeshhhat.net/book/4151

³²⁰. فضل غنی مجددی، روش فکر معاصر اسلامی، فصل تفکر و تعقل و آزادی عقل.

دوم: تربیه اسلامی، تربیه متوازن است. اسلام در تربیه بین مصلحت دنیوی و اخروی جمع میکند و اعمالی که انسان در دنیا انجام میدهد آنرا به آخرت نیز ارتباط میدهد. تربیه اسلامی تنها تربیه تصوفی و مادی و دنیوی نیست و اسلام در تربیه بین فکر سلفی و فکر تصوفی و سیاسی و اجتماعی توافق و جمع را می آورد.

سوم: تربیه اسلامی، تربیه روش و سلوک است و تنها به کلمات و عبارت خاتمه نمی یابد بلکه اقوال و افعال مسلمان را عملاً تنظیم و تشکیل می دهد به عبارت دیگر آنچه مسلمان میگوید باید آنرا در عمل پیدا کند و اقوال و اعمال در ساحت تربیه اسلامی نتیجه از معتقدات فرد است.³²¹

چهارم: ربانیت: تربیه اسلامی ربانی است به دلیل اینکه منبع و اصل آن وحی الهی میباشد. در قرآن کریم می خوانیم: «کونوا ربانیین بما کنتم تعلمون الکتب و بما کنتم تدرسون: (آل عمران: 79)». خدا شناس و خدا پرست باشید به آنکه شما کتاب را بدیگران تعلیم میدادید و طوریکه شما خود آنرا می آموختید. امام البیضاوی در تفسیر آیه مبارکه می گوید: ربانی یعنی کامل بودن در علم و عمل زیرا فائده تعلیم و تعلم معرفت حق و خیر برای اعتقاد و عمل است. ربانیت در تربیه عبارت از مجموع مبادی گرفته شده از قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم است که بواسطه آن افراد در جمیع نواحی زندگی تربیه می شوند.³²²

پنجم: تربیه اسلامی موافق به فطرت انسان است. فطرت از جمله خصوصیت ها در نفس انسان است که با انسان یکجا خلق شده و به ترقی و تعالی آن انسان به مقام عالی انسانیت ارتقاء می کند و به انحراف فطرت جامعه منحرف و از جاده صواب بیرون می شود. تربیه اسلامی اهتمام زیاد به حفاظت فطرت انسان دارد و در فرهنگ اسلام انسان با فطرت ایمان بدنیا می آید و نظر به فرمایشات رسول اکرم صلی الله و علیه و سلم والدین هستند که اطفال شان را یهودی و یا نصرانی و یا مجوسی می سازند. تربیه اسلامی خصوصیت های انسانی و بشری و خواهرشات انسان را مد نظر دارد و در اصول تربیه همه جوانب فطرت انسان را در بر می گیرد و در اصول تربیوی روحانیت

³²¹ دکتور طارق عبدالرؤف عامر / education.iugaza.edu.ps/pdf/

³²² دکتور محمد شیخ عبدالله، همان مرجع، ص 81.

را فدایی معنویت و معنویت را قربانی خواهشات جسمانی نمی سازد بلکه به تمام جوانب شخصیت و ترکیب انسان اهتمام و توجه مساویانه دارد.

ششم: اجباریت: اجباری بودن تعلیم و تربیه از خصوصیات مهم در فرهنگ تربیوی اسلام است. تربیه افراد در اسلام مسئولیت مشترک بین خانواده و مؤسسات تربیوی و تعلیمی در جامعه اسلامی است و بالای کافه افراد ملت اجباری و لازمی میباشد. دکتور عبدالله علوان می گوید: هر دختر و پسر جوان بالایش واجب است تا روش و خصوصیت ها و وسائل و روش تربیوی را قبل از ازدواج و داشتن اطفال بصورت علمی و اکادمی بیاموزد و ممکن نیست تعلیم و آموختن بدون حصول درجه علمی و تخصص مفید واقع شود و تربیه اطفال بدون دانش والدین و مؤسسات تربیوی نتیجه و حاصل خوب ندارد.³²³

هفتم: اخلاقی: تربیه و تعلیم در فرهنگ اسلام اخلاقی است و اسلام عنصر اخلاق را در تعلیم و تربیه ثابت و تربیه اخلاقی را برای رشد علمی و ارتقاء جامعه از اولویات می داند. اسلام آداب تعلیم و تربیه را اخلاقی گردانید و اخلاق را حاصل و ثمر عقیده صحیح معرفی کرد. اسلام فصل و جدائی را بین تربیه و علم و اخلاق نمی پذیرد.

هشتم: انسانی: تربیه در فرهنگ اسلام انسانی است. احترام مقام انسان بصفت مخلوق با کرامت « و لقد کرمانا بنی آدم ». تربیه در اسلام برای حفظ حقوق انسان و تحقق خلافت او در زمین مهم و اساسی میباشد. تربیه سالم و سلیم انسان را به مقام انسانیت میرساند.

نهم: تربیه در اسلام ابعاد متعدد دارد و فقط به تربیه دینی و ثقافتی خلاصه نمی شود. در اسلام تربیه شامل دین و زبان و ادب و فلسفه و علوم طبیعی و علوم انسانی و هنرهای زیبا است. در ساحت تربیه اسلامی فقه حنفی و مذاهب اهل سنت و شیعه و معتزله و طریقه های تصوفی همه شامل می باشد و اصول تربیوی معاصر اسلامی خصوصیت های همه مذاهب اسلامی و مدارس فکری را در بر دارد. تربیه اسلامی

³²³ . الدکتور عبدالله علوان ، تربیه الأولاد فی الإسلام جلد دوم ص 785

و www.goodreads.com/book/show/7392876

و www.google.com/search?q=علوان+تربیه+الأولاد+فی+الإسلام

www.waqfey.com/book.php?bid=6397

اصول تربیوی شرق و غرب را که منافی اسلام نباشد هضم می کند و در مجموع از اصول و روش تربیوی و تجربه های انسانی استفاده می نماید.

میتوان در خصوصیت های تربیه اسلامی نقاط ذیل را نیز اضافه کرد:

1. تربیه ظاهره انسانی محض است.
2. تربیه از راه تعلیم کسب و به عبارت دیگر تربیه باساس معرفت بدست می آید.
3. تربیه اهداف عملی دارد.
4. تربیه وسیله برای تغییر است.
5. تربیه عملیه تخصصی است.
6. تربیه عملیه اجتماعی است.³²⁴

در ساحة تربیه و تعلیم مؤسسات تعلیمی مثل: انجمن های ادبی و فرهنگی و دینی، انجمن های هنری، انجمن های سیاسی و احزاب سیاسی، حرکت های اجتماعی و جامعه مدنی، انجمن ادباء و شعراء، اتحادیه های محصلین، اتحادیه های کارگران، انجمن مود و فیشن، خانواده، مدارس، مساجد، میدیا، وسائل اجتماعی الکترونی، کنفرانسها، سمینارها و بطور عموم جامعه رول و نقش اساسی و اولیه را دارند. در عصر حاضر هیچک از این مؤسسات به تنهایی قادر به تربیه نسل آینده نمی باشد و اما در صورت همکاری و تعاون و پلان گذاری مشترک میتوانند نسل آینده را تربیه سالم نمایند. در ساحة اسلامی مشترکات زیاد بین مؤسسات در دولت اسلامی موجود است و مؤسسات مختلف اگر در داخل مشترکات کار نمایند نتیجه آن مثبت و بهتر میباشد. عناصر مشترک در جامعه اسلامی عبارت اند از:

معبود واحد، کتاب واحد «قرآن کریم»، تاریخ مشترک، قبله واحد، سنت واحد و شریعت واحد و آینده مشترک. در عصر حاضر در نتیجه وجود آمدن روابط بین کشورها و افراد عناصر مشترک که سبب وحدت فکری بین افراد جامعه می شود بیشتر شده مثل: تقدم و پیشرفت و سائل ارتباط جمعی و انقلاب معلومات و تغییرات سریع در

³²⁴ عبدالرحمن النحلوی، أصول التربية الإسلامية، دارالفکر دمشق 2000م و محمود السید سلطان، مسیره الفكر التربیوی عبر التاريخ، دارالمعارف، القاهرة 1979 و محمد الهادی عقیفی، فی أصول التربية، مكتبة الانجلو المصرية، القاهرة 1977.

شکل و ظواهر اجتماعی. تأسیس مؤسسات و شرکتهای متعدد از کشور های مختلف و فعالیتهای مشترک بین المللی. ظهور مشکلات بین المللی مثل مشکل غذاء، محیط زیست، خوشکسالی، حرکات های افراطی، حقوق انسان، جنگهای تحمیلی، تعلیم زبان های خارجی و غیره.

جامعه افغانی از تغییرات سریع که در جهان پیش شده نمی تواند بی تأثیر باقی ماند و اگر بدقت بیشتر اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و مذهبی جامعه افغانی بررسی علمی شود می بینیم که در نیم قرن اخیر جامعه افغانی کاملاً تغییر کرده. جهاد برای آزادی و مهاجرت افغانها به کشور های همسایه و جهان غرب و نشر فرهنگ لا دینی شرق بعد از تجاوز شوری و روی کار آمدن نظام کمونستی در کابل تأثیرات فوق العاده را در ساحات مختلف جامعه بجا آورده است. بعد از سقوط حکومت لا دینی در کابل و عدم موفقیت نهضت های اسلامی و جهادی در اداره کشور و آغاز جنگهای مذهبی و قومی و نژادی و بعداً ظهور حرکت طالبان و بعداً اشغال نظامی امریکا و ادامه جنگ بین یک گروه از افغانها و امریکا و متحدین اش تأثیرات منفی بیشتر را در تمام ساحات افغانستان وارد ساخت و نظام اجتماعی و روش فکری و حتی اخلاق سیاسی و مفاهیم دینی و برداشت های مذهبی تا حد زیاد در جامعه سنتی افغانستان تفاوت کرد.

نشر فکر دیموکراسی غربی توسط امریکا و آنها با استفاده از بمب های خراب کننده و تخریب بنیاد اقتصادی و تربیوی افغانستان، نظام اقتصادی آزاد سرمایه داری، ظهور طبقه سرمایه دار جدید، از بین رفتن طبقه متوسط و ازدیاد طبقه فقیر، تأسیس جامعه مدنی، فساد اداری و استفاده از نام دین، قوم و مذهب در جنگهای داخلی، میدیا معاصر به کمک و پول امریکا همه مشترکاً سبب شد تا جامعه ای افغانستان کاملاً تغییر کند و تغییرات جدید و معاصر از محققین و دانشمندان و معلمین تربیه در ساحة تعلیم و تربیه می خواهد تا در روش تربیوی و تعلیمی نیز تغییر را وارد و قبول کنند به دلیل اینکه روش گذشته برای عصر جدید مفید و قابل استفاده نیست.

تغییرات جدید تشکیل مؤسسات جدید را به روش معاصر برای تعلیم و تربیه نسل آینده می خواهد و متأسفانه نظام تعلیمی و تربیوی که افغانها با همکاری امریکا و ناتو و جامعه اروپائی بوجود آوردند کاملاً کاپی از غرب بود و در نقل نظام تربیوی و

تعلیمی شرایط محیطی و اخلاقی و دینی مردم افغانستان را در نظر نداشتند و به همین منظور اکثر پلانیهای تربیوی و تعلیمی نتایج خوب و مثمر نداشت و ملاحظه می شود که تربیه نسبت به گذشته انحطاط بیشتر کرده و آنچه قبل از اشغال امریکا تربیه بود امروز تربیه شناخته نمیشود مثلاً تجاوز جنسی ، قتل و بچه بازی و استعمال مواد مخدره و الکحول و انتشار مرض ایدز به سبب تن فروشی به مقایسه به چند ده گذشته بیشتر شده است و اگر اوضاع به همین منوال ادامه کند مشکلات تربیوی در افغانستان بیشتر می شود.

امام محمد الغزالی مهمترین مشکلات جوامع معاصر اسلامی را به این معنی شرح می دهد و می نویسد: فقدان تربیه سالم و سلیم ، و ذوال حق ، دنیا را به جحیم تبدیل و روابط بین بشر را متضرر کرد . الغزالی راه و روش اصلاح جامعه اسلامی را در تربیه سلیم و بازگشت به حقیقت دین میداند و می گوید تقویت رابطه با خداوند و خشوع بین دستان خداوند و تصحیح نماز گزاردن و رابطه با انسانها با اساس تقوی و ترس خداوند و آماده داشتن به لقاء رب العالمین راه حل است. الغزالی ادامه میدهد و می گوید: مهم در تربیه صحیح اسلامی آن است که با اساس فقه با نظر داشتن وسعت در زندگی دنیا و زنده جانان باشد و همچنان دانش به امور زمین و آسمانها و تمام امور که بالای ما تأثیر دارد و اموری که ما بر آن تأثیر گذار هستیم.³²⁵

مفهوم اصطلاح عصر:

هم عصر بودن یا در عصر زندگی نمودن معانی و مفاهیم خاص را افاده میکند. همچنان در عصر بودن و با عصر زندگی کردن معنی آن لغو و یا نفی اصالت نیست. در عصر زندگی کردن بدون حفظ اصالت و هویت اسلامی جامعه اسلامی را در ساحة تربیه و تعلیم به مخاطره می اندازد. در ساحة فکر اسلامی و بین متفکرین معاصر در قبول عصر و تغییرات که در جوامع اسلامی رخ داده دو نظریه و یا دو مدرسه موجود است:

اول - مدرسه قدیم: این مدرسه از فرهنگ قدیم و میراث گذشته گان بدون تغییر و تجدید حمایت میکند. علمای الازهر و دارالعلوم و قضاء شرعی در مصر و کشورهای اسلامی از پیروان این مدرسه بودند.

دوم - مدرسه تجدید: فارغان مدارس و پوهنتون های کشورهای خارجی و مسلمانانیکه از این مدارس و پوهنتونها در داخل کشورهای اسلامی فارغ شده اند هسته اولیه مدرسه تجدید و معاصر را می سازند.

در بین این دو فکر و دو مدرسه افراد متشدد و افراطی موجود اند. مدرسه تجدید و عصری بودن کوشش دارد تا رول و نقش اسلام را در تربیه و تعلیم بصورت عموم و رول و نقش فرهنگ و ثقافت اسلامی را لغو نماید. در نظر این گروه عصری بودن یعنی نفی آنچه قدیم است و قطع رابطه با گذشته به عبارت دیگر نفی اصالت. از طرف دیگر مدرسه قدیم کوشش دارد عصری بودن را نفی کند از نظر و دیدگاه این مدرسه تجدید و عصری بودن منافی اصالت است. متأسفانه طرز تفکر هر دو مدرسه و دیدگاه پیروان هر دو مدرسه با آنچه اسلام می خواهد در تناقض است.

در اوائل قرن بیستم علامه شهید حسن البناء توانست بین نظریه قدیم و معاصر توافق را بمیان آورد و شاگردان مدرسه اخوان المسلمین که علمای جلیل القدر قرن بیست و بیست و یکم جهان اسلام را می سازند موفق شدند تا بین عصر جدید و تغییرات آن و فرهنگ قدیم و اصالت آن توافق را بمیان آورند و نظریه جدید را بنام اسلام وسط به جهانیان معرفی کردند.

دکتور یوسف القرضاوی یکی از شاگردان مدرسه اخوان، عصر را باین عبارات تعریف میکند: مراد و مقصد از عصر این است که انسان در عصر و زمانی که است زندگی داشته باشد، پیروزی ها و شکست ها و حوادث آنرا احساس و لمس کند و با زنده ها حرکت و قسمیکه انسانها فکر می کنند زندگی نماید نه در عصر گذشته همراه با تصورات و عقائد و مبادئ و مفاهیم و اخلاق و رسم و رواجهای که از روش و ارزشهای گذشته است و ممکن برای عصر خودش مفید بود و ممکن است برای عصر حاضر مفید نباشد زندگی داشته باشد. جوهر و اصل هم عصر بودن این است که انسان

با زنده ها یعنی انسانها زنده زندگی کند نه با مردگان و به واقعیت حاضر نظر اندازد نه با واقعیت های گذشته.³²⁶

مهمترین چیز در فهم عصر ، معرفت دقیق و صحیح از عصری است که در آن زندگی داریم زیرا جهل و نادانی از عصر و معرفت غیر صحیح و غیر حقیقی از آن عواقب بسیار وخیم را دارد. استاد طارق البشیری در تبصره ای خود در موضوع «الإسلام و العصر» می نویسد: مشکلات ما مسلمانان در جهل و نادانی ما از اسلام نیست بلکه مشکلات ما از جهل و نادانی ما نسبت به عصری است که در آن زندگی داریم.³²⁷

قرآن کریم از آنانیکه تنها به گذشته توجه دارند و عصر حاضر را نمی پذیرند و تقلید پدران و اجداد شانرا که در باطل بودند می کنند به کراهیت یاد و می گوید: «أولو کان آباؤهم لایعقلون شیئاً و لایهتدون» (البقرة: 170). در حالیکه پدران شان چیزی را نمی فهمیدند و نه راه راست (به سوی ایمان و هدایت) یافته بودند. و «أولو کان آباؤهم لایعلمون شیئاً و لایهتدون» (المائدة: 104). آیا اگر پدران آنها چیزی نمی دانستند و هدایت نمی یافتند (بازهم فرزندان شان کور کورانه از آنها پیروی می کنند؟).

عصر حاضر شامل سلبیات و ایجابیات یعنی شامل خوبی ها و زشتی ها است و برای ما لازم است تا خوبی ها و زشتی های عصری که در آن زندگی داریم بدانیم و از ایجابیات آن استفاده و از سلبیات آن دوری نمائیم. مهمترین نقاط مثبت و خوب عصر حاضر عبارت است از:

1. عصر علم و تکنالوجی.
2. عصر آزادی و حقوق انسان.
3. عصر سرعت و تغییر.
4. عصر همکاری و ظهور انجمن های و مؤسسات بزرگ.
5. عصر برنامه سازی و پلان گذاری و عدم قبول بی نظمی و اعتماد به نفس.
6. عصر تفکر به آینده و عدم توقف در حاضر و عدم بازگشت به گذشته.

سلبیات عصر حاضر:

³²⁶ .الدكتور يوسف القرضاوی ، الثقافة العربية الإسلامية بین الأصالة و المعاصرة ، ص 77.
³²⁷ . کتب طارق البشیری ، www.noor-book.com/pdf و <https://ar.wikipedia.org> و www.kutub-pdf.com درسات فی الیموقراطية المصریة/

1. عصر غلبه مادیات و نفع برداشتن و تنها به نفع خود فکر کردن.
2. عصر اشباع شهوات.
3. عصر وسائل و افزار نه عصر اهداف و مقاصد.
4. عصر پریشانی و امراض روانی و مشکلات اجتماعی و جدائی بین افراد جامعه.³²⁸

وظیفه تربیوی در عصر حاضر اقتضای می کند تا انسان در عصری که در آن زندگی دارد آنرا صحیح درک کند و از وسائل مفید آن استفاده و از عناصر زشت و خراب آن دوری و اجتناب نماید و این وظیفه خانواده و مؤسسات تربیوی است که نسل معاصر را به گذشته ارتباط و برای آینده تربیه نماید و از سلبیات که در عصور ما قبل بود جامعه را آگاه سازد و این عمل و کار زمانی به موفقیت میرسد که والدین و معلمین باساس فکر معاصر اسلامی تربیه و روش فکر معاصر اسلامی را مطالعه و اهداف آنرا درک نمایند.³²⁹

مهمترین سعادت برای پدر و مادر داشتن اولاد است و مشکلات و موانع که در سالهای گذشته در مسائل ولادت بود تا اندازه زیاد حل شده و قسمیکه در فصل گذشته اشاره شد طب و علم ساینس معاصر مشکل ولادت را معالجه نمود و روش جدید را برای آوردن طفل تجربه و عملاً نتیجه مثبت آنرا به اثبات رسانید و همچنان نظریه علمای معاصر را در مورد استفاده از علم جدید برای آوردن اولاد مطالعه نمودیم و ثابت شد که طریقه های زیادی که علم ساینس برای علاج مشکل حمل بوجود آورد با فکر معاصر اسلامی مخالف نیست به عبارت دیگر عقیم بودن تا اندازه زیاد علاج شد و با استفاده از علوم معاصر عده می توانند طفل داشته باشند.

تربیه در عصر حاضر روش و طریقه های جدید را از والدین و معلمین و مؤسسات تربیوی می خواهد و اگر اولیاء امور و مؤسسات تربیوی از روش جدید در تربیه استفاده نکنند بدون شک زحمات شان بی نتیجه خواهد بود. در عصر حاضر

³²⁸ .الدكتور يوسف القرضاوی ، همانا مرجع ، صفحات 87-88.

³²⁹ . برای معلومات بیشتر مراجعه فرماید به : فضل غنی مجددی ، روش فکر معاصر اسلامی ، جلد

مسئولیت تربیه اطفال و نسل جدید مسئولیت فردی و خانوادگی نیست و شرایط جدید مسئولیت تربیوی را مسئولیت مشترک بین مؤسسات تعلیمی و تربیوی و انجمن ها و مساجد و خانواده می سازد و هر یک از این مؤسسات یک جانب از جوانب تربیوی را باید بدوش داشته و با یکدیگر در امور تربیه رابطه مستحکم و همکاری مشترک ایجاد نمایند.

تربیه قسمیکه در صفحات گذشته ذکر یافت از منظور اسلامی ضرورت از ضروریات دین و واجب از وجایب و مسئولیت از مسئولیت های والدین و معلمین و مؤسسات تربیوی و جامعه و نظام سیاسی است. ممکن نیست طفل بصفت انسان خوب و صالح بزرگ شود مگر به اساس تربیه صحیح و سالم. اسلام تربیه و تعلیم روحانی و جسمانی و نفسانی و عاطفی طفل را مسئولیت بزرگ برای خانواده می داند و والدین از تربیه اولاد شان در قیامت محاسبه می شوند.

عصر حاضر با مشکلات که دارد تربیه را مشکل ساخت و مسلمانان را مواجه به چالش های بزرگ نمود. تغییرات محیط و تهاجم خارجی و تکنالوجی جدید تأثیر مثبت و منفی بالای فکر اطفال وارد می کند خصوصاً در شرایط که والدین و معلمین و امامان مساجد تجربه کافی را در استفاده از تکنابوچی جدیدند داشته باشند و اکثراً والدین نمی دانند که اطفال شان از وسائل جدید چطور و چه نوع استفاده می کنند و عموماً اطفال و نو جوانان از وسائل جدید استفاده سوء می کنند. انقلاب تکنالوجی بزرگترین چالش در عصر حاضر برای جامعه اسلامی است و انقلاب تکنالوجی زمانی واقع شد که مسلمانان آماده استفاده از آن نبودند. انتقال معلومات و معرفت بدون سرحد و بسرعت برق چالش دیگر برای والدین و معلمین در ساحه تربیه اطفال است خصوصاً که اکثر معلمین و اولیاء امور نظر به مشکلات زبان و عدم معرفت کافی و علمی به تکنالوجی جدید قادر به مراقبت و توجیه اطفال نمی باشند. مشکلات اقتصادی، تغییرات فرهنگی، اجتماعی، فکر و فلسفه دیموکراسی، حقوق انسان و ازدیاد عدد سکان همه چالش های هستند که تربیه را مشکل می سازد.

در مرحله طفولیت، طفل در دامن خانواده تربیه و درسهای اولیه را از مادر می آموزد. در منزلی که اساسات اولیه اسلام موجود باشد طفل با عقیده ای سالم و عبادات صحیح و معامله خوب و اخلاق عالی تربیه می شود. اما اگر نظام جامعه غیر از نظام

خانه باشد طفل مواجه به دو فرهنگ می باشد ، فرهنگ دینی و اخلاقی منزل و فرهنگ انحراف دینی و اخلاقی در جامعه و در اثر فشار جامعه طفل بطرف انحراف می رود و نمی تواند تربیه که در مرحله طفولیت در خانه دیده آنرا حفظ کند. فشار جامعه معاصر فوق العاده قوی و مؤثر است و چالش بزرگ برای تربیه کنندگان می باشد .

تجربه های خانواده ها در داخل افغانستان و خارج آن خصوصاً در کشورهای غربی نشان می دهد که والدین زحمات زیاد را در تربیه اطفال شان کشیده اند . در امریکا شاهد هستیم که والدین وقت زیاد شانرا برای تربیه دینی و ایمانی و اخلاقی اطفال شان سپری کردند و اطفال را به مساجد و مراکز اسلامی برای تعلیم قرآن کریم و روش اسلامی داخل کردند و اطفال را برای اداء نماز و کنفرانس های علمی با خود بردند اما یک عده بعد از سن طفولیت و رسیدن به مرحله کالج با تمام زحمات والدین منحرف شدند و یک گروه بعد از یک مرحله به صراط مستقیم برگشتند و یک تعداد در گمراهی باقی ماندند. من شخصاً همین تجربه را تکرار کردم و باین نتیجه رسیدم که تنها خانواده در عصر حاضر قادر به تربیه اطفال شان نمی باشند و محیط و جامعه اثر قوی بالای تربیه اطفال دارد. در پهلوی محیط غیر سالم در عصر حاضر خانواده های مسلمان مواجه به پروبلم ها و چالش های زیاد در ساحت تعلیم و تربیه نیز هستند. مهمترین چالش که والدین و مؤسسات تربیوی برای تربیه اطفال به آن مواجه هستند عبارت اند از:

اول- عدم استقرار خانواده: خانواده مؤسسه یا مدرسه اول تربیوی در جامعه است ، اگر خانواده نمی بود جامعه و امت تشکل نمی یافت. خانواده از اصل و فرع تکوین می یابد: اصل والدین و فرع دختران و پسران. خانواده نقش مهم را در تربیه اولاد دارد و اسلام تربیه اولاد را بالای خانواده واجب گردانیده است.

خانواده وظیفه مهم تربیه را زمانی می تواند بصورت خوب و مناسب انجام دهد که همکاری و محبت بین زن و شوهر موجود باشد و پدر و مادر روش و علم تربیه را بدانند. مسئولیت تربیه اطفال مسئولیت مشترک والدین است و ممکن نیست تربیه سالم تحقق یابد مگر در همکاری مشترک و رابطه خوب بین زن و شوهر. وجود مادر

در منزل برای تربیه اطفال بسیار مهم است و همچنان تقسیم وظائف بین زن و شوهر و وظیفه تربیه را آسانتر می سازد.³³⁰

ژورنالیست امریکی « گاری واندو » رابطه محکم بین افراد خانواده را برای تربیه اطفال مهم می داند و در مقارنه بین نظام خانواده در جهان اسلام و غرب می گوید: رابطه بین افراد خانوادهٔ مسلمان و حسن رعایت والدین از اطفال شان با مقارنه با جهان غرب تفاوت دارد و رابطه و رعایت والدین در جهان اسلام نسبت به غرب بیشتر است. او اضافه میکند که در جریان زندگی و مدت اقامت با مسلمانان یافتیم که رابطه بین افراد خانواده ای مسلمان بسیار متین و استوار است.³³¹

مشکلات اقتصادی معاصر سبب شدت زن از منزل برای کار خارج شود و والدین مجبور شدند اطفال شان را در کودکانها شامل نمایند و تجربه نشان می دهد طفل که در منزل و تحت رعایت والدین تربیه می شود نسبت به طفلی که در خارج از منزل تربیه می شود تفاوت دارد.

عدم همکاری و توافق فکری بین زن و شوهر تأثیر منفی را در روش تربیوی طفل می گذارد، طلاق و مشکلات خانوادگی سبب انحراف طفل می گردد. عدم همکاری بین مکتب و خانه و مؤسسات تربیوی و مساجد و کلپ های سپورتی سبب می شود تا طفل تربیه سالم نشود و متأسفانه رابطه بین منزل و مکتب و مسجد در کشورهای اسلامی مانند افغانستان بسیار ضعیف است و کوشش شود تا رابطه بین مکتب و خانه و مسجد ایجاد شود.

اطفال در مرحله طفولیت تصور دارند که والدین شان با فهم ترین مردم هستند و هر چه می گویند و می کنند راست است. لذا باید والدین نمونهٔ خوب (القدوة الحسنة) برای طفل باشند. در عصر حاضر عدهٔ از پدران و مادران نمونهٔ خوب برای اطفال شان نیستند و اطفال در مرور زمان می دانند که پدر و یا مادر و یا هر دو دروغ می گویند و غیبت می کنند و در حضور اقارب و مهمانان یک نوع روش و اخلاق دارند و در عدم

³³⁰ . الدكتور حسن محمد الحفناوی ، الأسرة المسلمة و تحديات العصر ، صفحات 116-117 /

altirah.ar/author/503 and www.albayan,ae

³³¹ . دكتوره عائشة عبدالرحمن الجلالی ، المؤثرات السلبيه فی تربیه الطفل المسلم و طرق علاجها ،

ص 292 <https://ar.wikipedia.org/wiki/> عائشه عبدالرحمن /

حضور شان اخلاق دیگر و به عبارت دیگر دو روی اند. این روش سبب انحراف طفل می شود. مثلاً پدر برای طفلش می گوید اگر کسی پرسید بگو پدرم در خانه نیست و یا مادر می گوید بگو مادرم خواب است و یا بیرون شده این روش غیر اخلاقی را طفل از والدین می آموزد و در غگو تربیه می شود. والدین باید متوجه گفتار و حرکات و افعال شان باشند. بهتر است والدین قبل از داشتن طفل کورسهای تربیه اطفال را بگیرند و دولت کورسهای تربیوی را برای والدین آماده سازد. آموزش فرهنگ تربیه اولاد والدین را در مسائل تربیوی کمک می کند و همچنان مراکز مشورتی باید تأسیس شود تا والدین برای رفع مشکلات تربیوی و مشکلات که با اطفال شان دارند با متخصصین مشوره کنند.³³²

دوم- مکتب و مدرسه: نظام مکاتب و مدارس در کشورهای اسلامی قابل تجدید و نوآوری است. برنامه های تعلیمی خصوصاً مسائل اسلامی و اخلاقیات ناقص و نامکمل میباشد. برنامه ها و مناهج تعلیمی قسمی نیست که شاگرد را تشویق به تربیه و اخلاق اسلامی کند.

مناهج یا برنامه های تربیوی اکثر کشورهای اسلامی اقتباس یافته و گرفته شده از منهج غرب است. برنامه های تعلیمی غرب همه اش زشت و فساد نیست خصوصاً مواد علمی و تجربی اما موضوعات اخلاقی در روش تعلیمی غرب وجود ندارد و عموماً دین و اخلاق از برنامه های تعلیمی جدا میباشد و خانواده های غربی که میخواهند اطفال شان تربیه ای سالم شود عموماً مکاتب کلیساها را انتخاب می نمایند. در معارف کشورهای اسلامی معلمین مضامین دینی و اخلاقی و حتی معلمین تربیه بدنی مقام پائین تر را نسبت به معلمین ساینس دارند و عموماً از طبقه فقیر جامعه می باشند و عده از آنها امامان مساجد اند که زیر فقر اقتصادی زندگی دارند. عده معلمین نمونه خوب از مضمونی که تدریس می کنند میباشد و عده دیگر نمونه خوب نیستند مکتب و مدرس در اکثر کشورهای اسلامی نواقص زیاد دارد و لازم و ضروری است تا نواقص که در معارف کشورهای اسلامی است اصلاح شود زیرا مکتب و مدرسه بعد از خانه محور تربیه اخلاقی و علمی و روش فکری اطفال را می سازد.

تربیه معلم در روش تربیوی اسلام: علما و سیاستمداران و زعمای ملی نقش بزرگ را در تاریخ یک کشور دارند و با زحمات زیاد کشور های شانرا به مجد و ترقی رسانیده اند ، اما جامعه شرقی فراموش کرده که نقش و رول اول را در ساحه تربیوی و انسان سازی معلم دارد.

معلم نقش مهم را در بناء مدنیت از راه و روش تعلیم در جامعه دارد و متعلم از طریق معلم و مکتب و معارف مبادی اخلاق و نظریات تربیوی را می آموزد . معلم مخزن علم است که شاگرد از آن بهره می گیرد و همچنان معلم میراث بزرگ فقهی و تربیوی در فرهنگ و ثقافت اسلام میباشد . معلم عامل اساسی در موفقیت علمی شاگرد و مهمترین عنصر در جامعه است و تعلیم و تربیه زمانی مفید و مثمر می باشد که معلم با دانش و فرد صالح و صادق باشد. معلم در فکر اسلامی دارای صفات ذیل میباشد:

1. معلم باید صادق در اداء واجبات اش باشد.
2. معلم مشکلات مردم را حمل کند.
3. معلم نمونه و قدوه حسنه برای شاگرد باشد.
4. معلم باید آنچه آموخته و ذخیره کرده برای شاگرد بدهد و انتظار ثناء و صفت را نداشته باشد.

مشکلات که معلم در عصر حاضر به آن مواجه است: در عصری که زندگی داریم از هر طرف به مشکلات روبرو میباشیم و در زندگی هر روز مسائل جدید بوجود می آید که ضرورت به تعلیم و تجدید و تجربه و معلومات و فکر جدید دارد و همچنان در ساحه تعلیم و تربیه و مسائل و میتود های جدید روی کار می آید که از معلم می خواهد هر سال خود را تجدید کند و مشکلات معاصر را درک نماید و ضرورت که شاگرد دارد به آن آشنا شود.

وسائل جدید و علوم معاصر از معلم می خواهد تا شامل کورسها شود و تجربه های معاصر را بیاموزد . برای تربیه معلم وزارت معارف باید در هر سال یک دوره تعلیمی داشته باشد تا معلمین روش جدید تعلیم و تربیه را بیاموزند و با وسائل جدید آشنا شوند. معلم باید قدرت علمی داشته باشد تا بتواند مدنیت اسلام را با مدنیت عصر یکجا سازد و آنچه از مدنیت عصر مفید است برای شاگردان تدریس و آنچه مضر است شاگردان را از آن باخبر سازد. در عصر حاضر معلم نمی تواند فکر شاگرد را

نادیده بگیرد و او را مجبور به اطاعت و قبول روش فکری خود سازد. معلم باید نظریات و افکار شاگرد را بشنود و برای شاگرد حق بدهد تا آزادانه فکر کند. معلم کوشش کند تا روش حفظ مواد درسی را که در سابق در مکاتب بود فراموش کند و شاگرد را اجازه بدهد تا در مسائل علمی نظر مستقل داشته باشد و در صنف با معلم و شاگردان مناقشه نماید و در نهایت وظیفه معلم است تا صحیح و غلط را شرح نماید. در گذشته خصوصاً زمانیکه ما شاگرد بودیم اطفال و نوجوانان سؤالات دینی که در ذهن شان ظهور می کرد پرسیده نمی توانستند و معلم شاگرد را فوراً به کفر و گمراهی متهم و خاموش می ساخت این روش در عصر حاضر غیر قابل قبول است. برای شاگردان باید حق داده شود تا سؤالات شان را اگرچه مخالف عقیده اسلامی نیز باشد مطرح کنند و معلم در عوض جواب فوری دروازه مناقشه را در مورد سؤالات شاگردان باز کند و بگذارد هر شاگرد نظر و عقیده شخصی خود را بیان کند و در نهایت استاد با کمال ادب دلایل که دارد بیان و شاگردان را به مراجع آشنا سازد.

تشکیل سمینارها و کنفرانس های علمی و تخصصی و مجالس ادبی برای تربیه و تعلیم معلم بسیار مفید است. در ماه یک کنفرانس مشترک بین والدین و معلمین برای بررسی حالات شاگردان اهمیت زیاد دارد. کنفرانس مشترک بین والدین و هیئت تدریس اکثر مشکلات شاگرد را حل و همکاری بین معلمین و والدین بوجود می آید. روش فشار و استعمال خشونت که در وقت ما در مکاتب بود نتیجه خوب ندارد و معلم باید فکر کهنه که: تا نخورد چوپ تر فرمان نبرد گاو و خر را در عصر حاضر فراموش کند. معلم باید از پدر و مادر برای اطفال مهربانتر باشد تا شاگرد مکتب و مدرسه را نسبت به منزل بهتر بداند.³³³

سوم- چالش و فشار و مسائل جمعی و میدیا بالای اطفال: وسائل تبلیغات و میدیا یک امر جدید و معاصر نیست اما استخدام و استفاده از آن و سرعت انتقال معلومات نسبت به گذشته تفاوت کرده است. در گذشته عده محدود دسترسی به وسائل دستجمعی و میدیا داشتند اما در عصر حاضر حتی اطفال خورد سال با وسائل دستجمعی و میدیا آشنائی و از آن استفاده می کنند. عصر حاضر، عصر تبلیغات و

333 www.scribед.com و منتدیات سکاو / www.skaau.com و دکتور محمد شیخ عبدالله، مرجع

میدیا است و مطبوعات ورقی به الکترونی تبدیل شده و سرعت نقل معلومات مهمترین موضوع در انتقال معلومات است. وسائل دستجمعی و میدیا الکترونی مثل فیسبوک، توئیتر، ویپ ست، وایبر، تیلیفون های دستی، ویپ سایت ها، کتابخانه ها، مجلات در اختیار همگان و در بسا اوقات مجانی قرار دارد. بودن همه این وسایل عیب نیست اما روش و طریقه و هدف استفاده از آنها مشکلات تربیوی را خلق می کند.

تحقیقات معاصر که در موضوع و مسائل اجتماعی در غرب و شرق صورت گرفته نشان میدهد که وسائل دستجمعی و میدیای الکترونی تأثیرات منفی را بالای ذهن و فکر اطفال بجای می گذارد. تلویزیون زیادترین وقت خانواده ها و اطفال را می گیرد، فلمها و درامه ها که بنام سریال شهرت دارد در بدل اصلاح حال جامعه مشکلات اخلاقی و اجتماعی را بیشتر ساخته است و عموماً جامعه عقب مانده نقاط منفی یک حکایت و قصه را زودتر از نقاط مثبت آن می گیرد و اطفال نظر به قلت معلومات و عدم تجربه بیشتر متوجه نقاط غیر اخلاقی بیشتر میباشند و این یک امر طبیعی در مرحله طفولیت است.³³⁴

محققین در جهان غرب فلم های که در تلویزیون و سینما به نمایش گذاشته می شود بررسی نموده و تأثیرات آنرا بالای طفل بدون در نظر داشت کشور معین فوق العاده قوی می دانند. در این تحقیقات آمده که 29.6٪ افلام موضوعات جنسی را به نمایش می گذارند، 27.4٪ مشکلات خشونت و جرائم را بحث میکند، 15٪ موضوعات انتقام جویانه و کراهیت را به نشر می سپارند.³³⁵

وسائل دستجمعی و خصوصاً تلویزیون و سایت ها و یوتوپ و انترنت مسائلی را به نشر می رسانند که سبب نشر بد اخلاقی در جامعه خصوصاً در بین اطفال و نوجوانان می شود و مهمترین خطر این وسائل برای اخلاق اطفال و نوجوانان عبارت اند از:

اول - خشونت: خشونت مهمترین خطری است که توسط میدیا به نشر میرسد. اعترافات بعض مجرمین نشان میدهد که روش استفاده از خشونت و سرقت را از فلم های تلویزیونی آموخته اند. فلم های جنگی و استفاده از اسلحه های دمار شامل و

³³⁴ دکتوره عائشه عبدالرحمن الجلالی، مرجع سابق، صفحات 292-312.

³³⁵ دکتور محمد شیخ عبدالله، مرجع سابق، ص 182.

تخریب کننده برای تربیه اطفال بسیار خطرناک است و متأسفانه اکثر فلم های که تعلیم خشونت را می دهند بصورت کارتونی در تلویزیون و در بازی های الکترونی (گیم ها) نمایش داده می شود و اطفال بصورت عموم از گیم ها استفاده می کنند. حاجی صاحب دین محمد در زمانی که والی جلال آباد بود قصه کرد که شکایت برایش رسید که اطفال و نوجوانان به مکتب نمی روند و در مارکیت های شهر جلال آباد مشغول بازی با ماشین های الکترونی هستند و در این ماشین ها عموماً بازی های خشونت آمیز و جنگ و کشتن گذاشته شده است و زمانی که اطفال پول شان تمام می شود و مشغول بازی می باشند از طرف عده دعوت به مسائل جنسی در مقابل پرداخت پول برای ادامه بازی می شوند. متأسفانه در افغانستان زیر نام اشغال و دیموکراسی حکومت حق مداخله را در منع این وسائل ندارد.

استفاده از وسائل اطلاع رسانی جمعی را نمیتوان به اساس قانون گذاری و منع فزیکتی کنترل کرد لیکن با روش تربیوی سالم و نشر اخلاق حمیده اسلامی و بلند بردن ایمان میتوان کنترل کرد. والدین و بزرگسالان در استفاده از تلویزیون و انترنت متوجه سن و سال اطفال شان باشند و در اوقات که اطفال بیدار هستند از دیدن سریال ها و فلم های که برای تربیه و اخلاق اطفال مضر است خود داری نمایند و از جانب دیگر تا رسیدن به سن رشد و مسائل دست داشته اطفال شانرا کنترل نمایند و میتوانند انترنت را در اوقات معین که اطفال در منزل تنها هستند قطع نمایند اما نمیتوان جوانان را کنترل نمود و یگانه وسیله کنترل تربیه و ایمان و پابندی به حلال و حرام میباشد.

انترنت وسیله جدید برای نشر آراء و بیان و تعبیر است. محققین انترنت را اتصال سریع می دانند و در تعریف انترنت می گویند، شبکه انترنت ارتباط بین شبکه ها است. مشکل انترنت در این است که دانشمندان فکر معاصر اسلامی و حکومت ها اسلامی قدرت کنترل و تحکم آنرا ندارند. انترنت نشر و انتقال جرائم را بیشتر ساخته است خصوصاً جرائم که ارتباط به فکر و نشر و اظهار رأی و عقیده و تعبیر و اخلاق و حیاء دارد. در بین کشور های اسلامی اگر افغانستان را بطور مثال انتخاب نمایم، دیده میشود که وسائل اتصالات الکترونی در بدل نفع ضرر آن برای جامعه بیشتر میباشد و تا هنوز نظام کابل موفق نشده تا قوانین را برای کنترل انترنت و دیگر وسائل دستجمعی الکترونی وضع کند.

راپوری که شبکه بی بی سی تحت عنوان «از تصاویر برهنه تا حساب های جعلی» به نشر سپرده آمده که در حال حاضر شمار کاربران شبکه های اجتماعی در افغانستان به یک میلیون و سیصد هزار نفر رسیده است. بسیاری از کاربران این شبکه ها ، بخصوص فیسبوک و مخصوصاً زنان از مزاحمت هایی که در شبکه های اجتماعی برای آنها ایجاد شده شاکی هستند.³³⁶ و سائل جمعی و انترنیت در عصر حاضر یکی از مهمترین مشکل برای جامعه اسلامی است و باید در مورد اصلاح و تنظیم آن تفکر سالم کرد و راه و روش کنترل آنرا بررسی علمی نمود. از نظر اینجانب بهترین وسیله برای کنترل استفاده از وسائل جدید و معاصر روش سالم تربیه ایمانی و اخلاقی نسل جوان است و دانشمندان معاصر اسلامی قواعد اساسی و اولیه را برای تنظیم و سائل دستجمعی ترتیب نموده اند که جامعه ای علمی و دعوتی افغانستان می تواند از آن استفاده نمایند.

قواعد و اصول اولیه و سایل اطلاع رسانی جمعی در فکر معاصر اسلامی:

1. پابندی به اخلاق حمیده و آداب اسلامی.
2. أهل مطبوعات و کسانیکه در ساحة مطبوعات کار می کنند دارای درجات عالی علمی و ثقافت اسلامی و عصری باشند و در نقل معلومات امانتدار و صادق باشند.
3. عدم نشر معلومات که به ضرر و مصلحت جامعه باشد.
4. احساس به مسئولیت در آنچه تبلیغ و به نشر میرسد و ایمان داشتن باینکه انسان از شنیدن و دیدن و آنچه در قلب اش خطور می کند نزد خداوند مسئول است.
5. مخاطب کردن عقل و فکر انسان به زبان و ادبیات عصر.
6. از وسائل اطلاع رسانی جمعی برای امور مشروع استفاده شود زیرا اسلام هر وسیله که برای اهداف نا مشروع از آن استفاده شود نمی پذیرد.
7. آماده نمودن برنامه تعلیمی و اخلاقی و فلم های کارتونی و بازی های الکترونی برای اطفال.³³⁷

³³⁶ فضل غنی مجددی ، همان مرجع ، صفحات 355-356.

³³⁷ فضل غنی مجددی ، همان مرجع ، صفحات 355-356.

دوم - فرار از واقعیت: برنامه های زیادی در تلویزیون ها و اینترنت و سائر وسائل الکترونی دست جمعی پخش می شود که با واقعیت های زندگی توافق ندارد و اطفال و نوجوانان تصور و خیال می کنند که واقعیت است. عالم بزرگ غربی « لوین / Lewen» برنامه های که به واقعیت نیست بررسی کرده می نویسد: مواد خیالی برای بینندگان واقعیت را نمی دهد، و این امر سبب می شود که بعض بینندگان برای حل مشکلات واقعی به حل های خیالی متصل شوند و در بسا اوقات برای حل مشکلات شان به خشونت دست زنند.³³⁸

سوم - مشاهده غیر واقعی: در کشورهای شرقی مردم میدیا و وسائل رسانه ای را بدون تفکر و بدون انتخاب و اختیار مشاهده می کنند و دیدن فلم ها و برنامه تلویزیونی مسیر زندگی مردم را بدون اراده شان می سازد. دیدن تلویزیون برای همه و خصوصاً برای اطفال یک عمل مثبت و پسندیده نیست و اطفال عموماً نقاط منفی را از برنامه های که در تلویزیون پخش می شود می گیرند و این مشکل وقتی زیاد میشود که والدین و مربی ها نتوانند اطفال را توجیه سالم نمایند و واقعیت فلم و سریال و نتیجه منفی آنرا بالای خانواده و جامعه بزبان و به عقلیت طفل شرح نمایند. سریال های معاصر که بزبان فارسی ایرانی و دری ترجمه و دوبله می شود برای زبان اصیل دری و پشتو افغانستان صدمه زیاد وارد کرده و زبان اصیل افغانی بیک زبان جدید مبدل شده است. تغییر روش و ادبیات زبان نسل آینده را از فرهنگ و تاریخ گذشته دور می سازد و نسل آینده برای فهم کتب قدیم به فرهنگ زبان محتاج استند. تأثیر میدیا و وسائل نقل معلومات بالای اطفال و مسئولین تربیه: وسائل تبلیغات قسمیکه اشاره شد بالای فکر و شخصیت طفل تأثیر بزرگ را وارد میکند و همچنان مسئولیت مؤسسات تربیوی و مکتب و معلمین را نیز بیشتر می سازد. دانشمندان

³³⁸ نور الدین عبدالجواد، مجله رساله الخلیج العربی، صفحات 93-95. مجلة رسالة الخليج العربی برای جوانانیکه مشغول تحقیقات علمی در موضوعات میدیا و تأثیرات آن بالای اطفال و جامعه هستند بسیار مفید است. محصلین عزیز میتوانند از آدرس اینترنتی دسترسی به این مرجع تحقیقی داشته باشند:

در این ساحه مشکلات که و سائل الکترونی جدید و تلویزیون بالای فکر اطفال تأثیر وارد کرده بحث و تحقیق نموده اند ، در اینجا به مهمترین نقاط آن اشاره می شود :

اول: عدهٔ باین باور و عقیده هستند که تلویزیون در منزل یک ضرورت اساسی است و نمی شود بدون این وسیله زندگی کرد و در قوانین بعض کشورها عدم موجودیت تلویزیون در منزل عدم مراعات حقوق اطفال است. تحقیقات جدید نشان میدهد که نسل معاصر زیاده تر نسبت به نسل گذشته تلویزیون را مشاهده می کند و همچنان نسل معاصر برای اینکه اطفال شان در کوچه و بازار نروند اجازه می دهند تمام وقت مشغول مشاهده تلویزیون باشند در حالیکه طفل فساد اخلاقی را از تلویزیون نسبت به خیابان و بازار بیشتر می آموزد.

دوم: مشغول بودن پدر و مادر در خارج از منزل مسئولیت تربیه اولاد را صدمه زیاد داده است و اطفال عموماً در منزل بدون رعایت باقی می مانند و در غیاب والدین مشغول مشاهده هر نوع برنامه در تلویزیون می باشند و بعض برنامه ها برای اطفال کشنده و گمراه کننده است.

سوم: عدهٔ از هنرمندان و گویندگان کلمات و جملات غیر مناسب را در گفتار خود استفاده می کنند و همچنان هنر پیشه ها از طبقهٔ زنان با لباسهای برهنه در صفحهٔ تلویزیون ظاهر می شوند. مطبوعات افغانستان قسمت از جسم زنان را می پوشاند و این عمل زیاده تر توجه بیننده را بخود جلب میکند . اطفال از قصه ها و کلمات هنرمندان و لباس هنرپیشه ها در زندگی خود استفاده و تقلید میکنند.³³⁹

میدیا و وسائل دستجمعی و سریال ها و افلام و گیم های الکترونی در محیط غیر اسلامی بوجود آمده و کارکنان آن غیر مسلمان می باشند و ممکن است بعض برنامه ها برای جامعهٔ غربی و غیر اسلامی مفید باشد و اما برای جامعهٔ اسلامی از نظر عقیده و اخلاق و روش اجتماعی غیر مناسب می باشد. در اکثر کشور های غربی خصوصاً در امریکا برنامه هایی غیر اخلاقی و جنسی قواعد و قوانین خاص دارد و

339 . الإعلام و التوعیة الأسریة فی المجتمع الجزائری /
www.mobt3ath.com/uplode/book/book-2142pdf, and:www.alukah.net, and :
https://edu.sa/colleges.com و همچنان دیده شود : محمد عطیات عبدالله ، أثر برامج التلفزيون
على الأطفال ، مجلة رسالة المعلم العدد 3 ص 52.

بدون اجازه‌ای والدین اطفال از آن استفاده کرده نمی‌توانند و حتی بزرگسالان نیز باید در مقابل مشاهده‌ای آن یکمقدار پول بپردازند اما متأسفانه در افغانستان کنترل بالای وسائل اجتماعی نیست و خانواده‌ها فلم‌های سکس را بدون مراقبت و پرداخت مالی مشاهده می‌کنند و از جانب دیگر ملحدین و دشمنان اسلام از بین خود مسلمانان و بزبان خود افغانها برنامه‌های تخریب‌کننده دارند و این برنامه‌ها تأثیرات منفی خود را بالای عقاید دینی و روش اخلاقی و اجتماعی جامعه گذاشته است. عده‌ای از افغانها در نتیجه برنامه‌های مخالف اسلام در اصل قرآن کریم و تفاسیر و احادیث صحیح رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و شخصیت صحابه بنظر شک می‌بینند. برای حل و جلوگیری معضله اخلاقی و دینی و وظیفه مؤسسات تربیوی و دولت و علما است تا برنامه‌های خوب برای نسل جوان و اطفال در داخل کشور آماده سازند و سریال و فلم‌های خارجی را قبل از نمایش سانسور نمایند که متأسفانه با استفاده از کلمه دیموکراسی غربی میدیا در افغانستان و در اکثر کشورهای اسلامی بدون مراقبت است و سریال‌ها و فلم‌ها و بازی‌های الکترونی نقش مؤسسات تربیوی را احساستر و مشکلتر از گذشته ساخته است.

چهارم - فشار رسم و روجهای قدیم بالای اطفال: هر جامعه رسم و رواج‌های خاص بخود دارد و حتی در کشور واحد رسم و رواجها از یک منطقه تا منطقه‌ای دیگر تفاوت می‌کند. رسم و رواج از میراث گذشته‌گان است و رابطه مستقیم با فرهنگ و ثقافت مردم دارد. متأسفانه رسم و رواج باندازه‌ای در جامعه حاکمیت دارد که در بسا موارد جای دین را گرفته و مردم تصور کرده‌اند که جزء از دین است و مشکل هم از همین نقطه آغاز می‌شود. انسان به طبیعت بشری که دارد مقلد است و تصور میکند که آنچه گذشته‌گان انجام می‌دادند باید حفظ و از آن متابعت شود. قرآن کریم در چندین آیه تقلید از رسم و رواج گذشته‌گان را مزمتم می‌کند و حکایت میکند که مردم به اسلام به دلیل اینکه از رسم و رواج‌های گذشته‌گان شان نمی‌خواهستند انحراف و دوری کنند ایمان نیآوردند.

بعض عادت و رسم و رواج‌های که در عصرهای گذشته در جامعه بود ممکن در همان عصر قابل پذیرش و تطبیق بود اما در عصر حاضر غیر قابل قبول و پذیرش است و از جانب دیگر بعض عادات در کشورهای اسلامی و افغانستان مطابقت به اصل دین ندارد. نسل معاصر در بین عادت قدیم و روش معاصر زندانی شده‌اند و از جانی دیگر

رسم و رواج های قدیم مانند زنجیر مانع پیشرفت و تغییر اوضاع جدید جهان اسلام شده است.

بطور مثال از رسم و رواج ما است که اگر کسی وفات میکند باید چهل روز سوگواری باشیم و لباس سیاه بپوشیم و خوشی نکنیم و در عروسی و محافل خوشی اشتراک نمائیم و اگر عروسی در پیش داریم باید آنرا کنسل نمائیم این یک رواج غیر معقول است که از میراث و فرهنگ غلط باقی مانده و تطبیق و پیروی آن در عصر حاضر مشکلات زیاد را برای نسل جوان ایجاد می کند. عدم عقد نکاح در بین دو عید از رسم و رواج ما است و این عادت باندازه قوت یافته که مردم آنرا حکم دین تصور کرده اند در حالیکه اصل شرعی ندارد. فسخ نامزدی در عادات ما شرم و خجالت است در صورتیکه یک عمل قانونی میباشد و در آن عیب نیست.

مشکل بزرگ پیروی از رسم و رواج زندانی شدن عقل است و برای آزادی عقل قطع رابطه با میراث فرهنگی و ثقافت میراثی حتمی و ضروری میباشد و به عبارت دیگر قطع رابطه با ثقافت و فرهنگ نامعقول و بازگشت به فرهنگ و ثقافت معقول فکر و عقل انسان را از قید آزاد می سازد.

امام محمد الغزالی پاک سازی فرهنگ و ثقافت مسلمانان را که متأسفانه دین شناخته شده و وظیفه مهم دانشمندان می داند برای ارتقاء فکری و نزدیکی مسلمانان به دین دعوت به پاک سازی فرهنگ و ثقافت که اصل دین را مغشوش ساخته و بیرون کردن آنچه از کتاب و سنت نیست و داخل فرهنگ معاصر اسلامی شده می نماید.

علامه یوسف القرضاوی در تفسیر آیه مبارکه «أولو کان آباؤهم لا یعقلون شیئاً و لا یهتدون» (البقرة: 170). در حالیکه پدران شان چیزی را نمی فهمیدند و نه راه راست (به سوی ایمان و هدایت یافته بودند). می نویسد: این آیه مبارکه مسلمانان را دعوت می کند تا از نامعقولیت با اینکه از میراث گذشته گان است متابعت و پیروی نکنند. به عبارت دیگر نباید از رسم و رواجهای نامعقول پیروی شود.³⁴⁰

عصر حاضر، غیر از عصور گذشته است. والدین و بزرگان از اطفال و نو جوانان دعوت می کنند تا از متابعت و پیروی رسم و رواجهای گذشته بیرون نشوند و در

مقابل نسل جدید با فکر جدید می خواهد مطابق با عصری که زندگی دارد زندگی نماید. فشار و تصادم بین قدیم و جدید سبب می شود تا نسل جدید از نسل قدیم فاصله گیرد و ایجاد فاصله مشکلات تربیوی را در جامعه بوجود می آورد. اولیاء امور و معلمین و مؤسسات تربیوی از روش جدید پیروی کنند و آنچه در گذشته قابل اجراء و تطبیق بود و در عصر حاضر نا ممکن است باید از آن بگذرند. جامعه مهاجر افغانستان در کشورهای غربی بزرگترین مشکل شان در تطبیق و پیروی از رسم و رواجهای کهنه است و والدین اطفال شان را مجبور به پیروی آن می کنند و اطفال زمانیکه به مرحله رشد می رسند از والدین و خانواده فاصله می گیرند. برای حل این مشکل باید بین عصر جدید و قدیم توافق را بوجود آورد و آنچه در فرهنگ گذشته از عادات و رسم و رواجهای غیر معقول بود آنرا ترک و اطفال را به اساس اسلام و روش معاصر تربیه نمود.

اصول و روش تربیه در فرهنگ اسلام:

تربیه اطفال در روش تربیوی اسلام مراحل متفاوت دارد و در هر سن و سال و عصر و محیط روش تربیه تفاوت می کند. تربیه کنندگان باید فرق سن، محیط و عصر را در اصول و روش تربیه در نظر داشته باشند در غیر آن نتیجه مطلوب بدست نمی آید. در عصر حاضر تربیه مسئولیت و عمل مشترک بین خانواده و مکتب و انجمن ها و مؤسسات تربیوی است و بدون همکاری فعال بین تمام مؤسسات تربیه ثمره و نتیجه خوب ندارد. در آغاز قرن بیستم علمای تربیه و تعلیم باین عقیده و باور بودند که تربیه از ولادت طفل شروع می شود اما بعداً در اثر تجربه ها باین نتیجه رسیدند که تربیه در رحم مادر بعد از یکصد و بیست روز شروع می شود. در این مرحله مادر متوجه تربیه بدنی و صحی و فکری جنین در رحم باشد. مادر برای تربیه طفل باید سپورت های مخصوص را انجام دهد و در تناول غذاء توجه داشته باشد و حتی در ماه مبارک رمضان روزه نگیرد تا طفل ناقص بوجود نیاید. مادر از کشیدن سگرت و تناول الکل در زمان حمل خود داری کند زیرا مواد مخدره آسیب بزرگ را در تکوین جسم و عقل طفل وارد میکند. مادر کتاب های اطفال را روی شکمش گذاشته با صدای بلند بخواند و تجربه به اثبات رسانیده که طفل صدای مادر را می شنود.

اسلام چهارده قرن قبل تربیه طفل را قبل از ازدواج معرفی کرد و دختران و پسران را در انتخاب شریک زندگی که بعداً مادران و پدران می شوند و مسئولیت تربیه اطفال را

میداشته باشند متوجه ساخت. زن پاکدان در بطن خود نطفه پاک مرد را پرورش می دهد و پاکدامنی و تقوی والدین اثر مستقیم در تربیه طفل دارد. در فصل انتخاب شریک زندگی اشاره شد که بهترین صفت در انتخاب شریک زندگی دینداری است. در بین علوم معاصر، علم وراثت، علم مستقل است. علم وراثت به اثبات می رساند که طفل اخلاق و دانش و صفات ذاتی را از مادر و پدر بیولوژیکی اش به میراث می گیرد. رنگ، طول، زیبایی و صفات باطنی و ظاهری از والدین به طفل انتقال می نماید. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم انسانها را به معادن تشبیه می کنند و می فرمایند که معدن خوب و خیر و زشت و شر وجود دارد و انسان باید از معدن خیر شریک زندگی خود را انتخاب نماید و اضافه می نمایند که مرد برای نطفه اش زن خوب را انتخاب کند زیرا اولاد مانند خاله ها و ماما های شان می باشند. حضرت عمر رضی الله عنه در جواب سؤال از حق اولاد بالای پدر می گوید: در اختیار مادرش توجه نماید و نام نیک را برایش انتخاب کند و قرآن را برایش تعلیم بدهد.³⁴¹

جوانانیکه عزم و اراده ازدواج و داشتن اطفال را دارند باید متوجه انتخاب شریک زندگی باشند. والدین خصوصاً مادر مدرسه اول برای طفل است و طفل تربیه و تعلیم را نخست در مدرسه خانه می آموزد و ممکن نیست مادر و پدر که پابندی به اسلام نداشته باشند بتوانند اطفال نیک را برای جامعه تربیه نمایند.

تربیه مراحل متفاوت و روش مختلف را نظر به رشد فیزیکی و عقلی طفل دارد و والدین باید مراحل سن و رشد فکری و عقلی طفل را در تربیه مد نظر داشته باشند و نباید برای طفل موضوعات درس داده شود که برای جوانان داده میشود زیرا عقلیت طفل نمی تواند آنرا بپذیرد و آنچه برای طفل در مرحله طفولیت لازم است برای جوانان لزوم ندارد لذا والدین باید درجه بندی را مراعات نمایند. تربیه انواع و اقسام متعدد دارد که در مجموع شخصیت انسان را می سازد و در این قسمت به مهمترین اقسام آن اشاره می شود.

اول — تربیه ایمانی و عقائدی: رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می فرمایند: «کل مولود یولد علی الفطرة فأبواه یمجسانه أو یهودانه أو ینصرانه». هر مولد یا طفل به فطرت ایمان تولد می شود و پدران و مادران ایشانرا یهودی و عیسوی و آتش پرست

تربیه می کنند. حدیث مبارک نشان میدهد که ایمان اصل و فطرت در وجود انسان است لذا وظیفه تربیه ایمانی اساس اول تربیه را می سازد. همچنان حدیث مبارک اهمیت تربیه کننده را نشان میدهد. والدین هستند که طفل شانرا با ایمان و بی ایمان تربیه می کنند به معنی دیگر تربیه کننده چه والدین و معلم و مؤسسات تربیوی نقش اساسی را در تربیه طفل دارند و باید والدین که اطفال شانرا به کودکستانها و یا نزد اشخاص برای حفاظت می سپارند متوجه این اصل باشند و در انتخاب مربی اطفال اصل ایمانداری را در نظر داشته باشند.

مقصد از تربیه ایمان ارتباط طفل به اصول و مبادی ایمان و ارکان اسلام و حلال و حرام است. حدیث جبرئیل علیه السلام که امام بخاری در صحیح اش زیر عنوان «کتاب ایمان» آورده بهترین تعریف از ایمان است.

حدیث ابو هریره (رضی الله عنه) که گفت: روزی رسول الله صلی الله علیه و سلم در بین مردم حضور داشتند مردی نزد آنجناب (علیه السلام) آمد و گفت که ایمان چیست؟ آنحضرت علیه السلام فرمودند: «ایمان آنست که به خداوند، به فرشتگان او، به ملاقی شدن با او تعالی و به پیامبران او اعتقاد و ایمان داشته باشی و زنده شدن بعد از مرگ را باور کنی».³⁴²

حدیث شریف در مورد ایمان به خداوند و فرشتگان و ملاقی شدن و ایمان به پیامبران و زنده شدن بعد از مرگ را بیان میکند و توضیح این امور از وظیفه والدین و معلمین است تا طفل را از معانی اجمالی عناصر ایمان مطلع سازند و نباید تنها به ذکر آن اکتفاء شود. جای دارد تا برای اهداف تربیه ایمان و اسلامی بصورت مختصر از خصوصیت ها و طبیعت اسلام و تفاوت که با ادیان دیگر دارد اشاره شود.

اسلام دین الهی است که خداوند به آن تمام ادیان را تکمیل و قوانین و شریعت ادیان گذشته را به شریعت اسلام مبدل و تکمیل ساخت و اسلام رسالت و کلام آخر خداوند برای هدایت بشریت است و بعد از اسلام دین دیگر و بعد از حضرت محمد رسول و نبی دیگر نیست. اسلام مثل سائر ادیان سماوی دو جانب دارد: عقیده و شریعت.

³⁴². لؤلؤ و مرجان، جزء اول، کتاب ایمان، ص 40.

عقیده: عبارت از فکر کلی و اجمالی و یقینی از کائنات و انسان و زندگی قبل از حیات و بعد از حیات و رابطه بین هر دو است. هدف از تطبیق عملی ارکان ایمان و اسلام اصلاح جامعه است. عقیده و شریعت یکدیگر خود را تکمیل و با هم وصل می نمایند، عقیده می خواهد تا انسان ایمان بیاورد و شریعت می خواهد تا انسان عمل صالح را انجام بدهد به عبارت دیگر عقیده انسان را با ایمان می سازد و شریعت انسان را به عمل صالح امر و رهنمائی می کند.

مهمترین خصوصیت اسلام این است که دین عالمی و انسانی است و دعوت اسلام زمان و سرحد را نمی شناسد و دین اسلام شامل و کامل همراه با قوانین است و اسلام جدائی را بین قوانین خود در زمان و مکان مختلف نمی پذیرد.

استاد و فقهی معاصر علامه مصطفی الزرقا اهداف اصلاحی و اساسی اسلام را به عبارات ذیل خلاصه می کند:

1. آزادی عقل بشر از قید تقلید و خرافات از طریق ایمان به خداوند تعالی و توجیه عقل نحو دلیل و برهان و تفکر سلیم.
2. اصلاح نفسانی و اخلاقی انسان و توجیه آن بسوی خیر و احسان و اداء و جایب.
3. اصلاح جامعه تا آرامش و امنیت و عدالت بین مردم باشد و کرامت انسانی احترام شود.³⁴³

ممکن نیست اهداف دین خداوند بدون ترجمه ای آن به واقعیت و عملکرد به سلوک و قول و عمل و تربیه افراد و تشکیل شخصیت آن بشکل عمومی تحقق یابد. عملیه آماده کردن انسان در فرهنگ اسلامی به اصطلاح تربیه یاد می شود و برای تربیه اطفال معرفی حقائق دین و تطبیق عملی آن از جانب اولیاء امور و استادان اصل قبول شده است. در عقیده اسلامی گفتار بدون عمل روش پسندیده برای تربیه نیست. تربیه زمانی نتیجه مطلوب می دهد که والدین و تربیه کنندگان آنچه می گویند به آن عمل نمایند.

اسلام خلاف تمام عقائد و ادیان بناء عقیده را به اساس تقلید گذشته گان و متابعت ایشان نمی پذیرد، قرآن کریم متابعت بدون دلیل و علم را در امور عقائد نفی میکند.

³⁴³. مصطفی الزرقا، المدخل الفقهی العام الجزء الاول، طبع نهم 1967-1968 صفحه 30.

در قرآن کریم می خوانیم: «حسبنا ما وجدنا علیه آباءنا» (المائدة: 104). گفتند: آن (دینی) که ما پدران ما را بران یافته ایم برای ما کافی است. والدین و معلمین عقائد و ایمان را با دلیل علمی و برهان عقلی به اطفال شرح دهند و روش تقلید را در عصر حاضر فراموش کنند زیرا بسیاری از اموری است که از میراث و فرهنگ جامعه و گذشته گان به میراث رسیده و متأسفانه عده آنرا دین تصور کرده اند در حالیکه هیچ ارتباط به اصل دین ندارد. تقلید کورکورانه در امور ایمان و عقائد، فساد دینداری را بوجود می آورد و فساد دینداری عقل و ذهن طفل را فاسد می سازد.

اسلام عقائد را به اساس برهان و نظرکردن به عمق و تفکر آرام در کائنات می داند و پیروان ادیان باطل را دعوت به آوردن دلیل و برهان میکند. قرآن کریم برهان و دلیل را اصل قبول عقیده و ایمان میداند و کفار را اینطور چنلج میدهد: «قل: هاتوا برهانکم إن کنتم صادقین» (البقرة: 111). بگو (ای پیغمبر) برهان آورید اگر راست می گوئید.

عقیده در اسلام با اساس علم استوار است و تسلیم شدن به اساس نادانی و کورکورانه را اسلام نمی پذیرد و قرآن کریم در دعوت به عقیده می گوید: «فاعلم أنه لا إله إلا الله» بدان که نیست معبود مگر خداوند. آیه مبارکه در شناخت و معرفت خداوند علم را اساس می داند. عده از اسلوب و روش تفکر در اثبات عقیده تشویش دارند این روش غیر اسلامی است و هیچ وقت حقائق دین مخالف با حقائق علم نمی باشد و نباید والدین و معلمین در تکوین عقائد اطفال علم را نادیده گیرند خصوصاً در عصر حاضر که اطفال از طفولیت به وسائل علمی آشنا هستند.³⁴⁴

علامه محمد الغزالی در معنی ایمان می گوید: ایمان به خداوند باین معنی است که انسان اهل معرفت او تعالی باشد و لیاقت ارتباط به خداوند را داشته باشد، انسان آماده به این امر نمی تواند باشد تا نفس خود را مذهب و روش خود را خوب نسازد. الغزالی ادامه میدهد و می گوید: دینداری فاسد تجاوز و عدوان دیگر بالای دین حق است، و این جریمه بزرگ است که امت ما در عصر حاضر در حق دین انجام میدهند. فقدان تربیه سلیم، و دینداری فاسد دنیا را به دوزخ مبدل ساخته و روابط بین انسانها را صدمه داده است. حل این است تا به حقیقت دین برگردیم، و رابطه خود را با خداوند

محکم سازیم ، نماز را با خشوع اداء نمائیم و روابط خود را با مردم به اساس تقوی و ترس خداوند و آماده گیری به لقاء او تعالی قائم نمائیم.³⁴⁵

ایمان و عقیده و در مجموع دین زمانی خراب می شود که مسلمان از فهم قرآن کریم و تدبیر به آیات آن عاجز باشد و از قرآن کریم کرده به حدیث توجه بیشتر داشته باشد . محمد الغزالی عدم فهم مسلمانان را به قرآن کریم و عدم فهم شانرا به زندگی و حیات مشکل بزرگ می داند. عدم فهم به اصل قرآن کریم و فقه آن و عدم فهم به زندگی و دنیا و مشکلات آن دین و دنیا را خراب می سازد و عامل مهم دینداری فاسد عدم فهم مسلمان به فقه قرآن کریم است.³⁴⁶

تعلیم قرآن کریم و فهم آیات آن مرجع اول برای تربیه ایمانی است. حضرت عمر رضی الله و عنه مسلمانان را امر به تدبیر به آیات قرآن کریم می نمود و نمی خواست مسلمانان به مرجع دیگر برای فهم احکام دین مراجعه نمایند و حضرت عمر رضی الله عنه در آغاز خلافت خود مسلمانان را از تعلیم حدیث منع کرد تا نشود مسلمانان بین قرآن و حدیث خلط نمایند و أم المؤمنین بی بی عائشه رضی الله عنها حضرت ابو هریره را از روایات زیاد منع کرد. حضرت عمر و بی بی عائشه خوف و ترس داشتند تا مسلمانان برای تعلیم حدیث از قرآن کریم مسافه گیرند و در نزد این دو بزرگوار قرآن اصل بود. والدین و معلمین و مؤسسات تربیوی در عصر حاضر متوجه این اصل باشند و اطفال را به قرآن کریم آشنا سازند و کوشش شود تا در برنامه های معارف قرآن شناسی گنجانیده شود تا نسل جوان به قرآن کریم آشنا و احکام آنرا در زندگی خود تطبیق عملی نمایند.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم اساس تربیه ایمانی را معرفت به صفات و اسماء الله سبحانه و تعالی و معرفت به شعبه های ایمان می داند و آنحضرت در مدت حیات شان مسلمانان را با اساس این دو قاعده تربیه نمودند و بهترین تربیه کردند. صحابه و مسلمانان قرن های اول اسلام در میدان تربیه و تعلیم از همین دو قاعده پیروی می کردند و بدون شک و تردید تربیه ایمانی با اساس معرفت و تطبیق شعبه های ایمان در زندگی یگانه راه و روش برای رسیدن به سعادت جامعه می باشد. اما

³⁴⁵ محمد الغزالی ، تراثنا الفکری فی میزان الشرع و العقل ، صفحات 89-90.

³⁴⁶ محمد الغزالی ، السنة النبویة بین أهل الفقه... و أهل الحدیث ، صفحات 21 - 33.

متأسفانه در عصر های عقب گرائی روش و اصول تربیه از این دو قاعده و دو اصل فاصله گرفت و در نتیجه آن مسلمانان از تربیه ایمانی و عقیده دور شدند. دانشمندان معاصر اسلامی در ارتباط تربیه با اسماء الله الحسنى تا اندازه کار نموده اند اما کار شان در عصر حاضر کافی نیست و جهد بیشتر را در این ساحه از نسل جوان می خواهد. در این اوخرا استاد گرامی جناب دکتور عبدالستار سیرت تحقیق جدید را در اسماء الحسنى به طبع رسانیدند این تحقیق برای محققین جوان افغانستان که بزبان عربی آشنائی ندارند فوق العاده مفید و قابل استفاده است اما ارتباط اسماء الحسنى با تربیه ایمانی و عقیده تحقیقات بیشتر را می خواهد و امید است محصلین و محصولات پوهنتون های افغانستان در رابطه بین اسماء الحسنى و تربیه عقیده تی و ایمانی تحقیق بیشتر نمایند.³⁴⁷

در تربیه ایمانی و عقیده مسلمانان معاصر تنها اکتفاء به اصل ایمان دارند و شعبه های ایمان که اساس تربیه را در روش تربیوی اسلام می سازد فراموش شده است. تربیه ایمانی بدون معرفت به شعبه های ایمان و تطبیق عملی آن در حیات مسلمانان نا ممکن است و این اصل متأسفانه در منهج و برنامه های تعلیم و تربیه در اکثر کشور های اسلامی موجود نیست.

شعب ایمان یا شعبه های ایمان :

از ابو هریره رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «الإيمان بضع وسبعون - أو بضع وستون - شعبة ، فأفضلها قول : لا إله إلا الله ، و أدناها أماطة الأذى عن الطريق ، و الحياء شعبة من الإيمان».³⁴⁸ از رسول خدا صلی الله علیه و سلم روایت شده که ایمان هفتاد و چند شاخه - یا شست و چند - است که برترین آنها کلمه توحید و پایین ترین شان برداشتن موجبات آزار از سر راه است و حياء نیز شاخه از ایمان است.³⁴⁹ رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در رأس شعبه های ایمان توحید که

³⁴⁷ . پروفیسور داکتر عبدالستار سیرت ، شرح مختصر اسماء الحسنى ، طبع اول 2017 میلادی ، ولایات متحده امریکا.

³⁴⁸ . اخرجہ البخاری ، کتاب الإیمان ، باب أمور الإیمان (1/11) رقم (9) و مسلم : کتاب الإیمان ، باب شعب الإیمان (1/63) رقم (35)

³⁴⁹ . مهدی احمد پور و دیگران ، صفحات 288-291.

اساس عقیده است و پایین ترین آن که برداشتن موجبات آزار از سر راه است و در وسط حیاء را نام بردند. اگر از بین شعبه ایمان تنها همین سه شعبه در اصول تربیه گنجانیده شود بسیاری از مشکلات تربیوی حل می شود.

صاحب الفتح، شعب «شعبه های» ایمان را به 96 شعبه خلاصه می کند مثلیکه در حدیث شریف ذکر یافته است و در روایت دوم به 97 شعبه شعب ایمان شامل اعمال قلب و اعمال لسان و اعمال بدن است.

اعمال قلب: عبارت از معتقدات و نیت است که شامل 24 خصلت است، اعلی آن ایمان به خداوند و توحید او تعالی و تنزیه و اینکه مثل او تعالی چیزی نیست و از توحید خیر صادر می شود.

اعمال لسان: 7 است که شامل دعا، ذکر، استغفار و دوری کردن از لغو یعنی سخنان بی فائده میباشد.

اعمال بدن: 38 است: پاکی یا طهارت، طعام دادن، عزت مهمان، تربیه اولاد، صلۀ رحم، جواب دادن سلام، حمد گفتن در وقت عطسه، نرساندن ضرر برای مردم، اجتناب از لهو و دور کردن چیزهای که برای مردم ضرر دارد از روی زمین. و در مورد شعبه های ایمان رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می فرمایند: مسلمان آنچه را برای خود دوست دارد باید برای برادر مسلمانان خود نیز دوست داشته باشد و آنچه را انسان برای خود نمی پسندد باید برای مسلمانان نیز نخواهد. بروالدین و احترام شان شعبه از ایمان است. صلۀ رحم شعبه از ایمان است. اخلاق با شعبات آن شعبه از ایمان است و ایمان بدون اخلاق و اخلاق بدون ایمان نیست. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در مورد حیاء و رابطه آن با ایمان می فرمایند: «الحیاء و الإیمان قرناء جمیعا فإذا رفع احدهما رفع الآخر». حیاء و ایمان با هم یکجا اند و اگر یکی از این دو برداشته شود دیگر آن نیز برداشته می شود. عدم ضرر رساندن به همسایه شعبه از ایمان است. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می فرمایند: «والله لا یؤمن، والله لا یؤمن، والله لا یؤمن».

الشعبة: القطعة من الشئ والمراد الخصلة، شعبه یعنی یک قطعه از یک شیء و مراد از آن خصلت است

قیل: من یا رسول الله؟ قال: الذی لا یأمن جاره بوائقه». رسول اکرم صلی الله علیه و سلم سه بار به خداوند قسم یاد می کنند و بعد از قسم می گویند ایمان ندارد. پرسیدند کی یا رسول الله؟ فرمودند کسیکه همسایه اش از او به آمان نباشد. گفتن خیر و یا سکوت کردن از لغو شعبه از ایمان است. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در این مورد می فرماید: «من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر فلیقل خیرا أو لیصمت». کسیکه به خدا و روز آخرت ایمان دارد یا خیر بگوید و یا سکوت کند.³⁵⁰ و می فرماید: «لا یزنی الزانی حین یزنی و هو مؤمن، و لا یسرق السارق حین یسرق و هو مؤمن، و لا یشرب الخمر حین یشربها و هو مؤمن». زنا کار در وقت زنا مؤمن نمی باشد، دزد در وقت دزدی مؤمن نمی باشد، شراب خور در وقت نوشیدن شراب مؤمن نمی باشد. احادیث رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فضائل یا فضیلت های اخلاقی را با ایمان ارتباط می دهد و اخلاق را حاصل و ثمره ایمان می شمارد و مسلمانان را دعوت به فضیلت های اخلاقی می کند.

متأسفانه در جوامع اسلامی اکثر مسلمانان با اینکه مؤمن و صاحب ایمان هستند یا از شعبه های ایمان خبر ندارند و یا آنرا جزء ایمان حساب نمی کنند و یا میدانند و حساب هم می کنند اما در حیات خود تطبیق عملی نمی کنند. ایمان یک اصل ثابت است و امام ابو حنیفه باین باور است که ایمان اصل ثابت است و زیاد و کم نمیشود و لیکن امامان مذاهب دیگر باین عقیده و باور هستند که ایمان در نتیجه اعمال نیکو زیاد و در نتیجه اعمال زشت کم میشود. نظر دوم، ایمان زیاد و کم میشود، نسبت به نظریه اول قوت و رجحت بیشتر دارد. ایمان دو نوع است: ایمان مطلق و ایمان کامل «مطلق الإیمان و کامل الإیمان». مسلمانان همه ایمان مطلق دارند و لیکن عده هم هستند که کامل ایمان نیستند.

توحید تنها اقرار به زبان نیست و بودن منافقین در گذشته و هستند امروز که بزبان کلمه توحید را می گویند و اما در قلب مؤمن نیستند. مراد از توحید ایمان کامل و یقین ثابت به ربوبیت و یقین به قلب و گفتن به زبان و عمل کردن به اعضای بدن است. برداشتن آنچه سبب آزار مردم در راه می شود تربیه برای نظافت شهر و جامعه است و یکی از اسباب ناپاکی و نجاست در کشور های اسلامی عدم اهتمام مردم به شعبه ای

از شعبات ایمان است اگر مسلمان تربیه ایمانی صحیح شود یقین است که کشور های اسلامی پاک و منزه می باشد. صلۀ رحم در اکثر خانواده وجود ندارد. دوست داشتن آنچه را انسان برای خود دارد برای دیگران نیز دوست داشته باشد در عصر حاضر وجود ندارد. احترام والدین و حمایت شان در اکثر کشور های اسلامی نسبت به گذشته کمتر شده. حیاء انسان را از اعمال زشت و قبیح حفاظت می کند. علماء می گویند که حیاء اشتقاق یافته از حیات. المواردی در باب «أدب الدنيا و الدین» می گوید که حیاء در انسان سه وجه دارد: حیاء انسان از خداوند متعال، حیاء انسان از مردم و حیاء از نفس خود.³⁵¹

علامه محمد الغزالی در مسأله شعبه های ایمان می گوید: آیا این شعبه ها عبارت از مجموعه ای است که بالای یکدیگر گذاشته شده؟ آیا عبارت از موادی است که شخص از بازار خریده و در صندوق بالای یکدیگر گذاشته؟ یا اینکه شعبه های متفاوت و خطرناک و با ارزش است که هر کدام آن بصورت منظم و خوب بالای هم به ترتیب گذاشته شده است؟.

شبکه های که شعب ایمان از آن تکوین یافته شباهت به نقشه دارد که برای اداره یک وزارت خانه و یا یکی از مؤسسات که در آن مدیر و همکاران و عاملین و مراقبین وجود دارند و بین آنها رابطه و علاقه و نظام فرستادن و استقبال و اجراءات و نتایج موجود است. شعب ایمان که به دهها میرسد شباهت به موتوری دارد که دارای هیكل یعنی بادی، تیر، چوکی، تانک ذخیره پترول و غیره و سائل است و هر وسیله و وظیفه خاص و ارزش خود را میداشته باشد.³⁵² مقصد از علامه الغزالی این است که شعبه های ایمان یکی با دیگر ارتباط مستقیم دارد و ما نمی توانیم یک شعبه را از شعبه دیگر جدا سازیم به عبارت دیگر همه در مجموع وحدت متکامل را می سازند و به عبارت دیگر ایمان را کامل می نماید و اگر یکی از شعبه های ایمان را برداریم باقی شعبه ها ناقص و منهدم می گردد.

³⁵¹ المواردی أبی الحسن علی بن محمد بن حبیب البصری البغدادی، أدب الدنيا و الدین، صفحات 181-182، <https://archive.com/book.php/565/>، and : www.isnad.info/2018/04/01/، and : <https://al-mostafa.info/data/araic/deport/gap.php?file=m012492>.
³⁵² الدكتور یوسف القرضاوی، الشیخ الغزالی کما عرفته، ص 277.

اسلام ظن را در امور عقائد نمی پذیرد و قبول عقیده را از روی علم و یقین می خواهد و به همین منظور قرآن کریم عقائد نصاری را که باساس ظن استوار است نفی می کند. قرآن کریم در مورد ظن می گوید: « ما لهم به من علم إلا اتباع الظن » (النساء: 157). و به جز پیروی از گمان کدام علمی در آن ندارند. ظن مغایر حقیقت است در حالیکه ایمان با علم در اکثر آیات قرآن کریم یکجا ذکر یافته و این دلیل بر آن است که علم برای ایمان و ایمان برای علم ضرور است و علم بدون ایمان و ایمان بدون علم دینداری را فاسد می سازد. در جهان بسیار علماء هستند که ایمان و تقوی ندارند و هستند کسانی که ایمان دارند اما علم ندارند. والدین و مؤسسات تربیوی در تربیه ایمانی اطفال اصل علم را فراموش نفرمایند و ایمان را با علم یکجا تدریس نمایند.

ایمان انسان را به مقام عالی ارتقاء می دهد و انسان مؤمن احساس و شعور به عزت و کرامت می کند. خداوند سبحانه و تعالی عزت مؤمن را با عزت خود یکجا ذکر می کند و میفرماید: « و لله العزة و لرسوله و للمؤمنین » (المنافقون: 8) عزت از خداوند و از رسول و مؤمنین است. ایمان برای انسان کرامت و حریت و سربلندی و استقلال می دهد. در قرآن کریم می خوانیم: « و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا » (النساء: 141). و هرگز خداوند راهی را برای کافران جهت تسلط بر مؤمنان باز نخواهد کرد.

رابطه ایمان با عمل: در قرآن کریم ایمان با عمل صالح یکجا ذکر شده و در روش قرآن کریم عمل بیانگر ایمان و اعتقاد به آن است. مؤسسات تربیوی نسل معاصر را قسمی تربیه کنند تا ایمان را با عمل یکجا سازند. نا ممکن است مسلمانان در امور دین موفق باشند تا اینکه امور دنیا را ندانند و دین و دنیا را با هم یکجا نسازند. قائم نمودن یا ارتباط دادن ایمان با عمل کار آسان و ساده نیست و جهد زیاد را از مؤسسه خانه و سائر مؤسسات تربیوی می خواهد. عمل کرد به اساس ایمان را والدین و استادان عملاً به نسل جوان تدریس و نشان دهند و اما متأسفانه ایمانداری اکثر مسلمانان ایمانداری ظاهری است و با عمل مطابقت ندارد. طفل از عملکرد تا گفتار بیشتر استفاده و می آموزد و اگر عمل معلمین و والدین و صاحبان میدیا و امامان مساجد خلاف آنچه می گویند باشد اطفال در حالت بی نظمی زندگی میداشته باشند و بطرف نفاق میروند و تصور می کنند که اسلام دین نفاق است.

دانشمندان و محققین در ساحت فرهنگ و ثقافت اسلامی کوشش نمایند آنچه از اسلام و از ایمان نیست و داخل اسلام و ایمان شده و مردم آنرا اسلام تصور کرده اند تحقیق بیشتر نمایند و زیادت و اضافت را از دین جدا سازند. متأسفانه بسیار موضوعات در فرهنگ و ثقافت میراثی ما است که ارتباط به دین ندارد اما دین شناخته شده. امروز در جهان اسلام ما دو دین داریم: دین اسلام که خداوند برای رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرستاده و دین مردم. متأسفانه در اکثر جوامع اسلامی دین مردم نسبت به دین خداوند تسلط و قوت بیشتر دارد.

فکر غلط از دین و دینداری فاسد، فکر و عقل و روش مسلمانان را صدمه زده است. محمد الغزالی خدمات قابل قدر در این ساحت انجام داده است و در کتابهای خود کوشش نموده تا فکر غلط دینی و دینداری فاسد را اصلاح و تصحیح کند و بهترین کتب او در این ساحت عبارت است از: الإسلام و الأوضاع...، الإسلام و المناهج...، الإسلام و الأستبداد... تأملات فی الدین و الحیاة... لیس من الإسلام... کیف نفهم الإسلام... و غیره میباشد.

الغزالی می نویسد: زمانیکه به عبادات آسمانی نظر می اندازیم می بینیم که اداء آن در یک شب و روز زیادتر از نصف ساعت را نمی گیرد و تمام تعلیمات آن در یک و یا دو صفحه خلاصه میشود، و باقی وقت کافی برای فهم زندگی و کشف کائنات و تسخیر آن برای خدمت انسان است و هر جهد در این ساحت در شریعت عمل صالح، جهاد مبرور که ضمن ایمان است و سعی و کوشش در فهم کائنات انسان را آماده بخشش و عفو خداوند می کند. در قرآن کریم می خوانیم: «فمن يعمل من الصالحات و هو مؤمن فلا کفران لسعیه و إن له کاتبون» (الأنبیاء: 94). پس هر که بکند کارهای شایسته و او مؤمن باشد پس ناقبولی نه بود سعی او را و هر آئینه برای او می نویسیم. الغزالی اضافه میکند که صالحات را داس دهقان و سوزن خیاط و قلم نویسنده و طیب و دواء ساز و صنعت کار و کارگر تحقق می بخشد و بدون عمل صالحات دنیا ترقی نمی کند و ممکن نیست دنیا آباد و جامعه موفق باشد و مردم در امور دنیا ناکام و نادان باشند. اگر به دقت به جامعه اسلامی نظر اندازیم ملاحظه می نمائیم که مسلمانان در تمام ساحات زندگی عقب مانده اند. الغزالی ادامه داده می نویسد: روسها به قریه ای در افغانستان حمله کردن و آنرا منهدم ساختند و اسلحه کیمیای

استعمل کردند و اما قربانیان آن خاموش ماندند و مسلمانان خبر آنرا شنیدند بدون اینکه آنرا درک و احساس کنند.³⁵³

الغزالی نظام تربیوی را در کشورهای اسلامی و نزد مسلمانان بشدت انتقاد می کند و می گوید نزد مسلمانان سیاست برای تربیه دینی نیست و از ده ها سال باین طرف ثقافت دینی از تعلیمات عمومی جدا ساخته شده است و اخیراً مسلمانان درک کردن و یک ساعت را در برنامه های مرحله ابتدائی به مسائل دینی اختصاص دادند. اگر ایمان در قلوب زرع و کشت شود نتیجه و حاصل مشابه آنرا بدست می آوریم و اما اگر ایمان از میدان تربیه جدا ساخته شود ، روش و سلوک تفاوت کلی می نماید. افلاس مربی و مسلمانان سبب خذلان امت است.³⁵⁴

تربیه دینی در عصر حاضر میتود جدید را می خواهد و در اصول تربیه جدید لازم است دین را با دنیا ارتباط داد . در عصر حاضر اطفال و نوجوانان سؤالات زیاد در امور دینی و ایمانی و اعتقادی دارند و ممکن نیست در عصر حاضر نسل جوان را از تحقیق و پرس و پال منع کرد. در برنامه های تعلیمی و تربیه ای معاصر ایمان با عمل و عمل با ایمان باید یکجا تدریس شود و به هر اندازه که دانش و علم اطفال و جوانان بلند شود بهمان اندازه درجه ایمان شان نیز بلند می شود. ایمان بدون علم و تقلید از گذشته گان و پیروی از فرهنگ و ثقافت میراثی که ارتباط به اصل دین ندارد نسل معاصر را به گمراهی می کشاند. برای رسیدن و تحقق بخشیدن اهداف ایمانی و عقیده تی ضرورت است تا والدین کورس های تعلیمات دینی را بگیرند و در امور دین معلومات جدید بدست آورند و اسلام را در منزل و حیات روزمره تطبیق عملی نمایند.

مواد درسی در تمام تخصصات در افغانستان تجدید نظر را می خواهد خصوصاً آنچه به ایمان و عقیده تعلق و ارتباط دارد . کتب درسی علوم اسلامی که در افغانستان تدریس می شود احتیاجات و ضروریات فکری و عقلی نسل جدید را رفع نمی کند. استادان مدارس و پوهنتون ها احتیاج و ضرورت به تعلیمات اسلامی معاصر دارند و وزارت تعلیم و تربیه و تعلیمات عالی مسئولیت بلند بردن سویه علمی و دینی استادان را دارند . در سالهای اخیر مضمونی در تمام پوهنحی ها در پوهنتونهای

³⁵³. الدكتور یوسف القرضاوی ، الشیخ الغزالی کمال عرفته ، صفحات 271-275.

³⁵⁴. محمد الغزالی ، کیف نفهم الإسلام ، صفحات 135-137.

افغانستان بنام «ثقافت اسلامی» تدریس می شود، من این مضمون را مطالعه نمودم متأسفانه بسویه پوهنتون نیست و موضوعات که برای مضمون ثقافت اسلامی انتخاب شده مشکلات معاصر مردم افغانستان را حل و فصل نمی کند و محصلین و محصلات را وادار به تحقیق بیشتر نمی سازد از بودن این مضمون نبودن آن مفیدتر است زیرا در موجودیت مضمون ثقافت اسلامی بصورت امروزی آن جوانان به این خیال و فکر می شوند که ثقافت اسلامی همین است که برای شان تدریس می شود. مشکل دیگر عدم تطابق و توافق بین نظریات اسلامی و اعمال مردم در جامعه است. جامعه اسلامی بطور عموم و جامعه افغانی بصورت خاص در نتیجه جنگها و اشغال نظامی و فکر الحادی کمونست و بعداً اشغال نظامی و فکری غرب و عدم موفقیت احزاب جهادی در تطبیق برنامه های اسلامی از فکر اصیل اسلامی فاصله گرفته است و مسلمانان به مریضی های اخلاقی که منافی اسلام است مبتلاء شدند اند که در نتیجه آن ایمان مردم ضعیف شد و تا حرکت تصحیح دینی و ایمانی و اعتقادی آغاز نشود و مریضی های اخلاقی امت اسلامی معالجه نشود و مسلمانان بین اخلاق و زندگی و بین دین و دنیا توافق و جمع را نیآورند تربیه ایمانی و عقیده تی نتیجه خوب نخواهد داشت.

دوم - تربیه عملی ارکان اسلام :

عمل کرد به ارکان اسلام نتیجه ایمان است و گفتیم که ایمان بدون عمل نیست. حدیث جبرئیل علیه السلام که قبلاً آورده شد قسمت اول در مورد ایمان است و قسمت دوم آن در مورد تربیه عملی ارکان اسلام می باشد. قسمت دوم حدیث مبارک اینطور آغاز می شود: (آنمرد) گفت: اسلام چیست؟ (آنجناب علیه السلام) فرمودند: «اسلام آنست که او تعالی را عبادت و پرستش نمائی و باو شریک نیاوری، نماز را بر پا بداری، زکات مفروضه را ادا کنی و در ماه رمضان روزه گیری».

حدیث طلحه بن عبیدالله که گفت: مردی سر برهنه که از اهل نجد بود بحضور رسول الله صلی الله علیه و سلم آمد که انعکاس صدایش شنیده میشد اما فهمیده نمی شد که چه می گوید، تا اینکه (با جناب علیه السلام) نزدیک شد و از اسلام میپرسید، پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «پنجوقت نماز در یک شبانه روز» پس گفت: آیا غیر

ازین بالایم چیزی لازم است؟ (آنجناب علیه السلام) فرمودند: «نی مگر اینکه نماز نفل بخوانی» و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «روزه داشتن ماه رمضان» گفت: آیا غیر ازین بالایم چیزی لازم است؟ (آنحضرت علیه السلام) فرمودند: «نی، مگر اینکه (روزه) نفل بگیری» (طلحه رضی الله عنه) گفت: پیامبر صلی الله علیه وسلم ادای زکات را برایش یاد آور شدند (آنمرد) گفت: آیا غیر از آن بدمه ام چیزی لازم است؟ فرمودند: «نی، مگر اینکه صدقه نفلی بدهی».³⁵⁵

اولین تربیه عملی در نظام اسلام تربیه و تعلیم نماز است. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم تربیه و تعلیم نماز را از طفولیت بالای والدین و معلمین واجب می داند. در حدیث مبارک می خوانیم: «مروا اولادکم بالصلاة لسبع، و اضربوهم علیها لعشر، و فرقوا بینهم فی المضاجع»³⁵⁶ تعلیم نماز باساس امر رسول اکرم صلی الله علیه وسلم از طفولیت آغاز و تا سن هفت سالگی بروش نصیحت و ارشادات میباشند و والدین در این مرحله طفل را تشویق به نماز و حفظ سوره های قرآن کریم می کنند. طفل در این مرحله قدرت حفظ را بیشتر دارد. و بعد از سن ده اگر طفل نماز نمی خواند والدین حق استفاده از فشار فیزیکی را دارند. اما سؤال درین است که آیا والدین در عصر حاضر می توانند اطفال شانرا بزنند؟ آیا قوانین مدنی این اجازه را میدهد؟ خصوصاً اگر خانواده های مسلمان در کشور های غیر اسلامی زندگی داشته باشند زیرا قوانین این کشور ها زدن طفل را به هر دلیل که باشد جرم و اعتداء بالای انسان می دانند و دولت طفل را از پدر و مادر جدا میسازد. قوانین اسلامی برای جامعه ای اسلامی و در کشور های اسلامی قابل اجراء میباشند و مسلمانان اجازه ندارد تا قوانین اسلامی را در کشور های غیر اسلامی تطبیق نمایند و متأسفانه اکثر قوانین اسلامی در کشور های اسلامی در عصر حاضر تطبیق عملی ندارد

در تاریخ صدر اسلام مسلمانان مصلحت را در بعض اوقات بالاتر از همه امور دیگر می دانستند. حضرت عمر رضی الله موافق عجیت را در تطبیق احکام اسلامی داشتند بطور مثال: در سال گرسنگی که بنام «عام المجاعة» یاد می شود حاضر نشدند دست دزد را قطع کند به دلیل اینکه انسان به سبب گرسنگی دزدی می کند. در

³⁵⁵. لؤلؤ و مرجان، جزء اول، ص 42.

³⁵⁶. محمود مهدی الإسلستانبولی، تحفة العروس، ص 268.

مسأله جزیه که عبارت از مقدار مال است که از غیر مسلمانان به همان مقدار که از مسلمانان زکات گرفته میشد حاصل می شد. بعض قبائل عرب از عمر خواستند تا جزیه را از ایشان بنام مالیه که از مسلمانان گرفته میشود اخذ نماید. عمر رضی الله عنه قبول کرد و در جواب مخالفین اش گفت به هر نام که می دهند مهم نیست و مهم این است که حق دولت را بدهند. در قانون اسلام زمین های مناطق که فتح می شد یک حصه آن از حق فاتحین بود اما عمر قبول نکرد که زمین های عراق را تقسیم کند. صحابه با تصمیم عمر مخالفت کردند و او را متهم به خلاف رفتاری از قانون نمودند و عمر در جواب شان گفت که من مطابق قانون عمل می کنم و مصلحت امت را بالاتر می دانم. در تربیه نماز نیز امروز فشار فزینگی نا ممکن است و می شود از موافق حضرت عمر و از فقه مصلحت و فقه اولویت در این مورد نیز پیروی کرد.³⁵⁷

تربیه عملی اسلام ارتباط مستقیم به تربیه ایمانی دارد و ایمان تهداب و اساس تربیه عملی اسلام است. خانواده، مسجد، مکتب و مدرسه در مرحله نخست طفل را تربیه ایمانی نمایند و طفل را از مفهوم عبادات با خبر سازند و طفل باید قناعت کند که چرا عبادت میکند؟ و کی را عبادت میکند؟ و نتیجه عبادت او در زندگی دنیوی و اخروی اش چیست؟ و تا طفل هدف از عبادت را نداند و از نتیجه عبادت نفهمد ممکن است تا یک مرحله نماز بخواند لیکن در سن رشد از عبادات بطور عموم و نماز بصورت خاص دوری می کند و ما عملاً در زندگی اطفال خود می بینیم که در طفولیت نماز خوان بودند و اما در سن جوانی بی نماز.

در سن طفولیت عموماً اطفال مقلد هستند و روش زندگی را از والدین تقلید می کنند و در سن مکتب از معلمین تقلید می شود. والدین که نماز نخوانند و به مسجد نروند، طفل نماز و سائر عبادات را از کی آموزد و از کی تقلید کند. در مکتب اگر نماز عملاً درس داده نشود و معلم اطفال را تعلیم نماز و وضوء ندهد و در داخل مکتب جماعت نشود طفل نماز و سائر عبادات را نمی آموزد و در سهای نظری به تنهایی برای تربیه عملی ارکان اسلام کافی نیست و متأسفانه در مکاتب معارف افغانستان درس عملی ارکان اسلام وجود ندارد و تعلیمات بطور عمومی نظری است.

³⁵⁷. فضل غنی مجددی، مطالعه تمهیدی عصر رسالت و خلافت راشده، فصل عمر بن الخطاب.

نماز در ادبیات زبان به معنی دعا است که شامل رکوع و سجده به نیت تعظیم به مقام رب العالمین و دعا میباشد. هدف اصلی از نماز تحقق رابطه بین بنده و خالق است. جامعه انسانی ضرورت و احتیاج به قوت روحی و نفسانی و معنوی دارد و نماز یگانه وسیله است که انسانرا قوت روحی و نفسانی می دهد و در نهایت جامعه را اصلاح می سازد. از ناحیه روانی و نفسانی در اداء نماز روح انسان به رب العالمین نزدیک و انسان از اینکه برای خالق خود سجده می کند لذت می برد و روحاً احساس میکند که با خداوند حرف می زند.³⁵⁸

تربیه ارکان اسلام که نماز رکن اول آن است زمانی مفید تمام میشود که والدین و معلمین ارکان و مبادی اسلام را با مبادی اخلاق یکجا تعلیم دهند تا طفل احساس کند که نماز و ارکان عملی اسلام از او چه میخواهد. عبادات که اسلام فرض ساخته و آنرا ضمن ارکان ایمان آورده اعمال مبهم نیست که انسان را با عالم غیب و مجهول ارتباط دهد و همچنان اعمال و حرکات بی معنی و مجهول نیست. عبادات و فرائض که اسلام مسلمانان را به اداء آن ملزم می سازد به هدف احیاء اخلاق صحیح میباشد و انسان می آموزد که در تمام حالات و تغییرات محیط و جامعه باید متصف به اخلاق عالی اسلامی باشد. ممکن طفل بدون اینکه اهداف عبادات را درک کند نماز بخواند و حرکات نماز را بخوبی تکرار و انجام دهد و در ظاهر با کمال خشوع ایستاده شود لیکن همه این اعمال و افعال برای سلامت عقیده و یقین و رسیدن به هدف کافی نباشد و از طفل انسان خوب نسازد. رسول اکرم صلی الله علیه سلم در جواب سؤال شخص که پرسید: یا رسول الله... یک خانم بسیار نماز می خواند و زیاد روزه می گیرد و بسیار صدقه می دهد اما همسایه اش را با زبان اذیت آزار می رساند؟ رسول اکرم جواب دادند: «این خانم در آتش» است. عبادات که انسان را مانع اذیت و آزار مردم نسازد برای انسان هیچ فائده نمی رساند.

حکمت از نماز را قرآن کریم باین معنی می آورد: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ، إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (العنکبوت:45). و بر پا دار نماز را هر آئینه نماز منع می کند از کار بی حیائی و فعل ناپسندیده. دوری از رذایل و پاکی از قول و عمل زشت حقیقت نماز است. والدین و معلمین و مؤسسات تربیوی لازم است فرضیت نماز را ارتباط به

هدف آن دهند و زمانیکه اطفال و نوجوانان هدف از نماز خواندن را بدانند یقین است که در اداء آن کوشش و سعی می نمایند و اما اگر امر به نماز خواندن شوند و هدف از نماز را ندانند ممکن برای یک مدت نماز بخوانند لیکن هرگز ادامه نمی دهند و ما این تجربه را با اولاد خود و اولادهای دیگران داریم. تعلیم نماز مستلزم تعلیم قرآن کریم و سنت نبوی شریف است. والدین از طفولیت کوشش نمایند تا اولاد شان خواندن قرآن کریم را با تجوید بیاموزند و در مدارس معلمین کوشش نمایند تا اطفال بیشتر به آیات قرآن کریم و سنت نبوی آشنا شوند زیرا نماز خواندن بدون حفظ بعض آیات قرآن کریم و معرفت به سنت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم ناممکن است. در تعلیم قرآن کریم و سنت نبوی شریف ادب تلاوت قرآن کریم بسیار مهم است.

ادب با قرآن کریم: مسلمان باید ایمان کامل داشته باشد که قرآن کریم کلام خداوند و برای هدایت بشر نازل شده. در ادب قرآن کریم لازم است اطفال بیاموزند تا قرآن کریم را با طهارت و با وقار تلاوت نمایند، نباید قرآن کریم را بسرعت تلاوت کرد و در وقت تلاوت باید با خشوع بود. و در وقت تلاوت نباید از معنی و هدف آیات غافل شد. بعد از مرحله تلاوت صحیح و حفظ بعض آیات مرحله فهم به آیات قرآن کریم شروع میشود. صحابه می گویند که سه آیت را می خواندیم و اولاً خواندن آنرا و بعداً معنی آنرا و در مرحله سوم به آن عمل میکردیم و بعد از عمل کردن و فهمیدن به آیه چهارم می رفتیم. روش صحابه در تعلیم و ادب با قرآن کریم بهترین نمونه برای تربیه اولاد و تعلیم اسلام در عصر حاضر است و مراحل چهارگانه که صحابه برای تعلیم و فهم و تطبیق آیات قرآن کریم داشتند در عصر حاضر بهترین منهج و روش برای فهم و حفظ و تعلیم و عمل کرد به احکام قرآن کریم میباشد.

ادب با سنت: انسان با رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و سنت مطهره با ادب باشد و ایمان داشته باشد که اطاعت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم واجب است و سنت های عملی رسول الله صلی الله علیه و سلم تعلیم نماز است. مشکل عده از مردم در فهم سنت است، تعدادی بین سنت و سیرت و حدیث فرق را نمی دانند و عدم علم به سنت و

شناخت تفاوت بین سنت و سیرت و حدیث مشکل بزرگ را در ساحت تربیه عملی اسلام بوجود آورده است و عده سیرت را مکان سنت می گیرند.³⁵⁹

روزه و حج و زکات عبادات عملی در اسلام است. در مرحله طفولیت و حتی در مرحله رسیدن به بلوغ ضرور نیست تمام ارکان حج و روزه و زکات تدریس شود به دلیل اینکه ارکان تفصیلی عبادات از قدرت ذهنی طفل بالاتر است اما اطفال باید تا یک اندازه از فرائض معلومات ابتدائی داشته باشند. در سن طفولیت نباید بالای اطفال فشار آورده شود که روزه بگیرند و اگر می گیرند برای چند ساعت در روز و به هدف تمرین و تعلیم باشد نه به هدف تطبیق فرضیت روزه زیرا روزه بالای اطفال فرض نیست. والدین و معلمین زیادتر وقت شانرا به تعلیم نماز و حفظ و تلاوت و فهم قرآن کریم و سنت های عملی و روش اخلاقی حضرت محمد صلی الله علیه و سلم و شرح احوال صحابه و صالحین صرف نمایند و کوشش نمایند اطفال را از اخلاق و روش بزرگان اسلام با خبر سازند و تعلیم و تربیه به روشی باشد که اطفال بزرگان اسلام را نمونه و قدوه حسنه برای خود انتخاب کنند.

شرح حلال و حرام و دوری از حرام بهترین وسیله برای تربیه است. حلال و حرام تنها در مورد خوردن و نوشیدن نیست و هر آنچه به ضرر انسان باشد حرام است و هر آنچه به نفع انسان باشد حلال است. در تعلیم حلال و حرام نباید مساحت حلال را ضیق و مساحت حرام را بزرگتر نشان داد و زندگی را برای مردم سخت و تنگ ساخت زیرا حلال در اسلام بسیار زیاد و حرام کم است. در وقت خرید مواد غذایی والدین برای اطفال شان راجع به موادیکه می خرند معلومات بدهند و معلوماتیکه در عقب پاکت و یا صندوق تحریر شده برای اطفال بخوانند. والدین عملاً حلال و حرام را به اطفال شان درس بدهند و اگر والدین خودشان حلال و حرام را احترام نکنند و حدود آنها مراعات ننمایند اولاد های شان در قسمت حلال و حرام بی تفاوت می باشند. مثلاً اگر پدر رشوت بگیرد و سود بدهد و یا سود بگیرد و سرمایه خود را پنهان کند و خانه به اسم شخص دیگر بخرد و خودش آنها کرایه نماید و سرمایه های که دارد بنام دیگران ثبت کند تا از کمک های دولتی استفاده نماید و یا اینکه خود را مریض نشان دهد تا

³⁵⁹ برای معلومات بیشتر از سنت و سیرت مراجعه شود به: فضل غنی مجددی، مطالعه تمهیدی در سنت و حدیث نبوی صلی الله علیه و سلم، جلد اول. و همچنان: الدكتور یوسف القرضاوی، کیف تتعامل مع السنة النبویة.

پول مریضی را دریافت کند، مثلیکه امروز در غرب مسلمانان این کار می کنند در این حالت نسل جوان به حلال و حرام اهمیت نمی دهد.

بهترین کتاب برای تعلیم حلال و حرام کتاب علامه دکتور یوسف القرضاوی بنام «حلال و حرام» میباشد و این کتاب به تمام زبانها و حتی فارسی نیز ترجمه شده است. مساجد نقش و رول مهم را در تربیه عملی ارکان اسلام در جوامع اسلامی دارد اما متأسفانه اکثر مساجد رسالت شانرا فراموش کرده اند. مسجد رسالت بزرگ را در تربیه نسل معاصر اسلامی دارد. وظیفه بزرگان در جامعه اسلامی است تا رسالت مسجد را احیاء کنند و مسجد را مرکز علم و دانش قسمیکه بود بسازند. مساجد در کشور های اسلامی در اداء مسئولیت های تربیوی نسل جوان مسلمان ناکام استند و اکثر امامان و مسئولین مساجد مامورین دولت میباشدند و هر چه دولت بخواهد آنرا عملی می نمایند. والدین با تمام مشکلات و مسئولیت های که در زندگی دارند سعی کنند چند نماز را با اطفال شان در مسجد با جماعت اداء کنند و این روش برای تربیه عملی و ذهنی طفل بسیار مفید می باشد و تجربه ها نشان داده طفلی که رابطه با مسجد دارد بهتر از اطفال هستند که از مسجد و نماز جماعت دور اند.

تربیه آداب اجتماعی :

اسلام دین اجتماع و فرد را تربیه اجتماعی می نماید تا بتواند با جامعه زندگی داشته باشد و حقوق افراد جامعه را احترام و عنصر فعال و مفید برای جامعه باشد. عدم تربیه اجتماعی و عدم مراعات آداب اجتماعی جامعه را بسوی بدبختی و بی نظمی میرساند. آداب اجتماعی در ادبیات دینی قابل تجزیه و تقسیم نیست و مسلمان مکلف است تا آداب اجتماعی اسلام را در مجموع مراعات کند. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم مرحله اول دعوت شان تربیه اجتماعی امت بود و روش و اسلوب فوق العاده مهم و متین را برای تربیه اجتماعی از خود بجا گذاشتند و در مدت کوتاه مسلمانان را تربیه اجتماعی نمودند و صحابه بهترین مثال از تربیه رسول اکرم صلی الله علیه و سلم میباشدند. حیات صحابه برای مسلمانان قدوه و نمونه خوب برای تربیه اجتماعی است و به هر کدام از صحابه که اقتداء شود انسان به منزل مقصود می رسد.

اول - آداب سلام دادن :

از وظیفه والدین و معلمین است تا اطفال را تعلیم و تربیه سلام دادن را بدهند. سلام دادن در فرهنگ اسلام عبادت و ذکر است نه رسم و رواج فرهنگی و ثقافتی. در کتب سیرت و حدیث باب مستقل در مورد سلام دادن است و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم مسلمانان امر به دادن سلام می نماید.

ابوهریره رضی الله عنه روایت میکند که از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم شنیدم که میفرمودند: «مسلمان بر مسلمان پنج حق دارد: جواب سلام، عیادت مریض، عقب جنازه رفتن، قبول دعوت و جواب عطسه (یرحمک الله). در حدیث دیگر ابوهریره رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «سوار بر پیاده، پیاده رو بر شخص نشسته و (نفر) کم بر (نفر) بسیار سلام بدهند».

بهتر است تا بزرگسالان برای اطفال سلام بدهند و این بهترین روش برای تربیه و آموختن آداب سلام است. حضرت انس بن مالک رضی الله عنه می گوید: که او نزد اطفالی گذشت و بر ایشان سلام داد و گفت: نبی صلی الله علیه و سلم همچنان می کردند. حضرت انس می گوید که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم زمانی که با اطفال رو برو میشدند اولتر از ایشان سلام می کرد.³⁶⁰

در عصر حاضر مسلمانان در کشور های غیر اسلامی زندگی دارند و همچنان در کشور های اسلامی غیر مسلمانان نیز اقامت دائمی و یا مؤقت دارند. از واجب مسلمانان است تا اطفال شانرا تعلیم دهند که برای مسلمانان و غیر مسلمانان سلام بدهند و سلام دادن از اخلاق اسلامی است و در شریعت اسلامی سلام دادن برای غیر مسلمان جواز دارد. فضیلت مآب دکتور یوسف القرضاوی در دادن سلام برای غیر مسلمان می گوید:

در اسلام برای کافر سلام دادن جواز دارد و مانع در آن نیست و واجب است تا با غیر مسلمان رفتار نیکو داشته باشیم و سلام دادن از جمله اعمال نیکو است. روزی در مجلس صحابه حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنهم هم نشسته بود که شخص مجوسی (آتش پرست) گذشت و برای حاضرین سلام داد. حضرت عبدالله بن عباس در

³⁶⁰. لؤلؤ و مرجان جلد سوم، صفحات 68-69.

مقابل برایش اینطور جواب داد: و علیکم و السلام و رحمة الله و برکاته. صحابه با لهجه خشمگین گفتند: رحمت خداوند بالای مجوسی؟ حضرت عبدالله گفت: آیا مجوس به رحمت خدا زندگی ندارد؟ و اگر رحمت خدا نباشد میتواند به زندگی خود ادامه بدهد؟ پس اگر در سلام دادن برای مجوسی و آنها بطریقه پسندیده جواز باشد، پس چطور به اهل کتاب جواز نباشد.³⁶¹ در بین مردم عادت شده که در وقت سلام دادن بایکدیگر دست می دهند این روش با اینکه از فرهنگ غرب به فرهنگ اسلامی داخل شده است بین مردان جواز دارد و اما بین زن و مرد نامحرم صحیح نیست. در جامعه زنانی هستند که نمی خواهند با مردان غیر محرم دست بدهند لذا مردان این آداب را باید مراعات نمایند.³⁶²

دوم — تربیه خوردن غذاء و نوشیدن:

هدف از خوردن و نوشیدن در اسلام پرکردن معده نیست. خوردن و نوشیدن در اسلام نوعی از انواع عبادت است و اسلام آداب خاص را برای خوردن و نوشیدن وضع کرده که مختصراً بیان می شود:

1. شستن دستان قبل از شروع به خوردن غذاء.
2. گفتن بسم الله در آغاز و گفتن الحمد لله در آخر. روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم بعد از ختم غذاء می گفتند: «الحمد لله الذی أطعمنا و سقانا و جعلنا مسلمین». شکر خداوند که ما را طعام داد و نوشیدنی داد و ساخت ما را از جمله مسلمین.
3. نباید طعام را اگر خوش هم نداشته باشیم ناپسندیده تعریف و برای آن عیب سراغ کنیم.
4. طعام را بدست راست تناول و خورد زیرا نان خوردن به دست راست پیروی از سنت است.
5. استفاده از وسائل نانخوری مانند کارد و قاشق و پنجه و نشستن بدور میز طعام خوری مانع در آن نیست و مسلمانان در مجالس عمومی واجب است از این وسائل استفاده کنند و حاضرین مجلس را در وقت خوردن طعام احترام

³⁶¹ دکتر یوسف القرضاوی به جواب سؤال مسلمانان در امریکا، کسیت ثبت شده.

³⁶² فضل غنی مجددی، خانواده در اسلام، صفحه 219.

نمایند. نشستن بروی زمین و خوردن با دست از جمله عادات و رسم و روجهای شرق اسلامی است و صبغهٔ دینی ندارد و نباید عادات نان خوردن خود را دین معرفی کرد.

در آداب طعام خوردن علامه محمد الغزالی می گوید: بعض عادات و رسم و روجها را مردم بوجود آورده اند که بیرون شدن از آن برای شان مشکل است. رسم و رواجها و عادات از ساختار بشر است در حالیکه عبادات از طرف خداوند سبحانه و تعالی تعیین شده. عدهٔ از محققین غیر مسلمان در آداب طعام بین رسم و روجهای مسلمانان و حقیقت آداب طعام خوردن در اسلام را فرق کرده نتوانستند مثلاً عالم هندی می نویسد: باید طعام را در روی زمین گذاشت نه بالای میز و در وقت خوردن طعام مربع نشست و نباید از چوکی استفاده کرد و باید همه مردم از یک ظرف نان بخورند و چند نفر در یک ظرف شریک باشند. بسیاری از گفتار این عالم هندی حقیقت ندارد.

خوردن در زمین و جلوس بالای کرسی یا چوکی، از یک ظرف چند نفر نان خوردن همه جائز است. قول که استفاده از کارد در وقت نان خوردن جائز نیست در دین اصل ندارد و حدیث که ابو داود در منع آن آورده و از أم المؤمنین عایشه روایت شده سند آن قابل قبول نیست.³⁶³

از آداب طعام خوردن است که انسان به همان اندازه که می خورد نان بگیرد و اگر در مجلس است مراعات مهمانان را در گرفتن طعام داشته باشد و در فکر این باشد که غذاء برای همه برسد و همچنان نباید آنقدر بگیرد که باقی آن به زباله انداخته شود زیرا اسراف در اسلام حرام است.

سوم — آداب اجازه گرفتن:

اجازه گرفتن در اسلام آداب خاص دارد و وظیفه ای والدین و استادان و امامان مساجد است تا اطفال را به آداب اجازه گرفتن آشنا سازند. قرآن کریم در سوره النور آداب اجازه را به تفصیل شرح میدهد اما متأسفانه مسلمانان از آن استفاده نمی کنند. سوره النور آداب اجازه را در مراحل مختلف سن اینطور بیان می کند:

³⁶³ محمد الغزالی، السنة النبویة بین أهل الفقه و الحدیث، صفحات 102-104.

- مرحله قبل از بلوغ: در این مرحله اطفال تعلیم داده شوند که در سه وقت بدون اجازه به اطاق خواب والدین داخل نشوند: قبل از نماز صبح، وقت ظهر و بعد از نماز خفتن. زیرا ممکن است در این اوقات که وقت استراحت است والدین در وضعیت باشند که نباید اطفال ببینند.
 - در مرحله جوانی: در این مرحله در هیچ وقت اطفال حق داخل شدن به اطاق والدین و دیگران را بدون اجازه ندارند.
- آموختن و آموزش سنت‌ها و یا روش اجازه گرفتن برای اطفال فوق العاده مهم است، والدین و معلمین و امامان در تعلیم روش اجازه برای اطفال توجه خاص داشته باشند. مهمترین روش اجازه را میتوان به جملات ذیل خلاصه کرد:

1. بعد از اجازه باید سلام داده شود و در ندادن اجازه انسان داخل اطاق و یا مجلس نشود.
2. کسیکه اجازه داخل شدن را می‌خواهد باید خود را معرفی کند. بعض اشخاص هستند که در عقب دروازه خود را معرفی نمی‌کنند و در عصر حاضر زمانی که انسان تیلیفون میکند نخست خود را معرفی کند و بعداً سلام بدهد.
3. در وقت دروازه زدن اگر صاحب خانه اجازه ای داخل شدن نداد انسان آزرده نشود و برگردد و این حکم قرآن کریم است. انسان اجازه ندارد بدون گرفتن اجازه داخل منزل غیر از منزل خود شود. در شرایط عصر حاضر پسندیده است تا قبل از رفتن به دیدن کسی قبلاً تیلیفونی اجازه خواسته شود.

چهارم — آداب لباس:

در مورد لباس جامعه اسلامی خصوصاً نسل معاصر مشکلات زیاد دارند و عده از جوانان تصور و خیال کرده اند که دستار، کلاه، چلتار و لباس دراز عربی و لباس افغانی، لباس اسلامی است و لباسهای که از غرب به کشورهای اسلامی رسیده صیغه دینی ندارد. لباس در فرهنگ اسلامی عبارت از ستر عورت است نه بیشتر از آن. علامه محمد الغزالی برای فهم بیشتر جوانان تحقیق در مورد لباس نموده و باین نتیجه رسیده: احادیث که در مورد لباس امام ترمذی و ابو داود روایت کرده اند صحت ندارد. علامه شیخ محمد حامد الفقی می نویسد که در فضیلت دستار یک حدیث صحیح نیامده است. الغزالی اضافه میکند که چادر سفید عربی و لباس دراز عربی شعار و علامه اسلام نیست بلکه رسم و رواج منطقه میباشد.

در انتخاب لباس باید شرایط محیط زیست مراعات شود و از اسراف و تبذیر جلوگیری گردد و در کشور های خارجی بهتر است اطفال مسلمانان همان لباس را بپوشند که در آنجا رواج دارد. لباس مردها مطابق شرایط کارشان باشد و مهم این است که قشنگ و نظیف و رنگهای لباس با یکدیگر بخواند. عبد الله بن عباس رضی الله عنهما روایت میکند که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم همیشه لباس های قشنگ و نظیف را بر تن داشتند.

خانواده ها برای اطفال شان در مورد لباس افغانی باید توضیح دهند که لباس ملی ما است نه شعار دین اسلام و پوشیدن لباس های ملی در مراسم و روز های ملی مانع در آن نیست. امام ابن تیمیه در تفسیر النحل در مورد لباس می گوید: لباس دو نفع دارد: زینت و ستر عورت برای انسان ، وقایت از گرمی و سردی. در سورة الاعراف خداوند از لباس به کلمه زینت یاد کرده است. امروز در بین جوانان لباسهای رواج یافته که ستر عورت در آن مراعات نمیشود و والدین و معلمین و امامان مساجد متوجه این موضوع باشند و کوشش شود تا ثقافت و فکر جوانان (دختر و پسر) در مورد لباس اصلاح شود.³⁶⁴

تربیه لباس برای دختران بسیار مهم و با اهمیت است و والدین در مورد انتخاب لباس برای دختران توجه بیشتر داشته باشند زیرا حجاب برای دختر مسلمان از جمله فرائض دین است. در مسأله حجاب خانواده ها متوجه باشند که حجاب زیر فشار نا ممکن است و در کابل زمانیکه من در آنجا بودم دختران بعض خانواده ها از منزل با حجاب اسلامی بیرون می شدند و بعد از یک مسافه چادران شانرا بر می داشتند. تربیه لباس در آنزمان به روش اخلاق اسلامی نبود بلکه به شکل و عرف مردم بود بطور مثال والدین برای دختران شان می گفتند که در حضور بزرگان چادر بپوشند بخاطری که عیب است. دختران تصور و خیال می کردند که پوشاندن سر بخاطر عیب و احترام بزرگ است و تصور و خیال می شد که در عدم حضور بزرگان مانع در بی حجابی نیست. این روش تربیوی در عصر حاضر باید تغییر کند و در انتخاب لباس روش اسلام به اطفال معرفی و تعلیم داده شود. مادران و سالمندان خانواده و معلمات و استادان

³⁶⁴ محمد الغزالی ، همان مرجع ، صفحات 44 و 105-110. و همچنان: فضل غنی مجددی ، مرجع

پوهنتونها و مسئولین ادارات دولتی نمونه از مودیل اسلامی در انتخاب لباس باشند. در بعض کشور های اسلامی زنان متوجه قشنگی و زیبایی حجاب نیستند و تصور کرده اند که حجاب یعنی عدم توجه به رنگ و قشنگی لباس است و بعض لباسهای که بنام حجاب رواج یافته سبب مسخره دختران جوان شده است. الحمد لله لباس حجاب اسلامی در غرب بین دختران مسلمان فوق العاده رونق یافته و مؤسسات مودیل لباس اسلامی تشکیل شده و امید است مؤسسات نسوان در داخل افغانستان از تجربه های موفق دختران مسلمان در غرب استفاده کنند و در نشر لباس اعتدال مد نظر باشد.

پنجم — آداب مجلس :

مجلس آداب مخصوص دارد و والدین و مؤسسات تربیوی در تعلیم آداب مجلس توجه بیشتر داشته باشند و آداب مجلس را ضمن برنامه هایی تعلیمی در مدارس داخل سازند. در این جا به مهمترین آداب مجلس اشاره شده و تفصیلات را به خانواده ها و معلمین و معلمات می گذاریم:

1. سلام دادن در وقت داخل شدن به مجلس.
2. نشستن در جای که صاحب خانه از مهمان می خواهد زیرا صاحب خانه به اسرار خانه اش بهتر میداند. متأسفانه اکثراً مهمانان به حرف صاحب خانه برای انتخاب مکان جلوس توجه ندارند و این یک عیب و عدم فهم و بی احترامی به رأی صاحب مجلس و صاحب منزل است.
3. در وقت داخل شدن به مجلس هر جا مکان خالی بود نشست و نباید در وسط مجلس جلوس کرد.
4. در بین دو نفر بدون اجازه شان نباید نشست.
5. در مجلس دو نفر حق ندارند در گوش یکدیگر حرف بزنند و این عمل خلاف آداب مجلس است.
6. در وقت خارج شدن از مجلس اجازه صاحب خانه و صاحب مجلس گرفته شود.
7. شخصی که از جای اش برای یک ضرورت بیرون میشود شخص دیگر مکان او را اشغال نکند.

8. در ختم مجلس برای صاحب خانه دعا شود و دعای ختم مجلس گناهان که در جریان مجلس پیش شده باشد پاک می کند.³⁶⁵

مسئولیت تربیه نفسانی و روانی طفل :

الف - حس خجالت کشیدن: اکثر اطفال افغان در طفولیت خجل هستند و در فرهنگ افغانی باید طفل خجالت بکشد و اگر نه بی ادب میباشد و این روش غیر علمی و اسلامی است که در جوامع اسلامی رواج دارد. بین حیاء و خجل فرق زیاد است و نباید خجالت کشیدن طفل را حیاء تعریف کرد. خجالت کشیدن در مرحله طفولیت یک نوع مرض روانی و نفسانی است که باید والدین و مؤسسات تربیوی در علاج آن بکوشند و برای رفع این مشکل معلمین نقش برآورنده را دارند. معلمین برای طفل حق سخنرانی و مناقشه آزاد را در داخل صنف درسی بدهند و همچنان والدین برای اطفال شان حق مناقشه را در امور منزل قائل باشند و در حضور مهمانان اطفال شانرا تحقیر نکنند و اجازه بدهند داخل دایره ادب حرف خود را بزنند.

ب - حس ترس: واقعات اخیر افغانستان اطفال را ترسناک ساخته. حس ترس مانند خجالت یک نوع مریضی روانی میباشد. در بین خانواده رواج است که اطفال شانرا از معلم و مدیر مکتب و پولیس می ترسانند و بعض اوقات از اشیائی غیر واقعی اطفال را می ترسانند مثلاً می گویند بلا آمد ترا می خورد و جن ترا می زند. ترس سبب عقب ماندن فکری و روابط اجتماعی اطفال می شود.

ج - حس حقارت: در بعض خانواده حقارت طفل و مردم یک نوع بازی و خوشگذارنی شده و بزرگان برای اینکه خود را نسبت به اطفال بلند نشان بدهند ایشانرا حقارت می کنند. تحقیر و اهانت کردن اثر منفی را در تربیه اطفال دارد و طفل در سن رشد نیز حساس به حقارت و سرافگنی می کند. والدین و استادان از سن طفولیت اطفال متوجه این امر خطیر باشند. زمانیکه ما شاگرد مکتب بودیم بعض معلمین شاگردان را تحقیر می کردند بطور مثال معلم از شاگرد میخواست بالای چوکی ایستاده و بوت خود را به دندان محکم بگیرد و یا با یک پا برای یک ساعت درسی در مقابل شاگردان ایستاده باشد. این اعمال حس حقارت را در وجود طفل زیاد می سازد و شاگرد در

³⁶⁵ عبدالله ناصح علوان، مرجع سابق، صفحات 445-447. و همچنان: فضل غنی مجددی، مرجع

مقابل همصنفان خود حقیر میشود. مدیر مکتب بعض اوقات شاگرد را در وقت لین شدن صبح چوب کاری می کرد این اعمال سبب میشود که طفل در مرحله بلوغ حقیر و از دیگران انتقام گیرد.

در جامعه ای افغانستان هر قدر طفل بزرگ شود و به درجات عالی برسد نزد بزرگسالان به نظر طفل دیده می شوند و برایش می گویند خاموش باش تا دیروز بینی ات را پاک کرده نمی توانستی و امروز حرف کلان می زنی. اگر یک طفل در مرحله طفولیت یک عمل را انجام داده باشد نباید در حضور دوستان و همقطرانیش یاد شود و بزرگان بدانند که نصیحت کردن طفل در حضور دیگران اهانت است.

تربیه اخلاقی :

علم عقائد و علم اخلاق دو موضوع است که مسلمانان از قدیم الزمان آن را در زیر یک عنوان مطالعه می کردند. انبیاء علیهم السلام عقائد و اخلاق را اساس دعوت خود می دانستند. عقائد و قوانین یعنی تشریحات جایگاه خاص و مهم را در مطالعات اسلامی اخذ موقع نمود و تا جای رسید که مذاهب فقهی تأسیس و تدوین شد. موضوع و عنوان اخلاق در تمام فروع معرفت اسلامی داخل شد و تمام معارف اسلامی را دانشمندان از قرن دوم هجری با اخلاق یکجا مورد مطالعه و بحث قرار دادند که این روش اهمیت اخلاق را در فرهنگ و معارف اسلامی نمایانگر است.

از قرن دوم هجری امامان و دانشمندان اسلام کتاب های مستقل را که ارتباط به خلق (اخلاق نیکو) و روش و سلوک داشت تألیف کردند مثل کتاب «الزهد» از علامه بوکیع بن الجراح شیخ امام احمد (197) و کتاب «الزهد و الرقائق» از امام عبدالله بن مبارک (181) و کتاب «الزهد» از امام احمد بن حنبل (241) و کتاب «الأدب المفرد» از امام بخاری (256). خوشبختانه استاد عبدالعلی نور احراری کتاب الأدب المفرد را به زبان دری در سال 2017 ترجمه و به طبع رسانید و استاد دکتور عبدالستار سیرت قبل از طبع آنرا مراجعه نمودند. بزرگان همه عنوان زهد را برای کتب خود انتخاب نمودند و زهد نزد شان به معنی روش و سلوک اخلاقی بود.

چند قرن بعد دانشمندان مسلمان هر کدام اخلاق را در دایره تخصص خود تعریف و تحلیل علمی کردند. فلاسفه اخلاق را بعد فلسفی دادند و از طریق فلسفه موضوع اخلاق را بررسی و مطالعه کردند. مهمترین دانشمندان که اخلاق را از زاویه فلسفه

مورد مطالعه قرار دادند عبارتند از: ابو نصر الفارابی، ابو علی ابن سینا و ابو علی احمد بن محمد مسکویه و این اخیر از مشهورترین فلاسفه اسلام به حساب می آید. مسکویه عنایت و توجه خاص به مطالعات اخلاق داشت و کتاب مستقل را به عنوان «تهدیب الأخلاق» تألیف کرد. فارابی و ابن سینا و مسکویه سعادت را در زهد و اخلاق می دیدند و مسکویه در کتاب معروف دیگرش بنام «النور الأصغر» از اخلاق، عدالت و زهد حرف می زند.³⁶⁶

در بین دانشمندان بزرگ جهان اسلام ابو القاسم الراغب الأصفهانی (502هـ) امتیاز فوق العاده دارد. او قبل از هر چیز دیگر به اسلامیت خود و اینکه اسلام بالاترین همه افکار و فلسفه ها است اعتقاد داشت. الراغب جانب عقلانی را در ساحة مطالعات اخلاقی باز ساخت و کتاب معروف خود را بنام «مکارم الشریعة» به طبع رسانید. این کتاب روش عقلانی اسلامی را می سازد و میتوان گفت که تهداب و اساس عقل مسلمان است خصوصاً مسلمانان سنی مذهب. الراغب در مطالعات اخلاقیات اسلامی اعتماد کامل به قرآن کریم داشت و قرآن کریم را مطالعه علمی نمود و کتاب معروفش در علوم قرآن کریم بنام «مفردات قرآن» که در ساحة مطالعات قرآن کریم مانند و مثال ندارد میباشد.

علامه الراغب تقریباً معاصر امام الغزالی بود و سه سال قبل از امام الغزالی وفات کرد. کتاب «الذریعة فی مکارم الشریعة» چنانکه از عنوان آن استنباط می شود در موضوع شریعت نیست بلکه در موضوع اخلاقیات است و مکارم را از حدیث مبارک «إنما بعثت لأتمم مکارم الأخلاق، أو صالح الأخلاق» انتخاب کرده است. عدة الراغب را متهم به شیعه بودن کردند و اما برای اثبات قول خود هیچ دلیل پیش نکردند.

در مرحله بعدی علامه شمس الدین ابو عبدالله محمد بن ابی بکر بن القیم شاگرد امام ابن تیمیه اخلاق را از زوایه تصوف مورد مطالعه قرار داد و کتاب معروف خود را بنام «زاد المعاد» و «إعلام الموقعین» و «مفتاح دار السعادة» تألیف کرد. ابن القیم اخلاق اسلامی را «الخلقیة الإسلامیة» در کتاب بزرگ اش بنام «مدارج السالکین» شرح منازل السائرین إلى مقامات، ایاک نعبد و ایاک نستعین» که از تألیف علامه ای

³⁶⁶. سایت علامه القرضاوی، الخمیس 19 رمضان 1434 هـ / 25/72013 میلادی.

حنبل‌ی صوفی معتبر ابی اسماعیل عبدالله بن محمد الهروی (481 هـ) بود تألیف کرد و در این اثر بزرگ و قابل احترام اخلاق را از زاویه تصوف اسلامی بحث نمود.

متصوفین و عارفین و صوفی‌ها توجه خاص به اخلاق و تزکیه نفس که منبع و انعکاس دهنده اخلاق است داشتند. متصوفین در مورد اخلاق می‌گویند: «تصوف خلق است، هر که در خلق برایت زیادت کرد، در تصوف برایت زیادت میکند. دین خلق است، هر که در خلق برایت زیادت کرد، برایت زیادت می‌کند در دین. متصوفین، تصوف را اخلاق و دین را نیز اخلاق می‌دانند و تصوف بدون اخلاق و دین بدون اخلاق را نمی‌پذیرند و هدف اول از علم تصوف را تزکیه نفس و ارتقاء اخلاق بنده معرفی می‌کنند.³⁶⁷

اخلاق با اینکه اهمیت فوق العاده در دین اسلام دارد لیکن جایگاه خود را در مطالعات و بحث‌های علمی مانند عقائد نیافت و در دایره مطالعات سلوک و روش و وعظ و نصیحت باقی ماند و موضوع اخلاق تا مدت طولانی در بحث و تحقیق (ابن ابی الدنیاء الخرائطی الطبرانی) که در مجموع مکارم اخلاق است باقی ماند. و به همین ترتیب در دایره تصوف اسلامی و سلوک تصوفی (الغزالی) مورد بحث بود. و همچنان در دایره فلسفی (ابن مسکویه) اخلاق بحث فلسفی شد و علم اخلاق در همین دو اثر باقی ماند و بصفه علم مستقل مانند علوم فقه و علم کلام نرسید.

علمای معاصر به علم اخلاق توجه و اهتمام بیشتر نمودند و در بین دانشمندان معاصر جمال الدین القاسمی کتاب (احیاء علوم الدین) امام الغزالی را بحث و مراجعه و تحقیق کرد و موضوع اخلاق را بحیث یک عنوان مستقل تربیوی تصنیف کرد و آنرا از علوم دینی دیگر جدا ساخت و داخل برنامه‌های تدریسی مدارس حکومتی مصر و بلاد شام ساخت. بعد از جمال الدین القاسمی، أحمد امین علم اخلاق را بصفه مضمون مستقل برای مدارس زیر عنوان «الأخلاق» آورد. بعداً احمد سعید الدجوی کتاب مهم اخلاق را بنام «فتح الاخلاق فی مکارم الاخلاق» تألیف نمود و آنرا ضمن موضوعات اسلامی در برنامه‌های تعلیمی مدارس داخل کرد. استاد محمد

³⁶⁷ فضل غنی مجددی، مراحل تکوین تصوف و حرکت اصلاحی آن، از نشرات فقه اسلامی، امریکا

عابد الجابری کتاب مهم را در موضوع اخلاق بنام «العقل الأخلاقی العرب» نوشت و این تحقیق علمی معاصر فصل جدید را در موضوع مطالعات اخلاق باز کرد.

تحقیقات اکثر دانشمندان اسلامی در موضوعات اسلامی و اخلاق اسلامی نتوانست جوابگوی حل مشکلات معاصر مسلمان باشد و مسلمانان معاصر متوجه سؤالات بیشتر در مورد اخلاق در ساحات اسلامی شدند خصوصاً در موضوع رابطه انسان با جامعه و رابطه مردم با دولت بی جواب ماند. بعد از حرکت بهار عرب که ملت های عرب علیه استبداد سیاسی و نظامهای وابسته با امریکا و همکار با اسرائیل قیام کردند و نظامهای استبدادی را سقوط دادند موضوع اخلاق اسلامی مورد بحث و اهتمام قرار گرفت و سؤالات بیشتر در مورد اخلاق مطرح شد و کشتار بی رحمانه مردم توسط حکومت های استبدادی و سکوت عده از دانشمندان و علماء سؤالات را در موضوع اخلاق اسلامی بیشتر ساخت و در مورد اینکه آیا همکاری و سکوت در مقابل نظامهای فاسد و مستبد و تحت حمایت کفر ارتباط به اخلاق دارد یا نه؟ مطرح شد.

بعد از سقوط جنبش بهار عرب و بازگشت نظامهای استبدادی، مطالعات جدید در موضوع اخلاق بین نظریه اخلاق اسلامی و اخلاق غربی صورت گرفت و استاد وائل حلاق کتاب «الدولة المستحلیة: الإسلام و السياسة و مآزق الحداثة الأخلاقی» را به طبع رسانید و بحث جدید را در موضوع اخلاق اسلامی باز کرد.

موضوع اخلاق اسلامی بعد از حرکت بهار عرب در ساحه اکادمی مرکز مهم را یافت و در ساحه اجتماعی و فلسفی و سیاسی مورد بحث و تحقیق قرار گرفت. در مارچ 2017 میلادی اولین مرکز بحث و تحقیقات اخلاقی تأسیس شد و اولین کار و فعالیت این مرکز انعقاد کنفرانس زیر عنوان «سؤال الأخلاق فی الحضارة العربیة الإسلامیة» بود. در این سمینار دانشمندان جهان اسلام هر کدام در دائره تخصص علمی خود اخلاق اسلامی را تحقیق علمی نمود. ضمن فعالیت های علمی معاصر مرکز «دراسات التشريع و الأخلاق» در سال 2012 میلادی تأسیس شد و در همین سال پوهنهی دراسات اسلامی در قطر تأسیس یافت و این مرکز اکادمی در قطر با مرکز «اکادمی علمی بریل» در هالند مجله مهم علمی را در موضوع اخلاق تأسیس نمود که یکی از بهترین مراجع برای مطالعات اخلاق است. دانشمندان معاصر اسلامی

تحقیقات شان را در این مجله علمی که بزبانهای مختلف به طبع میرسد به نشر سپردند و علمای معاصر اخلاق را با ارتباط مستقیم با قرآن کریم و از زوایای تاریخی و رابطه اخلاق با فلسفه و علم کلام و فقه بحث کردند. در اواخر قرن گذشته و اوائل قرن بیست و یکم ساحه علم اخلاق و سعیت یافت و اکثر علوم با اخلاق یکجا مورد بحث و مطالعه قرار گرفت مثل اخلاق اقتصادی ، اخلاق جنگ و صلح ، اخلاق تحقیقات و نویسندگی ، اخلاق استفاده از وسائل دستجمعی الکترونی ، اخلاق سیاسی و غیره.

در فرهنگ اسلام اخلاق با حریت و آزادی یکجا بحث می شود. حریت و آزادی اهمیت فوق العاده را برای اخلاق دارد. اخلاق فاضله برای انکشاف و تقویت خود به فضائی ملائم و حریت ضرورت دارد و در سایه آزادی فضائل اخلاقی مثل صداقت و شجاعت و صراحت و قول حق و شعور به مسئولیت و اهتمام به اداء و جایب نمو می کند و برعکس در سایه ای استبداد و ترور و طغیان و نفاق و استعمار اخلاق از نمو باز می ماند و جامعه بسوی بد اخلاقی حرکت می نماید. استاد و علامه عبدالرحمن الکوکی در کتاب خود بنام «طبائع الاستبداد» می نویسد که اکثر ذایل اخلاقی در سایه ترور فکری و استبداد سیاسی نمو می کند.³⁶⁸

اوضاع اقتصادی و حالت اجتماعی تأثیرات مثبت و منفی را بالای اخلاق مردم وارد می کند. در جامعه که فقر و ناتوانی اقتصادی باشد و عدالت اجتماعی موجود نباشد اخلاق ضعیف می گردد و مردم به طرف نفاق و جنگ و سرقت و رشوت و خیانت ملی و جاسوسی برای دیگران روی می آورند. برای حفظ اخلاق جامعه لازم است اوضاع اقتصادی اصلاح و فساد اداری و اشغال نظامی خاتمه یابد و مردم آزادانه فکر کنند و قادر به حل مشکلات اقتصادی شان باشند.

حمایت و تقویت اخلاق در قدم اول احتیاج به قدوه حسنه و غرس یا کشت فضائل و مثال عالی و معانی ایمان به خداوند و روز آخرت دارد و همچنان شعور به مسئولیت در مقابل الله سبحانه تعالی و تعاون و همکاری بین مؤسسات تعلیم و تربیه از مرحله کودکستان تا مرحله پوهنتون و ارتباط مستقیم بین مؤسسات تربیوی و تعلیمی و خانواده. برای حمایت اخلاق تربیه سلیم و ایمان کامل و قوانین ضرورت است تا آداب

عمومی و شرف و عزت مردم حفظ شود و در بعض اوقات مردم برای حمایت اخلاق جامعه به قوانین و سلطه تنفیذی ضرورت دارند.

قدوه حسنه - نمونه خوب - : بهترین نمونه در زندگی برای مسلمانان رسول اکرم صلی الله علیه و سلم است. خداوند می فرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله أسوة حسنة...» (الأحزاب: 21). هر آئینه هست شما را به پیامبر خدا نمونه خوب یا شما را به پیامبر خدا پیروی نیک. نمونه خوب در عالم تربیه و اخلاق اهمیت فوق العاده را دارد و قدوه حسنه تأثیر مستقیم در توجیه روش اخلاقی افراد جامعه میداشته باشد و قدوه حسنه اگر در زعامت سیاسی و دینی و تعلیمی و خانواده باشد نسبت به هر چیز دیگری خوب برای تربیه نسل معاصر است. زعامت سیاسی فاسد و اشغال نظامی خارجی سبب سوء اخلاق و نشر بد اخلاقی در ساحات مختلف در جوامع اسلامی و افغانستان میباشد. اگر مسائل اخلاقی را در افغانستان امروز مورد بررسی قرار بدهیم و در مورد ریشه و اسباب آن بحث نمائیم، ملاحظه می شود که فساد اداری و اشغال نظامی و جنگهای داخلی حیات اخلاقی جامعه را مختل ساخته و رشوت و ظلم و فساد اجتماعی در کشور ما عرف جامعه و اخلاق شده است.

در اسلام اخلاق از جمله ادوات و وسایل فیشن و زینت نیست که از آن صرف نظر شود بل اخلاق در اسلام اصول و اساس زندگی است و جامعه اسلامی بدون تربیه اخلاقی معنی و مفهوم ندارد. اسامه بن شریک روایت می کند که در حضور رسول الله صلی الله علیه و سلم نشسته بودیم، جماعت از مردم آمدند و گفتند: دوست داشتنی ترین بنده نزد خداوند کی است؟ رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «أحسنهم خلق» بهترین شان در اخلاق. و در جواب سؤال که کدام یک از مؤمنین کاملترین ایمان را دارد؟ فرمودند: «أحسنهم خلقاً» بهترین شان در اخلاق.³⁶⁹

اسلام به درجه اول رسالت اخلاقی است و رسول اکرم صلی الله علیه برای تکمیل اخلاق مبعوث شده بود و در این مورد رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید: «إنما بعثت لأتمم مكارم الأخلاق» مبعوث شدم برای تکمیل اخلاق.³⁷⁰ در این حدیث مبارک رسول اکرم صلی الله علیه رسالت شانرا رسالت اخلاقی معرفی کردند. اسلام

³⁶⁹ محمد الغزالی، خلق المسلم، ص 10.

³⁷⁰ الألبانی فی صحیح الجامع الصغیر برقم (2349).

بین عقیده و اخلاق رابطه را بوجود آورد و ایمان را از کسی که امانت ندارد و کسیکه همسایه اش گرسنه باشد و خودش سیر بخوابد و کسیکه دزدی کند و شراب بنوشد و صلّه رحم را قطع کند نفی و جدا ساخت. و همچنان اسلام بین عبادات و اخلاق رابطه را بوجود آورد و نتیجه عبادات را تکمیل اخلاق دانست. اسلام معاملات را با اخلاق یکجا ساخت و خلاصه اسلام تمام امور زندگی و حیات را اخلاقی ساخت و در اسلام بین اقتصاد و سیاست و جنگ و صلح و اخلاق جدائی نیست.

تربیه اخلاقی در عصر حاضر برای جامعه اسلامی و نسل جوان که آینده را می سازند از ضرورت های اولیه و فوق العاده است. جامعه اسلامی از چند قرن باین طرف مبتلاء به مریضی های اخلاقی شده و متأسفانه اولیاء امور و مؤسسات تعلیم و تربیه در اصلاح اخلاق افراد جامعه موفق نیستند. عوامل متعدد که قبلاً ذکر شد در مجموع سبب ضعف اخلاق و ایمان شده است. اخلاق و ایمان را رسول اکرم صلی الله علیه و سلم با هم یکجا می داند و اگر یکی از این دو صدمه ببیند آن دیگری نیز صدمه می بیند. اصلاح اخلاق بدون تربیه صحیح نا ممکن است و در اصلاح اخلاق و مریضی های اخلاقی اول باید مریضی های اخلاقی تشخیص و بعداً معالجه شود. علامه دکتور یوسف القرضاوی بعد از تحقیق از جوامع اسلامی باین نتیجه می رسد که جوامع اسلامی دو مشکل اساسی دارد: مشکل فکری و مشکل اخلاقی و میگوید مشکل اخلاقی یا مریضی های اخلاقی علاج اول آن در حل مشکل فکری است و اضافه می کند تا روش فکر مسلمانان اصلاح نشود مریضی های اخلاقی علاج نمی شود. القرضاوی ادامه داده می نویسد: منکرات عصر حاضر مانند غل و غش در تجارت، فرهنگ و ثقافت، سیاست، تربیه، فکر توکل، عاجز ماندن، ضعف حاصلات و موارد، عدم موجودیت صناعت، سوء استفاده از موارد طبیعی و استفاده از مخدرات در نتیجه ضعف اخلاقی امت اسلامی است و تا مریضی های اخلاقی امت معالجه نشود مشکلات مسلمانان حل نمی گردد.³⁷¹ مهمترین مریضی های اخلاقی امت اسلامی که از والدین و معلمین و مؤسسات تربیوی علاج عاجل و فوری را می خواهد عبارت انداز:

³⁷¹. جوهر آزمتنا اخلاقی، سایت القرضاوی، السبت 6 محرم 1435 هـ / 2013/11/9 میلادی.

اول — حسد و حسادات:

علما و دانشمندان عوامل حسد و حسادات را عمدتاً در سه چیز می بینند:

1. ضعف ایمان: اشخاصی که ایمان ضعیف دارند تخم های رذایل اخلاقی به سادگی و آسانی میتوانند در وجود شان رشد و نمو نمایند که در نتیجه چشم ها کور می شود، دلها سخت و گوشها حوصله ای شنیدن سخن حق را نمی داشته باشد.

2. بخل و تنگ نظری: عدم شناخت از خود، محیط و ما حول باعث ایجاد مرض بخل و تنگ نظری در انسان می شود. بخیل هر چیز را تنها برای خود می خواهد. بستر وجود انسان های انحصار طلب از محرومیت دیگران لذت می برند، زمینه بسیار خوبی برای رشد مرض حسادت می باشد.

3. خود برتر بینی و تکبر: تکبر و خود برتر بینی یکی دیگر از عوامل حسادت می باشد. انسانهای متبکر تنها خود را می خواهند.³⁷²

در اصطلاح قرآن کریم حسادات از اخلاق یهود است، و خداوند سبحانه و تعالی در مورد حسد یهود می گوید: «أم یحسدن الناس علی ما آتاهم الله من فضله» (النساء: 54) آیا آنان (یهود) به مردم (مسلمانان) حسد می ورزند به آنچه که خداوند به فضل و رحمت خود بایشان عطا فرموده است. حسد مرض بسیار خطرناک و از مهلکات به حساب می آید و قرآن کریم مسلمانان را از شر آن هوشدار میدهد و امر می کند که از حسد به خداوند پناه برند، «و من شر حاسد إذا حسد» (الفلق: 5).

حسادت در کودکان: زمانیکه کودک مورد توجه و نوازش پدر و مادر قرار می داشته باشد و با تولد طفل نو در خانواده طفل بزرگ احساس می نماید که آن توجه آهسته آهسته کم می شود از همین جاست که حس حسادات در وی رشد نموده و گاه گاهی از خود عکس العمل های نشان می دهد. والدین باید متوجه این موضوع باشند و عدالت را در تقسیم محبت و نوازش اطفال رعایت نمایند. عدم عدالت در مکتب بین شاگردان از جانب استادان حسادات را بین شاگردان بوجود می آورد. معلم تمام شاگردان را بیک نظر ببیند و بین شاگرد لائق و تنبل و بین شاگرد ثروتمند و فقیر تفاوت قائل نباشد. والدین در وصیت نامه شان عدالت را مراعات کنند زیرا عدم عدالت بین

اولادها سبب مریضی حسادت می شود و بهترین مثال حسادت بین برادران قصه حضرت یوسف علیه و السلام است.

دوم — صدق :

صدق رأس اخلاق و ایمان و مهمترین وسیله برای معرفت و خصوصیت مؤمنین صدق است و همچنان مهمترین و اساسی ترین خصلت انبیاء علیهم و السلام صدق بود.

معنی صدق: با این که این واژه هایی است که همگی با معنی آن آشنا هستیم در عین حال در میان دانشمندان در تعریف آن گفتگو های زیادی است، بعضی صدق و راست گویی را به معنی مطابقت محتوای سخن با واقعیت ذکر کرده اند، در حالی که بعضی دیگر آن را مطابقت با تشخیص و اعتقاد گوینده می دانند و از آیه شریفه سوره منافقون برای این سخن استمداد جستند.³⁷³

در ادبیات زبان صدق اسم و مصدر آن صدق است باین معنی که سخن مطابق اعتقاد و مقصد متکلم باشد. صدق ضد کذب است، مثال: صدقت القوم، گفتم راست برای قوم یا گفتم برای شان به صدق. حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه صدق را اینطور تعریف می کند: «الصدق أمانة والكذب خیانة» صدق امانت است و کذب خیانت.³⁷⁴

صدق در اصطلاح: علماء صدق را به اصطلاحات متعدد می شناسند به این معنی که صدق مطابقت به واقعیت می داشته باشد و با خبر ساختن از چیزی یا واقعه مطابق آن که واقع شده باشد. الراغب الاصفهانی در مورد اصطلاح صدق می گوید: کسیکه خبر را می آورد مطابق به قول و ضمیر او باشد و اگر یکی از این شروط موجود نباشد شخص صادق نیست و علامه صادق این است که ظاهر و باطن شخص یکی باشد و گفتار او مطابق به نیت اش باشد.³⁷⁵

مفهوم صدق: در کتاب «مقایس اللغة» آمده است که ماده صدق دلالت بر قوت یک شیء می کند خواه آن چیز کلام باشد و یا چیز دیگری و صدق، که ضد کذب یعنی دروغگویی است، هم از این ریشه می باشد چون سخن دروغ قوتی ندارد بر خلاف

³⁷³ . <https://makarem.ir> , and: www.almaany.com.ar/dict/ar/ / صدق

³⁷⁴ . www.alukah.net/sharia/0/79774

³⁷⁵ . موسوعة لأخلاق الإسلامیة و همچنان : خالد حسن محمد البعدانی / الصدق

کلام راست. ریشه و معنای این ماده، کامل بودن، عدم اختلاف با واقع و برحق بودن است و این معنا بر حسب موارد مختلف فرق می‌کند.³⁷⁶

مترادف صدق: اخلاص، درستگویی، راستگویی، صداقت.
متضاد صدق: دروغ، کذب.

برابر پارسی: راستی و درستی.³⁷⁷

اقسام صدق: صدق در نیت، صدق در قول باین معنی که شخص در سخنان و اقوال خود صادق باشد، صدق در عمل به این معنی که عمل انسان مطابق به قول او باشد به عبارت دیگر عمل و قول شخص یکی باشد.

اهمیت صدق:

1. صدق از صفات خداوند سبحانه و تعالی است «و من أصدق من الله قیلاً» (النساء: 122). و کیست که در گفتار صادقتر از خدا باشد؟

2. صدق صفت دائمی انبیاء علیهم السلام میباشد. خداوند در مورد صدق انبیاء و رسل می‌گوید: «هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلین» (یس: 52). این همان است که وعده داده بود خدای تعالی و راست گفتند پیغامبران.

3. صدق از صفات بندگان متقی خداوند است - آل عمران آیات 15-16 و 17-³⁷⁸.

بدون صدق دین قائم و استوار و دنیا آباد نمی‌گردد. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم قبل از رسالت و نبوت در بین عرب‌ها بصفه «الصادق الامین» شهرت داشت.

انواع صدق: صدق با خداوند، صدق با مردم، صدق با نفس، صدق در نیت، صدق در اعمال، صدق در زبان، صدق در معامله با مردم و صدق در دین. صدق انسان را بطرف بر «خیر» هدایت و رهنمائی می‌کند. با صدق قلب مطمئن و راحت می‌شود. صداقت سبب اعتماد بین مردم می‌گردد. صدق مطلب اساسی در حیات انسان مؤمن است و رأس فضائل و عنوان صلاح می‌باشد. خداوند سبحانه و تعالی در این مورد

³⁷⁶ tahoor.com/fa/article/view/112353

³⁷⁷ صدق / https://dictioary.abadis.ir/fatofa

³⁷⁸ احمد عماری، مکانة الصدق فی الإسلام مرجع سابق و دکتور سعید بن علی بن عوف القحطانی، الخلق الحسن فی ضوء الكتاب و السنة / 3/mawdoo3_ما_هو_الصدق.

می فرماید: «و الذین آمنوا باللّٰه ورسله أولئک هم الصدیقون و الشهداء عند ربهم لهم أجرهم و نورهم» (الحدید: 19). و آنانکه ایمان آوردند بخدا و پیغمبران او آنجماعت ایشانند صدیقان و شهیدان نزدیک پروردگار خویش و ایشانرا ست مزدایشان و نور ایشان.

صدق اسباب برکت دنیا و نجات آخرت است و صدیق صفت انسان مؤمن میباشد. صدق و صداقت رأس دین و مقدمه تربیه و اصول و روش تربیه اسلامی است. والدین و جامعه طفل را صادق و یا کاذب تربیه می کنند و طفل صداقت و امانتداری را از منزل و بعداً از جامعه درس میگیرد لذا والدین و مؤسسات تربیوی متوجه مسئولیت های خود در این مورد باشند. پدری برای فرزند کوچک اش گفت بیا تا برایت چیزی بدهم و وقتیکه آمد برایش چیز نداد ، رسول اکرم صلی الله علیه و سلم این عمل او را تأیید نکرد و فرمود که پسر صداقت را نمی آموزد.³⁷⁹ در شرایط حاضر تربیه اطفال به صداقت کار بسیار دشوار است و جهد زیاد را می خواهد. نظام سیاسی و اقتصادی به پایه های کذب و خیانت استوار می باشد و برای انسانهای صادق در نظام فاسد جا نیست لذا والدین و معلمین کرام در تربیه اطفال و جوانان توجه عمیق داشته باشند و والدین کوشش کنند تا خود نمونه از صدق باشند.

سوم — خیانت :

امانت دلیل ایمان و خیانت دلیل نبودن ایمان است. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می فرماید: « لا ایمان لمن لا أمانة له » ایمان نیست برای کسیکه امانت ندارد یا امانتدار نیست. خیانت مانند کذب رکن از ارکان نفاق است. قرآن کریم امانت را بسیار ذکر و تأکید میکند. باید توجه داشت که قرآن کریم امانت را به صیغه جمع ذکر می کند مثلاً « إن الله یأمرکم أن تودوا الأمانات إلى أهلها و إذا حکمتم بین الناس أن تحکموا بالعدل » (النساء: 58). به تحقیق خداوند ، بشما امر میفرماید که امانت ها را به اهل آن بسپارید ، و هنگامیکه میان مردم حکم نمودید (در مقام حاکم قرار داشتید) به عدالت حکم کنید. در فرهنگ اسلام امانت در جمله اخلاق و ایمان است. خداوند سبحانه و تعالی مؤمنین را که نجات یافته گان اند به امانتداری یاد میکند. « و الذین هم لأماناتهم و عهدهم راعون » (المومنون). و آنان که ایشان امانت های خود را و عهد

³⁷⁹. الدكتور یوسف القرزای ، دور القیم و الأخلاق فی الاقتصاد الإسلامی ، ص 286.

خود را رعایت کننده اند. و خیانت از اخلاق نفاق است. امین شخص است که حقوق مردم را رعایت می کند و امانت های مردم را حفظ و به صاحبانش تسلیم می نماید. خداوند مسلمانان را امر می کند که امانت ها را به صاحبان شان برسانید. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (النساء: 58). به تحقیق خداوند، بشما امر می فرماید که امانت ها را به اهل آن بسپارید.³⁸⁰

در جامعه کسانی هستند که به خانواده و اهل و دوستان خود خیانت می کنند و هستند گروهی که به وطن خیانت می کنند و در خدمت اشغال قرار می گیرند و برای بیگانگان جاسوسی می کنند و وطن و خاک اسلام را در مقابل پول ناچیز می فروشند. در کشور ما افغانستان عزیز از این قبیل خائنین بسیار زیاد داریم. بودند کسانی که ملت آنها را مجاهدین و مردم تا تقوی فکر می کردند اما به سرمایه های ملی خیانت کردند و در خدمت اشغال قرار گرفتند.

هستند کسانی که برای دین خدا خیانت می کنند و دین را به دنیا معامله می کنند. معامله کردن با دین خیانت به خداوند و رسول الله صلی الله علیه وسلم است. جنگ و قتل مردم زیرا نام دین در جمله خیانت به دین و به خداوند و رسول الله میباشد. نشر اسرار مردم و مجالس خیانت است. خیانت ممکن است با دست باشد و یا با زبان. خیانت علامه از علامات قیامت است.

در شرایط معاصر تربیه اطفال و نسل جوان بسیار جهد و کوشش می خواهد به دلیل اینکه خیانت و کذب در جمله صفات خوب بشمار می آید و مردم صادق و امین در نظام سیاسی اکثر کشور های اسلامی و خصوصاً افغانستان جا ندارند. والدین و مؤسسات تربیوی و معلمین خصوصاً توجه بیشتر به تربیه نسل جوان داشته باشند و تا افراد جامعه صادق و امین تربیه نشوند آینده مسلمانان تاریک میباشد.

چهارم — نفاق :

نفاق یعنی ظاهر انسان از باطن اش فرق دارد و قول اش از عملش متفاوت میباشد و دارای دو زبان میباشد. نفاق دو نوع است:

³⁸⁰. الدكتور يوسف القرضاوی، مرجع سابق، صفحات 289-290.

1. نفاق اکبر یا بزرگ: نفاق اکبر نفاق عقیده است باین معنی که شخص در قلب خود کافر به خداوند و ملائکه و کتب سماوی و انبیاء و رسل و روز آخرت و قدر خیر آن و شر آن است اما در ظاهر خود را مسلمان معرفی میکند.
2. نفاق اصغر: نفاق اصغر نفاق در عمل و روش است و علامات این نوع نفاق را حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم اینطور معرفی می کنند: اگر سخن زند دروغ گوید، اگر وعده دهد تخلف کند و اگر امانت برایش داده شود خیانت کند.

متأسفانه قسم دوم نفاق در جوامع اسلامی فوق العاده زیاد است و موجودیت قسم دوم از منافقین جامعه اسلامی را به فناء نزدیک ساخته است. جامعه و خانواده در نشر نفاق بین افراد و اطفال رول مهم را دارند و متأسفانه مؤسسات تربیوی نیز مبتلاء به این مرض مهلک شده است. نظام سیاسی مردم را به نفاق دعوت می کند و مردم برای رسیدن به مقام دولتی و رسیدن به سرمایه از نفاق بحیث وسیله استفاده میکنند. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در مدینه منوره جامعه را تنظیم کرد و در مدینه منوره گروهی منافقین نیز زندگی داشتند و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم منافقین را از جامعه بیرون ساخت و با ایشان بصفت مریض های روانی و نفسانی معامله کرد و در اصلاح شان کوشید. اصلاح نفاق و علاج منافقین در اصلاح عقیده و ایمان و اخلاق است لذا والدین و معلمین در اصلاح عقیده و بلند بردن درجه ایمان و اخلاق مردم بکوشند همچنان اصلاح نظام سیاسی و نظام اقتصادی برای اصلاح نفاق و علاج منافقین کمک می کند.³⁸¹

پنجم — حس تخریب :

حس تخریب نوع دیگر از انواع مریضی است که امت اسلام به آن مبتلاء شده است. اطفال و نوجوانان حس تخریب را از خانواده های شان می آموزند. حس تخریب یا مرض تخریب جامعه را به هلاکت میرساند و نظام اجتماعی را برهم می زند. مخرب یا تخریب کننده دشمن موفقیت است و هر شخص موفق را می خواهد از بین بردارد به عبارت دیگر مخرب علیه اشخاص کامیاب و موفق اعلان جنک می دهد. وسیله یا

³⁸¹. فضل عنی مجددی، مطالعه تمهیدی عصر رسالت و خلافت راشده، فصل اول و همچنان ویب سایت دکتور القرضاوی چهارشنبه 24 محرم 1413 هـ / 2013/11/27 میلادی.

اسلحه اول مخرب نشر پروپاگند و شائعیات کاذبانه است و باین اسلحه شرف و عزت مردم را هدف قرار میدهد.

غیبت یعنی یاد کردن انسان در غیابش به چیزی که دوست ندارد. اسلام غیبت را حرام ساخت و هدف از حرمت غیبت حفاظت حرمت و شرف و عزت مردم است. قرآن کریم در مورد غیبت می گوید: «یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیرا من الظن إن بعض الظن إثم ولا تجسسوا ولا یغتب بعضکم بعضا یحب أحدکم أن یأکل لحم أخیه میتا فکرمتموه واتقوا الله إن الله توأب رحیم» (الحجرات: 12). ای مسلمانان احتراز کنید از بسیاری گمان بد هر آئینه بعض بد گمانی گناه است و جاسوسی مکنید و غیبت نکنند بعض شما که بخورد گوشت برادر خود که مرده باشد پس متنفر شوید از وی و بترسید از خدا هر آئینه خدا توبه پذیرنده مهربانست. «ایحب أحدکم أن یأکل لحم أخیه میتا فکرمتموه» باین معنی است که در غیبت انسان برادر خود را بی عزت و بی عفت می سازد. اگر انسان برادر خود را بخورد دیگر وجود نمی داشته باشد و اما اگر گوشت اش را بخورد استخوان و اسکلت اش باقی می ماند باین معنی که عزت و آبروی انسان دریده میشود. غیبت در جامعه افغانی به حکایت و قصه تبدیل شده و در مجالس برای تمسخر و خوشگذرانی غیبت کردن وسیله خوشی و سعادت است. برای علاج این مرض خطرناک خانواده ها کوشش نمایند تا در حضور و غیاب فرزندان شان غیبت مردم را نکنند و اگر یکی از اعضای خانواده شروع به غیبت نماید او را باید نصیحت و خاموش کرد و مانع این گناه بزرگ شد. تربیه ایمانی و اخلاقی وسیله خوب برای علاج مرض غیبت است.

ششم — اسراف :

اسلام استفاده از حلال و خوردن طیبات و زینت را برای مردم منع نمی کند. خداوند مسلمانان را امر به خوردن آنچه از زمین حاصل می شود می کند و لیکن اسراف را دوست ندارد، إنه لا یحب المرفین، خداوند اسراف کننده گان را دوست ندارد. اقتصاد اسلامی، اقتصاد وسط است و در فرهنگ دینی اسلام بین اسراف و تبذیر تفاوت زیاد است. اسراف مصرف کردن زیاد در حلال است و در اصطلاح فقه اسلامی تجاوز از حدود حلال است و اما تبذیر مصرف یا انفاق در حرام است. اگر انسان سرمایه تمام دنیا را نیز داشته باشد و یک دلار را در راه حرام مصرف کند تبذیر است. در قرآن کریم می خوانیم: «إن المبدرین کانوا إخوان الشیاطین و کان الشیطان لربه

کفوراً» (الإسراء: 27). هر آئینه اسراف کنندگان هستند برادران شیاطین و هست شیطان به نسبت پروردگار خود ناسپاس.

در نظام خانواده اشاره شد که زن و شوهر پلان زندگی را طوری ترتیب کنند تا از اسراف و تبذیر جلوگیری شود. خانواده اقتصاد وسط که اقتصاد اسلامی است آنرا در زندگی خود پیاده نمایند و اطفال شانرا از خطر اسراف در خوردن و نوشیدن و سائل زینت با خبر سازند. در شرایط معاصر مسلمانان، تبذیر و اسراف گناه بزرگ است و تنها در افغانستان میلیون ها مسلمان هستند که شبها گرسنه می خوابند و هزارها جوان استند که مصارف درس و دواء را ندارند و متأسفانه تلویزیون ها با پخش اعلانات تجارتي و مود های جدید لباس مردم را به اسراف دعوت می نمایند. زندگی طبقاتی و سرمایه داری که امریکا در افغانستان پیاده کرد سبب شد که یک عده بسیار محدود سرمایه های ملی را به سرقت برند و از پول حرام مصرف نمایند و این گروه از دزدان معاصر زیر نام آزادی و دیموکراسی و بازار آزاد و زیر حمایت نظامی و سیاسی امریکا به سخاوت اسراف و گروه دیگر در حرام تبذیر می نمایند. اقتصاد اسلامی اقتصاد وسط و مبنی به حلال است، والدین کوشش کند تا از حلال اولاد های خود را تربیه نمایند و حلال را برای اطفال شان بیاموزند.³⁸²

هفتم — تفرقه :

تفرقه مرض بزرگ است که متأسفانه افراد خانواده واحد به آن مبتلاء شده اند. خانواده ها در نتیجه تفرقه روابط و صلۀ رحم را بین خود قطع کرده اند و افراد ملت واحد در مقابل یکدیگر قرار گرفته و یکدیگر شانرا به قتل می رسانند. مشکل تفرقه در این است که عداوت و کینه و بغض را بار می آورد و محبت و برادری و همکاری و تعاون را از بین بر می دارد.

اگر به حالت کشور خود و سائر کشور های اسلامی بدقت نظر اندازیم ملاحظه می نمائیم که اشغال نظامی را تفرقه فی ما بین افغانها و مسلمانان سبب شده است و اگر افغانها به اقوام و مذاهب و زبانهای مختلف تقسیم نمی شدند و در سایه برادری

³⁸² در مورد اقتصاد اسلامی مراجعه شود به: الدكتور یوسف القرضاوی، دور القیم و الأخلاق فی الاقتصاد الإسلامي و همچنان: یوسف القرضاوی، مشکلة الفقر و کیف عالجهما الإسلام و همچنان دیده شود: الإمام محمد أبو زهرة، التكافل الاجتماعی فی الإسلام.

زندگی می کردند روسیه و بعداً امریکا نمی توانست افغانستان را اشغال و مقدسات اسلامی و وحدت اسلامی را صدمه بزنند. قضیه افغانستان و عراق و سوریه و فلسطین مثال برازنده از تفرقه میباشند. جنگ و خونریزی بین ملت واحد و همکاری با کفار سبب آن تفرقه بین ابناء ملت واحد است.

مسلمانان امروز در مقابل یکدیگر قرار گرفته اند سنی مذهبان در مقابل شیعه مذهبان ، تاجک در مقابل پشتون ، عرب در مقابل کرد و ترک در مقابل کرد قرار دارد و هر روز یکدیگر را می کشند. مصیبت بزرگتر در عصر حاضر این است که افراد یک خانواده در مقابل یکدیگر قرار گرفته اند و صلّه رحم قطع شده است.

یگانه علاج تفرقه نشر اسلام صحیح بین افراد خانواده ها و افراد ملت است. در اسلام همه مسلمانان با هم برادر و امت واحد را می سازند و اسلام وحدت و مرجعیت امت است. خداوند می فرماید: « و اعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا » (آل عمران: 103). و همگی برشته (قرآن و دین) خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید. برای ایجاد اتحاد و همبستگی اولیاء امور و معلمین در مدارس و مسئولین در انجمن ها اطفال و مردم را از عواقب تفرقه با خبر سازند و بهترین وسیله برای فهم و ادراک مردم از نتیجه تفرقه قصه های قرآن کریم از اقوام قبل از اسلام است. قرآن کریم سبب هلاکت اقوام گذشته را تفرقه بین شان می داند. در قرآن کریم می خوانیم: « و لا تکنوا کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البینات و أولئک لهم عذاب عظیم یوم تبیض جوه و تسود جوه » (آل عمران: 105). و مانند کسانی نشوید که میان همدیگر متفرق شدند و اختلاف ورزیدند بعد از آنکه نشانه های روشنی (از جانب خداوند) به آنان رسید و ایشانرا است عذابی بزرگ . و همچنان می خوانیم: « و لا تنازعوا فتشلسوا و تذهب ریحکم » (الأنفال: 46). و در میان خود نزاع نه نمائید که (در اثر منازعه و کشمکش) ضعیف و ناتوان گردید.

نشر فکر برادری و اخوت اسلامی و محبت و دوستی نه تنها سبب همبستگی مردم و خانواده در دنیا می باشد بلکه سبب فلاح و کامیابی در آخرت نیز می شود. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در مورد اخوت می فرمایند: « لا یؤمن أحدکم حتی یحب لأخیه ما یحب لنفسه ». حدیث انس ، از نبی صلی الله علیه و سلم روایت است که

فرمودند: «مؤمن نمی باشد یکی از شما تا آنکه که دوست بدارد برای برادرش آنچه را برای نفس خود دوست داشته باشد».³⁸³

از مقتضای برادری است که او را حمایت نمود و در وقت مشکلات و شدت با برادر و خواهر خود ایستاده شد. رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرمایند کسیکه یک مشکل برادر خود را در دنیا حل کند خداوند صد مشکل او را در آخرت حل میکند. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم نسخه مفید را برای حل تفرقه به امت خود معرفی کردند و فرمودند بعد از خود دو چیز برای شما ترک می کنم و اگر به این دو عمل کنید هرگز گمراه و متفرق نمی شود: قرآن کریم و سنت خود.³⁸⁴

تربیه اجتماعی :

انسان به طبیعت بشری مخلوق اجتماعی است. اسلام مسلمانان را وجود واحد می داند و رابطه اخوت اسلامی مهمترین شعار اسلام است. اسلام برادری و همزیستی مسالمت آمیز را در جامعه مخصوص مسلمانان نمی داند و همه انسانها را در انسانیت برادر میدانند. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در ساختار جامعه مدنی بعد از هجرت اصل برادری و اجتماعی بودن را عملاً تطبیق کرد و مسلمانان را با یکدیگر برادر ساخت. در جامعه مدینه منوره یهودان و منافقین و پیروان ادیان دیگر نیز اقامت داشتند و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم همه باشندگان مدینه منوره را بنام امت واحد یاد کرد و آزادی عقیده را تثبت و مسئولیت دفاع از مدینه را مشترک ساخت و تفاوت رنگ و قوم و نژاد را نفی و افتخارات نسب و سرمایه را از میان برداشت. اسلام جامعه مدنی و فاصله را بوجود آورد و همکاری مشترک را بین همه افراد جامعه اصل اجتماعی دانست و هیچیک را از جامعه خارج نساخت و همه را دعوت به همکاری و تعاون نمود. جامعه که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم ساخت اساس آن فضیلت و تقوی بود و در ظاهر و باطن پاک و منزوع از تمام منکرات و فساد بود. اسلام شخصیت فرد را احترام و با حفظ حقوق فرد حقوق جامعه را تثبیت کرد و حقوق جامعه را بالاتر از حقوق فرد و حق مردم را بالاتر از حق خداوند دانست.

³⁸³ . لؤلؤ و مرجان ، جزء اول ، صفحه 57.

³⁸⁴ برای معلومات بیشتر از تفرقه و نتایج آن مراجعه فرماید به وبسایت علامه القرضاوی ، الخميس 4 ربيع الثاني 1434 هـ / 2013/2/14 و الخميس 19 شعبان 1434 هـ / 2013/6/26 میلادی.

مشکلات اجتماعی و خانوادگی و مشکلات تربیوی که مسلمانان بطور عموم و جامعه افغانی در داخل افغانستان و خارج آن دارد سبب آن عقب گرائی و افراط و تفریط است. مریضی های که مسلمانان به آنها مبتلاء شده اند فوق العاده زیاد و خطرناک است و جامعه ای اسلامی را بطرف نابودی و فناء و بدبختی سوق می دهد. اسلام روش تربیه و تعلیم را برای مسلمانان وضع کرده که اگر مسلمانان مطابق آن عمل نمایند یقین است که اکثر مشکلات تربیوی و اخلاقی و اجتماعی حل میشود. در اسلام خانواده تهداب و اساس جامعه است و اگر خانواده اصلاح و اعضای آن تربیه ایمانی و اخلاقی صحیح شوند جامعه بصورت کل اصلاح می شود. در عصر حاضر جامعه اسلامی و حتی خانواده واحد در حالت بی نظمی و جدائی و اختلاف غرق است و اصلاح آن از مؤسسات تربیوی و مساجد و علما و دانشمندان جهد فروان و کار زیاد را می خواهد. در نهایت این عنوان روش اسلام در ایجاد روابط متین اجتماعی بحث می شود و امید است رهنمائی خوب برای خانواده ها و مؤسسات تربیوی باشد.

ایجاد محبت و دوستی بین افراد خانواده واحد و بین خانواده ها و افراد جامعه روابط اجتماعی را تقویت و مشکلات اجتماعی را حل و فضائی همکاری را بوجود می آورد. اسلام قوانین و احکام را برای تکوین خانواده با سعادت وضع نموده و در ساحة تطبیق عملی قوانین خانوادگی، افراد خانواده جسد واحد را تشکیل می دهند.

اسلام جهت برقراری روابط قوی بین افراد خانواده بر والدین و احترام شانرا از اصول اولیه و از جمله فضائل اخلاقی می داند و خداوند سبحانه و تعالی احترام و بر والدین را بعد از توحید یاد میکند. در قرآن کریم می خوانیم: «و اعبدوا الله و لا تشركوا به شیئاً و بالوالدین احساناً» (النساء: 36). و (تنها) خدا را عبادت کنید و هیچ چیزی را شریک او نسازید، و به پدر و مادر نیکی کنید. نیکی کردن به پدر و مادر اساس اول ترابط و نزدیکی و محبت بین افراد خانواده را محیا می سازد و نظر به اهمیت موضوع خداوند سبحانه و تعالی بعد از عبادت خود از آن یاد می کند.

صله رحم بهترین وسیله برای روابط اجتماعی است و اسلام در حفظ و حمایت صله رحم بسیار تأکید دارد. حمایت اقارب و همکاری با ایشان و دستگیری شان و مساعدت و کمک اقتصادی برای محتاجین شان از جمله واجبات در اسلام است.

خداوند سبحانه و تعالی درین مورد می فرماید: «یسألونک ما اذا ینفقون قل ما انفقتم من خیر فلولو الدین و الاقربین و الیتامی و المساکین و ابن السبیل» (البقرة: 215). از تو می پرسند که چه انفاق کنند؟ بگو هر آنچه از دارائی انفاق کنی باید برای والدین و خویشاوندان و یتیمان و مساکین و مسافران باشد. در آیه دیگر می خوانیم: «و اتقوا الله الذی تساءلون به و الارحام ان الله کان علیکم رقیباً» (النساء: 1). و بترسید از آن خدائی که به (نام) او از یکدیگر درخواست و همدگر را سوگند میدهد و بترسید از (قطع رشتۀ) ارحام، بی شک که خداوند مراقب (اعمال و احوال) شما است. صلۀ رحم در نظام خانواده و وسعت دارد و شامل خانواده پدر و مادر و بعد از ازدواج شامل خانواده های دیگر نیز میشود. اگر مرد مسلمان با دختری از اهل کتاب ازدواج کند، خانواده دختر که مسلمان نیست در جمله صلۀ ای رحم داخل میشود و حقوق اجتماعی بدست می آورد.

مادر بودن تنها به دادن شیر و رعایت خلاصه نمی شود و پدر بودن تنها به سرپرستی و غذاء و لباس خاتمه نمی یابد. والدین مسئولیت بزرگ را در تقویت روابط اجتماعی بین اولادهای شان دارند و جنت زیر پای آن مادر است که اولاد هایش را تربیه صحیح نماید و در حفظ روابط بین شان سعی داشته باشد. در نتیجه غفلت والدین و عدم توجه معلمین و مؤسسات تربیوی و ضعف ایمان و اخلاق اکثر برادران و خواهران از یک پدر و مادر مشکلات ما بین خود دارند و این مشکلات بین برادران از دو مادر بیشتر است و در وقت تقسیم میراث مشکلات بحدی مقاطعه نیز می رسد و برادران و خواهران با هم دشمن می شوند.

همکاری و قربانی و ایثار و محبت مانع مقاطعه بین برادران می شود. اسلام مسلمانان را برای ایثار در مقابل برادر و اقارب امر میکند. چرا ما از پیروان هابیل نباشیم؟ که برای قاییل گفت اگر تو دست به قتل من دراز کنی من دست به قتل تو دراز نخواهم کرد. «لئن بسطت الی یدک لتقتلنی ما أنا بیاسط یدی الیک لاقتلک إنی أخاف الله رب العالمین» (المائدة: 28). اگر تو برای کشتن من دست دراز کنی من هرگز به، کشتن تو دست دراز نمی کنم (زیرا) من واقعاً از الله، پروردگار جهانها میترسم چرا مانند حضرت یوسف نباشیم؟ که همه برادران خود را عفو کرد و چرا از موقف حسادات برادران یوسف پیروی کنیم؟ و عفو یوسف علیه السلام را فراموش

کنیم. چرا از سنت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم پیروی صادقانه نمائیم که در وقت فتح مکه مکره با صدای بلند گفتند: همه ای شما را عفو کردم و شما آزاد هستید.

علامه شیخ محمد الغزالی مریضی های امت اسلامی را بررسی میکند و می گوید که مریضی های روانی و نفسانی مسلمانان به مقارنه با مریضی های جسمانی و فیزیکی خطرناکتر است و مریضی های روانی و نفسانی سبب هلاکت می گردد. الغزالی مریضی های نفسانی و روانی را عجز و کسالت می داند و می گوید که عجز و کسالت در نفس بوجود می آید و بسرعت نمو کرده تمام جامعه را در بر می گیرد و نظر به خطورت آن رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می گفتند: «اللهم انی أعوذ بک من العجز و الکسل». خداوند بتو پناه می برم از عجز و کسالت، عجز یعنی عاجزی و نا توانی.³⁸⁵

عجز و کسالت انسان را راضی به ذلت می کند و عقب ماندن مسلمانان از کاروان مدنیت معاصر سبب آن عجز و کسل مسلمانان است. در جوامع اسلامی دو گروه از مسلمانان موجود اند:

1. ثروتمندان که مال و سرمایه شانرا بدون هدف و برنامه به مصرف می رسانند و سرمایه سبب هلاکت شان شده.
 2. فقیر کسل یعنی فقیری که کسالت و عجز و ناتوانی را پیشه گرفته و به نان شب و روز خود و خانواده اش محتاج میباشد.
- با تمام مشکلات و مریضی های که امت اسلامی در قرنهای اخیر به آن مبتلاء گردیده اما تا هنوز زنده و در قید حیات است. علامه دکتور یوسف القرضاوی مریضی ها و مشکلات امت اسلامی را مطالعه و در نهایت باین نتیجه میرسد که امت اسلامی مریض می شود لیکن نمی میمرد و خداوند برای هر مرض دواء نیز خلق نموده. مسلمانان لازم است تغییرات را در زندگانی خود بیآورند و بطرف سعادت و خیر باز گردند. خداوند سبحانه و تعالی می فرماید: «ذلک بأن الله لم یکمغیرا نعمه انعمها علی قوم حتی یغیروا ما بأنفسهم و أن الله سمیع علیم» (الانفال: 53). این بخاطر آن است که خداوند هیچ نعمتی را که به قومی عطا فرمود تغییر نمیدهد تا وقتی که آن

قوم حالت خود را تغییر دهند(و خویشتن را به عوض نعمت سزاوار نقتم و عذاب سازند) و بی شک که الله(تعالی) شنوا(و) دانا است.

از سنت های الهی سنت تداول است و هر قوم در یک مرحله بقدرت میرسد و مسلمانان بعد از همه این مشکلات و مریضی ها بار دوم بقدرت میرسند و وعده خداوند حق است. در قرآن کریم می خوانیم: «و تلك الايام نداولها بين الناس» (آل عمران:140). و این ایام (روزگار) است که آنرا میان مردم دست بدست میگردانیم. مسلمانان زمانی قادر به تغییر می باشند که قرآن کریم و سنت نبوی را بفهمند و متأسفانه مسلمانان قرآن کریم و سنت نبوی را صحیح نفهمیده اند و سوء فهم از فقه قرآن و فقه سنت تمام مشکلات و مریضی های فکری و عقلی مسلمانان و در نهایت مصیبت بزرگ برای امت است.

کامیابی و فلاح مربوط تزکیه نفس با علم ، ایمان صادق ، عمل صالح ، و پاکی از رذائل تباه کننده ، غلبه تقوی بالای فجور ، تسلط عقل بالای شهوت و در نهایت پیروزی جانب معنوی بالای جانب حیوانی است. سعادت در دنیا و آخرت مربوط به پابندی از قانون اخلاق که خداوند برای بندگان معرفی کرده میباشد و پیروی و متابعت از آیات الهی سبب فلاح نه تنها در حیات دنیا است بلکه فلاح در آخرت نیز مربوط به متابعت قانون الهی است.³⁸⁶

مشکلات معاصر مسلمانان در سوء فهم از دین خدا است و معرفت از دین اسلام احتیاج به مطالعات جدید دارد و همچنان مسلمانان سنت صحیح رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و مراحل تکوین امت اسلامی را توسط آنحضرت درست درک نکرده اند و مرحله مکه یعنی قبل از هجرت از نظر مسلمانان دور مانده و مازمانی به مرحله مدینه ارتقاء می کنیم که مرحله قبل از هجرت را بگذرانیم. مرحله ما قبل از هجرت مرحله تعلیم اخلاق و ایمان بود و تا زمانیکه ایمان و اخلاق تکمیل نشود و مسلمانان اهداف از عبادات که تعلیم اخلاق است ندانند حالت شان بهبود نخواهد یافت و تغییر باید از داخل مسلمانان و توسط خود مسلمانان آغاز شود و وعده خداوند حق است و تا تغییرات در ساحة عقلی و اخلاقی و ایمانی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی را مسلمانان نیآورند خداوند حالت شانرا تغییر نمی دهد. تغییرات در

³⁸⁶. یوسف القرضاوی ، من اجل صحوة راشدة ، صفحات 138-146 و همچنان: الإیمان و الحیة.

تمام این ساحات زمانی تحقق می یابد که روش فکری مسلمانان تغییر کند و مسلمانان حاضر شوند تقلید از گذشته گان را بگذارند و به عصر جدید با روش فکر جدید نظر اندازند و مشکلات معاصر را به فکر معاصر حل کنند زیرا مشکلات عصر حاضر به عقلیت مردگان حل و فصل نمیشود. فرهنگ و ثقافت نامعقول و میراثی در عصر حاضر به خیر و فلاح نیست و تجدید نظر و اصلاح را می خواهد.

علاج مشکلات فکری و عقلی و اقتصادی و اخلاقی مسلمانان و وظیفه دانشمندان و متفکرین معاصر اسلام است و بدون جهد و سعی و شناخت از اوضاع معاصر مشکلات تربیوی و ایمانی و عقلی و فکری مسلمانان معاصر علاج ندارد. علاج مشکلات عمومی مسلمانان معاصر جهد فکری و دعوتی و استفاده از وسائل تبلیغات دستجمعی را جهت بیداری مردم و دعوت به بیدار و ترک کسل و ناتوانی و عجز و آموختن علم میباید. از حکمت خداوند سبحانه و تعالی است که عجز و ناتوانی و کسالات آخر آن ندامت و پشیمانی است.³⁸⁷

برای اصلاح حال جامعه در تمام ساحات حیات اجتماعی باید صراحت و جرأت داشته باشیم و بصراحت مشکلات علمی و اخلاقی و اجتماعی جامعه را بررسی و عوامل بدبختی را تشخیص نمائیم. فساد دینداری و سوء فهم از دین و دنیا دو عامل مهم بدبختی و عقب گرایی در جامعه است. زمانی که مسلمانان از دین دور شدند انحراف در جامعه بوجود آمد و مردم از راه صواب منحرف شدند و ارکان اسلام معطل شد و حقیقت دینداری به شکل ظاهری تبدیل شد و از قرآن کریم تنها رسم خط آن باقی ماند و احکام آن تطبیق نشد و مسلمانان علم را ترک کردند و عمل صالح به اعمال زشت تبدیل شد. گویا لوپون در مورد عقب ماندن مسلمانان می گوید: سبب انحطاط یا عقب ماندن شرق ترک روح اسلام و رفتن بسوی عقائد باطل است.³⁸⁸

دکتور انس احمد کرزون برای اصلاح حال مسلمانان نقاط ذیل را پیشنهاد می کند:

1. اسباب عقب گرایی علمی مسلمانان معاصر دوری از اسلام و یا نفی اسلام است. علماء و وظیفه دارند تا روح تجدید را در نفس های مسلمانان تجدید کنند و مسلمانان را به کتاب خدا و سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم آشنا

387. محمد قطب، واقعا المعاصر، صفحات 181-183.

388. دکتور انس احمد کرزون، التخلف العلمی فی واقع المسلمین المعاصر، صفحه 62.

سازند و علیه استعمار و اشغال نظامی قیام کنند و رابطه بین ابناء امت اسلامی را مستحکم سازند تا عهد کسالت و عاجزی خاتمه یابد و هر فرد مسئولیت خود را بداند.

2. اصلاح در یک شب و روز نا ممکن است و روش تربیوی که قرآن معرفی می کند به اساس قدم به قدم «تدرج» است و روش قدم به قدم زمانی نتیجه می دهد که دانشمندان و اصلاح طلبان قدم اول را بردارند و مرض خطرناک که عبارت از عقب ماندن علمی است علاج شود.

3. برای رسیدن به اهداف اصلاحی، وحدت و اتحاد علماء و دانشمندان حتمی و ضروری است، تشکیل رابطه علمی و جمع شدن علماء هر کدام در رشته تخصصات شان و همکاری مشترک بین دانشمندان و عدم تفرقه حرکت اصلاح اجتماعی را سرعت می بخشد.³⁸⁹

اصلاح فرهنگ و ثقافت:

اکثر مشکلات مردم افغانستان در پیروی از فرهنگ و ثقافت میراثی غلط است و تا فرهنگ و ثقافت ناقص و غلط اصلاح نشود مشکلات اجتماعی و دینی و اخلاقی و تربیوی نسل آینده اصلاح نخواهد شد. قطع رابطه با ثقافت و فرهنگ میراثی و ثقافت وارد شده از غرب مقدمه برای آزادی فکر و عقل معاصر است به عبارت دیگر قطع رابطه با ثقافت و فرهنگ نا معقول و عودت به فرهنگ و ثقافت معقول فکر و عقل را آزاد می سازد. اگر عقل معاصر مسلمانان از تسلط ثقافت نا معقول آزاد شود راه برای بناء ثقافت معقول آماده میشود. قرائت صحیح از قرآن کریم و سنت نبوی شریف مسلمانان را برای بناء ثقافت معقول کمک می کند و تصفیه و نفی آنچه از اسلام نیست و داخل اسلام شده و مسلمانان آنرا اسلام فکر کرده اند اولین گام برای رسیدن به اصلاح فرهنگ و ثقافت و تأسیس فرهنگ معاصر و تشکیل نظام خانواده معاصر است.

علامه محمد الغزالی جهت رسیدن به معرفت دو میتود را پیشنهاد می کند:

الف: ارتقاء فرهنگ اسلامی و جمع معلومات از فرهنگ و ثقافت دیگران تا بدانیم که با چه کسانی طرف هستیم و آنها را چطور مخاطب سازیم.

ب: مبارزه با فرهنگ ناقص و غلط و انحراف فکری که سبب دوری مسلمانان از کتاب خدا و سنت رسول الله شده است. پاک سازی فرهنگ و ثقافت که اصل دین را مشوش و مغشوش ساخته و بیرون کردن آنچه از کتاب و سنت نیست و داخل فرهنگ معاصر اسلامی شده است از اولویات می باشد.

آیه 170 سورة البقرة و 14 سورة الحشر حقیقت زندگی معاصر مسلمانان را بیان می کند. ما قومی هستیم که قلوب ما با یکدیگر نیست به دلیل اینکه تعقل نمی کنیم و معقولیت نزد ما به نا معقولیت تبدیل شده است و نمی توانیم از نا معقول که از اجداد به ما میراث رسیده بیرون شویم. تاریخ اسلامی شاهد است تا زمانیکه فرهنگ و ثقافت عقلانی در جامعه حاکمیت داشت عقل مسلمانان بیدار بود و اما در نتیجه ای انحراف از فرهنگ معقول عقل مسلمانان فلج شد و از تفکر باز ماند و جامعه اسلامی در تمام ساحات علمی و فکری و اجتماعی جامد و راکد شد.³⁹⁰

اشغال نظامی خارجی و ادامه جنگهای داخلی سبب شد تا شریان روابط اجتماعی و اساسات تربیه دینی و اخلاقی و سیاسی و اقتصادی افغانستان صدمه بیند. تفرقه انداختن و حکومت کردن سیاست قدیم استعمار است و استعمار جدید موفق شد ملت واحد را به ملیت های مختلف و داخل جنگ تقسیم کند. ضعف علماء و تسلط خارجی بالای فکر و عقل علماء سبب شد که علماء مردم را با استفاده از نصوص شریعت و ادار و مجبور به اطاعت نظام فاسد سازند و در تاریخ ثابت است که نظام فاسد و اشغال تمام اساسات فکری و دینی و تربیوی و اخلاق جامعه را فاسد می سازد. در فرهنگ اسلامی معقوله داریم که مردم در دین ملوک شان هستند باین معنی که مردم دین را از زمامداران شان می گیرند. زعمای فاسد با استفاده از قوم و مذهب و نژاد در خدمت اشغال قرار گرفتند و با ریختن خون مردم بی گناه سرمایه های انگفت را جمع آوری و برای بقاء و استفاده بیشتر در نشر فساد اخلاقی و فساد دینی سعی کردند و ائتلاف جدید را با خارجی ها و مفسدین داخلی بوجود آوردند.

آزادی و حریت سیاسی و فکری و عقلی و اقتصادی در حل مشکلات اجتماعی حتمی و ضروری است و تا مردم افغانستان به حریت مطلق نرسند و دینداری فاسد به دینداری حق و صحیح ارتقاء نکند مشکلات اجتماعی و تربیوی و اخلاقی نسل

³⁹⁰. فضل غنی مجددی، روش فکر معاصر اسلامی، صفحات 374-376.

های آینده حل نخواهد شد. امید است این تحقیق مختصر و ناقص بتواند دروازه تحقیقات علمی و آکادمی را باز سازد و جوانان دانشمند کشور عزیز ما تحقیقات علمی و مفیدتر را به جامعه تقدیم نمایند. و من الله التوفیق ، و آخر دعوانا إن الحمد لله رب العالمین.

مراجع

1. فی ظلال القرآن سید قطب .
2. المرأة فی الظلال القرآن. عکاشة عبدالمنان الطیبی ، دارالفضیلة للنشر و التوزیع و التصدیر ، مصر الجديدة ، القاهرة
3. مختصر تفسیر ابن کثیر. تحقیق محمد علی الصابونی ، دارالقلم بیروت 1981 میلادی.
4. القرآن الکریم و ترجمة معانیه إلى اللغة الفارسیة. چاپخانه قرآن کریم مجمع ملک فهد ، المدینة المنورة
5. ترجمه معانی و تفسیر مختصر ده جزء اول قرآن کریم. پروفیسور داکتر عبدالستار سیرت ، انتشارات احراری 2012 میلادی.
6. نحو تفسیر موضوعی لسور القرآن الکریم. محمد الغزالی ، دار الشروق ، القاهرة 1992 میلادی.
7. تفسیر تبیین الفرقان ، تألیف شیخ التفسیر مولانا محمد عمر ملارهی ، انتشارات شیخ الاسلام احمد جام.
8. اسباب النزول ، تألیف ابی الحسن علی بن احمد الواحدي النسابوری ، دار مکتبة الهلال ، بیروت 1985 میلادی.
9. قرآن مجید ، ترجمه و تفسیر مرحوم عبداللہ یوسف علی ، ترجمه بزبان فارسی : صباح الدین کشککی. از نشرات شورای ثقافتی جهاد افغانستان اسلام آباد.
10. تفسیر قرآن کریم ، محمد علی الصابونی ، مکتبة الغزالی ، دمشق ، سوریه 1980 میلادی .
11. تفسیر المنیر ، دکتر وهبه الزحیلی ، ترجمه: عبدالرؤف مخلص ، انتشارات شیخ الاسلام احمد جام -1378.
12. تفسیر سورة النساء ، شیخ الشعراوی.
13. لؤلؤ و مرجان در احادیث متفق علیه شیخان (صحیح امام بخاری و امام مسلم) جمع و ترتیب: محمد فؤاد عبدالباقی ، ترجمه: محمد حنیف (حنیف)

- بلخی، مراجعه و تدقیق: دکتور عبدالستار سیرت. چاپ اول 1379 هجری شمسی، پشاور.
14. صحیح البخاری، ترجمه: استاد عبدالعلی نور احراری. ناشر، شیخ الإسلام احمد جام، دقت-مشهد.
15. رحمة الباری ترجمه صحیح البخاری، دکتور عبدالرحیم فیروز. الرياض.
16. الأدب المفرد (احادیث نبوی در باره آداب و اخلاق اسلامی) امام ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری، ترجمه: عبدالعلی نور احراری.
17. ریاض الصالحین، الإمام أبی زکریا یحیی بن شرف النووی الدمشقی، مؤسسة الرسالة، بیروت 1997 میلادی / 1417 هجری.
18. ریاض الصالحین / <https://khaledalsabt.com/cnt/dros/1765>
19. صحیح مسلم، الإمام أبو الحسین مسلم القشیری النیسابوری، تحقیق و ترقیم: محمد فؤاد عبدالباقی، دالفکر، بیروت 1398.
20. السید سابق، فقه السنة، مكتبة المسلم.
21. المودودی؛ حركة تحديد النسل.
22. أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام بن تیمیه الحرانی أبو العباس تقی الدین، أحكام الزواج، دار الکتب العلمیة 1988
23. الاسرة بین اللغة و الاصطلاح / www.oujdacity.net/national-article-76995-ar
24. الحياة الزوجية forum.z.com/f98.html
25. forum.z4ar.com/f3/t337835.htm
26. المرأة، / almraah.net/f46
27. أسهل الطريق إلى السعادة الزوجية said.net
28. said.net/mktrat/alzawaj/22.htm
29. أسرار الزوجة السعيدة / www.alukah.net/social/0/395
30. forum.z4ar.com/f140/t464341.htm مجلة المنتدى، الحياة الزوجية.
31. المكتبة الإسلامية. library.islmweb.net
32. الحياة الزوجية forum.z4ar.com/f42/t391276.html
33. ابن عابدين « حاشية 3/3.

34. الصابونى «احكام الزواج».
35. الصابونى ، شرح قانون الاحوال الشخصيه السورى .
36. الإمام الشريف صديق حسن الفنوچى البخارى ، فتاوى ، الرياض 1422.
37. الدسوقى ، محمد عرفة ، حاشية الدسوقى على الشرح الكبير ، دارالكتب العلميه ، بيروت 1417 هجرى.
38. الأشقر ، احكام الزواج فى ضوء الكتاب و السنة .
39. الزرقا احمد بن محمد ، شرح القواعد الفقيهيه دار القلم دمشق 1490 هجرى .
40. القرافى ، احمد بن ادريس ، الفروق ، دارالكتب العلميه 4/55.
41. احكام الصلح فى قانون الأسرة :- droit-tlemcen.over-blog.com/article-6207907.html
42. الزواج فى ظل الإسلام ، فصل " كيف تختار شريك الحياة [HTTPS://ISLAMHOUSE.COM/AR/BOOKS/387359/](https://islamhouse.com/ar/books/387359/)
43. الاهرام ، www.ahram.org.eg/news/1007/41/243157/ ،
7. ابن منظور - لسان اللسان ، تهذيب اللسان ، الجز الاول ، دارالكتب العلميه ، بيروت ، لبنان ، طبع الاول 1993.
8. الموسوعه الفقيهيه الكويتيه ، وزاره الاوقاف والشئون الاسلاميين - الكويت
9. الحاج فائز محمد على « الانحرافات الجنسية و امراضها » المكتب الاسلامى ، الرياض ، ط 1 ، 1982م .
10. القيسى ، مروان « الاسلام و المسالة الجنسية عمان ط 1 1985 .
11. الطويل عثمان ، التربيه الجنسيه فى الاسلام للفتيان و الفتيات دارالفرقان عمان ط 1 1992.
12. الصباح ، التربيه الجنسيه السلميه عند الرجل و المرأة .
13. انيس ابراهيم و آخرون : المعجم الوسيط ، استنبول دار الدعوه ط 2 1972
14. الكرمى ، حسن سعيد ، الهادى إلى لغة العرب بيروت ط 1 1991 ج 1
15. ابن فارس : الاء و الطاء و الباء <https://islamqa.info/ar/20069> ، www.alukah.net/sharia/0/1180/ ،
16. Fatwa.islamweb.net احكام الهبة .
17. المعجم اللغه العربيه المعاصر .

18. الفيروز آبادى ، القاموس المحيط ، ضبط و توثيق يوسف الشيخ محمد القبايع ، بيروت دار الفكر 1415 هـ 1995 م .
19. ابى الفضل جمال الدين محمد بن مكرم ، لسان العرب ، ج 2 / 401 بيروت دار الفكر الطبعة الاولى 1410 هـ 1990 م
20. ابراهيم الخطيب ، زهدى محمد عيد ، تربية الطفل فى الاسلام .
21. السيد احمد المخزنجى ، التأصيل التربوى للأبناء ، الهيئة المصرية العامة للكتاب ، القاهرة
22. ابن منظور : لسان عرب .
23. الفيروز ابادى : القاموس المحيط جلد 4 .
24. امين مرسى قنديل ، اصول التربية و فن التدريس .
25. الاتحاد العالمى لتنظيم الوالدية .
26. احمد بن حسين بيهقى (384 - 458 ق) ، شعب الايمان
27. المواردى ، أدب الدنيا و الدين .
28. اصول سلوك اخلاقى .
29. marifat.nashriyat.ir/node/562 تعريف و تربيت / معرفت
30. rch.ac.ir/article/Details?id=10969 اسس التربية فى الاسلام .
31. اصول التربية الإسلامية ، shamela.ws/browse.php/book-9969
32. احمد عمارى ، مكانة الصدق فى الاسلام 1/11/2017 www.alukah.net
33. /asekloon.net / احوال شخصية در فقه و حقوق /
34. احوال شخصيه أهل تشيع افغانستان / www.hzara.net/shia-lwa-original.pdf
35. الحياة الاسرية منتديات: ستار تايمز ، ارشيف .
36. الاسرة بين اللغة و الاصطلاح / www.oujdacity.net/national-artical-76995-ar/
37. الامام الشريف صديق القنوجى البخارى / فتاوى
38. آداب طلاق فى الاسلام / www.maganin.com
39. / Rasoy.ahlamontada.net/t49-topic الطب النبوى .
40. السيد احمد المخزنجى / التأصيل التربوى للأبناء ، الهيئة المصرية العامة للكتاب . القاهرة .

41. الحاج فائز محمد على ، الانحرافات الجنسية و امراضها .
42. امين مرسى قنديل ، اصول التربية و فن التدريس .
43. المواردى ابى الحسن على بن محمد بن حبيب البصرى البغدادى ، ادب الدنيا و الدين .
44. ابن كثير ، اسد الغابه .
45. الزواج فى الاسلام / <https://islamhouse.com/ar/books/387359>
46. Forum.z.com/f98.html الحياة الزوجية .
47. البهى الخولى المرأة بين البيت و المجتمع .
48. الزواج فى الاسلام / <https://islamhouse.com/ar/books/387359>
49. Forum.z.com/f98.html الحياة الزوجية .
50. البهى الخولى ، المرأة بين البيت و المجتمع .
51. الدسوقى محمد عرفة ، حاشية الدسوقى على الشرح الكبير العلمية بيروت 1417 هجرى
52. الصابونى ، شرح قانون الاحوال الشخصية السورى .
53. الاشقر ، احكام الزواج فى ضوء الكتاب و السنة .
54. www.stattimes.com
55. <https://azimar.bolgspot.com>
56. ابن القيم الجوزى ، زاد المعاد ، طبع مؤسسة الرسالة بيروت 1407 هجرى .
57. www.ahram.org/news/1007/41/243157 الاهرام
58. الموسوعة الفقهية الكويتية . وزارت الاوقاف و الشؤون الاسلامية ، كويت .
59. احمد ضياء الدين الحسين ، التربية الجنسية فى الاسلام / <https://jornal.unisza.edu.my>
60. انيس ابراهيم و آخرون ، المعجم الوسيط ، استنباول دار الدعوة 1972 .
61. الكرمى حسن سعيد ، الهادى الى اللغة العرب بيرون 1991 .
62. اشرف على تهانوى ، ازدواج اسلامى ، ترجمه محمد ابراهيم دامنى ، زهدان 1379 .
63. الاتحاد الدولى لتنظيم الاسرة ، اقليم العالم العرب .
64. الهادى عفيفى ، اصول الثقافة للتربية ، مكتبة الانجلو المصرية . القايره 1958 .
65. الفيروز آبادى ، القاموس المحيط .
66. احمد عمارى ، مكانة الصدق فى الاسلام .

67. الدكتور يوسف القرضاوى « الاجتهاد الانتقائى » سايت القرضاوى
2012/04/11 .
68. الدكتور يوسف القرضاوى ، مؤسسة الزكاة ، مؤسسة الرسالة ، بيروت ، لبنان
2001 ميلادى .
69. الدكتور يوسف القرضاوى موقف الإسلام من الإلهام ، مؤسسة الرسالة ، 2001
ميلادى .
70. الدكتور يوسف القرضاوى ، الحل الإسلامى فريضة و ضرورة ، مكتبة وهبة
لقاهره 2001 ميلادى .
71. الدكتور يوسف القرضاوى ، مشكلة الفقر ، مكتبة الأقصى ، عمان ، اردن .
72. الدكتور يوسف القرضاوى ، المرجعية العليا فى الإسلام للقرآن و السنة ، مكتبة
وهبة القاهرة 2001 ميلادى .
73. الدكتور يوسف القرضاوى ، الثقافة العربية الإسلامية بين الأصالة و المعاصرة ،
مؤسسة الرسالة 2001 ميلادى .
74. الدكتور يوسف القرضاوى ، بينات الحل الإسلامى و شبهات العلمانيين و
المغتربين ، مكتبة وهبة القاهرة 2003 ميلادى .
75. الدكتور يوسف القرضاوى ، كيف تتعامل مع السنة النبوية ، دار الشروق القاهرة
2002 ميلادى .
76. الدكتور يوسف القرضاوى ، دور القيم و الأخلاق فى الاقتصاد الإسلامى ،
مؤسسة الرسالة بيروت 2002 ميلادى .
77. الدكتور يوسف القرضاوى ، الحلول المستوردة ، مؤسسة الرسالة ، بيروت 2002
ميلادى .
78. الدكتور يوسف القرضاوى ، أوليات الحركة الإسلامية فى المرحلة القادمة ،
مؤسسة الرسالة 2001 ميلادى .
79. الدكتور يوسف القرضاوى ، ثقافة الداعية ، مؤسسة الرسالة 1997 ميلادى .
80. الدكتور يوسف القرضاوى ، الرسول و العلم ، مؤسسة الرسالة 2002 ميلادى .
81. الدكتور يوسف القرضاوى ، الشيخ الغزالى كما عرفته ، مؤسسة الرسالة 2001
ميلادى .

82. الدكتور يوسف القرضاوى ، من اجل صحوة راشدة ، المكتب الإسلامى 1995 ميلادى .
83. الدكتور يوسف القرضاوى وبيژگيهاى كلى اسلام ، ترجمه: جليل بهرامى نيا ، نشر احسان ، تهران 1379 .
84. الدكتور القرضاوى ، الحلال و الحرام فى الاسلام طبع دوم 1962 منشورات المكتب الاسلامى دمشق .
85. الدكتور يوسف القرضاوى ، فتاوى معاصرة ، المكتب الإسلامى 2000 .
86. الدكتور وهبة الزحيلي ، الوجيز فى الفقه الإسلامى ، دار الفكر ، دمشق 2006 .
87. الدكتور زهير الاعرجى ، النظام العائلى و دور الأسرة فى البناء الاجتماعى الاسلامى ،
https://booksrafed.net/view.php?type=c_fbook&b_id=269&page=79
88. الدكتور احمد الشرباصى «يسالونك فى الدين و الحياة» دار الجيل ، بيروت ،
جهت مطالعه كتاب مراجعه فرمايد : WWW.STOB5.COM/575318.HTM1
89. الدكتور عمر سليمان الاشقر - احكام الزواج فى ضوء الكتاب و السنة .
90. الدكتور محمد راتب النابلسى تاريخ 1997/7/26 www.nablsi.com
91. www.djelfa.info
92. الدكتور على ابو البصل ، الرجوع فى الهبة فى الفقه الاسلامى
www.alukah.net/sharia/0/98047/
93. الدكتور خالد النجار ، alnaggar66@hotmail.com ،
94. www.saaaid.net/mktarat/alzawaj/308.htm
95. <https://ar.islamway.net/fatwa/11408>
96. الدكتور جميل حمداوى ، مفهوم السعادة فى الفكر الاسلامى ،
<https://pulpit.alwatanvoice.com/content/print/114075/html>
97. الدكتور عبد الرحمن بن معلا اللويحق .
www.alukah.net/web/lwaiheq/0/95208/
98. الدكتور احمد الحجى الكردى شبكة الفتاوى الشرعية - www.islamic-fatwa.com/library/book/8/152
99. الدكتور موريس بوكاى ، القرآن الكريم و التوراة و الانجيل و العلم .
100. الدكتور مولاي المصطفى البرجاوى ، 2009/12/1
101. WWW.Alukah.net/social/0/8612/

- 102 . asrargynsih.blogspot.com/2011/06/blog-post.html
- 103 . الدكتور عبدالسلام ياسين : تنوير المؤمنات
- 104 . الدكتور طارق عبدالرؤف عامر ، أصول التربية الاجتماعية - الثقافية - الاقتصادية
- 105 . Education.iugaza.edu.ps/pdf
- 106 . الدكتور حسن الحيارى ، اصول التربية فى ضوء المدارس الفكرية الاسلاميا وفكريا.
- 107 . WWW.R1T.NET/RESEARCHES/TARAB/16.PDF بين تربيته و تعليم
- 108 . [HTTPS://DOWNLOAD-CHILDREN-PDF-EBOOKS.COM/23833-FREE-BOOK](https://download-children-pdf-ebooks.com/23833-free-book)
- 109 . الدكتور عبدالعزيز و الدكتور عبدالطيف ، مقدمة فى اصول التربية.
- 110 . DAR.BIBALEX.PRG/WEBPAGE.JSF?PID-JOB.55771
- 111 . الدكتور يخلف رفيقة المشكلات الاسرية و اثرها على تنشئه الطفل ، جامعة حسيبه بن بو على .
- 112 . الدكتور عبدالكريم بكار ، دليل التربية الاسرية طبع اول 2001 .
- 113 . www.almrsal.com
- 114 . European Council For Fatwa and Research , www.e-cfr.org
- 115 . الدكتور ظاهر مهدي البليلى ، دور المرأة فى الدعوة و اصلاح المجتمع
- 116 . الدكتور احمد الحجى الكردى شبكة الفتاوى الشرعية www.islamic-fatwa.com/library/book/8/152
- 117 . www.startimes.com/?t=24001233
- 118 . Jane Greer ' What about Me? Stop Sflfishness frm Ruining for Relationship ' forum-zar.com/f42/t391276
- 119 . الدكتور محمد شيخ عبدالله ، الاسرة المسلمة و تحديات الغربية المعاصرة ، مؤسسة الريان ، الطبعة الأولى 2007 .
- 120 . الدكتور زهير الاعرجى ، النظام العائلى و دور المرأة فى البناء الاجتماعى الاسلامى / https://booksrafed.net/view.php?type_c_fbook&_id=269&page=79
- 121 . الدكتور محمد شيخ عبدالله ، الاسرة المسلمة و تحديات الغربية المعاصرة ، مؤسسة الريان ، الطبعة الأولى 2007 .

122. الدكتور زهير الاعرجى ، النظام العائلى و دور المرأة فى البناء الاجتماعى الاسلامى / https://booksrafed.net/view.php?type_c_fbook&_id=269&page=79
123. الدكتور عثمان عوض السيد محمد ، أصول التربية العامة / repository.ous.edu.sd:8080
124. الدكتور سعيد بن على بن وهف القحطاني ، الخلق الحسن فى ضوء الكتاب والسنة ، السعودية مطبعة سفير.
125. الدكتور جميل حمداوى ، مفهوم السعادة فى الفكر الاسلامى / <https://pulpit.alwatanvoice.com/content/print/114075/html>
126. الدكتور عبدالرحمن معلا اللويحق ، www.path-2happiness.com/ar ، www.webteb/articles/13414
127. الدكتور محمد ذكى شافعى ، الازمات الزوجية وعلاجها.
128. الدكتور محمد سعيد رمضان البوطى ، تحديد النسل وقايتها وعلاجها.
129. الدكتور محمد راتب النابلسى ، www.nablsi.com/7/26/1997 ، www.djelfa.info
130. الدكتور موريس بوكاى ، القرآن و التربية الجنسية.
131. الدكتور عبدالسلام ياسين و سعيد مولاي التاح ، الجنس فى الاسلام من خلال مفردات القرآن.
132. الدكتور على ابو البصل الرجوع فى الهبة فى الفقه الاسلامى / www.alukah.net/sharia/0/98047
133. الدكتور على احمد السالوس ، الاقتصاد الاسلامى و القضايا الفقهية المعاصرة
134. الدكتور صلاح الصاوى و الدكتور عبدالله المصلح ، فقه المعاملات المالية، امريكا 2001.
135. الدكتور طارق عبدالروف عام ، اصول التربية الاجتماعية - الثقافية - الاقتصادية / Education.jugaza.edups/pdf
136. الدكتور عثمان عوض السيد محمد ، اصول التربية العامة / repository.ous.edu.sd:8080
137. الدكتور صالح بن غانم السدلان ، فقه الزواج.

140. الدكتور حسن الحيارى ، اصول التربية فى ضوء المدارس الفكرية الاسلامى وفكريا .
141. الدكتور عبد العزيز وكتور عبد الطيف ، مقدمة فى اصول التربية .
142. الدكتور ه صفاء محمد على مجاهد ، اصول التربية الاسلامية و القضايا المعاصرة ، دارالنشر الدولى 2011 .
143. www.jarir.com/arabic-books-457429.html
144. الدكتور حسن الحيارى ، اصول التربية فى ضوء المدارس الفكرية ، دارالامل للنشر و التوزيع 1993 .
145. الدكتور عبدالله ناصح علوان ، تربية الاولاد فى الاسلام ، دار السلام للطباعة و النشر ، حلب 1981 .
146. الدكتور انس احمد كرزون ، التخلف العلمى فى واقع المسلمين المعاصر .
147. الدكتور حسن محمد الحفناوى ، الاسرة المسلمة و تحديات العصر .
148. الدكتور عائشه عبدالرحمن الجلالى ، الاعلام و التوعية الاسرية فى المجتمع الجزائرى .
149. الدكتور جين غرير ، « What About Me? Stop Selfishness From Ruining Your Relationship »
150. الدكتور على أحمد السالوس ، الإقتصاد الإسلامى و القضايا الفقهية المعاصرة ، دار أم القرى للطباعة ، القاهرة 1997 .
151. الدكتور سعيد بن على بن عوف القحطانى ، الخلق الحسن فى ضوء الكتاب و السنة .
152. الدكتور محمد أمين المصرى ، المجتمع الإسلامى ، الطبعة الثالثة ، دار الأرقم ، الكويت 1403 .
153. الدكتور أنس أحمد كرزون ، التخلف العلمى فى واقع المسلمين المعاصر ، دار بن حزم 1999 .
154. الدكتور صالح بن غانم السدلان ، فقه الزواج ، الرياض 1416 .
155. بى بى سى در 15 ديسمبر 2017 . بى بى سى ، فارسى 12 مى 2018 .
156. بدران ؛ بدران ابو العينين ، الفقه المقارن للأحوال الشخصية ، بيروت دار النهضة العربية 1977 .

157. عفيف عبدالفتاح طيارة، روح الدين الإسلامي، دار العلم للملايين، طبع 33، 2003.
158. عبدالحميد كشك، بناء الاسرة المسلمة، المختار الإسلامي للنشر، القاهرة.
159. عبدالرحمن النحلاوي، دراسات في التربية الاسلامية. 1979 م.
160. عبدالرحيم، عبدالمنعم: علم السكان الاسس النظرية و الابعاد الاجتماعية، الاسكندرية المكتب الجامعي 1985.
161. عبدالرحمن النحلاوي، اصول التربية الاسلامية، دالفكر دمشق 2000.
162. علي خليل ابو العنين و آخرون، تأملات في علوم التربية كيف نفهمها، القاهرة الدار الهندسية 2004.
163. عبدالرحمن النحلا، اصول التربية الاسلامية دارالفكر دمشق.
164. عبدالله شفايي، احوال شخصيه در فقه و حقوق / [www.rasekhoon.net/articles/show/186306\(i\)](http://www.rasekhoon.net/articles/show/186306(i))
165. عبدالله ناصح علوان، تربية اولاد في الاسلام طبع بيروت 1980.
166. علي بن نايف الشحود، الخلاصة في الإسلام / www.almeshhkat.net/book/4151
167. عثمان طويل، التربية الجنسية في الاسلام للفتيان.
168. عبدالحميد الجلالى، العلاقات الاجتماعيه في القرآن، مكتبة دار السلام، الرياض 1415 هجرى.
169. علي بن نايف الشحود، الخلاصة في اصول التربية الاسلامي.
170. عبدالرحيم عبدالمنعم، علم السكان و الاسس النظرية و الابعاد الاجتماعى، الاسكندرية المكتب الجامعي 1985.
171. خالد حسن البعدانى، الصدق
172. خالد حسن محمد البعدانى (الصدق) www.jameatalman.org 1/11/2017
173. طلوع برنامه گلتمان دومى 2018
174. دار الإفتاء اثر العدول عن الخطبه - www.aliftaa.jo
175. سهام مهدي جبار، الطفل في الشريعة الاسلامية و منهج التربية النبوية
176. سعيد مولاي التاج: الجنس في الاسلام من خلال مفردات القرآن

177. سيد عبدالفتاح ، سعادة كما يراها المفكرون / لبنان مؤسسة عزالدين للطباعة والنشر.
178. سيد عبدالفتاح ، السعادة كما يراها المفكرون ، لبنان : مؤسسة عزالدين للطباعة والنشر.
179. شهلا اعزازی ، جامعه شناسی خانواده تهران انتشارات روشنگران و مطالعات زنان 1385.
180. شلتوت : الفتاوى دراسة لمشكلات المسلم المعاصر فى حياته اليوميه العامة .
181. پیشنهاد بانگ جهانی برای اصلاحات اقتصادى برای مصر ماده: 4.
182. قانون الاحوال الشخصيه لغير المسلمين فى مصر و لبنان
183. خالد بن حامد الحازمى ، أصول التربية الاسلامية ، [HTTPS://WWW.KATUB-PDF.COM/BOOK/](https://www.katub-pdf.com/book/) ، اصول التربية الاسلامية
184. حقيقة السعادة 2017/21/11 www.saaaid.net
185. يوسف مدن ، التربية الجنسية للاطفال و البالغين ؛ بيروت دار المحجة البيضاء.
186. حسن مصطفى عبدالمعطى ، الاضطرابات النفسية فى الطفوله و المراهقة القاهرة.
187. صافى التعليقات المرضية.
188. حسان شمسى باشا ، كيف تربي ابناءك فى هذا الزمان ، دمشق دارالقلم 2001.
189. حسنين محمد مخلوف ، فتاوى شرعية و بحوث إسلامية ، دارالاعتصام.
190. صفاء خالد حامد زين <https://scholar.najah.edu> تنظيم النسل
191. نورصفى الدين / اسس التربية فى الاسلام
192. خالد محمد حامد الحازمى / اصول التربية الاسلامية
193. قطب، سيد ، خصائص التصور الاسلامى
194. قاموس عربى - فارسى www.almaany.com
195. منبر الاسلام ، العدد الاول 1385./1965 .

196. مجلة المسلمون عدد 27 اگست 1982.
197. مجلة رساله الخليج العربى ، السعوديه 2011 م عدد 19. www.zuj.edu.jo
198. مجلة البيان ، انترنت. العدد 165. jamal-al-khaladi-7pdf
199. مجله التربيه ، التيفزيون وأثره على الأطفال و المراهقين، العدد 33.
200. منتديات سيدتى ، HTTP://WWW.ALARABY.CO.UK/PORTAL
201. منتدى الحياه الزوجى ، دليل النساء المتزوجات / Forum.z4ar.com/142/1436276.htm
202. منتديات سيدتى / www.alaraby.co.uk/portal
203. www.startimes.com/?t=24001233 مجله البحوث الاسلامى ربيع الاول
- www.alifta.net / 1431
204. منتدى الحياه الزوجى ، دليل النساء المتزوجات ، forum.z4ar.com/142/1436276.htm
205. مشروع قانون الأحوال الشخصية الموحد ، دارالقلم ، دمشق ، الطبعة الأولى 1996 .
206. مروان القيسى ، الاسلام والمسأله الجنسية
207. مجله المنتدى . الحياه الزوجية / forum.z4ar.com/fl40/t46431.htm
208. مختار الصحاح ، ترتيب محمود خاطر ، دارالنهضة مصر للطباعة و النشر ، الفجالة ، القاهره
209. موسوعة الاخلاق الاسلاميه.
210. مودودى ، حركة تحديد النسل
211. مجموع فتاوى شيخ الإسلام احمد بن تيمية ، المدينة المنوره 1398 هجرى.
212. مجلة رساله الخليج العربى / السعوديه 2011 عدد 19.
213. منبر الاسلام ص 69 المجله 23 العدد الاول 1385 1965.
214. محمد ياسين نسيمى ، پوهنيار ، رهنماى امور خانواده در اسلام ، ناشر: انتشارات سعيد 1391.
215. محمد بن صالح العثيمين ، دور المرأة فى إصلاح المجتمع .
216. محمد خير ، فاطمة ، منهج الاسلامى فى تربيه عقيدة الناشئ .

217. محمد متولى الشعراوى ، الفقه الميسر و أدلته الشرعية، المكتبة العصرية ،بيروت 2006.
218. مروان القيسى ، الاسلام و المسالة الجنسية.
219. مصطفى الفرافعى ، كلمة و كلمة ، جمع و عناية : حسن السماحى سويدان دار ابن كثير دمشق.
220. مختار الصحاح و المصباح المنير
221. مجلة رسالت الخليج العربى .
222. موسوعة الاخلاق الاسلامية.
223. مرجع در اصول تربيه اسلامى // almoslim.net/node/127458/
224. منتديات سكاو / www.skaau.com
225. <https://www.scribd.com>
226. WWW.NABULSI.COM / تربيه الاولاد فى الاسلام
227. HAJIMET.NET
228. مهدي احمد پور.
229. محمود الصباغ / السعادة الزوجية فى الاسلام
230. محمود السيد سلطان / مسيرة الفكر التربوي عبر التاريخ . دارالمعارف القاهرة 1997
231. محمد الهادى عفيفى فى اصول التربية / مكتبة الانجلو المصرية القاهرة 1977
232. محمد الغزالى ، هموم داعية ، دار الكتب العلمية ، بيروت.
233. محمد الغزالى ، فقه السيرة ، دار القلم ، دمشق 1998 ميلادى.
234. محمد الغزالى ، خلق المسلم ، دار الكتب الإسلامية 1983 ميلادى.
235. محمد الغزالى ، السنة النبوية بين أهل الفقه و أهل الحديث ، دار الشروق طبع دهم 1992 ميلادى.
236. محمد الغزالى ، كيف نفهم الإسلام ، دار القلم بيروت 2000 ميلادى.
237. محمد الغزالى ، تراثنا الفكرى فى ميزان الشرع و العقل ، دار الشروق ، طبع سوم 1992 ميلادى.
238. محمد الغزالى / الحق المر.
239. محمد الغزالى ، فقه السيرة ، دار القلم ، دمشق 1998.

240. مصطفى أحمد الزرقاء ، المدخل الفقهي العام ، 1967.
241. مصطفى الزرقا ، تقديم الدكتور يوسف القرضاوى ، فتاوى ، دار القلم ، دمشق 1999.
242. محمود السيد سلطان 1979 مسيرة الفكر التربوي عبر التاريخ دار المعارف القاهرة.
243. محمد الهادى عفيقى 1977 فى اصول التربية مكتبة الانجلو المصرية القاهرة.
244. مجدى محمد الشهادى و عزيز احمد العطار: تحفة العروس.
245. معوض عبدالنواب ، موسوعة الاحوال الشخصية www.neelwafurat.co
246. محسن عطوى الجنس من منظور اسلامى ، بيروت دار التعارف للمطبوعات 1402.
247. محمد مهد الاستانبولى تحفة العروس ، مكتبة المعارف للنشر و التوزيع ، الرياض.
248. محمد ابو زهرة ، موسوعة الفقه الاسلامى القاهرة 1965 ميلادى.
249. محمد ابو زهره ، الأحوال الشخصية القاهرة 1369 / 1950.
250. محمد ابو زهرة ، محاضرات فى عقد الزواج و آثاره ، دار الفكر العربى.
251. محمد الهادى عفيقى: فى أصول التربية ، الاصول الثقافية للتربية القاهرة مكتبة الانجلو المصرية 1985.
252. محمد مصطفى شلبى / احكام الاسرة فى الاسلام 1977 / www.neelwafurat.comt/
253. www.read.com/book/show/91347711
254. محمد قطب ، منهج التربية الاسلامى دار الشروق 1982.
255. محمد قطب ، واقعنا المعاصر.
256. محمد ، قطب ، منهج التربية الإسلامية ، دار الشروق ، بيروت ، 1403 .
257. محمد ، قطب ، مذاهب فكرى معاصرة ، مؤسسة المدينة للصحافة ، جدة.
258. محمد ، قطب ، خصائص التصور الاسلامى.
259. محمد محمود الصواف ، حكمت در تعدد زوجات پیغمبر اسلام صلى الله عليه وسلم ، ترجمه: شهيد حافظ الحاج محمد افضل احرارى ، از نشرات فقه اسلامى ، امريكا .

260. محمد جواد مغنیه ، الفقه علی المذاهب الخمسة ، الطبعة السابعة 1982.
261. مولوی عبدالقدیر شهاب ، اسلام چیست و ایمان چیست ؟ از نشرات فقه اسلامی امریکا 2009.
262. میرزاهد قاری ، حسادت- اسباب و علاج- نشرات فقه اسلامی امریکا ، مارچ 2013.
263. محمد أسعد طلس-التربیة و التعليم فی الاسلام .
264. مجددی ، فضل غنی مجددی ، بحث های دینی و فتوا های فقهی جلد اول ، از نشرات فقه اسلامی امریکا.
265. مجددی ، فضل غنی ، روش فکر معاصر اسلامی جلد اول ، از نشرات فقه اسلامی آمریکا 2016.
266. مجددی ، فضل غنی ، مطالعه تمهیدی عصر رسالت و خلافت راشد ، از نشرات فقه اسلامی امریکا 2017.
267. مجددی ، فضل غنی ، مطالعه تمهیدی در فقه حنفی و جعفری - توافق و تفاوت - طبع چهارم امریکا 2007م.
268. مجددی ، فضل غنی ، خانواده در اسلام ، طبع دوم امریکا 2007م .
269. مجددی ، فضل غنی ، فقه اقلیتهای اسلامی در غرب ، امریکا 2007.
270. مجددی ، فضل غنی ، ایمان و توحید ، ترونتو ، کانادا 2010.
271. مجددی ، فضل غنی ، انتخاب شریک زندگی ، ترونتو ، کانادا 2012.
272. مجددی ، فضل غنی ، سیرت نبوی صلی الله علیه و سلم ، سندیاگو 2010.
273. مجددی ، فضل غنی ، مقام سنت و حدیث در اسلام ، امریکا 2012.
274. مجددی ، فضل غنی ، مراحل تکوین تصوف و حرکت اصلاحی آن ، امریکا 2009.
275. مجددی ، فضل غنی ، مطالعه تمهیدی در سنت و حدیث نبوی صلی الله علیه و سلم جلد اول. نشرات فقه اسلامی ، شماره 106 ، امریکا سپتمبر 2012.
276. وکیداپدیا ، دانشنامه ، <https://fa.wikipedia.org/wiki/> خانواده .
277. کلمه و کلیمه» از مصطفی الرافعی ، جمع و عنایة: حسن السماحی سویدان ، دار ابن کثیر دمشق 143 هجری .
278. www.hawaalive.com

- . www.islamicmedicine.org/qaz.htm .279
- Http://saaid.net/tarbiah/6.htm .280
- http://www.alminbar.net/alkhutabaa.asp?mediaURL=5251 .281
- http://www.saaid.net/tarbiah/43.htm .282
- Rasoy.ahlamontada.net/t49-topic .283
- www.hespress.com/writers/280127.html .284
- www.wattpad.com/115353 .285
- www.alwasatnews.com/news/1026694.html .286
- ww.alislal.ma .287
- https://ar.islamway.net .288
- https://fatwa.islamonline.net/286 .289
- https://Imarabic.com/brith-conrntol/couples-who-contraception-
have-sex .290
- www.marefa.org تنظيم النسل .291
- weziwezi.com ما الفرق بين تحديد النسل و تنظيم النسل .292
- https://ar.wikipedia.org/wiki/تنظيم النسل .293
- www.marefa.org تنظيم النسل .294
- https://islamqa.info/ar/231777 .295
- HTTPS://AR.WIKIPEDIA.ORG/WIKI/تاريخ - تحديد النسل .296
- كلية التربية الاساسية / BASIC EDUCATION COLLEGE .297
- WWW.UOBABYLON.EDU.IQ/UOBCOLEGES/LECTURE.A .298
- SPX?FID=11&LCID=38935
- Jane Greer , What about Me? Stop Slfishness from Ruining Tour .299
- Relationship
- www.alukah.net/social/0/35277/ and /0/803 .300
- .301
- WWW.FAYONM.EDU.EG/ قسم أصول التربية، كلية التربية -
جامعة الفيوم .302
- DAMASUNIV.EDU.SY .303
- نور صفى الدين .304
- https://tipyan.com/education-in-islam .305
- Mawdoo3.com .306
- Kenanaonline.com/dalayassin .307
- www.aludah.net/sharia/0/69635) .308
- https://archive.com/book.php/565 .309

- www.isnad.info/2018/04/01 .310
- https://al-mostafa.info/data/arabic/deport/gap.php?file=m012492 .311
- www.nashreedalat.ir/ بانک مقالات حقوقی ، نشر عدالت .312
- www.aljazeera.net/13/1/2005 .313
- library.islamweb.net المكتبة الإسلامية .314
- https://fa.wikipedia.org/wiki/ .315
- https://meemmagazine.net/2017/11/25 .316
- .317
- www.eltnmyaelbshria.com/2015/03/happy-married-life21.htmi .318
- Difficulties Married Face'usccb.org"Marriage Britannice" Finding .319
- Help When Your Marriage is in Trouble "
- www.sexogsamfund.dk .320
- Jamal-al-khaladi-7pdf .321
- www.marefa.org / تنظيم النسل / .322
- صفا خالد حامد زین / تنظيم النسل فى الفقه الاسلامى / .323
- https://scholar.najah.edu
- Weziwezi.com / ما الفرق بين تحديد النسل وتنظيم النسل .324
- https://Imarabic.com/brith-control/couples-who-contraception- .325
- have-sex
- Human Peproduction In Islam .326
- Mohammad Higab / That is Islam(Fath, and Good manners) .327
- www.mawdoo3.com :Newmuslimguide.com .328
- www.webteb/articles /13414 .سازد .329
- www.webteb.com/articles/10318 .330
- جماعة العدل والإحسان ، https://www.aljamaa.net/ar/2012/09/27 .331
- دكتور صلح عبد الكريم . https://drsalihad.com/dr/items/show/439 .332
- Httpx://www.ana7waa.com .333
- www.eltnmyaelbshria.com/2015/03/Happy-married- .334
- life_21.htmi
- www.aljazeera.net/2004/6/3 .335
- muslims-hower.blogspot.com/2010/04/blog_08.htmi .336
- ما_هو_الصدق / .337
- .www.alukah .net/social/0/1506 .338

- .www.al-eman.com .339
- Difficulties Married Face'usccb.org- " Marrige" .340
 "Britannica.com" – Finding Help When Your Marriage Is in Trouble"
 foryourmarrige.org"
- .www.stob5.com/733920.htmi .341
- mawdoo3.com .342
- nabulsi.com/biue/ar/art.php .343
- www.denana.com .344
- Alnaggar66@hotmail.com .345
- www.saaid.net/mktarat/alzawaj/308.htm .346
- www.edhh.org .347
- islamqa.info/ar/130860/4/22/2018 .348
- https://www.islamic-fatwa.com/library/book/15/256 .349
- figh.islammessage.com .350
- www.startimes.com .351
- https://azimar.bolgsport.com .352
- https://book.google.com/books?isbn=9796500022215 .353
- www.hazara.net/downloads/docs/shia-law-original.pdf .354
- www.alkhaleej.ae .355
- .www.akhbarona.com/religion/197122.html .356
- http://ar.wikipedia.org/wiki/حقوق الزوج فی الاسلام و .357
- consult.islamweb.net
- https://binbaz.org .358
- www.edhh.org .359
- . https://islamqa.info/ar/269847 و mawdoo3.com معنی القوامه (.360
- https:// meemmagazine.net/2017/11/25 / القوامه حق - للمراه - .361
- لیست - تفضیله - للرجل .
- www.akukah.net/social/0/6884/ .362
- Islamweb.net/fatwa/index.php?page=showfatwa...id .363
- www.denana.com .364
- https://www,mobt3ath.com/uplode/book/book-207.pdf .365
- www.alukah.net/social/0/2118/ .366
- Fatwa.islamweb.net .367
- https://islamqa.info/ar/10680 .368
- nabulsi.com/blue/ar/art.php .369
- www.path-2-happiness.com/ar/طریق - السعادة .370

- <https://ar.islamway.net/artical/26075> .371
[www.aljazeera .net2004/6/3](http://www.aljazeera.net/2004/6/3) .372
www.maganin.com آداب طلاق فی الإسلام .373
www.sexogsamfund.dk .374
احمد ضیاء الدین الحسین .375
<https://journal.unisza.edu.my> .376
www.nabulsi.com .377
[www.ar.wikipedia.org/wiki / دعارة](http://www.ar.wikipedia.org/wiki/دعارة) .378
www.almaany.com/ar/dict/ar/صدق .379
<https://makarem.ir> .380
Tahoor.com/fa/article/view/112353 .381
<https://dictionary.abadis.ir/fatofa/صدق> .382

